

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب فصلنامه قضایی پائیز ۸۶

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۹
بخش اول: قوانین مصوب مربوط به قوه قضاییه.....	۱۰
۱ - قانون پروتکل اصلاحی موافقتنامه قضایی در زمینه های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان وانتقال محکومان به زندان وتصفیة ترکه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه.....	۱۲
۲ - قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده همکاری در ثبت اختراعات.....	۱۳
بخش دوم: آراء وحدت رویه و اصراری دیوان عالی کشور.....	۱۸۷
۱ - رأی وحدت رویه شماره ۷۰۲ - ۸۶/۵/۲ هیأت عمومی راجع به صلاحیت شورای اصلاحات ارضی نسبت به اصلاح اسناد مربوط به نسقه های زراعی.....	۱۸۸
۲ - رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ - ۸۶/۳/۲۲ هیأت عمومی راجع به صلاحیت دادگاه های رسیدگی کننده به دعوی مطالبه نفقه....	۲
۳ - رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ - ۸۶/۷/۲۴ هیأت عمومی راجع به صلاحیت دادگاه های عمومی وانقلاب در رسیدگی به اتهام اخلاخل در نظام اقتصادی کشور.....	۱۹۶
بخش سوم: آراء وحدت رویه و... هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.....	۲۰۰
۱ - رأی شماره ۱۹۶ هیأت عمومی در ابطال بخشنامه سازمان ثبت اسناد و املاک مبنی بر الزام دفترخانه به افتتاح حساب قرض الحسنه.....	۲۰۲
۲ - رأی شماره ۳۱۶ هیأت عمومی در ابطال بند ۶۳ مصوبه ۷۹/۱۰/۶ شورای اسلامی شهر ارومیه مبنی بر وضع عوارض متعلقه در حین تفکیک و افراز اراضی.....	۲۰۴
۳ - رأی شماره ۳۱۹ و ۳۲۰ هیأت عمومی در ابطال بخشنامه ۸۳/۲/۲۴ - ۱/۳۴/۴۱۹۵ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تغییر محل دفتر خانه.....	۲۰۷
۴ - رأی شماره ۲۹۱ هیأت عمومی در ابطال ردیف ۶ بند (ب) دستورالعمل شماره ۲۰۲۰/۱۵۹۲۹ - ۸۴/۲/۲۷ سازمان تأمین اجتماعی در احتساب حقوق بازنشستگی.....	۲۰۹
۵ - رأی شماره ۲۷۳ هیأت عمومی در ابطال بخشنامه شماره ۲/۲۲/۳۴۰۳۷ - ۷۸/۶/۳۱ سازمان امور اداری و استخدامی کشور در محدود کردن دایره شمول قانون نظام هماهنگ پرداخت.....	۲۱۱
۶ - رأی شماره ۳۲۱ هیأت عمومی در ابطال بند یک نظریه ۷۷/۳/۱۳ کمیسیون مدیران ستادی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور دایر بر عدم ورود هیأت عمومی در اعتراض نسبت به نظریات مشورتی.....	۲۱۳

- ۷- رأی شماره ۳۲۶ هیأت عمومی در ابطال دستورالعمل جذب و پذیرش نیروی انسانی در صنعت نفت به شماره ۳۵۶-۲۸/۱ مورخ ۸۱/۲/۹..... ۲۱۵
- ۸- رأی شماره ۱۸۱ هیأت عمومی در ابطال بند ۴۸ مجموعه بخشنامه ها ثبتی تا مهر ۱۳۶۵ و دستورالعمل ۱۳۴/۱۵۲۷۳-۱ مورخ ۸۰/۵/۲ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در الزام دفاتر اسناد در جلب موافقت اتحادیه در تنظیم اجاره نامه..... ۲۱۷
- ۹- رأی شماره ۲۸۶ و ۲۸۷ هیأت عمومی در ابطال تبصره ماده ۱۰ آیین نامه نحوه و ترتیب پذیره و اهدایی موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۰۷۸-۶۵/۲/۲۲ هیأت وزیران در موردی موافق نظرش عدم اخذ پذیره بوده است..... ۲۱۹
- ۱۰- رأی شماره ۲۹۲ و ۲۹۳ هیأت عمومی در ابطال دستورالعمل های شماره ۱۵۶۶/ب ط ه م مورخ ۸۲/۱۰/۲۹ و ۱۰۲۸/ب ط ه م مورخ ۸۳/۸/۱۶ شرکت ملی پالایش و فرآورده های نفتی ایران مبنی رفع و تبعیض از فارغ التحصیلان دانشگاه های مختلف ۱
- ۱۱- رأی شماره ۲۸۴ هیأت عمومی در عدم ابطال دستورالعمل شماره ۲۹۰/۲۴۱۰۲/۲۶۳۶۰۲۸ مورخ ۸۳/۹/۹ گمرک ایران در تعیین بهای کالای وارداتی..... ۲۲۳
- ۱۲- رأی شماره ۳۰۸ هیأت عمومی در ابطال بخشنامه ۴۰۲۰/۹۹۰۸۲ مورخ ۸۲/۱۰/۲۹ سازمان تأمین اجتماعی در نفی پرداختهای سازمان به مراکز غیر طرف قرارداد..... ۲۲۵
- ۱۳- رأی شماره ۲۷۵ هیأت عمومی در ابطال بخشنامه ۸۹۰۳۹/۷۶۰-۱۳۸۴/۱۲/۲۲ سازمان آموزش و پرورش آذربایجان شرقی در وضع قواعد آمره مورد مأموریت کارکنان ۲۲۸
- ۱۴- رأی شماره ۱۹۷ هیأت عمومی در عدم اجرای طرح دولتی در ملک شاکی که موجب حق اعمال حقوق مالکانه دانسته شده ۰
- ۱۵- رأی شماره ۳۴۸ هیأت عمومی در مطالبه نیم درصد عوارض از شرکتهای واقع در شرکت های صنعتی توسط شهرداریها..... ۲
- ۱۶- رأی شماره ۳۴۹ هیأت عمومی در انتقال از محل خدمت..... ۲۳۳
- ۱۷- رأی شماره ۲۷۲ هیأت عمومی در شمول قانون کار به کارگران فرهنگسرای ۱۹ دی قم..... ۲۳۴
- ۱۸- رأی شماره ۲۰۰ هیأت عمومی در حق الثبت خرید مدرسه غیر انتفاعی..... ۲۳۶
- ۱۹- رأی شماره ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ هیأت عمومی در تغییر نوع استخدام از رسمی آزمایشی به پیمانی..... ۲۳۸
- ۲۰- رأی شماره ۳۸۳ هیأت عمومی در عدم تأثیر هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادشان قطعی شده است..... ۲۳۸
- ۲۱- رأی شماره ۳۸۳ هیأت عمومی در اعلام تعارض در دو رأی دیوان عدالت ۲۴۰
- ۲۲- رأی شماره ۱۹۸ هیأت عمومی در نحوه اعمال ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان ۲۴۲
- ۲۳- رأی شماره ۳۵۵ هیأت عمومی در ابطال ماده ۲ دستورالعمل نحوه اجرای قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران..... ۲۴۴
- ۲۴- رأی شماره ۵۰۷ هیأت عمومی در ابطال قسمتی از اساسنامه شرکتهای وابسته به شهرداری ۲۴۶
- ۲۵- رأی شماره ۵۰۴ و ۵۰۵ هیأت عمومی در ابطال مصوبه ۵۸ نشست شورای آموزش پزشکی ۲۴۹
- ۲۶- رأی شماره ۳۳۸ در ابطال مصوبه اخذ عوارض عینی از استخرهای خصوصی مصوبه شورای اسلامی شهر تهران ۱
- ۲۷- رأی شماره ۲۰۱ هیأت عمومی در ابطال بخشنامه شماره ۱۱۰۰/۲۳۳۷۸ پ - ۸۳/۶/۱۱ معاون بیمه و درمان سازمان بیمه

خدمات درمانی کشور..... ۲۵۳

۲۸ - رأی شماره ۴۳۷ - ۴۳۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال مصوبه بیست و چهارمین جلسه ۸۳/۱۰/۲۹ شورای

اسلامی شهر تهران در تعیین عوارض تغییر کاربری املاک واقع در طرحهای دولتی..... ۲۵۵

۲۹ - رأی شماره ۵۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال قسمتی از تصویب نامه ۱۳۹۵/ت/۱۶ هـ - ۷۳/۲/۶ هیأت

وزیران در اینکه تفنگهای باری در زمره سلاحهای جنگی نیست..... ۲۵۷

۳۰ - رأی شماره ۳۵۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال دستورالعمل شماره ۸۳/۸/۲۶ - ۴۰۲/۰۱/۲۵۰/۱ ح/ق - نیروی

انتظامی در خصوص نحوه تعامل با مقامات قضایی..... ۲۶۰

۳۱ - رأی شماره ۲۶۰ هیأت عمومی در ابطال دستورالعمل ۸۳/۴/۸ وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت صنایع و معاون در

کیفیت تشخیص کارگران مازاد و تعیین تکلیف آنها..... ۲۶۲

۳۲ - رأی شماره ۳۵۴ هیأت عمومی در ابطال ماده ۱۴ آیین نامه ستاد مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۸ در نحوه هزینه کردن

جریمه‌های مأخوذه..... ۲۶۶

۳۳ - رأی شماره ۶۸۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در اصلاح دادنامه شماره ۲۰۶ - ۸۳/۵/۲۵ هیأت عمومی..... ۲۶۸

۳۴ - رأی شماره ۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص ابطال ماده ۳۹ آیین نامه تقاضا و اشتراک تلفن ثابت..... ۱

۳۵ - رأی شماره ۳۸۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص ابطال بخشنامه شماره ۵۸۱۸۰/۶۰۳۶۲/۲۵۰ مورخ

۸۳/۱۱/۱۱ اداره آموزش و پرورش شهرستان سقز..... ۲۷۳

۳۶ - رأی شماره ۳۳۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص پرداخت مستمری به پدر و مادر افراد و پرسنل متوفای

نیروهای مسلح..... ۲۷۵

۳۷ - رأی شماره ۳۴۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در عدم امکان الزام قانونی به پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه توسط

وزارت جهاد کشاورزی به سازمان تأمین اجتماعی..... ۲۷۷

۳۸ - رأی شماره ۳۶۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص کارکنان شرکتهای تعاونی مصرف..... ۲۷۹

۳۹ - رأی شماره ۴۹۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص فوق‌العاده اشتغال مأموریت خارج از کشور..... ۲۸۱

بخش چهارم: آیین نامه و دستورالعمل‌های مربوط به قوه قضاییه ۲۸۳

۱ - دستورالعمل مواد ۸ و ۱۵ و تبصره ۲ آیین نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم..... ۲۸۴

۲ - دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث..... ۲۸۹

۳ - دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیرمجاز موضوع ماده ۱۰..... ۲۹۳

۴ - آئین نامه اجرایی (ماده ۳۲) قانون تجارت الکترونیک - مصوب ۱۳۸۲..... ۲۹۵

۵ - اصلاحیه تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۴/۵/۲۳..... ۳۰۳

۶ - آیین نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری..... ۳۰۵

۷ - آیین نامه نظام جامع اطلاع رسانی قوه قضائیه..... ۳۰۸

۸ - آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان تهران..... ۳۱۶

بخش پنجم: بخشنامه‌های قوه قضائیه ۳۲۷

- ۱ - اعطای مرخصی به زندانیان ۳۲۸
- ۲ - نمونه مکاتبات دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث ۳۲۹
- ۳ - تذکراتی در جلوگیری از اطاله دادرسی ۳۳۲
- ۴ - ممنوعیت وکیل از وکالت در مورد قبلاً قضاوت کرده ۳۳۴
- ۵ - رعایت پوشش کامل اسلامی ۳۳۵
- ۶ - لزوم دقت در تنظیم گزارشات پرونده های موضوع ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۸ (اصلاحی) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۳۳۶
- ۷ - لزوم تکمیل مشخصات افراد ممنوع معامله ظرف ۳ ماه ۳۳۷
- ۸ - صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و رسیدگی شوراهای حل اختلاف در اموال دولتی ۳۳۸
- ۹ - لزوم رعایت اصول حفاظتی و مراقبت از پرونده ها ۳۳۹
- ۱۰ - لزوم کنترل پرداخت اقساط بدهی محکومیت های مالی ۳۴۰
- ۱۱ - اعطای مرخصی به محکومان زندانی ۳۴۱
- ۱۲ - مغایر شرع بودن ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب سال ۵۱ ۳۴۲
- ۱۳ - تفویض اختیار به رؤسای کل دادگستری ها در انتخاب عضو حقوقدان مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی کارشناسان ۳

بخش ششم: نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه ۳۴۵

- ۱ - خلع ید ورأی وحدت رویه شماره ۶۷۲-۸۳/۱۰/۱ ۳۴۶

از آنجائی که تکلیف قانونی مندرج در اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امر مدنی قاضی را مکلف به پیدا کردن حکم قضیه در متون قانونی یا منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر در رسیدگی به دعوا و حل و فصل منازعات می نماید و جمع آوری متون قانونی و آراء و مدت رویه صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری و بخشنامه ها و آیین نامه های مرتبط با رسیدگی قضایی و نظریات مشورتی صادره از اداره حقوقی قوه قضائیه کمک زیادی به این هدف می نماید فلذا به مانند روش گذشته معاونت آموزش قوه قضائیه با هدف فراهم آوردن منابع است اول صادره از مراکز قانونی و مشورتی کشور فصل نامه شماره ۸ قوه قضائیه را که اختصاص به فصل پاییز دارد حضور همکاران محترم و نظر قضایی تقدیم می دارد، باشد که این گام به همکاران قضایی در رسیدگیها و محاکمات و حل و فصل اختلافات و منازعات، کمک نماید.

و ما توفیقی الا با... علیه توکلت و الیه انیب

معاونت آموزش قوه قضائیه

بخش اول

قوانین مصوب مربوط به قوه قضائیه

از مهر ماه سال ۱۳۸۶ لغایت آذر ماه سال ۱۳۸۶

قانون پروتکل اصلاحی موافقتنامه همکاری قضائی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه،

استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه بین دولت

جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه

ماده واحده - پروتکل اصلاحی موافقتنامه همکاری قضائی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

پروتکل اصلاحی موافقتنامه همکاری قضائی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری،

احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه بین دولت

جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه در راستای گسترش همکاریهای قضائی فی‌مابین، جهت اصلاح موافقتنامه همکاری قضائی بین دو کشور که در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۵ هجری شمسی برابر با ۱۹۹۹/۵/۱۵ میلادی به امضاء طرفین رسیده و لازم‌الاجراء گردیده است به شرح ذیل توافق نمودند:

بند (۱)

در بند پنجم ماده (۶۷) موافقتنامه عبارت «جرم مواد مخدر یا» حذف می‌گردد.

بند (۲)

این پروتکل مطابق ماده (۹۹) موافقتنامه لازم‌الاجراء و جزء لاینفک موافقتنامه محسوب می‌گردد.

این پروتکل اصلاحی با یک مقدمه و دو بند در تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۹ هجری شمسی برابر با ۲۰۰۶/۸/۱۰ میلادی در شهر دمشق در دو نسخه به زبانهای فارسی و عربی تنظیم و به امضاء نمایندگان دو کشور رسید.

از طرف

دولت جمهوری عربی سوریه

از طرف

دولت جمهوری اسلامی ایران

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه، شامل پروتکل اصلاحی در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ پانزدهم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۳۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده همکاری

در ثبت اختراعات

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به معاهده همکاری در ثبت اختراعات مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۴۹ هجری شمسی (برابر با ۱۹ ژوئن ۱۹۷۰ میلادی) - اصلاح شده در ۶ مهر ۱۳۵۸ هجری شمسی (۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ میلادی) و تجدیدنظر شده در ۱۴ مهر ۱۳۶۲ هجری شمسی (۳ فوریه ۱۹۸۴ میلادی) و ۱۱ مهر ۱۳۸۰ هجری شمسی (۳ اکتبر ۲۰۰۱ میلادی) - ملحق گردد و اسناد الحاق را نزد امین اسناد معاهده تودیع نماید.

تبصره ۱- موارد حق شرط مقرر در ماده (۶۴) معاهده برای دولت جمهوری اسلامی ایران محفوظ است و دولت در صورت اقتضاء می‌تواند نسبت به اسقاط حق شرطهای مقرر در ماده مزبور اقدام نماید.

تبصره ۲- اعمال مفاد ماده (۵۹) معاهده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران منوط به رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

تبصره ۳- لازم‌الاجراء شدن اصلاحیه‌های ناشی از اجراء بند (ب) جزء (۳) ماده (۶۱) معاهده منوط به تصویب در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

معاهده همکاری در ثبت اختراعات

کشورهای متعاهد،

با ابراز علاقه به مشارکت در پیشرفت علم و تکنولوژی،

با ابراز علاقه به تکمیل حمایت قانونی از اختراعات،

با ابراز علاقه به تسهیل و کم هزینه کردن کسب حمایت برای اختراعات در موردی که کسب حمایت در چند کشور مورد نظر باشد،

با ابراز علاقه به ترویج و تسریع توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه از طریق اتخاذ تدابیری در سطح ملی و منطقه‌ای با هدف افزایش کارایی نظامهای حقوقی آنان در زمینه حمایت از اختراعات از طریق ارایه اطلاعات سهل‌الوصول درباره دسترسی به راه‌حلهای فناوری قابل اعمال نسبت به نیازهای خاص آنان و تسهیل در دسترسی به حجم دائماً فزاینده فناوری نوین،

و با اعتقاد به این که انجام همکاریها بین کشورها، نیل به اهداف فوق‌الذکر را تا حد زیادی تسهیل خواهد نمود، این معاهده را بین خود منعقد ساخته‌اند.

مقررات مقدماتی

ماده ۱- تأسیس اتحادیه

۱- کشورهای طرف این معاهده (که از این پس «کشورهای متعاقد» نامیده می‌شود) اتحادیه‌ای را به منظور همکاری در تسلیم اظهارنامه، جست و جو و بررسی اظهارنامه‌های حمایت از اختراعات و ارائه خدمات خاص فنی تشکیل می‌دهند. این اتحادیه به نام «اتحادیه بین‌المللی همکاری در ثبت اختراعات» نامیده خواهد شد.

۲- هیچ‌یک از مقررات این معاهده در جهت تضعیف حقوقی که به موجب مقررات مندرج در کنوانسیون پاریس برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی برای اتباع یا مقیمین کشورهای عضو آن کنوانسیون مقرر گردیده تفسیر نخواهد شد.

ماده ۲- تعاریف

در این معاهده و آیین نامه مگر این که به گونه دیگری به صورت صریح ذکر شده باشد:

۱- «اظهارنامه» به اظهارنامه‌ای برای حمایت از یک اختراع اطلاق می‌شود و اشاره به «اظهارنامه» به معنای اشاره به اظهارنامه‌های گواهی ثبت اختراعات، گواهینامه مخترعین، گواهینامه‌های اختراع اشیاء مصرفی، گواهینامه مدل‌های اشیاء مصرفی، ورقه اختراع تکمیلی یا گواهینامه تکمیل اختراع، گواهینامه تکمیل اختراع مخترعین و گواهینامه تکمیل اشیاء مصرفی خواهد بود.

۲- اشاره به «ورقه اختراع» به اشاره به ورقه ثبت اختراعات، گواهینامه مخترعین، گواهینامه ثبت اختراع اشیاء مصرفی، گواهینامه ثبت مدل‌های مصرفی، گواهینامه تکمیل اختراع، گواهینامه تکمیل اختراع مخترعین و گواهینامه‌های تکمیل اختراع اشیاء مصرفی تفسیر می‌شود.

۳- «ورقه اختراع ملی» به ورقه اختراعی اطلاق می‌شود که به وسیله یک مرجع ملی صادر شده باشد.

۴- «ورقه اختراع منطقه‌ای» به ورقه اختراعی اطلاق می‌شود که از طرف مرجع ملی یا مرجع بین‌الدولی که دارای اختیار صدور ورقه‌های اختراع معتبر در بیش از یک کشور باشد صادر شده باشد.

۵- «اظهارنامه منطقه‌ای» به اظهارنامه‌ای برای ثبت اختراع در سطح منطقه‌ای اطلاق می‌شود.

۶- اشاره «اظهارنامه ملی» به اشاره به اظهارنامه‌ها برای ورقه‌های اختراع ملی و ورقه‌های اختراع منطقه‌ای به جز اظهارنامه‌هایی که به موجب این معاهده تسلیم شده است، تفسیر می‌شود.

۷- «اظهارنامه بین‌المللی» به اظهارنامه‌ای اطلاق می‌شود که به موجب این معاهده تسلیم شده باشد.

۸- اشاره به «اظهارنامه» به اشاره به اظهارنامه‌های ملی و اظهارنامه‌های بین‌المللی تفسیر می‌شود.

۹- اشاره به «ورقه اختراع» به اشاره به ورقه‌های اختراع ملی و ورقه‌های اختراع منطقه‌ای تفسیر می‌شود.

۱۰- اشاره به «قانون ملی» به اشاره به قانون ملی یک کشور متعاقد تفسیر می‌شود، یا در صورتی که اظهارنامه

منطقه‌ای و یا ورقه اختراع منطقه‌ای مطرح باشد با اشاره به معاهده‌ای تفسیر می‌شود که به موجب آن تسلیم اظهارنامه‌های منطقه‌ای و یا صدور ورقه اختراع منطقه‌ای صورت می‌پذیرد.

۱۱- «تاریخ حق تقدم» از لحاظ محاسبه مهلت‌ها به موارد زیر اطلاق می‌شود:

الف- در موردی که اظهارنامه بین‌المللی حاوی یک ادعای حق تقدم به موجب ماده (۸) باشد، تاریخ مزبور تاریخ تسلیم اظهارنامه‌ای است که در آن حق تقدم ادعا شده است.

ب- در صورتی که طبق ماده (۸)، اظهارنامه بین‌المللی حاوی چندین حق تقدم باشد، تاریخ مزبور تاریخ تسلیم اولین اظهارنامه است که در آن حق تقدم ادعا شده است.

ج- در موردی که اظهارنامه بین‌المللی حاوی ادعای حق تقدم طبق ماده (۸) نباشد، تاریخ تسلیم بین‌المللی اظهارنامه مذکور خواهد بود.

۱۲- «اداره ملی» به مرجع دولتی یک کشور متعاقد اطلاق می‌شود که مسؤولیت صدور ورقه اختراع به آن محول است. اشاره به «اداره ملی» همچنین به اشاره به هر مرجع بین‌الدولی تفسیر می‌شود که چندین کشور وظیفه صدور ورقه اختراع منطقه‌ای را به آن محول نموده‌اند، مشروط بر این که لااقل یکی از آن کشورها جزء کشورهای متعاقد باشد و همچنین کشورهای فوق‌الاشعار به آن مرجع اجازه داده باشند تعهدات و اختیاراتی که این معاهده و آیین‌نامه آن در مورد ادارات ملی مقرر داشته را به عهده بگیرد.

۱۳- «اداره تعیین شده» به اداره ملی یک کشور یا اداره‌ای که از طرف کشور مذکور عمل می‌کند و به موجب مقررات فصل اول این معاهده توسط متقاضی تعیین شده باشد اطلاق می‌شود.

۱۴- «اداره منتخب» به اداره ملی یک کشور یا اداره‌ای که از طرف کشور مذکور عمل می‌کند و آن را متقاضی طبق مقررات فصل دوم این معاهده انتخاب نموده باشد، اطلاق می‌شود.

۱۵- «اداره دریافت کننده» به اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی اطلاق می‌شود که اظهارنامه بین‌المللی به آن تسلیم می‌شود.

۱۶- «اتحادیه» به اتحادیه بین‌المللی همکاری در ثبت اختراعات اطلاق می‌شود.

۱۷- «مجمع» به مجمع اتحادیه اطلاق می‌شود.

۱۸- «سازمان» به سازمان جهانی مالکیت معنوی اطلاق می‌شود.

۱۹- «دفتر بین‌المللی» به دفتر بین‌المللی سازمان اطلاق می‌شود و تا زمانی که دفتر بین‌المللی متحد حمایت از مالکیت معنوی (BIRPI) وجود داشته باشد، به آن دفتر اطلاق می‌شود.

۲۰- «مدیر کل» به مدیر کل سازمان و تا زمانی که دفتر بین‌المللی متحد حمایت از مالکیت معنوی (BIRPI) وجود دارد به مدیران آن دفتر اطلاق می‌شود.

فصل اول - اظهارنامه بین‌المللی و جست و جوی بین‌المللی

ماده ۳ - اظهارنامه بین‌المللی

۱ - اظهارنامه‌های حمایت از اختراعات در هر یک از کشورهای متعاهد را می‌توان به صورت اظهارنامه‌های بین‌المللی طبق این معاهده تسلیم نمود.

۲ - اظهارنامه بین‌المللی برابر این معاهده و آیین‌نامه شامل تقاضا، توصیف، یک یا چند ادعا و عنداللزوم یک یا چند نقشه و یک خلاصه خواهد بود.

۳ - خلاصه صرفاً به منظور ارایه اطلاعات فنی است و نمی‌توان از آن برای منظور دیگر خصوصاً تفسیر حدود حمایت مورد درخواست استفاده نمود.

۴ - اظهارنامه بین‌المللی باید:

(۱) به یکی از زبانهای مقرر شده تنظیم شده باشد.

(۲) در آن الزامات مربوط به شکل اظهارنامه و ضمائ آن رعایت شده باشد.

(۳) الزامات مقرر شده مربوط به وحدت اختراع در آن رعایت شده باشد.

(۴) مشمول پرداخت هزینه‌های مقرر شده باشد.

ماده ۴ - تقاضا

۱ - تقاضا حاوی موارد زیر خواهد بود:

(۱) درخواستی دایر بر این که به اظهارنامه بین‌المللی طبق این معاهده رسیدگی شود.

(۲) تعیین کشور یا کشورهای متعاهد که طبق اظهارنامه بین‌المللی، حمایت از اختراع در آن کشور یا کشورها، مورد نظر

است (کشورهای تعیین شده)؛ اگر برای هر یک از کشورهای تعیین شده امکان ثبت اختراع منطقه‌ای وجود داشته باشد و متقاضی مایل باشد که ورقه اختراع منطقه‌ای را به جای ورقه اختراع ملی تحصیل نماید این موضوع باید در تقاضا ذکر شود؛ اگر به موجب یک معاهده ثبت اختراع منطقه‌ای، متقاضی نتواند اظهارنامه خود را به کشورهای خاصی از اعضای آن معاهده محدود نماید تعیین یکی از آن کشورها و اظهار تمایل دایر به تحصیل ورقه اختراع منطقه‌ای، به عنوان تعیین تمامی کشورهای عضو آن معاهده خواهد بود؛ اگر به موجب قانون ملی کشور تعیین شده، تعیین آن کشور دارای اثر اظهارنامه برای تحصیل ورقه اختراع منطقه‌ای باشد، تعیین آن کشور قرینه‌ای خواهد بود دایر بر تمایل به تحصیل ورقه اختراع منطقه‌ای.

(۳) نام و سایر اطلاعات و مشخصات مقرر شده درباره متقاضی و نماینده او (در صورت وجود نماینده).

(۴) عنوان اختراع.

(۵) نام و سایر اطلاعات مقرر شده درباره مخترع در موردی که به موجب قانون ملی حداقل یک کشور تعیین شده، ارایه نمود که قانون ملی آنها ارایه چنین مشخصاتی را ضروری دانسته ولی در عین حال اجازه می‌دهد که بتوان آنها را در زمان مؤخرتری نسبت به زمان تسلیم اظهارنامه ملی ارایه کرد.

۲- تعیین هر کشور مستلزم پرداخت هزینه‌های مقرر شده ظرف مهلت تعیین شده خواهد بود.

۳- تعیین یک کشور به منزله این است که حمایت مورد نظر متشکل از اعطاء ورقه اختراع به وسیله یا برای آن کشور تعیین شده خواهد بود مگر در مواردی که متقاضی خواهان هر یک از انواع دیگر حمایت مندرج در ماده (۴۳) باشد. در مورد این بند مقررات بند (۲) ماده (۲) جاری نخواهد بود.

۴- عدم ذکر نام و سایر اطلاعات و مشخصات مقرر شده درباره مخترع در تقاضا، در هیچ‌یک از کشورهای تعیین شده‌ای که قانون ملی آنها ارایه چنین مشخصات و اطلاعاتی را الزامی دانسته ولی اجازه می‌دهد که بتوان آنها را مؤخر بر تسلیم اظهارنامه ارایه نمود دارای هیچ اثری نخواهد بود. بر عدم تسلیم چنین اطلاعات و مشخصات طی اطلاعیه جداگانه در هیچ‌یک از کشورهای تعیین شده‌ای که قوانین ملی آنها ارایه چنین مشخصاتی را الزامی نداند اثر مترتب نخواهد بود.

ماده ۵- توصیف

توصیف اختراع باید اختراع را به قدر کافی کامل و روشن افشاء نماید به نحوی که شخصی که در آن رشته مهارت دارد بتواند آن اختراع را عملی کند.

ماده ۶- ادعاها

در ادعا یا ادعاها، باید موضوعی که حمایت برای آن درخواست می‌شود تعریف گردد. ادعاها باید واضح و منجز بوده و به وسیله توصیف کاملاً تأیید شوند.

ماده ۷- نقشه‌ها

۱- با رعایت مقررات جزء (۲) بند (۲) این ماده ارایه نقشه‌ها زمانی الزامی است که برای فهم اختراع ضروری باشند.

۲- هرگاه تبیین ماهیت اختراع مستلزم ارایه نقشه‌ها باشد ولو این که وجود نقشه‌ها برای اختراع ضروری نباشد:

(۱) متقاضی می‌تواند این نقشه‌ها را به هنگام تسلیم اظهارنامه بین‌المللی ارایه نماید.

(۲) هر اداره تعیین شده می‌تواند از متقاضی بخواهد که نسبت به تسلیم این نقشه‌ها در مهلت مقرر اقدام نماید.

ماده ۸- ادعای حق تقدم

۱- اظهارنامه بین‌المللی همان طور که در آیین نامه مقرر گردیده می‌تواند حاوی اعلامیه‌ای باشد که حاکی از

ادعای حق تقدم یک یا تعداد بیشتری اظهارنامه قبلی که برای یا در هر کشور عضو «کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی» تسلیم شده‌اند.

۲- الف- با رعایت مفاد جزء (ب) این بند شرط مربوط و اثر ناشی از هر ادعای حق تقدم اعلام شده طبق بند (۱) این ماده به نحو مقرر در ماده (۴) کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی تجدیدنظر شده در استکهلم خواهد بود.

ب- اظهارنامه بین‌المللی که برای آن حق تقدم به استناد یک یا چند اظهارنامه که قبلاً در، یا برای یک کشور عضو تسلیم گردیده یا ادعا بوده یا در موردی که حق تقدم در یک اظهارنامه بین‌المللی که فقط یک کشور را تعیین نموده مورد ادعا باشد شرایط و اثر ادعای حق تقدم در آن کشور تابع قانون ملی کشور مزبور خواهد بود.

ماده ۹ – متقاضی

۱- هر شخص مقیم یا تابع یک کشور متعاقد می‌تواند اظهارنامه بین‌المللی را تسلیم نماید.

۲- مجمع می‌تواند به مقیمین و اتباع هر کشور و به کارگیری این مفاهیم در مواردی که متقاضیان متعدد وجود داشته باشند و یا در مواردی که متقاضیان برای همه کشورهای تعیین شده یکسان نباشند در آیین‌نامه تعریف شده‌اند.

ماده ۱۰ – اداره دریافت کننده

اظهارنامه بین‌المللی به اداره دریافت کننده مقرر شده‌ای تسلیم خواهد شد که آن را طبق مقررات این معاهده و آیین‌نامه کنترل و بررسی خواهد نمود.

ماده ۱۱ – تاریخ تسلیم اظهارنامه بین‌المللی و اثرات مترتب بر آن

۱- اداره دریافت کننده، تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی را به عنوان تاریخ تسلیم بین‌المللی اظهارنامه تلقی خواهد نمود مشروط بر این که در زمان دریافت اظهارنامه وجود شرایط زیر برای آن اداره محقق باشد:

(۱) متقاضی به دلایل اقامتی یا تابعیتی فاقد حق تسلیم اظهارنامه بین‌المللی به اداره دریافت کننده نباشد،

(۲) اظهارنامه بین‌المللی به زبان تعیین شده تنظیم شده باشد.

(۳) اظهارنامه بین‌المللی حداقل حاوی نکات زیر باشد:

الف- اشاره دال بر این که اظهارنامه تسلیمی با هدف و قصد و نیت اظهارنامه بین‌المللی تنظیم شده است.

ب- تعیین حداقل یک کشور متعاقد.

ج- نام متقاضی به نحو مقرر،

د- قسمتی که از ظاهر آن معلوم شود به توصیف اختصاص دارد.

ه- قسمتی که از ظاهر آن معلوم شود که به ادعا یا ادعاها اختصاص دارد.

۲- الف- اگر اداره دریافت کننده در زمان دریافت اظهارنامه بین‌المللی تشخیص دهد که الزامات مندرج در بند (۱) این ماده رعایت نشده است، در آن صورت متقاضی را وفق مقررات آیین نامه دعوت می‌نماید تا اصلاحات لازم را به عمل آورد.

ب- چنانچه متقاضی دعوت مزبور را اجابت نماید و اصلاحات را انجام دهد، اداره دریافت کننده وفق آیین‌نامه تاریخ دریافت نسخه اصلاح شده را به عنوان تاریخ تسلیم اظهارنامه ملاک عمل قرار خواهد داد.

۳- با رعایت بند (۴) ماده (۶۴)، هر اظهارنامه بین‌المللی که الزامات مقرر مندرج در جزءهای (۱) تا (۳) بند (۱) این ماده را رعایت و تاریخ تسلیم بین‌المللی را دریافت نماید از تاریخ تسلیم بین‌المللی دارای اثر اظهارنامه ملی عادی در هر یک از کشورهای تعیین شده خواهد بود و تاریخ مزبور به عنوان تاریخ واقعی تسلیم در هر یک از کشورهای تعیین شده تلقی خواهد شد.

۴- هر اظهارنامه بین‌المللی که الزامات مندرج در جزءهای (۱) تا (۳) بند (۱) این ماده را رعایت نموده باشد در حکم تسلیم اظهارنامه ملی عادی به معنای مقرر در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی خواهد بود.

ماده ۱۲- ارسال اظهارنامه بین‌المللی به دفتر بین‌المللی و مرجع جست و جوی بین‌المللی

۱- یک نسخه از اظهارنامه بین‌المللی در اداره دریافت کننده نگهداری می‌شود (نسخه اصلی) و نسخه دیگر (نسخه بایگانی) برای دفتر بین‌المللی ارسال می‌گردد. نسخه دیگری نیز (نسخه جست و جو) به مرجع جست و جوی بین‌المللی مذکور در ماده (۱۶) به نحو مقرر در آیین نامه ارسال می‌شود.

۲- نسخه بایگانی در حکم نسخه اصلی اظهارنامه بین‌المللی خواهد بود.

۳- اگر دفتر بین‌المللی نسخه بایگانی را ظرف مهلت تعیین شده دریافت ننماید، اظهارنامه بین‌المللی مسترد شده تلقی خواهد شد.

ماده ۱۳- امکان دسترسی به نسخه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی برای هر یک از ادارات تعیین شده

۱- هر اداره تعیین شده می‌تواند از دفتر بین‌المللی بخواهد که نسخه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی را قبل از انجام مکاتبات موضوع ماده (۲۰) برای آن اداره ارسال نماید و این دفتر نسخه مزبور را در اسرع وقت ممکن پس از گذشت یک سال از تاریخ حق تقدم برای اداره تعیین شده فرستاد.

۲- الف- متقاضی می‌تواند در هر زمانی که مایل باشد نسخه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی خود را به هریک از ادارات تعیین شده، ارسال دارد.

ب- متقاضی هر زمان که مایل باشد می‌تواند از دفتر بین‌المللی بخواهد که نسخه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی را به هریک از ادارات تعیین شده، ارسال نماید و این دفتر نسخه مزبور را در اسرع وقت ممکن به اداره تعیین شده، خواهد فرستاد.

ج- هر اداره ملی می‌تواند به دفتر بین‌المللی اعلام نماید که مایل به دریافت نسخه‌های موضوع جزء (ب) این بند

نمی‌باشد. در چنین حالتی جزء (ب) مزبور در مورد آن اداره قابل اعمال نخواهد بود.

ماده ۱۴ - برخی نواقص در اظهارنامه بین‌المللی

۱- الف- اداره دریافت کننده اظهارنامه بین‌المللی این موضوع را بررسی خواهد نمود که اظهارنامه مزبور دارای هریک از

نواقص زیر نباشد:

(۱) فقدان امضاء به نحو مقرر در آیین‌نامه.

(۲) عدم ذکر مشخصات متقاضی به نحوی که مقرر شده است.

(۳) نداشتن عنوان.

(۴) نداشتن خلاصه.

(۵) عدم رعایت الزامات مربوط به شکل اظهارنامه و ضمایم آن در حد مقرر در آیین‌نامه.

ب- اگر اداره دریافت کننده، تشخیص دهد که اظهارنامه بین‌المللی دارای هریک از نواقص فوق می‌باشد از متقاضی

دعوت به عمل خواهد آورد تا ظرف مهلت مقرر اظهارنامه را اصلاح نماید و در صورت عدم اصلاح، اظهارنامه مسترد شده تلقی خواهد شد و اداره دریافت کننده مراتب را اعلام خواهد نمود.

۲- اگر اظهارنامه بین‌المللی به نقشه‌هایی اشاره کند که در واقع منضم به اظهارنامه نباشد، اداره دریافت کننده مراتب

اعلام خواهد نمود و مشارئ‌الیه ظرف مهلت مقرر شده می‌تواند آنها را ارایه نماید. اگر متقاضی نقشه‌ها را ارایه دهد تاریخ تسلیم تقاضای بین‌المللی تاریخی خواهد بود که در آن تاریخ نقشه‌ها به وسیله اداره دریافت کننده وصول شده باشد در غیر این صورت هرگونه ارجاع به نقشه‌ها کان لم یکن تلقی خواهد شد.

۳- الف- اگر اداره دریافت کننده تشخیص دهد که در ظرف مهلت مقرر شده هزینه‌های مقرر در جزء (۴) بند (۴) ماده

(۳) پرداخت نگردیده یا هیچ‌یک از هزینه مقرر در بند (۲) ماده (۴) در ارتباط با هریک از کشورهای تعیین شده پرداخت نشده است در آن صورت اظهارنامه بین‌المللی مسترد شده تلقی می‌گردد و اداره دریافت کننده اظهارنامه نیز مراتب را اعلام خواهد نمود.

ب- اگر اداره دریافت کننده تشخیص دهد که ظرف مهلت مقرر هزینه تعیین شده به موجب بند (۲) ماده (۴) در مورد

یک یا چند کشور از کشورهای تعیین شده (ولی نه همه آنها) پرداخت شده است، در آن صورت موضوع تعیین کشورهای که در مورد آنها ظرف مهلت مقرر هزینه‌ای پرداخت نشده، مسترد شده تلقی خواهد شد و اداره دریافت کننده اظهارنامه بین‌المللی نیز مراتب را به همین نحو اعلام خواهد نمود.

۴- اگر پس از تعیین تاریخ بین‌المللی، اداره دریافت کننده ظرف مدت مقرر شده تشخیص دهد که هریک از الزامات

مذکور در جزء‌های (۱) الی (۳) بند (۱) ماده (۱) در آن تاریخ انجام نشده است اظهارنامه مذکور مسترد شده تلقی خواهد شد و

اداره دریافت کننده مراتب را به همین نحو اعلام خواهد نمود.

ماده ۱۵ – جست و جوی بین‌المللی

- ۱- هر اظهارنامه بین‌المللی مشمول جست و جوی بین‌المللی خواهد بود.
- ۲- هدف از جست و جوی بین‌المللی کشف سوابق مربوط در مورد اختراع ادعایی است.
- ۳- جست و جوی بین‌المللی براساس ادعاها با توجه مقتضی به توصیف و نقشه‌ها (در صورت وجود) انجام خواهد شد.
- ۴- مرجع جست و جوی بین‌المللی مذکور در ماده (۱۶) به کشف هر چه بیشتر سوابق مربوط به اختراع ادعایی در حد امکان اهتمام خواهد ورزید و در هر مورد مدارک مقرر در آیین نامه را ملحوظ نظر قرار خواهد داد.
- ۵- الف- در صورت تجویز قانون ملی کشور متعاقد، هر متقاضی که اظهارنامه ملی را به اداره ملی آن کشور یا اداره عمل کننده برای آن کشور تسلیم می‌نماید می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قوانین ملی مزبور درخواست نماید که جست و جویی شبیه جست و جوی بین‌المللی (جست و جوی از نوع بین‌المللی) در مورد چنین اظهارنامه‌ای معمول گردد.
- ب- در صورت تجویز قانون ملی کشور متعاقد، اداره ملی کشور یا اداره عمل کننده برای آن کشور می‌تواند هر اظهارنامه ملی تسلیم شده را مشمول جست و جوی از نوع بین‌المللی قرار دهد.
- ج- چنانچه اظهارنامه ملی، اظهارنامه بین‌المللی تلقی شود و به اداره مذکور در جزءهای (الف) و (ب) این بند تسلیم شده باشد، جست و جوی از نوع بین‌المللی توسط مرجع جست و جوی بین‌المللی مذکور در ماده (۱۶) که صالح برای جست و جوی بین‌المللی است انجام خواهد گرفت. اگر اظهارنامه ملی به زبانی باشد که به تشخیص مرجع جست و جوی بین‌المللی فاقد شرایط لازم برای بررسی است جست و جوی از نوع بین‌المللی براساس ترجمه تهیه شده وسیله متقاضی به زبانی که برای اظهارنامه‌های بین‌المللی مقرر گردیده و مورد قبول مرجع جست و جوی بین‌المللی برای اظهارنامه‌های بین‌المللی باشد، انجام خواهد شد و در مواردی که اظهارنامه ملی و ترجمه آن لازم باشد به شکل مقرر برای اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیم خواهد شد.

ماده ۱۶ – مرجع جست و جوی بین‌المللی

- ۱- جست و جوی بین‌المللی توسط مرجع جست و جوی بین‌المللی انجام خواهد شد که می‌تواند یا یک اداره ملی و یا یک سازمان بین‌الدولی نظیر مؤسسه بین‌المللی اختراع باشد، که از جمله وظایف آن تهیه گزارشهای جست و جوی مستند در خصوص سابقه اختراع ادعایی در مورد اختراعات موضوع اظهارنامه‌ها است.

۲- اگر تا زمان تأسیس «مرجع واحد جست و جوی بین‌المللی» مراجع متعدد جست و جوی بین‌المللی وجود داشته باشد، هر اداره دریافت کننده، طبق مقررات موافقتنامه قابل اجراء مذکور در جزء (ب) بند (۳)، مرجع با مراجع بین‌المللی برای جست و جو در مورد اظهارنامه‌های بین‌المللی به وسیله مجمع منصوب خواهند شد. هر اداره ملی هر سازمان بین‌الدولی که واجد شرایط مذکور در جزء (ج) این بند باشد می‌تواند به عنوان مرجع جست و جوی بین‌المللی تعیین گردد.

ب- این انتصاب مشروط به رضایت اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی مورد نظر برای انتصاب و نیز انعقاد موافقتنامه‌ای بین آن اداره یا سازمان و دفتر بین‌المللی که به تأیید مجمع برسد خواهد بود. این موافقتنامه حقوق و تعهدات طرفین، بالاخص تعهدات رسمی اداره یا سازمان فوق‌الذکر در مورد اعمال و رعایت کلیه قواعد عمومی جست و جوی بین‌المللی را مشخص خواهد نمود.

ج- حداقل الزامات و شرایط لازم، بالاخص در خصوص نیروی انسانی و اسناد که هر اداره یا سازمان باید قبل از انتصاب و همچنین در طول مدت انتصاب همواره آنها را رعایت نماید در آیین نامه تعیین خواهد شد.

د- انتصاب برای مدت معینی صورت خواهد گرفت و این مدت قابل تمدید برای دوره‌های بعدی است.

هـ - مجمع قبل از تصمیم‌گیری در خصوص انتصاب هر اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی یا تصمیم‌گیری درباره تمدید دوره انتصاب یا قبل از تصویب خاتمه انتصاب، اظهارات اداره یا سازمان مربوطه را استماع و پس از تشکیل کار گروه (کمیته) همکاری فنی موضوع ماده (۵۶) این معاهده نظر آن کار گروه (کمیته) را نیز اخذ خواهد نمود.

ماده ۱۷ - آیین کار مرجع جست و جوی بین‌المللی

۱- آیین کار مرجع جست و جوی بین‌المللی تابع مقررات این معاهده، آیین نامه و همچنین موافقتنامه‌ای خواهد بود که دفتر بین‌المللی آن را طبق مفاد این معاهده و آیین نامه با مرجع مذکور منعقد خواهد نمود.

۲- الف- اگر مرجع جست و جوی بین‌المللی تشخیص دهد که:

(۱) اظهارنامه بین‌المللی به موضوعی مرتبط است که به موجب آیین نامه نیازی به جست و جوی بین‌المللی مرجع جست و جوی بین‌المللی ندارد و در مورد خاص مرجع مذکور تصمیم به عدم جست و جو بگیرد یا،

(۲) عدم رعایت الزامات مقرر درباره توصیف، ادعاها یا نقشه‌ها تا آن حد باشد که جست و جوی بین‌المللی معنادار را معترز سازد.

در این دو حالت مرجع مذکور مراتب را اعلام و به متقاضی و دفتر بین‌المللی اطلاع خواهد داد که گزارش جست و جوی بین‌المللی تهیه نخواهد شد.

ب- اگر معلوم شود که هر یک از وضعیت‌های مذکور در جزء (الف) بند (۲) فوق فقط در خصوص برخی از ادعاهای خاصا مصداق دارد، در گزارش جست و جوی بین‌المللی موضوع در مورد این ادعاها مشخص و در مورد سایر ادعاها گزارش

مذکور طبق ماده (۱۸) این معاهده تنظیم خواهد شد.

۳- الف- اگر مرجع جست و جوی بین‌المللی، تشخیص دهد که اظهارنامه بین‌المللی الزام مربوط به رعایت وحدت اختراع به نحو مذکور در آیین نامه را رعایت ننموده از متقاضی درخواست می‌کند که هزینه اضافی را پرداخت نماید. مرجع جست و جوی بین‌المللی گزارش جست و جوی خود را براساس آن قسمت‌هایی که اظهارنامه بین‌المللی تهیه خواهد نمود که به اولین اختراع ذکر شده در ادعاها (اختراع اصلی) مربوط است مشروط بر این که هزینه‌های اضافی لازم ظرف مهلت مقرر در مورد آن قسمت‌های اظهارنامه بین‌المللی پرداخت شده باشد که به اختراعاتی مربوط می‌شود که در قبال آنها هزینه‌های فوق‌الذکر پرداخت گردیده است.

ب- قانون ملی هر کشور تعیین شده می‌تواند مقرر نماید که هرگاه اداره ملی آن کشور تشخیص دهد که درخواست موضوع جزء (الف) بند (۳) مرجع جست و جوی بین‌المللی کاملاً موجه بوده و در صورتی که متقاضی کلیه هزینه‌های اضافی را نپرداخته باشد و در نتیجه بخش مربوطه اظهارنامه بین‌المللی مورد جست و جو قرار نگرفته است، آن بخشها تا حدی که آثار آن در کشور، مورد نظر است، مسترد شده تلقی خواهد شد مگر آن که متقاضی هزینه ویژه را به اداره ملی آن کشور پرداخت کند.

ماده ۱۸- گزارش جست و جوی بین‌المللی

- ۱- گزارش جست و جوی بین‌المللی در مهلت مقرر و شکل تعیین شده تهیه خواهد شد.
- ۲- مرجع جست و جوی بین‌المللی گزارش جست و جوی بین‌المللی را به محض تهیه برای متقاضی و دفتر بین‌المللی ارسال خواهد کرد.
- ۳- گزارش جست و جوی بین‌المللی یا اعلامیه مذکور در جزء (الف) بند (۲) ماده (۱۷) به نحو مقرر در آیین نامه ترجمه خواهد شد. ترجمه مذکور توسط یا تحت مسؤولیت دفتر بین‌المللی تهیه می‌گردد.

ماده ۱۹- اصلاح ادعاها نزد دفتر بین‌المللی

- ۱- متقاضی، پس از دریافت گزارش جست و جوی بین‌المللی، این حق را دارد که برای یک بار و در ظرف مهلت معین اصلاحیه‌هایی را در خصوص ادعاها مذکور در اظهارنامه بین‌المللی به دفتر بین‌المللی تسلیم نماید. همزمان با این اقدام وی می‌تواند یادداشت مختصری را به نحو مقرر در آیین نامه تسلیم نموده و طی آن اصلاحیه را تشریح و اثراتی را که این اصلاحیه‌ها ممکن است بر توصیف و نقشه‌ها داشته باشد، مشخص نماید.
- ۲- در اصلاحیه‌ها افشاء اختراع نباید فراتر از حدی باشد که در اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی آمده است.
- ۳- اگر قانون ملی هر کشور تعیین شده افشاء موضوع اختراع در اصلاحیه‌ها را فراتر از آنچه در اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی آمده اجازه دهد در آن صورت بر عدم رعایت بند (۲) این ماده هیچ‌گونه اثری در آن کشور مترتب نخواهد بود.

ماده ۲۰ - مکاتبه با ادارات تعیین شده

۱- الف - اظهارنامه بین‌المللی همراه با گزارش جست و جوی بین‌المللی (شامل هر یک از موارد مذکور در جزء (ب) بند (۲) ماده (۱۷) و یا اعلامیه مذکور در جزء (الف) بند (۲) ماده (۱۷) این معاهده به نحو مقرر در آیین نامه به هریک از ادارات تعیین شده ارسال خواهد شد، مگر این که اداره تعیین شده این الزامات را کلاً و یا بعضاً اسقاط نماید.

ب- مکاتبه همراه با ترجمه گزارش یا اعلامیه مربوط (به نحو مقرر) خواهد بود.

۲- چنانچه طبق بند (۱) ماده (۱۹) این معاهده به ادعاها اصلاحیه وارد شده باشد، در این صورت باید همراه با مکاتبه یا متن کامل ادعاهای تسلیم شده، توأم با متن کامل ادعاها پس از اصلاح، یا متن کامل ادعاهای تسلیم شده به انضمام متن اصلاحیه‌ها ارسال گردد. همچنین چنانچه طبق بند (۱) ماده (۱۹) اعلامیه‌ای نیز تهیه شده باشد اعلامیه مذکور هم ارسال خواهد شد.

۳- بنا به تقاضای اداره تعیین شده یا متقاضی، مرجع جست و جوی بین‌المللی نسخه‌ای از اسناد مذکور در گزارش جست و جوی بین‌المللی را طبق آیین نامه حسب مورد به اداره مذکور یا متقاضی ارسال خواهد نمود.

ماده ۲۱ - انتشار بین‌المللی

۱ - دفتر بین‌المللی اظهارنامه‌های بین‌المللی را منتشر خواهد نمود.

۲ - الف - با رعایت استثنائات مقرر در بند (ب) این بند و بند (۳) ماده (۶۴) انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی بلافاصله پس از خاتمه مدت هجده ماه از تاریخ حق تقدم آن اظهارنامه صورت خواهد پذیرفت.

ب - متقاضی می‌تواند از دفتر بین‌المللی بخواهد که نسبت به انتشار اظهارنامه بین‌المللی وی در هر زمانی قبل از خاتمه مدت مذکور در جزء (الف) فوق اقدام نماید. در این صورت دفتر بین‌المللی به همان نحو به صورت مقرر در آیین نامه اقدام خواهد نمود.

۳ - گزارش جست و جوی بین‌المللی و یا اعلامیه مذکور در جزء (الف) بند (۲) ماده (۱۷) به نحو مقرر در آیین نامه انتشار خواهد یافت.

۴ - زبان و شکل انتشار بین‌المللی و جزئیات دیگر تابع آیین نامه خواهد بود.

۵ - چنانچه قبل از تکمیل مقدمات فنی مربوط به انتشار بین‌المللی، اظهارنامه بین‌المللی مسترد و یا مسترد شده تلقی گردیده باشد، انتشار بین‌المللی صورت نخواهد گرفت.

۶ - اگر اظهارنامه بین‌المللی حاوی عبارات و یا نقشه‌هایی باشد که به عقیده دفتر بین‌المللی خلاف اخلاق حسنه یا نظم عمومی تلقی شود یا این که به عقیده آن دفتر، اظهارنامه بین‌المللی مذکور حاوی عباراتی باشد که بر حسب تعریف آیین نامه

موهن تلقی گردد، آن دفتر می‌تواند عبارات، نقشه‌ها و تقریرات را از انتشار خود حذف و محل و تعداد کلمات یا نقشه‌های حذف شده را مشخص نموده و در صورت تقاضا نسخه‌ای از بخش‌های حذف شده را در اختیار قرار دهد.

ماده ۲۲ - رونوشت، ترجمه و پرداخت هزینه به ادارات تعیین شده

۱ - در صورتی که مکاتبه در ماده (۲۰) قبلاً انجام نشده باشد، متقاضی نسخه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی و ترجمه آن را (به نحو مقرر) ضمن پرداخت هزینه‌های ملی (عنداللزوم) حداکثر تا سی ماه از تاریخ حق تقدم به اداره تعیین شده ارائه خواهد نمود. هرگاه به موجب قانون ملی یک کشور تعیین شده ذکر نام و سایر اطلاعات مقرر درباره مخترع الزامی بوده ولی به موجب قانون مزبور ارائه این مشخصات در تاریخی مؤخر بر تاریخ تسلیم اظهارنامه ملی مجاز باشد، در آن صورت متقاضی، این مشخصات را حداکثر تا انقضای سی ماه از تاریخ حق تقدم به اداره ملی یا اداره‌ای که برای کشور عمل می‌کند ارائه خواهد نمود مگر در مواردی که تقاضا حاوی مشخصات و اطلاعات مذکور باشد.

۲ - هرگاه مرجع جست و جوی بین‌المللی طب جزء (الف) بند (۲) ماده (۱۷) اعلامیه‌ای را صادر نماید دایر بر این که گزارش جست و جوی بین‌المللی تهیه نخواهد شد. مهلت مقرر برای انجام اقدامات مذکور در بند (۱) این ماده همان مدتی است که در بند (۱) مقرر شده است.

۳ - هر قانون ملی می‌تواند برای اجراء اقدامات مذکور در بندهای (۱) یا (۲) فوق مبادرت به تعیین مهلتی نماید که تاریخ انقضای آن دیرتر از مهلت مقرر در بندهای فوق باشد.

ماده ۲۳ - تأخیر تشریفات ملی

۱ - هیچ اداره تعیین شده مجاز نخواهد بود که اظهارنامه بین‌المللی را قبل از خاتمه مهلت مقرر در ماده (۲۲) به جریان انداخته یا مورد بررسی قرار دهد.

۲ - علی‌رغم مفاد بند (۱) این ماده هر اداره تعیین شده می‌تواند بنا به تقاضای صریح متقاضی، اظهارنامه بین‌المللی را در هر زمان که متقاضی بخواهد به جریان انداخته و یا مورد بررسی قرار دهد.

ماده ۲۴ - امکان بلااثر شدن در کشورهای تعیین شده

۱ - در مورد جزء (۲) زیر مشروط به رعایت مقررات ماده (۲۵) اثر اظهارنامه بین‌المللی مقرر در بند (۳) ماده (۱۱) در هر یک از کشورهای تعیین شده متوقف خواهد شد و این امر دارای همان آثار مترتب بر استرداد اظهارنامه ملی در آن کشور خواهد بود:

(۱) در صورتی که متقاضی اظهارنامه بین‌المللی یا تعیین آن کشور را مسترد نماید.

(۲) در صورتی که طبق بند (۳) ماده (۱۲)، جزء (ب) بند (۱) ماده (۱۴)، جزء (الف) بند (۳) ماده (۱۴) یا بند (۴) ماده (۱۴) اظهارنامه بین‌المللی مسترد شده تلقی شود یا طبق جزء (ب) بند (۳) ماده (۱۴) موضوع تعیین آن کشور مسترد شده تلقی گردد.

(۳) در صورتی که متقاضی اقدامات مذکور در ماده (۲۲) را ظرف مدتی تعیین شده انجام ندهد.

۲ - علی‌رغم مفاد بند (۱) فوق هر اداره تعیین شده می‌تواند اثر مقرر در بند (۳) ماده (۱۱) را حفظ نماید حتی در مواردی که طبق بند (۲) ماده (۲۵) حفظ این اثر لازم نباشد.

ماده ۲۵ - بررسی در ادارات تعیین شده

۱ - الف - هرگاه اداره دریافت‌کننده از اعطاء تاریخ ثبت بین‌المللی امتناع ورزد یا اعلام نماید که اظهارنامه بین‌المللی مسترد شده تلقی گردیده، یا هرگاه دفتر بین‌المللی موردی را به موجب بند (۳) ماده (۱۲) تشخیص داده باشد، دفتر بین‌المللی بنا به تقاضای متقاضی فوراً نسخه‌ای از اسناد موجود در پرونده را به هر یک از ادارات تعیین شده که متقاضی از آنها نام برده، ارسال خواهد نمود.

ب - هرگاه اداره دریافت‌کننده اعلام نموده باشد که مراتب تعیین کشور خاصی مسترد شده تلقی گردیده است، دفتر بین‌المللی بنا به تقاضای متقاضی فوراً نسخه‌ای از اسناد موجود در پرونده را به اداره ملی آن کشور ارسال خواهد نمود.

ج - تقاضای مذکور در جزءهای (الف) یا (ب) این بند باید ظرف مهلت معین ارائه شود.

۲ - الف - با رعایت مفاد جزء (ب) این بند و مشروط به پرداخت هزینه مقرر در قانون ملی (عنداللزوم) و ارائه ترجمه مناسب (به نحو مقرر) ظرف مهلت معین هر اداره تعیین شده تصمیم‌گیری خواهد نمود که آیا مراتب رد، اعلام یا تشخیص مورد مذکور در بند (۱) این ماده منطبق و با رعایت مفاد این معاهده و آیین نامه صورت پذیرفته است یا خیر و اگر به این نتیجه برسد که رد یا اعلام ناشی از اشتباه یا غفلت اداره دریافت‌کننده بوده و تشخیص دفتر بین‌المللی ناشی از اشتباه یا غفلت آن دفتر بوده است، در آن صورت تا حدی که به تأثیر در کشور تعیین شده مربوط می‌شود آن اداره اشتباه یا غفلت را مؤثر ندانسته و به اظهارنامه بین‌المللی رسیدگی خواهد نمود.

ب - هرگاه نسخه بایگانی به علت اشتباه یا غفلت متقاضی پس از انقضاء مدت تعیین شده در بند (۳) ماده (۱۲) به دفتر بین‌المللی واصل شود مفاد جزء (الف) این بند تنها در شرایط و احوال مذکور در بند (۲) ماده (۴۸) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۶ - امکان تصحیح مدارک ارائه شده به ادارات تعیین شده

هیچ اداره تعیین شده‌ای نمی‌تواند اظهارنامه بین‌المللی را به دلیل عدم رعایت الزامات مقرر در این معاهده و آیین نامه رد نماید مگر این که ابتدا به متقاضی جهت تصحیح آن فرصتی در حد و مطابق آئین کاری که در قانون ملی برای اظهارنامه‌های ملی در موارد مشابه یا قابل مقایسه مقرر است، اعطاء نماید.

ماده ۲۷ - الزامات ملی

- ۱ - هیچ قانون ملی نمی‌تواند رعایت الزاماتی در خصوص شکل یا محتوای اظهارنامه بین‌المللی که متفاوت یا اضافه بر آنچه که در این معاهده و آیین نامه مقرر شده را خواستار شود.
- ۲ - مقررات مذکور در بند (۱) این ماده بر اعمال مفاد بند (۲) ماده (۷) تأثیری ندارد. همچنین مقررات مزبور هیچ قانون ملی را از درخواست مدارک زیر پس از این که رسیدگی به اظهارنامه بین‌المللی در اداره تعیین شده آغاز شده باشد، منع نمی‌کند: (۱) هنگامی که متقاضی شخص حقوقی باشد، نام نماینده مجاز این شخص حقوقی. (۲) اسنادی که قسمتی از اظهارنامه بین‌المللی نمی‌باشد ولی دلیل ادعاها و اظهارات مندرج در اظهارنامه را تشکیل می‌دهد از جمله تأیید اظهارنامه بین‌المللی به وسیله امضاء متقاضی در موردی که اظهارنامه به هنگام تسلیم از طرف نماینده یا کارگزار متقاضی امضاء شده باشد.
- ۳ - در صورتی که کشور تعیین شده به استناد قانون ملی خود تشخیص دهد که متقاضی به علت این که مخترع نیست واجد شرایط لازم برای تسلیم اظهارنامه ملی نمی‌باشد، می‌تواند اظهارنامه بین‌المللی را رد نماید.
- ۴ - در صورتی که قانون ملی الزاماتی را در مورد شکل یا محتوای اظهارنامه‌های ملی مقرر نماید که از نظر متقاضیان مساعدتر از الزامات مقرر شده در این معاهده و آیین نامه در ارتباط با اظهارنامه‌های بین‌المللی باشد، اداره ملی، دادگاهها و هر مرجع دیگر کشور تعیین شده یا کشور عمل کننده برای آن می‌توانند به جای الزامات مقرر شده در معاهده و آیین نامه، الزامات ملی را در این باره اعمال نمایند مگر در موردی که متقاضی بر اجراء الزامات مقرر در معاهده و آیین نامه در مورد اظهارنامه بین‌المللی خود اصرار ورزد.
- ۵ - هیچ چیز در این معاهده و آیین نامه نباید به نحوی تفسیر شود که اجازه دهد آزادی هر کشور متعاهد برای تعیین شرایط ماهوی مربوط به ثبت اختراع به نحو دلخواه محدود شود، بالاخص هرگونه مقررات در این معاهده و آیین نامه در ارتباط با تعریف سابقه اختراع ادعائی منحصر به اهداف آیین کار بین‌المللی است و در نتیجه هر کشور متعاهد آزاد است تا به هنگام تصمیم‌گیری در خصوص قابلیت ثبت یک اختراع که در اظهارنامه بین‌المللی ادعا شده ضوابط قانون ملی خود را درباره سابقه اختراع ادعائی و سایر شرایط مربوط به قابلیت ثبت که تشکیل دهنده الزامات مربوط به شکل و یا محتوای اظهارنامه بین‌المللی نباشد را اعمال نماید.
- ۶ - قانون ملی می‌تواند از متقاضی بخواهد که مدارک لازم در ارتباط با هر شرط ماهوی مربوط به قابلیت ثبت اختراع مقرر در آن قانون را ارائه دهد.
- ۷ - هر اداره دریافت کننده یا پس از آن که رسیدگی به اظهارنامه بین‌المللی در اداره تعیین شده آغاز شده باشد، اداره مربوط می‌تواند تا آنجا که به تعیین کارگزار از طرف متقاضی به عنوان نماینده نزد اداره مذکور باشد یا در اختیار بودن نشانی در کشور تعیین شده برای ابلاغ اطلاعیه‌ها مربوط می‌شود قانون ملی را اعمال نماید.

۸ - هیچ چیز در این معاهده و آیین نامه نباید به نحوی تفسیر شود که آزادی هر کشور متعاقد را در اعمال تدابیر لازم برای حفظ امنیت ملی خود و یا حق اتباع و مقیمین آن کشور را در تسلیم اظهارنامه‌های بین‌المللی به علت حفاظت از منافع عمومی اقتصادی آن کشور محدود نماید.

ماده ۲۸ - اصلاح ادعاها، توصیف و نقشه‌ها در ادارات تعیین شده

۱ - متقاضی از این فرصت بهره‌مند خواهد بود که ظرف مهلت مقرر، ادعاها، توصیف و نقشه‌ها را در هر اداره تعیین شده اصلاح نماید. هیچ اداره تعیین شده‌ای نمی‌تواند قبل از انقضای مهلت مزبور ورقه اختراعی را اعطاء یا از دادن آن امتناع ورزد مگر با رضایت صریح متقاضی.

۲ - اصلاحیه‌ها نباید از حدود افشاء اختراع در اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی فراتر رود مگر این که قانون ملی کشور تعیین شده چنین امری را اجازه دهد.

۳ - در کلیه مواردی که در این معاهده و آیین نامه مقرراتی پیش‌بینی نشده باشد، اصلاحیه‌ها باید طبق قوانین ملی کشور تعیین شده باشد.

۴ - در صورتی که اداره تعیین شده ارائه ترجمه اظهارنامه بین‌المللی را لازم بداند، اصلاحیه‌ها هم باید به همان زبان ترجمه شده باشد.

ماده ۲۹ - آثار انتشار بین‌المللی

۱ - تا آنجا که به حمایت از حقوق متقاضی در یک کشور تعیین شده مربوط می‌شود، آثار انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی در آن کشور با رعایت مقررات بندهای (۲) تا (۴) این ماده همان آثاری خواهد بود که قانون ملی کشور تعیین شده برای انتشار الزامی اظهارنامه‌های ملی بررسی نشده در داخل مقرر می‌دارد.

۲ - اگر زبان مورد استفاده در انتشار بین‌المللی با زبان به کار رفته در انتشار به موجب قانون ملی در کشور تعیین شده متفاوت باشد قانون ملی کشور مزبور می‌تواند مقرر سازد که اثرات مذکور در بند (۱) این ماده فقط زمانی قابل اعمال باشد که: (۱) ترجمه به زبان اخیرالذکر به نحو مقرر در قانون ملی منتشر شده باشد.

(۲) ترجمه به زبان اخیرالذکر از طریق قرارداد آن در معرض بازبینی عمومی به نحو مقرر در قانون ملی در دسترس عمومی قرار گرفته باشد، یا

(۳) ترجمه به زبان اخیرالذکر را متقاضی، برای استفاده کننده غیر مجاز بالفعل یا بالقوه اختراع مورد ادعا در اظهارنامه بین‌المللی ارسال نموده باشد، یا

(۴) هر دو اقدام مذکور در جزءهای (۱) و (۳) و یا هر دو اقدام مذکور در جزءهای (۲) و (۳) محقق شده باشد.

۳ - در مواردی که بنا به تقاضای متقاضی انتشار بین‌المللی قبل از انقضاء هجده ماه از تاریخ حق تقدم صورت پذیرفته باشد قانون ملی کشور تعیین شده می‌تواند مقرر نماید که آثار مندرج در بند (۱) این ماده فقط از زمان انقضاء هجده ماه از تاریخ حق تقدم قابل اعمال خواهد بود.

۴ - قانون ملی هر کشور تعیین شده می‌تواند مقرر نماید که آثار مذکور در بند (۱) این ماده فقط از تاریخ قابل اعمال خواهد بود که یک نسخه از اظهارنامه بین‌المللی منتشره طبق ماده (۲۱) به وسیله اداره ملی آن کشور و یا اداره عمل کننده برای آن کشور دریافت شده باشد، اداره مذکور تاریخ دریافت را در اسرع وقت ممکن در روزنامه رسمی خود انتشار خواهد داد.

ماده ۳۰ - ماهیت محرمانه بودن اظهارنامه بین‌المللی

۱ - الف - با رعایت مفاد جزء (ب) این بند، دفتر بین‌المللی و مراجع جست و جوی بین‌المللی اجازه نخواهند داد که هیچ شخص یا مرجعی قبل از انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی به آن اظهارنامه دسترسی داشته باشد مگر بنا به تقاضای متقاضی یا اجازه او.

ب - مفاد جزء (الف) مذکور در فوق در هر موردی که برای مرجع جست و جوی بین‌المللی ارسال می‌شود و موارد ارسال مذکور در ماده (۱۳) و مکاتبات مقرر به موجب ماده (۲۰) قابل اعمال نخواهد بود.

۲ - الف - هیچ اداره ملی اجازه دسترسی به اظهارنامه بین‌المللی را به اشخاص ثالث قبل از تاریخهای ذیل هر کدام نزدیکتر باشد نخواهد داد مگر بنا به تقاضای متقاضی و یا اجازه او:

(۱) تاریخ انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی.

(۲) تاریخ دریافت مکاتبه مربوط به اظهارنامه بین‌المللی طبق ماده (۲۰).

(۳) تاریخ دریافت نسخه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی طبق ماده (۲۲).

ب - مفاد جزء (الف) این بند هیچ اداره ملی را از انتشار آگهی یا از مطلع نمودن اشخاص ثالث دایر بر تعیین آن اداره منع نمی‌کند. در هر حال این اطلاع و یا آگهی فقط حاوی اطلاعات زیر خواهد بود:

مشخص نمودن اداره دریافت کننده، نام متقاضی، تاریخ تسلیم بین‌المللی، شماره اظهارنامه بین‌المللی و عنوان اختراع.

ج - مفاد جزء (الف) این بند این ماده هیچ اداره تعیین شده‌ای را از دادن اجازه دسترسی به اظهارنامه بین‌المللی برای اهداف مراجع قضایی منع نمی‌کند.

۳ - مفاد جزء (الف) بند (۲) این ماده در مورد تمامی ادارات دریافت کننده صادق است مگر در موارد ارسال موضوع بند (۱) ماده (۱۲).

۴ - در این ماده واژه «دسترسی» شامل هر وسیله‌ای می‌شود که از طریق آن اشخاص ثالث بتوانند اطلاعاتی را از جمله از طریق مکاتبه یا انتشار عمومی کسب نمایند به شرط این که هیچ اداره ملی به طور کلی اظهارنامه بین‌المللی یا ترجمه آن را

قبل از انتشار بین‌المللی انتشار ندهد و یا قبل از انقضای مهلت بیست ماه حق تقدم به شرط این که انتشار بین‌المللی تا انقضای مهلت بیست ماه حق تقدم به شرط این که انتشار بین‌المللی تا انقضای مهلت بیست ماه از تاریخ حق تقدم صورت نگرفته باشد.

فصل دوم – بررسی مقدماتی بین‌المللی

ماده ۳۱ – تقاضای بررسی مقدماتی بین‌المللی

۱ – بر حسب تقاضای متقاضی، اظهارنامه بین‌المللی وی طبق مقررات زیر و آیین نامه تحت بررسی مقدماتی بین‌المللی قرار خواهد گرفت.

۲ – الف – هر متقاضی به نحوی که در آیین نامه تعریف شده تبعه یا مقیم کشور متعاهدی باشد که آن کشور ملزم به فصل دوم باشد و اظهارنامه بین‌المللی وی به اداره دریافت کننده یک کشور یا اداره عمل کننده از طرف آن تسلیم شده باشد می‌تواند تقاضای بررسی مقدماتی بین‌المللی را به عمل آورد.

ب – مجمع می‌تواند تصمیم بگیرد که به اشخاص مجاز برای تسلیم اظهارنامه‌های بین‌المللی اجازه داده شود تا مبادرت به تقاضا برای بررسی مقدماتی بین‌المللی بنمایند حتی اگر آنان اتباع یا مقیم کشوری باشند که آن کشور عضو این معاهده نبوده و یا ملزم به فصل دوم نباشد.

۳ – تقاضای بررسی مقدماتی بین‌المللی باید جدای از اظهارنامه بین‌المللی انجام گیرد و تقاضای مذکور باید حاوی خصوصیات مقرر شده بوده و به شکل و به زبان تعیین شده تنظیم شود.

۴ – الف – در تقاضا باید کشور یا کشورهای متعاهد که در آنها متقاضی قصد دارد نتایج بررسی مقدماتی بین‌المللی را مورد استفاده قرار دهد مشخص شود (کشورهای منتخب) کشورهای متعاهد دیگر نیز می‌توانند بعداً انتخاب شوند. انتخاب فقط می‌تواند مربوط به کشورهای متعاهدی باشد که قبلاً طبق ماده (۴) این معاهده تعیین شده‌اند.

ب – متقاضیان مذکور در جزء (الف) بند (۲) این ماده می‌توانند هر کشور متعاهدی را که ملزم به فصل دوم باشد انتخاب نمایند. متقاضیان مذکور در جزء (ب) بند (۲) تنها می‌توانند آن دسته از کشورهای متعاهد ملزم به فصل دوم را انتخاب نمایند که آمادگی خود را برای انتخاب شدن توسط متقاضیان مزبور اعلام نموده باشند.

۵ – تقاضا مشمول پرداخت هزینه‌های مقرر در مهلت تعیین شده خواهد بود.

۶ – الف – تقاضا به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی مذکور در ماده (۳۲) تسلیم خواهد شد.

ب – هر انتخاب بعدی به دفتر بین‌المللی تسلیم خواهد شد.

۷ – موضوع انتخاب هر اداره منتخب به آن دفتر اعلام خواهد شد.

ماده ۳۲ – مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

۱ - بررسی مقدماتی بین‌المللی به وسیله مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی صورت خواهد گرفت.

۲ - در مورد تقاضای مذکور در جزء (الف) بند (۲) ماده (۳۱) اداره دریافت کننده و در مورد تقاضای مذکور در جزء (ب) بند (۲) ماده (۳۱) مجمع طبق موافقتنامه‌های قابل اجراء بین مرجع یا مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی علاقمند به انجام این بررسی از یک طرف و دفتر بین‌المللی از طرف دیگر، اقدام به مشخص نمودن مرجع یا مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی برای بررسی مقدماتی خواهد نمود.

۳ - مقررات بند (۳) ماده (۱۶) با تغییراتی بر حسب اقتضاء در خصوص مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی اعمال خواهد شد.

ماده ۳۳ - بررسی مقدماتی بین‌المللی

- ۱ - هدف بررسی مقدماتی بین‌المللی عبارت است از تدوین نظر مقدماتی و غیر الزام‌آور درباره این سؤالات که آیا اختراع ادعائی، جدید بوده، متضمن یک گام ابتکاری است (ناآشکار بودن) و کاربرد صنعتی دارد یا خیر.
- ۲ - در بررسی مقدماتی بین‌المللی، ادعای یک اختراع زمانی جدید تلقی می‌شود که در سابقه اختراع ادعایی به نحو تعریف شده در آیین نامه مسبوق نباشد.
- ۳ - در بررسی مقدماتی بین‌المللی، ادعای اختراعی، زمانی دارای کاربرد صنعتی تلقی می‌شود که بتوان در هر نوع صنعت بنا به ماهیت، آن را ساخت یا به کاربرد (به مفهوم فناوری) مراد از صنعت مفهوم موسع آن به نحو مذکور در معاهده پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی است.
- ۵ - ضوابط مذکور در فوق صرفاً به منظور بررسی مقدماتی بین‌المللی است. هر کشور متعاهد می‌تواند در تصمیم‌گیری خود راجع به این که آیا در آن کشور یک اختراع ادعایی قابل ثبت می‌باشد یا خیر، ضوابط اضافی یا متفاوت را اعمال نماید.
- ۶ - در بررسی مقدماتی بین‌المللی کلیه اسناد مذکور در گزارش جست و جوی بین‌المللی لحاظ خواهد شد. همچنین می‌توان هر سند دیگری را که در مورد خاص مرتبط تشخیص داده شود، بررسی نمود.

ماده ۳۴ - آیین کار مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

- ۱ - آیین کار مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تابع مقررات این معاهده، آیین نامه و موافقتنامه‌ای است که دفتر بین‌المللی آن را طبق این معاهده و آیین نامه با مرجع مذکور منعقد خواهد نمود.
- ۲ - الف - متقاضی دارای این حق خواهد بود که شفاهاً یا کتباً با مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی ارتباط داشته باشد.
- ب - متقاضی دارای این حق خواهد بود که تا قبل از تهیه گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی ادعاها، توصیف و نقشه‌ها را به نحو مقرر و ظرف مهلت معین اصلاح نماید. اصلاحیه نباید از حدود افشاء اختراع ادعایی در اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی فراتر

ج - متقاضی لاقلاً یک نظریه کتبی را از مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی دریافت خواهد نمود مگر این که نظر مرجع مذکور کلیه شرایط زیر محقق باشد:

(۱) در اختراع ضوابط مندرج در بند (۱) ماده (۳۳) رعایت شده باشد.

(۲) اظهارنامه بین‌المللی با الزامات این معاهده و آیین نامه تا آنجا که توسط آن مرجع بررسی می‌شود منطبق باشد.

(۳) قصدی برای اظهار عقیده مطابق جمله آخر بند (۲) ماده (۳۵) وجود نداشته باشد.

د - متقاضی می‌تواند به نظریه کتبی پاسخ دهد.

۳ - الف - اگر به نظر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، اظهارنامه بین‌المللی منطبق با الزام مربوط به وحدت اختراع به نحو مذکور در آیین نامه نباشد می‌تواند بنا به نظر خود از متقاضی دعوت به عمل آورد تا ادعاها را به نحوی محدود نماید که با الزام مزبور منطبق گردد یا این که متقاضی پرداخت هزینه اضافی را متقبل شود.

ب - قانون ملی هر کشور منتخب می‌تواند مقرر سازد هرگاه متقاضی به موجب جزء (الف) بند (۳) این ماده تصمیم بگیرد که ادعاها را محدود نماید در آن صورت آن قسمت از اظهارنامه بین‌المللی که در نتیجه اقدام مذکور مشمول بررسی مقدماتی واقع نمی‌شود، تا آنجا که به آثار در کشور مزبور مربوط می‌شود مسترد شده تلقی گردد مگر این که متقاضی هزینه ویژه‌ای را به اداره ملی آن کشور پرداخت نماید.

ج - اگر متقاضی ظرف مهلت مقرر دعوت مذکور در جزء (الف) بند (۳) را اجابت ننماید، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی یک گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی را در خصوص آن قسمت از اظهارنامه بین‌المللی که ظاهراً جزء اختراع اصلی است، تهیه و مراتب را در گزارش منعکس خواهد نمود. قانون ملی هر کشور منتخب می‌تواند مقرر سازد که هرگاه اداره ملی آن کشور تشخیص دهد دعوت مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی موجه است، قسمت‌هایی از اظهارنامه بین‌المللی را که به اختراع اصلی مرتبط نباشد تا آنجا که به آثار در آن کشور ارتباط پیدا می‌کند مسترد شده تلقی نماید مگر این که متقاضی هزینه ویژه‌ای را به آن اداره پرداخت نماید.

۴ - الف - اگر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی احراز نماید که:

(۱) اظهارنامه بین‌المللی مربوط به موضوعی است که طبق آیین نامه به انجام بررسی مقدماتی بین‌المللی نیازی ندارد و

در مورد خاص، آن مرجع تصمیم به عدم اجراء چنین بررسی بگیرد، یا

(۲) توصیف، ادعاها یا نقشه‌ها به اندازه‌ای مبهم باشد و یا این که ادعاها به اندازه کافی با توصیف معمول تأیید نشود به

نحوی که نتوان یک نظر وافی به مقصود را در خصوص جدید بودن، گام ابتکاری بودن (ناآشکار بودن) و یا قابلیت کاربرد صنعتی داشتن اختراع ادعایی را اتخاذ نمود. مرجع مزبور وارد سؤالات مذکور در بند (۱) ماده (۳۳) نخواهد شد و این نظر و دلایل مربوط به آن را به اطلاع متقاضی خواهد رسانید.

ب - اگر معلوم شود که هر یک از حالات مذکور در جزء (الف) بند (۴) این ماده فقط در یا در ارتباط با اختراعات مشخص مصداق دارد مفاد جزء (الف) بند (۴) فقط درباره آن ادعاها اعمال خواهد شد.

ماده ۳۵- گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی

۱- گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی ظرف مدت مقرر و به شکل تعیین شده تهیه خواهد شد.

۲- گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی حاوی هیچ‌گونه توضیحی در این خصوص که آیا اختراع ادعایی طبق قانون ملی قابل ثبت است یا خیر و یا به نظر می‌رسد که قابل ثبت می‌باشد یا خیر نخواهد بود. این گزارش در ارتباط با هر ادعا، با رعایت مفاد بند (۳) این ماده اعلام خواهد نمود که آیا در ادعا ضوابط جدید بودن، گام ابتکاری (ناآشکار بودن) و کاربرد صنعتی داشتن به نحو تعریف شده در بندهای (۱) تا (۴) ماده (۳۳) که به منظور بررسی مقدماتی بین‌المللی مقرر شده رعایت گردیده است یا خیر. این توضیح با ذکر اسنادی که به‌نظر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی نتیجه‌گیری مذکور را در هر مورد باتوجه به اوضاع و احوال تأیید می‌نماید یا با هرگونه ملاحظات دیگری که آئین‌نامه مقرر داشته باشد همراه خواهد بود.

۳ - الف - اگر در زمان تهیه گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی احراز نماید که هر کدام از حالات مذکور در جزء (الف) بند (۴) ماده (۳۴) مصداق دارد در گزارش این نظر و دلایل مربوط ذکر خواهد شد. این گزارش حاوی هیچ‌گونه توضیحی به نحو مقرر در بند (۲) نخواهد بود.

ب - اگر جزء (ب) بند (۴) ماده (۳۴) مصداق داشته باشد گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی در ارتباط با ادعاهای مورد بحث حاوی توضیحی به نحو مقرر در جزء (الف) خواهد بود، درحالی که سایر ادعاها مطرح باشد گزارش حاوی توضیحی به نحو مقرر در بند (۲) خواهد بود.

ماده ۳۶- ارسال، ترجمه و ابلاغ گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی

۱- گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی همراه با ضمایم مقرر شده برای متقاضی و دفتر بین‌المللی ارسال خواهد

شد.

۲- الف - گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی و ضمایم آن به زبانهای مقرر ترجمه خواهد شد.

ب - ترجمه گزارش مذکور به وسیله و یا تحت مسؤولیت دفتر بین المللی تهیه خواهد شد درحالی که ترجمه ضمایم آن به وسیله متقاضی تهیه خواهد گردید.

۳ - الف - گزارش بررسی مقدماتی بین المللی همراه با ترجمه آن (به نحو مقرر) و ضمایم آن (به زبان اصلی) به وسیله دفتر بین المللی به هر اداره منتخب ابلاغ خواهد شد.

ب - متقاضی ترجمه ضمایم را ظرف مهلت تعیین شده، به ادارات منتخب ارسال خواهد نمود.

۴ - مقررات بند (۳) ماده (۲۰) با اعمال تغییراتی برحسب اقتضاء درباره نسخه های هر سندی که در گزارش بررسی مقدماتی بین المللی ذکر شده و در گزارش جست و جوی بین المللی ذکر نشده باشد اجراء خواهد شد.

ماده ۳۷ - استرداد تقاضا یا انتخاب

۱ - متقاضی می تواند هر یک یا کلیه انتخابها را مسترد نماید.

۲ - اگر انتخاب مربوط به همه کشورهای منتخب مسترد شود تقاضا نیز مسترد شده تلقی می گردد.

۳ - الف - هرگونه استرداد به دفتر بین المللی اعلام خواهد شد.

ب - دفتر بین المللی نیز بر همین اساس ادارات منتخب و مرجع بررسی مقدماتی بین المللی مربوطه را مطلع خواهد نمود.

۴ - الف - با رعایت مقررات جزء (ب) این بند، استرداد تقاضا یا استرداد انتخاب یک کشور متعاقد تا آنجا که به آن کشور مربوط می شود به منزله استرداد اظهارنامه بین المللی در آن کشور تلقی می شود مگر این که قانون ملی آن کشور به نحو دیگری مقرر نماید.

ب - اگر استرداد تقاضا یا استرداد انتخاب قبل از انقضاء مهلت مقرر در ماده (۲۲) محقق شود این استرداد به منزله استرداد اظهارنامه بین المللی نخواهد بود، مع ذلک هر کشور متعاقد می تواند در قانون ملی خود مقرر سازد که مراتب فوق فقط زمانی مصداق خواهد داشت که اداره ملی آن کشور ظرف مهلت مذکور نسخه ای از اظهارنامه بین المللی را همراه با ترجمه (به نحو معین) و هزینه ملی دریافت نموده باشد.

ماده ۳۸ - ماهیت محرمانه بررسی مقدماتی بین المللی

۱ - بدون تقاضای متقاضی یا اجازه وی هیچ یک از دفتر بین المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین المللی، اجازه دسترسی به پرونده بررسی مقدماتی بین المللی به معنا و شرایط مقرر در بند (۴) ماده (۳۰) را به هیچ شخص یا مرجعی در هیچ زمانی نخواهد

داد مگر به ادارات منتخب، آن هم پس از این که گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی تهیه شده باشد.

۲ - با رعایت مفاد بند (۱) این ماده و بندهای (۱) و (۳) ماده (۳۶) و جزء (ب) بند (۳) ماده (۳۷) دفتر بین‌المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی اطلاعی را در زمینه انتشار یا عدم انتشار یک گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی و استرداد و یا عدم استرداد تقاضا و یا انتخاب را ارائه نخواهند نمود مگر بنا به تقاضای متقاضی و یا اجازه او.

ماده ۳۹ - رونوشت، ترجمه و پرداخت هزینه به ادارات منتخب

۱ - الف - اگر مراتب انتخاب هر کشور متعاهد قبل از انقضاء نوزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم محقق شده باشد مقررات ماده (۲۲) در مورد چنین کشوری قابل اجرا نخواهد بود و متقاضی یک نسخه از اظهارنامه بین‌المللی (مگر در موردی که مکاتبه موضوع ماده (۲۰) قبلاً صورت گرفته باشد) و ترجمه آن (به نحو مقرر) را همراه با پرداخت هزینه ملی (در صورت وجود) تا قبل از انقضاء سی ماه از تاریخ حق تقدم به هر اداره منتخب ارائه خواهد نمود.

ب - هر قانون ملی می‌تواند برای اجرای اقدامات مذکور در جزء (الف) فوق این ماده مبادرت به تعیین مهلت‌های اضافه بر مهلت مقرر در جزء مزبور نماید.

۲ - اگر متقاضی اقدامات مذکور در جزء (الف) بند (۱) این ماده را ظرف مهلت مقرر در جزء (ب) بند (۱) این ماده انجام ندهد اثر مقرر در بند (۳) ماده (۱۱) در کشور منتخب قطع می‌گردد و این امر همان آثار مترتب بر استرداد هر اظهارنامه ملی در آن کشور را خواهد داشت.

۳ - حتی اگر متقاضی الزامات مقرر در جزء (الف) یا جزء (ب) بند (۱) این ماده را رعایت ننماید هر اداره منتخبی می‌تواند اثر مقرر در بند (۳) ماده (۱۱) را حفظ نماید.

ماده ۴۰ - تأخیر بررسی ملی و سایر رسیدگی‌ها

۱ - اگر انتخاب هر کشور متعاهد قبل از انقضاء نوزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم محقق شده باشد مفاد ماده (۲۳) در مورد آن کشور قابل اعمال نخواهد بود و اداره ملی یا اداره عمل‌کننده برای آن کشور، مشروط به رعایت مقررات مندرج در بند (۲) این ماده بررسی و سایر رسیدگی‌ها نسبت به اظهارنامه بین‌المللی را قبل از انقضاء مهلت قابل اعمال مقرر در ماده (۳۹) انجام نخواهد داد.

۲ - علی‌رغم مقررات بند (۱) این ماده هر اداره منتخبی می‌تواند طبق تقاضای صریح متقاضی در هر زمان بررسی و سایر

رسیدگی‌ها نسبت به اظهارنامه بین‌المللی را انجام دهد.

ماده ۴۱ – اصلاح ادعاها، توصیف و نقشه‌ها در ادارات منتخب

۱ – به متقاضی فرصت داده می‌شود که ادعاها، توصیف و نقشه‌ها را ظرف مهلت مقرر در هر اداره منتخب اصلاح نماید. هیچ اداره منتخبی قبل از انقضای مهلت مقرر مزبور نسبت به اعطاء و یا عدم اعطاء ورقه اختراع اقدام نخواهد نمود مگر با رضایت صریح متقاضی.

۲ – در اصلاحیه‌ها افشاء اختراع ادعائی نباید فراتر از حدی باشد که در اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی آمده است مگر این که قانون ملی کشور منتخب این امر را مجاز قلمداد نماید.

۳ – اصلاحیه‌ها در کلیه مواردی که در این معاهده و آئین‌نامه پیش‌بینی نشده طبق قوانین ملی کشور منتخب خواهد بود.

۴ – هرگاه یک اداره منتخب، تسلیم ترجمه اظهارنامه بین‌المللی را الزامی بداند اصلاحیه‌ها هم باید به همان زبانی باشد که اظهارنامه به آن زبان ترجمه شده است.

ماده ۴۲ – نتایج بررسی ملی در ادارات منتخب

هیچ اداره منتخب دریافت‌کننده گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی نمی‌تواند از متقاضی بخواهد که نسخه‌ها یا اطلاعاتی درباره محتوای هرگونه اسناد درارتباط با بررسی همان اظهارنامه بین‌المللی در سایر ادارات منتخب را ارائه نماید.

فصل سوم – مقررات عمومی

ماده ۴۳ – درخواست انواع خاص حمایت

درمورد هر کشور تعیین شده یا منتخب که قوانین آنها اعطاء گواهینامه‌های مخترعین، گواهینامه‌های اختراع اشیاء مصرفی، نمونه اشیاء مصرفی، ورقه اختراع یا گواهینامه تکمیل اختراع، گواهینامه‌های تکمیل اختراع مخترعین یا گواهینامه تکمیل اختراع اشیاء مصرفی را مقرر داشته باشد، متقاضی می‌تواند طبق آنچه که در آئین‌نامه آمده اعلام نماید که اظهارنامه بین‌المللی او تا آنجا که به آن کشور ارتباط پیدا می‌کند مربوط به گواهینامه مخترع، گواهینامه اشیاء مصرفی یا گواهینامه نمونه اشیاء مصرفی است و نه ورقه اختراع یا این که اظهارنامه مزبور برای اعطاء ورقه اختراع یا ورقه تکمیل اختراع، گواهینامه تکمیل اختراع مخترع، یا گواهینامه تکمیل اختراع اشیاء مصرفی است و اثر مترتبه مربوطه برحسب انتخاب متقاضی خواهد بود. درمورد

این ماده و ماده مربوط در آئین نامه مفاد بند (۲) ماده (۲) اعمال نخواهد شد.

ماده ۴۴- درخواست دو نوع حمایت

درمورد هر کشور تعیین شده یا منتخب که قوانین آنها اجازه بدهد که تسلیم اظهارنامه برای اعطاء ورقه اختراع یا یکی دیگر از انواع حمایت مذکور در ماده (۴۳) بتواند در عین حال برای اعطاء یکی دیگر از همان انواع حمایت مورد استفاده قرار گیرد، متقاضی می تواند طبق آنچه که در آئین نامه آمده است اعلام نماید که درخواست دو نوع حمایت را دارد. اثر مترتب بر این امر تابع مراتب اعلام شده توسط متقاضی خواهد بود. درمورد این ماده مفاد بند (۲) ماده (۲) اعمال نخواهد شد.

ماده ۴۵- معاهدات اختراع منطقه ای

۱- هر معاهده ای که اعطاء ورقه های اختراع منطقه ای را مقرر سازد (معاهده اختراع منطقه ای) و به کلیه اشخاصی که طبق ماده (۹) واجد شرایط برای تسلیم اظهارنامه بین المللی هستند این حق را بدهد که اظهارنامه هایی را برای این نوع اختراعات تسلیم نماید، می تواند مقرر نماید که اگر در اظهارنامه های بین المللی کشوری تعیین و انتخاب شود که هم عضو معاهده اختراع منطقه ای و هم این معاهده باشد، اظهارنامه های مزبور به عنوان اظهارنامه های اختراع منطقه ای نیز تلقی شود.

۲- قانون ملی چنین کشور تعیین شده و یا انتخاب شده ای می تواند مقرر نماید که هر تعیین یا انتخاب در رابطه با این کشور در اظهارنامه بین المللی دارای اثر اظهار تمایل برای تحصیل ورقه اختراع منطقه ای طبق معاهده ثبت اختراع منطقه ای باشد.

ماده ۴۶- ترجمه نادرست اظهارنامه بین المللی

اگر به علت ترجمه ناصحیح اظهارنامه بین المللی، حدود شمول هر ورقه اختراع اعطائی براساس آن ترجمه بیش از محدوده ذکر شده در اظهارنامه بین المللی به زبان اصلی باشد، مراجع کشور متعاهد مربوطه می توانند بر همین اساس و به صورت عطف به ماسبق دامنه اختراع را محدود سازند و اختراع را تا آنجا که محدوده آن بیش از حدود مذکور در اظهارنامه بین المللی به زبان اصلی است کان لم یکن نمایند.

ماده ۴۷- مهلت ها

۱- جزئیات مربوط به مهلت های مذکور در این معاهده تابع آئین نامه خواهد بود.

۲- الف - کلیه مهلت‌های تعیین‌شده در فصول اول و دوم این معاهده، غیر از تجدیدنظر طبق ماده (۶۰)، می‌تواند با تصمیم کشورهای متعاقد تغییر نماید.

ب - این تصمیمات باید در مجمع یا از طریق رأی‌گیری مکاتبه‌ای به صورت اتفاق آراء اتخاذ شود.

ج - جزئیات آئین کار تابع آئین‌نامه خواهد بود.

ماده ۴۸- تأخیر در رعایت برخی مهلت‌ها

۱- هرگاه هر مهلت تعیین شده در این معاهده یا آئین‌نامه به علت وقفه در خدمات پستی یا مفقود شدن یا تأخیر غیرقابل اجتناب در پست رعایت نشود عدم رعایت مهلت مزبور در این موارد طبق دلایل و سایر شرایط مقرر در آئین‌نامه موجه تلقی خواهد شد.

۲- الف - هر کشور متعاقد تا آنجا که به آن کشور مربوط می‌شود طبق دلایل مورد قبول در قانون ملی خود هرگونه تأخیر در رعایت هر مهلت را موجه خواهد نمود.

ب - هر کشور متعاقد می‌تواند تا آنجا که به آن کشور مربوط می‌شود تأخیر در رعایت هر مهلت را طبق دلایلی به غیر از آنچه که در جزء (الف) فوق آمده موجه تلقی نماید.

ماده ۴۹- حق اقدام در مراجع بین‌المللی

هر وکیل دعاوی، کارگزار ثبت اختراع یا شخص دیگری که نزد اداره ملی که به آن اداره اظهارنامه بین‌المللی تسلیم شده است و دارای حق اقدام قانونی باشد واجد شرایط برای اقدام قانونی نزد دفتر بین‌المللی و مرجع جست‌وجوی بین‌المللی و مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی درارتباط با آن اظهارنامه خواهند بود.

فصل چهارم - خدمات فنی

ماده ۵۰ - خدمات اطلاع‌رسانی در مورد اختراع

۱- دفتر بین‌المللی می‌تواند از طریق ارائه اطلاعات فنی و هرگونه اطلاعات مربوطه دیگر که براساس اسناد منتشره، اختراعات قبلی و اظهارنامه‌های انتشار یافته در دسترس دارد خدماتی را که (در این ماده «خدمات اطلاع‌رسانی» نامیده می‌شود) در اختیار قرار دهد.

۲- دفتر بین‌المللی می‌تواند این خدمات اطلاع‌رسانی را مستقیماً و یا از طریق یک یا چند مرجع جست‌وجوی بین‌المللی یا مؤسسات تخصصی ملی یا بین‌المللی که با آنها موافقتنامه منعقد سازد، ارائه نماید.

۳- خدمات اطلاع‌رسانی به نحوی ارائه خواهند شد که به‌ویژه تحصیل دانش فنی و فناوری و ازجمله مهارت‌های انتشار یافته و در دسترس را توسط کشورهای متعاهد در حال توسعه تسهیل نماید.

۴- خدمات اطلاع‌رسانی در دسترس دولتهای کشورهای متعاهد و اتباع و مقیمین این کشورها قرار داده خواهد شد. مجمع می‌تواند تصمیم بگیرد که این خدمات در دسترس دیگران نیز قرار گیرد.

۵ - الف - هرگونه ارائه خدمت به دولتهای کشورهای متعاهد در قبال پرداخت هزینه صورت خواهد پذیرفت با این قید که هرگاه دولت مربوط، دولت یک کشور متعاهد در حال توسعه باشد خدمات مربوطه با هزینه کمتری ارائه خواهد شد، مشروط بر این‌که بتوان مابه‌التفاوت را از محل عواید حاصله از بابت خدمات ارائه شده به دولتهای کشورهای غیرمتعاهد یا از سایر منابع مندرج در بند (۴) ماده (۵۱) تأمین نمود.

ب - بدیهی است هزینه‌های مذکور در جزء (الف) علاوه بر هزینه‌هایی می‌باشد که معمولاً به اجراء خدمات یک اداره ملی یا انجام تعهدات توسط یک مرجع جست‌وجوی بین‌المللی تعلق می‌گیرد.

۶ - جزئیات مربوط به اجراء مفاد این ماده تابع تصمیمات مجمع و در حدودی که مجمع تعیین خواهد نمود، تابع تصمیمات گروه‌های کاری خواهد بود که برای این هدف ممکن است مجمع تشکیل دهد.

۷ - مجمع می‌تواند هر زمان که لازم تشخیص دهد روش‌های تأمین مالی مکمل موارد مذکور در بند (۵) این ماده را توصیه نماید.

ماده ۵۱ - کمک‌های فنی

۱- مجمع، کار گروه (کمیته) کمک‌های فنی (که در این ماده کارگروه (کمیته) نامیده می‌شود) را تشکیل خواهد داد.

۲- الف - اعضای کار گروه (کمیته) از میان کشورهای متعاقد و با توجه لازم به حضور و نمایندگی کشورهای درحال توسعه در آن انتخاب خواهند شد.

ب - مدیرکل بنا به ابتکار خود و یا تقاضای کار گروه (کمیته) از نمایندگان سازمانهای بین‌الدولی دست‌اندر کار در امر کمک فنی به کشورهای درحال توسعه دعوت خواهد نمود تا در فعالیت کار گروه (کمیته) مشارکت نمایند.

۳- الف - وظیفه کار گروه (کمیته) سازماندهی و نظارت بر کمک‌های فنی به کشورهای متعاقد درحال توسعه برای توسعه نظامهای ثبت اختراع آنان به صورت انفرادی یا بریک‌اساس منطقه‌ای است.

ب - کمک‌های فنی از جمله شامل مواردی، از قبیل آموزش متخصصین، اعزام کارشناس و تأمین تجهیزات لازم برای نمایش یا اهداف عملیاتی خواهد بود.

۴- دفتر بین‌المللی تلاش خواهد نمود تا با سازمانهای تأمین مالی بین‌المللی، سازمانهای بین‌الدولی به ویژه سازمان ملل متحد، آژانس‌های سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی مرتبط با سازمان ملل متحد که دست‌اندرکار کمک‌های فنی هستند از یک طرف و دولتهای کشورهای دریافت‌کننده کمک‌های فنی از طرف دیگر موافقتنامه‌هایی را برای تأمین مالی پروژه‌های مربوط به این ماده منعقد سازد.

۵ - جزئیات مربوط به اجراء مفاد این ماده تابع تصمیمات مجمع و در حدود مقرر به وسیله مجمع، تابع تصمیمات گروههای کاری خواهد بود که ممکن است مجمع برای این منظور تشکیل دهد.

ماده ۵۲ - روابط با سایر مقررات معاهده

هیچ مطلبی در این فصل، مقررات مالی مذکور در فصول دیگر این معاهده را تحت تأثیر قرار نخواهد داد. مقررات مذکور نیز نسبت به این فصل و یا اجراء آن قابل اعمال نخواهد بود.

فصل پنجم - مقررات اداری

ماده ۵۳ - مجمع

۱- الف - مجمع، با رعایت مفاد بند (۸) ماده (۵۷) از کشورهای متعاقد تشکیل خواهد شد.

ب - هر دولت متعاقد دارای یک نماینده در مجمع خواهد بود که می‌تواند از کمک نمایندگان علی‌البدل، مشاورین و کارشناسان استفاده نماید.

۲- الف - مجمع:

۱- به کلیه امور مربوط به حفظ و توسعه اتحادیه و اجراء این معاهده رسیدگی خواهد نمود.

۲- کلیه وظایفی که اختصاصاً به موجب سایر مقررات این معاهده به آن محول شده را انجام خواهد داد.

۳- درمورد تهیه مقدمات فراهمی‌های (کنفرانسهای) تجدیدنظر در معاهده به دفتر بین‌المللی ارائه طریق خواهد نمود.

۴- گزارشها و فعالیتهای مدیرکل را در ارتباط با اتحادیه بررسی و تأیید نموده و درخصوص مسائلی که در صلاحیت اتحادیه می‌باشد، کلیه دستورات مقتضی را به وی ابلاغ خواهد نمود.

۵ - گزارشها و فعالیتهای کار گروه (کمیته) اجرائی موضوع بند (۹) این ماده را بررسی و تأیید نموده و دستورات مقتضی را به آن کار گروه (کمیته) ابلاغ خواهد نمود.

۶ - برنامه سه ساله اتحادیه را تعیین و بودجه سه ساله و حسابهای نهایی آن را تصویب خواهد نمود.

۷ - مقررات مالی اتحادیه را تصویب خواهد کرد.

۸ - کار گروهها (کمیته‌ها) و گروههای کاری را که برای نیل به اهداف اتحادیه مناسب تشخیص دهد، تشکیل خواهد

داد.

۹ - تعیین خواهد نمود که چه کشورهایی غیر از کشورهای متعاقد با رعایت مفاد بند (۸) این ماده و کدام سازمانهای

بین‌الدولی و سازمانهای غیردولتی بین‌المللی می‌توانند به‌عنوان ناظر در جلسات آن شرکت نمایند.

۱۰- هرگونه اقدام مقتضی دیگر به منظور پیشبرد اهداف اتحادیه و سایر وظایف مقتضی طبق این معاهده را انجام خواهد

داد.

ب - درارتباط با موضوعاتی که مربوط به سایر اتحادیه‌های تحت اداره سازمان باشد نیز، مجمع تصمیمات خود را پس از

مشاوره با کارگروه (کمیته) هماهنگی سازمان اتخاذ خواهد نمود.

۳- یک نماینده فقط نمایندگی یک کشور را عهده‌دار بوده و به نام یک کشور رأی می‌دهد.

۴- هر کشور متعهد دارای یک رأی خواهد بود.

۵- الف - حد نصاب لازم برای تشکیل جلسه نصف کشورهای متعهد خواهد بود.

ب - در صورت عدم تشکیل حدنصاب لازم، مجمع می‌تواند به غیر از تصمیمات مربوط به آئین کار خود، درباره سایر مسائل اتخاذ تصمیم نماید ولی کلیه تصمیمات آن فقط زمانی معتبر خواهد بود که حدنصاب و اکثریت لازم از طریق رأی‌گیری مکاتبه‌ای به نحو مقرر در آئین‌نامه حاصل شده باشد.

۶- الف - با رعایت جزء (ب) بند (۲) ماده (۴۷)، جزء (ب) بند (۲) ماده (۵۸)، بند (۳) ماده (۵۸)، جزء (ب) بند (۲) ماده (۶۱) تصمیمات مجمع مستلزم دو سوم آراء مأخوذه می‌باشد.

ب - رأی ممتنع رأی محسوب نخواهد شد.

۷ - در ارتباط با موضوعاتی که انحصاراً به کشورهایی مربوط می‌شود که ملزم به فصل دوم می‌باشند هرگونه اشاره به کشورهای متعهد در بندهای (۴)، (۵) و (۶) این ماده فقط ناظر به کشورهای ملزم به فصل دوم خواهد بود.

۸ - هر سازمان بین‌الدولی که به عنوان مرجع جست‌وجوی بین‌المللی و یا مرجع بررسی مقدماتی تعیین شده باشد به عنوان ناظر در مجمع پذیرفته می‌شود.

۹- هرگاه تعداد کشورهای متعهد از چهل کشور بیشتر شود، مجمع یک کار گروه (کمیته) اجرائی را تشکیل خواهد داد. هرگونه اشاره به کارگروه (کمیته) اجرائی در این معاهده و آئین‌نامه به منزله اشاره به کار گروه (کمیته) مزبور در صورتی است که آن کارگروه (کمیته) تشکیل شده باشد.

۱۰- تا زمانی که کارگروه (کمیته) اجرائی تشکیل شود، مجمع در حدود برنامه و بودجه سه ساله، برنامه‌های سالانه و بودجه‌های تهیه شده به وسیله مدیرکل را تصویب خواهد نمود.

۱۱- الف - مجمع هر دو سال تقویمی یک بار، بنا به دعوت مدیرکل اجلاس عادی خواهد داشت و این اجلاس در صورت نبود اوضاع و احوال استثنایی در همان زمان و همان مکان انعقاد مجمع عمومی سازمان جهانی مالکیت معنوی برگزار خواهد شد.

ب - مجمع بنا به دعوت مدیرکل و یا تقاضای کار گروه (کمیته) اجرائی یا یک چهارم از کشورهای متعهد اجلاس فوق‌العاده را برگزار خواهد نمود.

۱۲- مجمع قواعد آئین کار خود را تصویب خواهد کرد.

ماده ۵۴ - کار گروه (کمیته) اجرائی

- ۱- در صورتی که مجمع کار گروه (کمیته) اجرائی را تشکیل دهد، کارگروه (کمیته) مشمول مقررات زیر خواهد بود:
- ۲- الف - کارگروه (کمیته) اجرائی، با رعایت بند (۸) ماده (۵۷) متشکل از کشورهایی خواهد بود که مجمع آنها را از میان اعضاء خود انتخاب می‌کند.
- ب - هر دولت عضو کار گروه (کمیته) اجرائی یک نماینده در این کارگروه (کمیته) خواهد داشت که می‌تواند از کمک نمایندگان علی‌البدل، مشاورین و کارشناسان استفاده نماید.
- ۳- تعداد کشورهای عضو کارگروه (کمیته) اجرائی یک چهارم کشورهای عضو مجمع خواهد بود، برای تعیین رقم اعضایی که باید انتخاب شوند رقم مانده پس از تقسیم تعداد اعضای مجمع به عدد چهار نادیده گرفته می‌شود.
- ۴- در انتخاب اعضای کارگروه (کمیته) اجرائی، مجمع توجه لازم را به توزیع عادلانه جغرافیایی مبذول خواهد نمود.
- ۵ - الف - دوره عضویت هر عضو کارگروه (کمیته) اجرائی از تاریخ اختتام اجلاس مجمع که در آن انتخاب شده است، تا تاریخ اختتام اجلاس عادی بعدی مجمع خواهد بود.
- ب - اعضای کارگروه (کمیته) اجرائی قابل انتخاب مجدد می‌باشند به شرط آنکه تعداد آنها از دو سوم اعضای کار گروه (کمیته) اجرائی تجاوز ننماید.
- ج - مجمع جزئیات قواعد حاکم بر انتخاب و امکان انتخاب مجدد اعضای کارگروه (کمیته) اجرائی را تعیین خواهد نمود.
- ۶ - الف - کارگروه (کمیته) اجرائی:
- (۱) پیش‌نویس دستور کار مجمع را تهیه خواهد نمود.
- (۲) پیشنهادهایی را درخصوص پیش‌نویس برنامه و بودجه دوساله اتحادیه که به‌وسیله مدیرکل تهیه می‌شود ارائه خواهد نمود.
- (۳) حذف شده است.
- (۴) گزارشهای ادواری مدیرکل و گزارشهای سالانه حسابرسی مربوط به حسابها را همراه با نقطه نظرات مقتضی به مجمع تسلیم خواهد نمود.
- (۵) کلیه تدابیر لازم برای اطمینان یافتن از اجراء برنامه اتحادیه به‌وسیله مدیرکل را طبق تصمیمات متخذه مجمع و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال بین دو اجلاس عادی مجمع اتخاذ خواهد نمود.

(۶) کلیه وظایف دیگری را که به موجب این معاهده به آن محول است انجام خواهد داد.

ب - درخصوص امور مربوط به سایر اتحادیه‌های تحت اداره سازمان کار گروه (کمیته) اجرائی تصمیمات خود را پس از مشاوره با کارگروه (کمیته) هماهنگی سازمان اتخاذ خواهد نمود.

۷ - الف - کارگروه (کمیته) اجرائی، بنا به دعوت دبیرکل، هر سال یک بار اجلاس عادی خواهد داشت. این اجلاس ترجیحاً در همان زمان و همان مکان انعقاد اجلاس کار گروه (کمیته) هماهنگی سازمان برگزار خواهد گردید.

ب - بنا به دعوت مدیرکل که این دعوت می‌تواند به ابتکار شخصی او بوده، یا براساس تقاضای رئیس یا یک چهارم اعضاء کارگروه (کمیته) باشد، اجلاس فوق‌العاده کارگروه (کمیته) اجرائی تشکیل خواهد شد.

۸ - الف - هر کشور عضو کارگروه (کمیته) اجرائی دارای یک رأی خواهد بود.

ب - نصف اعضای کارگروه (کمیته) اجرائی حدنصاب را تشکیل خواهند داد.

ج - تصمیمات براساس رأی اکثریت ساده مأخوذه اتخاذ خواهد شد.

د - رأی ممتنع رأی محسوب نمی‌شود.

ه - یک نماینده فقط نمایندگی یک کشور را عهده‌دار بوده و به نام یک کشور رأی خواهد داد.

۹ - کشورهای متعاهدی که عضو کارگروه (کمیته) اجرائی نباشند و همچنین سازمانهای بین‌الدولی که به‌عنوان مرجع جست‌وجوی بین‌المللی و بررسی مقدماتی بین‌المللی تعیین شده‌اند می‌توانند در اجلاس‌های کارگروه (کمیته) به‌عنوان ناظر شرکت نمایند.

۱۰ - کار گروه (کمیته) اجرائی قواعد آئین کار خود را تصویب خواهد نمود.

ماده ۵۵ - دفتر بین‌المللی

۱ - دفتر بین‌المللی عهده‌دار انجام وظایف اداری اتحادیه خواهد بود.

۲ - دفتر بین‌المللی عهده‌دار امور مربوط به دبیرخانه نهادهای مختلف اتحادیه خواهد بود.

۳ - مدیرکل عالیت‌ترین مقام اجرائی اتحادیه و نماینده آن خواهد بود.

۴ - دفتر بین‌المللی یک روزنامه رسمی و سایر نشریات مقرر در آئین‌نامه یا مورد نیاز مجمع را انتشار خواهد داد.

۵ - آئین‌نامه خدماتی که ادارات ملی به منظور کمک به دفتر بین‌المللی و مراجع جست‌وجوی بین‌المللی و بررسی

مقدماتی بین‌المللی دراجراء وظایف محوله به موجب این معاهده انجام خواهند داد را مشخص خواهد نمود.

- ۶ - مدیرکل و هر عضو اداری تعیین شده از جانب وی در کلیه جلسات مجمع، کارگروه (کمیته) اجرائی و هر کارگروه (کمیته) یا گروه کاری دیگر که به موجب این معاهده یا آئین نامه تشکیل می شود، بدون حق رأی شرکت خواهند نمود. مدیرکل یا هر عضو اداری تعیین شده از جانب وی به اعتبار سمت اداری خود دبیر نهادهای مزبور خواهند بود.
- ۷ - الف - دفتر بین المللی طبق ارائه طریق های مجمع و با همکاری کار گروه (کمیته) اجرائی تهیه مقدمات برگزاری فراهمی های (کنفرانسهای) تجدیدنظر در معاهده را فراهم خواهد ساخت.
- ب - دفتر بین المللی می تواند با سازمانهای بین الدولی و سازمانهای غیردولتی بین المللی در ارتباط با تهیه مقدمات فراهمی های (کنفرانسهای) تجدیدنظر مشورت نماید.
- ج - مدیرکل و اشخاص تعیین شده از جانب وی در مباحثات فراهمی های (کنفرانسهای) تجدیدنظر بدون حق رأی شرکت خواهند نمود.

۸ - دفتر بین المللی هرگونه وظایف محوله دیگر را انجام خواهد داد.

ماده ۵۶ - کار گروه (کمیته) همکاری فنی

- ۱- مجمع کار گروه (کمیته) همکاری فنی (که در این ماده کارگروه (کمیته) نامیده می شود) را ایجاد خواهد نمود.
- ۲ - الف - مجمع با توجه مقتضی به نمایندگی عادلانه کشورهای درحال توسعه، ترکیب اعضای کارگروه (کمیته) را مشخص نموده و آنها را منصوب خواهد کرد.
- ب - مراجع جست و جوی بین المللی و بررسی مقدماتی بین المللی به اعتبار سمت خود عضو کار گروه (کمیته) خواهند بود. در صورتی که چنین مرجعی اداره ملی یک کشور متعاهد باشد، نماینده دیگری غیر از آن از طرف کشور مذکور در کارگروه (کمیته) شرکت نخواهد داشت.
- ج - تعداد کل اعضای کارگروه (کمیته) در صورت کفایت تعداد کشورهای متعاهد بیش از دو برابر تعداد اعضای خواهد بود که به اعتبار سمت خود در کارگروه (کمیته) عضویت دارند.
- د - مدیرکل بنا به ابتکار شخصی خود یا برحسب تقاضای کارگروه (کمیته) از نمایندگان سازمانهای ذی نفع دعوت خواهد نمود تا در مباحثات مورد علاقه خود در کارگروه (کمیته) شرکت نمایند.
- ۳- هدف کارگروه (کمیته) ارائه مشورت و توصیه ها به منظور کمک در تحقق موارد زیر است:
- (۱) بهبود دائمی در ارائه خدمات پیش بینی شده در این معاهده.

(۲) تأمین حداکثر درجه یکنواختی و یکسانی در اسناد و روشهای کاری مراجع متعدد جستوجوی بین‌المللی و مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی و حداکثر درجه یکنواختی و یکسانی در رعایت کیفیت بالا در گزارشهای این مراجع، و (۳) حل مشکلات فنی خاص مربوط به ایجاد یک مرجع واحد جستوجوی بین‌المللی، بنا به ابتکار مجمع یا کار گروه (کمیته) اجرائی.

۴- هر کشور متعاقد و هر سازمان بین‌المللی ذی‌نفع می‌تواند درخصوص مسائلی که در صلاحیت کار گروه (کمیته) است با آن مکاتبه کند.

۵- کار گروه (کمیته) می‌تواند توصیه‌ها و نظر مشورتی خود را خطاب به مدیرکل یا از طریق او به مجمع، کارگروه (کمیته) اجرائی کلیه یا برخی از مراجع جستوجو و بررسی مقدماتی بین‌المللی و تمام یا بعضی از ادارات دریافت‌کننده ارائه نماید.

۶- الف - درهرمورد، مدیرکل متن کلیه توصیه‌ها و نظر مشورتی کار گروه (کمیته) را به کارگروه (کمیته) اجرائی تسلیم خواهد نمود. او همچنین می‌تواند درباره این متون اظهارنظر نماید.

ب - کارگروه (کمیته) اجرائی می‌تواند نظرات خود را درباره هر نظر مشورتی، توصیه یا فعالیت دیگر کارگروه (کمیته) ابراز نماید. همچنین می‌تواند از کارگروه (کمیته) بخواهد که درباره موضوعاتی که در صلاحیت آن قرار دارد مطالعه نموده و گزارش دهد. کارگروه (کمیته) اجرائی می‌تواند نظر، توصیه‌ها و گزارش کار گروه (کمیته) را همراه با اظهارنظرهای مقتضی، به مجمع تسلیم نماید.

۷- تا تشکیل کارگروه (کمیته) اجرائی، اشارات مذکور در بند (۶) این ماده به کارگروه (کمیته) اجرائی به منزله اشارات به مجمع خواهد بود.

۸- جزئیات آئین کار کارگروه (کمیته) تابع تصمیمات مجمع خواهد بود.

ماده ۵۷ - تأمین مالی

۱- الف - اتحادیه دارای یک بودجه خواهد بود.

ب - بودجه اتحادیه شامل درآمد و هزینه‌های مربوط به اتحادیه سهم آن در هزینه‌های مشترک اتحادیه‌های تحت اداره سازمان خواهد بود.

ج - هزینه‌هایی که انحصاراً نتوان آن را به اتحادیه و همچنین یک یا چند اتحادیه تحت اداره سازمان نسبت داد

به عنوان هزینه‌های مشترک اتحادیه‌ها در نظر گرفته خواهد شد. سهم اتحادیه در این هزینه‌های مشترک متناسب با استفاده اتحادیه از آن هزینه‌ها خواهد بود.

۲- بودجه اتحادیه با توجه مقتضی به الزامات مربوط به هماهنگی داشتن با بودجه‌های سایر اتحادیه‌های تحت اداره سازمان تعیین خواهد شد.

۳- با رعایت مقررات بند (۵) این ماده، بودجه اتحادیه از منابع زیر تأمین خواهد شد:

(۱) وجوه دریافتی درقبال خدمات انجام شده به وسیله دفتر بین‌المللی درارتباط با اتحادیه.

(۲) فروش انتشارات دفتر بین‌المللی مربوط به اتحادیه یا حق‌الامتيازهای مربوط به آنها.

(۳) هدایا، اموال مورد وصیت و کمک‌های مالی.

(۴) اجاره‌بها، منافع و سایر درآمدهای متفرقه.

۴- مبالغ وجوه و دریافتی‌های دفتر بین‌المللی و قیمت انتشارات آن باید به نحوی تعیین شود که در شرایط عادی کافی برای تأمین کل هزینه‌های دفتر بین‌المللی در ارتباط با اداره این معاهده باشد.

۵ - الف - در صورتی که یک سال مالی دارای کسری باشد، کشورهای متعاقد، با رعایت مفاد جزءهای (ب) و (ج) این کسری را تأمین خواهند نمود.

ب - مجمع سهم هر کشور متعاقد را با عطف توجه مقتضی به تعداد اظهارنامه‌های بین‌المللی نشأت گرفته از آن کشور در سالهای مربوطه تعیین خواهد نمود.

ج - در صورت حصول طرق دیگری برای تأمین موقتی کل کسری و یا قسمتی از آن، مجمع می‌تواند تصمیم بگیرد که این کسری به سال بعد منتقل شود و کشورهای متعاقد سهمیه‌ای را در این خصوص پرداخت ننمایند.

د - اگر وضعیت مالی اتحادیه اجازه دهد، مجمع می‌تواند تصمیم بگیرد که هرگونه پرداخت سهمیه به‌موجب جزء (الف) به کشورهای متعاقدی که پرداخت مزبور را انجام داده‌اند مسترد گردد.

ه - کشور متعاقدی که ظرف مدت دو سال از تاریخ مقرر توسط مجمع سهمیه خود را به‌موجب جزء (ب) نپردازد ممکن است از حق رأی دادن در هر یک از نهادهای اتحادیه ممنوع شود، مع‌ذلک هر یک از نهادهای اتحادیه می‌توانند در صورتی که قانع شوند که تأخیر در پرداخت به علت شرایط و اوضاع و احوال استثنایی و غیرقابل اجتناب بوده است اجازه دهند که آن کشور به اعمال حق رأی خود در آن نهاد ادامه دهد.

۶ - در صورتی که بودجه قبل از آغاز دوره مالی جدید تصویب نشود میزان آن برابر مقررات مالی در سطح بودجه

سال قبل خواهد بود.

۷ - الف - اتحادیه دارای یک صندوق سرمایه در گردش خواهد بود که با پرداخت در یک نوبت توسط هر کشور متعهد تشکیل خواهد شد. در صورت عدم تکافو، مجمع ترتیبات لازم را برای افزایش آن اتخاذ خواهد نمود، اگر به قسمتی از وجوه این صندوق نیاز نباشد وجوه مربوط مسترد خواهد شد.

ب - مجمع در مورد پرداخت مبلغ اولیه هر کشور متعهد به صندوق مزبور یا مبلغ اضافی که آن کشور باید در پرداخت آن مشارکت نماید بر پایه اصول مشابه مقرر در جزء (ب) بند (۵) این ماده تصمیم خواهد گرفت.

ج - مجمع شرایط پرداخت را براساس پیشنهاد مدیرکل و پس از استماع نظر کارگروه (کمیته) هماهنگی سازان تعیین خواهد نمود.

د - هرگونه استرداد با در نظر گرفتن تاریخ‌های پرداخت، متناسب با مبالغ پرداختی توسط هر کشور متعهد خواهد بود.

۸ - الف - در موافقتنامه منعقد با کشوری که مقر سازمان در قلمرو آن واقع است مقرر خواهد شد هر زمان که وجوه صندوق سرمایه در گردش کافی نباشد دولت مقر، مساعده‌های مالی را اعطاء نماید. مبلغ این مساعده‌ها و شرایطی که براساس آنها مساعده‌های مربوط پرداخت می‌شود در هر مورد تابع موافقتنامه‌های جداگانه بین آن کشور و سازمان خواهد بود تا آنجا که به تعهد پرداخت مساعده‌ها مربوط می‌شود، کشور مقر دارای یک‌کرسی به اعتبار این سمت در مجمع و کارگروه (کمیته) اجرائی خواهد بود.

ب - کشور مذکور در بند (الف) و سازمان هر کدام حق دارند انصراف خود را از تعهد به پرداخت مساعده کتباً اعلام نمایند این انصراف با گذشت سه سال از تاریخ پایان سال اعلام مزبور مؤثر خواهد بود.

۹ - حسابرسی حسابها به وسیله یک یا چند کشور متعهد و یا توسط حسابرسان خارج، به نحو مقرر در مقررات مالی صورت خواهد گرفت. این حسابرسان را مجمع با موافقت خود آنان تعیین خواهد نمود.

ماده ۵۸ - آئین‌نامه

۱ - آئین‌نامه منضم به این معاهده متضمن مقررات در موارد زیر خواهد بود:

(۱) موضوعاتی که در ارتباط با آن، این معاهده صراحتاً به آئین‌نامه اشاره می‌کند و یا صراحتاً مقرر می‌دارد که آئین‌نامه مربوطه در آن موارد تعیین تکلیف نموده یا خواهد نمود.

(۲) هرگونه الزامات، موضوعات یا آئین کار اداری.

(۳) هرگونه جزئیات مفید درارتباط با اجراء مقررات این معاهده.

۲- الف - مجمع می‌تواند آئین‌نامه را اصلاح نماید.

ب - با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، اصلاحیه‌ها مستلزم سه چهارم آراء مأخوذه می‌باشد.

۳ - الف - آئین‌نامه مقرراتی را که می‌توان آنها را اصلاح نمود به طرق زیر مشخص خواهد ساخت.

(۱) فقط با اتفاق نظر، یا

(۲) فقط در مواردی که هیچ یک از کشورهای متعاقد که اداره ملی آنها به‌عنوان مرجع جست‌وجوی بین‌المللی یا

مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی عمل می‌نمایند مخالف نباشند و اگر مرجع مزبور یک سازمان بین‌الدولی باشد در صورتی

که کشور متعاقد عضو آن سازمان که از سوی سایر کشورهای عضو مجاز در این امر است مخالفت ننماید.

ب - مستثنی ساختن هر یک از مقررات آئین‌نامه از الزامات قابل اعمال در آینده، حسب مورد مستلزم اجراء شرایط

مذکور در ردیف (۱) جزء (الف) یا ردیف (۲) جزء (الف) خواهد بود.

ج - درج هرگونه مقررات در آینده در یک یا سایر الزامات مذکور در جزء (الف) این بند مستلزم اتفاق نظر است.

۴ - آن دسته از دستورات اداری مدیرکل که باید با نظارت مجمع تحقق یابد را آئین‌نامه مشخص خواهد نمود.

۵ - در صورت تعارض بین مقررات این معاهده و آئین‌نامه، مقررات معاهده حاکم خواهد بود.

فصل ششم - اختلافات

ماده ۵۹ - اختلافات

با رعایت بند (۵) ماده (۶۴)، هرگونه اختلاف بین دو یا چند کشور متعاقد درباره تفسیر یا اجراء این معاهده یا آئین‌نامه

که از طریق مذاکره حل و فصل نشود، را هر یک از کشورهای مربوطه می‌تواند طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به

آن دیوان ارجاع دهد مگر این‌که کشورهای مربوط به روش دیگری جهت حل و فصل توافق نمایند. کشور متعاهدی که

اختلاف را در دیوان مطرح می‌کند مراتب را به دفتر بین‌المللی اعلام خواهد نمود. دفتر بین‌المللی موضوع را به اطلاع سایر

کشورهای متعاقد خواهد رسانید.

فصل هفتم - تجدیدنظر و اصلاح

ماده ۶۰ - تجدیدنظر در معاهده

- ۱- این معاهده می‌تواند هر چند وقت یک بار به وسیله یک فراهمایی (کنفرانس) ویژه کشورهای متعاقد مورد تجدیدنظر واقع شود.
- ۲- برگزاری هر فراهمایی (کنفرانس) تجدیدنظر بنا بر تصمیم مجمع صورت خواهد گرفت.
- ۳- هر سازمان بین‌الدولی که به عنوان مرجع جست‌وجو یا بررسی مقدماتی بین‌المللی تعیین شده باشد به عنوان ناظر در هر فراهمایی (کنفرانس) تجدیدنظر پذیرفته خواهد شد.
- ۴- بندهای (۵)، (۹) و (۱۱) ماده (۵۳)، ماده (۵۴)، بندهای (۴) الی (۸) ماده (۵۵)، ماده (۵۶) و ماده (۵۷) را می‌توان به وسیله فراهمایی (کنفرانس) تجدیدنظر یا طبق مفاد ماده (۶۱) اصلاح نمود.

ماده ۶۱ - اصلاح برخی از مقررات معاهده

- ۱- الف - هر کشور عضو مجمع، مدیرکل و یا کارگروه (کمیته) اجرائی می‌توانند پیشنهادهای مربوط به اصلاح بندهای (۵)، (۹) و (۱۱) ماده (۵۳)، ماده (۵۴) بندهای (۴) الی (۸) ماده (۵۵)، ماده (۵۶) و ماده (۵۷) را مطرح نمایند.
- ب - پیشنهادهای مذکور را مدیرکل حداقل شش ماه قبل از بررسی آنها به وسیله مجمع به کشورهای متعاقد اعلام خواهد نمود.
- ۲- الف - اصلاحیه‌های مواد مذکور در بند (۱) این ماده را مجمع تصویب خواهد نمود.
- ب - تصویب مستلزم سه چهارم آراء مأخوذه است.
- ۳- الف - هرگونه اصلاحیه به موارد مذکور در بند (۱) این ماده یک ماه پس از این که مدیرکل اعلام قبولی کتبی، سه چهارم از کشورهای عضو مجمع در زمان تصویب اصلاحیه برابر با روشهای مقرر در قانون اساسی آنها را دریافت نماید، لازم‌الاجراء خواهد شد.
- ب - هرگونه اصلاحیه مواد مذکور که به این ترتیب پذیرفته می‌شود در زمان لازم‌الاجراء شدن برای کلیه کشورهای عضو مجمع لازم‌الاتباع خواهد بود. با این قید که هر اصلاحیه‌ای که تعهدات مالی کشورهای متعاقد را افزایش دهد فقط درمورد آن عده از کشورهایی که پذیرش خود را نسبت به چنین اصلاحیه‌ای اعلام نموده باشند لازم‌الاتباع خواهد بود.
- ج - هر اصلاحیه‌ای که طبق مفاد جزء (الف) پذیرفته شده باشد درمورد کلیه کشورهایی که پس از تاریخ لازم‌الاجراء

شدن اصلاحیه طبق مفاد جزء (الف)، به عضویت مجمع درآیند لازم‌الاتباع خواهد بود.

فصل هشتم - مقررات نهایی

ماده ۶۲ - عضویت در معاهده

۱- هر کشور عضو اتحادیه بین‌المللی حمایت از مالکیت صنعتی می‌تواند به راههای زیر به عضویت این معاهده درآید:

(۱) امضاء و سپس تودیع سند تصویب، یا

(۲) تودیع یک سند الحاق.

۲- اسناد تصویب یا الحاق نزد مدیرکل تودیع خواهد شد.

۳- مفاد ماده (۲۴) متن تجدیدنظر شده در استکهلم معاهده پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی درمورد این معاهده اجراء خواهد شد.

۴- بند (۳) این ماده نباید به هیچ‌وجه به معنای به رسمیت شناختن و یا قبول ضمنی یک کشور متعاقد نسبت به وضعیت موجود سرزمینی تلقی شود که کشور متعاقد دیگر، آن سرزمین را طبق بند مذکور مشمول این معاهده نموده است.

ماده ۶۳ - لازم‌الاجراء شدن معاهده

۱- الف - این معاهده با رعایت مقررات بند (۳) این ماده سه ماه پس از این که هشت کشور اسناد تصویب یا الحاق خود را تودیع نمایند مشروط براین که حداقل چهار کشور از این هشت کشور هر یک یکی از شرایط زیر را محقق سازند لازم‌الاجراء خواهد شد:

(۱) تعداد اظهارنامه‌های تسلیم شده در کشور مطابق آخرین آمارهای سالانه انتشار یافته توسط دفتر بین‌المللی از ۴۰۰۰۰ متجاوز باشد.

(۲) اتباع یا مقیمین کشور مطابق آخرین آمارهای سالانه انتشار یافته توسط دفتر بین‌المللی حداقل ۱۰۰۰ اظهارنامه را در یک کشور خارجی تسلیم نموده باشند.

(۳) اداره ملی کشور، طبق آخرین آمارهای سالانه انتشار یافته توسط دفتر بین‌المللی حداقل ۱۰۰۰۰ اظهارنامه را از اتباع یا مقیمین کشورهای خارجی دریافت نموده باشند.

ب - در این بند واژه اظهارنامه‌ها شامل اظهارنامه‌های مربوط به مدل‌های اشیاء مصرفی نمی‌باشد.

۲- با رعایت مفاد بند (۳) این ماده هر کشور که در تاریخ لازم‌الاجراء شدن این معاهده برابر بند (۱) این ماده، به عضویت این معاهده در نیامده باشد، سه ماه پس از آن که سند الحاق یا تصویب خود را تودیع نماید به این معاهده ملزم خواهد شد.

۳- معذلک مفاد فصل دوم و مقررات مربوط به آن که در آئین‌نامه منضم به این معاهده آمده فقط در تاریخی قابل اجراء خواهد بود که در آن تاریخ سه کشور که هرکدام از آنها حداقل یکی از سه الزامات مذکور در بند (۱) را انجام داده و اعلام ننموده باشند که طبق بند (۱) ماده (۶۴) قصد ملزم شدن به مقررات مذکور در فصل دوم را ندارند، به عضویت این معاهده در آمده باشند. به هر حال این تاریخ زودتر از تاریخ لازم‌الاجراء شدن طبق بند (۱) نخواهد بود.

ماده ۶۴ - حق شرطها

- ۱- الف - هر کشور می‌تواند اعلام نماید که ملزم به مقررات فصل دوم نخواهد بود.
- ب - کشورهایی که اعلامیه موضوع جزء (الف) بند (۱) را صادر می‌نمایند ملزم به مفاد فصل دوم و مقررات مربوط به آن در آئین‌نامه نخواهند بود.
- ۲- الف - هر کشوری که طبق جزء (الف) بند (۱) اعلامیه‌ای را صادر ننموده باشد می‌تواند اعلام نماید که:
- (۱) نسبت به مقررات بند (۱) ماده (۳۹) درخصوص ارائه یک نسخه از اظهارنامه بین‌المللی و ترجمه آن (به نحو مقرر) ملزم نخواهد بود.
- (۲) تأخیر بررسی ملی به نحو مقرر در ماده (۴۰) مانع از انتشار اظهارنامه بین‌المللی و یا ترجمه آن توسط یا از طریق اداره ملی نخواهد بود معذلک این امر بدان معنا نیست که کشور از محدودیت‌های مقرر در مواد (۳۰) و (۳۸) مستثنی باشد.
- ب - کشورهایی که چنین اعلامیه‌ای را صادر نمایند ملزم به رعایت مفاد آن خواهند بود.
- ۳- الف - هر کشوری می‌تواند اعلام کند، تا آنجا که به آن کشور مربوط می‌شود، انتشار بین‌المللی اظهارنامه‌های بین‌المللی لازم نیست.
- ب - هرگاه پس از انقضاء هجده ماه از تاریخ حق تقدم، اظهارنامه بین‌المللی حاوی تعیین فقط کشورهایی باشد که اعلامیه‌ای را طبق جزء (الف) این بند صادر نموده باشند در آن صورت انتشار اظهارنامه بین‌المللی طبق بند (۲) ماده (۲۱) منتفی است.
- ج - حتی اگر مقررات جزء (ب) فوق به اجراء در آید مع هذا دفتر بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی را در موارد زیر منتشر خواهد نمود:

(۱) بنا به تقاضای متقاضی به نحو مقرر در آئین نامه.

(۲) هرگاه اظهارنامه ملی یا ورقه اختراع مبتنی بر اظهارنامه بین‌المللی به وسیله یا از طرف اداره ملی هر کشور تعیین شده

که اعلامیه را طبق جزء (الف) فوق صادر کرده منتشر شود، بلافاصله پس از انتشار مذکور به شرط انقضاء مدت هجده ماه از تاریخ حق تقدم.

۴- الف - هر کشوری که قانون ملی آن اثر سابقه اختراعات ادعایی را از تاریخی قبل از تاریخ انتشار مقرر نماید ولی از لحاظ سابقه اختراع ادعایی تاریخ حق تقدم مورد ادعا طبق کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی را همان تاریخ واقعی تسلیم اظهارنامه در آن کشور تلقی نماید می‌تواند اعلام کند که تاریخ تسلیم یک اظهارنامه بین‌المللی در خارج از آن کشور که در آن اظهارنامه بین‌المللی کشور مزبور تعیین شده است با تاریخ تسلیم واقعی در آن کشور از حیث سابقه اختراع ادعایی یکسان نمی‌باشد.

ب - هر کشوری که اعلامیه‌ای را برابر جزء (الف) فوق صادر نموده باشد تا حد مذکور در اعلامیه ملزم به رعایت مفاد بند (۳) ماده (۱۱) نخواهد بود.

ج - هر کشوری که اعلامیه‌ای را برابر جزء (الف) فوق صادر نماید به صورت همزمان و مکتوب تاریخ و شرایط مربوط به تحقق اثر سابقه اختراع ادعایی هر اظهارنامه بین‌المللی که کشور مزبور را تعیین نموده باشد، در آن کشور اعلام خواهد نمود. اعلام مزبور را می‌توان در هر زمان طی اطلاعیه‌ای خطاب به مدیرکل تغییر داد.

۵ - هر کشور می‌تواند اعلام نماید که خود را ملزم به رعایت ماده (۵۹) نمی‌داند. مفاد ماده (۵۹) درمورد هرگونه اختلاف بین هر کشور متعاقد صادرکننده این اعلامیه و هر دولت متعاقد دیگر اجراء نخواهد شد.

۶- الف - هر اعلامیه صادره به موجب این ماده به صورت مکتوب خواهد بود. اعلامیه مذکور می‌تواند هنگام امضاء این معاهده، هنگام تودیع سند تصویب یا الحاق، یا به استثنای مورد مذکور در بند (۵) این ماده در هر زمان بعدی به وسیله اطلاعیه‌ای خطاب به مدیرکل به وی اعلام گردد. درمورد اطلاعیه مذکور اثر اعلامیه شش ماه پس از تاریخ دریافت اطلاعیه مزبور توسط مدیرکل خواهد بود و اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیم شده قبل از انقضاء دوره دوره شش ماهه مذکور را تحت تأثیر قرار نخواهد داد.

ب - هرگونه اعلامیه صادره طبق این ماده را می‌توان در هر زمان به وسیله اطلاعیه‌ای خطاب به مدیرکل مسترد نمود. این استرداد سه ماه پس از دریافت اطلاعیه توسط مدیرکل محقق خواهد شد و درمورد استرداد اعلامیه صادره طبق بند (۳) این استرداد، اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیمی قبل از انقضاء مدت سه ماه مذکور را تحت تأثیر قرار نخواهد داد.

۷- هیچ حق شرط دیگری نسبت به این معاهده به غیر از حق شرطهای درنظر گرفته شده طبق بندهای (۱) تا (۵) مجاز نیست.

ماده ۶۵- اجراء تدریجی

۱- در صورتی که موافقتنامه منعقد به هر مرجع جستوجوی بینالمللی یا مرجع بررسی مقدماتی بینالمللی، به صورت موقت، محدودیتهایی را درخصوص تعداد یا نوع اظهارنامه بینالمللی که آن مرجع عهدهدار رسیدگی به آن می شود را مقرر نماید، مجمع تدابیر لازم را برای اجراء تدریجی این معاهده و آئین نامه درارتباط با انواع اظهارنامه های بینالمللی مشخص شده اتخاذ خواهد نمود. این مقررات همچنین درباره تقاضاهای مربوط به جستوجو از نوع جستوجوی بینالمللی موضوع بند (۵) ماده (۱۵) اجراء خواهد شد.

۲- مجمع تاریخهایی را که از آن تاریخها، با رعایت بند (۱) این ماده، می توان اظهارنامه های بینالمللی را تسلیم و تقاضاهای بررسی مقدماتی بینالمللی را ارائه نمود معین خواهد کرد. تاریخهای مذکور به ترتیب دیرتر از شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این معاهده طبق مفاد بند (۱) ماده (۶۳) یا پس از قابلیت اجرائی یافتن فصل دوم به موجب بند (۳) ماده (۶۳) نخواهد بود.

ماده ۶۶- انصراف از عضویت

۱- هر کشور متعاقد می تواند با صدور اطلاعیه ای خطاب به مدیرکل انصراف خود را از عضویت در این معاهده اعلام دارد.

۲- انصراف از عضویت در معاهده شش ماه پس از تاریخ دریافت اطلاعیه مذکور به وسیله مدیرکل محقق خواهد شد. انصراف مزبور نسبت به آثار اظهارنامه های بینالمللی تسلیمی به کشور انصراف دهنده قبل از انقضاء مدت شش ماه مذکور و همچنین نسبت به انتخاب کشور انصراف دهنده قبل از انقضاء این مدت اثری نخواهد داشت.

ماده ۶۷- امضاء و زبانها

۱- الف - این معاهده در نسخه ای واحد به زبان انگلیسی و فرانسوی امضاء خواهد شد و هر دو متن مزبور از اعتبار یکسان برخوردار خواهند بود.

ب - مدیرکل پس از مشورت با دولتهای ذی نفع متون رسمی این معاهده را به زبانهای آلمانی، ژاپنی، پرتغالی، روسی،

اسپانیولی و زبانهای دیگری که ممکن است مجمع تعیین نماید، تهیه خواهد کرد.

۲- این معاهده برای امضاء تا تاریخ سی و یکم دسامبر ۱۹۷۰ (برابر با ۱۳۴۹/۱۰/۱۰ هجری شمسی) در واشنگتن مفتوح خواهد بود.

ماده ۶۸ - وظایف امین اسناد

- ۱- نسخه اصلی این معاهده پس از انقضاء تاریخ مذکور در بند (۲) ماده (۶۷) نزد مدیرکل تودیع خواهد شد.
- ۲- مدیرکل دو نسخه از رونوشت مصدق این معاهده و آئین نامه منضم به آن را برای کلیه کشورهای عضو کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و سایر کشورها در صورت تقاضا ارسال خواهد نمود.
- ۳- مدیرکل این معاهده را در دبیر خانه سازمان ملل متحد ثبت خواهد نمود.
- ۴- مدیرکل دو نسخه از رونوشت مصدق هر اصلاحیه این معاهده و آئین نامه را برای کلیه کشورهای متعاقد و سایر کشورها در صورت تقاضا ارسال خواهد نمود.

ماده ۶۹ - اطلاعیه ها

- مدیرکل مراتب زیر را به کلیه کشورهای عضو کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی اطلاع خواهد داد.
- ۱- امضاءها به موجب ماده (۶۲).
 - ۲- تودیع اسناد تصویب یا الحاق به موجب ماده (۶۲).
 - ۳- تاریخ لازم الاجراء شدن این معاهده و تاریخی که در آن به موجب بند (۳) ماده (۶۳) فصل دوم لازم الاجراء می شود.
 - ۴- هر اعلامیه صادره به موجب بند (۱) تا (۵) ماده (۶۴).
 - ۵- استرداد هر اعلامیه صادره به موجب جزء (ب) بند (۶) ماده (۶۴).
 - ۶- مراتب اعلام انصراف از عضویت در معاهده به موجب ماده (۶۶).
 - ۷- هرگونه اعلامیه صادره به موجب بند (۴) ماده (۳۱).
- قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن معاهده، شامل مقدمه و شصت و نه ماده و آئین نامه پیوست در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و چهارم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسید.

آئین نامه معاهده همکاری در ثبت اختراع

(لازم الاجراء از ۱۲ فروردین ۱۳۸۱ (۱ آوریل ۲۰۰۲))

قسمت الف

مواد مقدماتی

ماده ۱- اصطلاحات اختصاری

۱-۱ معنای اصطلاحات اختصاری

(الف) کلمه « معاهده » به معنای معاهده همکاری در ثبت اختراعات است.

(ب) کلمات « فصل » و « ماده » به فصل یا ماده ای مشخص از معاهده دلالت دارد.

ماده ۲- تفسیر برخی کلمات

۲-۱ « متقاضی »

در هر جا که کلمه « متقاضی » به کار رفته باشد کلمه مذکور همچنین به معنای کارگزار و یا نماینده دیگر متقاضی نیز خواهد بود مگر اینکه صراحتاً از سیاق عبارت و یا ماهیت ماده و یا متنی که این کلمه در آن بکار رفته خلاف آن مستفاد گردد نظیر بالاخص موردی که ماده به محل اقامت و یا تابعیت متقاضی اشاره داشته باشد.

۲-۲ « کارگزار »

در هر جا که کلمه کارگزار به کار رفته باشد، منظور کارگزاری است که وفق بند ۱ ماده ۹۰ آئین نامه تعیین شده است مگر اینکه صراحتاً از سیاق عبارت و یا ماهیت ماده یا متنی که این کلمه در آن بکار رفته خلاف آن مستفاد گردد.

۲-۳ « نماینده مشترک »

در هر جا که اصطلاح « نماینده مشترک » به کار رفته باشد منظور یک متقاضی منصوب شده به عنوان نماینده مشترک و یا تلقی شده به عنوان نماینده مشترک وفق بند ۲ ماده ۹۰ آئین نامه است.

۲-۴ « امضاء »

در هر جا که کلمه امضاء بکار رفته باشد چنانچه قانون ملی مورد اجراء بوسیله اداره دریافت کننده یا مرجع صالح

جستجوی بین‌المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی استفاده از مهر را به جای امضاء الزامی سازد، مقصود از کلمه امضاء برای آن اداره یا مرجع به معنای مهر خواهد بود.

قسمت ب

مواد مربوط به فصل اول معاهده

ماده ۳ - تقاضا (فرم)

۳-۱ فرم تقاضا

تقاضا بر روی یک فرم چاپی تنظیم یا بوسیله فرم چاپ شده رایانه‌ای ارائه خواهد شد.

۳-۲ در دسترس بودن فرم‌ها

نسخه‌هایی از فرم چاپی به وسیله اداره دریافت‌کننده، یا در صورت تمایل این اداره به وسیله دفتر بین‌المللی به صورت رایگان در اختیار متقاضیان قرار خواهد گرفت.

۳-۳ فهرست کنترل

(الف) تقاضا حاوی فهرستی خواهد بود که در آن موارد زیر مشخص خواهد شد:

«۱» تعداد کل اوراق تشکیل‌دهنده اظهارنامه بین‌المللی و تعداد اوراق مربوط به هر جزء اظهارنامه بین‌المللی: تقاضا، توصیف (که به صورت جداگانه تعداد اوراق مربوط به هر بخش از توصیف را براساس فهرست ترتیبی نشان دهد)، ادعاها، نقشه‌ها، خلاصه؛

«۲» در مواردی که اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی با وکالت‌نامه همراه باشد (سندی که یک کارگزار و یا یک نماینده مشترک را منصوب نماید) نسخه‌ای از وکالت‌نامه کلی، سند حق تقدم، فهرست ترتیبی به صورت فرم رایانه‌ای قابل خواندن، سند مربوط به پرداخت هزینه‌ها و یا هر سند دیگر (که در فهرست کنترل تعیین خواهد شد)؛

«۳» شماره آن شکل از نقشه‌ها که متقاضی پیشنهاد می‌نماید باید به هنگام انتشار خلاصه همراه آن باشد؛ در موارد استثنائی متقاضی می‌تواند بیش از یک شکل را پیشنهاد نماید.

(ب) این فهرست باید به وسیله متقاضی کامل شود و در صورت عدم انجام آن اداره دریافت‌کننده باین موضوع اشاره لازم را خواهد نمود. با این استثناء که اداره دریافت‌کننده به شماره مذکور در جزء «۳» شق الف فوق اشاره‌ای نخواهد داشت.

۳-۴ مشخصات

با رعایت بند ۳ فوق مشخصات فرم تقاضای چاپی و تقاضای ارائه‌شده به صورت فرم چاپی رایانه‌ای در دستورالعمل‌های

ماده ۴- تقاضا (محتویات)

۴-۱ محتویات اجباری و اختیاری؛ امضاء

(الف) تقاضا حاوی موارد زیر خواهد بود:

«۱» خواسته،

«۲» عنوان اختراع،

«۳» مشخصات مربوط به متقاضی و کارگزار اگر کارگزاری معین شده باشد،

«۴» تعیین کشورها،

«۵» مشخصات مربوط به مخترع در موردی که قانون ملی حداقل یکی از کشورهای تعیین شده، ارائه نام مخترع را به

هنگام تسلیم یک اظهارنامه ملی ضروری قلمداد نماید.

(ب) تقاضا، عندالاقضاء حاوی مراتب زیر خواهد بود:

«۱» یک ادعای حق تقدم،

«۲» ارجاع به هر نوع جستجوی بین‌المللی یا جستجوی از نوع بین‌المللی یا جستجوی دیگر قبلی،

«۳» انتخاب‌های مربوط به انواع خاص حمایت،

«۴» ذکر این مطلب که متقاضی مایل به تحصیل یک ورقه اختراع منطقه‌ای است،

«۵» ارجاع به اظهارنامه اصلی و یا اختراع اصلی،

«۶» انتخاب مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی توسط متقاضی.

(ج) تقاضا می‌تواند حاوی موارد زیر باشد:

«۱» مشخصات مربوط به مخترع در موردیکه قانون ملی هیچیک از کشورهای تعیین شده ارائه نام مخترع را در زمان

تسلیم یک اظهارنامه ملی الزامی نداند،

«۲» تقاضا از اداره دریافت‌کننده دائر به تهیه و ارسال سند حق تقدم به دفتر بین‌المللی در موردی که اظهارنامه‌ای که

حق تقدم آن ادعا شده به اداره ملی یا مرجع بین‌الدولی به عنوان اداره دریافت‌کننده تسلیم شده باشد،

«۳» اعلامیه‌ها به نحو مقرر در بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه.

(د) تقاضا باید امضاء شود.

۴-۲ خواسته

خواسته با مضمون ذیل بوده و ترجیحاً با کلمات زیر تنظیم خواهد شد:

« اینجانب امضاء کننده زیر درخواست می‌نمایم که این اظهارنامه بین‌المللی بر طبق معاهده همکاری در ثبت اختراعات

مورد رسیدگی قرار گیرد.»

۴-۳ عنوان اختراع

عنوان اختراع باید کوتاه (ترجیحاً از دو تا هفت کلمه به زبان انگلیسی و یا ترجمه شده به زبان انگلیسی) و دقیق باشد.

۴-۴ اسامی و نشانی‌ها

(الف) اسامی اشخاص حقیقی با ذکر نام خانوادگی، نام (نام‌هائی) که به آن معروفند درج خواهد شد و نام خانوادگی قبل از

نام (نام‌ها) خواهد آمد.

(ب) اسامی اشخاص حقوقی با ذکر مشخصات کامل و رسمی آنها درج خواهد شد.

(ج) نشانی‌ها به نحوی درج خواهند شد که الزامات مرسوم برای تحویل فوری پستی به نشانی‌های درج شده را محقق

سازد و در هر مورد شامل کلیه واحدهای اداری مربوطه، از جمله شماره خانه در صورت وجود خواهد بود. هرگاه قانون ملی کشور

تعیین شده ذکر شماره خانه را الزامی نداند، عدم ذکر این شماره دارای هیچ اثری در آن کشور نخواهد بود به منظور تسهیل

ارتباط سریع با متقاضی توصیه می‌شود که هرگونه نشانی چاپ از راه دور، شماره تلفن و نمابر یا اطلاعات درباره سایر وسایل

ارتباطی از این قبیل که مربوط به متقاضی یا عندالاقضاء کارگزار و یا نماینده مشترک باشد، درج گردد.

(د) برای هر متقاضی، مخترع یا کارگزار می‌توان فقط یک نشانی را درج نمود با این استثناء که اگر هیچ کارگزاری

منصوب نشده باشد تا نمایندگی متقاضی یا متقاضیان را عهده‌دار باشد خود متقاضی و یا اگر تعداد متقاضی بیش از یک شخص

باشد نماینده مشترک آنها می‌تواند علاوه بر هر نشانی دیگر اعلام شده در تقاضا یک نشانی را مشخص نماید که به آن نشانی

اطلاعیه‌ها ارسال گردد.

۴-۵ متقاضی

(الف) نام، نشانی، تابعیت و اقامتگاه متقاضی یا در صورت وجود متقاضیان متعدد، نام، نشانی، تابعیت و اقامتگاه هر یک از

آنها در تقاضا ذکر خواهد شد.

(ب) تابعیت متقاضی بر حسب نام کشوری که وی تبعه آن است درج خواهد شد.

(ج) اقامتگاه متقاضی برحسب نام کشوری که وی مقیم آنجا است درج خواهد شد.

(د) برای کشورهای مختلف تعیین شده می‌توان متقاضیان مختلفی را در تقاضا درج نمود. در چنین موردی در تقاضا،

متقاضی یا متقاضیان برای هر کشور تعیین شده یا گروه کشورهای تعیین شده درج خواهند شد.

(ه) در موردی که مشخصات متقاضی نزد اداره ملی عمل‌کننده به عنوان اداره دریافت‌کننده ثبت شده باشد تقاضا می‌تواند

حاوی شماره و سایر مشخصاتی باشد که تحت آن تقاضای متقاضی به ثبت رسیده است.

۴-۶ مخترع

(الف) در موردی که جزء «۵» شق (الف) بند ۱ ماده ۴ این آئین‌نامه یا جزء «۱» شق (ج) آن بند مصداق داشته باشد نام و

نشانی مخترع یا اگر چند مخترع وجود داشته باشند نام و نشانی هر یک از آن‌ها در تقاضا ذکر خواهد شد.

(ب) اگر متقاضی مخترع باشد در آن صورت تقاضا به جای ذکر اطلاعات مقرر به موجب شق (الف)، حاوی اظهاریه‌ای به

این منظور خواهد بود.

(ج) هرگاه الزامات قوانین ملی کشورهای تعیین‌شده یکسان نباشند برای کشورهای تعیین‌شده مختلف، اشخاص مختلف

را می‌توان در تقاضا به عنوان مخترع ذکر نمود. در اینصورت تقاضا حاوی یک اظهاریه جداگانه برای هر کشور تعیین‌شده یا

گروه کشورهایی خواهد بود که در آن کشور یا گروه کشورها یک شخص بخصوص، یا همان شخص باید مخترع تلقی گردد یا

در آن کشور یا گروه کشورها اشخاص بخصوص یا همان اشخاص باید به عنوان مخترعین تلقی گردند.

۴-۷ کارگزار

(الف) اگر کارگزاری تعیین شده باشد این موضوع در تقاضا ذکر و نام و نشانی وی در آن منعکس خواهد شد.

(ب) هرگاه مشخصات کارگزار نزد اداره ملی عمل‌کننده به عنوان اداره دریافت‌کننده ثبت شده باشد در تقاضا می‌توان

شماره و اطلاعات دیگری را که تحت آن مشخصات کارگزار به ثبت رسیده را ذکر نمود.

۴-۸ نماینده مشترک

هرگاه نماینده مشترکی منصوب شده باشد این موضوع باید در تقاضا ذکر شود.

۴-۹ تعیین کشورها

(الف) در موارد زیر در تقاضا کشورهای متعهد تعیین خواهند شد:

«۱» تعیین کشورها به منظور تحصیل ورقه‌های اختراع ملی از طریق ذکر نام هر کشور مربوط؛

«۲» تعیین کشورها به منظور تحصیل ورقه اختراع منطقه‌ای با مشخص نمودن این مطلب که یک ورقه اختراع

منطقه‌ای برای کلیه کشورهای متعاهد عضو معاهده اختراع منطقه‌ای مربوطه منظور است یا فقط برای کشورهای متعاهدی که نام آن‌ها ذکر شده است.

(ب) در تقاضا همچنین ممکن است ذکر شود که کلیه کشورهایی که برابر معاهده تعیین آن‌ها مجاز است غیر از موارد مذکور در شق (الف) نیز تعیین گردند مشروط بر اینکه:

«۱» لااقل یک کشور متعاهد به موجب شق (الف) این بند تعیین شده باشد، و

«۲» تقاضا همچنین حاوی اظهاریه‌ای باشد دایر بر این که هرگونه تعیین به عمل آمده به موجب این شق باید طبق شق

(ج) مورد تأیید قرار گیرد و اینکه هر نوع تعیین کشور به ترتیب مذکور در صورتی که قبل از انقضاء ۱۵ ماه از تاریخ حق تقدم تأیید نشود در پایان مهلت مذکور مسترد شده بوسیله متقاضی تلقی خواهد شد.

(ج) تأیید هر نوع تعیین کشورها که طبق شق (ب) به عمل آمده است به طرق زیر محقق خواهد شد:

«۱» تسلیم اعلامیه کتبی به اداره دریافت‌کننده حاوی مراتب مذکور در جزءهای «۱» یا «۲» شق (الف) و

«۲» پرداخت هزینه تعیین کشور و هزینه تأیید مذکور در بند ۵ ماده ۱۵ آئین‌نامه به اداره دریافت‌کننده ظرف مهلت مقرر

در جزء «۲» شق (ب) فوق.

۱۰-۴ ادعای حق تقدم

(الف) هر اعلامیه مذکور در بند (۱) ماده ۸ معاهده « ادعای حق تقدم » می‌تواند حق تقدم یک یا چند اظهارنامه قبلی

تسلیم‌شده در یا برای هر کشور عضو کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی یا تسلیم‌شده در یا برای هر عضو

سازمان جهانی تجارت که عضو آن کنوانسیون نمی‌باشد را ادعا نماید. هر ادعای حق تقدم با رعایت بند ۱ ماده ۲۶ مکرر آئین‌نامه

می‌تواند در تقاضا ذکر شود؛ این ادعا شامل اظهاریه‌ای دایر به اینکه حق تقدم اظهارنامه‌ای که قبلاً تسلیم‌شده ادعا می‌گردد و

موارد زیر خواهد بود:

«۱» تاریخ تسلیم اظهارنامه قبلی؛

این تاریخ باید در طی مدت ۱۲ ماه قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه بین‌المللی باشد.

«۲» شماره اظهارنامه قبلی؛

«۳» هرگاه اظهارنامه قبلی یک اظهارنامه ملی باشد نام کشور عضو کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی یا

عضو سازمان جهانی تجارت غیر عضو آن کنوانسیون که در آن کشور اظهارنامه تسلیم شده است؛

«۴» هرگاه اظهارنامه قبلی یک اظهارنامه منطقه‌ای باشد، نام مرجعی که معاهده اختراع منطقه‌ای، صلاحیت اعطای

ورقه‌های اختراع منطقه‌ای را به آن تفویض نموده است؛

«۵» هرگاه اظهارنامه قبلی یک اظهارنامه بین‌المللی باشد نام اداره دریافت‌کننده‌ای که اظهارنامه مزبور به آن تسلیم شده است.

(ب) علاوه بر هر ذکر نام که به موجب جزء «۴» یا «۵» شق (الف) ضروری است:

«۱» زمانی که اظهارنامه قبلی یک اظهارنامه منطقه‌ای یا یک اظهارنامه بین‌المللی باشد ادعای حق تقدم می‌تواند یک یا چند کشور عضو کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی که برای آنها اظهارنامه قبلی تسلیم شده است را مشخص نماید؛

«۲» هرگاه اظهارنامه قبلی یک اظهارنامه منطقه‌ای باشد و لااقل یکی از کشورهای عضو معاهده اختراع منطقه‌ای در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و سازمان جهانی تجارت عضویت نداشته باشد، در ادعای حق تقدم حداقل یک کشور عضو آن کنوانسیون یا یک عضو آن سازمان که برای آن اظهارنامه قبلی تسلیم شده مشخص خواهد شد.

(ج) از لحاظ شق‌های (الف) و (ب) این ماده بند (۶) ماده ۲ معاهده اعمال نخواهد شد.

(د) اگر در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۹ متن‌های اصلاح‌شده شق‌های (الف) و (ب) که از اول ژانویه سال ۲۰۰۰ به اجراء درمی‌آیند با قانون ملی مورد اجرا به وسیله یک اداره تعیین‌شده سازگاری نداشته باشند این شق‌ها به نحوی که تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ مجری بوده‌اند بعد از آن تاریخ نیز در ارتباط با آن اداره تعیین‌شده تا زمانیکه شق‌های اصلاح‌شده مذکور با آن قانون سازگاری نداشته باشند موردعمل خواهند بود به شرط اینکه اداره مذکور مراتب را تا ۳۱ اکتبر ۱۹۹۹ به دفتر بین‌المللی اطلاع دهد دفتر بین‌المللی اطلاع واصله را فوراً در روزنامه رسمی منتشر خواهد نمود.

۱۱-۴ اشاره به جستجوی قبلی

اگر جستجوی بین‌المللی یا جستجو از نوع بین‌المللی برای اظهارنامه‌ای طبق بند (۵) ماده ۱۵ معاهده تقاضا شده باشد یا اگر متقاضی مایل باشد که مرجع جستجوی بین‌المللی تمام یا بخشی از گزارش جستجوی بین‌المللی را بر نتایج یک جستجو غیر از جستجوی بین‌المللی یا جستجو از نوع بین‌المللی انجام شده بوسیله اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی که مرجع جستجوی بین‌المللی صلاحیتدار برای اظهارنامه بین‌المللی است مبتنی سازد در تقاضا به این موضوع اشاره خواهد شد. در این اشاره اظهارنامه‌ای که (یا ترجمه آن بر حسب مورد) در ارتباط با آن جستجوی قبلی انجام شده با ذکر نام کشور، تاریخ و شماره یا جستجوی مذکور و عندالاقضاء با تعیین تاریخ و شماره تقاضا برای چنین جستجویی مشخص خواهد شد.

۱۲-۴ انتخاب انواع خاص حمایت

(الف) اگر متقاضی مایل باشد که اظهارنامه بین‌المللی او در هر کشور تعیین شده نه به عنوان یک اظهارنامه برای یک ورقه اختراع بلکه به عنوان اعطای هر نوع از انواع حمایت تعیین شده در ماده ۴۳ معاهده تلقی گردد این مطلب را در تقاضا ذکر خواهند نمود. از لحاظ این شق، بند (۲) ماده ۲ معاهده اعمال نخواهد شد.

(ب) در مورد مقرر در ماده ۴۴ معاهده، متقاضی دو نوع حمایت مورد درخواست را ذکر خواهند نمود یا اگر یکی از این دو نوع حمایت از نظر او اصلی باشد مشخص خواهد کرد که کدام یک اصلی و کدام یک فرعی است.

۴-۱۳ تعیین اظهارنامه مادر

اگر متقاضی مایل باشد که اظهارنامه بین‌المللی او در هر کشور تعیین شده به عنوان یک اظهارنامه برای یک ورقه اختراع یا گواهی تکمیل اختراع، گواهی تکمیل اختراع مخترع یا گواهی تکمیل اشیاء مصرفی تلقی گردد، او اظهارنامه مادر یا ورقه اختراعات، مادر، گواهی ورقه اختراع مادر یا گواهی اشیاء مصرفی مادر که به آن ورقه اختراع یا گواهی تکمیل اختراع، گواهی تکمیل مخترع یا گواهی تکمیل اشیاء مصرفی مربوط می‌شود را تعیین خواهند نمود. از لحاظ این بند مقررات بند (۲) ماده ۲ معاهده اعمال نخواهد شد.

۴-۱۴ استمرار یا استمرار جزئی

اگر متقاضی مایل باشد اظهارنامه بین‌المللی او در هر کشور تعیین شده به عنوان اظهارنامه‌ای برای استمرار کامل یا جزئی اظهارنامه قبلی تلقی شود مراتب را به همین نحو در تقاضا ذکر و اظهارنامه مادر مربوط را مشخص خواهند نمود.

۱۴ مکرر ۴- انتخاب مرجع جستجوی بین‌المللی

اگر دو یا چند مرجع جستجوی بین‌المللی برای انجام جستجو در ارتباط با اظهارنامه بین‌المللی صلاحیت داشته باشند، متقاضی باید در تقاضا مرجع جستجوی بین‌المللی مورد نظر را تعیین نماید.

۴-۱۵ امضاء

(الف) با رعایت شق (ب) زیر تقاضا باید توسط متقاضی یا در صورت تعدد متقاضی توسط تمام آنان امضاء شود.

(ب) در مواردی که دو یا چند متقاضی یک اظهارنامه بین‌المللی را تسلیم نموده باشند که در آن کشوری تعیین شده باشد که به موجب قانون ملی آن کشور تسلیم اظهارنامه‌های ملی بوسیله مخترع الزامی باشد و در مواردی که متقاضی آن کشور تعیین شده مخترع بوده ولی از امضاء تقاضا خودداری نماید یا نتوان او را پس از انجام تلاش‌های مقتضی یافت و یا نتوان به او دسترسی پیدا کرد، اگر تقاضا حداقل توسط یک متقاضی امضاء شود و اظهاریه‌ای نیز درخصوص توضیح مراتب عدم امضاء توسط مخترع برای متقاعد ساختن اداره دریافت‌کننده صادر گردد، در آنصورت نیازی به امضاء آن توسط متقاضی مخترع

نخواهد بود.

۴-۱۶ آوانویسی یا ترجمه کلمات خاص

(الف) در مواردی که نام یا نشانی با حروفی غیر از حروف الفبای لاتین نوشته شود آن نام یا نشانی با حروف الفبای لاتین نیز یا فقط به صورت آوانویسی یا از طریق ترجمه آن به زبان انگلیسی نشان داده خواهند شد. متقاضی تعیین خواهد نمود که کدام کلمات فقط آوانویسی و کدام کلمات فقط ترجمه شوند.

(ب) نام هر کشور که با حروفی غیر از حروف لاتین نوشته شده باشند به زبان انگلیسی نیز درج خواهد شد.

۴-۱۷ اعلامیه‌های مربوط به الزامات ملی مذکور در جزء «۱» تا «۵» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه تقاضا ممکن است از لحاظ قانون ملی مجری در یک یا چند کشور تعیین شده، حاوی یک یا چند اعلامیه زیر بوده که متن آنها بر طبق دستورالعمل‌های اداری تهیه شده باشد:

«۱» اعلامیه‌ای درخصوص تعیین هویت مخترع به نحو مذکور در جزء «۱» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه؛

«۲» اعلامیه‌ای درخصوص استحقاق متقاضی برای تقاضای یک ورقه اختراع و اعطای آن از تاریخ تسلیم بین‌المللی به نحو مذکور در جزء «۲» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه؛

«۳» اعلامیه‌ای درخصوص استحقاق متقاضی برای ادعای حق تقدم اظهارنامه قبلی از تاریخ تسلیم بین‌المللی به نحو مذکور در جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه؛

«۴» اعلامیه‌ای درخصوص مخترع بودن به نحو مذکور در جزء «۴» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر که به نحو مقرر در دستورالعمل‌های اداری امضاء خواهد شد؛

«۵» اعلامیه‌ای درخصوص افشاءهای غیرتبعیض‌آمیز یا استثنائات مربوط به فقدان نوآوری به نحو مذکور در جزء «۵» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه.

۴-۱۸ موضوع اضافی

(الف) تقاضا حاوی هیچ موضوع دیگری غیر از موارد مذکور در بند ۱ تا ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه نخواهد بود با این قید که بنا به دستورالعمل‌های اداری می‌توان درج هرگونه موضوع اضافی مذکور در دستورالعمل‌های اداری را در تقاضا مجاز اعلام نمود بدون اینکه جنبه الزامی داشته باشد.

(ب) اگر تقاضا حاوی موضوعی غیر از موارد مذکور در بند ۱ تا ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه و یا موارد مجاز بر طبق شق (الف) این ماده به موجب دستورالعمل اداری باشد، اداره دریافت‌کننده به اعتبار سمت خود موضوع اضافی را حذف خواهند نمود.

ماده ۵ - توصیف

۱- ۵ نحوه توصیف

(الف) در توصیف ابتدا باید عنوان اختراع به نحو مندرج در تقاضا ذکر شود و حاوی مطالب زیر باشد:

«۱» رشته فنی که اختراع به آن مربوط می‌شود؛

«۲» اشاره به سابقه اختراع تا حدود مکشوف بر متقاضی که می‌تواند برای فهم، جستجو و بررسی اختراع مفید باشد و

ترجیحاً ذکر اسنادی که این سابقه را منعکس نمایند؛

«۳» افشاء اختراع ادعائی با کلماتی که بتوان مشکل فنی و راه حل آن را دریافت (حتی اگر به صورت صریح نباشد) و

ذکر اثرات مفید آن در صورت وجود، در مقایسه با سوابق قبلی؛

«۴» شرح مختصری از شکلها در نقشه‌ها، در صورت وجود؛

«۵» ذکر حداقل بهترین روشی که متقاضی برای اجرای اختراع ادعائی خود آن را در نظر دارد؛ این کار در عندالاحتیاج با

ذکر مثال‌ها و در صورت وجود نقشه‌ها با اشاره به آنها صورت خواهد گرفت. در مواردی که قانون ملی کشور تعیین شده، توصیف

بهترین روش را نخواهد و بر طبق آن قانون توصیف هر روش کافی باشد (اعم از اینکه آن روش بهترین روش موردنظر او باشد

یا خیر) در آنصورت عدم توصیف بهترین روش موردنظر وی دارای هیچ اثری در آن کشور نخواهد بود؛

«۶» در مواردی که از توصیف و یا ماهیت اختراع طریقه‌ای که بوسیله آن قابلیت اختراع برای بهره‌برداری در صنعت و

طریقه‌ای که بتوان آن را ساخت و مورد استفاده قرار داد واضح نباشد یا اگر بتوان از اختراع فقط استفاده کرد، طریقه آن استفاده

روشن نباشد، تعیین صریح این روش‌ها؛ از واژه «صنعت» مفهوم موسع آن به نحو مندرج در کنوانسیون پاریس برای حمایت از

مالکیت صنعتی منظور است.

(ب) روش و ترتیب مقرر در شق (الف) رعایت خواهد شد مگر در مواردی که به علت ماهیت اختراع، اتخاذ روش متفاوت

و یا ترتیب متفاوت به فهم بهتر و ارائه اقتصادی‌تر منتج گردد.

(ج) با رعایت مقررات شق (ب) از هر یک از قسمت‌های اشاره شده در شق (الف) ترجیحاً یک عنوان مناسب به نحو

پیشنهادی در دستورالعمل‌های اداری درج خواهد شد.

۲- ۵ افشاء ترتیب نوکلتوئید و یا اسید آمینه

(الف) در مواردی که اظهارنامه بین‌المللی حاوی افشاء یک یا چند ترتیب اسیدآمینه و یا نوکلتوئید باشد، توصیف حاوی

فهرست ترتیبی طبق استاندارد مقرر در دستورالعمل‌های اداری خواهد بود و به عنوان بخش مجزا در توصیف بر طبق آن استاندارد ارائه خواهد شد.

(ب) در مواردی که بخش فهرست ترتیبی توصیف، حاوی هر متن آزادی بر طبق تعریف آمده در استاندارد مقرر در دستورالعمل‌های اداری باشد، آن متن آزاد نیز در بخش اصلی توصیف و به همان زبانی که توصیف تنظیم شده است درج خواهد شد.

ماده ۶- ادعاها

۱- ۶ شماره و شماره‌گذاری ادعاها

(الف) تعداد ادعاها باید با توجه به ماهیت اختراع ادعا شده معقول باشد.

(ب) اگر ادعاهای متعددی وجود داشته باشند آن ادعاها بصورت پی‌درپی با ارقام عربی (۱، ۲، ۳، ...) شماره‌گذاری خواهند شد.

(ج) در صورت اصلاح ادعاها، روش شماره‌گذاری تابع دستورالعمل‌های اداری خواهد بود.

۲- ۶ ارجاعات به سایر بخش‌های اظهارنامه بین‌المللی

(الف) به استثناء مواردی که مطلقاً ضروری باشد، ادعاها نباید درباره خصوصیات فنی اختراع به ارجاع به توصیف یا نقشه‌ها تکیه کنند بالاخص ادعاها نباید به ارجاعاتی نظیر «همانگونه که در بخش..... توصیف شرح داده شده است» یا «همانگونه که در شکل..... نقشه‌ها نشان داده شده است» تکیه کنند.

(ب) در مواردی که اظهارنامه بین‌المللی حاوی نقشه‌ها باشد، خصوصیات فنی مندرج در ادعاها ترجیحاً با علائم ارجاعی مربوط به این خصوصیات همراه خواهند بود. اگر از این علامت‌های ارجاعی استفاده گردد آنها ترجیحاً در داخل پرانتز قرار خواهند گرفت. اگر درج این نوع علامت‌های ارجاعی بالاخص فهم سریعتر یک ادعا را تسهیل ننماید نباید از آنها استفاده شود. اداره تعیین شده می‌تواند علامت‌های ارجاعی را برای اهداف انتشار اظهارنامه توسط خود حذف نماید.

۳- ۶ نحوه ادعا کردن

(الف) تعریف موضوعی که حمایت از آن مورد نظر است بر حسب خصوصیات فنی اختراع خواهد بود.

(ب) عنداقتضاء ادعاها حاوی مطالب زیر خواهند بود:

«۱» اظهاریه‌ای حاوی آن دسته از خصوصیات فنی اختراع که برای تعریف موضوع ادعا ضروری می‌باشند ولی در مجموع بخشی از سابقه اختراع را تشکیل می‌دهند،

«۲» بخش مشخص کننده که قبل از آن کلمات « مشخص شده بصورت» مشخص شده بوسیله « که در آن بهبودی شامل....» یا هر کلمات دیگر با این مضمون آمده باشد که بصورت مختصر خصوصیات فنی که در مجموع با خصوصیات مذکور در جزء «۱» فوق حمایت از آن موردنظر است را بیان نماید.

(ج) در مواردی که قانون ملی کشور تعیین شده روش ادعا کردن به نحو مندرج در شق (ب) را خواستار نباشد، بر عدم استفاده از آن روش ادعا در آن کشور اثری مترتب نخواهد بود مشروط بر اینکه روش ادعای بکارگرفته شده در عمل منطبق با قانون ملی آن کشور باشد.

۴-۶ ادعاهای وابسته

(الف) هر ادعائی که حاوی کلیه خصوصیات یک یا چند ادعای دیگر باشد (ادعا به صورت وابسته) که از این پس «ادعای وابسته» نامیده می شود، باید در صورت امکان در آغاز به ادعای دیگر یا سایر ادعاها از طریق ارجاع، اشاره نماید و سپس خصوصیات اضافی مورد ادعا را بیان کند. هر ادعای وابسته که به بیش از یک ادعای دیگر ارجاع دهد (ادعای وابسته مرکب) باین ادعاها تنها به صورت جایگزین ارجاع خواهد داد. ادعاهای وابسته مرکب را نمی توان به عنوان مبنایی برای هر ادعای وابسته مرکب دیگری بکار برد. در مواردی که قانون ملی اداره ملی که به عنوان مرجع جستجوی بین المللی عمل می نماید اجازه ندهد ادعاهای وابسته مرکب به روشی متفاوت از آنچه که در جملات قبل این شق ذکر شده تدوین شود. در آن صورت عدم استفاده از آن روش ادعا کردن می تواند به درج مطلبی در گزارش جستجوی بین المللی مطابق با شق (ب) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده منجر شود. اگر روش ادعا که در عمل مورد استفاده واقع شده منطبق با قانون ملی یک کشور تعیین شده باشد، عدم استفاده از روش ادعای مذکور، تأثیری در کشور تعیین شده، که روش ادعای عملاً مورد استفاده در آن کشور منطبق با قانون ملی آن کشور بوده است، نخواهد داشت.

(ب) هر ادعای وابسته آن گونه تلقی خواهد شد که حاوی کلیه محدودیت های موجود در ادعائی است که به آن ارجاع می دهد یا اگر ادعای وابسته از نوع مرکب باشد دربرگیرنده، کلیه محدودیت های موجود در ادعای خاصی خواهد بود که در ارتباط با آن مورد بررسی قرار می گیرد.

(ج) کلیه ادعاهای وابسته که به یک ادعای قبلی ارجاع می دهند و کلیه ادعاهای وابسته که به چند ادعای قبلی ارجاع می نمایند در حد امکان و به بهترین نحو عملی ممکن با یکدیگر دسته بندی خواهند شد.

۵ - ۶ مدل های اشیاء مصرفی

هر کشور تعیین شده ای که در آن اعطای ورقه ثبت مدل اشیاء مصرفی براساس اظهارنامه بین المللی موردنظر باشد

می‌تواند زمانی که رسیدگی به اظهارنامه بین‌المللی در آن کشور آغاز شده به جای بند ۱ تا ۴ ماده ۶ آئین‌نامه، قانون ملی خود را درخصوص موضوعات تنظیم‌شده در بندهای فوق اعمال نماید مشروط بر اینکه متقاضی مجاز باشد تا حداقل دو ماه از انقضاء مهلت مندرج در ماده ۲۲ معاهده، اظهارنامه خود را با الزامات مقررات مذکور در قانون ملی منطبق سازد.

ماده ۷- نقشه‌ها

۷-۱ نمودارهای گردش کار و دیاگرام‌ها

نمودارهای گردش کار و دیاگرام‌ها به عنوان نقشه تلقی خواهند شد.

۷-۲ مهلت

مهلت مندرج در شق «۲» بند (۲) ماده ۷ معاهده باید برحسب شرایط و احوال هر مورد معقول باشد ولی این مهلت به هیچ وجه نباید از دو ماه از تاریخ دعوت‌نامه کتبی که در آن تسلیم نقشه یا نقشه‌های اضافی طبق مقررات مذکور درخواست‌شده کمتر باشد.

ماده ۸- خلاصه

۸-۱ محتوا و شکل خلاصه

(الف) خلاصه مشتمل بر موارد زیر خواهد بود:

«۱» خلاصه‌ای از افشاء مندرج در توصیف، ادعاها و هریک از نقشه‌ها؛ خلاصه نشان‌دهنده رشته فنی که اختراع به آن مربوط می‌شود خواهد بود و به نحوی تدوین خواهد شد که درک روشن مشکل فنی و عصاره راه‌حل مشکل از طریق اختراع و استفاده یا استفاده‌های اصلی از اختراع را میسر سازد؛

«۲» عندالاقضاء ارائه آن فرمول شیمیائی که در مقایسه با کلیه فرمول‌های مندرج در اظهارنامه بین‌المللی به بهترین نحو اختراع را مشخص نماید.

(ب) خلاصه تا حدی که حدود افشاء اجازه می‌دهد باید مختصر باشد (ترجیحاً بین ۵۰ تا ۱۵۰ کلمه اگر به زبان انگلیسی باشد، یا اگر به زبان انگلیسی ترجمه شده باشد).

(ج) خلاصه حاوی اظهاریه‌هایی در مورد مزیت‌ها یا ارزش اختراع ادعائی یا کاربرد مورد پیش‌بینی آن نخواهد بود.

(د) هر نوع خصوصیت فنی عمده که در خلاصه ذکر شده و در اظهارنامه بین‌المللی با نقشه نشان داده شده است با یک

علامت در داخل پراتنز همراه خواهد بود.

۲- ۸ شکل

(الف) اگر متقاضی نتواند موارد مندرج در جزء «۳» شق (الف) بند ۳ ماده ۳ آئین نامه را ارائه دهد یا اگر مرجع جستجوی بین المللی تشخیص دهد که شکل یا اشکالی غیر از شکل یا اشکال پیشنهادی متقاضی از میان کلیه شکل های مربوط به نقشه ها، بهتر صفات مشخصه اختراع را مشخص می سازد، آن مرجع با رعایت شق (ب) این بند شکل یا اشکالی که باید به هنگام انتشار نامه به وسیله دفتر بین المللی همراه خلاصه باشد را تعیین خواهند نمود. در این صورت شکل یا اشکالی که به طریق مذکور توسط مرجع جستجوی بین المللی مشخص شده اند پیوست خلاصه خواهند بود. در غیر این صورت، با رعایت مفاد شق (ب)، خلاصه با شکل یا شکل های پیشنهادی متقاضی همراه خواهد بود.

(ب) اگر مرجع جستجوی بین المللی تشخیص دهد که هیچ یک از اشکال نقشه ها برای درک خلاصه مفید نیست مراتب را به همین نحو به دفتر بین المللی اطلاع خواهد داد. در چنین حالتی هنگامی که خلاصه به وسیله دفتر بین المللی انتشار یابد با هیچ شکلی از نقشه ها همراه نخواهد بود حتی اگر متقاضی طبق جزء «۳» شق (الف) بند ۳ ماده ۳ آئین نامه پیشنهادی را ارائه داده باشد.

۳- ۸ اصول راهنما در تدوین

خلاصه باید به طریقی تدوین شود که بتواند بصورت مؤثری به عنوان ابزاری دقیق برای جستجو در فن خاص کاربرد داشته باشد و علی الخصوص به دانشمند، مهندس یا پژوهشگر کمک نماید که بتوانند به نظری درخصوص ضرورت رجوع یا عدم رجوع به خود اظهارنامه بین المللی دست یابند.

ماده ۹- عبارات و غیره که نباید بکار روند

۱- ۹ تعریف

اظهارنامه بین المللی حاوی مطالب زیر نخواهد بود:

«۱» عبارات یا نقشه های مغایر با اخلاق حسنه؛

«۲» عبارات یا نقشه های مخل نظم عمومی؛

«۳» اظهاریه های موهن در مورد محصولات یا فرآیندهای هر شخص خاص غیر از متقاضی را بی اعتبار سازد یا به ارزش

یا اعتبار اظهارنامه ها یا ورقه های اختراع اشخاص مزبور لطمه وارد سازد (صرف مقایسه با اختراعات قبلی فی نفسه عمل مشمول

موارد فوق تلقی نخواهد شد؛

«۴» هر اظهاریه یا مطلبی که طبق شرایط و مقتضیات نا مربوط یا غیرضروری باشد.

۲- ۹ تشخیص عدم رعایت

اداره دریافت کننده و مرجع جستجوی بین المللی می توانند عدم رعایت مقررات بند ۱ ماده ۹ آئین نامه را تشخیص داده و به متقاضی پیشنهاد نماید که به صورت داوطلبانه اظهارنامه بین المللی خود را بر آن اساس تصحیح نماید. اگر اداره دریافت کننده، عدم رعایت موارد فوق را تشخیص دهد، مراتب را به مرجع صلاحیتدار جستجوی بین المللی و دفتر بین المللی اطلاع خواهد داد؛ اگر مرجع جستجوی بین المللی متوجه عدم رعایت موارد فوق گردد مراتب را به اداره دریافت کننده و دفتر بین المللی اطلاع خواهد داد.

۳- ۹ ارجاع بند (۶) ماده ۲۱ معاهده

« اظهارات موهن که در بند (۶) ماده ۲۱ معاهده به آنها اشاره شده » دارای همان معنای مذکور در شق «۳» بند ۱ ماده ۹ این آیین نامه می باشد.

ماده ۱۰- اصطلاحات، علامتها

۱-۱۰ اصطلاحات، علامتها

(الف) واحدهای اوزان و مقادیر برحسب سیستم متریک بیان خواهند شد و اگر ابتدائاً برحسب سیستم متفاوتی بیان شده باشند با سیستم متریک نیز بیان خواهند گردید.

(ب) درجه حرارت برحسب درجه سانتیگراد خواهد بود و اگر ابتدائاً از نحوه دیگری استفاده شده باشد، به سانتیگراد نیز ذکر خواهد شد.

(ج) [حذف شده است].

(د) برای نشان دادن حرارت، انرژی، نور، صوت و مغناطیس و همچنین فرمولهای ریاضی و واحدهای الکتریکی، قواعد موردعمل بین المللی رعایت خواهند شد. برای فرمولهای شیمیایی از نمادها، وزن اتمی و فرمولهای مولکولی که به صورت معمول بکار می روند استفاده خواهد شد.

(ه) بطور کلی فقط اصطلاحات فنی، علامتها و نمادهائی باید مورد استفاده قرار گیرند که معمولاً در آن فن به خصوص پذیرفته شده اند.

(و) در مواردی که اظهارنامه بین‌المللی یا ترجمه آن به زبانهای چینی، انگلیسی یا ژاپنی باشد آغاز بخش اعشاری با نقطه مشخص خواهد شد ولی اگر اظهارنامه بین‌المللی یا ترجمه آن به زبانی غیر از چینی، انگلیسی یا ژاپنی باشد با ویرگول مشخص خواهد شد.

۱۰-۲ سازگاری

در سراسر اظهارنامه بین‌المللی از اصطلاحات و علامتهای سازگار استفاده خواهد شد.

ماده ۱۱- الزامات مربوط به شکل اظهارنامه بین‌المللی و ضمایم آن

۱۱-۱ تعداد نسخه‌ها

(الف) با رعایت مقررات شق (ب)، اظهارنامه بین‌المللی و هریک از اسناد مذکور در فهرست کنترل (جزء «۲» شق (الف) بند ۳ ماده ۳ آئین‌نامه) در یک نسخه تسلیم خواهد شد.

(ب) هر اداره دریافت‌کننده می‌تواند بخواهد که اظهارنامه بین‌المللی و هریک از اسناد ارجاعی در فهرست کنترل (جزء «۲» شق (الف) بند ۳ ماده ۳ آئین‌نامه)، به غیر از رسید هزینه‌های پرداختی یا چک پرداخت هزینه‌ها در دو یا سه نسخه تسلیم گردد. در آنصورت مسئولیت احراز برابر بودن نسخه‌های دوم و سوم با نسخه بایگانی به عهده اداره دریافت‌کننده خواهد بود.

۱۱-۲ قابلیت تکثیر

(الف) کلیه اجزاء اظهارنامه بین‌المللی (یعنی تقاضا، توصیف، ادعاها، نقشه‌ها، خلاصه) به نحوی ارائه خواهند شد که قابلیت تکثیر مستقیم از طریق عکس‌برداری، فرآیندهای الکترواستاتیک، فتوافست و میکروفیلیم را به هر تعداد داشته باشند.

(ب) کلیه اوراق بایستی عاری از چین و چروک و ترک‌خوردگی و تاخوردگی باشند.

(ج) فقط از یک روی هر ورقه باید استفاده شود.

(د) با رعایت شق (د) بند ۱۰ ماده ۱۱ و شق (ل) بند ۱۳ ماده ۱۱ این آئین‌نامه از هر ورقه بصورت عمودی استفاده خواهد شد

(یعنی دوعرض صفحه در بالا و پائین قرار خواهند گرفت).

۱۱-۳ مواد مورد استفاده

کلیه اجزاء اظهارنامه بین‌المللی بر روی کاغذ قابل انعطاف، محکم، سفید، صاف، غیربراق و بادوام درج خواهد شد.

۱۱-۴ اوراق مجزا و غیره...

(الف) هر جزء اظهارنامه بین‌المللی (تقاضا، توصیف، ادعاها، نقشه‌ها، خلاصه) از صفحه جدیدی آغاز خواهند گردید.

(ب) کلیه اوراق اظهارنامه بین‌المللی به گونه‌ای به یکدیگر متصل خواهند بود که برای مراجعه به آنها به آسانی قابل تورق باشند و اگر لازم باشد اوراق مزبور برای اهداف تکثیر از یکدیگر جدا شوند بتوان آنها را به سهولت از یکدیگر جدا و مجدداً متصل نمود.

۵- ۱۱ اندازه اوراق

قطع اوراق، کاغذ A۴ خواهد بود (۲۹/۷ ضربدر ۲۱ سانتیمتر) مع ذلک هر اداره دریافت‌کننده می‌تواند اظهارنامه بین‌المللی را روی اوراق غیر از این اندازه نیز بپذیرد مشروط بر اینکه نسخه بایگانی ارسال شده به دفتر بین‌المللی و در صورت درخواست مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی نسخه مخصوص جستجو در قطع کاغذ A۴ باشد.

۶- ۱۱ حاشیه‌ها

(الف) حداقل حاشیه‌های اوراق حاوی توصیف، اختراع، ادعاها و خلاصه به ترتیب زیر خواهد بود:

حاشیه بالا: ۲ سانتیمتر

حاشیه چپ: ۲/۵ سانتیمتر

حاشیه راست: ۲ سانتیمتر

حاشیه پائین: ۲ سانتیمتر

(ب) حداکثر اندازه‌هایی که برای حاشیه‌های مقرر در شق (الف) فوق توصیه می‌شوند به ترتیب زیر می‌باشد:

حاشیه بالا: ۴ سانتیمتر

حاشیه چپ: ۴ سانتیمتر

حاشیه راست: ۳ سانتیمتر

حاشیه پائین: ۳ سانتیمتر

(ج) روی اوراق حاوی نقشه‌ها، سطح قابل استفاده نباید بیش از ۲۶/۲ سانتیمتر در ۱۷ سانتیمتر باشد اوراق نباید حاوی

کادر بر دور سطح قابل استفاده یا سطح استفاده شده باشد حداقل حاشیه‌ها به ترتیب زیر خواهند بود:

حاشیه بالا: ۲/۵ سانتیمتر

حاشیه چپ: ۲/۵ سانتیمتر

حاشیه راست: ۱/۵ سانتیمتر

حاشیه پائین: ۱ سانتیمتر

(د) حاشیه‌های مذکور در شق‌های (الف) تا (ج) مربوط به کاغذها در قطع A۴ می‌باشند و بنابراین حتی اگر اداره دریافت‌کننده کاغذهائی با اندازه‌های دیگری را بپذیرد، مع ذلک نسخه بایگانی که به قطع A۴ است و همچنین عنداللزوم نسخه A۴ مخصوص جستجو، دارای حاشیه‌های فوق‌الذکر خواهند بود.

(ه) با رعایت شق (و) و شق (ب) بند ۸ ماده ۱۱ آئین‌نامه حاشیه‌های اظهارنامه بین‌المللی هنگام ارائه باید کاملاً سفید و عاری از هر مطلبی باشد.

(و) گوشه چپ حاشیه بالا می‌تواند حاوی ذکر مشخصات کلاسه پرونده متقاضی باشد مشروط بر اینکه مشخصات مذکور در فاصله ۱/۵ سانتیمتری بالای صفحه قرار بگیرد. تعداد حروف این مشخصات نباید از حداکثر تعداد تعیین شده در دستورالعمل‌های اداری بیشتر باشد.

۱۱-۷ شماره‌گذاری اوراق

(الف) کلیه اوراق اظهارنامه بین‌المللی باید بصورت ترتیبی با اعداد عربی (۳، ۲، ۱، ...) شماره‌گذاری شوند.

(ب) شماره‌ها باید در وسط در بالا یا پائین صفحه قرار گیرند و نباید درون حاشیه باشند.

۱۱-۸ شماره‌گذاری سطرها

(الف) قویاً توصیه می‌شود که هر پنج سطر از هر صفحه توصیف و هر صفحه ادعاها شماره‌گذاری شوند.

(ب) شماره‌ها باید در نیمه سمت راست حاشیه سمت چپ قرار گیرند.

۱۱-۹ نوشتن متن

(الف) تقاضا، توصیف، ادعاها و خلاصه باید تایپ یا چاپ شوند.

(ب) فقط نمادهای گرافیکی و حروف، فرمول‌های شیمیائی یا ریاضی، و حروف خاص در زبان‌های ژاپنی یا چینی را می‌توان در صورت لزوم با دست نوشته یا ترسیم نمود.

(ج) سطور تایپ شده با فاصله ۱/۵ خواهد بود.

(د) کلیه موضوع متن باید با حروفی باشد که ارتفاع حروف بزرگ آن کمتر از ۲۱٪ سانتیمتر نباشد و باید به رنگی تیره و محو نشدنی بوده و الزامات مقرر در بند (۲) ماده ۱۱ این آئین‌نامه رعایت شده باشد.

(ه) تا آنجائی که به فاصله تایپ و اندازه حروف مربوط می‌شود، در مورد متن‌هائی که به زبان‌های چینی یا ژاپنی باشند شق (ج) و (د) اعمال نخواهد شد.

۱۰-۱۱ نقشه‌ها، فرمول و جداول در متن

(الف) تقاضا، توصیف، ادعاها و خلاصه نباید حاوی نقشه باشند.

(ب) توصیف، ادعاها و خلاصه می‌تواند حاوی فرمول‌های شیمی یا ریاضی باشند.

(ج) توصیف و خلاصه می‌توانند حاوی جدول باشند؛ هر ادعا ممکن است فقط در صورتی که موضوع ادعا استفاده از

جداول را ایجاب کند حاوی جداول باشند.

(د) اگر جداول و فرمول‌های شیمی یا ریاضی را نتوان بصورت قابل قبولی در وضعیت عمودی نشان داد می‌توان آن‌ها را

از پهلوی روی اوراق درج نمود؛ اوراقی که در آن‌ها فرمول‌های شیمی یا ریاضی یا جداول از پهلوی ارائه می‌شوند به طریقی خواهند بود که قسمت فوقانی جدول یا فرمول در سمت چپ ورقه باشد.

۱۱-۱۱ کلمات در نقشه‌ها

(الف) نقشه‌ها حاوی نوشته نخواهند بود باستثنای کلمه یا کلماتی که کاملاً ضروری باشند مانند «آب» «بخار» «باز» «

بسته» «بخشی روی AB» و در مورد مدارهای برقی و دیاگرام‌های قالب شماتیک یا گردش کاری، تعداد خیلی از پاورقی‌های کوتاه برای درک مطلب ضروری باشند.

(ب) هر کلمه‌ای که بکار می‌رود باید به طریقی درج شود که در صورت ترجمه بتوان آن را بدون اینکه تداخلی با خطوط

نقشه پیدا کند روی آن چسباند.

۱۱-۱۲ تغییرات و غیره هر ورق باید در حد معقول فاقد پاک شدگی بوده و از تغییرات و بر رونویسی و بین‌السطور

نویسی عاری باشد. عدم رعایت این بند در صورتی که اصالت محتوا را زیر سوال نبرد و الزامات مربوط به تکثیر خوب اوراق را خدشه‌دار نسازد مجاز خواهد بود.

۱۱-۱۳ الزامات خاص برای نقشه‌ها

(الف) نقشه‌ها با خطوط و هاشورهای قابل دوام سیاه و بقدر کافی پر رنگ و تیره با ضخامت یکنواخت و کاملاً مشخص

و فاقد رنگ‌آمیزی خواهند بود.

(ب) مقاطع باید با هاشورهای مورب که مانع از خواندن واضح علائم ارجاعی و خطوط اصلی نباشند نشان داده شوند.

(ج) مقیاس نقشه‌ها و وجه تمایز اجرای گرافیکی آنها باید به گونه‌ای باشد که تکثیر فتوگرافیک آنها در حد دو سوم،

تشخیص تمامی جزئیات را با مشکل مواجه نسازد.

(د) هرگاه در موارد استثنائی، مقیاس در یک نقشه داده شود بصورت گرافیکی نمایش داده خواهد شد.

(ه) کلیه شماره‌ها، حروف و خطوط ارجاعی که در نقشه‌ها درج می‌شوند ساده و روشن خواهند بود. کروشه‌ها، دایره‌ها یا گیومه‌ها همراه یا شماره و حروف بکار نخواهند رفت.

(و) کلیه خطوط نقشه‌ها معمولاً با استفاده از ابزار نقشه‌کشی ترسیم خواهند شد.

(ز) هر جزئی از شکل باید با سایر اجزاء آن تناسب داشته باشد مگر در مواردی که استفاده از نسبت متفاوت برای وضوح شکل ضروری باشد.

(ح) ارتفاع شماره‌ها و حروف نباید کمتر از $0/32$ سانتیمتر باشد برای حروف‌گذاری نقشه‌ها از حروف لاتین و اگر متداول باشد از الفبای یونانی استفاده خواهد شد.

(ط) اشکال متعدد را می‌توان در همان ورقه نقشه‌ها درج نمود. هرگاه اشکال بر روی دو یا چند ورق در واقع یک شکل واحد را تشکیل دهند این اشکال بر روی ورقه‌های متعدد به نحوی مرتب خواهند شد که بتوان بدون اینکه هیچیک از قسمت‌های شکل‌هایی که در اوراق مختلف درج شده‌است غیر قابل رویت گردند شکل کامل را بوجود آورد.

(ی) اشکال مختلف بدون اتلاف فضا، ترجیحاً در یک وضعیت عمودی و بصورت کاملاً مجزا از یکدیگر بر روی یک ورقه یا اوراق مرتب خواهند شد اگر اشکال بصورت عمودی مرتب نشوند بصورت از پهلوی به نحوی که قسمت بالائی اشکال در بخش سمت چپ ورقه ظاهر شوند نشان داده خواهند شد.

(ک) اشکال مختلف با شماره‌های غربی (۱، ۲، ۳، ...) متوالی و مستقل از شماره اوراق شماره‌گذاری خواهند شد.

(ل) علایم ارجاعی که در توصیف قید نشده‌اند در نقشه‌ها و بالعکس نیز قید نخواهند شد.

(م) خصوصیات مشابهی که با علایم ارجاع نشان داده می‌شوند در سراسر اظهارنامه بین‌المللی نیز با همان علایم نشان داده خواهند شد.

(ن) اگر نقشه‌ها حاوی علایم ارجاع متعددی باشند قویاً توصیه می‌گردد که ورقه جداگانه‌ای حاوی فهرست کلیه علایم ارجاع و خصوصیات مورد ارجاع به آنها ضمیمه گردد.

۱۴-۱۱ اسناد بعدی

ماده ۱۰ و بندهای ۱ الی ۱۳ ماده ۱۱ این آئین‌نامه در مورد هر سندی از قبیل صفحات تصحیح شده، ادعاهای اصلاح شده، ترجمه‌های تسلیمی پس از تسلیم اظهارنامه بین‌المللی نیز مرعی خواهد بود.

ماده ۱۲- زبان اظهارنامه بین‌المللی و ترجمه برای اهداف جستجوی بین‌المللی

۱۲-۱ زبان‌های مورد قبول برای تسلیم اظهارنامه بین‌المللی

(الف) اظهارنامه بین‌المللی به هر زبانی که مورد پذیرش اداره دریافت‌کننده برای تحقیق اهداف مورد نظر باشد تسلیم خواهد شد.

(ب) هر اداره دریافت‌کننده برای تسلیم اظهارنامه بین‌المللی حداقل یک زبان را که دارای هر دو خصوصیت زیر باشد خواهد پذیرفت:

«۱» زبانی که مرجع جستجوی بین‌المللی آن را پذیرفته باشد یا عندالاجتضاء به زبانی که حداقل یکی از مراجع جستجوی بین‌المللی صلاحیتدار برای انجام جستجوی بین‌المللی اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیمی به اداره دریافت‌کننده آن را پذیرفته باشد.

«۲» جزء یکی از زبان‌های انتشار بین‌المللی باشد.

(ج) علیرغم شق (الف) فوق تقاضا به زبانی تسلیم خواهد شد که طبق آن شق هم مورد پذیرش اداره دریافت‌کننده و هم یکی از زبان‌های انتشار بین‌المللی باشد.

(د) علیرغم شق (الف) فوق هر متن مندرج در فهرست ترتیبی بخش توصیف مذکور در شق (الف) بند ۲ ماده ۵ آئین‌نامه طبق استاندارد مقرر در دستورالعمل‌های اداری ارائه خواهد شد.

۱۲-۲ زبان تغییرات در اظهارنامه بین‌المللی

(الف) با رعایت بند ۳ ماده ۴۶، بند ۳ ماده ۵۵ و بند ۹ ماده ۶۶ آئین‌نامه هر اصلاح در اظهارنامه بین‌المللی به زبانی انجام خواهد شد که اظهارنامه بین‌المللی به آن زبان تسلیم شده است.

(ب) تصحیح هرگونه اشتباه مسلم در اظهارنامه بین‌المللی که طبق بند ۱ ماده ۹۱ این آئین‌نامه انجام شود به زبانی خواهد بود که اظهارنامه بین‌المللی به آن زبان تسلیم شده است مشروط بر اینکه:

«۱» در مواردی که طبق شق (الف) بند ۳ ماده ۱۲، شق (ب) بند ۳ ماده ۴۸، یا شق (الف) بند ۲ ماده ۵۵ آئین‌نامه ترجمه اظهارنامه بین‌المللی ضروری باشد، اصلاحات مذکور در جزء «۲» و جزء «۳» شق (ه) بند ۱ ماده ۹۱ آئین‌نامه باید به زبان اظهارنامه بین‌المللی و همچنین به زبان ترجمه آن انجام خواهد شد؛

«۲» در مواردی که طبق شق (ج) بند ۳ ثالث ماده ۲۶ آئین‌نامه ترجمه تقاضا ضروری باشد اصلاحات مذکور در جزء «۱» شق (ه) بند ۱ ماده ۹۱ آئین‌نامه فقط باید به زبانی تسلیم شود که ترجمه به آن زبان صورت پذیرفته است.

(ج) رفع هرگونه نقص در اظهارنامه بین‌المللی بر طبق ماده ۲۶ آئین‌نامه به زبانی انجام خواهد شد که اظهارنامه

بین‌المللی به آن زبان تسلیم شده‌است. رفع هرگونه نقص به موجب ماده ۲۶ آئین‌نامه در ترجمه اظهارنامه بین‌المللی که بر طبق بند ۳ ماده ۱۲ یا شق (الف) بند ۲ ماده ۵۵ آئین‌نامه ارائه شده یا رفع نقص در ترجمه تقاضای ارائه شده بر طبق شق (ج) بند ۳ ثالث ماده ۲۶ آئین‌نامه به زبانی انجام خواهد شد که آن ترجمه به آن زبان صورت گرفته است.

۱۲-۳ ترجمه برای اهداف جستجوی بین‌المللی

(الف) در موردی که زبانی که به آن زبان اظهارنامه بین‌المللی تسلیم شده است مورد پذیرش مرجع جستجوی بین‌المللی که باید جستجوی بین‌المللی را انجام دهد نباشد متقاضی باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی توسط اداره دریافت‌کننده، ترجمه اظهارنامه بین‌المللی به زبانی که واجد کلیه شرایط زیر باشد را به اداره مزبور ارائه نماید:

«۱» به زبانی باشد که مورد پذیرش آن مرجع است، و

«۲» به یکی از زبان‌های انتشار باشد، و

«۳» به زبانی باشد که طبق شق (الف) بند ۱ ماده ۱۲ آئین‌نامه مورد پذیرش اداره دریافت‌کننده باشد مگر اینکه اظهارنامه بین‌المللی به یکی از زبان‌های انتشار بین‌المللی، تسلیم شده باشد.

(ب) شق (الف) در مورد تقاضا و هر بخش فهرست ترتیبی در توصیف اجراء نخواهد شد.

(ج) در موردی که تا زمان ارسال اطلاعیه توسط اداره دریافت‌کننده بر طبق شق (ج) بند ۵ ماده ۲۰ آئین‌نامه به متقاضی، نامبرده ترجمه مورد نیاز موضوع شق (الف) فوق را ارائه ننموده باشد، اداره دریافت‌کننده ترجیحاً ضمن همان اطلاعیه از متقاضی دعوت خواهد نمود که:

«۱» ظرف مهلت مقرر در شق (الف) فوق ترجمه لازم را ارائه نماید؛

«۲» در صورتیکه ظرف مهلت مقرر در شق (الف) ترجمه لازم ارائه نشده باشد ظرف مدت یکماه از تاریخ دعوتنامه یا دو ماه از تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی توسط اداره دریافت‌کننده هر کدام که دیرتر منقضی شود، ترجمه مزبور و عندالافتضاء هزینه دیرکرد مذکور در شق (ه) زیر را ارائه نماید.

(د) در مواردی که طبق شق (ج) فوق اداره دریافت‌کننده دعوتنامه را برای متقاضی ارسال و متقاضی ظرف مهلت مقرر در جزء «۲» شق (ج) این بند ترجمه لازم را ارائه نکرده و هرگونه هزینه تأخیر تسلیم را تأذیه ننموده باشد، اظهارنامه بین‌المللی مسترد شده تلقی و اداره دریافت‌کننده مراتب را به همین نحو اعلام خواهد کرد. هر ترجمه و پرداختی که اداره دریافت‌کننده قبل از صدور اعلامیه به موجب جمله قبل و پیش از انقضای ۱۵ ماه از تاریخ حق تقدم وصول کرده باشد به عنوان ترجمه و هزینه‌ای تلقی خواهد شد که قبل از انقضای آن مهلت وصول شده‌است.

(ه) تسلیم ترجمه پس از انقضای مهلت مندرج در شق (الف) می‌تواند بنا به درخواست اداره دریافت کننده و به نفع آن اداره با پرداخت هزینه ارائه با تأخیر برابر با ۵۰ درصد مبلغ اصلی صورت گیرد.

ماده ۱۳- وحدت اختراع

۱۳-۱ الزام

اظهارنامه بین‌المللی باید فقط مربوط به یک اختراع یا گروهی از اختراعات مرتبط به یکدیگر به نحوی که یک مفهوم کلی از اختراع واحد را تشکیل دهند باشد («الزام وحدت اختراع»)

۱۳-۲ شرایطی که در آن باید الزام وحدت اختراع رعایت شده محسوب گردد.

هرگاه گروهی از اختراعات در یک اظهارنامه بین‌المللی واحدی ادعا شود، الزام وحدت اختراع مندرج در بند ۱ ماده ۱۳ آئین‌نامه فقط زمانی رعایت شده تلقی خواهد شد که یک رابطه فنی در بین اختراعات حاوی یک یا چند ویژگی فنی خاص مشابه یا متناظر وجود داشته باشد اصلاح «ویژگی‌های فنی خاص» به معنای آن دسته از ویژگی‌های فنی خواهد بود که مبین دست‌آوردی باشند که هریک از اختراعات ادعائی در کل به سابقه اختراع می‌افزایند.

۱۳-۳ تشخیص وحدت اختراع بدون در نظر گرفتن روش ادعا

تشخیص اینکه گروهی از اختراعات به گونه‌ای بیکدیگر متصل هستند که یک مفهوم کلی از اختراع واحد را ایجاد می‌نمایند بدون توجه به اینکه اختراعات به صورت ادعاهای جداگانه یا به عنوان شقوق مختلف در یک ادعای واحد مورد ادعا قرار گرفته‌اند، انجام خواهد شد.

۱۳-۴ ادعاهای وابسته

با رعایت بند ۱ ماده ۱۳ آئین‌نامه درج تعداد معقولی از ادعاهای وابسته در یک اظهارنامه بین‌المللی که اشکال خاص یک اختراع مورد ادعا در یک ادعای مستقل را ادعا نمایند حتی در مواردی که ویژگی‌های هر ادعای وابسته را بتوان فی‌نفسه به عنوان یک اختراع تلقی نمود، مجاز خواهد بود.

۱۳-۵ مدل‌های اشیاء مصرفی

هر کشور تعیین‌شده‌ای که اعطای ورقه اختراع مدل اشیاء مصرفی بر اساس اظهارنامه بین‌المللی در آن کشور تقاضا شود، می‌تواند پس از آغاز رسیدگی به آن اظهارنامه بین‌المللی، بجای اجرای مفاد بندهای ۱ الی ۴ ماده ۱۳ آئین‌نامه، از مقررات متناظر قوانین ملی خود در خصوص مدل‌های اشیاء مصرفی استفاده کند مشروط براینکه متقاضی مجاز باشد که حداقل دو ماه

پس از تاریخ انقضاء مهلت مقرر در ماده ۲۲ معاهده، اظهارنامه خود را با الزامات مقررات مذکور در قانون ملی تطبیق دهد.

ماده ۱۳ مکرر - اختراعات مربوط به ماده بیولوژیکی

۱۳-۱ مکرر - تعریف

از لحاظ این ماده «ارجاع به ماده بیولوژیکی تودیع شده» به معنای مشخصات ذکر شده در یک اظهارنامه بین‌المللی درخصوص تودیع ماده بیولوژیکی به یک موسسه امین یا ماده بیولوژیکی تودیع شده می‌باشد.

۱۳-۲ مکرر - ارجاعات (کلی)

هر ارجاع به ماده بیولوژیکی تودیع شده مشمول این ماده خواهد بود و اگر چنین ارجاعی به عمل آید به منزله این خواهد بود که الزامات مقرر در قانون ملی هر کشور تعیین شده رعایت شده است.

۱۳-۳ مکرر ارجاعات: محتویات؛ عدم درج ارجاع یا مشخصات

(الف) ارجاع به ماده بیولوژیکی تودیع شده متضمن موارد زیر خواهد بود:

«۱» نام و نشانی موسسه امین که ماده بیولوژیکی به آن تودیع شده است؛

«۲» تاریخ تودیع ماده بیولوژیکی به آن موسسه؛

«۳» شماره‌ای که موسسه تودیع برای دسترسی به ماده بیولوژیکی تودیع شده داده است؛

«۴» هر موضوع دیگری که طبق جزء «۱» شق (الف) بند ۷ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه به اطلاع دفتر بین‌المللی رسیده باشد

مشروط بر آنکه الزام ذکر آن موضوع طبق شق (ج) بند ۷ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه حداقل دوماه قبل از تسلیم اظهارنامه بین‌المللی در روزنامه رسمی انتشار یافته باشد.

(ب) عدم درج ارجاع به ماده بیولوژیکی تودیع شده یا عدم درج اطلاعات بر طبق شق (الف) فوق در ارجاع به یک ماده

بیولوژیکی تودیع شده فاقد هرگونه اثر در کشور تعیین شده‌ای خواهد بود که قانون ملی آن ذکر آن ارجاعات یا درج آن اطلاعات را در یک اظهارنامه بین‌المللی الزامی ننموده باشد.

۱۳-۴ مکرر - ارجاعات: مهلت ارائه مشخصات

(الف) با رعایت شقوق (ب) و (ج) اگر هریک از مشخصات مندرج در شق (الف) بند ۳ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه در ارجاع به

ماده بیولوژیکی تودیع شده در اظهارنامه بین‌المللی تسلیم شده درج نشده باشد ولی ظرف مواعد زیر به دفتر بین‌المللی ارائه شده باشد:

«۱» اگر این مشخصات ظرف ۱۶ ماه پس از تاریخ حق تقدم به دفتر بین‌المللی ارائه شده باشد، چنین تلقی خواهد شد

که مشخصات مذکور به موقع به هریک از ادارات تعیین شده ارائه شده‌اند؛

«۲» هرگاه پس از انقضاء ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم به دفتر بین‌المللی ارائه شده باشد، اداره تعیین شده چنین تلقی خواهد نمود که مشخصات مذکور در آخرین روز مهلت مقرر تسلیم شده‌است، مشروط براینکه قبل از تکمیل مقدمات فنی انتشار بین‌المللی به این دفتر واصل شده باشد.

(ب) اگر قانون ملی یک اداره تعیین شده در مورد اظهارنامه‌های ملی چنین مقرر نموده باشد، آن اداره می‌تواند بخواهد که مشخصات مذکور در شق (الف) بند ۳ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه قبل از ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم ارائه شود مشروط براینکه دفتر بین‌المللی به موجب جزء «۲» شق (الف) بند ۷ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه از مراتب مطلع شده و این الزام را بر طبق شق (ج) بند ۷ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه حداقل دو ماه قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه بین‌المللی در روزنامه رسمی انتشار داده باشد.

(ج) هرگاه طبق شق (ب) بند ۲ ماده ۲۱ معاهده متقاضی درخواست نموده باشد که انتشار زودتر از موعد صورت پذیرد هر اداره تعیین شده می‌تواند هرگونه مشخصاتی که قبل از تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین‌المللی ارائه شده باشد را چنین تلقی نماید که به موقع ارائه نشده‌است.

(د) دفتر بین‌المللی تاریخ دریافت مشخصات مذکور در شق (الف) را به متقاضی اطلاع خواهد داد.

«۱» اگر مشخصات مذکور قبل از تکمیل مقدمات فنی انتشار بین‌المللی دریافت شده باشند تاریخ آن را ذکر و داده‌های مربوط از مشخصات را در جزوه‌ای که طبق ماده ۴۸ آئین‌نامه انتشار می‌باید درج خواهد نمود؛

«۲» اگر مشخصات مذکور پس از تکمیل مقدمات فنی انتشار بین‌المللی دریافت شده باشند تاریخ دریافت و داده‌های مربوط از مشخصات را به ادارات تعیین شده اطلاع خواهد داد.

۵- ۱۳ مکرر - ارجاعات و اطلاعات برای یک یا چند کشور تعیین شده؛

تودیع‌های مختلف برای کشورهای تعیین شده مختلف؛ تودیع به موسسات امین به غیر از موسسات اطلاع داده شده.

(الف) ارجاع به ماده بیولوژیکی تودیع شده چنین تلقی خواهد شد که برای کلیه کشورهای تعیین شده، صورت گرفته‌است مگر اینکه صریحاً فقط برای برخی کشورهای تعیین شده باشند؛ این موضوع درباره مشخصات مذکور در ارجاعات نیز صادق خواهد بود.

(ب) برای کشورهای مختلف تعیین شده می‌توان ارجاعات به تودیع‌های مختلف ماده بیولوژیکی را به عمل آورد.

(ج) هر اداره تعیین شده می‌تواند تودیع به موسسه امین به غیر از موسساتی که خود بر طبق شق (ب) بند ۷ ماده ۱۳

مکرر آئین‌نامه اعلام نموده را نادیده بگیرد.

بر طبق مواد ۲۳ و ۴۰ معاهده هیچگونه ارائه نمونه‌های ماده بیولوژیکی تودیع‌شده که در اظهارنامه بین‌المللی به آن ارجاع‌شده نمی‌تواند مگر با اجازه متقاضی قبل از انقضای مهلت مقرر که پس از آن رسیدگی ملی طبق مواد مذکور آغاز می‌شود، صورت گیرد. بااینحال هرگاه متقاضی اقدامات مذکور در مواد ۲۲ یا ۳۹ معاهده را پس از انتشار بین‌المللی ولی قبل از انقضای مهلت‌های مذکور انجام دهد، ارائه نمونه‌های ماده بیولوژیکی تودیع‌شده به محض انجام اقدامات مذکور می‌تواند صورت گیرد. علیرغم مقررات قبلی ارائه نمونه‌های ماده بیولوژیکی تودیع‌شده می‌تواند به موجب قانون ملی مورد اجراء در اداره تعیین شده، بلافاصله پس از اینکه انتشار بین‌المللی به موجب این قانون دارای تأثیرات یک انتشار ملی اجباری اظهارنامه ملی بررسی نشده گردد، صورت پذیرد.

۷-۱۳ مکرر - الزامات ملی: اطلاعیه و انتشار

(الف) هر اداره ملی می‌تواند هرگونه الزام در قانون ملی راجع به امور زیر را به دفتر بین‌المللی اطلاع دهد:

«۱» هر موضوع مذکور در اطلاعیه علاوه بر موارد مذکور در جزءهای «۱»، «۲»، «۳» شق (الف) بند ۳ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه که لازم است در ارجاعی به ماده بیولوژیکی تودیع‌شده در یک اظهارنامه ملی درج شوند؛

«۲» لازم است یک یا چند مشخصه مذکور در شق (الف) بند ۳ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه در اظهارنامه ملی همانگونه که تسلیم شده‌است درج شود یا لازم است که مشخصات در زمان مقرر در اطلاعیه که زودتر از ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم است ارائه شوند.

(ب) هر اداره ملی، موسسات امینی را که قانون ملی اجازه می‌دهد مواد بیولوژیکی به منظور انجام تشریفات ثبت اختراعات نزد آن اداره تودیع‌شده یا اگر قانون ملی تودیع را مقرر نداشته و یا چنین تودיעی را اجازه ندهد مراتب را به دفتر بین‌المللی اطلاع خواهد داد.

(ج) دفتر بین‌المللی الزاماتی را که طبق شق (الف) و اطلاعاتی که طبق شق (ب) به آن دفتر اطلاع داده شده را فوراً در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

ماده ۱۳ ثالث - فهرست‌های ترتیب اسید نوکلئید و یا اسید آمینه

۱-۱۳ ثالث - فهرست ترتیبی برای مراجع بین‌المللی

(الف) اگر مرجع جستجوی بین‌المللی احرار نماید که اظهارنامه بین‌المللی حاوی افشاء یک و یا چند ترتیب اسید آمینو و یا اسید نوکلئیدهاست ولی:

«۱» اظهارنامه بین‌المللی حاوی فهرست ترتیبی منطبق با استاندارد مقرر در دستورالعمل‌های اداری نیست، آن مرجع می‌تواند از متقاضی دعوت بعمل آورد تا ظرف مهلتی که در دعوتنامه تعیین خواهد شد فهرست ترتیبی که در آن استاندارد مذکور رعایت شده باشد را ارائه نماید؛

«۲» اگر متقاضی قبلاً فهرست ترتیبی به شکلی که بر طبق استانداردهای تعیین شده به وسیله دستورالعمل‌های اداری قابل خواندن توسط رایانه را تسلیم نکرده باشد، آن مرجع طی دعوتنامه‌ای از وی خواهد خواست ظرف مهلتی که در دعوتنامه تعیین می‌شود، فهرستی ترتیبی منطبق بر استانداردهای مذکور را به آن مرجع ارائه نماید.

(ب) [حذف شده است]

(ج) چنانچه متقاضی مفاد دعوتنامه مندرج در شق (الف) فوق را ظرف مهلت تعیین شده در دعوتنامه رعایت ننماید مرجع جستجوی بین‌المللی در آن حد که عدم رعایت مذکور سبب شود جستجوی معنادار انجام نشود، ملزم به جستجوی اظهارنامه بین‌المللی نخواهد بود.

(د) هرگاه مرجع جستجوی بین‌المللی احرار نماید که در توصیف اختراع، مقررات شق (ب) ۲ ماده ۵ آئین‌نامه رعایت نشده است از متقاضی دعوت خواهد نمود که اصلاحات لازم را ارائه نماید. در مورد هر نوع اصلاح ارائه شده از جانب متقاضی بند ۴ ماده ۲۶ آئین‌نامه، با تغییرات مقتضی اجراء خواهد شد. مرجع جستجوی بین‌المللی، اصلاحات مذکور را برای اداره دریافت‌کننده و در دفتر بین‌المللی ارسال خواهد کرد.

(ه) در مورد آئین کار مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی شقوق (الف) و (ج) با تغییرات مقتضی اجراء خواهد شد.

(و) هر فهرست ترتیبی که در اظهارنامه بین‌المللی قید نشده باشد با رعایت ماده ۴۴ معاهده جزء اظهارنامه بین‌المللی محسوب نخواهد شد.

۱۳-۲ - فهرست ترتیبی برای اداره تعیین شده

به محض اینکه رسیدگی به اظهارنامه بین‌المللی در یک اداره تعیین شده آغاز شود شق (الف) بند ۱ ماده ۱۳ ثالث آئین‌نامه، نسبت به آئین کار آن اداره با تغییرات مقتضی اجراء خواهد شد. هیچ اداره تعیین شده‌ای از متقاضی نخواهد خواست فهرست ترتیبی به غیر از فهرست ترتیبی که مطابق با استاندارد مقرر در دستورالعمل‌های اداری باشد را ارائه نماید.

ماده ۱۴ - هزینه ارسال

۱۴-۱ هزینه ارسال

(الف) هر اداره دریافت کننده می تواند برای دریافت اظهارنامه بین المللی، ارسال نسخه های آن به دفتر بین المللی و مرجع صلاحیتدار جستجوی بین المللی و انجام کلیه وظایف دیگر که باید بنابر مقام خود به عنوان اداره دریافت کننده در ارتباط با اظهارنامه بین المللی انجام دهد، از متقاضی بخواهد هزینه ای را به نفع آن اداره پرداخت نماید (هزینه ارسال).

(ب) مبلغ هزینه ارسال، در صورت وجود، توسط اداره دریافت کننده تعیین خواهد شد.

(ج) هزینه ارسال باید ظرف مدت یکماه از تاریخ دریافت اظهارنامه بین المللی پرداخت شود. مبلغ قابل پرداخت مبلغی خواهد بود که در تاریخ دریافت اظهارنامه قابل اجراء است.

ماده ۱۵- هزینه بین المللی

۱- ۱۵- هزینه اصلی و هزینه تعیین

هر اظهارنامه بین المللی مشمول پرداخت هزینه ای به نفع دفتر بین المللی خواهد بود (هزینه بین المللی) که بوسیله اداره دریافت کننده وصول شده و شامل هزینه های زیر خواهد بود:

«۱» هزینه اصلی؛ و

«۲» هزینه تعیین به تعداد اختراعات ملی و اختراعات منطقه ای، طبق شق (الف) بند ۹ ماده ۴ آئین نامه خواهد بود به استثنای اینکه هرگاه مفاد ماده ۴۴ معاهده در مورد یک تعیین مصداق داشته باشد، فقط یک هزینه تعیین باید برای آن پرداخت شود و اینکه جدول هزینه ها می تواند حداکثر تعداد هزینه های تعیین قابل پرداخت را مشخص نماید.

۲- ۱۵- مبالغ

(الف) مبالغ هزینه اصلی و هزینه تعیین به نحو مقرر در جدول هزینه هاست.

(ب) هزینه اصلی و هزینه تعیین به پول یا یکی از پول هائی که توسط اداره دریافت کننده مقرر شده است (پول مقرر) قابل پرداخت خواهد بود با این تفاهم که وقتی که اداره دریافت کننده آن را به دفتر بین المللی ارسال نماید به صورت آزاد قابل تسعیر به پول کشور سوئیس باشد. مبالغ هزینه اصلی و هزینه تعیین برای هر اداره دریافت کننده ای که پرداخت هزینه های مذکور را به هر پولی به غیر از پول سوئیس مقرر نماید، توسط مدیرکل و پس از مشورت با اداره دریافت کننده کشوری که پول رسمی آن همان پول مقرر است یا طبق شق (ب) بند ۱ ماده ۱۹ آئین نامه برای آن کشور عمل می نماید تعیین خواهد شد. مبالغی که به این ترتیب تعیین می شوند با ارقام گرد شده، معادل با مبالغ به پول سوئیس که در جدول هزینه ها قید شده اند خواهد بود. مبالغ مذکور را دفتر بین المللی به هر اداره دریافت کننده که پرداخت هزینه را به پول مقرر تعیین کرده باشد اطلاع داده و مراتب را در

(ج) هرگاه مبالغ هزینه‌ها که در جدول هزینه‌ها درج شده‌اند تغییر نماید، مبالغ متناظر به پول مقرر، از همان تاریخی که در جدول هزینه‌های اصلاح شده درج می‌شوند قابل اعمال خواهند بود.

(د) هرگاه نرخ تسعیر پول سوئیس و هر پول مقرر از آخرین نرخ تسعیر به کاررفته متفاوت باشد، مدیرکل، مبالغ جدیدی را طبق رهنمودهای مجمع به پول مقرر تعیین خواهند نمود. مبالغ جدید پس از گذشت دو ماه از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی قابل اعمال خواهند بود مشروط براینکه اداره دریافت‌کننده مذکور در جمله دوم شق (ب) فوق و مدیرکل در مورد تاریخی که در طی مهلت دوماهه مذکور خواهد بود به توافق برسند که در اینصورت مبالغ مذکور از آن تاریخ قابل اجراء خواهند بود.

۳- ۱۵ [حذف شده است.]

۴- ۱۵ مهلت پرداخت: مبلغ قابل پرداخت.

(الف) هزینه اصلی ظرف مدت یکماه از تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی باید پرداخت شود. مبلغ قابل پرداخت مبلغی خواهد بود که در زمان دریافت معتبر است.

(ب) هزینه تعیین ظرف مهلتی به قرار زیر پرداخت خواهد شد:

«۱» یکسال از تاریخ حق تقدم، یا

«۲» یک ماه از تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی مشروط براینکه این مهلت یکماهه دیرتر از یکسال از تاریخ حق تقدم منقضی شود.

(ج) هرگاه هزینه تعیین قبل از انقضاء یکماه از تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی پرداخت شود مبلغ قابل پرداخت مبلغی خواهد بود که در تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی معتبر است. در مواردی که مهلت مقرر در جزء «۱» شق (ب) فوق قابل اجرا باشد و هزینه تعیین قبل از انقضاء آن مهلت ولی پس از گذشت یکماه از تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی پرداخت شده باشد، مبلغ قابل پرداخت مبلغی خواهد بود که در تاریخ پرداخت قابل اعمال است.

۵ - ۱۵ هزینه‌های مقرر در شق (ج) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه

(الف) علیرغم شق (ب) بند ۴ ماده ۱۵ آئین‌نامه، تأییدیه مقرر در شق (ج) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه، در مورد هر تعیین صورت گرفته طبق شق (ب) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه، مشمول پرداخت هزینه‌های تعیین به اداره دریافت‌کننده (به نفع دفتر بین‌المللی) به تعداد ورقه اختراعات ملی و اختراعات منطقه‌ای که متقاضی به موجب تأیید قصد تحصیل آن‌ها را دارد، به علاوه پرداخت هزینه تأیید (به نفع اداره دریافت‌کننده)، برابر با ۵۰ درصد مبلغ هزینه‌های تعیین قابل پرداخت طبق این شق خواهد

بود. این گونه هزینه‌ها برای هر تعیین که به این ترتیب تأیید شود، قابل پرداخت خواهد بود، حتی اگر حداکثر تعداد هزینه‌های تعیین مندرج در ردیف (الف) بند ۲ جدول هزینه‌ها قبلاً قابل پرداخت شده باشد، یا اگر یک هزینه تعیین در ارتباط با تعیین همان کشور طبق شق (الف) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه برای مقصود متفاوت قبلاً قابل پرداخت شده باشد. (ب) هرگاه وجهی که متقاضی ظرف مهلت مقرر در جزء «۲» شق (ب) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه پرداخت کرده‌است برای پوشش هزینه‌های مندرج در شق (الف) فوق کافی نباشد، اداره دریافت‌کننده وجه پرداختی توسط متقاضی را همانگونه که خود متقاضی مشخص نموده، یا در غیر اینصورت، همانطور که در دستورالعمل‌های اداری مقرر شده اختصاص خواهد داد.

۶- ۱۵ استرداد وجوه

اداره دریافت‌کننده در موارد زیر هزینه‌ی بین‌المللی را به متقاضی مسترد خواهد کرد:

«۱» اگر تشخیص بر طبق بند ۱ ماده ۱۱ معاهده منفی باشد،

«۲» اگر قبل از ارسال نسخه بایگانی به دفتر بین‌المللی، اظهارنامه بین‌المللی مسترد شود یا مسترد شده تلقی شود، یا

«۳» اگر به موجب مقتضیات مربوط به امنیت ملی اظهارنامه بین‌المللی به عنوان یک اظهارنامه بین‌المللی تلقی نشود:

ماده ۱۶- هزینه جستجو

۱-۱۶ حق درخواست هزینه

(الف) هر مرجع جستجوی بین‌المللی می‌تواند مقرر سازد که جهت انجام جستجوی بین‌المللی و برای انجام سایر وظایفی که طبق معاهده و آئین‌نامه به مراجع جستجوی بین‌المللی محول شده‌است، متقاضی هزینه‌ای را (هزینه جستجو) به آن مرجع و به نفع آن پرداخت نماید.

(ب) هزینه جستجو توسط اداره دریافت‌کننده وصول خواهد شد. مبلغ مذکور به پول یا یکی از پول‌هایی که توسط اداره دریافت‌کننده مقرر شده‌است (پول اداره دریافت‌کننده) قابل پرداخت خواهد بود. با این تفاهم که اگر پول اداره دریافت‌کننده همان پول و یا یکی از پول‌هایی نباشد که هزینه‌ها بر حسب آن توسط مرجع جستجوی بین‌المللی تعیین شده‌است (پول تعیین‌شده) آن پول بتواند به‌نگام انتقال بوسیله اداره دریافت‌کننده، به مرجع جستجوی بین‌المللی به طور آزاد قابل تسعیر به پول کشوری باشد که مقرر صلاحیت‌دار جستجوی بین‌المللی در آن واقع است (پول کشور مقرر). مبلغ هزینه جستجو به پول هر اداره دریافت‌کننده غیر از پول تعیین‌شده توسط مدیرکل پس از مشورت با اداره دریافت‌کننده کشوری که پول رسمی آن همان پول اداره دریافت‌کننده می‌باشد، یا با اداره دریافت‌کننده‌ای که طبق شق (ب) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه برای آن کشور عمل می‌نماید

تعیین خواهد شد. مبالغی که به ترتیب مذکور تعیین می‌شوند، به صورت ارقام گرد شده، معادل مبلغی خواهد بود که توسط مرجع جستجوی بین‌المللی به پول کشور مقر تعیین شده‌است. این مبالغ به هر اداره دریافت‌کننده که پرداخت آن به پول آن اداره دریافت‌کننده مقرر شده‌است اعلام و در روزنامه رسمی منتشر خواهد شد.

(ج) هرگاه مبلغ هزینه جستجو به پول مقر تغییر کند مبالغ متناظر با پول اداره دریافت‌کننده به غیر از پول یا پولهای تعیین‌شده، از همان تاریخ تغییر مبلغ به پول کشور مقر، اعمال خواهد شد.

(د) هرگاه نرخ تسعیر بین پول مقر و پول هر اداره دریافت‌کننده به غیر از پول یا پولهای تعیین‌شده نسبت به آخرین نرخ تسعیر اعمال شده تغییر نماید، مدیرکل طبق رهنمودهای مجمع، مبلغ جدید را به پول آن اداره دریافت‌کننده تعیین خواهد نمود. مبلغ جدید دوماه پس از انتشار در روزنامه رسمی قابل اعمال خواهد بود مشروط بر اینکه هر اداره دریافت‌کننده مندرج در جمله سوم بند (ب) و مدیرکل درباره تاریخی که در طی دوماه مذکور خواهد بود به توافق برسند که در اینصورت مبلغ مذکور از آن تاریخ برای آن اداره قابل پرداخت خواهد بود.

(ه) هرگاه درخصوص پرداخت هزینه جستجو به پول اداره دریافت‌کننده، غیر از پول یا پولهای تعیین‌شده، مبلغی که عملاً توسط مرجع جستجوی بین‌المللی به پول مقر دریافت‌شده، کمتر از مبلغی باشد که مرجع مذکور تعیین نموده‌است، مابه‌التفاوت توسط دفتر بین‌المللی به مرجع جستجوی بین‌المللی پرداخت خواهد شد و اگر مبلغی که در عمل دریافت‌شده نیز بیشتر از مبلغی باشد که مرجع مذکور تعیین نموده تفاوت مربوطه به دفتر بین‌المللی متعلق خواهد بود.

(و) درخصوص مهلت پرداخت هزینه جستجو و مبلغ قابل پرداخت، مفاد مقررات شق (الف) بند ۴ ماده ۱۵ آئین‌نامه در مورد هزینه اصلی با تغییرات مقتضی اجراء خواهد شد.

۱۶-۲ استرداد وجوه

اداره دریافت‌کننده در موارد زیر هزینه جستجو را به متقاضی مسترد خواهد نمود.

«۱» اگر تشخیص بر طبق بند (۱) ماده ۱۱ معاهده، منفی باشد،

«۲» اگر قبل از ارسال نسخه جستجو به مرجع جستجوی بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی مسترد شود یا مسترد شود، یا

«۳» اگر به موجب مقتضیات مربوط به امنیت ملی، اظهارنامه بین‌المللی به عنوان یک اظهارنامه بین‌المللی تلقی نشود.

۱۶-۳ استرداد قسمتی از وجوه

هرگاه اظهارنامه بین‌المللی حق تقدم اظهارنامه بین‌المللی قبلی که توسط همان مرجع جستجوی بین‌المللی، مورد

جستجوی بین‌المللی قرار گرفته را ادعا نماید، در آنصورت اگر بتوان گزارش جستجوی بین‌المللی مربوط به اظهارنامه بین‌المللی

مؤخر را جزءاً یا کلاً بر نتایج جستجوی بین‌المللی انجام شده برای اظهارنامه بین‌المللی قبلی مبتنی ساخت، آن مرجع تا حدود و تحت شرایط مندرج در موافقت‌نامه موضوع شق (ب) بند (۳) ماده ۱۶ معاهده، هزینه جستجوی پرداختی در رابطه با اظهارنامه بین‌المللی مؤخر را مسترد خواهند نمود.

ماده ۱۶ مکرر- تمدید مهلت‌های پرداخت هزینه‌ها

۱-۱۶ مکرر - دعوت توسط اداره دریافت‌کننده

(الف) هرگاه اداره دریافت‌کننده تشخیص دهد، پرداخت هزینه‌ها طبق شق (ج) بند ۱ ماده ۱۴، شق (الف) بند ۴ ماده ۱۵ و شق (و) بند ۱ ماده ۱۶ آئین‌نامه به موقع صورت نگرفته‌است، مبلغ پرداختی برای پوشش‌دادن هزینه ارسال، هزینه اصلی و هزینه جستجو کافی نیست، از متقاضی دعوت خواهند نمود که مبلغ لازم برای پوشش دادن به هزینه‌های مذکور و عندالاقضاء هزینه پرداخت به دلیل تأخیر موضوع بند ۲ این ماده را نیز ظرف مهلت یک ماه از تاریخ دعوت‌نامه پرداخت نماید.

(ب) هرگاه اداره دریافت‌کننده تشخیص دهد که پرداخت هزینه‌ها طبق شق (ب) بند ۴ ماده ۱۵ آئین‌نامه به موقع صورت نگرفته‌است، یا مبلغ پرداختی برای تأمین هزینه‌های تعیین لازم برای پوشش‌دادن به همه تعیین‌ها طبق شق (الف) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه کافی نباشد، از متقاضی دعوت خواهد کرد که مبلغ مقرر برای پوشش دادن به آن هزینه‌ها و عندالاقضاء هزینه پرداخت با تأخیر موضوع بند ۲ این ماده را نیز ظرف مهلت یکماه از تاریخ دعوت‌نامه بپردازد. اگر مهلت مقرر بر طبق جزء «۱» شق (ب) بند ۴ ماده ۱۵ آئین‌نامه مصداق داشته‌باشد، مبلغ قابل پرداخت برای هر تعیین، مبلغی خواهد بود که در آخرین روز مهلت یک‌ساله از تاریخ حق تقدم قابل پرداخت‌است، یا اگر مهلت مقرر در جزء «۲» شق (ب) بند ۴ ماده ۱۵ آئین‌نامه مصداق داشته‌باشد، مبلغی خواهد بود که در تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی قابل پرداخت است.

(ج) هرگاه اداره دریافت‌کننده طبق شقوق (الف) یا (ب) فوق دعوت‌نامه‌ای را برای متقاضی ارسال نموده‌باشد و متقاضی ظرف مهلت مقرر در شق مربوطه به طور کامل مبلغ بدهی از جمله، عندالاقضاء، هزینه پرداخت با تأخیر را طبق بند ۲ این ماده پرداخت نکرده باشد اداره دریافت‌کننده با رعایت شق (د) زیر:

«۱» هر مبلغ پرداختی وسیله متقاضی را به نحوی که او معین نموده یا در صورت عدم تعیین از طرف وی به نحو مقرر در دستورالعمل‌های اداری تخصیص خواهد داد،

«۲» اعلامیه مربوطه بر طبق بند (۳) ماده ۱۴ معاهده را صادر خواهد نمود و

«۳» بر طبق ماده ۲۹ آئین‌نامه عمل خواهند نمود.

(د) هر مبلغ پرداختی به اداره دریافت‌کننده، قبل از اینکه اداره مزبور دعوت‌نامه موضوع شقوق (الف) یا (ب) فوق را ارسال

نماید، برحسب مورد به عنوان مبالغی که قبل از انقضای مهلت مقرر در شق (ج) بند ۱ ماده ۱۴، شق (الف) یا شق (ب) بند ۴ ماده ۱۵ یا شق (و) بند ۱ ماده ۱۶ آئین نامه پرداخت شده تلقی خواهد شد.

(ه) هر پرداختی به اداره دریافت کننده قبل از صدور اعلامیه موضوع بند (۳) ماده ۱۴ معاهده به عنوان مبلغی تلقی خواهد شد که قبل از انقضای مهلت مقرر در شق (الف) یا (ب) پرداخت شده است.

۱۶-۲ مکرر - هزینه پرداخت با تأخیر

(الف) پرداخت هزینه ها در پاسخ به دعوتنامه موضوع شق (الف) یا (ب) بند ۱ این ماده را اداره دریافت کننده می تواند مشمول پرداخت هزینه پرداخت با تأخیر به نفع خود قرار دهد. مبلغ هزینه مذکور به قرار زیر خواهد بود:

«۱» ۵۰ درصد مبالغی پرداخت نشده که در دعوتنامه مشخص شده است، یا

«۲» اگر مبلغ محاسبه شده طبق جزء «۱» کمتر از هزینه ارسال باشد، مبلغی برابر با هزینه ارسال.

(ب) به هرحال مبلغ هزینه پرداخت با تأخیر از مبلغ هزینه اصلی مندرج در شق (الف) ردیف ۱ جدول هزینه ها بیشتر نخواهد بود.

ماده ۱۷- سند حق تقدم

۱۷-۱ الزام به تسلیم نسخه ای از اظهارنامه ملی یا بین المللی قبلی

(الف) هرگاه حق تقدم یک اظهارنامه ملی یا بین المللی مقدم بر طبق ماده ۸ معاهده ادعا شود، متقاضی باید نسخه ای از اظهارنامه مقدم تأیید شده توسط مرجعی که به آن تسلیم شده است (سند حق تقدم) را در صورتیکه قبلاً همراه با اظهارنامه بین المللی که در آن ادعای حق تقدم مطرح شده به اداره دریافت کننده تسلیم نشده باشد، با رعایت شق (ب) این ماده قبل از انقضای ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم به دفتر بین المللی یا اداره دریافت کننده تسلیم نماید، با این قید که هر نسخه از اظهارنامه مقدم مذکور که دفتر بین المللی پس از انقضای آن مهلت دریافت می نماید، چنین تلقی شود که در آخرین روز مهلت مذکور به آن دفتر واصل شده است مشروط براینکه این وصول قبل از تاریخ انتشار بین المللی اظهارنامه بین المللی صورت پذیرفته باشد.

(ب) هرگاه سند حق تقدم توسط اداره دریافت کننده صادر شده باشد، متقاضی می تواند بجای ارائه سند حق تقدم، از اداره دریافت کننده درخواست نماید، که سند حق تقدم را تهیه و به دفتر بین المللی ارسال نماید، چنین درخواستی نباید پس از انقضای مدت ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم به عمل آید و اداره دریافت کننده می تواند آن را مشمول پرداخت هزینه ای قرار دهد.

(ج) اگر الزامات مذکور در هیچیک از شقوق (الف) و (ب) فوق رعایت نگردند، هر کشور تعیین شده می تواند، حق تقدم

ادعائی را نادیده‌بگیرد به شرط اینکه هیچ اداره تعیین‌شده‌ای قبل از دادن مهلتی به متقاضی برای ارائه سند حق تقدم که برحسب شرایط و اوضاع و احوال معقول باشد، حق تقدم ادعائی را نادیده نگیرد.

۱۷-۲ در دسترس بودن نسخه‌ها

(الف) هرگاه متقاضی شق (الف) یا شق (ب) بند ۱ ماده ۱۷ آئین‌نامه را رعایت کرده باشد، دفتر بین‌المللی برطبق درخواست خاص اداره تعیین‌شده فوراً ولی نه قبل از انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی، نسخه‌ای از سند حق تقدم را در اختیار آن اداره قرار خواهدداد. هیچ اداره تعیین‌شده‌ای از شخص متقاضی نخواهد خواست که رأساً نسخه‌ای از سند حق تقدم را به آن اداره ارائه کند. قبل از انقضای مهلت مقرر برطبق ماده ۲۲ معاهده از متقاضی درخواست نخواهد شد که ترجمه‌ای را به اداره تعیین‌شده ارائه نماید. هرگاه قبل از انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی، متقاضی طبق بند (۲) ماده ۲۳ معاهده از اداره تعیین‌شده صریحاً درخواست نماید، در آن صورت دفتر بین‌المللی بنا بر درخواست خاص اداره تعیین‌شده نسخه‌ای از سند حق تقدم را فوراً پس از دریافت به آن اداره تسلیم خواهدنمود.

(ب) دفتر بین‌المللی قبل از انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی سند حق تقدم را در اختیار عموم قرار نخواهدداد.

(ج) هرگاه اظهارنامه بین‌المللی طبق ماده ۲۱ معاهده منتشر شده‌باشد، دفتر بین‌المللی نسخه‌ای از سند حق تقدم را در اختیار هر شخصی که آن را تقاضا و هزینه‌های مربوطه را پرداخت نماید، قرار خواهد داد مگر اینکه،

۱۷-۲ قبل از انتشار بین‌المللی:

«۱» اظهارنامه بین‌المللی مسترد شده باشد،

«۲» حق تقدم ادعا شده مربوطه مسترد گردیده باشد یا طبق شق (ب) بند ۲ ماده ۲۶ مکرر آئین‌نامه چنین تقلی شود که ادعای حق تقدم صورت نگرفته‌است.

ماده ۱۸ - متقاضی

۱- ۱۸ اقامتگاه و تابعیت

(الف) با رعایت مفاد شق (ب) و (ج)، تشخیص این موضوع که آیا یک متقاضی مقیم یا تبعه کشور متعاهدی است که مدعی اقامت یا دارا بودن تابعیت آن است، تابع قانون ملی آن کشور بوده و تصمیم‌گیری درباره آن به وسیله اداره دریافت‌کننده صورت خواهدگرفت.

(ب) در هر صورت،

«۱» داشتن یک تأسیسات تجاری یا صنعتی مؤثر و واقعی در یک کشور متعاهد به عنوان اقامتگاه در آن کشور تلقی

خواهد شد، و

«۲» شخص حقوقی که طبق قانون ملی کشور متعاهد تأسیس شده باشد تبعه آن کشور محسوب خواهد شد.

(ج) هرگاه اظهارنامه بین‌المللی به دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت کننده تسلیم شده باشد، تحت شرایط و اوضاع و

احوال مصرح در دستورالعمل‌های اداری، دفتر بین‌المللی از اداره ملی کشور متعاهد ذیربط و یا اداره ملی که از طرف آن کشور

عمل می‌نماید، درخواست خواهد نمود تا درباره موضوع مذکور در شق (الف) فوق تصمیم‌گیری نماید. دفتر بین‌المللی متقاضی را

از این درخواست مطلع خواهند نمود. متقاضی دارای این فرصت خواهد بود که استدلال‌های خود را مستقیماً به اداره ملی تسلیم

نماید اداره ملی فوراً در این خصوص تصمیم‌گیری خواهند نمود.

۲-۱۸ حذف شده است.]

۳-۱۸ دو یا چند متقاضی

در صورت وجود دو یا چند متقاضی، حق تسلیم اظهارنامه بین‌المللی زمانی وجود خواهد داشت که حداقل یکی از آنها

طبق ماده ۹ معاهده، حق تسلیم اظهارنامه بین‌المللی را داشته باشند.

۴-۱۸ اطلاعات در خصوص الزامات مربوط به متقاضیان بر طبق قانون ملی (الف) و (ب) حذف شده است.

[(ج) دفتر بین‌المللی اطلاعات مربوط به قوانین ملی مختلف در ارتباط با این موضوع که چه کسی (مخترع، قائم مقام

مخترع، مالک اختراع یا سایر اشخاص) واجد شرایط برای تسلیم یک اظهارنامه ملی است را گاه به گاه انتشار خواهد داد. این

دفتر همراه با این اطلاعات اطلاعیه‌ای را نیز انتشار خواهد داد دایر بر اینکه تأثیر اظهارنامه بین‌المللی در هر کشور تعیین شده

ممکن است منوط باین امر شود که شخص تعیین شده به عنوان متقاضی در اظهارنامه بین‌المللی، از نظر آن کشور مشخص

باشد که بر طبق قانون ملی آن کشور واجد شرایط برای تسلیم اظهارنامه ملی است.

ماده ۱۹- اداره دریافت کننده صلاحیتدار

۱-۱۹ محل تسلیم

(الف) با رعایت مفاد شق (ب)، اظهارنامه بین‌المللی بنا به اختیار متقاضی به مراجع زیر تسلیم خواهد شد:

«۱» اداره ملی یا اداره عمل کننده برای کشور متعاهد که متقاضی مقیم آن است،

«۲» اداره ملی یا اداره عمل کننده برای کشور متعاهدی که متقاضی تبعه آن است، یا،

«۳» دفتر بین‌المللی، قطع نظر از اینکه متقاضی در چه کشور متعه‌دی م‌قیم بوده یا تابعیت آن را داشته باشد.

(ب) هر کشور متعه‌د ممکن است با کشور متعه‌د دیگر یا هر سازمان بین‌الدولی توافق نماید که اداره ملی کشور یا سازمان اخیرالذکر برای برخی یا کلیه مقاصد بجای اداره ملی کشور مقدم‌الذکر به عنوان اداره دریافت‌کننده برای متقاضیانی که م‌قیم یا تبعه کشور مقدم‌الذکر هستند اقدام نماید. علیرغم این توافق، اداره ملی کشور مقدم‌الذکر، به عنوان اداره دریافت‌کننده صلاحیتدار برای مقاصد مذکور در بند (۵) ماده ۱۵ معاهده محسوب خواهد شد.

(ج) در ارتباط با هر نوع تصمیمی که برطبق بند (۲) ماده ۹ معاهده اتخاذ شود مجمع، اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی، عمل‌کننده به عنوان اداره دریافت‌کننده برای اظهارنامه‌های م‌قیمین یا اتباع کشورهای تعیین‌شده توسط مجمع را منصوب خواهد نمود. این انتصاب مستلزم کسب رضایت قبلی اداره ملی و یا سازمان بین‌الدولی مذکور است.

۱۹۲ دو یا چند متقاضی

اگر دو یا چند متقاضی وجود داشته باشد:

«۱» در صورتیکه اداره ملی که اظهارنامه بین‌المللی به آن تسلیم شده اداره ملی یا اداره عمل‌کننده برای کشور متعه‌دی باشد، که لاقلاً، یکی از متقاضیان م‌قیم یا تبعه آن باشند، الزامات بند ۱ ماده ۱۹ رعایت شده تلقی خواهد شد؛

«۲» اگر لاقلاً یکی از متقاضیان م‌قیم و یا تبعه یک کشور متعه‌د باشد اظهارنامه بین‌المللی، می‌تواند برطبق جزء «۳»

شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه، به دفتر بین‌المللی تسلیم شود.

۱۹۳ انتشار موضوع واگذاری وظایف اداره دریافت‌کننده

(الف) کشور متعه‌دی که وظایف اداره دریافت‌کننده را به اداره ملی کشور دیگر یا اداره ملی عمل‌کننده برای کشور متعه‌د دیگر یا به یک سازمان بین‌الدولی واگذار می‌کند، هرگونه توافق مذکور در شق (ب) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه را فوراً به دفتر بین‌المللی اطلاع خواهد داد.

(ب) دفتر بین‌المللی به مجرد وصول اطلاعیه آن را در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

۱۹۴ ارسال به دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده

(الف) هرگاه یک اظهارنامه بین‌المللی به اداره ملی تسلیم شده باشد که به موجب معاهده به عنوان اداره دریافت‌کننده عمل می‌نماید ولی

«۱» اداره ملی به موجب بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه یا بند ۲ ماده ۱۹ آئین‌نامه فاقد صلاحیت برای دریافت اظهارنامه بین‌المللی

باشد، یا

«۲» آن اظهارنامه بین‌المللی به زبانی نباشد که به موجب شق (الف) بند ۱ ماده ۱۲ این آئین‌نامه مورد قبول اداره ملی است

ولی به زبانی باشد که به موجب ماده مزبور مورد قبول دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده است، یا

«۳» آن اداره ملی و دفتر بین‌المللی به هر دلیلی غیر از دلایل مشخص شده به موجب جزءهای «۱» و «۲» و با اجازه

متقاضی توافق نمایند که آئین‌کار موضوع این ماده اجراء شود، در آن صورت اظهارنامه بین‌المللی مزبور با رعایت شق (ب) فوق دریافت‌شده توسط آن اداره از طرف دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده به موجب جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه، تلقی خواهد شد.

(ب) هرگاه به موجب شق (الف) فوق یک اظهارنامه بین‌المللی توسط یک اداره ملی از طرف دفتر بین‌المللی که به

موجب جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه، اداره دریافت‌کننده محسوب می‌گردد، وصول شود، آن اداره ملی فوراً اظهارنامه بین‌المللی را برای دفتر بین‌المللی ارسال خواهند نمود، مگر اینکه مقتضیات مربوط به امنیت ملی چنین ارسالی را مانع شود. چنین ارسالی را اداره ملی می‌تواند مشمول پرداخت هزینه‌ای به نفع خود برابر با هزینه ارسالی نماید که آن اداره به موجب ماده ۱۴ این آئین‌نامه دریافت می‌نماید. اظهارنامه بین‌المللی که باین ترتیب ارسال می‌گردد، تاریخ وصول آن به دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده برطبق جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه، تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی به وسیله آن اداره ملی تلقی خواهد شد.

(ج) از لحاظ شق (ج) بند ۱ ماده ۱۴ آئین‌نامه، شق (الف) تا شق (ج) بند ۴ ماده ۱۵ و شق (و) بند ۱ ماده ۱۶ آئین‌نامه، هرگاه

اظهارنامه بین‌المللی به موجب شق (ب) فوق به دفتر بین‌المللی ارسال شده باشد، تاریخ دریافت اظهارنامه بین‌المللی تاریخی محسوب خواهد شد که در آن تاریخ اظهارنامه بین‌المللی عملاً توسط دفتر بین‌المللی وصول شده باشد. از لحاظ این شق جمله آخر شق (ب) قابل اعمال نخواهد بود.

ماده ۲۰- دریافت اظهارنامه بین‌المللی

۱-۲۰ شماره و تاریخ

(الف) پس از دریافت اوراق به عنوان یک اظهارنامه بین‌المللی، اداره دریافت‌کننده به گونه غیرقابل محو، تاریخ دریافت

عملی را بر روی تقاضای هرنسخه دریافتی و همچنین شماره اظهارنامه بین‌المللی را بر روی هر برگ هر نسخه دریافت درخ خواهد نمود.

(ب) محل مخصوص درج تاریخ یا شماره بر روی هر برگ و سایر جزئیات را دستورالعمل‌های اداری مشخص خواهند نمود.

۲۰-۲ دریافت در تاریخ‌های متفاوت

(الف) در مواردی که کلیه اوراقی که به عنوان یک اظهارنامه بین‌المللی ارسال می‌شود در یک تاریخ بوسیله اداره دریافت‌کننده وصول نشود، آن اداره تاریخ درج شده بر روی تقاضا را اصلاح خواهد نمود (مع‌ذلک تاریخ یا تاریخ‌های مندرج قبلی محو و پاک نخواهد شد) به نحوی که تاریخ دریافت اوراق تکمیل‌کننده اظهارنامه بین‌المللی را مشخص نماید مشروط بر اینکه «۱» اگر هیچ دعوتنامه‌ای برطبق شق (الف) بند (۲) ماده ۱۱ معاهده برای اصلاح جهت متقاضی ارسال نشده باشد، اوراق مزبور ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخی که اوراق برای اولین بار دریافت شده‌اند وصول شده باشد؛

«۲» هرگاه دعوتنامه‌ای برطبق شق (الف) بند (۲) ماده ۱۱ معاهده برای اصلاح، جهت متقاضی ارسال شده باشد، اوراق مزبور ظرف مهلت قابل اجراء برطبق بند ۶ این ماده واصل شده باشد؛

«۳» در مورد بند (۲) ماده ۱۴ معاهده نقشه‌هایی که قبلاً وصول نشده‌اند ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخی که اوراق ناقص تسلیم شده‌اند دریافت شده باشند؛

«۴» وصول با تأخیر یا عدم وجود هرورقه محتوی خلاصه یا بخشی از آن، فی نفسه مستلزم اصلاح تاریخ درج شده بر روی تقاضا نباشد.

(ب) اداره دریافت‌کننده هرورقه دریافتی دیرتر از تاریخ اولین دریافت اوراق را، با ذکر تاریخ وصول آن، مشخص خواهند نمود.

۲۰-۳ اظهارنامه بین‌المللی اصلاح شده

در مورد مذکور در شق (ب) بند (۲) ماده ۱۱ معاهده، اداره دریافت‌کننده تاریخ مندرج در تقاضا را اصلاح خواهند نمود (مع‌ذلک تاریخ یا تاریخ‌های مندرج قبلی محو و پاک نخواهند شد) به نحوی که تاریخ دریافت آخرین اصلاح لازم را مشخص نماید.

۲۰-۴ تصمیم برطبق بند (۱) ماده ۱۱ معاهده

(الف) به محض وصول اوراق به عنوان یک اظهارنامه بین‌المللی، اداره دریافت‌کننده در مورد رعایت یا عدم رعایت الزامات بند (۱) ماده ۱۱ معاهده در این اوراق تصمیم‌گیری خواهند نمود.

(ب) از لحاظ جزء (ج) شق «۳» بند ۱ ماده ۱۱ معاهده مشخص نمودن نام متقاضی به نحوی که هویت او را مشخص سازد کافی است، حتی اگر املائی نام وی اشتباه باشد و اسامی دوم بطور کامل درج نشده باشد یا در مورد اشخاص حقوقی ذکر نام به صورت مخفف یا ناقص باشد.

(ج) از لحاظ شق «۲» بند ۱ ماده ۱۱ معاهده، کافی است که قسمتی که به ظاهر دلالت بر توصیف دارد (به غیر از هر قسمت فهرست ترتیبی آن) و قسمتی که به نظرمی رسد که دلالت بر ادعا یا ادعاها دارد، به زبان مورد قبول اداره دریافت کننده برطبق شق (الف) بند (۱) ماده ۱۲ آئین نامه باشد.

(د) اگر در تاریخ اول اکتبر سال ۱۹۹۷ شق (ج) فوق سازگار با قانون ملی مورد عمل اداره دریافت کننده نباشد شق (ج) در مورد آن اداره دریافت کننده تا زمانی که عدم سازگاری با آن قانون ادامه داشته باشد قابل اعمال نخواهد بود، مشروط بر اینکه اداره مذکور دفتر بین المللی را تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۷ از این موضوع مطلع نماید. اطلاع واصله فوراً توسط دفتر بین المللی در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

۵- ۲۰ تصمیم مثبت

(الف) اگر تصمیم برطبق بند (۱) ماده ۱۱ معاهده مثبت باشد، اداره دریافت کننده بر روی تقاضا نام اداره دریافت کننده و کلمات:

“DEMANDE INTERNATIONALE PCT” یا “PCT INTERNATIONAL APPLICATION”

را ممهور خواهد کرد. اگر زبان رسمی اداره دریافت کننده نه انگلیسی و نه فرانسوی باشد کلمات

“DEMANDE INTERNATIONALE” یا “APPLICATION INTERNATIONALE”

می تواند همراه با ترجمه ای از این کلمات به زبان رسمی اداره دریافت کننده باشد.

(ب) نسخه ای که تقاضای آن به این نحو ممهور باشد نسخه بایگانی آن اظهارنامه بین المللی خواهد بود.

(ج) اداره دریافت کننده فوراً متقاضی اظهارنامه بین المللی را از شماره و تاریخ تسلیم بین المللی اظهارنامه بین المللی مطلع خواهند نمود. و همزمان اداره مذکور نسخه ای از اطلاعیه ارسالی برای متقاضی را برای دفتر بین المللی ارسال خواهند نمود مگر در مواردی که برطبق شق (الف) بند ۱ ماده ۲۲ آئین نامه، نسخه بایگانی را به دفتر مزبور ارسال داشته و یا بطور همزمان این اقدام را انجام دهد.

۶- ۲۰ دعوت برای اصلاح

(الف) در دعوتنامه اصلاح برطبق بند (۲) ماده ۱۱ معاهده، بند (۱) ماده ۱۱ معاهده، الزامات مقرر در بند (۱) ماده ۱۱ معاهده که به نظر اداره دریافت کننده رعایت نشده باشد، مشخص خواهد شد.

(ب) اداره دریافت کننده، دعوتنامه را فوراً از طریق پست به متقاضی ارسال و مهلتی را که به تناسب شرایط و اوضاع و احوال معقول باشد برای تسلیم اصلاحات تعیین خواهند نمود. مهلت مزبور نباید کمتر از ۱۰ روز و بیشتر از یکماه از تاریخ دعوتنامه

باشد. اگر مهلت مذکور پس از انقضاء یکسال از تاریخ تسلیم اظهارنامه‌ای که حق تقدم آن ادعا شده منقضی شود، اداره دریافت‌کننده می‌تواند توجه متقاضی را به شرایط و اوضاع و احوال مذکور جلب نماید.

۲۰-۷ تصمیم منفی

اگر ظرف مهلت مقرر، اداره دریافت‌کننده پاسخی را درقبال دعوتنامه ارسالی برای اصلاح دریافت ننماید، یا اگر اصلاحی که متقاضی ارائه نموده، الزامات مقرر در بند (۱) ماده ۱۱ معاهده را رعایت ننموده باشد، اداره دریافت‌کننده اقدامات زیر را به عمل خواهد آورد:

«۱» فوراً به متقاضی اطلاع خواهد داد که اظهارنامه او اظهارنامه بین‌المللی تلقی نمی‌شود و به آن به عنوان اظهارنامه بین‌المللی رسیدگی نخواهد شد و دلایل آن را نیز منعکس خواهند نمود،

«۲» به اطلاع دفتر بین‌المللی خواهد رساند که شماره مندرج بروی اوراق به عنوان شماره اظهارنامه بین‌المللی مورد استفاده قرار نخواهد گرفت،

«۳» اوراق تشکیل‌دهنده به عنوان اظهارنامه بین‌المللی و هر مکاتبه مربوط به آن به‌نحو مقرر در بند (۱) ماده ۹۳ آئین‌نامه را نگاهداری خواهند نمود؛

«۴» بنا به درخواست متقاضی برطبق بند (۱) ماده ۲۵ معاهده هرگاه دفتر بین‌المللی به‌نسخه‌ای از اوراق مذکور نیاز داشته باشد، و خصوصاً آن را درخواست کرده باشد، نسخه‌ای از آنها را برای دفتر بین‌المللی ارسال خواهد کرد.

۲۰-۸ اشتباه اداره دریافت‌کننده

اگر متعاقباً اداره دریافت‌کننده کشف نماید، یا براساس پاسخ متقاضی دریابد که هنگام دریافت اوراق، الزامات مقرر در بند (۱) ماده ۱۱ معاهده رعایت شده بوده و لذا در صدور دعوتنامه مرتکب اشتباه شده است، برطبق بند ۵ ماده ۲۰ آئین‌نامه عمل خواهند نمود.

۲۰-۹ نسخه مصدق برای متقاضی

درقبال پراخت یک هزینه، اداره دریافت‌کننده بنا به درخواست متقاضی، نسخه‌های مصدقی از اظهارنامه بین‌المللی تسلیم شده و هر اصلاحات انجام شده در آن را به متقاضی ارائه خواهند نمود.

ماده ۲۱- تهیه نسخ

۲۱-۱ مسئولیت اداره دریافت‌کننده

(الف) هرگاه لازم باشد که اظهارنامه بین‌المللی در یک نسخه تسلیم شود اداره دریافت‌کننده مسئول تهیه نسخه اصلی و

نسخه جستجوی مورد لزوم برطبق بند(۱) ماده ۱۲ معاهده خواهد بود.

(ب) هرگاه لازم باشد که اظهارنامه بین‌المللی در دو نسخه تسلیم شود، اداره دریافت‌کننده مسئول تهیه نسخه اصلی خواهد بود.

(ج) اگر اظهارنامه بین‌المللی به تعداد کمتر از تعداد نسخ مورد لزوم در شق (ب) بند ۱ ماده ۱۱ آئین‌نامه تسلیم گردد، اداره دریافت‌کننده مسئول تهیه فوری نسخ مورد لزوم خواهد بود و حق خواهد داشت برای انجام کار مذکور هزینه‌ای را تعیین و آن را از متقاضی دریافت نماید.

ماده ۲۲- ارسال نسخه بایگانی و ترجمه

۲۲-۱ آئین کار

(الف) اگر تصمیم متخذه برطبق بند(۱) ماده ۱۱ معاهده مثبت باشد و مقتضیات مربوط به امنیت ملی مانع نباشد که اظهارنامه بین‌المللی باین عنوان رسیدگی شود، اداره دریافت‌کننده نسخه بایگانی را برای دفتر بین‌المللی ارسال خواهد کرد. چنین ارسالی فوراً پس از دریافت اظهارنامه بین‌المللی، و اگر باید برای حفظ امنیت ملی کنترلی صورت گیرد، به محض دریافت گواهی لازم صورت خواهد گرفت. در هر صورت اداره دریافت‌کننده نسخه بایگانی را به نحوی ارسال خواهد نمود که قبل از انقضاء سیزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم به دفتر بین‌المللی واصل شود. اگر ارسال از طریق پست انجام شود اداره دریافت‌کننده حداکثر ۵ روز قبل از انقضاء سیزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم، نسخه بایگانی را پست خواهد نمود.

(ب) اگر دفتر بین‌المللی نسخه‌ای از اطلاعیه مقرر در شق (ج) بند ۵ ماده ۲۰ آئین‌نامه را دریافت کرده باشد ولی تا زمان انقضاء مدت ۱۳ ماه از تاریخ حق تقدم، نسخه بایگانی را در اختیار نداشته باشد، به اداره دریافت‌کننده یادآوری خواهد نمود که باید نسخه بایگانی را فوراً به دفتر بین‌المللی ارسال نماید.

(ج) اگر دفتر بین‌المللی نسخه‌ای از اطلاعیه مقرر در شق(ج) بند ۵ ماده ۲۰ آئین‌نامه را دریافت کرده باشد ولی پس از انقضاء مدت ۱۴ ماه از تاریخ حق تقدم، نسخه بایگانی را در اختیار نداشته باشد، مراتب را به متقاضی و اداره دریافت‌کننده اطلاع خواهد داد. (د) پس از انقضاء ۱۴ ماده از تاریخ حق تقدم، متقاضی می‌تواند از اداره دریافت‌کننده درخواست نماید، نسخه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی او را به عنوان نسخه برابر با اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی گواهی نماید. مشارالیه می‌تواند نسخه مصدق را به دفتر بین‌المللی ارسال نماید.

(ه) هر نوع گواهی طبق شق (د) به صورت رایگان و بدون دریافت هزینه خواهد بود و درخواست صدور گواهی مزبور

فقط می‌تواند با استناد به یکی از دلایل زیر رد شود:

«۱» نسخه‌ای که گواهی نمودن آن از اداره دریافت‌کننده درخواست شده، برابر اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی نباشد؛

«۲» مقتضیات امنیت ملی اجازه ندهد اظهارنامه بین‌المللی به این عنوان تلقی و رسیدگی شود؛

«۳» اداره دریافت‌کننده قبلاً نسخه بایگانی را به دفتر بین‌المللی ارسال نموده و دفتر مزبور وصول آن را به اداره

دریافت‌کننده اعلام کرده‌باشد.

(و) تا زمانی که دفتر بین‌المللی نسخه بایگانی را دریافت نکرده باشد، یا تا زمانی که نسخه بایگانی را دریافت‌نماید، نسخه

مصدق طبق شق(ه) که دفتر بین‌المللی دریافت کرده است به عنوان نسخه بایگانی تلقی خواهد شد.

(ز) اگر تا زمان انقضاء مهلت مقرر در ماده ۲۲ معاهده متقاضی اقدامات مذکور در آن ماده را انجام داده ولی دفتر بین‌المللی

وصول نسخه بایگانی را به اداره تعیین شده اطلاع نداده باشد، اداره تعیین شده مراتب را به دفتر بین‌المللی اطلاع خواهد داد. اگر

دفتر بین‌المللی نسخه بایگانی را در اختیار نداشته باشد فوراً به متقاضی و اداره دریافت‌کننده اعلام خواهد نمود مگر اینکه مراتب

قبلاً طبق شق (ج) به آنان اطلاع داده شده‌باشد.

(ط) هرگاه اظهارنامه بین‌المللی باید به زبان ترجمه موضوع بند ۳ ماده ۱۲ انتشار باید آن ترجمه توسط اداره دریافت‌کننده

برای دفتر بین‌المللی همراه با نسخه بایگانی موضوع شق (الف) فوق ارسال خواهد شد یا اگر اداره دریافت‌کننده قبلاً نسخه

بایگانی را طبق آن شق برای دفتر بین‌المللی ارسال نموده باشد متن ترجمه را فوراً پس از دریافت به آن دفتر ارسال خواهد کرد.

۲۲-۲ [حذف شده است].

۲۲-۳ مهلت برطبق بند (۳) ماده ۱۲ معاهده

مهلت مذکور در بند (۳) ماده ۱۲ معاهده سه ماه پس از تاریخی خواهد بود که دفتر بین‌المللی اطلاعیه را برای متقاضی

طبق شق(ج) یا (ز) بند ۱ ماده ۲۲ آئین‌نامه ارسال نموده‌باشد.

ماده ۲۳- ارسال نسخه جستجو، ترجمه و فهرست ترتیبی

۲۳-۱ آئین کار

(الف) هرگاه نیازی به ترجمه اظهارنامه بین‌المللی برطبق شق (الف) بند ۳ ماده ۱۲ آئین‌نامه نباشد، اداره دریافت‌کننده،

نسخه جستجو را برای مرجع جستجوی بین‌المللی حداکثر تا همان روزی که نسخه بایگانی برای دفتر بین‌المللی ارسال می‌شود،

خواهد فرستاد، مگر اینکه هزینه جستجو پرداخت نشده باشد، که در این صورت پس از پرداخت هزینه جستجو فوراً ارسال

خواهدشد.

(ب) هرگاه ترجمه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی برطبق بند ۳ ماده ۱۲ آئین‌نامه ارائه شده‌باشد، نسخه‌ای از آن ترجمه و تقاضا که به همراه یکدیگر به موجب بند (۱) ماده ۱۲ معاهده، نسخه جستجو تلقی خواهد شد، توسط اداره دریافت‌کننده برای مرجع جستجوی بین‌المللی ارسال خواهدشد، مگر اینکه هزینه جستجو پرداخت نشده‌باشد، که در اینصورت پس از پرداخت هزینه جستجو نسخه‌ای از تقاضا و ترجمه مزبور فوراً ارسال خواهدشد.

(ج) هرفهرست ترتیبی به شکل قابل خواندن برای رایانه که به اداره دریافت‌کننده ارائه شده باشد، توسط آن اداره برای مرجع جستجوی بین‌المللی ارسال خواهدشد.

ماده ۲۴- وصول نسخه بایگانی توسط دفتر بین‌المللی

۱- ۲۴ [حذف شده است]

۲- ۲۴ اطلاعیه وصول نسخه بایگانی

(الف) دفتر بین‌المللی فوراً مراتب و تاریخ وصول نسخه بایگانی را به:

«۱» متقاضی،

«۲» اداره دریافت‌کننده، و

«۳» مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی (مگر اینکه مرجع مذکور به دفتر بین‌المللی اعلام نموده باشد که مایل به مطلع شدن نمی‌باشد) اطلاع خواهدداد.

در اطلاعیه مزبور، اظهارنامه بین‌المللی به وسیله شماره آن، تاریخ تسلیم بین‌المللی و نام متقاضی مشخص خواهدشد و حاوی تاریخ تسلیم هر اظهارنامه قبلی که حق تقدم آن ادعا شده خواهدبود. اطلاعیه ارسالی به متقاضی همچنین حاوی فهرست کشورهای تعیین‌شده برطبق شق

(الف) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه و عندالاقضاء فهرست کشورهاییکه تعیین آنها برطبق شق

(ج) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه تأیید شده‌باشد خواهدبود.

(ب) هر اداره تعیین‌شده‌ای که به دفتر بین‌المللی اعلام نموده باشد که مایل به وصول اطلاعیه مندرج در شق (الف) فوق

قبل از مکاتبه موضوع بند ۱ ماده ۴۷ آئین‌نامه می‌باشد از همین قرار توسط دفتر بین‌المللی مطلع خواهد شد.

«۱» اگر تعیین مربوطه برطبق شق (الف) بند ۹ ماده ۴ آئین‌نامه فوراً پس از وصول نسخه بایگانی صورت گرفته‌باشد؛

«۲» اگر تعیین مربوطه برطبق شق(ب) بند۹ ماده۴ فوراً پس از مطلع شدن دفتر بین‌المللی توسط اداره دریافت‌کننده دایر به تأیید تعیین مزبور صورت گرفته‌باشد.

(ج) اگر نسخه یایگانی پس از انقضای مهلت تعیین‌شده در بند۳ ماده۲۲ آئین‌نامه واصل شود، دفتر بین‌المللی فوراً مراتب را به اطلاع متقاضی، اداره دریافت‌کننده و مرجع جستجوی بین‌المللی خواهدرسانید.

ماده۲۵- وصول نسخه جستجو به وسیله مرجع جستجوی بین‌المللی

۱- ۲۵ اطلاعیه وصول نسخه جستجو

مرجع جستجوی بین‌المللی مراتب وصول و تاریخ وصول نسخه جستجو را فوراً به دفتر بین‌المللی، متقاضی و در صورتیکه مرجع جستجوی بین‌المللی همان اداره دریافت‌کننده نباشد، به اداره دریافت‌کننده اطلاع خواهدداد.

ماده۲۶- بررسی و تصحیح برخی از اجراء اظهارنامه بین‌المللی به وسیله و در نزد اداره دریافت‌کننده

۱- ۲۶ مهلت بررسی

(الف) اداره دریافت‌کننده دعوتنامه‌ای را برای تصحیح مذکور در شق (ب) بند(۱) ماده۱۴ معاهده در اسرع وقت ممکن، ترجیحاً ظرف مدت یکماه از تاریخ وصول اظهارنامه بین‌المللی صادرخواهدکرد.

(ب) اگر اداره دریافت‌کننده دعوتنامه‌ای را برای تصحیح نقص مذکور در جزء «۴» یا «۳» شق (الف) بند(۱) ماده۱۴ معاهده (یعنی عدم ذکر عنوان اختراع یا عدم درج خلاصه) صادر نماید مراتب را به مرجع جستجوی بین‌المللی اعلام خواهدنمود.

۲- ۲۶ مهلت تصحیح

مهلت مذکور در شق (ب) بند(۱) ماده۱۴ معاهده باید طبق شرایط و اوضاع و احوال معقول بوده و در هر مورد به وسیله اداره دریافت‌کننده تعیین‌شود. این مهلت کمتر از یک ماه از تاریخ دعوت برای تصحیح نخواهدبود. مهلت مزبور را اداره دریافت‌کننده می‌تواند در هر زمانی قبل از اینکه تصمیمی اتخاذ شود تمدید نماید.

۳- ۲۶ بررسی الزامات شکلی و ضمائ برطبق جزء «۵» شق (الف) بند(۱) ماده۱۴ معاهده

(الف) هرگاه اظهارنامه بین‌المللی به یک زبان انتشار تسلیم شود اداره دریافت‌کننده مراتب زیر را بررسی خواهدنمود:

«۱» اظهارنامه بین‌المللی از لحاظ انطباق آن با الزامات شکلی و ضمایم مذکور در ماده۱۱ آئین‌نامه فقط تا آنجا که این

انطباق به منظور انتشار بین‌المللی منوطاً متحدالشکل ضروری باشد؛

«۲» هرگونه ترجمه ارائه شده برطبق بند ۳ ماده ۱۲ آئین نامه جهت انطباق، آن با الزامات شکلی و ضمایم مذکور در ماده ۱۱ آئین نامه تا آنجا که این انطباق به منظور تکثیر مطلوب لازم باشد.

(ب) هرگاه اظهارنامه بین المللی به زبانی تسلیم شود که زبان انتشار نباشد، اداره دریافت کننده موارد زیر را بررسی خواهد

نمود:

«۱» اظهارنامه بین المللی از لحاظ انطباق با الزامات شکلی و ضمایم مذکور در ماده ۱۱ آئین نامه، فقط تا آنجا که انطباق مزبور به منظور تکثیر مطلوب لازم باشد؛

«۲» هر ترجمه ارائه شده برطبق بند ۳ ماده ۱۲ آئین نامه و نقشه ها از لحاظ انطباق آنها با الزامات شکلی و ضمایم مذکور در ماده ۱۱ آئین نامه تا آنجا که انطباق مزبور به منظور انتشار بین المللی منطبقاً متحدالشکل، ضروری باشد.

۳مکرر- ۲۶ دعوت برطبق شق (ب) بند (۱) ماده ۱۴ معاهده برای تصحیح نواقص برطبق ماده ۱۱ آئین نامه هرگاه الزامات شکلی و ضمایم مذکور در ماده ۱۱ آئین نامه تاحد مورد لزوم برطبق بند ۳ ماده ۲۶ آئین نامه رعایت شده باشد، اداره دریافت کننده ملزم نخواهد بود، که دعوت نامه موضوع شق (ب) بند (۱) ماده ۱۴ معاهده را برای تصحیح نقص برطبق ماده ۱۱ آئین نامه صادر نماید.

۳ ثالث ۲۶- دعوت برای تصحیح نواقص برطبق شق «۱» بند (۴) ماده ۳ معاهده

(الف) هرگاه خلاصه و یا هر متن مربوط به مطلب نقشه ها به زبانی تسلیم شده باشد که با زبان توصیف و ادعاها متفاوت باشد، اداره دریافت کننده، مگر در صورت وجود شرایط زیر، از متقاضی دعوت خواهد نمود که ترجمه ای از خلاصه یا متن مربوط به مطلب نقشه ها را به زبانی که اظهارنامه بین المللی باید به آن زبان انتشار یابد ارائه دهد. شق (الف) بند ۱ ماده ۲۶، بند ۳ و ماده ۲۶، بند ۳ مکرر ماده ۲۶، بند ۵ ماده ۲۶ و بند ۱ ماده ۲۹ آئین نامه با تغییرات مقتضی در این خصوص اعمال خواهند شد. شرایط فوق الاشعار عبارتند از:

«۱» اگر ترجمه اظهارنامه بین المللی برطبق شق (الف) بند ۳ ماده ۱۲ آئین نامه لازم باشد، یا

«۲» اگر خلاصه و یا متن مربوط به مطلب نقشه ها به زبانی باشد که اظهارنامه بین المللی باید به آن زبان منتشر شود.

(ب) اگر در تاریخ اول اکتبر ۱۹۹۷، شق (الف) فوق با قانون ملی مورد عمل در اداره دریافت کننده سازگار نباشد، مادام که

این عدم انطباق ادامه داشته باشد، شق (الف) در مورد آن اداره دریافت کننده قابل اعمال نخواهد بود، مشروط براینکه اداره دریافت کننده مراتب را قبل از ۳۱ دسامبر ۱۹۹۷ به دفتر بین المللی اطلاع داده باشد. اطلاعات واصله را دفتر بین المللی فوراً در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

(ج) هرگاه تقاضا منطبق با شق(ج) بند ۱ ماده ۱۲ آئین نامه نباشد، اداره دریافت کننده از متقاضی دعوت خواهد نمود که ترجمه‌ای که در آن، ماده مزبور رعایت شده باشد را تسلیم نماید. ماده ۳، شق(الف) بند ۱ ماده ۲۶، بند ۲ و ۵ ماده ۲۶ و بند ۱ ماده ۲۹ آئین نامه با تغییرات مقتضی در این خصوص قابل اعمال خواهند بود.

(د) اگر در تاریخ اول اکتبر سال ۱۹۹۷ شق (ج) با قانون ملی مورد عمل در اداره دریافت کننده سازگار نباشد، مادام که این عدم انطباق ادامه داشته باشد، مفاد شق(ج) در مورد آن اداره دریافت کننده قابل اعمال نخواهد بود، مشروط براینکه اداره دریافت کننده قبل از ۳۱ دسامبر ۱۹۹۷ مراتب را به دفتر بین المللی اطلاع داده باشد. اطلاعات واصله را فوراً دفتر بین المللی در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

۴-۲۶ آئین کار

اگر تصحیح ارائه شده به اداره دریافت کننده، دارای چنان ماهیتی باشد که بتوان آن را از نامه‌ای به نسخه بایگانی منتقل نموده، به نحوی که بروضوح و قابلیت تکثیر مستقیم ورقه‌ای که تصحیح مذکور باید بر آن منتقل شود آسیب و خدشه‌ای وارد نسازد، در آن صورت می‌توان تصحیح مزبور را در نامه‌ای خطاب به آن اداره درج نمود. در غیر این صورت از متقاضی خواسته خواهد شد که یک ورقه جایگزین حاوی تصمیم را همراه با نامه‌ای که در آن توجه به تفاوت‌های میان این ورقه جایگزین با ورقه قبلی جلب شده باشد تسلیم نماید.

۵-۲۶ تصمیم اداره دریافت کننده

اداره دریافت کننده، تصمیم‌گیری خواهد نمود که آیا متقاضی تصحیح را ظرف مهلت مقرر در بند ۲ ماده ۲۶ آئین نامه تسلیم نموده است یا خیر و در صورتیکه تصحیح در ظرف مهلت مقرر تسلیم شده باشد آیا اظهارنامه بین المللی که باین نحو تصحیح شده است مسترد تلقی شده است یا خیر؟ مشروط براینکه هیچ اظهارنامه بین المللی به علت عدم رعایت الزامات مربوط به شکل و ضمایم مذکور در ماده ۱۱ آئین نامه مسترد تلقی نشده باشد با این قید که این الزامات در حدی که برای منظور انتشار بین المللی متحدالشکل معقول است رعایت شده باشد.

۶-۲۶ نقشه‌های ضمیمه نشده

(الف) اگر همچنانکه در بند (۲) ماده ۱۴ معاهده مقرر شده اظهارنامه بین المللی به نقشه‌هایی ارجاع دهد که در واقع ضمیمه آن اظهارنامه نیست اداره دریافت کننده مراتب را به همین نحو در اظهارنامه مذکور مشخص خواهد نمود.

(ب) تاریخ دریافت اطلاعات موضوع بند (۲) ماده ۱۴ معاهده توسط متقاضی هیچگونه اثری بر مهلت مقرر بر طبق جزء (۳) شق (الف) بند ۲ ماده ۲۰ آئین نامه نخواهد داشت.

ماده ۲۶ مکرر- تصحیح یا اضافه نمودن ادعای حق تقدم

۱-۲۶ مکرر - تصحیح یا اضافه نمودن حق تقدم

(الف) متقاضی می تواند ظرف مهلت ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم یا در موردی که تصحیح یا اضافه نمودن حق تقدم موجب تغییر حق تقدم شود، ظرف مهلت ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم تغییر یافته، هر کدام از این دو دوره که زودتر منقضی شود، طی اطلاعیه ای تصحیح یا اضافه نمودن ادعای حق تقدم را به اداره دریافت کننده یا دفتر بین المللی تسلیم نماید، مشروط بر اینکه چنین اطلاعیه ای را بتوان تا انقضاء چهارماه از تاریخ تسلیم بین المللی ارائه نمود. تصحیح ادعای حق تقدم می تواند شامل اضافه نمودن هرگونه اطلاعات مذکور در بند ۱۰ ماده ۴ آئین نامه باشد.

(ب) هرگونه اطلاعیه مذکور در شق (الف) که اداره دریافت کننده یا دفتر بین المللی پس از آن دریافت نماید که متقاضی تقاضائی را برای انتشار زودتر از موعد برطبق شق (ب) بند (۲) ماده ۲۱ معاهده تسلیم نموده باشد، تسلیم شده تلقی نخواهد شد، مگر اینکه آن تقاضا قبل از تکمیل مراحل تهیه مقدمات فنی مربوط به انتشار بین المللی مسترد گردیده باشد.

(ج) هرگاه تصحیح یا اضافه نمودن ادعای حق تقدم، در تاریخ حق تقدم تغییر ایجاد نماید، هر مهلت محاسبه شده از تاریخ حق تقدم قبلی اجرا، که منقضی نشده باشد، از تاریخ حق تقدم تغییر یافته محاسبه خواهد شد.

۲-۲۶ مکرر- دعوت به تصحیح نقایص در ادعاهای حق تقدم

(الف) هرگاه اداره دریافت کننده و یا در صورت عدم احراز آن اداره، دفتر بین المللی، تشخیص دهد که در ادعای حق تقدم، الزامات مذکور در بند ۱۰ ماده ۴ آئین نامه رعایت نشده و یا اینکه هر مطلب ذکر شده در یک ادعای حق تقدم با مطلب متناظر مذکور در سند حق تقدم منطبق نیست، اداره دریافت کننده یا دفتر بین المللی برحسب مورد، از متقاضی دعوت خواهد نمود که نسبت به تصحیح ادعای حق تقدم اقدام نماید.

(ب) اگر در پاسخ ب یک دعوت به عمل آمده برطبق شق (الف) فوق، متقاضی قبل انقضاء مهلت مقرر در شق (الف) بند ۱ ماده ۲۶ مکرر آئین نامه، اطلاعیه ای را به منظور رعایت الزامات بند ۱۰ ماده ۱۴ آئین نامه دایر به تصحیح حق تقدم تسلیم ننماید، از لحاظ آئین کار مندرج در معاهده، آن حق تقدم ادعا نشده تلقی و اداره دریافت کننده و یا دفتر بین المللی برحسب مورد مراتب را اعلام و متقاضی را از این موضوع مطلع خواهد نمود، مشروط بر اینکه یک ادعای حق تقدم، فقط به دلیل فقدان شماره اظهارنامه قبلی مذکور در جزء «۲» شق (الف) بند ۱۰ ماده ۴ آئین نامه، به دلیل عدم انطباق ادعای حق تقدم با مطالب متناظر درج شده در سند حق تقدم، حق تقدم ادعا نشده تلقی نشود.

(ج) هرگاه اداره دریافت کننده یا دفتر بین المللی اعلامیه ای را برطبق شق (ب) فوق صادر نموده باشند، دفتر بین المللی به

درخواست متقاضی و در صورت وصول آن قبل از تکمیل مقدمات فنی انتشار بین‌المللی و مشروط به پرداخت هزینه خاص، که مبلغ آن را دستورالعمل‌های اداری مشخص خواهد نمود، به همراه اظهارنامه بین‌المللی اطلاعات مربوط به حق تقدیمی که ادعا نشده تلقی می‌گردد را انتشار خواهد داد. هرگاه نسخه‌ای از جزوه برای مکاتبه مورد استفاده قرار نگیرد یا هرگاه اظهارنامه بین‌المللی برطبق بند (۳) ماده ۶۴ معاده انتشار نیابد نسخه‌ای از آن تقاضا در مکاتبه موضوع ماده ۲۰ معاهده ضمیمه خواهد شد.

ماده ۲۶ ثالث - تصحیح یا اضافه نمودن بر اعلامیه‌های موضوع بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه

۱-۲۶ ثالث تصحیح یا اضافه نمودن بر اعلامیه‌ها

متقاضی می‌تواند تقاضا را تصحیح نموده یا هر اعلامیه مذکور در بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه را از طریق اطلاعیه‌ای ظرف مهلت ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم که به دفتر بین‌المللی تسلیم می‌شود به تقاضا بیفزاید، مشروط بر اینکه هر اطلاعیه واصله به دفتر بین‌المللی بعد از انقضاء آن مهلت دریافت شده در آخرین روز آن مهلت تلقی شود با این قید که اطلاعیه مزبور قبل از تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین‌المللی واصل شده باشد.

۲-۲۶ ثالث رسیدگی به اعلامیه‌ها

(الف) هرگاه اداره دریافت‌کننده یا دفتر بین‌المللی احرار نمایند که هر اعلامیه مذکور در بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه، از نظر عبارتی، به نحو مقرر تنظیم نشده یا درمورد اعلامیه اختراع مذکور در شق «۴» بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه، آن اعلامیه به نحو مقرر امضاء نشده است، اداره دریافت‌کننده یا دفتر بین‌المللی می‌توانند برحسب مورد از متقاضی دعوت به عمل آورند که نسبت به تصحیح اعلامیه ظرف مهلت ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم اقدام نماید.

(ب) هرگاه دفتر بین‌المللی هر اعلامیه یا تصحیحی را برطبق بند ۱ ماده ۲۶ ثالث آئین‌نامه، پس از انقضاء مهلت مذکور در بند ۱ ماده ۲۶ ثالث دریافت نماید، مراتب را به متقاضی اطلاع داده و برطبق دستورالعمل‌های اداری عمل خواهد کرد.

ماده ۲۷- عدم پرداخت هزینه‌ها

۱-۲۷ هزینه‌ها

از لحاظ شق (الف) بند (۳) ماده ۱۴ معاهده عبارت هزینه‌های مقرر در شق «۴» بند «۴» ماده ۳ معاهده به معنای هزینه ارسال مذکور در ماده ۱۴ آئین‌نامه، هزینه اصلی به عنوان بخشی از هزینه بین‌المللی (شق «۱» بند ۱ ماده ۱۵ آئین‌نامه)، هزینه جستجو (ماده ۱۶ آئین‌نامه) و عنداللزوم هزینه پرداخت با تأخیر (بند ۲ ماده ۱۶ مکرر آئین‌نامه) می‌باشد.

(ب) از لحاظ شق (الف) و (ب) بند (۳) ماده ۱۴ معاهده «عبارت هزینه‌های مقرر در بند (۲) ماده ۴ معاهده» به معنای هزینه

تعیین به عنوان بخشی از هزینه بین‌المللی (شق «۲» بند ۱ ماده ۱۵ آئین‌نامه) و عنداللزوم هزینه پرداخت با تأخیر (بند ۲ ماده ۱۶ مکرر آئین‌نامه) می‌باشد.

ماده ۲۸- تذکر نقایص بوسیله دفترین‌المللی

۱- ۲۸ تذکر درباره برخی نقایص

(الف) اگر بنظر دفتر بین‌المللی، اظهارنامه بین‌المللی حاوی هریک از نقایص مذکور در جزء «۱»، «۲»، «۳»، یا «۵»، شق (الف) بند (۱) ماده ۱۴ معاهده باشد، این دفتر توجه اداره دریافت‌کننده را به نقایص جلب خواهد نمود.

(ب) اداره دریافت‌کننده طبق شق (ب) بند (۱) ماده ۱۴ معاهده و ماده ۲۶ آئین‌نامه عمل خواهد نمود مگر اینکه با نظر فوق موافق نباشد.

ماده ۲۹- اظهارنامه‌های بین‌المللی یا تعیین‌هائی که مسترد تلقی می‌شوند.

۱- ۲۹ احراز توسط اداره دریافت‌کننده

(الف) اگر اداره دریافت‌کننده برطبق شق (ب) بند (۱) ماده ۱۴ معاهده و بند ۵ ماده ۲۶ آئین‌نامه (عدم تصحیح برخی نقایص) یا شق (الف) بند (۳) ماده ۱۴ معاهده (عدم پرداخت هزینه‌های مقرر به موجب شق (الف) بند ۱ ماده ۲۷ آئین‌نامه) یا بند (۴) ماده ۱۴ معاهده (احراز بعدی عدم رعایت الزامات مندرج در شق‌های «۱» تا «۳» بند (۱) ماده ۱۱ معاهده یا شق (د) بند ۳ ماده ۱۲ آئین‌نامه (عدم ارائه ترجمه لازم یا عندالاقضاء عدم پرداخت هزینه ارائه با تأخیر)، یا جزء «۱» شق (ز) بند ۴ ماده ۹۲ آئین‌نامه (عدم ارائه اصل یک سند) اعلام نماید که اظهارنامه بین‌المللی مسترد شده تلقی می‌گردد، در آن صورت:

«۱» اداره دریافت‌کننده (نسخه بایگانی) در صورت عدم ارسال قبلی و هر تصحیح پیشنهادی توسط متقاضی را به دفترین‌المللی ارسال خواهد نمود؛

«۲» اداره دریافت‌کننده فوراً متقاضی و دفترین‌المللی را از اعلامیه فوق مطلع نموده و دفترین‌المللی نیز به نوبه خود مراتب را به هر اداره تعیین شده که قبلاً از تعیین خود مطلع شده است، اطلاع خواهد داد؛

«۳» اداره دریافت‌کننده، نسخه جستجو را طبق ماده ۲۳ آئین‌نامه ارسال نخواهد نمود یا اگر این نسخه قبلاً ارسال شده باشد اداره مزبور اعلام مذکور را به مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی اطلاع خواهد داد؛

«۴» دفترین‌المللی ملزم نخواهد بود که مراتب وصول نسخه بایگانی را به متقاضی اعلام نماید.

(ب) اگر اداره دریافت‌کننده طبق شق (ب) بند(۳) ماده ۱۴ معاهده، (عدم پرداخت هزینه تعیین بر طبق شق (ب) بند ۱ ماده ۲۷ آئین‌نامه) اعلام نماید که تعیین کشور خاصی مسترد تلقی گردیده، اداره دریافت‌کننده فوراً متقاضی و دفتر بین‌المللی را از اعلام مذکور مطلع خواهد نمود. دفتر بین‌المللی به نوبه خود مراتب را به هر اداره تعیین شده که قبلاً از تعیین خود مطلع شده باشد اطلاع خواهد داد.

۲۹-۲ [حذف شده است].

۲۹-۳ جلب توجه اداره دریافت‌کننده به برخی حقایق

اگر دفتر بین‌المللی یا مرجع جستجوی بین‌المللی تشخیص دهند که اداره دریافت‌کننده باید برطبق بند(۴) ماده ۱۴ معاهده اعلام تصمیم نماید، توجه اداره دریافت‌کننده را به حقایق مربوطه جلب خواهند نمود.

۲۹-۴ اعلام نیت دایره صدور اعلامیه برطبق بند(۴) ماده ۱۴ معاهده

قبل از اینکه اداره دریافت‌کننده مبادرت به صدور اعلامیه برطبق بند(۴) ماده ۱۴ معاهده نماید، متقاضی را از قصد خود برای صدور چنین اعلامیه‌ای، با ذکر دلایل مربوطه مطلع خواهند نمود. متقاضی می‌تواند چنانچه با اعلام‌نظر غیرقطعی اداره دریافت‌کننده مخالف باشد، دلایل عدم موافقت خود را ظرف مدت یکماه از تاریخ اطلاع تسلیم نماید.

ماده ۳۰- مهلت مقرر بر طبق بند(۴) ماده ۱۴ معاهده

۳۰-۱ مهلت

مهلت مذکور در بند(۴) ماده ۱۴ معاهده، چهارماه از تاریخ تسلیم بین‌المللی خواهد بود.

ماده ۳۱- نسخ لازم بر طبق ماده ۱۳ معاهده

۳۱-۱ تقاضا برای نسخ

الف) تقاضاها بر طبق بند (۱) ماده ۱۳ معاهده، می‌تواند مربوط به تمام اظهارنامه‌های بین‌المللی، برخی از انواع آنها یا اظهارنامه‌های بین‌المللی منفردی باشد که در آن‌ها اداره ملی، که تقاضا را به عمل می‌آورد، تعیین شده باشد. تقاضاها برای تمام یا برخی انواع این اظهارنامه‌های بین‌المللی بایستی همه ساله از طریق اطلاعیه‌ای از طرف آن اداره خطاب به دفتر بین‌المللی، قبل از ۳۰ نوامبر سال قبل از آن، تمدید شوند.

(ب) تقاضاها بر طبق شق (ب) بند (۲) ماده ۱۳ معاهده مشروط به پرداخت هزینه تهیه نسخه و پست آن خواهد بود.

۳۱-۲ تهیه نسخ

تهیه نسخ لازم بر طبق ماده ۱۳ معاهده بر عهده دفتر بین‌المللی خواهد بود.

ماده ۳۲- تسری آثار اظهارنامه بین‌المللی به برخی کشورهای جانشین

۳۲-۱ تقاضا برای تسری اظهارنامه بین‌المللی به دولت جانشین

(الف) آثار هر اظهارنامه بین‌المللی که تاریخ تسلیم بین‌المللی آن در مهلت تعیین شده در بند (ب) می‌باشد، به شرط انجام الزامات مقرر در بند (ج) توسط متقاضی، می‌تواند به کشور «کشور جانشین» که قلمرو آن قبل از استقلال آن کشور، بخشی از قلمرو یک کشور متعاقد «کشور سلف» بوده، که پس از استقلال دیگر وجود ندارد، تسری پیدا کند، مشروط بر اینکه کشور جانشین از طریق تودیع یک اعلامیه استمرار اثر، به مدیرکل، مبنی بر اینکه معاهده در کشور جانشین اعمال می‌گردد، بصورت یک کشور متعاقد درآمده باشد.

(ب) مهلت مقرر در بند (الف) از اولین روز پس از آخرین روز موجودیت کشور سلف آغاز و دوماه پس از تاریخی که اعلامیه مذکور در بند (الف) بوسیله مدیرکل به دولت کشورهای عضو کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی اطلاع داده شود، خاتمه می‌یابد. با اینحال هرگاه تاریخ استقلال کشور جانشین زودتر از تاریخ اولین روز پس از آخرین روز موجودیت کشور سلف باشد، کشور جانشین می‌تواند اعلام نماید که مهلت مذکور از تاریخ استقلال آن آغاز می‌گردد؛ چنین اعلامیه‌ای همراه با اعلامیه مقرر در بند (الف) فوق صادر شده و تاریخ استقلال را مشخص خواهد نمود.

(ج) در خصوص هر اظهارنامه بین‌المللی که تاریخ تسلیم آن در مهلت قابل اعمال در بند (ب) است، دفتر بین‌المللی اطلاعیه‌ای را برای متقاضی ارسال و به او اطلاع خواهد داد که می‌تواند تقاضائی را برای تسری آثار، با انجام الزامات زیر، ظرف سه ماه از تاریخ اطلاعیه به عمل آورد:

«۱» تسلیم تقاضا به دفتر بین‌المللی دایر به تسری آثار؛

«۲» پرداخت مبلغی به فرانک سوئیس که با مبلغ هزینه تعیین مقرر در شق (الف) بند ۲ ماده ۱۵ آئین‌نامه به دفتر

بین‌المللی از بابت هزینه تسری آثار.

(د) این ماده درباره فدراسیون روسیه اعمال نخواهد شد.

۳۲-۲ آثار تسری به کشور جانشین

(الف) هرگاه تقاضای تسری آثار بر طبق بند ۱ ماده ۳۲ این آئین‌نامه به عمل آید،

«۱» کشور جانشین به عنوان کشوری که در اظهارنامه بین‌المللی تعیین شده تلقی خواهد شد، و

«۲» مهلت قابل اعمال در مواد ۲۲ یا بند (۱) ماده ۳۹ معاهده، در مورد آن کشور، تا انقضاء حداقل ۳ ماه از تاریخ تقاضای تسری، تمدید خواهد شد.

(ب) هرگاه در مورد کشور جانشینی که ملزم به رعایت فصل دوم معاهده است، تقاضای تسری پس از انقضاء نوزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم به عمل آمده ولی درخواست زودتر از این تاریخ صورت گرفته باشد و انتخاب بعدی کشور جانشین ظرف سه ماه از تاریخ تقاضای تسری انجام شده باشد، مهلت قابل اعمال به موجب جزء «۲» شق (الف) فوق حداقل ۳۰ ماه پس از تاریخ حق تقدم خواهد بود.

(ج) کشور جانشین می تواند مهلت هائی که دیرتر از مهلت های مقرر در شق «۲» بند (الف) و بند (ب) منقضی می شوند را تعیین نماید. دفتر بین المللی اطلاعات مربوط به اینگونه مهلت ها را در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

ماده ۳۳- سابقه قبلی مربوط در مورد اختراع ادعائی به منظور جستجوی بین المللی

۳۳-۱ سابقه قبلی مربوط در مورد اختراع ادعائی، بمنظور جستجوی بین المللی (الف) از لحاظ بند (۲) ماده ۱۵ معاهده، سابقه قبلی مربوط در مورد اختراع ادعائی، شامل هر چیزی خواهد بود که قبلاً در هر کجا از طریق افشاء کتبی (شامل نقشه ها و سایر ترسیمات) در دسترس عموم قرار داده شده و بتواند بر تصمیم گیری در مورد اینکه آیا اختراع ادعائی جدید است یا جدید نیست و یا شامل گام ابتکاری می باشد یا خیر (مثلاً آشکار یا ناآشکار بودن) کمک نماید، مشروط بر اینکه در اختیار عموم قرار گرفتن آن قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه بین المللی انجام شده باشد.

(ب) در مواردی که هرگونه افشاء کتبی، ارجاع به افشاء شفاهی، استفاده، نمایش یا هر وسیله دیگری داشته باشد که از آن طریق محتویات افشاء کتبی در اختیار عموم قرار گرفته و اینگونه در اختیار عموم قرار دادن، در تاریخی قبل از تسلیم اظهارنامه بین المللی صورت گرفته شده باشد، گزارش جستجوی بین المللی بطور مستقل این مطلب و همچنین تاریخ وقوع آن را منعکس خواهند نمود، مشروط بر اینکه در اختیار عموم قرار دادن افشاء کتبی، در تاریخی که همان تاریخ تسلیم بین المللی است یا پس از آن صورت گرفته باشد.

(ج) هر اظهارنامه بین المللی منتشر شده، یا هر اختراعی که تاریخ انتشار آن همان تاریخ و یا دیرتر از تاریخ تسلیم باشد ولیکن تاریخ تسلیم آن و یا عندالاقضاء تاریخ تسلیم حق تقدم ادعائی آن زودتر از تاریخ تسلیم بین المللی اظهارنامه بین المللی که مورد جستجو واقع شده باشد و از لحاظ بند (۲) ماده ۱۵ معاهده، سابقه اختراع ادعائی را تشکیل دهد، در صورتیکه قبل از

تاریخ تسلیم بین‌المللی منتشر شده‌باشد، به طور اخص در گزارش جستجوی بین‌المللی ذکر خواهدشد.

۳۳-۲ زمینه‌های تحت پوشش در جستجوی بین‌المللی

(الف) جستجوی بین‌المللی شامل تمام زمینه‌های فنی در برگیرنده مواد مربوط به اختراع بوده و بر مبنای پرونده‌های جستجوی این زمینه‌ها انجام خواهدشد.

(ب) در نتیجه نه تنها سابقه اختراع که در آن اختراع قابل طبقه‌بندی است، مورد جستجو قرار می‌گیرد، بلکه جستجو شامل سوابق مشابه صرفنظر از اینکه کجا طبقه‌بندی شده می‌گردد.

(ج) این موضوع که در هر مورد خاص، کدام سوابق اختراع باید شبیه و همانند تلقی شوند، با توجه به آنچه که به نظر می‌رسد کارکرد اصلی یا موارد استفاده از اختراع باشد، و نه تنها کارکردهای خاص آن اختراع که صراحتاً در اظهارنامه بین‌المللی به آن اشاره شده‌است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(د) جستجوی بین‌المللی تمام موضوعاتی که برای کلیه یا برخی ویژگی‌های خاص اختراع ادعایی، عموماً به عنوان معادل با موضوع اختراع ادعائی مزبور شناخته می‌شوند را در برخواهد گرفت، حتی اگر با جزئیات خود اختراع به نحو توصیف‌شده در اظهارنامه بین‌المللی متفاوت باشد.

۳۳-۳ جهت گیری جستجوی بین‌المللی

(الف) جستجوی بین‌المللی براساس ادعاها و با توجه مقتضی به توصیف و نقشه‌ها (در صورت وجود) و با تأکید خاص بر مفهوم نوآوری که ادعاها به آن مربوط می‌شود انجام خواهدشد.

(ب) تا آنجا که امکان داشته و معقول باشد، جستجوی بین‌المللی تمام موضوعی که ادعاها به آن مربوط می‌شود، یا کل موضوعی که پس از اصلاح قاعدتاً انتظار می‌رود باید به آن مربوط شود را شامل خواهدبود.

ماده ۳۴- حد اقل اسناد

۳۴-۱ تعریف

(الف) تعریف مندرج در بند «۱» و «۲» ماده ۲ معاهده درباره این ماده قابل اعمال نخواهدبود.

(ب) اسناد مذکور در بند (۴) ماده ۱۵ معاهده (حد اقل اسناد)، شامل موارد زیر خواهدبود:

«۱» «اسناد ورقه اختراع ملی» به نحو مقرر در شق (ج) این ماده،

«۲» اظهارنامه‌های بین‌المللی منتشره در چهارچوب این معاهده، اظهارنامه‌های منطقه‌ای منتشره برای اختراعات و

گواهی‌های مخترعین و همچنین اختراعات منطقه‌ای و گواهی‌های مخترعین منطقه‌ای منتشره،

«۳» دفتر بین‌المللی فهرست اولیه موارد منتشره مربوط به مطالب غیر مرتبط با اختراع که مراجع جستجوی بین‌المللی،

در مورد آنها به توافق برسند و تغییرات بعدی آن را انتشار خواهدداد.

(ج) با رعایت شقوق (د) و (ه) « اسناد ورقه اختراع ملی» به شرح زیر خواهندبود:

«۱» ورقه‌های اختراع صادره در و بعد از سال ۱۹۲۰ توسط فرانسه، اداره ثبت اختراع سابق آلمان، ژاپن، اتحاد شوروی

سابق، سوئیس (فقط به زبان‌های فرانسه و آلمانی) انگلستان و ایالات متحده آمریکا،

«۲» ورقه‌های اختراع صادره توسط جمهوری فدرال آلمان و فدراسیون روسیه،

«۳» اظهارنامه‌های اختراع انتشار یافته در و بعد از سال ۱۹۲۰ در کشورهای مندرج در جزءهای «۱» و «۲» فوق در

صورت وجود،

«۴» گواهینامه‌های مخترعین صادره به وسیله اتحاد شوروی سابق،

«۵» گواهینامه‌های ثبت اختراع اشیاء مصرفی صادره توسط فرانسه و اظهارنامه‌های گواهی‌های اختراع اشیاء مصرفی

انتشار یافته توسط این دولت،

«۶» ورقه‌های اختراع و همچنین آن اظهارنامه‌های اختراعی که در هر کشور دیگری پس از سال ۱۹۲۰ صادر شده‌اند و

به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی یا اسپانیایی هستند و در آن کشورها حق تقدم ادعا نشده‌است، مشروط براینکه اداره ملی

کشور ذینفع، این اسناد را مرتب کرده و آنها را در اختیار هر مرجع جستجوی بین‌المللی قراردهد.

(د) هرگاه اظهارنامه‌ای یک بار مجدداً انتشار یابد نظیر

(AS AN AUSLEGESCHRIFT FOR EXAMPLE, AN OFFENLEGUNGSSCHRIFT)

و به عنوان یک یا بیش از یکبار مجدداً منتشر شود، هیچ مرجع جستجوی بین‌المللی مکلف نخواهدبود کلیه متون اسناد

را نگهداری کند؛ در نتیجه هر یک از مرجع جستجوی بین‌المللی مجاز نخواهدبود که بیش از یک نسخه نگهداری نماید.

بعلاوه، هرگاه اظهارنامه‌ای به شکل ورقه اختراع یا گواهی‌نامه ثبت اختراع اشیاء مصرفی (فرانسه) صادر شود، هیچ مرجع

جستجوی بین‌المللی، مکلف نخواهدبود، هم اظهارنامه و هم ورقه اختراع یا گواهی‌نامه ثبت اختراع اشیاء مصرفی (فرانسه) را در

اسناد خود نگهداری کند. در نتیجه چنین مرجعی مجاز خواهدبود که یا فقط اظهارنامه و یا فقط گواهی ورقه اختراع یا

گواهی‌نامه ثبت اختراع اشیاء مصرفی (فرانسه) را نگهداری کند.

(ه) هر مرجع جستجوی بین‌المللی که زبان رسمی آن، یا یکی از زبان‌های رسمی آن، ژاپنی، روسی یا اسپانیایی نباشد،

مجاز است آن دسته از اسناد اختراعات ژاپن، فدراسیون روسیه و اتحاد شوروی سابق و همچنین آن اسنادی که به زبان اسپانیائی هستند و خلاصه آن‌ها به زبان انگلیسی عموماً در دسترس نیست را، بسته به مورد، در اسناد خود نگهداری ننماید. خلاصه‌ها به زبان انگلیسی که عموماً پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این آئین‌نامه در دسترس قرار می‌گیرند، باید در اسناد اختراعی، که خلاصه به آن مرتبط است، قبل از انقضاء ۶ ماه از تاریخی که عموماً در دسترس قرار می‌گیرند، گنجانده شوند. در صورتی که خدمات خلاصه‌کردن به زبان انگلیسی در، زمینه‌های فنی که در آن‌ها خلاصه‌های انگلیسی بصورت عمومی در دسترس قرار می‌گرفته‌اند، مختل شود، مجمع برای از سرگیری فوری خدمات در این زمینه‌ها اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد.

(و) از لحاظ این ماده اظهارنامه‌هایی که فقط برای بررسی عموم در دسترس قرار گرفته، اظهارنامه‌های منتشره تلقی نمی‌شوند.

ماده ۳۵- مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی

۱- ۳۵ در موردی که تنها یک مرجع جستجوی بین‌المللی دارای صلاحیت است.

هر اداره دریافت‌کننده بر طبق مفاد موافقت‌نامه قابل اعمال در شق (ب) بند (۳) ماده (۱۶) معاهده، به دفتر بین‌المللی اطلاع خواهد داد، که کدام مرجع جستجوی بین‌المللی برای جستجو در مورد اظهارنامه بین‌المللی که به آن اداره تسلیم شده‌است، دارای صلاحیت است و دفتر بین‌المللی این اطلاعات را فوراً منتشر خواهند نمود.

۲- ۳۵ در موردی که چند مرجع جستجوی بین‌المللی دارای صلاحیت باشند:

(الف) هر اداره دریافت‌کننده، می‌تواند بر طبق موافقت‌نامه قابل اعمال مندرج در شق (ب) بند (۳) ماده ۱۶ معاهده، مراجع جستجوی بین‌المللی متعدد را به ترتیب زیر تعیین نماید:

«۱» با اعلام اینکه کلیه مراجع مذکور برای جستجو در مورد اظهارنامه بین‌المللی که به آن اداره تسلیم شده‌است، دارای صلاحیت هستند و حق انتخاب را به متقاضی محول نماید، یا

«۲» با اعلام یک یا چند مرجع بعنوان مرجعی که برای جستجو در مورد انواع خاص اظهارنامه‌هایی که به آن اداره تسلیم شده صلاحیت دارند و اعلام یک یا چند مرجع دیگر که برای جستجو در مورد انواع دیگر اظهارنامه‌هایی که به آن اداره تسلیم شده‌اند صلاحیت دارند، مشروط براینکه در مورد آن دسته از اظهارنامه‌های بین‌المللی که مراجع جستجوی بین‌المللی متعدد به

عنوان مراجع صلاحیتدار اعلام شده‌اند، حق انتخاب به متقاضی واگذار شده‌باشد.

(ب) هر اداره دریافت‌کننده که دارای خصوصیات مقرر در بند (الف) این ماده باشد، مراتب تعیین مرجع جستجوی بین‌المللی را فوراً به دفتر بین‌المللی اطلاع خواهدداد و دفتر بین‌المللی نیز فوراً اطلاعات مذکور را منتشر خواهدنمود.

۳- ۳۵ در مواردی که دفتر بین‌المللی طبق جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه اداره دریافت‌کننده‌است.

(الف) هرگاه طبق جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه اظهارنامه بین‌المللی به دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده تسلیم شود، مرجعی صلاحیت جستجوی بین‌المللی آن اظهارنامه را خواهدداشت که صلاحیت جستجوی اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی به اداره دریافت‌کننده ذیصلاح به موجب جزء «۱» یا «۲» شق (الف) بند ۱، شق (ب) یا شق (ج) ماده ۱۹ آئین‌نامه یا شق (۱) بند ۲ ماده ۱۹ آئین‌نامه را داشته‌باشد.

(ب) هرگاه دو یا چند مرجع جستجوی بین‌المللی طبق بند (الف) این ماده صلاحیت داشته‌باشند حق انتخاب به متقاضی واگذار خواهدشد.

(ج) بند ۲۰۱ ماده ۳۵ آئین‌نامه در مورد دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده بر طبق جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه قابل اعمال نخواهدبود.

ماده ۳۶- الزامات حداقل، برای مراجع جستجوی بین‌المللی

۳۶-۱ تعریف الزامات حداقل

حداقل الزامات مندرج در شق (ج) بند ۳ ماده ۱۶ معاهده به قرار زیر خواهدبود:

«۱» اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی باید حداقل دارای ۱۰۰ کارمند تمام وقت باشد که شرایط فنی کافی را برای انجام جستجو داشته‌باشند؛

«۲» آن اداره یا سازمان باید حداقل اسناد مندرج در ماده ۳۴ آئین‌نامه را که به نحو مناسب برای اهداف جستجو روی کاغذ، میکروفیلم مرتب شده یا بر روی رسانه‌های الکترونیکی ذخیره شده‌اند را دارا باشد، یا به آن‌ها دسترسی داشته‌باشد؛

«۳» آن سازمان یا اداره باید کارکنانی داشته‌باشد که بتوانند در زمینه‌های فنی لازم جستجو را انجام داده و دارای تسهیلات زبانی دست کم برای درک زبان‌هایی که اسناد حداقل مندرج در ماده ۳۴ این آئین‌نامه به آن زبان‌ها نوشته یا ترجمه شده‌اند، باشند.

ماده ۳۷- فقدان عنوان یا عنوان ناقص

۳۷-۱ فقدان عنوان

اگر اظهارنامه بین‌المللی فاقد عنوان باشد و اداره دریافت کننده به مرجع جستجوی بین‌المللی اعلام کرده‌باشد که از متقاضی دعوت نموده‌است تا نقص مذکور را تصحیح نماید، مرجع جستجوی بین‌المللی، نسبت به انجام جستجوی بین‌المللی اقدام خواهد کرد، مگر و تا زمانیکه مرجع مذکور اطلاعیه‌ای مبنی بر اینکه اظهارنامه بین‌المللی مسترد تلقی می‌گردد را دریافت نماید.

۳۷-۲ تعیین عنوان

اگر اظهارنامه بین‌المللی فاقد عنوان باشد و مرجع جستجوی بین‌المللی از اداره دریافت کننده، اطلاعیه‌ای را مبنی بر اینکه از متقاضی دعوت شده تا عنوانی را تسلیم نماید، دریافت نموده‌باشد، یا اگر مرجع مذکور تشخیص دهد که عنوان ارائه شده منطبق بر بند ۳ ماده ۴ آئین‌نامه نمی‌باشد، خود عنوانی را معین خواهد نمود. این عنوان به زبانی تعیین خواهد شد که اظهارنامه بین‌المللی باید به آن زبان انتشار یابد، یا اگر طبق شق (ب) بند ۱ ماده ۲۳ آئین‌نامه ترجمه‌ای به زبان دیگر ارسال شده و مرجع جستجوی بین‌المللی نیز با آن موافق باشد، عنوان به زبان ترجمه تعیین خواهد شد.

ماده ۳۸- فقدان یا ناقص بودن خلاصه

۳۸-۱ فقدان خلاصه

اگر اظهارنامه بین‌المللی حاوی خلاصه نباشد و اداره دریافت‌کننده به مرجع جستجوی بین‌المللی اطلاع داده باشد که از متقاضی دعوت نموده‌است که چنین نقصی را رفع نماید، مرجع جستجوی بین‌المللی، نسبت به جستجوی بین‌المللی اقدام خواهند نمود، مگر و تا زمانی که اطلاعیه‌ای دایر بر اینکه اظهارنامه مزبور مسترد تلقی شده‌است را دریافت نماید.

۳۸-۲ تهیه خلاصه

(الف) اگر اظهارنامه بین‌المللی حاوی خلاصه‌ای نباشد و مرجع جستجوی بین‌المللی اطلاعیه‌ای را از اداره دریافت‌کننده دایر بر اینکه از متقاضی دعوت شده‌است که خلاصه‌ای را ارائه نماید دریافت نموده‌باشد یا اگر مرجع مذکور تشخیص دهد که خلاصه منطبق با ماده ۸ آئین‌نامه نمی‌باشد، آن اداره رأساً خلاصه‌ای را تهیه خواهند نمود. چنین خلاصه‌ای به زبانی تهیه خواهد شد که به آن زبان اظهارنامه بین‌المللی باید انتشار یابد، یا اگر ترجمه‌ای به زبان دیگر بر طبق شق (ب) بند ۱ ماده ۲۳ ارسال شده‌باشد و مرجع جستجوی بین‌المللی بخواهد به زبان ترجمه مزبور خواهد بود،

(ب) متقاضی می‌تواند ظرف مدت یکماه از تاریخ پست گزارش جستجوی بین‌المللی، نقطه نظرات را درباره خلاصه تهیه

شده بوسیله مرجع جستجوی بین‌المللی تسلیم نماید. هرگاه آن مرجع خلاصه تهیه شده بوسیله خود را اصلاح نماید، اصلاحیه را به دفتر بین‌المللی اطلاع خواهدداد.

ماده ۳۹- موضوع جزء «۱» شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده

۱- ۳۹ تعریف

اگر موضوع اظهارنامه بین‌المللی و تا آنجا که به آن مربوط می‌شود شامل هر یک از موارد زیر باشد، هیچ مرجع جستجوی بین‌المللی موظف نخواهدبود نسبت به جستجوی آن اقدام نماید:

«۱» نظریه‌های علمی و ریاضی،

«۲» گونه‌های مختلف گیاهی یا حیوانی یا فرآورده‌های اساساً بیولوژیکی برای تولید حیوانات یا گیاهان به غیر از فرآورده‌های میکروبیولوژیکی و محصولات این نوع فرآورده‌ها،

«۳» طرح‌ها، قواعد یا روش‌های انجام کسب و کار، انجام عملیات فکری محض یا بازی‌های مختلف،

«۴» روش‌های معالجه بدن انسان یا حیوان از طریق درمان یا جراحی و همچنین روش‌های تشخیص طبی،

«۵» ارائه محض اطلاعات،

«۶» برنامه‌های رایانه‌ای تا حدودی که مرجع جستجوی بین‌المللی، تجهیزات لازم برای جستجو سابقه قبلی مربوط به این برنامه‌ها را در اختیار نداشته‌باشد.

ماده ۴۰- عدم رعایت الزام مربوط به وحدت اختراع (جستجوی بین‌المللی)

۱- ۴۰ دعوت به پرداخت

در دعوتنامه مربوط به پرداخت هزینه اضافی مقرر در شق (الف) بند (۳) ماده ۱۷ معاهده، دلایل مربوط به عدم رعایت الزام مربوط به وحدت اختراع در اظهارنامه بین‌المللی ذکر و مبلغی که باید پرداخت گردد، مشخص خواهدشد.

۲- ۴۰ هزینه‌های اضافی

(الف) مبلغ هزینه‌های اضافی برای جستجو بر طبق شق (الف) بند (۳) ماده ۱۷ معاهده توسط مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی تعیین خواهدشد.

(ب) هزینه اضافی برای جستجو بر طبق شق (الف) بند (۳) ماده ۱۷ معاهده مستقیماً به مرجع جستجوی بین‌المللی

پرداخت خواهد شد.

(ج) هر متقاضی می‌تواند، هزینه اضافی را علیرغم اینکه به آن معترض است پرداخت نماید، به این معنی که همراه با عمل پرداخت، اظهاریه مستدلی را دایر بر اینکه در اظهارنامه بین‌المللی، الزام وحدت اختراع رعایت شده، یا مبلغ هزینه اضافی درخواستی بیش از حد زیاد است، را ارائه دهد. اعتراض مذکور بوسیله هیأت سه نفره یا جلسه خاص دیگری از مرجع جستجوی بین‌المللی یا هر مرجع صلاحیتدار عالیتر، رسیدگی خواهد شد و تا آنجا که اعتراض وارد تشخیص داده شود، دستور استرداد کل یا بخشی از هزینه اضافی پرداختی به متقاضی را صادر خواهند نمود. بنا به تقاضای متقاضی متن اعتراض و تصمیم متخذه در قبال آن، همراه با گزارش جستجوی بین‌المللی به ادارات تعیین شده اطلاع داده خواهد شد. متقاضی نیز ترجمه‌ای از آن را به همراه ترجمه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی طبق ماده ۲۲ معاهده تسلیم خواهند نمود.

(د) هیچکدام از اشخاصی که تصمیم آنان مورد اعتراض قرار گرفته، نباید در هیأت سه نفره، جلسه خاص مرجع جستجوی بین‌المللی یا مرجع صلاحیتدار عالی‌تر مذکور در شق (ج) این ماده عضویت داشته باشند.

(ه) هرگاه متقاضی طبق شق (ج) این ماده هزینه اضافی را علیرغم اینکه به آن معترض است پرداخت کرده باشد، مرجع جستجوی بین‌المللی پس از بررسی اولیه توجیهات مربوط به دعوت برای پرداخت هزینه اضافی، می‌تواند از متقاضی بخواهد که هزینه‌ای را برای رسیدگی به اعتراض پرداخت (هزینه اعتراض) پرداخت نماید. هزینه اعتراض باید ظرف یک ماه پس از اینکه نتیجه بررسی به متقاضی اطلاع داده شد، پرداخت شود. اگر هزینه اعتراض به نحو فوق پرداخت نشود، اعتراض مسترد شده تلقی خواهد شد. در صورتی که هیأت سه نفره، جلسه خاص مرجع جستجوی بین‌المللی یا مرجع صلاحیتدار عالیتر مذکور در شق (ج) این بند، تشخیص دهد که اعتراض کاملاً وارد است هزینه اعتراض به متقاضی مسترد خواهد شد.

۴۰-۳ مهلت

مهلت مقرر در شق (الف) بند (۳) ماده ۱۷ معاهده، در هر مورد طبق شرایط و مقتضیات آن مورد، توسط مرجع جستجوی بین‌المللی تعیین خواهد شد؛

برحسب اینکه نشانی متقاضی در همان کشور یا کشوری متفاوت از محل استقرار مرجع جستجوی بین‌المللی باشد، مهلت مذکور به ترتیب کمتر از ۱۵ تا ۳۰ روز و بیش از ۴۵ روز از تاریخ دعوت نخواهد بود.

ماده ۴۱- جستجوی قبلی به غیر از جستجوی بین‌المللی

۴۱-۱ تعهد با استفاده از نتایج؛ استرداد هزینه

اگر در تقاضا به شکل مقرر در بند ۱۱ ماده ۴ آئین نامه به یک جستجو از نوع جستجوی بین المللی انجام شده بر طبق شرایط مقرر در بند (۵) ماده ۱۵ معاهده یا جستجوی غیر از جستجوی بین المللی یا جستجوی از نوع جستجوی بین المللی اشاره شده باشد، مرجع جستجوی بین المللی، حتی الامکان از نتایج آن جستجو در تهیه گزارش جستجوی بین المللی، درباره اظهارنامه بین المللی استفاده خواهند نمود. اگر کل یا بخشی از گزارش جستجوی بین المللی براساس گزارش مذکور تهیه شده باشد، مرجع جستجوی بین المللی در حدود و شرایط مقرر در موافقت نامه مذکور در شق (ب) بند (۳) ماده ۱۶ معاهده، یا مکاتبات خطاب به دفتر بین المللی و منتشر شده در روزنامه رسمی توسط آن دفتر، هزینه جستجو را مسترد خواهند نمود.

ماده ۴۲- مهلت جستجوی بین المللی

۴۲-۱ مهلت جستجوی بین المللی

مهلت تهیه گزارش جستجوی بین المللی یا اعلامیه مندرج در شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده، سه ماه از تاریخ دریافت نسخه جستجو توسط مرجع جستجوی بین المللی، یا ۹ ماه از تاریخ حق تقدم هر کدام که دیرتر منقضی شود، خواهد بود.

ماده ۴۳- گزارش جستجوی بین المللی

۴۳-۱ مشخصات

در گزارش جستجوی بین المللی، مرجع جستجوی بین المللی تهیه کننده گزارش مذکور با ذکر نام آن مرجع و همچنین اظهارنامه بین المللی با ذکر شماره اظهارنامه بین المللی، نام متقاضی و تاریخ تسلیم اظهارنامه بین المللی مشخص خواهد شد.

۴۳-۲ تاریخ ها

گزارش جستجوی بین المللی دارای تاریخ بوده و همچنین تاریخ خاتمه واقعی جستجوی بین المللی را منعکس خواهند نمود. این گزارش همچنین تاریخ تسلیم هر اظهارنامه قبلی که حق تقدم آن ادعا شده و اگر حق تقدم بیش از یک اظهارنامه قبلی ادعا شده باشد، تاریخ تسلیم مقدم ترین آنها را منعکس خواهد کرد.

۴۳-۳ طبقه بندی

(الف) گزارش جستجوی بین المللی حاوی طبقه بندی موضوع اختراع، حداقل بر طبق طبقه بندی بین المللی اختراعات خواهد بود.

(ب) این طبقه بندی توسط مرجع جستجوی بین المللی اعمال خواهد شد.

هر گزارش جستجوی بین‌المللی و هر نوع اعلامیه صادره بر طبق شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده به زبانی خواهد بود که اظهارنامه بین‌المللی مربوط به آن باید به آن زبان انتشار یابد، یا اگر ترجمه‌ای به زبان دیگر طبق شق (ب) بند (۱) ماده ۲۳ آئین‌نامه ارسال شده باشد، در صورت موافقت مرجع جستجوی بین‌المللی، به زبان ترجمه مذکور.

۵-۴۳ نقل قول‌ها

(الف) گزارش جستجوی بین‌المللی حاوی نقل و قول‌هایی از اسناد خواهد بود که مرتبط تشخیص داده شده باشند.

(ب) روش شناسایی هر سندی که نقل شده در دستورالعمل‌های اداری تعیین خواهد شد.

(ج) نقل قول‌هایی که ذکر آنها اهمیت خاصی دارند به نحو ویژه‌ای مشخص خواهند شد.

(د) نقل قول‌هایی که به همه ادعا مرتبط نیستند، در ارتباط با ادعا یا ادعاهایی که به آنها مربوط می‌شوند، ذکر خواهند شد.

(ه) اگر تنها بخش‌های خاصی از اسناد نقل شده، دارای اهمیت باشند یا اختصاصاً دارای اهمیت باشند، آنها مشخص خواهند شد. مثلاً از طریق ذکر صفحه، ستون یا سطرهایی که متن در آن آمده است. اگر کل سند مهم باشد ولی برخی از عبارات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشند، این عبارات مشخص خواهند شد. مگر اینکه اینکار عملی نباشد.

۶-۴۳ زمینه‌های مورد جستجو

(الف) گزارش جستجوی بین‌المللی مشخصات طبقات زمینه‌های مورد جستجو را در فهرستی منعکس خواهد نمود. اگر مشخصات مذکور براساس طبقه‌بندی از غیرطبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات باشند، مرجع جستجوی بین‌المللی، طبقه‌بندی مورد استفاده را منتشر خواهد کرد.

(ب) اگر جستجوی بین‌المللی، به گواهی ثبت اختراعات، گواهی نامه‌های مخترعین، گواهینامه‌های اختراع اشیاء مصرفی، گواهینامه‌های مدل‌های اشیاء مصرفی، ورقه اختراع تکمیلی یا گواهینامه‌های تکمیل اختراع مخترعین، گواهینامه‌های تکمیل اشیاء مصرفی یا اظهارنامه‌های انتشار یافته برای هر نوع از انواع حمایت، کشورها، مهلت‌ها یا زبان‌هایی که در حداقل اسناد تعیین شده به نحو مذکور در ماده (۳۴) آئین‌نامه ذکر نشده‌اند، تسری یابد، گزارش جستجوی بین‌المللی، در صورت عملی بودن، نوع اسناد، کشورها، مهلت‌ها و زبان‌هایی که جستجو به آنها تسری یافته را منعکس خواهد نمود. از لحاظ این شق بند «۲» ماده ۲ معاهده قابل اعمال نخواهد بود.

(ج) اگر جستجوی بین‌المللی براساس پایگاه الکترونیکی بوده و یا به هر نوع پایگاه داده‌های الکترونیکی تسری داده شود،

گزارش جستجوی بین‌المللی می‌تواند نام آن پایگاه داده‌ها را ذکر نماید و برای مواردی که برای دیگران مفید تشخیص داده شود و عملی باشد شرایطی که جستجو تحت آن به عمل آمده را منعکس خواهند نمود.

۴۳-۷ ملاحظات مربوط به وحدت اختراع

اگر متقاضی هزینه اضافی برای جستجوی بین‌المللی را پرداخت کرده‌باشد این مطلب در گزارش جستجوی بین‌المللی ذکر خواهد شد. به علاوه، هرگاه جستجوی بین‌المللی فقط در مورد اختراع اصلی انجام شده‌باشد یا در مورد کلیه اختراعات انجام نشده‌باشد (شق (الف) بند (۳) ماده ۱۷ معاهده)، گزارش جستجوی بین‌المللی مشخص خواهند نمود که چه بخش‌هایی از اظهارنامه بین‌المللی جستجو شده و چه بخش‌هایی مورد جستجو قرار نگرفته‌اند.

۴۳-۸ شخص مجاز

در گزارش جستجوی بین‌المللی نام شخص مسئول گزارش در مرجع جستجوی بین‌المللی ذکر خواهد شد.

۴۳-۹ موضوع اضافی

گزارش جستجوی بین‌المللی، هیچ مطلبی جزء موارد مشخص شده در شق (ب) و شق (ج) بند ۱ ماده ۳۳ و بند ۱ تا بند ۳ ماده ۴۳ و بند ۵ تا بند ۸ ماده ۴۳ و بند ۲ ماده ۴۴ آئین‌نامه و مطالب مندرج در شق (ب) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده نخواهد بود با این قید که دستورالعمل‌های اداری می‌توانند درج هر مطلب اضافی دیگر مشخص شده در دستورالعمل‌های اداری را در گزارش جستجوی بین‌المللی اجازه دهند. گزارش جستجوی بین‌المللی حاوی ابزار عقیده، استدلال و دلایل یا توضیحات نخواهد بود و دستورالعمل‌های اداری نیز درج این موارد را اجازه نخواهد داد.

۴۳-۱۰ فرم

الزامات مربوط به شکل و ضمایم در مورد فرم گزارش جستجوی بین‌المللی در دستورالعمل‌های اداری تعیین خواهند شد.

ماده ۴۴- ارسال گزارش جستجوی بین‌المللی و غیره

۴۴-۱ نسخه‌های گزارش یا اعلامیه

مرجع جستجوی بین‌المللی، هم زمان نسخه‌ای از گزارش جستجوی بین‌المللی یا اعلامیه مقرر در شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده را به دفتر بین‌المللی و نسخه‌ای از آن را برای متقاضی ارسال خواهند نمود.

۴۴-۲ عنوان یا خلاصه

گزارش جستجوی بین‌المللی یا اعلام خواهند نمود که عنوان و خلاصه، به نحو ارسالی توسط متقاضی، مورد تأیید مرجع

جستجوی بین‌المللی است، یا متن عنوان و/یا خلاصه‌ای که مرجع جستجوی بین‌المللی طبق مواد ۳۷ و ۳۸ آئین‌نامه تهیه نموده همراه گزارش مذکور است.

۴۴-۳ نسخه‌های اسناد نقل شده

(الف) تقاضای مذکور در بند (۳) ماده ۲۰ معاهده می‌تواند در هر زمان طی هفت سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه بین‌المللی که گزارش جستجوی بین‌المللی به آن مربوط می‌شود تسلیم گردد.

(ب) مرجع جستجوی بین‌المللی می‌تواند درخواست نماید که طرفی که (متقاضی یا اداره تعیین‌شده) تقاضا را تسلیم نموده، هزینه تهیه نسخ و پست آنها را به آن مرجع پرداخت کند. مبلغ هزینه مربوط به تهیه نسخه‌ها بر طبق موافقت‌نامه‌های موضوع شق (ب) بند (۳) ماده ۱۶ معاهده منعقد میان مراجع جستجوی بین‌المللی و دفتر بین‌المللی، تعیین خواهد شد. (ج) [حذف شده است].

(د) هر مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی می‌تواند وظایف مذکور در شقوق (الف) و (ب) فوق را از طریق کارگزار دیگری که در قبال این مرجع مسئولیت دارد انجام دهد.

ماده ۴۵- ترجمه گزارش جستجوی بین‌المللی

۴۵-۱ زبان‌ها

هرگاه گزارش‌های جستجوی بین‌المللی و اعلامیه‌های مندرج در شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده، به زبان انگلیسی تهیه نشده باشند، به این زبان ترجمه خواهند شد.

ماده ۴۶- اصلاح ادعاها نزد دفتر بین‌المللی

۴۶-۱ مهلت

مهلت مذکور در ماده ۱۹ معاهده دو ماه از تاریخ ارسال گزارش جستجوی بین‌المللی به دفتر بین‌المللی و متقاضی توسط مرجع جستجوی بین‌المللی یا ۱۶ ماه از تاریخ حق تقدم، هر کدام که دیرتر منقضی شود، خواهد بود، با این قید که هرگونه اصلاح بر طبق ماده ۱۹ معاهده را که دفتر بین‌المللی پس از انقضاء مهلت قابل اعمال و قبل از تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین‌المللی وصول کرده باشد، چنین تلقی شود که اصلاحات مذکور در آخرین روز مهلت توسط آن دفتر دریافت شده‌اند.

۴۶-۲ محل تسلیم

اصلاحات موضوع ماده ۱۹ معاهده مستقیماً تسلیم دفتر بین‌المللی خواهند شد.

اگر اظهارنامه بین‌المللی به زبانی غیر از زبانی که به آن زبان انتشار یافته تسلیم شود، هرگونه اصلاح بر طبق ماده ۱۹ معاهده نیز به زبان انتشار خواهد بود.

۴۶-۴ اظهاریه

(الف) اظهاریه مذکور در بند (۱) ماده ۱۹ معاهده به زبانی خواهد بود که به آن زبان اظهارنامه بین‌المللی انتشار یافته است و اگر به زبان انگلیسی بوده و یا به آن زبان ترجمه شده باشد از ۵۰۰ کلمه تجاوز نخواهد نمود. اظهاریه با یک عنوان و ترجیحاً با استفاده از کلمات « اظهاریه موضوع بند (۱) ماده ۱۹ « معاهده » یا معادل آنها به زبان اظهاریه مشخص خواهد شد.

(ب) اظهاریه شامل هیچ نوع مطالب موهنی درباره گزارش جستجوی بین‌المللی و یا مناسبت داشتن نقل و قول‌های آمده در گزارش نخواهد بود. ارجاع به نقل و قول‌های مرتبط به یک ادعای خاص مندرج در گزارش جستجوی بین‌المللی، فقط در ارتباط با یک اصلاح مربوط به آن ادعا امکان‌پذیر می‌باشد.

۴۶-۵ شکل اصلاحات

از متقاضی خواسته خواهد شد که یک ورقه جایگزین را برای هر ورقه ادعا بواسطه یک اصلاح یا اصلاحات بر طبق ماده ۱۹ معاهده که متفاوت با ورقه اصلی تسلیمی باشد ارائه نماید. در نامه همراه با اوراق جایگزین، توجه نسبت به تفاوت‌های میان اوراق جایگزین و اوراق اولیه جلب خواهد شد. تا آنجا که هر اصلاح منجر به ابطال کل ورقه گردد، اصلاحیه مزبور از طریق یک نامه اعلام خواهد شد.

ماده ۴۷- مکاتبه با ادارات تعیین شده

۴۷-۱ آئین کار

(الف) مکاتبه مذکور در ماده ۲۰ معاهده، توسط دفتر بین‌المللی صورت خواهد گرفت.

(الف مکرر) دفتر بین‌المللی در زمان مکاتبه مقرر در ماده ۲۰ معاهده، مراتب دریافت و تاریخ دریافت نسخه بایگانی و مراتب دریافت و تاریخ دریافت هرگونه سند مقدم را به اطلاع هر اداره تعیین شده خواهد رسانید. این اطلاعیه به هر اداره تعیین شده‌ای که مکاتبه مقرر در ماده ۲۰ معاهده را اسقاط نموده باشد نیز ارسال خواهد شد، مگر اینکه آن اداره تعیین شده، اطلاعیه مربوط به تعیین خود را نیز اسقاط نموده باشد.

(الف ثالث) اطلاعیه موضوع شق (الف مکرر)، شامل هر اعلامیه مذکور در شق «۱» تا «۴» بند ۱۷ ماده ۴ آئین نامه و هرگونه تصحیح به آن بر طبق بند ۱ ماده ۲۶ ثالث آئین نامه، که قبل از انقضاء مهلت مقرر در بند ۱ ماده ۲۶ ثالث به دفتر بین المللی واصل شده باشد، خواهد بود، مشروط بر اینکه اداره تعیین شده به اطلاع دفتر بین المللی رسانده باشد که قانون ملی قابل اعمال، ارائه اسناد یا شواهد راجع به موضوعی که اعلامیه مربوط به آن است را الزامی نموده است.

(ب) این مکاتبه فوراً پس از انتشار بین المللی اظهارنامه بین المللی و به هر حال تا آخر نوزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم، انجام خواهد شد. هر اصلاحیه واصل به دفتر بین المللی ظرف مهلت مقرر در بند ۱ ماده ۴۶ آئین نامه که در مکاتبه ذکر نشده باشد، فوراً توسط دفتر بین المللی به ادارات تعیین شده ارسال خواهد شد و ادارات مذکور مراتب را به متقاضی اطلاع خواهند داد.

(ج) دفتر بین المللی، اطلاعیه ای حاوی ادارات تعیین شده که با آن ها مکاتبه انجام شده و تاریخ این مکاتبه را برای متقاضی ارسال خواهند نمود. این اطلاعیه در همان روزی که مکاتبه انجام می شود ارسال خواهد شد. هر اداره تعیین شده مجزای از مکاتبه از ارسال و تاریخ پست نمودن اطلاعیه مطلع خواهد شد اطلاعیه توسط کلیه ادارات تعیین شده به عنوان دلیل قاطع انجام مکاتبه در تاریخ مشخص شده در اطلاعیه قبول خواهد شد.

(د) هر اداره تعیین شده، در صورتیکه لازم باشد، گزارش های جستجوی بین المللی و اعلامیه های مذکور در شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده و همچنین ترجمه مذکور در بند ۱ ماده ۴۵ آئین نامه را دریافت خواهند نمود.

(ه) هرگاه هر اداره تعیین شده، الزام مقرر در ماده ۲۰ معاهده را اسقاط نموده باشد، نسخ اسناد که در صورت عدم اسقاط الزام مزبور، می بایست به آن اداره ارسال می گردید، بنا به درخواست آن اداره یا متقاضی، در تاریخ ارسال اطلاعیه مذکور در شق (ج) فوق، برای متقاضی فرستاده خواهند شد.

۴۷-۲ نسخه ها

(الف) نسخه های لازم برای انجام مکاتبه توسط دفتر بین المللی تهیه خواهند شد.

(ب) این نسخه ها بر روی اوراق به قطع A۴ خواهد بود.

(ج) نسخه های جزوه مقرر در ماده ۴۸ آئین نامه می تواند، برای اهداف مکاتبه مربوط به اظهارنامه بین المللی موضوع ماده ۲۰ معاهده، مورد استفاده قرار گیرند، مگر در حدیکه اداره تعیین شده، خلاف آن را به دفتر بین المللی اطلاع داده باشد.

۴۷-۳ زبان ها

(الف) اظهارنامه بین المللی ارسالی بر طبق ماده ۲۰ معاهده به زبانی خواهد بود که انتشار یافته است.

(ب) هرگاه زبانی که اظهارنامه بین‌المللی با آن زبان انتشار یافته، با زبانی که با آن زبان، اظهارنامه تسلیم شده، متفاوت باشد، دفتر بین‌المللی، برحسب تقاضای آن اداره تعیین‌شده، نسخه‌ای از آن اظهارنامه را به زبانی که با آن زبان تسلیم شده، به اداره مزبور ارائه خواهند نمود.

۴-۴۷ درخواست صریح بر طبق بند (۲) ماده ۲۳ معاهده

هرگاه قبل از اینکه مکاتبات مقرر در ماده ۲۰ معاهده انجام شود، متقاضی طبق بند (۲) ماده ۲۳ معاهده، درخواست صریحی را به یک اداره تعیین‌شده تسلیم نموده‌باشد، دفتر بین‌المللی بنا به تقاضای متقاضی یا اداره تعیین شده فوراً مکاتبه مزبور را با آن اداره به عمل خواهد آورد.

ماده ۴۸- انتشار بین‌المللی

۴۸-۱ شکل

(الف) اظهارنامه بین‌المللی به صورت یک جزوه منتشر خواهد شد.

(ب) مشخصات مربوط به شکل جزوه و روش تکثیر، تابع دستورالعمل‌های اداری خواهد بود.

۴۸-۲ محتویات

(الف) جزوه حاوی موارد زیر خواهد بود:

«۱» یک صفحه روی استاندارد،

«۲» توصیف،

«۳» ادعاها،

«۴» نقشه‌ها در صورت وجود،

«۵» با رعایت شق (ز) بند ۲ این ماده گزارش جستجوی بین‌المللی یا اعلامیه مذکور در شق (الف) بند ۲ ماده ۱۷

معاهده. به هر حال لازم نیست انتشار گزارش جستجوی بین‌المللی در جزوه، که شامل بخشی از گزارش جستجوی بین‌المللی است فقط راجع به موضوع مذکور در ماده ۴۳ آئین‌نامه باشد که قبلاً در صفحه روی جزوه آمده‌است،

«۶» هرگونه اظهاریه تسلیمی بر طبق بند (۱) ماده ۱۹ معاهده، مگر اینکه دفتر بین‌المللی احرار نماید که اظهاریه با

مقررات بند ۴ ماده ۴۶ آئین‌نامه انطباق ندارد،

«۷» هرگونه تقاضا برای رفع اشتباه مذکور در سومین جمله شق (و) بند ۱ ماده ۹۱ آئین‌نامه،

«۸» داده‌های مرتبط ارائه شده از هر مطلب، در ارتباط با ماده بیولوژیکی تودیع شده بر طبق ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه، مجزای از توصیف، همراه با ذکر تاریخی که در آن تاریخ دفتر بین‌المللی چنین مطالبی را دریافت کرده‌است،

«۹» هرگونه اطلاعات مربوط به ادعای حق تقدم که تشخیص داده شده باشد مطابق شق (ب) بند ۲ ماده ۲۶ مکرر آئین‌نامه به عمل نیامده و انتشار آن بر طبق شق (ج) بند ۲ ماده ۲۶ مکرر آئین‌نامه تقاضا شده باشد،

«۱۰» هر اعلامیه مذکور در شق «۵» بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه و هر تصحیح مربوط به آن طبق بند ۱ ماده ۲۶ ثالث آئین‌نامه، که توسط دفتر بین‌المللی، قبل از انقضای مهلت مقرر در بند ۱ ماده ۲۶ ثالث دریافت شده باشد.

(ب) با رعایت شق (ج) این بند در صفحه رو موارد زیر درج خواهد شد:

«۱» داده‌های مقتبس از ورقه تقاضا و داده‌های دیگری که بوسیله دستورالعمل‌های اداری مقرر شده‌است،

«۲» شکل یا اشکال، در صورتیکه اظهارنامه بین‌المللی حاوی نقشه‌ها باشد، مگر اینکه شق (ب) بند ۲ ماده ۸ آئین‌نامه مورد داشته باشد،

«۳» خلاصه؛ اگر خلاصه هم به زبان انگلیسی و هم به زبان دیگری باشد، متن انگلیسی اول آورده خواهد شد،

«۴» ذکر این مطلب که تقاضا حاوی هر اعلامیه مذکور در بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه می‌باشد که دفتر بین‌المللی قبل از انقضاء مهلت مقرر در بند ۱ ماده ۲۶ ثالث آئین‌نامه آن را دریافت کرده‌است.

(ج) هرگاه اعلامیه‌ای بر طبق شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده صادر شده باشد صفحه اول رو به طرز مشخصی باین مطلب اشاره خواهند نمود و نیازی به ذکر نقشه یا خلاصه نخواهد بود.

(د) شکل یا اشکال مذکور در جزء «۲» شق (ب) این بند بر طبق بند ۲ ماده ۸ آئین‌نامه انتخاب خواهند شد. تکثیر این شکل یا اشکال بر صفحه رو می‌تواند به شکل کوچک شده صورت پذیرد.

(ه) اگر در صفحه رو فضای کافی برای درج کل خلاصه موضوع جزء «۳» شق (ب) این بند وجود نداشته باشد، خلاصه مذکور در ظهر صفحه رو درج خواهد شد. این امر در مورد ترجمه خلاصه نیز در صورتیکه این ترجمه لازم باشد طبق شق (ج) بند ۳ ماده ۴۸ آئین‌نامه انتشار یابد مصداق خواهد داشت.

(و) اگر ادعاها بر طبق ماده ۱۹ معاهده اصلاح شده باشند، انتشار به دو صورت زیر می‌تواند تحقق یابد: انتشار متن کامل ادعاها، هم به صورت تسلیم شده و هم بصورت اصلاح شده، یا انتشار متن کامل ادعاها به صورت تسلیمی و مشخص نمودن اصلاحات. هرگونه اظهاریه مذکور در بند (۱) ماده ۱۹ معاهده نیز در انتشار درج خواهد شد، مگر اینکه دفتر بین‌المللی احراز نماید که اظهاریه منطبق بر مقررات بند ۴ ماده ۴۶ آئین‌نامه نمی‌باشد. تاریخ وصول ادعاهای اصلاح شده بوسیله دفتر بین‌المللی

مشخص خواهد شد.

(ز) اگر در زمان تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین‌المللی، هنوز گزارش جستجوی بین‌المللی در دسترس نباشد (مثلاً به علت انتشار بر حسب تقاضای متقاضی به نحو مقرر در شق (ب) بند (۲) ماده ۲۱ و جزء «۱» شق (ج) بند (۳) ماده ۶۴ معاهده جزوه بجای گزارش جستجوی بین‌المللی، حاوی این مطلب خواهد بود که گزارش مزبور در دسترس نبوده و یا جزوه مجدداً انتشار خواهد یافت که در آن صورت (حاوی گزارش جستجوی بین‌المللی خواهد بود) یا گزارش جستجوی بین‌المللی (زمانی که در دسترس قرار گیرد) به صورت جداگانه انتشار خواهد یافت.

(ح) اگر در زمان تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین‌المللی مهلت، اصلاح ادعاها بر طبق ماده ۱۹ معاهده منقضی نشده باشد، در جزوه باین موضوع اشاره خواهد شد و ذکر خواهد گردید که اگر ادعاها بر طبق ماده ۱۹ معاهده اصلاح شوند در آن صورت فوراً اصلاحیه‌ها یا جزوه (حاوی ادعاهای اصلاح شده) مجدداً منتشر خواهد شد، یا اینکه اظهاریه‌ای که منعکس‌کننده تمام اصلاحیه‌ها باشد، انتشار خواهد یافت. در مورد اخیر لااقل صفحه رو و ادعاها مجدداً منتشر خواهند شد و اگر اظهاریه‌ای بر طبق بند (۱) ماده ۱۹ معاهده تسلیم شده باشد، آن اظهاریه نیز منتشر خواهد شد، مگر اینکه دفتر بین‌المللی احراز نماید که اظهاریه با مقررات بند ۴ ماده ۴۶ آئین‌نامه انطباق ندارد.

(ط) دستورالعمل‌های اداری، مواردی که در آنها گزینه‌های مختلف مذکور در شق (ز) و (ح) مصداق داشته باشد را مشخص خواهد کرد. این تشخیص به میزان و پیچیدگی اصلاحات و یا تعداد اظهارنامه بین‌المللی و عوامل هزینه بستگی خواهد داشت.

۴۸-۳ زبان‌های انتشار

(الف) اگر اظهارنامه بین‌المللی به زبان چینی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ژاپنی، روسی یا اسپانیایی (زبان‌های انتشار) تسلیم شده باشد، آن اظهارنامه به زبانی که با آن تسلیم شده منتشر خواهد شد.

(الف - مکرر) اگر اظهارنامه بین‌المللی به زبانی تسلیم شده باشد که جزء زبان‌های انتشار نیست و ترجمه‌ای نیز به یکی از زبان‌های انتشار بر طبق بند ۳ ماده ۱۲ آئین‌نامه ارائه شده باشد، اظهارنامه به زبان آن ترجمه منتشر خواهد شد.

(ب) اگر اظهارنامه بین‌المللی به زبان تسلیم شده باشد که زبان انتشار نیست و هیچ ترجمه‌ای از آن به زبان انتشار طبق شق (الف) بند ۳ ماده ۱۲ آئین‌نامه لازم نباشد، اظهارنامه با ترجمه انگلیسی انتشار خواهد یافت. این ترجمه با مسئولیت مرجع، جستجوی بین‌المللی تهیه خواهد شد که موظف خواهد بود آن را به نحوی به موقع آماده کند تا انتشار بین‌المللی در تاریخ مقرر را امکان‌پذیر سازد یا هرگاه شق (ب) بند (۳) ماده ۶۴ معاهده مصداق داشته باشد، ترجمه به نحوی به موقع آماده شود، که

انجام مکاتبه موضوع ماده ۲۰ معاهده، قبل از نوزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم را میسر سازد. علیرغم شق (الف) بند ۱ ماده ۱۶ آئین نامه مرجع جستجوی بین المللی می تواند هزینه ای را برای ترجمه از متقاضی مطالبه نماید.

مرجع جستجوی بین المللی، فرصتی را در اختیار متقاضی قرار خواهد داد، تا در مورد متن پیش نویس ترجمه، اظهار نظر نماید. مرجع جستجوی بین المللی مهلت معقولی را برحسب شرایط و اوضاع و احوال مورد، برای این اظهار نظرها تعیین خواهد نمود. اگر قبل از ارسال ترجمه، زمانی برای لحاظ کردن نظرات متقاضی وجود نداشته باشد، یا اگر اختلاف عقیده ای بین متقاضی و مرجع جستجوی بین المللی درباره صحت ترجمه وجود داشته باشد، متقاضی می تواند نسخه ای از نظرات خود، یا موارد لاینحل را به دفتر بین المللی و هر اداره تعیین شده که ترجمه برای آن فرستاده شده، ارسال نماید. دفتر بین المللی بخش های مرتبط با اظهار نظرها را همراه با ترجمه انجام شده توسط مرجع جستجوی بین المللی یا متعاقب انتشار ترجمه مزبور انتشار خواهد داد.

(ج) اگر اظهار نامه بین المللی به زبانی غیر از زبان انگلیسی منتشر شده باشد، در آن صورت، گزارش جستجوی بین المللی، تا آنجا که بر طبق جزء «۵» شق (الف) بند ۲ ماده ۴۸ آئین نامه منتشر شده باشد، یا اعلامیه مذکور در شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده، عنوان اختراع، خلاصه و هر متن مربوط به شکل یا اشکال همراه با خلاصه، هم به آن زبان و هم به زبان انگلیسی انتشار خواهد یافت. ترجمه ها با مسئولیت دفتر بین المللی تهیه خواهند شد.

۴-۴۸ انتشار زودتر بنا بر تقاضای متقاضی

(الف) هرگاه متقاضی تقاضای انتشار بر طبق شق (ب) بند (۲) ماده ۲۱ و جزء «۱» شق (ج) بند (۳) ماده ۶۴ معاهده را نموده باشد و گزارش جستجوی بین المللی یا اعلامیه مذکور در شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده، هنوز برای انتشار به همراه اظهار نامه بین المللی، در دسترس نباشد، دفتر بین المللی یک هزینه خاص را برای انتشار وصول خواهد نمود که مبلغ آن در دستورالعمل های اداری معین خواهد شد.

(ب) انتشار به موجب شق (ب) بند (۲) ماده ۲۱ و جزء «۱» شق (ج) بند (۳) ماده ۶۴ معاهده، به وسیله دفتر بین المللی، فوراً پس از این که متقاضی آن را خواستار شده باشد و در موردی که هزینه خاص بر طبق شق (الف) فوق مصداق داشته باشد، پس از دریافت آن هزینه صورت خواهد گرفت.

۵-۴۸ اطلاعیه درباره انتشار ملی

هرگاه انتشار اظهار نامه بین المللی به وسیله دفتر بین المللی بر طبق جزء «۲» شق (ج) بند (۳) ماده ۶۴ معاهده باشد، اداره ملی مربوطه، فوراً پس از به مرحله اجراء در آوردن انتشار ملی مذکور در جزء فوق الذکر، دفتر بین المللی را از این انتشار ملی

مطلع خواهد نمود.

۶ - ۴۸ اعلام برخی مطالب

(الف) اگر اطلاعیه مقرر در جزء «۲» شق (الف) بند ۱ ماده ۲۹ آئین نامه دیرتر از زمانی به دفتر بین المللی واصل شود که بتواند از انتشار بین المللی اظهارنامه بین المللی، جلوگیری نماید، دفتر بین المللی فوراً طی اطلاعیه ای در روزنامه رسمی چکیده اطلاعیه مزبور را انتشار خواهد داد.

(ب) [حذف شده است.]

(ج) اگر پس از تکمیل مقدمات فنی انتشار بین المللی، اظهارنامه بین المللی، تعیین هر کشور تعیین شده، یا ادعای حق تقدم بر طبق ماده ۹۰ مکرر آئین نامه، مسترد شود، اعلامیه استرداد در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

ماده ۴۹ - رونوشت، ترجمه و هزینه موضوع ماده ۲۲ معاهده

۴۹-۱ اطلاعیه

(الف) هر کشور متعاهدی که بر طبق ماده ۲۲ معاهده خواستار ارائه یک ترجمه یا پرداخت یک هزینه ملی یا هر دو باشد، دفتر بین المللی را از موارد زیر مطلع خواهد نمود:

«۱» زبان هائی که از آن زبان ها و زبانی که به آن زبان باید ترجمه صورت پذیرد،

«۲» مبلغ هزینه ملی.

(الف - مکرر) هر کشور متعاهدی که ارائه نسخه ای از اظهارنامه بین المللی به نحو مقرر در ماده ۲۲ معاهده را توسط متقاضی خواستار نباشد (حتی اگر ارسال نسخه اظهارنامه بین المللی به وسیله دفتر بین المللی بر طبق ماده ۴۷ آئین نامه تا انقضاء مهلت مقرر در ماده ۲۲ معاهده محقق نشده باشد)، مراتب را به دفتر بین المللی اطلاع خواهد داد.

(الف - ثالث) هر کشور متعاهدی که کشور تعیین شده باشد و بر طبق بند (۲) ماده ۲۴ معاهده اثر مقرر در بند (۳) ماده ۱۱ معاهده را حتی اگر متقاضی نسخه ای از اظهارنامه بین المللی را تا قبل از انقضاء مهلت موضوع ماده ۲۲ معاهده ارائه ننموده باشد، حفظ نماید، مراتب را به دفتر بین المللی اطلاع خواهد داد.

(ب) هر اطلاعیه ای که طبق شق های (الف) (الف - مکرر) یا (الف - ثالث) توسط دفتر بین المللی دریافت شود، فوراً توسط دفتر بین المللی در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

(ج) اگر الزامات موضوع شق (الف) فوق متعاقباً تغییر نماید، این تغییرات به وسیله کشور متعاهد به دفتر بین المللی اطلاع

داده خواهد شد و آن دفتر فوراً اطلاعیه را در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد. اگر تغییر به این معنا باشد که ترجمه باید به زبانی انجام شود که قبل از تغییر لازم نبود، این تغییر فقط درخصوص اظهارنامه بین‌المللی که دیرتر از دو ماه پس از انتشار اطلاعیه در روزنامه رسمی تسلیم شده‌اند، مؤثر خواهد بود. در غیر این صورت تاریخ مؤثر هر تغییر توسط کشور متعاهد تعیین خواهد شد.

۲- ۴۹ زبان‌ها

زبانی که به آن زبان ممکن است ترجمه خواسته شود، باید یک زبان رسمی اداره تعیین شده باشد. اگر تعداد این نوع زبان‌ها متعدد باشد و اگر اظهارنامه بین‌المللی به یکی از آن زبان‌ها باشد، هیچ ترجمه‌ای خواسته نخواهد شد. اگر تعداد زبانهای رسمی متعدد باشد و یک ترجمه باید ارائه شود، متقاضی می‌تواند هر کدام از آن زبان‌ها را انتخاب نماید. علیرغم مقررات فوق مذکور در این بند، اگر زبانهای رسمی متعدد باشند، ولی قانون ملی استفاده از یکی از این زبان‌ها را برای خارجیان مقرر داشته باشد، ترجمه‌ای به آن زبان می‌تواند خواسته شود.

۳- ۴۹ اظهاریه‌ها بر طبق ماده ۱۹ معاهده، مشخصات بر طبق بند ۴ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه

از لحاظ ماده ۲۲ معاهده و این ماده هرگونه اظهاریه بر طبق بند (۱) ماده ۱۹ معاهده و هرگونه مشخصات ارائه شده بر طبق بند ۴ ماده ۱۳ مکرر آئین‌نامه با رعایت شق (ج) و (ح) بند ۵ ماده ۴۹ آئین‌نامه، به عنوان قسمتی از اظهارنامه بین‌المللی تلقی خواهد شد.

۴- ۴۹ استفاده از فرم ملی

از هیچ متقاضی خواسته نخواهد شد که به هنگام انجام اقدامات مذکور در ماده ۲۲ معاهده از فرم ملی استفاده نماید.

۵- ۴۹ محتویات و الزامات شکلی و ضمایم مربوطه به ترجمه

(الف) از لحاظ ماده ۲۲ معاهده، ترجمه اظهارنامه بین‌المللی حاوی توصیف (با رعایت (الف مکرر زیر))، ادعاها، هر متن مربوط به مطلب نقشه‌ها و خلاصه خواهد بود. در صورتیکه اداره تعیین شده بخواهد، ترجمه با رعایت شق (ب) و (ج - مکرر) و (ه) این ماده، همچنین:

«۱» حاوی تقاضا خواهد بود،

«۲» اگر ادعا بر طبق ماده ۱۹ معاهده اصلاح شده باشد، حاوی ادعاهای تسلیمی و ادعاهای اصلاح شده خواهد بود، و

«۳» با نسخه‌ای از نقشه‌ها همراه خواهد بود.

(الف مکرر) هیچ اداره تعیین شده‌ای از متقاضی نخواهد خواست که ترجمه‌ای را از متن مربوط به مطلب مذکور در

قسمت فهرست ترتیبی توصیف، اگر آن قسمت فهرست ترتیبی، مطابق با شق (د) بند ۱ ماده ۱۲ آئین‌نامه بوده و توصیف بر

طبق شق (ب) بند ۲ ماده ۵ آئین نامه باشد، ارائه دهد.

(ب) هر اداره تعیین شده که خواستار ارائه ترجمه‌ای از تقاضا باشد، نسخه‌هایی از فرم تقاضا را به زبان ترجمه به صورت رایگان، در اختیار متقاضیان قرار خواهد داد. شکل و محتویات فرم تقاضا، به زبان ترجمه با شکل و محتویات تقاضا بر طبق مواد ۳ و ۴ این آئین نامه متفاوت نخواهد بود؛ بالاخص فرم تقاضا به زبان ترجمه خواستار هیچگونه اطلاعاتی که در تقاضا به نحو تسلیم شده مندرج نیست، نخواهد بود. استفاده از فرم تقاضا به زبان ترجمه اختیاری خواهد بود.

(ج) هر گاه متقاضی ترجمه‌ای را از هر اظهاریه موضوع بند (۱) ماده ۱۹ معاهده ارائه نکند، اداره تعیین شده می‌تواند چنین اظهاریه‌ای را نادیده بگیرد.

(ج - مکرر) هرگاه اداره تعیین شده بر طبق جزء «۲» شق (الف) این بند خواستار ترجمه‌ای از ادعاها، به نحو تسلیم شده و ادعاهای اصلاح شده به صورت توأمان باشد، و متقاضی فقط یکی از این دو ترجمه خواسته شده را به آن اداره ارائه دهد، اداره تعیین شده، می‌تواند ادعاهایی که ترجمه آنها ارائه نشده را نادیده بگیرد و یا از متقاضی دعوت نماید که ترجمه ارائه نشده را ظرف مهلتی که برحسب شرایط و اوضاع و احوال معقول بوده و در دعوت نامه مشخص شده باشد، را ارائه دهد. در صورتی که اداره تعیین شده، تصمیم به دعوت از متقاضی برای ارائه ترجمه ارائه نشده بگیرد و ترجمه مزبور ظرف مهلت تعیین شده در دعوت نامه واصل نشود، اداره تعیین شده می‌تواند آن ادعاها که ترجمه آنها را ارائه نشده را نادیده گرفته و یا اظهارنامه بین‌المللی را مسترد شده تلقی نماید.

(د) اگر هر نقشه‌ای حاوی متن مربوط به مطلب باشد، ترجمه آن متن مربوط به مطلب یا به شکل نسخه‌ای از نقشه اصلی همراه با ترجمه‌ای، ملصق به متن مربوط به مطلب اصلی، یا به شکل یک نقشه جدید، ارائه خواهد شد. (ه) هر اداره تعیین شده که بر طبق شق (الف) این ماده خواستار ارائه نسخه‌ای از نقشه‌ها باشد، می‌تواند در صورتی که متقاضی چنین نسخه‌ای را ظرف مهلت قابل اجرا بر طبق ماده ۲۲ معاهده ارائه ننموده باشد، از متقاضی دعوت نماید که نسخه مزبور را ظرف مهلتی که برحسب شرایط و اوضاع و احوال معقول بوده و در دعوت نامه تعیین خواهد شد، ارائه دهد.

(و) اصطلاح «FIG» نیازی به ترجمه به هیچ زبانی ندارد.

(ز) هرگاه هر نسخه‌ای از نقشه‌ها و یا هر نقشه جدید، که بر طبق شق (ج) یا (ه) این ماده ارائه شده، با الزامات شکلی و ضمایم مذکور در ماده ۱۱ آئین نامه، مطابقت نداشته باشد، اداره تعیین شده می‌تواند، از متقاضی ظرف مهلتی که برحسب شرایط و اوضاع و احوال معقول بوده و در دعوت نامه تعیین شده باشد، دعوت به رفع نقص نماید.

(ح) هرگاه متقاضی ترجمه‌ای از خلاصه یا مشخصات ارائه شده بر طبق بند ۴ ماده ۱۳ مکرر آئین نامه را ارائه ننماید، اداره

تعیین شده، از متقاضی دعوت خواهد نمود، که در صورت لزوم، ترجمه مزبور را ظرف مهلتی که برحسب شرایط و اوضاع و احوال معقول بوده و در دعوتنامه تعیین خواهد شد، ارائه نماید.

(ط) اطلاعات درخصوص هر الزام و رویه ادارات تعیین شده بر طبق جمله دوم شق (الف) فوق، به وسیله دفتر بین‌المللی، در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

(ی) هیچ اداره تعیین شده‌ای نخواهد خواست که ترجمه اظهارنامه بین‌المللی با الزامات شکلی و ضمایم، غیر از آنهایی که برای اظهارنامه بین‌المللی به نحو تسلیم شده، مقرر است، مطابقت داشته باشد.

(ک) هرگاه عنوانی توسط مرجع جستجوی بین‌المللی، بر طبق بند ۲ ماده ۳۷ آئین‌نامه تعیین شده باشد، ترجمه حاوی عنوان به نحو تعیین شده به وسیله آن مرجع خواهد بود.

(ل) اگر در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۱ شق (ج - مکرر) یا شق (ک) این ماده، با قانون ملی مورد عمل به وسیله اداره تعیین شده، سازگاری نداشته باشد، شق مربوطه در مورد اداره تعیین شده، تا آن جا که این عدم سازگاری با آن قانون ادامه داشته باشد قابلیت اجرائی، نخواهد داشت، مشروط بر این که اداره مزبور تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ مراتب را به دفتر بین‌المللی اعلام نماید. اطلاعات واصله، فوراً به وسیله دفتر بین‌المللی، در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

ماده ۵۰ - اختیارات موضوع بند (۳) ماده ۲۲ معاهده

۵۰-۱ اعمال اختیارات

(الف) هر کشور متعاهدی که مهلتی را که انقضاء آن دیرتر از مهلت‌های مقرر در بند (۱) یا (۲) ماده ۲۲ معاهده باشد، مجاز قلمداد نماید، دفتر بین‌المللی را از مهلت‌هایی که به این ترتیب تعیین شوند، مطلع خواهد نمود.

(ب) هر اطلاعیه‌ای که بر طبق شق (الف) فوق، به وسیله دفتر بین‌المللی وصول گردد، فوراً توسط دفتر بین‌المللی، در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

(ج) اطلاعیه‌های مربوط به کوتاه کردن مهلت تعیین شده قبلی، در مورد اظهارنامه‌های بین‌المللی که پس از انقضاء سه ماه از تاریخی که اطلاعیه به وسیله دفتر بین‌المللی انتشار یافته، تسلیم شده باشد، مؤثر خواهد بود.

(د) اطلاعیه‌های مربوط به طولانی کردن مهلت تعیین شده قبلی از تاریخ انتشار به وسیله دفتر بین‌المللی در روزنامه رسمی در ارتباط با اظهارنامه‌های بین‌المللی معوق تا آن زمان، یا تسلیم شده پس از تاریخ انتشار مزبور نافذ بوده یا اگر کشور متعاهد عمل‌کننده به اطلاعیه مزبور، تاریخ دیرتری را تعیین نماید، از تاریخ دیرتر مزبور مؤثر خواهد بود.

ماده ۵۱ - بررسی به وسیله ادارات تعیین شده

۱- ۵۱ مهلت برای ارائه تقاضا جهت ارسال نسخه‌ها

مهلت مذکور در شق (ج) بند (۱) ماده ۲۵ معاهده، دو ماه از تاریخ اطلاعیه ارسالی به متقاضی بر طبق شق «۱» بند ۷ ماده ۲۰، شق (ج) بند ۲ ماده ۲۴، جزء «۲» شق (الف) بند ۱ ماده ۲۹ یا شق (ب) بند ۱ ماده ۲۹ آئین‌نامه محاسبه خواهد شد.

۲- ۵۱ نسخه اطلاعیه

هرگاه متقاضی، پس از دریافت یک تصمیم منفی بر طبق بند (۱) ماده ۱۱ معاهده، از دفتر بین‌المللی بر طبق بند (۱) ماده ۲۵ معاهده، تقاضا نماید که نسخه‌هایی از پرونده اظهارنامه بین‌المللی مورد نظر را برای هر یک از ادارات نامبرده شده که او برای تعیین آنها اهتمام نموده ارسال دارد، مشارالیه یک نسخه از اطلاعیه مذکور در شق «۱» بند ۷ ماده ۲۰ آئین‌نامه را به تقاضای خود ملزم خواهد نمود.

۳- ۵۱ مهلت پرداخت هزینه ملی و ارائه ترجمه

مهلت مورد اشاره در شق (الف) بند (۲) ماده ۲۵ معاهده در همان زمان اختتام مهلت مقرر در بند ۱ ماده ۵۱ آئین‌نامه منقضی خواهد شد.

ماده ۵۱ مکرر - برخی الزامات ملی مجاز بر طبق ماده ۲۷ معاهده

۱- ۵۱ مکرر - برخی الزامات ملی مجاز

(الف) با رعایت بند ۲ این ماده، قانون ملی قابل اجراء به وسیله اداره تعیین شده می‌تواند، بر طبق ماده ۲۷ معاهده از متقاضی بخواهد که بالاخص موارد زیر را ارائه دهد:

«۱» هر سندی که مربوط به هویت مخترع است،

«۲» هر سند مربوط به واجد شرایط بودن متقاضی برای درخواست یا اعطای یک ورقه اختراع،

«۳» هر سند حاوی هر دلیل واجد شرایط بودن متقاضی برای ادعای حق تقدم یک اظهارنامه قبلی، هرگاه متقاضی،

همان شخصی نباشد که اظهارنامه قبلی را تسلیم نموده است، یا هرگاه نام متقاضی از تاریخی که در آن تاریخ اظهارنامه قبلی تسلیم شده، تغییر یافته باشد،

«۴» هرگاه اظهارنامه بین‌المللی کشوری را تعیین نماید که بر طبق قانون ملی آن، باید اظهارنامه‌های ملی به وسیله

مخترع تسلیم شود، هر سند حاوی یک سوگند یا اعلامیه مخترع بودن،

«۵» هر دلیل مربوط به افشاهای غیرتبعیضی یا استثنائات به فقدان نوآوری، نظیر افشاهای ناشی از سوء استفاده، افشاها در برخی نمایشگاهها و افشاها به وسیله متقاضی در طی یک دوره خاص.

(ب) قانون ملی قابل اجرا به وسیله اداره تعیین شده، می‌تواند بر طبق بند (۷) ماده ۲۷ معاهده بخواهد که:

«۱» یک کارگزار که حق معرفی متقاضیان نزد آن اداره را دارا بوده و/یا دارای نشانی در کشور تعیین شده برای دریافت اطلاعاتیه‌ها باشد، نمایندگی متقاضی را عهده‌دار شود،

«۲» کارگزاری که نمایندگی متقاضی را دارد، در صورت وجود، صحیحاً به وسیله متقاضی منصوب شده باشد.

(ج) قانون ملی قابل اجرا به وسیله اداره تعیین شده، می‌تواند بر طبق بند (۱) ماده ۲۷ معاهده، بخواهد که اظهارنامه بین‌المللی، ترجمه آن یا هر سند مربوط به آن در بیش از یک نسخه ارائه شود.

(د) قانون ملی قابل اجرا به وسیله اداره تعیین شده، می‌تواند بر طبق شق «۲» بند (۲) ماده ۲۷ معاهده، بخواهد که ترجمه اظهارنامه بین‌المللی ارائه شده به وسیله متقاضی بر طبق ماده ۲۲ معاهده:

«۱» به وسیله متقاضی یا شخصی که اظهارنامه بین‌المللی را ترجمه نموده، طی یک اظهاریه‌ای دایر بر اینکه براساس بهترین اطلاعاتی که دارد، ترجمه کامل و صحیح است، مورد تأیید قرار گیرد؛

«۲» فقط هرگاه اداره تعیین شده به صورت معقول درباره دقت ترجمه تشکیک نماید، به وسیله یک مرجع دولتی یا مترجم قسم خورده تصدیق شود.

(ه) قانون ملی قابل اجرا به وسیله اداره تعیین شده، می‌تواند بر طبق ماده ۲۷ معاهده از متقاضی بخواهد که یک ترجمه از سند اولویت حق تقدم را ارائه نماید، مشروط بر این که، این ترجمه را فقط زمانی بتوان درخواست نمود که اعتبار ادعای حق تقدم به تعیین این که آیا اختراع مربوطه قابل ثبت است یا نه مربوط باشد.

(و) اگر در تاریخ ۱۷ ماه مارس سال ۲۰۰۰ مقرر مذکور در شق (ه) با قانون ملی مورد عمل به وسیله اداره تعیین شده، سازگار نباشد، آن مقرر در مورد آن اداره، تا زمانی که مقرر مذکور با این قانون مزبور سازگار نباشد، اعمال نخواهد شد، مشروط بر این که اداره مذکور مراتب را تا ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۰ به دفتر بین‌المللی اعلام نماید. اطلاعات واصله فوراً به وسیله دفتر بین‌المللی، در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

۲- ۵۱ مکرر - شرایط و اوضاع و احوال خاص که در آنها اسناد یا دلایل ممکن است مورد نیاز نباشد.

(الف) هرگاه قانون ملی قابل اجرا، نخواهد که اظهارنامه‌های ملی به وسیله مخترع تسلیم شود، اداره تعیین شده، نمی‌تواند هیچ سند یا مدرکی را در ارتباط با موارد زیر بخواهد، مگر اینکه بطور معقول درباره صحت مشخصات یا اعلامیه

مربوطه شک نماید:

«۱» در ارتباط با هویت مخترع (جزء «۱» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه) چنانچه مشخصات مربوط به مخترع بر طبق بند ۶ ماده ۴ آئین‌نامه در تقاضا منعکس شده یا چنانچه اعلامیه‌ای درباره هویت مخترع بر طبق شق «۱» بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه، در تقاضا منعکس شده یا مستقیماً به اداره تعیین شده تسلیم شده باشد؛

«۲» در ارتباط با واجد شرایط بودن متقاضی از تاریخ تسلیم بین‌المللی برای درخواست اعطای ورقه اختراع (جزء «۲» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه)، چنانچه اعلامیه‌ای مربوط به آن موضوع بر طبق شق «۲» بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه، در تقاضا منعکس بوده یا مستقیماً به اداره تعیین شده باشد؛

«۳» در ارتباط با واجد شرایط بودن متقاضی در تاریخ تسلیم بین‌المللی برای ادعای حق تقدم یک اظهارنامه قبلی (جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه)، چنانچه اعلامیه‌ای راجع به آن موضوع، بر طبق جزء «۳» بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه، در تقاضا منعکس باشد، یا مستقیماً به اداره تعیین شده تسلیم شده باشد.

(ب) هرگاه قانون ملی قابل اجرا بخواهد که اظهارنامه‌های ملی به وسیله مخترع تسلیم شود، اداره تعیین شده نمی‌تواند هیچ سند یا مدرکی در ارتباط با موارد زیر را بخواهد مگر این که بطور معقول درباره صحت مشخصات یا اعلامیه مربوط شک نماید:

«۱» در ارتباط با هویت مخترع (جزء «۱» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه) (غیر از سندی حاوی سوگند یا اعلامیه مخترع بودن (جزء «۴» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه) چنانچه مشخصات مربوط به مخترع بر طبق بند ۶ ماده ۴ آئین‌نامه در تقاضا منعکس باشد؛

«۲» درباره واجد شرایط بودن متقاضی، از تاریخ تسلیم بین‌المللی، برای ادعای حق تقدم یک اظهارنامه قبلی (جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه)، چنانچه اعلامیه‌ای درباره موضوع، بر طبق جزء «۳» بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه، در تقاضا منعکس بوده یا مستقیماً به اداره تعیین شده تسلیم شده باشد؛

«۳» حاوی سوگند یا اعلامیه مخترع بودن باشد (جزء «۴» شق (الف) بند ۱ ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه) اگر اعلامیه مخترع بودن بر طبق شق «۴» بند ۱۷ ماده ۴ آئین‌نامه در تقاضا منعکس باشد یا مستقیماً به اداره تعیین شده تسلیم شده باشد.

(ج) اگر در تاریخ ۱۷ ماه مارس سال ۲۰۰۰ هر مطلب موضوع شق (الف) این بند، با قانون ملی مورد عمل به وسیله اداره تعیین شده، سازگار نباشد، شق (الف) در مورد آن اداره، تا زمانی که آن مطلب با قانون مزبور سازگار نباشد، اعمال نخواهد شد، مشروط بر این که اداره مذکور مراتب را تا ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۰ به دفتر بین‌المللی اعلام نماید. اطلاعات واصله فوراً به وسیله

دفتر بین‌المللی، در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

۳ - ۵۱ مکرر - فرصت رعایت الزامات ملی

(الف) هرگاه هر یک از شرایط مذکور در جزءهای «۱» تا «۴» شق (الف) و شق‌های (ج) تا (ه) بند ۱ این ماده یا هر الزام دیگری از قانون ملی قابل اجرا به وسیله اداره تعیین شده، که آن اداره می‌تواند طبق بند (۱) یا (۲) ماده ۲۷ معاهده اعمال نماید، قبلاً در طی مدتی که در آن دوره الزامات موضوع ماده ۲۲ معاهده بایستی رعایت شوند، رعایت نشده باشند، اداره تعیین شده از متقاضی دعوت خواهد نمود، تا الزام را ظرف مهلتی که کمتر از دو ماه از تاریخ دعوت نخواهد بود، رعایت نماید. هر اداره تعیین شده می‌تواند از متقاضی بخواهد که هزینه‌ای را برای رعایت الزامات ملی بر اثر دعوت فوق بپردازد.

(ب) هرگاه هر الزام قانون ملی قابل اجرا به وسیله اداره تعیین شده که آن اداره می‌تواند بر طبق بند (۶) یا (۷) معاهده اعمال نماید، قبلاً در طی مدتی که در آن مدت، الزامات موضوع ماده ۲۲ معاهده بایستی رعایت شوند، رعایت نشده باشند، متقاضی پس از انقضاء آن مدت فرصتی خواهد داشت تا آن الزام را رعایت نماید.

(ج) اگر در تاریخ ۱۷ مارس سال ۲۰۰۰، شق (الف) این بند با قانون ملی مورد عمل به وسیله اداره تعیین شده در ارتباط با مهلت مذکور در آن شق سازگار نباشد، شق مزبور در مورد آن اداره، در ارتباط با مهلت مزبور، تا زمانی که آن شق با قانون مزبور سازگار نباشد، اعمال نخواهد شد، مشروط بر این که اداره مذکور مراتب را تا ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۰ به دفتر بین‌المللی اعلام نماید. اطلاعات واصله فوراً به وسیله دفتر بین‌المللی، در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

ماده ۵۲ - اصلاح ادعاها، توصیف و نقشه‌ها نزد ادارات تعیین شده

۵۲-۱ مهلت

(الف) در هر کشور تعیین شده که در آن رسیدگی یا بررسی بدون تقاضای خاص آغاز می‌شود، متقاضی در صورت تمایل، می‌تواند ظرف مدت یک ماه از اجرای الزامات موضوع ماده ۲۲ معاهده، حقوق مقرر در ماده ۲۸ معاهده را اعمال نماید، مشروط بر این که، اگر مکاتبه مقرر در بند ۱ ماده ۴۷ آئین‌نامه، قبل از انقضاء مهلت قابل اجرا بر طبق ماده ۲۲ معاهده، محقق نشده باشند، وی حقوق مذکور را دیرتر از چهارماه از تاریخ انقضاء مذکور اعمال ننماید. در هر صورت، اگر قانون ملی آن کشور اجازه دهد، متقاضی می‌تواند، حقوق مذکور را در هر زمان دیگری اعمال نماید.

(ب) در هر اداره تعیین‌شده‌ای که در آن قانون ملی مقرر نماید که رسیدگی فقط براساس تقاضای خاص آغاز شود، مهلتی که ظرف آن مهلت یا زمانی که در آن، متقاضی می‌تواند حقوق مذکور در ماده ۲۸ معاهده را اعمال نماید، همان خواهد بود که

در قانون ملی برای تسلیم اصلاحیه‌ها درخصوص رسیدگی به اظهارنامه‌های ملی که بنا به تقاضای خاص انجام می‌شود، مقرر شده است، مشروط بر این که مهلت مذکور قبل از انقضاء مهلت قابل اعمال در شق(الف) فوق منقضی نشود، یا زمان مذکور قبل از انقضاء مهلت قابل اجرا به موجب شق(الف) فوق نباشد.

قسمت ج

مواد مربوط به فصل دوم معاهده

ماده ۵۳ - درخواست

۱- ۵۳ فرم

(الف) تقاضا روی فرم چاپی به عمل خواهد آمد یا به صورت فرم چاپی رایانه‌ای ارائه خواهد شد. مشخصات فرم چاپی و درخواست ارائه شده به صورت فرم چاپی رایانه‌ای به وسیله دستورالعمل‌های اداری مشخص خواهد شد.

(ب) نسخه‌هایی از فرمهای درخواست چاپی به صورت رایگان توسط اداره دریافت‌کننده یا توسط مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی ارائه خواهد شد.

۲- ۵۳ محتوا

(الف) درخواست حاوی مطالب زیر خواهد بود:

«۱» خواسته،

«۲» مشخصات مربوط به متقاضی و کارگزار در صورت وجود،

«۳» مشخصات مربوط به اظهارنامه بین‌المللی که به آن مربوط می‌شود،

«۴» انتخاب کشورها،

«۵» عندالانقضاء، اظهاریه‌ای مربوط به اصلاحیه‌ها.

(ب) درخواست امضاء خواهد شد.

۳- ۵۳ خواسته

خواسته باید دارای اثر زیر بوده و ترجیحاً با این کلمات و مضمون باشد درخواست طبق ماده ۳۱ معاهده همکاری در ثبت اختراعات: امضاءکننده زیر تقاضا می‌نماید که اظهارنامه بین‌المللی مشخص شده زیر مشمول بررسی مقدماتی بین‌المللی بر طبق معاهده همکاری در ثبت اختراعات قرار گیرد.

۴- ۵۳ متقاضی

در ارتباط با مشخصات مربوط به متقاضی بندهای ۴ و ۱۶ ماده ۴ آئین نامه و بند ۵ ماده ۴ آئین نامه، با تغییرات مقتضی، اعمال خواهد شد. فقط لازم است نام متقاضیان برای کشورهای منتخب در درخواست درج گردد.

۵- ۵۳ کارگزار یا نماینده مشترک

اگر کارگزار یا نماینده مشترکی منصوب شده باشد، این مطلب در درخواست مشخص خواهد شد. بندهای ۴ و ۱۶ ماده ۴ آئین نامه با تغییرات مقتضی اعمال خواهد شد.

۶- ۵۳ مشخص کردن اظهارنامه بین المللی

اظهارنامه بین المللی با نام و نشانی متقاضی، عنوان اختراع، تاریخ تسلیم بین المللی (اگر برای متقاضی معلوم باشد) و شماره اظهارنامه بین المللی، یا اگر چنین شماره‌ای برای متقاضی معلوم نباشد، نام اداره دریافت کننده که در آن اظهارنامه بین المللی تسلیم شده، مشخص خواهد شد.

۷- ۵۳ انتخاب کشورها

(الف) در درخواست حداقل یک کشور متعاقد از میان کشورهای تعیین شده و ملزم به فصل ۲ معاهده (کشورهای واجد شرایط) به عنوان یک کشور انتخاب شده، مشخص خواهد شد.

(ب) انتخاب کشورهای متعاقد در تقاضا به طریق زیر صورت خواهد گرفت:

«۱» به وسیله مشخص نمودن این که تمام کشورهای واجد شرایط انتخاب شده‌اند، یا،

«۲» در مورد کشورهایی که به منظور تحصیل ورقه‌های اختراع ملی تعیین شده‌اند، با مشخص نمودن کشورهای واجد

شرایطی که انتخاب شده‌اند، و، در مورد کشورهایی که به منظور تحصیل ورقه اختراع منطقه‌ای تعیین شده‌اند، با مشخص نمودن ورقه اختراع منطقه‌ای مربوطه، با مشخص نمودن تمام کشورهای واجد شرایط عضو معاهده ثبت اختراع منطقه‌ای مربوطه‌ای که انتخاب شده‌اند، یا ذکر نام کشورهایی که کشورهای مذکور از میان آنان انتخاب شده‌اند.

۸- ۵۳ امضاء

(الف) با رعایت شق (ب) زیر، درخواست به وسیله متقاضی، یا اگر بیش از یک متقاضی وجود داشته باشد، به وسیله تمام متقاضیان که تقاضا نموده‌اند، امضاء خواهد شد.

(ب) هرگاه دو یا چند متقاضی، درخواستی را تسلیم کنند که در آن کشوری انتخاب شده باشد که قانون ملی آن کشور

بخواهد که اظهارنامه‌های ملی باید به وسیله مخترع تسلیم شود و هرگاه متقاضی برای آن کشور انتخاب شده که همان مخترع است از امضای تقاضا خودداری کند، یا نتوان پس از تلاش‌های مقتضی او را یافت یا به او دسترسی پیدا نمود، اگر تقاضا حداقل

توسط یک متقاضی امضاء شده باشد، به شرط رعایت یکی از موارد زیر لازم نخواهد بود که تقاضا به وسیله آن متقاضی (متقاضی مربوطه) امضاء شود.

«۱» ارائه اظهاریه‌ای حاوی توضیح قانع‌کننده برای مرجع بررسی مقدماتی دایر به عدم امضاء متقاضی مربوطه، یا

«۲» متقاضی مربوطه تقاضا را امضاء نکرده باشد، اما الزامات شق (ب) بند ۱۵ ماده ۴ آئین‌نامه رعایت شده باشد.

۵۳-۹ اظهاریه راجع به اصلاحیه‌ها

(الف) اگر اصلاحیه‌ها، بر طبق ماده ۱۹ معاهده به عمل آمده باشد، اظهاریه مربوط به اصلاحیه‌ها مشخص خواهد نمود

که آیا متقاضی به منظور انجام بررسی مقدماتی بین‌المللی مایل است که:

«۱» آن اصلاحیه‌ها در نظر گرفته شوند که در آن صورت نسخه‌ای از اصلاحات ترجیحاً با درخواست تسلیم خواهد شد،

یا

«۲» به وسیله یک اصلاحیه به موجب ماده ۳۴ معاهده باطل شوند.

(ب) اگر هیچ اصلاحیه‌ای بر طبق ماده ۱۹ معاهده به عمل نیامده باشد و مهلت مربوط به تسلیم این اصلاحیه‌ها منقضی

نشده باشد، اظهاریه می‌تواند، حاکی از این باشد که متقاضی مایل است که آغاز بررسی مقدماتی بین‌المللی بر طبق شق (د) بند

۱ ماده ۶۹ آئین‌نامه به تعویق افتد.

(ج) اگر هر اصلاحیه بر طبق ماده ۳۴ معاهده، با درخواست تسلیم شود، اظهاریه مراتب را مشخص خواهد نمود.

ماده ۵۴ - متقاضی واجد شرایط برای درخواست

۵۴-۱ اقامت و تابعیت

(الف) با رعایت مقررات شق (ب) این بند، اقامت یا تابعیت متقاضی از لحاظ بند (۲) ماده ۳۱ معاهده، بر طبق شق (الف)

و (ب) بند ۱ ماده ۱۸ آئین‌نامه تعیین خواهد شد.

(ب) مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، در شرایط و اوضاع و احوال مشخص شده در دستورالعمل‌های اداری، از اداره

دریافت‌کننده، یا هرگاه اظهارنامه بین‌المللی به دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده تسلیم شده باشد، از اداره ملی یا

اداره‌ای که از طرف اداره ملی کشور متعاقد مربوط عمل می‌کند، تقاضا خواهد نمود که درباره این مسئله که آیا متقاضی مقیم

یا تبعه کشور متعاقدی است که او مدعی است، یک تبعه یا مقیم آن است، تصمیم‌گیری نماید. مرجع بررسی مقدماتی

بین‌المللی متقاضی را از چنین تقاضائی مطلع خواهد نمود. متقاضی فرصتی خواهد داشت تا استدلال‌های خود را مستقیماً به

اداره مربوطه تسلیم نماید. اداره مربوطه به این مسأله فوراً رسیدگی خواهد نمود.

۵۴-۲ حق تسلیم درخواست

حق تسلیم درخواست بر طبق بند (۲) ماده ۳۱ معاهده در صورتی وجود خواهد داشت که متقاضی مطرح کننده درخواست، یا اگر متقاضی دو یا چند نفر باشند، حداقل یکی از آنها مقیم یا تبعه کشور متعاهدی باشند که ملزم به فصل دوم معاهده است، و اظهارنامه بین‌المللی به یک اداره دریافت کننده یک کشور متعاهد ملزم به فصل دوم معاهده یا اداره عمل کننده برای کشور متعاهد ملزم به فصل مزبور تسلیم شده باشد.

۵۴-۳ اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیمی به دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت کننده.

هرگاه اظهارنامه بین‌المللی به دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت کننده به موجب جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین نامه تسلیم شده باشد، از لحاظ شق (الف) بند (۲) ماده ۳۱ معاهده، دفتر بین‌المللی به عنوان عمل کننده برای کشور متعاهدی که متقاضی مقیم یا تبعه آن است، تلقی خواهد شد.

۵۴-۴ متقاضی غیرواجد شرایط برای درخواست

اگر متقاضی دارای حق (طرح یک) تقاضا نباشد، یا در مورد وجود دو یا چند متقاضی، اگر هیچکدام از آنها دارای حق تسلیم درخواست بر طبق بند ۲ ماده ۵۴ آئین نامه نباشند، درخواست تسلیم نشده تلقی خواهد شد.

ماده ۵۵ زبان‌ها (بررسی مقدماتی بین‌المللی)

۱- ۵۵ زبان درخواست

درخواست به زبانی خواهد بود که اظهارنامه بین‌المللی به آن زبان است، یا اگر اظهارنامه بین‌المللی به زبانی غیر از زبانی که انتشار یافته تسلیم شده باشد، درخواست به زبانی خواهد بود که انتشار اظهارنامه بین‌المللی به آن زبان صورت گرفته است، مع هذا اگر طبق بند ۲ ماده ۵۵ آئین نامه، ترجمه اظهارنامه بین‌المللی لازم باشد، درخواست به زبان آن ترجمه خواهد بود.

۲- ۵۵ ترجمه اظهارنامه بین‌المللی

(الف) هرگاه هیچ یک از زبانی که اظهارنامه بین‌المللی به آن زبان تسلیم شده یا زبانی که اظهارنامه بین‌المللی به آن زبان منتشر شده، مورد قبول مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی که باید بررسی مقدماتی بین‌المللی را انجام دهد نباشد، با رعایت شق (ب) این بند، متقاضی همراه با درخواست، ترجمه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی را به زبانی ارائه خواهد نمود که:

«۱» هم مورد قبول آن مرجع باشد،

«۲» و هم یک زبان انتشار باشد.

(ب) هرگاه ترجمه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی به زبانی که در بند (الف) فوق به آن اشاره شد در اجرای شق (ب) بند ۱ ماده ۲۳ آئین‌نامه به مرجع جستجوی بین‌المللی ارسال شده باشد و مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی بخشی از همان اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی باشد، که مرجع جستجوی بین‌المللی است، متقاضی ملزم به ارائه ترجمه‌ای بر طبق شق (الف) فوق نخواهد بود. در چنین موردی بررسی مقدماتی بین‌المللی براساس ترجمه تسلیمی بر طبق شق (ب) بند (۱) ماده ۲۳ آئین‌نامه صورت خواهد گرفت، مگر این که متقاضی ترجمه‌ای را بر طبق شق (الف) فوق ارائه نماید.

(ج) اگر الزام موضوع شق (الف) فوق رعایت نشود و شق (ب) فوق صادق نباشد، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی از متقاضی دعوت خواهد نمود که ظرف مهلتی که برحسب شرایط و اوضاع و احوال معقول باشد، ترجمه لازم را ارائه دهد. این مهلت کمتر از یک ماه از تاریخ دعوت‌نامه نخواهد بود. این مهلت می‌تواند توسط مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی در هر زمان قبل از این که تصمیمی اتخاذ شده باشد، تمدید گردد.

(د) اگر متقاضی ظرف مهلت مقرر بر طبق بند (ج) فوق دعوت را اجابت نماید، الزام مزبور رعایت شده تلقی می‌گردد. اگر متقاضی چنین نکند، تقاضا تسلیم شده تلقی نخواهد شد و مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی مراتب را از همین قرار اعلام خواهد نمود.

۵۵-۳ ترجمه اصلاحیه‌ها

(الف) هرگاه بر طبق بند ۲ ماده ۵۵ آئین‌نامه، ترجمه اظهارنامه بین‌المللی لازم باشد، هر اصلاحاتی که در اظهاریه مربوط به اصلاحات موضوع بند ۹ ماده ۵۳ آئین‌نامه به آن اشاره و متقاضی مایل است که در بررسی مقدماتی بین‌المللی در نظر گرفته شوند، و هر اصلاحات موضوع ماده ۱۹ معاهده که باید بر طبق شق (ج) بند ۱ ماده ۶۶ آئین‌نامه در نظر گرفته شوند، به زبان آن ترجمه خواهد بود. هرگاه اینگونه اصلاحیه‌ها به زبان دیگری بوده یا تسلیم شده باشند، ترجمه آنها نیز ارائه خواهد شد.

(ب) هرگاه ترجمه لازم از یک اصلاح مذکور در شق (الف) فوق ارائه نشده باشد، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی از متقاضی دعوت خواهد نمود که ظرف مهلتی که بر طبق شرایط و اوضاع و احوال معقول باشد، ترجمه مزبور را ارائه نماید. این مهلت کمتر از یک ماه از تاریخ دعوت نخواهد بود. این مهلت می‌تواند توسط مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، در هر زمان قبل از این که تصمیمی اتخاذ شده باشد تمدید گردد.

(ج) اگر متقاضی ظرف مهلت مقرر در شق (ب) فوق، دعوت را اجابت ننماید، از لحاظ بررسی مقدماتی بین‌المللی، اصلاحیه در نظر گرفته نخواهد شد.

ماده ۵۶ انتخاب‌های متعاقب

۱-۵۶ انتخاب‌هایی که بعد از درخواست تسلیم شوند.

(الف) انتخاب کشورها، متعاقب تسلیم درخواست (انتخاب متعاقب)، به وسیله تسلیم اطلاعیه‌ای به دفتر بین‌المللی محقق خواهد شد. در اعلامیه مزبور اظهارنامه بین‌المللی و درخواست مشخص شده و حاوی مشخصات به نحو مذکور در جزء «۲» شق (ب) بند ۷ ماده ۵۳ آئین‌نامه خواهد بود.

(ب) با رعایت شق (ج)، اعلامیه مذکور در شق (الف) فوق برای کشورهای انتخاب شده مربوطه به وسیله متقاضی امضاء خواهد شد، یا اگر بیش از یک متقاضی برای آن کشورها وجود داشته باشد، توسط همه آنها امضاء خواهد شد.

(ج) هرگاه دو یا چند متقاضی اعلامیه‌ای مبنی بر انتخاب متعاقب کشوری را تسلیم نمایند، که قانون ملی آن بخواهد که اظهارنامه‌های ملی باید به وسیله مخترع تسلیم شود، و هرگاه متقاضی برای آن کشور منتخب که همان مخترع است از امضاء اعلامیه امتناع ورزد یا نتوان پس از تلاش مقتضی او را یافت یا به او دسترسی پیدا نمود، احتیاجی به امضای اعلامیه به وسیله آن متقاضی نخواهد بود «متقاضی مربوطه» اگر حداقل به وسیله یک متقاضی امضاء شود و

«۱» ارائه اظهاریه‌ای حاوی توضیح قانع‌کننده برای دفتر بین‌المللی دایر به عدم امضای متقاضی مربوطه یا،

«۲» متقاضی مربوط تقاضا را امضاء ننموده باشد ولی الزامات شق (ب) بند ۱۵ ماده ۴ آئین‌نامه رعایت شده باشد. یا

درخواست را امضاء نکرده باشد اما الزامات شق (ب) بند ۸ ماده ۵۳ آئین‌نامه رعایت شده باشد.

(د) ذکر نام متقاضی برای کشوری که متعاقباً انتخاب می‌شود، به عنوان متقاضی در درخواست ضرورتی ندارد.

(ه) اگر اعلامیه‌ای دایر به انتخاب متعاقب پس از انقضاء ۱۹ ماه از تاریخ حق تقدم تسلیم گردد، دفتر بین‌المللی، به

متقاضی اطلاع خواهد داد که آن انتخاب فاقد اثر مقرر در شق (الف) بند (۱) ماده ۳۹ معاهده خواهد بود و اقدامات مذکور در

ماده ۲۲ معاهده، بایستی درخصوص آن اداره منتخب مربوطه ظرف مهلت قابل اعمال بر طبق ماده ۲۲ معاهده انجام شود.

(و) اگر با وجود شق (الف)، اعلامیه‌ای دایر به انتخاب متعاقب به وسیله متقاضی به جای تسلیم به دفتر بین‌المللی به

مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تسلیم شود. آن مرجع تاریخ وصول را بر روی اعلامیه مشخص نموده و آن را فوراً برای دفتر

بین‌المللی ارسال خواهد نمود. چنین تلقی خواهد شد که وصول اعلامیه به دفتر بین‌المللی همان تاریخی است که فوقاً مشخص

شده است.

۵۶-۲ مشخص نمودن اظهارنامه بین‌المللی

اظهارنامه بین‌المللی به نحو مقرر در بند ۶ ماده ۵۳ آئین‌نامه مشخص خواهد شد.

۵۶-۳ مشخص نمودن درخواست

درخواست به وسیله تاریخی که در آن تاریخ به مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی تسلیم شده و به وسیله نام آن مرجع مشخص خواهد شد.

۵۶-۴ فرم انتخاب‌های متعاقب

اعلامیه دایر به انتخاب متعاقب، ترجیحاً با کلمات زیر تنظیم خواهد شد:

«درخصوص اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی به در تحت شماره به وسیله (متقاضی) (و تقاضای بررسی مقدماتی بین‌المللی تسلیمی در به) امضاءکننده زیر کشور(های) زیر را نیز بر طبق ماده ۳۱ معاهده همکاری در ثبت اختراعات انتخاب می‌نماید.....»

۵۶-۵ زبان برای انتخاب‌های متعاقب

انتخاب متعاقب به همان زبان درخواست خواهد بود.

ماده ۵۷ هزینه اقدام

۵۷-۱ الزام به پرداخت

هر درخواست برای بررسی مقدماتی بین‌المللی، مشمول پرداخت هزینه‌ای به نفع دفتر بین‌المللی (هزینه اقدام) خواهد بود که به وسیله مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی که درخواست به آن تسلیم شده است، وصول خواهد شد.

۵۷-۲ مبلغ

(الف) مبلغ هزینه اقدام به نحو مقرر در جدول هزینه‌ها خواهد بود.

(ب) [حذف شده است].

(ج) هزینه اقدام به پول یا یکی از پول‌های مقرر توسط مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی (پول مقرر) پرداخت خواهد شد. با این تفاهم که هنگامی که توسط آن مرجع به دفتر بین‌المللی انتقال داده شود، آن پول به راحتی قابل تسعیر به پول سوئیس باشد. برای هر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی که پرداخت هزینه اقدام را به هر پولی غیر از پول سوئیس مقرر نماید، مبلغ هزینه اقدام به هر پول مقرر را مدیر کل پس از مشورت با اداره‌ای که بر طبق شق (ب) بند ۲ ماده ۱۵ آئین‌نامه در ارتباط با آن

پول، مشورت صورت می‌گیرد، یا در صورتی که چنین اداره‌ای وجود نداشته باشد، پس از مشورت با مرجعی که پرداخت به آن پول را مقرر نموده، تعیین خواهد نمود. مبلغی که به این ترتیب تعیین می‌شود، به صورت گرد شده، معادل مبلغی به پول سوئیس خواهد بود که در جدول هزینه‌ها تعیین شده است. این مبلغ توسط دفتر بین‌المللی به هر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، که پرداخت به آن پول مقرر را تجویز نموده، اطلاع داده شده، و در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت. (د) هرگاه مبلغ هزینه اقدام که در جدول هزینه‌ها مقرر شده، تغییر پیدا کند، مبلغ متناظر به پول‌های مقرر از همان تاریخ درج مبلغ در جدول اصلاح شده هزینه‌ها اعمال خواهد شد.

(ه) هرگاه نرخ تسعیر بین پول سوئیس و هرپول مقرر با آخرین نرخ تسعیر اعمال شده متفاوت شود، مدیرکل مبلغ جدید به پول مقرر را بر طبق رهنمودهای مجمع تعیین خواهد نمود. مبلغی که جدیداً تعیین می‌شود، پس از دو ماه از انتشار آن در روزنامه رسمی قابل اعمال خواهد بود، با این قید که مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی ذینفع و مدیرکل می‌توانند درباره تاریخی در آن دو ماه به توافق برسند که در آن صورت مبلغ مذکور برای آن مرجع از آن تاریخ قابل اعمال خواهد بود.

۳- ۵۷ مهلت پرداخت: مبلغ قابل پرداخت

هزینه اقدام ظرف مدت یک ماه از تاریخی که در آن تاریخ درخواست تسلیم شده پرداخت خواهد شد. مشروط بر اینکه، هرگاه درخواست به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی برطبق بند ۳ ماده ۵۹ آئین‌نامه ارسال شده باشد، هزینه اقدام ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول بوسیله آن مرجع پرداخت خواهد شد. مبلغ قابل پرداخت همان مبلغی خواهد بود که در تاریخ تسلیم یا تاریخ دریافت، برحسب مورد، قابل پرداخت است. از لحاظ دوجمله اخیر شق (ه) بند ۳ ماده ۵۹ آئین‌نامه قابل اجراء نخواهد بود.

۴- ۵۷ و ۵ - ۵۷ [حذف شده است].

۶- ۵۷ استرداد

مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی در موارد زیر هزینه اقدام را به متقاضی مسترد خواهد نمود:

- «۱» اگر درخواست قبل از اینکه توسط آن مرجع به دفتر بین‌المللی ارسال شود مسترد گردد، یا
- «۲» اگر درخواست بر طبق بند ۴ ماده ۵۴ آئین‌نامه تسلیم نشده تلقی گردد.

ماده ۵۸ - هزینه بررسی مقدماتی

۱- ۵۸ حق مطالبه هزینه

(الف) هر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، می‌تواند از متقاضی بخواهد که به نفع آن مرجع در قبال انجام بررسی مقدماتی بین‌المللی و همچنین انجام سایر وظایفی که طبق معاهده و این آئین‌نامه به مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی محول شده، هزینه‌ای (هزینه بررسی مقدماتی) را پرداخت نماید.

(ب) مبلغ هزینه بررسی مقدماتی بین‌المللی، در صورت وجود، توسط مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تعیین خواهد شد. در مورد مهلت پرداخت هزینه بررسی مقدماتی و مبلغ قابل پرداخت، مقررات بند ۳ ماده ۵۷ آئین‌نامه در خصوص هزینه اقدام با تغییرات مقتضی اجرا خواهد شد.

(ج) هزینه بررسی مقدماتی مستقیماً به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی قابل پرداخت خواهد بود. هرگاه آن مرجع یک اداره ملی باشد، آن هزینه به پولی که آن اداره تعیین نموده است، پرداخت خواهد شد، و هرگاه آن مرجع یک سازمان بین‌الدولی باشد، هزینه مزبور به پول کشور مقر آن سازمان یا هر پول دیگری که به راحتی قابل تسعیر به پول آن کشور باشد، پرداخت خواهد شد.

۲- ۵۸ [حذف شده است]

۳- ۵۸ استرداد

هرگاه چنین تلقی شود که درخواست تسلیم نشده است، مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، حدود، در صورت وجود، و شرایط، در صورت وجود، که به موجب آن‌ها هرگونه هزینه پرداختی به عنوان هزینه بررسی مقدماتی قابل استرداد است را به دفتر بین‌المللی اعلام خواهند نمود و دفتر بین‌المللی فوراً این اطلاعات را انتشار خواهد داد.

ماده ۵۸ مکرر- تمدید مهلت‌های پرداخت هزینه‌ها

۱- ۵۸ مکرر - دعوت توسط مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

(الف) هرگاه بر طبق بند ۳ ماده ۵۷ و شق (ب) بند ۱ ماده ۵۸ آئین‌نامه، پرداخت‌ها می‌بایست صورت گیرد اما مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تشخیص دهد که هیچ هزینه‌ای به آن پرداخت نشده است، یا اینکه مبلغ پرداختی به آن کافی برای پوشش دادن به هزینه اقدام و هزینه بررسی مقدماتی نمی‌باشد، آن مرجع از متقاضی دعوت خواهد نمود که ظرف مهلت یکماه از تاریخ دعوت، مبلغ لازم برای پوشش دادن به آن هزینه‌ها را، عندالاقضاء، همراه با هزینه پرداخت با تأخیر طبق بند ۲ ماده ۵۸ مکرر آئین‌نامه، به آن پرداخت نماید.

(ب) هرگاه مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی طبق شق (الف) فوق دعوت‌نامه‌ای را ارسال کرده باشد و ظرف مهلت مقرر در آن. شق، متقاضی مبلغ مربوطه را به صورت کامل، شامل، عندالاقضاء، هزینه پرداخت با تأخیر طبق بند ۲ ماده ۵۸ مکرر

آئین‌نامه پرداخت نکرده باشد، با رعایت شق (ج)، درخواست تسلیم نشده تلقی خواهد شد و مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی مراتب را اعلام خواهد نمود.

(ج) هر مبلغ دریافتی بوسیله مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی قبل از اینکه آن مرجع دعوت‌نامه را بر طبق شق (الف) فوق ارسال نموده باشد، بر حسب مورد، دریافت شده قبل از انقضای مهلت مقرر در بند ۳ ماده ۵۷ یا شق (ب) بند ۱ ماده ۵۸ آئین‌نامه، تلقی خواهد شد.

(د) هر مبلغ دریافتی بوسیله مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی قبل از اینکه آن مرجع بر طبق شق (ب) فوق اقدام نموده باشد، دریافت شده قبل از انقضای مهلت مقرر در شق (الف) فوق تلقی خواهد شد.

۲- ۵۸ هزینه پرداخت با تأخیر

(الف) پرداخت هزینه‌ها در پاسخ به یک دعوت بر طبق شق (الف) بند ۱ ماده ۵۸ مکرر آئین‌نامه، ممکن است، بوسیله مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، مشمول پرداخت هزینه پرداخت با تأخیر به نفع آن مرجع گردد، مبلغ هزینه مزبور به قرار زیر خواهد بود:

«۱» ۵۰ درصد مبلغ هزینه‌های پرداخت نشده که در دعوت‌نامه مشخص شده است، یا

«۲» اگر مبلغ محاسبه شده بر طبق جزء «۱» فوق کمتر از هزینه اقدام باشد، مبلغی معادل با آن؛

(ب) مبلغ هزینه پرداخت با تأخیر به هر حال، از دو برابر مبلغ هزینه اقدام بیشتر نخواهد بود.

ماده ۵۹ - مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی

۱- ۵۹ درخواست طبق شق (الف) بند (۲) ماده ۳۱ معاهده

(الف) در مورد درخواست‌های به عمل آمده بر طبق شق (الف) بند (۲) ماده ۳۱ معاهده، هر اداره دریافت‌کننده یا عمل‌کننده برای یک کشور متعاقد، که ملزم به مقررات فصل دوم باشد، بر طبق شرایط موافقت‌نامه قابل اجرای مذکور در بند (۲) و بند (۳) ماده ۳۲ معاهده، به دفتر بین‌المللی اطلاع خواهد داد که کدام مرجع یا مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، صالح برای بررسی مقدماتی اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیم شده به آن خواهد بود. دفتر بین‌المللی فوراً این اطلاعات را انتشار خواهد داد. هرگاه چند مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی صلاحیتدار باشند، مقررات بند ۲ ماده ۳۵ آئین‌نامه با تغییرات مقتضی اعمال خواهد شد.

(ب) هرگاه اظهارنامه بین‌المللی بر طبق جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه و دفتر بین‌المللی به عنوان اداره

دریافت‌کننده، تسلیم شده باشد، شق (ب) و (الف) بند ۳ ماده ۳۵ آئین‌نامه با تغییرات مقتضی اعمال خواهد شد. شق (الف) این ماده در مورد دفتر بین‌المللی، به عنوان اداره دریافت‌کننده بر طبق جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه اعمال نخواهد شد.

۲- ۵۹ درخواست‌ها طبق شق (ب) بند (۲) ماده ۳۱ معاهده

در مورد درخواست‌های به عمل آمده بر طبق شق (ب) بند (۲) ماده ۳۱ معاهده، به هنگام تعیین مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی برای اظهارنامه‌های بین‌المللی که به اداره ملی، که خود یک مرجع رسیدگی مقدماتی بین‌المللی است، تسلیم شده باشد، مجمع ارجحیت را به آن مرجع خواهد داد و اگر آن اداره ملی یک مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی نباشد، مجمع ارجحیت را به آن مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی خواهد داد که اداره مزبور آن را توصیه نموده باشد.

۳- ۵۹ ارسال درخواست به مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی

(الف) اگر درخواست به یک اداره دریافت‌کننده، یک مرجع جستجوی بین‌المللی یا یک مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی که صالح برای انجام بررسی مقدماتی بین‌المللی در مورد اظهارنامه بین‌المللی نیست، تسلیم شده باشد، آن اداره یا مرجع، تاریخ دریافت را روی درخواست درج نموده و درخواست را فوراً به دفتر بین‌المللی ارسال خواهد نمود، مگر اینکه تصمیم بگیرد که بر طبق شق (و) این بند عمل نماید.

(ب) اگر درخواست به دفتر بین‌المللی تسلیم شده باشد، دفتر بین‌المللی تاریخ دریافت را روی درخواست درج خواهد نمود. (ج) هرگاه درخواست بر طبق شق (الف) فوق به دفتر بین‌المللی ارسال شده باشد، یا به آن اداره بر طبق شق (ب) فوق تسلیم شده باشد، دفتر بین‌المللی فوراً:

«۱» اگر فقط یک مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی صلاحیتدار وجود داشته باشد، تقاضا را به آن مرجع ارسال و مراتب را به متقاضی اطلاع خواهد داد، یا

«۲» اگر دو یا چند مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی صالح باشند، از متقاضی دعوت خواهد نمود که ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ دعوت یا ۱۹ ماه از تاریخ حق تقدم، هرکدام که دیرتر باشد، مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی که باید درخواست به آن ارسال شود را مشخص نماید.

(د) هرگاه مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی بر طبق جزء «۲» شق (ج) فوق اعلام نماید، دفتر بین‌المللی فوراً درخواست را به آن مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی اعلامی از طرف متقاضی ارسال خواهد نمود. هرگاه چنین اعلامی از طرف متقاضی صورت نگرفته باشد درخواست تسلیم نشده تلقی و دفتر بین‌المللی مراتب را به‌همین نحو اعلام خواهد نمود.

(ه) هرگاه درخواست به یک مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی بر طبق بند (ج) ارسال شده باشد، چنین تلقی خواهد شد که درخواست مزبور از طرف آن مرجع در تاریخ درج شده روی آن بر طبق شق (الف) یا (ب)، هرکدام که مقتضی باشد، دریافت شده است، و چنین تلقی خواهد شد که درخواستی که با این نحو ارسال گردیده در آن تاریخ بوسیله آن مرجع وصول شده است.

(و) هرگاه یک اداره یا یک مرجع که درخواست به آن بر طبق شق (الف) فوق تسلیم شده، تصمیم بگیرد که درخواست مزبور را مستقیماً به مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی ارسال نماید، شقوق (ج) الی (ه) با تغییرات مقتضی اعمال خواهد شد.

ماده ۶۰ - برخی نقایص در درخواست یا انتخاب‌ها

۱-۶۰ نقایص در درخواست

اگر در درخواست، الزامات تعیین شده در بند ۱ ماده ۵۳، جزء «۱» تا «۴» شق (الف) بند ۲ ماده ۵۳، شق (ب) بند ۲ ماده ۵۳، بند ۳ تا بند ۸ ماده ۵۳ و بند ۱ ماده ۵۵ آئین‌نامه رعایت نشده باشد، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی از متقاضی دعوت خواهد نمود که نقایص را ظرف مهلتی که بر حسب شرایط و اوضاع و احوال معقول باشد، رفع نماید. مهلت اعطائی، کمتر از یک ماه از تاریخ دعوت نخواهد بود. این مهلت را مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند در هر زمان تا قبل از اینکه تصمیمی اتخاذ شود، تمدید نماید.

(ب) اگر متقاضی ظرف مهلت مقرر در شق (الف) فوق دعوت را اجابت نماید، چنین تلقی خواهد شد که درخواست در تاریخی که عملاً تسلیم شده، دریافت گردیده است، مشروط بر اینکه درخواستی که به این نحو تسلیم شده، حداقل حاوی یک انتخاب بوده و شناسائی اظهارنامه بین‌المللی را میسر سازد، در غیر اینصورت چنین تلقی خواهد شد که درخواست در تاریخی که مرجع رسیدگی مقدماتی بین‌المللی در آن تاریخ رفع نقص را دریافت نموده، واصل شده است.

(ج) با رعایت شق (د) این بند، اگر متقاضی ظرف مهلت مقرر در شق (الف) فوق، دعوت را اجابت ننماید، چنین تلقی خواهد شد که تقاضا تسلیم نشده و مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی نیز مراتب را به همین نحو اعلام خواهد نمود.

(د) هرگاه پس از انقضای مهلت مقرر در شق (الف) فوق، مشخص شود که امضای لازم بر طبق بند ۸ ماده ۵۸ آئین‌نامه، یا یک مطلب مقرر در خصوص یک متقاضی برای یک کشور منتخب خاص وجود ندارد، چنین تلقی خواهد شد که انتخاب آن کشور صورت نگرفته است.

(ه) اگر نقص به وسیله دفتر بین‌المللی مشاهده شود، آن دفتر توجه مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی را به نقص مزبور جلب نموده و آن مرجع سپس بر طبق شقوق (الف) تا (د) فوق اقدام خواهد نمود.

(و) اگر درخواست حاوی اظهاریه‌ای راجع به اصلاحیه‌ها نباشد، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی بر طبق بند ۱ ماده ۶۶ و شق (الف) یا شق (ب) بند ۱ ماده ۶۹ آئین‌نامه اقدام خواهد نمود.

(ز) هرگاه اظهاریه راجع به اصلاحیه‌ها، حاوی مطلبی باشد، دایر بر اینکه اصلاحیه‌ها بر طبق ماده ۳۴ معاهده همراه با درخواست تسلیم شده‌اند [شق (ج) بند ۹ ماده ۵۳ آئین‌نامه] ولی در واقع چنین اصلاحیه‌هایی تسلیم نشده باشند، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی از متقاضی دعوت خواهد نمود که ظرف یک مهلت که در دعوت‌نامه تعیین می‌شود، اصلاحیه‌ها را تسلیم نماید و بر طبق شق (ه) بند ۱ ماده ۶۹ آئین‌نامه اقدام خواهد نمود.

۲-۶۰ نقایص در انتخاب‌های متعاقب

(الف) اگر در اعلامیه مربوط به یک انتخاب متعاقب، الزامات ماده ۵۶ آئین‌نامه رعایت نشده باشد، دفتر بین‌المللی از متقاضی خواهد خواست که نقایص را در ظرف مهلتی که بر حسب شرایط و اوضاع و احوال معقول باشد رفع نماید. این مهلت کمتر از یک ماه از تاریخ دعوت نخواهد بود. مهلت مزبور می‌تواند قبل از اینکه تصمیمی اتخاذ شده باشد، توسط دفتر بین‌المللی تمدید گردد.

(ب) اگر متقاضی، دعوت را ظرف مهلت مقرر در شق (الف) فوق اجابت نماید، چنین تلقی خواهد شد که اعلامیه در تاریخی که عملاً تسلیم شده دریافت شده است، مشروط بر اینکه اعلامیه‌ای که به این نحو تسلیم شده، حداقل حاوی یک انتخاب بوده و شناسائی اظهارنامه بین‌المللی را میسر سازد؛ در غیر اینصورت چنین تلقی خواهد شد که اعلامیه در تاریخی که مرجع رسیدگی مقدماتی بین‌المللی در آن تاریخ رفع نقص را دریافت نموده، واصل شده است.

(ج) با رعایت شق (د) این بند اگر متقاضی ظرف مهلت مقرر در شق (الف) فوق دعوت را اجابت ننماید، چنین تلقی خواهد شد که اعلامیه تسلیم نشده و دفتر بین‌المللی مراتب را از همین قرار اعلام خواهد نمود.

(د) هرگاه در خصوص یک متقاضی برای یک کشور خاص انتخاب شده، مشخص شود که پس از انقضای مهلت موضوع شق (الف)، امضای لازم بر طبق شق (ب) و (ج) بند ۱ ماده ۵۶ آئین‌نامه یا نام یا نشانی وجود ندارد، چنین تلقی خواهد شد که انتخاب متعاقب کشور صورت نگرفته است.

ماده ۶۱ - اطلاع درخواست و انتخاب‌ها

۱-۶۱ اطلاع به دفتر بین‌المللی و متقاضی

(الف) مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی بر روی درخواست، تاریخ دریافت یا عندالاقضاء، تاریخ مذکور در شق (ب) بند ۱ ماده ۶۰ آئین‌نامه را مشخص خواهد نمود. مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی فوراً یا درخواست را برای دفتر بین‌المللی ارسال و کپی آن را در بایگانی خود ضبط خواهد نمود، یا اینکه کپی آن را برای دفتر بین‌المللی ارسال، واصل آن را در بایگانی خود نگهداری می‌نماید.

(ب) مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی فوراً تاریخ دریافت درخواست را به متقاضی اطلاع خواهد داد. هرگاه درخواست بر طبق بند ۴ ماده ۵۴، شق (د) بند ۲ ماده ۵۵، شق (ب) بند ۱ ماده ۵۸ مکرر یا شق (ج) بند ۱ ماده ۶۰ آئین‌نامه تسلیم نشده، تلقی شده باشد، یا هرگاه یک انتخاب بر طبق شق (د) بند ۱ ماده ۶۰ آئین‌نامه صورت گرفته تلقی نشده باشد، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، مراتب را به متقاضی و دفتر بین‌المللی اطلاع خواهد داد.

(ج) دفتر بین‌المللی دریافت و تاریخ دریافت هر اطلاعیه دایر به انتخاب متعاقب را فوراً به متقاضی اطلاع خواهد داد. تاریخ مزبور، تاریخ واقعی دریافت بوسیله دفتر بین‌المللی یا عندالاقضاء تاریخ مقرر در شق (و) بند ۱ ماده ۵۶ یا شق (ب) بند ۲ ماده ۶۰ آئین‌نامه خواهد بود. هرگاه اطلاعیه بر طبق شق (ج) بند ۲ ماده ۶۰ اطلاعیه تسلیم نشده، تلقی شده باشد یا هرگاه یک انتخاب متعاقب بر طبق شق (د) بند ۲ ماده ۶۰ آئین‌نامه صورت گرفته تلقی نشده باشد، دفتر بین‌المللی مراتب را به متقاضی اطلاع خواهد داد.

۲-۶۱ اطلاع به ادارات منتخب

(الف) اطلاعیه مقرر در بند (۷) ماده ۳۱ معاهده بوسیله دفتر بین‌المللی محقق خواهد شد.

(ب) در اطلاعیه، شماره و تاریخ تسلیم اظهارنامه بین‌المللی، نام متقاضی، تاریخ تسلیم اظهارنامه‌ای که حق تقدم آن ادعا شده (هرگاه حق تقدم ادعا شده باشد) تاریخ دریافت درخواست بوسیله مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی - و در مورد یک انتخاب متعاقب - تاریخ دریافت اطلاعیه دایر به تحقق انتخاب متعاقب، مشخص خواهد شد.

(ج) اطلاعیه همراه با مکاتبه مقرر در ماده ۲۰ معاهده به اداره منتخب ارسال خواهد شد. انتخاب‌های محقق شده، پس از این مکاتبه، فوراً پس از انجام آنها اطلاع داده خواهد شد.

(د) هرگاه قبل از انجام مکاتبه مقرر در ماده ۲۰ معاهده، متقاضی بر طبق بند (۲) ماده ۴۰ معاهده، تقاضای صریحی را از یک اداره منتخب به عمل آورد، دفتر بین‌المللی بنا به تقاضای متقاضی یا اداره منتخب، فوراً مکاتبه مزبور را با آن اداره، انجام خواهد داد.

۶۱-۳ اطلاعات برای متقاضی

دفتر بین‌المللی، متقاضی را کتباً از اطلاعات مذکور در بند ۲ ماده ۶۱ آئین‌نامه و ادارات منتخب اعلام شده بر طبق بند (۷) ماده ۳۱ معاهده مطلع خواهد ساخت.

۶۱-۴ انتشار در روزنامه رسمی

هرگاه درخواستی قبل از انقضاء ۱۹ ماه از تاریخ حق تقدم تسلیم شده باشد، دفتر بین‌المللی، فوراً پس از تسلیم درخواست ولی نه قبل از انتشار بین‌المللی، اظهارنامه بین‌المللی، اطلاعات مربوط به درخواست و کشورهای منتخب مربوطه را به نحو مقرر در دستورالعمل‌های اداری، در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

ماده ۶۲ - نسخه اصلاحیه‌ها بر طبق ماده ۱۹ معاهده برای مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

۶۲-۱ اصلاحات انجام شده قبل از تسلیم درخواست

پس از دریافت یک درخواست یا نسخه‌ای از آن از مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، دفتر بین‌المللی فوراً نسخه‌ای از هر اصلاحیه موضوع ماده ۱۹ معاهده و هر اظهاریه مذکور در آن ماده را به آن مرجع ارسال خواهد داشت، مگر اینکه مرجع مزبور اعلام نموده باشد که قبلاً چنین نسخه‌ای را دریافت کرده است.

۶۲-۲ اصلاحات انجام شده پس از تسلیم درخواست

اگر در زمان تسلیم هرگونه اصلاحیه موضوع ماده ۱۹ معاهده، درخواستی قبلاً تسلیم شده باشد، مرجع است که متقاضی همزمان با تسلیم اصلاحیه‌ها به دفتر بین‌المللی، نسخه‌ای از این اصلاحیه‌ها و هرگونه اظهاریه مذکور در آن ماده را نیز به مرجع رسیدگی مقدماتی بین‌المللی تسلیم نماید. در هر حال دفتر بین‌المللی فوراً نسخه‌ای از این اصلاحیه‌ها و اظهاریه را به آن مرجع ارسال خواهد نمود.

ماده ۶۳ - حداقل الزامات برای مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

۶۳-۱ تعریف حداقل الزامات

حداقل الزامات مذکور در بند (۳) ماده ۳۲ معاهده به قرار زیر خواهد بود:

«۱» اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی حداقل باید دارای ۱۰۰ نفر مستخدم تمام وقت و واجد خصوصیات فنی کافی برای

انجام بررسی‌ها باشند؛

«۲» اداره یا سازمان مذکور باید حداقل اسناد مذکور در ماده ۳۴ آئین‌نامه که به نحو مناسب برای اهداف بررسی منظم شده باشد را به سهولت در دسترس داشته باشد؛

«۳» اداره یا سازمان مذکور باید دارای کارکنانی باشند که می‌توانند بررسی را در رشته‌های فنی مورد نظر، انجام دهند و از لحاظ زبان توانائی لازم را دست‌کم برای فهم زبان‌هایی که حداقل اسناد مذکور در ماده ۳۴ آئین‌نامه به آن زبان‌ها نوشته یا ترجمه شده‌اند دارا باشند.

ماده ۶۴ - سابقه اختراع ادعائی برای بررسی مقدماتی بین‌المللی

۶۴-۱ سابقه اختراع ادعائی

از لحاظ بند (۲) و بند (۳) ماده ۳۳ معاهده، هر چیزی که در ارتباط با اختراع ادعائی از طریق افشاء کتبی (شامل نقشه‌ها و سایر تصاویر) در هرجائی از جهان در دسترس عموم گذارده شده باشد، به عنوان سابقه اختراع ادعائی تلقی خواهد شد، مشروط بر اینکه در دسترس قرار گرفتن مزبور قبل از تاریخ مربوطه محقق شده باشد.

(ب) از لحاظ شق (الف) فوق تاریخ مربوطه عبارت خواهد بود از:

«۱» با رعایت جزء «۲» زیر، تاریخ تسلیم بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی که تحت بررسی مقدماتی بین‌المللی است؛

«۲» هرگاه اظهارنامه بین‌المللی تحت بررسی مقدماتی بین‌المللی به صورت معتبری حق تقدم اظهارنامه مقدمی را ادعا نماید، تاریخ تسلیم آن اظهارنامه مقدم.

۶۴-۲ افشاهای غیرمکتوب

در مواردی که در دسترس عموم قراردادن از طریق افشاء شفاهی، استفاده، نمایش و یا سایر وسایل غیرکتبی (افشاء غیرکتبی) قبل از تاریخ مربوط به نحو مقرر در شق (ب) بند ۱ ماده ۶۴ آئین‌نامه صورت گرفته باشد و تاریخ اینگونه افشاء غیرکتبی در یک افشاء مکتوبی که در دسترس عموم قرار گرفته و تاریخ آن همان تاریخ مربوط یا دیرتر از آن باشد، منعکس شود، افشاء غیرمکتوب بخشی از سابقه اختراع ادعائی، از لحاظ بند (۲) و بند (۳) ماده ۳۳ معاهده تلقی نخواهد شد. مع هذا گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی توجه را به چنین افشاء غیرکتبی به نحو مقرر در بند ۹ ماده ۷۰ آئین‌نامه جلب خواهد نمود.

۶۴-۳ برخی اسناد منتشر شده

در مواردی که هر اظهارنامه یا هر اختراع ثبت شده که اگر قبل از تاریخ مربوطه مذکور در بند ۱ ماده ۶۴ آئین‌نامه انتشار می‌یافت می‌توانست از لحاظ بند (۲) و (۳) ماده ۳۳ معاهده، سابقه اختراع ادعائی تلقی شود، در همان تاریخ مربوطه یا دیرتر از آن انتشار یافته باشد، ولی قبل از تاریخ مربوطه تسلیم شده یا حق اولویت یک اظهارنامه قبلی که قبل از تاریخ مربوطه تسلیم

شده را ادعا نماید، چنین اظهارنامه منتشره یا اختراع ثبت شده، بخشی از سابقه اختراع ادعائی از لحاظ بند (۲) و (۳) ماده ۳۳ معاهده تلقی نخواهد شد. مع هذا گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی توجه را به چنین اظهارنامه یا اختراع ثبت شده به نحو مقرر در بند ۱۰ ماده ۷۰ آئین‌نامه جلب خواهد نمود.

ماده ۶۵ – گام ابتکاری یا نا آشکار بودن

۱- ۶۵ روش مربوط به سابقه اختراع ادعائی

از لحاظ بند (۳) ماده ۳۳ معاهده، در هر بررسی مقدماتی بین‌المللی، رابطه هر ادعای خاص با سابقه اختراع ادعائی بطور کلی در نظر گرفته خواهد شد. بررسی مزبور رابطه ادعا را نه تنها با یکایک اسناد یا بخشی از آنها به صورت جداگانه در نظر می‌گیرد، بلکه همچنین رابطه آن را با ترکیب‌های اینگونه اسناد یا بخش‌های اسناد، هرگاه چنین ترکیب‌هایی برای شخصی که در فن مربوط دارای مهارت است واضح و آشکار باشد، نیز در نظر خواهد گرفت.

۲- ۶۵ تاریخ مربوط

از لحاظ بند (۳) ماده ۳۳ معاهده، تاریخ مربوط برای بررسی یک گام ابتکاری (نا آشکار بودن)، تاریخی است که در بند ۱ ماده ۶۴ آئین‌نامه مقرر شده است.

ماده ۶۶ – آئین کار مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

۱- ۶۶ مبنای بررسی مقدماتی بین‌المللی

(الف) با رعایت شقوق (ب) تا (د) این بند، بررسی مقدماتی بین‌المللی مبتنی بر اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی خواهد بود.

(ب) متقاضی می‌تواند اطلاعیه‌هایی را طبق ماده ۳۴ معاهده، در زمان تسلیم درخواست یا با رعایت بند ۴ مکرر ماده ۶۶

آئین‌نامه، تا قبل از تهیه گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی تسلیم نماید.

(ج) هر اصلاحیه به موجب ماده ۱۹ معاهده که قبل از تسلیم درخواست ارائه شود، از لحاظ بررسی مقدماتی بین‌المللی در

نظر گرفته خواهد شد، مگر اینکه بوسیله اصلاحیه بر طبق ماده ۳۴ معاهده، باطل تلقی شده یا اصلاحیه جایگزین شده باشد.

(د) هر اصلاحیه به موجب ماده ۱۹ معاهده که بعد از تسلیم درخواست ارائه شود و هر اصلاحیه که به موجب ماده ۳۴

معاهده به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تسلیم شود، از لحاظ بررسی مقدماتی بین‌المللی، با رعایت بند ۴ مکرر ماده ۶۶

آئین‌نامه، در نظر گرفته خواهد شد.

(ه) نیازی نیست که ادعاهای مربوط به اختراعاتی که در ارتباط با آنها هیچ گزارش جستجوی بین‌المللی تهیه نشده، موضوع بررسی مقدماتی بین‌الملل قرار گیرند.

۲- ۶۶ اولین نظریه کتبی مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

(الف) اگر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

«۱» تشخیص دهد که هر کدام از وضعیت‌های مذکور در بند (۴) ماده ۳۴ معاهده وجود دارد،

«۲» تشخیص دهد که گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی باید در خصوص هر ادعایی به علت اینکه ادعای اختراعی در آن به نظر جدید نمی‌رسد، شامل گام ابتکاری نیست (به نظر ناآشکار نمی‌رسد) یا به نظر نمی‌رسد که کاربرد صنعتی داشته باشد، منفی باشد،

«۳» ملاحظه نماید که در فرم یا محتوای اظهارنامه بین‌المللی بر طبق معاهده یا مقررات آئین‌نامه، برخی نقایص وجود دارد،

«۴» تشخیص دهد که اصلاحیه‌ای فراتر از افشاء در اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی است،

«۵» مایل باشد که نقطه نظرات مربوط به وضوح ادعاها، توصیف و نقشه‌ها یا این موضوع که آیا ادعاها کاملاً به وسیله توصیف تأیید می‌شوند یا خیر به گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی منضم باشد،

«۶» تشخیص دهد که ادعا مربوط می‌شود به اختراعی که در خصوص آن هیچ گزارش جستجوی بین‌المللی تهیه نشده و تصمیم گرفته باشد که بررسی مقدماتی بین‌المللی در خصوص آن ادعا انجام نشود، یا

«۷» تشخیص دهد که فهرست ترتیب نوکلتوید و یا اسید آمینه نحوی که بتوان یک بررسی مقدماتی بین‌المللی معناداری را انجام داد در اختیار آن نیست،

در آنصورت مرجع مذکور، مراتب را به متقاضی به صورت کتبی اطلاع خواهد داد. هرگاه قانون ملی اداره ملی عمل‌کننده به عنوان مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، مجاز نداند که ادعاهای وابسته مرکب، به نحوی متفاوت از آنچه در جملات دوم و سوم شق (الف) بند ۴ ماده ۶ آئین‌نامه مقرر شده، تدوین شوند، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، می‌تواند در صورت عدم استفاده از آن روش ادعا کردن، شق (ب) بند (۴) ماده ۳۴ معاهده را اعمال نماید. در چنین موردی مرجع مزبور مراتب را کتباً به متقاضی اطلاع خواهد داد.

(ب) در اطلاعیه، دلایل نظریه مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی به طور کامل بیان خواهد شد.

(ج) در اطلاعیه، از متقاضی دعوت به عمل خواهد آمد که یک پاسخ کتبی را، عندالاجتضاء، همراه با اصلاحیه‌ها تسلیم

نماید.

(د) اطلاعیه، یک مهلتی را برای پاسخ تعیین خواهد نمود. مهلت بر طبق شرایط و اوضاع و احوال معقول خواهد بود. این مهلت معمولاً دو ماه پس از تاریخ اطلاعیه خواهد بود. در هیچ موردی مهلت مذکور کمتر از یک ماه پس از تاریخ مذکور نخواهد بود. هرگاه گزارش جستجوی بین‌المللی در همان تاریخ اطلاعیه ارسال شده باشد، این مهلت حداقل دو ماه پس از تاریخ اطلاعیه خواهد بود. این مهلت بیش از سه ماه پس از تاریخ مذکور نخواهد بود ولی می‌تواند در صورت تقاضای متقاضی قبل از انقضای آن تمدید شود.

۳- ۶۶ پاسخ رسمی به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی

(الف) متقاضی می‌تواند به دعوت مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی مذکور در شق (ج) بند ۲ ماده ۶۶ آئین‌نامه از طریق ارائه اصلاحیه‌ها یا - اگر او با نظریه آن مرجع مخالف باشد - با تسلیم استدلال‌ها، بر حسب مورد، یا به هر دو طریق پاسخ دهد. (ب) هر پاسخ مستقیماً به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تسلیم خواهد شد.

۴- ۶۶ فرصت اضافی برای تسلیم اصلاحیه‌ها یا استدلال‌ها

(الف) اگر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی باشد که، یک یا چند نظریه کتبی دیگر را صادر نماید می‌تواند چنین کند که در این صورت بند ۲ و ۳ ماده ۶۶ آئین‌نامه اعمال خواهد شد.

(ب) بنا به تقاضای متقاضی، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند یک یا چند فرصت اضافی را در اختیار وی برای تسلیم اصلاحیه‌ها یا استدلال‌ها قرار دهد.

۴ مکرر- ۶۶ بررسی اصلاحیه‌ها و استدلال‌ها

اگر اصلاحیه‌ها یا استدلال‌ها پس از اینکه مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی شروع به تنظیم نظریه یا گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی نموده باشد، واصل گردد، این اصلاحیه‌ها یا استدلال‌ها لازم نیست که در نظریه کتبی یا گزارش مزبور ملحوظ گردند.

۵- ۶۶ اصلاحیه

هر نوع تغییر در ادعاها، توصیف یا نقشه‌ها، از جمله ابطال ادعاها، حذف عبارات در توصیف، یا حذف نقشه‌های خاص به جز اصلاح اشتباهات فاحش، به عنوان اصلاحیه محسوب خواهد شد.

۶- ۶۶ ارتباطات غیر رسمی با متقاضی

مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند در هر زمان از طریق تلفن، کتبی، یا از طریق مصاحبه شخصی با متقاضی

ارتباط برقرار نماید. مرجع مزبور بنا بر تشخیص خود در خصوص اینکه آیا مایل است در صورت تقاضای متقاضی بیش از یک مصاحبه شخصی با وی داشته باشد یا مایل است به هر مکاتبه غیررسمی کتبی از متقاضی پاسخ دهد، تصمیم‌گیری خواهد نمود.

۶۶-۷ سند حق تقدم

(الف) اگر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی احتیاج به نسخه‌ای از اظهارنامه داشته‌باشد که حق اولویت آن در اظهارنامه بین‌المللی ادعا شده، دفتر بین‌المللی، بنا به تقاضا، فوراً نسخه مزبور را در اختیار قرار خواهد داد. اگر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی به علت اینکه متقاضی الزامات بند (۱) ماده (۱۷) آئین‌نامه را رعایت ننموده، نسخه مزبور را در اختیار قرار ندهد، گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی به گونه‌ای تهیه خواهد شد که حق تقدم ادعا نشده است.

(ب) اگر اظهارنامه‌ای که حق تقدم آن در اظهارنامه بین‌المللی ادعا شده به زبانی غیر از زبان یا یکی از زبان‌های مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، تنظیم شده باشد، آن مرجع می‌تواند در صورتیکه اعتبار ادعای حق تقدم برای تنظیم نظریه مذکور در بند (۱) ماده ۳۳ معاهده موضوعیت داشته باشد، از متقاضی دعوت نماید که ظرف دو ماه از تاریخ دعوت، ترجمه‌ای به آن زبان یا یکی از زبان‌ها را تسلیم نماید. اگر ظرف مهلت مذکور ترجمه‌ای ارائه نشود، گزایش بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند به گونه‌ای تهیه شود که حق تقدم ادعا نشده است.

۸- ۶۶ شکل اصلاحیه‌ها

(الف) با رعایت شق (ب) این بند، از متقاضی خواسته خواهد شد، که برای هر ورقه از اظهارنامه بین‌المللی که به علت یک اصلاحیه با ورقه تسلیمی قبلی متفاوت می‌شود، یک ورقه جایگزین را تسلیم نماید. در نامه‌ای که به همراه اوراق جایگزین تسلیم می‌شود، توجه به تفاوت‌های بین اوراق جایگزین شده و اوراق جایگزین جلب و ترجیحاً دلایل اصلاحیه شرح داده خواهد شد.

(ب) هرگاه اصلاحیه از حذف عبارات یا تغییرات یا اضافات جزئی تشکیل شده باشد، ورقه جایگزین مذکور در شق (الف) این بند، می‌تواند نسخه‌ای از ورقه مربوطه در اظهارنامه بین‌المللی حاوی تغییرات یا اضافات باشد، مشروط بر اینکه به واضح بودن و امکان تکثیر مستقیم آن ورقه لطمه‌ای وارد نیاید. تا آنجا که هر اصلاحیه‌ای به بطلان کل ورقه منجر شود، آن اصلاحیه طی نامه‌ای که ترجیحاً دلایل اصلاحیه را نیز توضیح دهد، ارسال خواهد شد.

۹- ۶۶ زبان اصلاحیه‌ها

(الف) با رعایت شقوق (ب) و (ج) این بند، اگر اظهارنامه بین‌المللی به زبانی غیر از زبانی که به آن زبان انتشار یافته،

تسلیم شده باشد، هر اصلاحیه و هر نامه مذکور در بند ۸ ماده ۶۶ به زبان انتشار تسلیم خواهد شد.

(ب) اگر بر طبق بند ۲ ماده ۵۵ آئین نامه، بررسی مقدماتی بین المللی بر اساس ترجمه ای از اظهارنامه بین المللی صورت

گرفته باشد، هر اصلاحیه و همچنین نامه مذکور در شق (الف) فوق، به آن زبان ترجمه، تسلیم خواهد شد.

(ج) با رعایت بند ۳ ماده ۵۵ آئین نامه، اگر یک اصلاحیه یا نامه به زبان مقرر در شق (الف) یا (ب) فوق تسلیم نشود،

مرجع بررسی مقدماتی بین المللی، اگر با توجه به مهلت تهیه گزارش بررسی مقدماتی بین المللی عملی باشد، از متقاضی دعوت

خواهد نمود که اصلاحیه یا نامه را به زبان مقرر، ظرف مهلتی که بر حسب شرایط و اوضاع و احوال معقول باشد، در اختیار قرار

دهد.

(د) اگر متقاضی ظرف مهلت مقرر در بند (ج) فوق، دعوت مربوط به ارائه یک اصلاحیه را به زبان مقرر اجابت ننماید،

اصلاحیه در بررسی مقدماتی بین المللی در نظر گرفته نخواهد شد. اگر متقاضی، ظرف مهلت مقرر در شق (ج) فوق، دعوت

مربوط به ارائه نامه مذکور در شق (الف) فوق به زبان مقرر را اجابت ننماید، از لحاظ بررسی مقدماتی بین المللی، در نظر گرفتن

اصلاحیه ضروری نخواهد بود.

ماده ۶۷ – موضوع طبق جزء «۱» شق (الف) بند (۴) ماده ۳۴ معاهده

۶۷-۱ تعریف

از هیچ مرجع بررسی مقدماتی بین المللی خواسته نخواهد شد که بررسی مقدماتی بین المللی را درباره اظهارنامه بین المللی

انجام دهد اگر موضوع آن و تا آنجا که به آن مربوط می شود، یکی از موارد زیر باشد:

«۱» نظریه های علمی و ریاضی،

«۲» گونه های نباتی یا حیوانی یا فرایندهای اساساً بیولوژیکی برای تولید نباتات و حیوانات، غیر از فرایندهای

میکروبیولوژیکی و محصولات این فرایندها،

«۳» طرحها، قواعد یا روشهای انجام کسب و کار، فعالیت های فکری محض یا انجام بازی ها،

«۴» روش های معالجه بدن انسان یا حیوان از طریق جراحی یا درمان و همچنین روش های تشخیص طبی،

«۵» ارائه محض اطلاعات،

«۶» برنامه های رایانه ای تا آنجا که مرجع بررسی مقدماتی بین المللی مجهز برای انجام بررسی مقدماتی بین المللی برای

اینگونه برنامه ها نباشد.

ماده ۶۸ - فقدان اصل وحدت اختراع (بررسی مقدماتی بین‌المللی)

۱- ۶۸ عدم دعوت برای محدودسازی یا پرداخت

هرگاه مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تشخیص دهد که الزام وحدت اختراع رعایت نشده و تصمیم بگیرد که از متقاضی دعوت ننماید که ادعاها را محدود نماید، یا هزینه‌های اضافی را بپردازد، آن مرجع با رعایت شق (ب) بند (۴) ماده ۳۴ معاهده و شق (ه) بند ۱ ماده ۶۶ آئین‌نامه در ارتباط با کلیه اظهارنامه بین‌المللی، بررسی مقدماتی را آغاز خواهد نمود، ولی در اظهارنظر کتبی و در گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی، اعلام خواهد نمود که تشخیص می‌دهد که الزام وحدت اختراع تحقق نیافته، و دلایل آن را مشخص خواهد ساخت.

۲- ۶۸ دعوت برای محدودسازی یا پرداخت

هرگاه مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تشخیص دهد که الزام وحدت اختراع رعایت نشده و تصمیم بگیرد که از متقاضی دعوت کند که، بنظر خود، ادعاها را محدود کند، یا هزینه‌های اضافی را پرداخت نماید، آن مرجع لااقل یک امکان محدودسازی که بنظرش، مطابق با الزام قابل اعمال خواهد بود، را مشخص و مبلغ هزینه‌های اضافی و دلایلی که بر طبق آن تشخیص داده شده که اظهارنامه بین‌المللی الزام وحدت اختراع را رعایت ننموده معلوم خواهد نمود. مرجع به طور هم زمان با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال مورد، مهلتی را برای اجابت دعوت تعیین خواهد نمود؛ این مدت کمتر از یکماه و بیشتر از دو ماه از تاریخ دعوت نخواهد بود.

۳- ۶۸ هزینه‌های اضافی

(الف) مبلغ هزینه اضافی برای بررسی مقدماتی بین‌المللی بر طبق شق (الف) بند (۳) ماده ۳۴ معاهده، به وسیله مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی تعیین خواهد شد.

(ب) مبلغ هزینه اضافی برای بررسی مقدماتی بین‌المللی بر طبق شق (الف) بند (۳) ماده ۳۴ معاهده، مستقیماً به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی قابل پرداخت خواهد بود.

(ج) هر متقاضی می‌تواند ضمن اعتراض، هزینه اضافی را، همراه با یک اظهاریه مستدل، دایر بر اینکه در اظهارنامه بین‌المللی الزام وحدت اختراع رعایت شده، یا اینکه مبلغ هزینه اضافی درخواستی بسیار زیاد است، پرداخت کند. این اعتراض به وسیله یک هیئت سه نفره یا جلسه خاص مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی یا هر مرجع صلاحیتدار عالیتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت که تا آنجا که تشخیص دهد اعتراض موجه است، دستور به استرداد کل یا قسمتی از هزینه اضافی به متقاضی

خواهد داد. بنا به تقاضای متقاضی متن اعتراض و تصمیم متخذه در قبال آن به نحو توأمان، به صورت ضمیمه گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی، به ادارات منتخب ارسال خواهد شد.

(د) هیئت سه نفره، جلسه خاص یا مرجع عالیتر صلاحیتدار مذکور در شق (ج) فوق، نباید از هر شخصی که تصمیم مورد اعتراض را اتخاذ نموده تشکیل شود.

(ه) هرگاه طبق بند (ج)، متقاضی هزینه اضافی را همراه با اعتراض پرداخت نموده باشد، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند پس از یک بررسی اولیه درباره موجه بودن دعوت به پرداخت هزینه اضافی، از متقاضی بخواهد که هزینه‌ای را برای بررسی اعتراض (هزینه اعتراض) پرداخت نماید. هزینه اعتراض ظرف مدت یکماه از تاریخ اطلاع نتایج بررسی به متقاضی، پرداخت خواهد شد. اگر هزینه اعتراض باین نحو پرداخت نشود، اعتراض مسترد شده تلقی خواهد شد. هرگاه هیئت سه نفره، جلسه خاص یا مرجع عالیتر مذکور در بند (ج) فوق تشخیص دهد که اعتراض کاملاً موجه است، هزینه اعتراض به متقاضی مسترد خواهد شد.

۴- ۶۸ روش در مورد محدودسازی ناکافی ادعاها

اگر متقاضی ادعاها را محدود نماید ولی کافی برای رعایت الزام وحدت اختراع نباشد، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی به نحو مقرر در شق (ج) بند (۳) ماده ۳۴ معاهده اقدام خواهد نمود.

۵- ۶۸ اختراع اصلی

از لحاظ شق (ج) بند (۳) ماده ۳۴ معاهده، در صورت وجود شک و تردید درباره اینکه کدام اختراع اصلی است، اختراعی که اول در ادعاها ذکر شده به عنوان اختراع اصلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ماده ۶۹- آغاز و مهلت بررسی مقدماتی بین‌المللی

۱- ۶۹ آغاز بررسی مقدماتی بین‌المللی

(الف) با رعایت شقوق (ب) تا (ه) این بند، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، زمانی که، درخواست و یکی از این دو مورد یعنی گزارش جستجوی بین‌المللی یا اعلامیه مربوط به اعلام مرجع جستجوی بین‌المللی برطبق شق (الف) بند (۲) ماده (۱۷) معاهده، دایر بر اینکه هیچ گزارش جستجوی بین‌المللی تهیه نخواهد شد را بصورت توأمان در اختیار داشته باشد، بررسی مقدماتی بین‌المللی را آغاز خواهد نمود.

(ب) اگر مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی، بخشی از همان اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی به عنوان مرجع

صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی باشد، بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند، اگر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی مایل باشد و با رعایت شق (د) این بند، همزمان با جستجوی بین‌المللی آغاز شود.

(ج) هرگاه اظهاریه مربوط به اصلاحیه‌ها، حاوی مطلبی باشد دال بر اینکه، اصلاحیه‌ها بر طبق ماده ۱۹ معاهده باید در نظر گرفته شوند (جزء (۱) شق (الف) بند ۹ ماده ۵۳ آئین‌نامه)، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، قبل از دریافت نسخه‌ای از اصلاحیه‌های مربوطه، بررسی مقدماتی بین‌المللی را آغاز نخواهد نمود.

(د) هرگاه اظهاریه مربوط به اصلاحیه‌ها حاوی مطلبی باشد که آغاز بررسی مقدماتی بین‌المللی باید به حالت تعلیق درآید (شق (ب) بند ۹ ماده ۵۳ آئین‌نامه) مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی قبل از:

«۱» دریافت نسخه‌ای از هر اصلاحیه به عمل آمده بر طبق ماده ۱۹ معاهده،

«۲» دریافت اعلامیه از متقاضی دایر بر اینکه او مایل نیست اصلاحاتی را بر طبق ۱۹ معاهده انجام دهد، یا،

«۳» منقضی شدن ۲۰ ماه از تاریخ حق تقدم، هرکدام که زودتر باشد، بررسی مقدماتی بین‌المللی را آغاز نخواهند نمود.

(ه) هرگاه اظهاریه مربوط به اصلاحیه‌ها، حاوی مطلبی باشد که اصلاحیه‌ها بر طبق ماده ۳۴ معاهده همراه با درخواست تسلیم شده‌اند (شق (ج) بند ۹ ماده ۵۳ آئین‌نامه)، اما در واقع چنین اصلاحیه‌هایی تسلیم نشده باشد، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، قبل از دریافت اصلاحیه‌ها یا قبل از انقضاء مهلت تعیین شده در دعوت‌نامه مذکور در شق (ز) بند ۱ ماده ۶۰ آئین‌نامه، هرکدام که زودتر باشد، بررسی مقدماتی بین‌المللی را آغاز نخواهند نمود.

۲-۶۹ مهلت برای بررسی مقدماتی بین‌المللی

مهلت برای تهیه گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی هرکدام که دیرتر منقضی شوند به شرح زیر خواهد بود:

«۱» ۲۸ ماه از تاریخ حق تقدم، یا

«۲» هشت ماه از تاریخ پرداخت هزینه‌های مذکور در بند ۱ ماده ۵۷ و شق (الف) بند ۱ ماده ۵۸ آئین‌نامه یا

«۳» هشت ماه از تاریخ دریافت ترجمه ارائه شده بر طبق بند ۲ ماده ۵۵ آئین‌نامه، توسط مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی.

ماده ۷۰- گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی

۱-۷۰ تعریف

از لحاظ این ماده گزارش به معنای گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی خواهد بود.

۲-۷۰ مبنای گزارش

(الف) اگر ادعاها اصلاح شده باشند، گزارش براساس ادعاهای اصلاح شده صادر خواهد شد.

(ب) اگر برطبق شق (ب) یا (الف) بند ۷ ماده ۶۶ آئین نامه، گزارش به گونه ای تنظیم شده باشد که حق تقدیمی ادعا نشده بوده است، گزارش مراتب را اعلام خواهند نمود.

(ج) اگر مرجع بررسی مقدماتی بین المللی تشخیص دهد که اصلاحیه ای فراتر از افشاء در اظهارنامه بین المللی تسلیمی است، گزارش به گونه ای تهیه خواهد شد که چنین اصلاحیه ای ارائه نشده است و در گزارش مراتب اعلام خواهد شد. گزارش هم چنین دلایل اینکه چرا مرجع تشخیص می دهد که اصلاحیه فراتر از افشاء مذکور است، بیان خواهد شد.

(د) هرگاه ادعاها مربوط به اختراعاتی شود که درخصوص آن هیچ گزارش جستجوی بین المللی تهیه نشده و در نتیجه موضوع بررسی مقدماتی بین المللی نبوده، در گزارش بررسی مقدماتی بین المللی مراتب اعلام خواهد شد.

۷۰-۳ مشخصات

در گزارش، مشخصات مرجع بررسی مقدماتی بین المللی که آن را تهیه نموده، از طریق ذکر نام آن مرجع و اظهارنامه بین المللی با ذکر شماره اظهارنامه بین المللی، نام متقاضی و تاریخ تسلیم اظهارنامه بین المللی، مشخص خواهد شد.

۷۰-۴ تاریخ ها

در گزارش تاریخ های زیر ذکر خواهند شد:

«۱» تاریخی که در آن تاریخ درخواست تسلیم شده است، و

«۲» تاریخ گزارش؛ یعنی تاریخی که در آن تاریخ گزارش کامل شده است.

۷۰-۵ طبقه بندی

(الف) اگر مرجع بررسی مقدماتی بین المللی با طبقه بندی داده شده برطبق بند ۳ ماده ۴۳ آئین نامه موافق باشد، همان طبقه بندی در گزارش تکرار خواهد شد.

(ب) در غیر این صورت، مرجع بررسی مقدماتی بین المللی، طبقه بندی که تشخیص می دهد حداقل برطبق طبقه بندی بین المللی اختراع صحیح است را در گزارش ذکر خواهند نمود.

۷۰-۶ اظهاریه بر طبق بند (۲) ماده ۳۵ معاهده

(الف) اظهاریه مذکور در بند (۲) ماده ۳۵ معاهده متشکل خواهد بود از کلمات «آری» یا «نه» یا معادل آن ها در زبانی که گزارش به آن زبان تهیه شده یا علامت مناسبی که در دستور العمل های اداری مقرر شده است و در صورت وجود، نقل و قول ها، توضیحات و مشاهدات مذکور در جمله آخر بند (۲) ماده ۳۵ معاهده.

(ب) اگر هر يك از سه ضابطه مذکور در بند (۲) ماده ۳۵ معاهده (يعنی جديد بودن، گام ابتكاری (ناآشكار بودن)، کاربرد صنعتی داشتن) رعایت نشده باشد، اظهاریه منفی خواهد بود. اگر در چنین حالتی هر يك از این ضابطه ها به تنهایی رعایت شده باشد، گزارش، ضابطه یا ضوابطی را كه باین نحو رعایت شده، مشخص خواهند نمود.

۷-۷۰ نقل قول ها بر طبق بند (۲) ماده ۳۵ معاهده

(الف) اسنادی كه برای حمایت از اظهاریه های صادره طبق بند (۲) ماده ۳۵ معاهده مرتبط تشخیص داده شوند، اعم از اینکه نام آنها در گزارش جستجوی بین المللی نقل شده یا نشده باشد، در گزارش ذكر خواهد شد. اسناد مذکور در گزارش جستجوی بین المللی تنها هنگامی لازم است در گزارش درج شوند كه از نظر مرجع بررسی مقدماتی بین المللی مرتبط تلقی گردند. (ب) مقررات شق (ب) و (ه) بند ۵ ماده ۴۳ آئين نامه در مورد گزارش نیز اعمال خواهد شد.

۸-۷۰ توضیحات بر طبق بند (۲) ماده ۳۵ معاهده

در مواردی كه می باید توضیحات مذکور در بند (۲) ماده ۳۵ معاهده داده شود یا خیر و شكل این توضیحات، دستور العمل های اداری حاوی رهنمودهائی خواهد بود. رهنموده های مذکور بر اساس اصول زیر خواهند بود:

«۱» هرگاه اظهاریه مربوط به هرادعا منفی باشد، توضیحات ارائه خواهد شد،

«۲» هرگاه اظهاریه مثبت باشد توضیحات ارائه خواهد شد، مگر اینکه دلیل نقل و قول هر سند براساس مراجعه به سند ذكر شده به آسانی قابل تصور باشد،

«۳» به طور کلی اگر مورد مقرر در جمله آخر شق (ب) بند ۶ ماده ۷۰ آئين نامه مصداق داشته باشد، توضیحات ارائه خواهد شد.

۹-۷۰ افشاء های غیر کتبی

هر افشاء غیر کتبی مورد اشاره در گزارش، حسب بند ۲ ماده ۶۴ آئين نامه، با ذكر نوع، تاریخی كه در آن تاریخ افشاء کتبی كه به افشاء غیر کتبی اشاره می نماید در دسترس عموم قرار گرفته و تاریخی كه افشاء غیر کتبی برای عموم صورت گرفته، انجام خواهد شد.

۱۰-۷۰ اسناد منتشره خاص

هر اظهار نامه انتشار یافته، یا هراختراع مورد اشاره در گزارش حسب بند ۳ ماده ۶۴ آئين نامه، به همان ترتیب ذكر خواهد شد و همراه خواهد بود با ذكری از تاریخ انتشار آن، تاریخ تسلیم آن و تاریخ حق تقدم ادعائی آن (در صورت وجود) در خصوص تاریخ حق تقدم هریك از این اسناد، در گزارش ممكن است اعلام شود كه نظر مرجع بررسی مقدماتی بین المللی چنین تاریخی بصورت

معتبر ادعا نشده است.

۷۰-۱۱ ذکر اصلاحیه‌ها

اگر اصلاحیه نزد مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی به عمل آمده باشد، مراتب مزبور در گزارش اعلام خواهد شد. هرگاه، هر اصلاحیه‌ای به بطلان کامل یک ورقه منجر شده باشد، این واقعیت نیز در گزارش مشخص خواهد شد.

۷۰-۱۲ ذکر نقایص خاص و سایر موضوعات

اگر به هنگام تهیه گزارش، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تشخیص دهد که:

«۱» اظهارنامه بین‌المللی، حاوی هریک از نقایص مذکور در جزء «۳» شق (الف) بند ۲ ماده ۶۶ آئین‌نامه است، آن مرجع

این نظر را همراه با دلایل آن در گزارش درج خواهد نمود؛

«۲» اظهارنامه بین‌المللی خواهان هر یک از مشاهدات مندرج در جزء (۵) شق (الف) بند ۲ ماده ۶۶ آئین‌نامه است، آن

مرجع می‌تواند این نظر را در گزارش درج نماید و اگر مبادرت به چنین اقدامی نماید، آن مرجع همچنین دلایل چنین نظریه‌ای را در گزارش ذکر خواهد نمود،

«۳» در صورتی که هر یک از وضعیت‌های مذکور در بند (۴) ماده ۳۴ معاهده مصداق داشته باشد، آن مرجع این نظر و

دلایل آن را در گزارش بیان خواهد نمود؛

«۴» فهرست ترتیب نوکلئوتید و یا اسید آمینه در دسترس آن قرار ندارد به نحوی که انجام بررسی مقدماتی بین‌المللی

معنادار را نتوان انجام داد، آن مرجع مراتب را از همین قرار در گزارش خواهد آورد.

۷۰-۱۳ توضیحات در خصوص وحدت اختراع

اگر متقاضی برای بررسی مقدماتی بین‌المللی هزینه‌های اضافی را پرداخت نماید، یا اگر اظهارنامه بین‌المللی یا بررسی

مقدماتی به موجب بند (۳) ماده ۳۴ معاهده، محدود شده باشد، مراتب به همین نحو در گزارش اعلام خواهد شد. به علاوه هرگاه

بررسی مقدماتی بین‌المللی درباره ادعاهای محدود شده [شق (الف) بند (۳) ماده ۳۴ معاهده یا فقط درباره اختراع اصلی شق (ج)

بند (۳) ماده ۳۴ معاهده] انجام شده باشد، گزارش مشخص خواهد نمود که چه قسمت‌هایی از اظهارنامه بین‌المللی، موضوع بررسی

مقدماتی بوده یا نبوده است. هرگاه مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تصمیم گرفته باشد که از متقاضی دعوت ننماید که ادعاها

را محدود نماید یا هزینه‌های اضافی را پرداخت کند، گزارش حاوی مطلب مقرر در بند ۱ ماده ۶۸ آئین‌نامه خواهد بود.

۷۰-۱۴ کارمند دارای اختیار

در گزارش نام مأمور مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی که مسئول گزارش است، ذکر خواهد شد.

الزامات مربوط به شکل و ضمایم راجع به فرم گزارش در دستورالعمل‌های اداری تعیین خواهد شد.

۷۰-۱۶ ضمایم گزارش

هر ورقه جایگزین بر طبق شق (الف) یا (ب) بند ۸ ماده ۶۶ آئین‌نامه، هر ورقه جایگزین حاوی اصلاحیه‌ها بر طبق ماده ۱۹ معاهده و هر ورقه جایگزین حاوی اصلاحات، اشتباهات فاحش مجاز بر طبق جزء «۳» شق (ه) بند ۱ ماده ۹۱ آئین‌نامه، اگر بوسیله اوراق جایگزین بعدی یا اصلاحیه‌های منتهی به ابطال تمام اوراق به موجب شق (ب) بند ۸ ماده ۶۶ آئین‌نامه باطل نشده باشند، به گزارش ضمیمه خواهند شد. اصلاحیه‌های موضوع ماده ۱۹ معاهده که از طریق اصلاحیه طبق ماده ۳۴ معاهده لغو شده باشند و نامه‌های موضوع بند ۸ ماده ۶۶ آئین‌نامه منضم نخواهد شد.

۷۰-۱۷ زبان‌های گزارش و ضمایم

گزارش و هر ضمیمه آن، به زبان انتشار اظهارنامه بین‌المللی مربوط به آنها، یا، اگر بررسی مقدماتی بین‌المللی بر طبق بند ۲ ماده ۵۵ آئین‌نامه براساس ترجمه اظهارنامه بین‌المللی انجام شده باشد، به آن زبان ترجمه خواهد بود.

ماده ۷۱- ارسال گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی

۷۱-۱ دریافت‌کنندگان

مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی یک نسخه از گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی و ضمایم آن، را در صورت وجود، برای دفتر بین‌المللی و در همان روز یک نسخه را برای متقاضی ارسال خواهند نمود.

۷۱-۲ نسخه‌هایی از اسناد که نقل قول شده‌اند.

(الف) تقاضا بر طبق بند (۴) ماده ۳۶ معاهده می‌تواند در هر زمان، ظرف هفت روز از تاریخ تسلیم بین‌المللی که گزارش به آن مربوط است، ارائه شود.

(ب) مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند بخواهد که طرف ارائه‌کننده تقاضا (متقاضی یا اداره منتخب)، هزینه مربوط به تهیه و ارسال با پست نسخه‌ها را به آنپردازد. میزان هزینه‌های تهیه نسخه‌ها در موافقت‌نامه‌های مذکور در بند (۲) ماده ۳۲ معاهده بین مراجع بررسی مقدماتی بین‌المللی و دفتر بین‌المللی مقرر خواهد شد.

(ج) [حذف شده است]

(د) هر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند از طریق کارگزار دیگری که در قبال آن مرجع مسئول است، وظایف

مذکور در شق‌های (الف) و (ب) فوق را انجام دهد.

ماده ۷۲- ترجمه گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی

۷۲-۱ زبان‌ها

(الف) هر کشور منتخب می‌تواند بخواهد که گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی که به هر زبان دیگری غیر از زبان رسمی و یا یکی از زبان‌های رسمی اداره ملی آن، تهیه شده است، به زبان انگلیسی ترجمه شود.

(ب) چنین الزامی به دفتر بین‌المللی اطلاع داده خواهد شد و آن دفتر مراتب را فوراً در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

۷۲-۲ نسخه ترجمه برای متقاضی

دفتر بین‌المللی نسخه‌ای از ترجمه گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی مذکور در شق (الف) بند ۱ ماده ۷۲ آئین‌نامه را هم‌زمان برای اداره یا ادارات منتخب ذینفع و متقاضی ارسال خواهد نمود.

۷۲-۳ ملاحظات درباره ترجمه

متقاضی می‌تواند ملاحظات خود را به صورت کتبی درباره آنچه که به نظر او، اشتباهات ترجمه‌ای در ترجمه گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی است، تنظیم و نسخه‌ای از آن ملاحظات را به‌هریک از ادارات منتخب ذینفع و نسخه‌ای از آن را به دفتر بین‌المللی ارسال نماید.

ماده ۷۳- ارسال گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی

۷۳-۱ تهیه نسخه‌ها

دفتر بین‌المللی نسخه‌هایی از اسناد که باید بر طبق شق (الف) بند (۳) ماده ۳۶ معاهده ارسال شوند را تهیه خواهد نمود.

۷۳-۲ مهلت ارسال

ارسال مقرر در شق (الف) بند (۳) ماده ۳۶ معاهده در اسرع وقت ممکن ولی نه زودتر از ارسال مقرر در ماده ۲ معاهده اجرا خواهد شد.

ماده ۷۴- ترجمه‌های ضمایم گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی و ارسال آنها

۷۴-۱ محتویات ترجمه و مهلت ارسال آنها

(الف) هرگاه اداره منتخب، برطبق بند (۱) ماده ۳۹ معاهده، ارائه ترجمه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی را خواستار شود، متقاضی ظرف مهلت قابل اعمال برطبق بند (۱) ماده ۳۹، ترجمه‌ای از هرورق جایگزین مندرج در بند ۱۶ ماده ۷۰ آئین‌نامه را که منضم به گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی است، ارسال خواهند نمود، مگر اینکه چنین ورقه‌ای به‌زبان ترجمه مقرر برای اظهارنامه بین‌المللی باشد. همین مهلت در موردیکه ترجمه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی باید به‌اداره منتخب به‌دلیل اعلامیه صادره برطبق جزء «۱» شق (الف) بند (۲) ماده ۶۴ معاهده، ظرف مهلت مقرر در ماده ۲۲ معاهده، ارائه شود، نیز اعمال خواهد شد.

(ب) هرگاه ارائه ترجمه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی موضوع بند (۱) ماده ۳۹ معاهده را اداره منتخب ضروری نداند، این اداره می‌تواند از متقاضی بخواهد که ظرف مهلت قابل اعمال به‌موجب ماده مزبور، در صورتیکه هر ورق جایگزین مذکور در بند ۱۶ ماده ۷۰ آئین‌نامه که منضم به گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی است به زبانی نباشد که اظهارنامه بین‌المللی به‌آن زبان انتشار یافته، ترجمه‌ای از آن را به آن زبان ارائه نماید.

ماده ۷۵- [حذف شده است]

ماده ۷۶- نسخه ترجمه و هزینه برطبق بند (۱) ماده ۳۹ معاهده؛ ترجمه سند حق تقدم

۴- ۷۶ مهلت ترجمه سند حق تقدم

۱- ۷۶، ۲- ۷۶ و ۳- ۷۶ [حذف شده است]

از متقاضی خواسته نخواهد شد که ترجمه‌ای را از سند حق تقدم قبل از انقضاء مهلت مقرر برطبق ماده ۳۹ معاهده به‌هیچ اداره منتخب ارائه نماید.

۵- ۷۶ اعمال شق (ز) بند ۱ ماده ۲۲ و ماده ۴۹ و ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه، شق (ز) بند ۱ ماده ۲۲، ماده ۴۹ و ماده ۵۱ مکرر آئین‌نامه، اعمال خواهد شد، مشروط براینکه:

«۱» هر ارجاعی در مقررات فوق به اداره تعیین شده یا کشور تعیین شده به‌ترتیب به‌عنوان ارجاع به‌اداره منتخب یا کشور منتخب تلقی گردد.

«۲» هرگونه ارجاع در مقررات فوق به ماده ۲۲ یا بند (۲) ماده ۲۴ معاهده به‌ترتیب به‌عنوان ارجاع به‌بند (۱) ماده ۳۹ یا بند

(۳) ماده ۳۹ معاهده تلقی شود.

«۳» عبارت « اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیمی» در شق (ج) بند ۱ ماده ۴۹ آئین‌نامه جایگزین عبارت « تقاضای تسلیمی» شوند.

«۴» از لحاظ بند (۱) ماده ۳۹ معاهده، هرگاه یک گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی تهیه شده‌باشد، ترجمه‌ای از هر اصلاحیه مقرر در ماده ۱۹ معاهده، فقط زمانی خواسته خواهد شد، که آن اصلاحیه به گزارش منضم باشد.

۶-۷۶ مقررات مربوط به دوره انتقالی

اگر در تاریخ دوازدهم ژوئیه سال ۱۹۹۱ شق «۴» بند ۵ ماده ۷۶ آئین‌نامه با قانون ملی مورد عمل بوسیله اداره منتخب در ارتباط با ادعاهای اصلاح شده به موجب ماده ۱۹ معاهده، سازگار نباشد، تا زمانیکه شق «۴» بند ۵ ماده ۷۶ آئین‌نامه با آن قانون سازگار نباشد، بند مذکور در مورد اداره منتخب اعمال نخواهد شد، مشروط براینکه اداره مزبور قبل از ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ مراتب را به دفتر بین‌المللی اطلاع داده باشد. اطلاعات دریافتی فوراً بوسیله دفتر بین‌المللی در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

ماده ۷۷- اختیار موضوع شق (ب) بند (۱) ماده ۳۹ معاهده

۱-۷۷ اعمال اختیار

(الف) هر کشور متعاهدی که مهلتی را اجازه دهد که انقضاء آن دیرتر از مهلت مقرر در شق (الف) بند (۱) ماده ۳۹ معاهده باشد، دفتر بین‌المللی را از مهلت تعیین شده مزبور مطلع خواهد نمود.

(ب) هر اطلاعیه دریافتی بوسیله دفتر بین‌المللی به موجب شق (الف) فوق فوراً به وسیله آن دفتر در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

(ج) اطلاعیه‌های مربوط به کاهش مهلت‌های تعیین شده قبلی در ارتباط با درخواست‌های تسلیمی پس از انقضاء سه ماه از تاریخی که در آن تاریخ اطلاعیه بوسیله دفتر بین‌المللی انتشار یافته، مؤثر خواهد بود.

(د) اطلاعیه‌های مربوط به افزایش مهلت‌های تعیین شده قبلی، پس از انتشار آن‌ها توسط دفتر بین‌المللی در روزنامه رسمی، در خصوص درخواست‌های رسیدگی نشده یا ارائه شده پس از تاریخ انتشار یا، اگر کشور متعاهد صادر کننده اطلاعیه تاریخ دیرتری را تعیین نماید، از تاریخ اخیر مؤثر خواهد بود.

ماده ۷۸- اصلاحیه ادعاها، توصیف و نقشه‌ها نزد ادارات تعیین شده

۱- ۷۸ مهلت، در موردی که انتخاب قبل از انقضاء ۱۹ ماه از تاریخ حق تقدم محقق شود.

(الف) هرگاه انتخاب هر کشور متعاهدی قبل از انقضاء ۱۹ ماه از تاریخ حق تقدم محقق شده باشد، متقاضی در صورتیکه تمایل داشته باشد، حقوق مقرر در ماده ۴۱ معاهده در خصوص اصلاح ادعاها، توصیف و نقشه‌ها نزد اداره منتخب مربوطه را ظرف مهلت یک ماه از تاریخ اجرای الزامات موضوع شق (الف) بند (۱) ماده ۳۹ معاهده اعمال خواهند نمود، مشروط بر اینکه، اگر ارسال گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی، موضوع بند (۱) ماده ۳۶ معاهده، تا قبل از انقضاء مهلت قابل اعمال برطبق ماده ۳۹ معاهده صورت نگرفته باشد، متقاضی حقوق مزبور را دیرتر از چهارماه پس از انقضاء تاریخ مزبور اعمال ننماید. در هر دو صورت متقاضی می‌تواند حقوق مزبور را در هر زمان دیگری که قانون ملی کشور مزبور مجاز دانسته باشد، اعمال نماید.

(ب) در هر کشور منتخبی که قانون ملی، آغاز بررسی را منوط به تقاضای خاص نماید، قانون ملی می‌تواند، هرگاه انتخاب هر کشور متعاهد قبل از انقضاء نوزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم محقق شده باشد، مقرر نماید که مهلتی که ظرف آن یا زمانی که در آن زمان، متقاضی می‌تواند حقوق موضوع ماده ۴۱ معاهده را اعمال نماید، همان باشد که قانون ملی در مورد بررسی اظهارنامه‌های ملی، بر مبنای تقاضای خاص مقرر می‌نماید، مشروط بر اینکه چنین مهلتی قبل از انقضاء مهلت قابل اعمال برطبق شق (الف) فوق منقضی نشود و یا زمان مزبور قبل از انقضاء مهلت قابل اعمال برطبق شق (الف) مزبور نباشد.

۲- ۷۸ مهلت، در موردی که، انتخاب پس از انقضاء ۱۹ ماه از تاریخ حق تقدم محقق شده باشد.

هرگاه انتخاب هر کشور متعاهد، پس از انقضاء نوزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم محقق شده باشد، و متقاضی مایل باشد، طبق ماده ۴۱ معاهده، اصلاحیه‌هایی را انجام دهد، مهلت انجام اصلاحیه‌های مقرر در ماده ۲۸ معاهده اعمال خواهد شد.

۳- ۷۸ مدل‌های اشیاء مصرفی

مقررات بند ۵ ماده ۶ و بند ۵ ماده ۱۳ آئین‌نامه با تغییرات مقتضی، نزد ادارات منتخب اجراء خواهد شد. اگر انتخاب قبل از انقضاء نوزدهمین ماه از تاریخ حق تقدم انجام شده باشد، به جای ارجاع به مهلت قابل اعمال برطبق ماده ۲۲ معاهده، به مهلت قابل اعمال برطبق ماده ۳۹ معاهده ارجاع خواهد شد.

قسمت د - مواد مربوط به فصل سوم معاهده

ماده ۷۹- تقویم

۱- ۷۹ ذکر تاریخ‌ها

متقاضیان، ادارات ملی، ادارات دریافت‌کننده، مراجع جستجو و بررسی مقدماتی بین‌المللی و دفتر بین‌المللی، از لحاظ معاهده و آئین‌نامه، هر تاریخی را بر حسب تاریخ مسیحی و تقویم میلادی، یا، اگر آنها تاریخ‌ها و تقویم‌های دیگر را بکار برند، تمامی تاریخ‌ها براساس تاریخ مسیحی و تقویم میلادی نیز ذکر خواهد شد.

ماده ۸۰ - محاسبه مهلت‌ها

۸۰-۱ مدت‌های ذکر شده برحسب سال

هرگاه یک مدت بصورت یکسال یا تعداد مشخصی از سال‌ها ذکر شده باشد، محاسبه از روز بعد از حدوث واقعه مربوطه آغاز شده و دوره در سال بعد مربوطه در ماهی که دارای همان نام ماه و در روزی که دارای همان عدد ماه و روز وقوع واقعه است پایان خواهد یافت، مشروط براینکه، اگر ماه مربوطه سال بعد، دارای روزی با همان عدد نباشد، دوره آخرین روز آن ماه خاتمه خواهد یافت.

۸۰-۲ دوره‌هایی که با ماه بیان شده‌اند

هرگاه یک دوره بصورت یک ماه یا تعداد مشخصی از ماه‌ها بیان شده باشد، محاسبه از روز بعد از روزیکه در آن روز، واقعه مربوطه اتفاق افتاده است، آغاز و دوره در ماه بعدی مربوطه در روزیکه دارای همان عدد روزی است که در آن واقعه مربوطه اتفاق افتاده خاتمه می‌یابد، با این قید که اگر ماه مربوطه بعدی دارای روزی با همان عدد نباشد دوره در آخرین روز آن ماه خاتمه خواهد یافت.

۸۰-۳ دوره‌هایی که به روز بیان شده‌اند.

هرگاه دوره بصورت تعداد مشخصی از روزها بیان شده باشد، محاسبه از روز بعد از روزی که واقعه مربوطه اتفاق افتاده آغاز و دوره در روزی که آخرین روز شمارش است، خاتمه خواهد یافت.

۸۰-۴ تاریخ‌های محلی

(الف) تاریخی که به‌عنوان تاریخ آغاز محاسبه هر دوره در نظر گرفته می‌شود، تاریخی خواهد بود که در منطقه‌ای که واقعه رخ داده است، حاکم است.

(ب) تاریخی که در آن هر دوره‌ای خاتمه می‌یابد، تاریخی خواهد بود که در منطقه‌ای که اسناد لازم باید تسلیم شوند یا هزینه لازم باید پرداخت شود، حاکم است.

۵ - ۸۰ انقضاء در یک روز غیرکاری

اگر انقضاء هر دوره که طی آن سند یا هزینه‌ای بایستی به یک اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی واصل شود، روزی باشد که در آن روز اداره یا سازمان مذکور به‌روی عموم از لحاظ انجام امور رسمی باز نباشد، یا در آن روز پست عادی در منطقه‌ای که اداره یا سازمان مزبور در آن واقع است، توزیع نمی‌شود دوره در روز بعدی که در آن روز هیچکدام از دو حالت فوق وجود نداشته‌باشد، منقضی خواهد شد.

۸۰-۶ تاریخ اسناد

هرگاه دوره‌ای از روز تاریخ یک سند یا نامه صادره از یک اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی آغاز شود، هرطرف ذینفع می‌تواند اثبات نماید که سند یا نامه مزبور در تاریخی مؤخر بر تاریخ مذکور پست شده است، در اینصورت از لحاظ محاسبه دوره، تاریخی که سند یا نامه مزبور عملاً پست شده‌اند، به‌عنوان تاریخ آغاز دوره در نظر گرفته خواهد شد. بدون توجه به تاریخ پست نمودن سند یا نامه، چنانچه متقاضی به‌اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی دلیلی را ارائه نماید که اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی را متقاعد سازد که سند یا نامه را پس از هفت روز از تاریخ درج شده بر روی آنها دریافت نموده، اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی تاریخ آغاز دوره مربوطه را از تاریخ سند یا نامه و تاریخ انقضاء آن را دیرتر با اضافه نمودن تعداد روزی که برابر است با تعداد روزهایی که سند یا نامه پس از هفت روز از تاریخ ذکر شده بر روی آن دریافت شده، محاسبه خواهند نمود.

۸۰-۷ پایان روز کاری

(الف) مهلتی که خاتمه آن روز معینی باشد، در لحظه‌ای از آن روز خاتمه خواهد یافت که اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی که سند باید به آن تسلیم یا هزینه به آن پرداخت گردد، فعالیت خود را در آن روز خاتمه داده باشد.

(ب) هر سازمان یا اداره می‌تواند، مفاد بند (الف) فوق را تا نیمه شب روز مربوطه تمدید نماید.

ماده ۸۱ – تغییر مهلت‌های تعیین شده در معاهده

۸۱-۱ پیشنهاد

(الف) هر کشور متعاقد، یا مدیرکل می‌تواند، تغییری را بر طبق بند (۲) ماده ۴۷ معاهده پیشنهاد نماید.

(ب) پیشنهادات یک کشور متعاقد به مدیرکل ارائه خواهد شد.

۸۱-۲ تصمیم مجمع

(الف) هرگاه پیشنهاد به مجمع ارائه شود، متن آن به‌وسیله مدیرکل، حداقل دو ماه قبل از آن اجلاس مجمع که دستور کار آن شامل پیشنهاد است، برای تمام کشورهای متعاقد ارسال خواهد شد.

(ب) در طی مباحثات مربوط به پیشنهاد در مجمع، پیشنهاد می‌تواند اصلاح شده یا مشمول اصلاحات پیشنهادی بعدی قرار گیرد.

(ج) اگر هیچیک از کشورهای متعاقد حاضر در مجمع، به‌هنگام رأی‌گیری برعلیه پیشنهاد رأی ندهد، پیشنهاد مزبور تصویب شده تلقی خواهد شد.

۸۱-۳ رأی مکاتبه‌ای

(الف) هرگاه رأی‌گیری مکاتبه‌ای انتخاب شود، پیشنهاد به‌صورت مکتوب، توسط مدیرکل، خطاب به کشورهای متعاقد ارسال و از آنها دعوت به عمل خواهد آمد که رأی خود را به‌صورت مکتوب بیان دارند.

(ب) مهلتی که طی آن پاسخ حاوی رأی مکتوب باید به‌دفتر بین‌المللی واصل شود، در دعوتنامه معین خواهد شد. این مهلت کمتر از سه ماه از تاریخ دعوت نخواهد بود.

(ج) پاسخ‌ها باید مثبت یا منفی باشند. پیشنهادات برای اصلاحات، یا ملاحظات صرف به‌عنوان رأی تلقی نخواهند شد.

(د) اگر هیچیک از کشورهای متعاقد با اصلاحیه مخالفت ننمایند و اگر حداقل نیمی از کشورهای متعاقد، تأیید یا ممتنع یا بی‌تفاوت را اعلام نمایند، پیشنهاد تصویب شده تلقی می‌گردد.

ماده ۸۲ - بی‌نظمی در خدمات پستی

۱- ۸۲ تأخیر یا مفقودشدن در پست

(الف) هرطرف ذینفع می‌تواند دلیلی را ارائه نماید که سند یا نامه‌ای را پنج روز قبل از انقضای مهلت، از طریق پست ارسال نموده‌است. باستثنای مواردی که پست‌زمینی معمولاً ظرف دو روز از تاریخ پست به‌مقصد می‌رسد یا هرگاه هیچ‌یک‌گونه خدمات پستی هوایی در دسترس نباشد، چنین دلیلی را تنها می‌توان زمانی ارائه نمود که پست از طریق پست هوایی ارسال شده باشد. در هر صورت، دلیل تنها در صورتی قابل ارائه خواهد بود که پست از نوع سفارشی بوده و توسط مقامات اداره پست ثبت شده باشد.

(ب) اگر برطبق شق (الف) فوق، پست، یک سند یا نامه، به‌طرز متقاعد کننده‌ای برای اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی که مخاطب است اثبات شود، تأخیر در وصول موجه خواهد بود، یا اگر سند یا نامه در پست مفقود شود، جایگزین سازی آن بایک نسخه جدید مجاز خواهد بود، مشروط براینکه طرف ذینفع بتواند اداره یا سازمان مزبور را با دلیل متقاعد سازد که سند یا نامه

پیشنهادی، برای جایگزینی، برابر با سند یا نامه مفقوده است.

(ج) در موارد مقرر در شق (ب) فوق، دلیل پست نمودن ظرف مهلت مقرر، و، هرگاه سند یا نامه مفقود شده باشد، سند یا نامه جایگزین و همچنین دلیل مربوط به برابری آن با نامه یا سند مفقوده، ظرف یک ماه پس از تاریخی که طرف ذینفع تأخیر یا فقدان آن را ملاحظه می نماید، یا با سعی و کوشش مقتضی می توانسته ملاحظه نماید تسلیم خواهد شد و در هیچ موردی دیرتر از شش ماه پس از انقضاء مهلت قابل اعمال در هر مورد تسلیم نخواهد شد.

(د) هر اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی که به دفتر بین‌المللی اطلاع داده باشد که بدین گونه عمل خواهند نمود که هرگاه خدمات تحویل دیگری غیر از مقامات پستی برای پست یک سند یا نامه به کار گرفته شود، مقررات شق (الف) تا (ج) فوق همانند اینکه خدمات تحویل توسط مقامات پستی انجام شده است، اعمال خواهد شد. در چنین حالتی جمله آخر شق (الف) اعمال نخواهد شد ولی دلیل فقط زمانی می تواند ارائه شود که جزئیات پست نمودن به وسیله ارائه دهنده خدمات تحویل هنگام پست ثبت شده باشد. اطلاعیه می تواند شامل این مطلب باشد که اطلاعیه فقط در مورد محموله های پستی که از خدمات تحویل معین یا خدمات تحویل که منطبق بر ضوابط مشخص شده هستند استفاده کرده اند، اعمال خواهد شد. دفتر بین‌المللی اطلاعاتی را که باین ترتیب دریافت شده است در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

(ه) هر اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی می تواند طبق شق (د) فوق اقدام نماید:

«۱» حتی اگر، در صورت اقتضاء، خدمات تحویلی مورد استفاده، جزء خدماتی نباشد که در اطلاعیه مربوطه مندرج در

شق (د) فوق مشخص شده است، یا ضوابط مشخص شده در اطلاعیه مزبور را رعایت نماید، یا

«۲» حتی اگر آن اداره یا سازمان بر طبق شق (د) فوق اطلاعیه ای را به دفتر بین‌المللی ارسال ننموده باشد.

۸۲-۲ قطع خدمات پستی

(الف) هر طرف ذینفع می تواند دلیلی را ارائه نماید که در هر یک از ده روز مقدم بر روز انقضاء مهلت در منطقه ای که وی مقیم است یا محل کسب و پیشه او در آنجا واقع است یا در آنجا سکونت دارد، خدمات پستی به دلیل جنگ، انقلاب، بی نظمی های داخلی، اعتصاب، بلایای طبیعی یا دلایل مشابه دیگر، خدمات پستی قطع شده است.

(ب) اگر چنین شرایط و اوضاع و احوالی بصورت متقاعدکننده ای برای اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی که مخاطب است اثبات شود، تأخیر در وصول موجه خواهد بود، مشروط بر اینکه طرف ذینفع اداره یا سازمان مذکور را متقاعد سازد که او پست را ظرف مدت پنج روز پس از سرگیری خدمات پستی انجام داده است. مقررات شق (ج) بند ۱ ماده ۸۲ آئین نامه، با تغییرات مقتضی، اجرا خواهد شد.

ماده ۸۲ مکرر - موجه شناختن تأخیرها در رعایت برخی مهلت‌ها بوسیله کشور تعیین شده یا منتخب

۸۲-۱ مکرر - معنای مهلت در بند (۲) ماده ۴۸ معاهده

ارجاع به «هرمهلت» در بند (۲) ماده ۴۸ معاهده به معنای ارجاع به مهلت‌های زیر خواهد بود:

«۱» هرمهلت تعیین شده در معاهده یا این آئین‌نامه؛

«۲» هرمهلت تعیین شده بوسیله اداره دریافت‌کننده، مرجع جستجوی بین‌المللی، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی یا

دفتر بین‌المللی یا قابل اعمال بوسیله اداره دریافت‌کننده برطبق قانون ملی آن؛

«۳» هرمهلت تعیین شده بوسیله اداره تعیین شده یا منتخب یا در قانون ملی قابل اعمال این ادارات برای اجرای هر

اقدام بوسیله متقاضی نزد آن اداره.

۸۲-۲ مکرر - برقراری مجدد حقوق و سایر مقررات که بند (۲) ماده ۴۸ معاهده در مورد آن‌ها قابل اعمال است.

مقررات قانون ملی که در بند (۲) ماده ۴۸ معاهده راجع به موجه بودن هرگونه تأخیر در رعایت هرمهلت بوسیله کشور

تعیین شده یا منتخب به آنها ارجاع شده، مقرراتی هستند که برقراری مجدد حقوق، اعاده، بازگرداندن به‌وضع سابق،

رسیدگی‌های بیشتر را علیرغم عدم رعایت یک مهلت، مقرر می‌دارند و هر مقرر دیگر که تمدید مهلت‌ها یا شناختن تأخیرات

در رعایت مهلت‌ها را مقرر می‌دارند.

ماده ۸۲ ثالث - رفع اشتباهاتی که اداره دریافت‌کننده یا دفتر بین‌المللی مرتکب شده‌اند

۸۲-۱ ثالث - اشتباهات مربوط به تاریخ تسلیم بین‌المللی و ادعای حق تقدم

اگر متقاضی به‌نحو متقاعدکننده‌ای برای اداره منتخب یا اداره تعیین شده ثابت نماید که تاریخ تسلیم بین‌المللی به علت

اشتباه انجام شده توسط اداره دریافت‌کننده صحیح نمی‌باشد، یا بوسیله اداره دریافت‌کننده یا دفتر بین‌المللی به‌صورت اشتباه

چنین تلقی شده‌باشد که ادعای حق تقدم به‌عمل نیامده و اگر اشتباه از نوع اشتباهی باشد، که اگر بوسیله خود اداره تعیین شده یا

اداره منتخب انجام می‌گردید، آن اداره اشتباه مزبور را بر طبق قانون ملی یا رویه ملی رفع می‌نمود، در آن‌صورت اداره مزبور آن

اشتباه را رفع و چنین تلقی خواهند نمود که اظهارنامه بین‌المللی دارای تاریخ تسلیم بین‌المللی اصلاح شده بوده یا ادعای حق تقدم

به‌عمل آمده‌است.

ماده ۸۳ - حق اقدام نزد مراجع بین‌المللی

۸۳-۱ دلیل حق

دفتر بین‌المللی، مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی و مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی، می‌تواند ارائه دلیل حق اقدام مذکور در ماده ۴۹ معاهده را خواستار شوند.

۱ مکرر-۸۳ هرگاه دفتر بین‌المللی اداره دریافت‌کننده باشد.

(الف) هر شخصی که دارای حق اقدام نزد اداره ملی یا اداره عمل‌کننده برای یک کشور متعاهدی باشد که متقاضی، یا در صورت وجود دو یا چند متقاضی، هرکدام از متقاضیان، مقیم یا تبعه آن کشور باشند، دارای حق اقدام نزد دفتر بین‌المللی به‌عنوان اداره دریافت‌کننده در ارتباط با اظهارنامه بین‌المللی برطبق جزء «۳» شق (الف) بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه خواهد بود.

(ب) هر شخص دارای حق اقدام نزد دفتر بین‌المللی در سمت اداره دریافت‌کننده، در ارتباط با یک اظهارنامه بین‌المللی، دارای حق اقدام درباره آن اظهارنامه نزد دفتر بین‌المللی در هر سمت دیگر، و نزد مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی و مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی خواهد بود.

۸۳-۲ اطلاع

(الف) اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی، که شخص ذینفع مدعی است که دارای حق اقدام نزد آن است، به‌محض تقاضا، دفتر بین‌المللی، مرجع صلاحیتدار جستجوی بین‌المللی، یا مرجع صلاحیتدار بررسی مقدماتی بین‌المللی را درباره اینکه شخص مزبور دارای حق اقدام نزد آن است، مطلع خواهند نمود.

(ب) این اطلاع برحسب مورد بوسیله دفتر بین‌المللی، مرجع جستجوی بین‌المللی، یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی لازم‌الاتباع خواهد بود.

قسمت ۵ - مواد مربوط به فصل ۵ معاهده

ماده ۸۴ - هزینه‌های هیأت‌های نمایندگی

۸۴-۱ هزینه‌ها بوسیله دولت‌ها تقبل می‌شوند

هزینه‌های هر هیأت نمایندگی مشارکت‌کننده در هر ارگان ایجاد شده بوسیله یا برطبق معاهده، بوسیله دولتی که آن هیأت را منصوب نموده، پرداخت خواهد شد.

ماده ۸۵ - عدل حصول حدنصاب در مجمع

۸۵-۱ رأی بوسیله مکاتبه

در مورد مقرر در شق (ب) بند (۵) ماده ۵۳ معاهده، دفتر بین‌المللی تصمیمات مجمع (غیر از تصمیمات مربوط به آئین کار

خود (مجمع) را برای کشورهای متعاهدی که در آن نماینده نداشته‌اند، ارسال و از آنها خواهدخواست که به‌صورت مکتوب رأی یا نظر ممتنع خود را ظرف یک مهلت سه ماهه از تاریخ ارسال بیان دارند.

اگر، در تاریخ انقضاء آن مدت، تعداد کشورهای متعاهدی که به‌نحو فوق رأی یا نظر ممتنع خود را اعلام نموده‌اند، به تعداد کشورهای متعاهد غایب برای حصول حدنصاب در جلسه بالغ شود، چنین تصمیماتی دارای اثر خواهند شد، مشروط براینکه اکثریت لازم نیز در عین حال بدست آمده‌باشد.

ماده ۸۶ – روزنامه رسمی

۸۶-۱ محتویات و فرم

(الف) روزنامه رسمی مذکور در بند (۴) ماده ۵۵ معاهده، حاوی موارد زیر خواهدبود:

«۱» برای هر اظهارنامه بین‌المللی منتشره، اطلاعات مشخص شده بوسیله دستورالعمل‌های اداری، متخذ از صفحه روی جزوه منتشره برطبق ماده ۴۸ آئین‌نامه، نقشه ظاهر در همان صفحه رو (در صورت وجود) و خلاصه،

«۲» جدول تمام هزینه‌های قابل پرداخت به ادارات دریافت‌کننده، دفتر بین‌المللی و مراجع جستجو و بررسی مقدماتی

بین‌المللی،

«۳» اعلامیه‌ها که انتشار آن‌ها برطبق معاهده و این آئین‌نامه ضروری است.

«۴» اگر و تا آنجا که توسط ادارات تعیین شده یا منتخب به‌دفتر بین‌المللی ارائه شده‌باشد، اطلاعات مربوط به این

موضوع که آیا الزامات مقرر در ماده ۲۲ و ۳۹ معاهده در ارتباط با اظهارنامه‌های بین‌المللی که تعیین‌کننده یا انتخاب‌کننده اداره مربوطه می‌باشند رعایت شده است یا خیر؟

«۵» هرگونه اطلاعات مفید دیگر مشخص شده بوسیله دستورالعمل‌های اداری، مشروط براینکه دسترسی به این

اطلاعات برطبق معاهده یا این آئین‌نامه ممنوع نشده‌باشد.

(ب) اطلاعات مذکور در شق (الف) فوق به دو صورت زیر در دسترس قرار خواهدگرفت:

«۱» به‌صورت روزنامه رسمی به شکل کاغذی، حاوی اطلاعات مشخص شده بوسیله دستورالعمل‌های اداری متخذ از

صفحه روی جزوه منتشره برطبق ماده ۴۸ آئین‌نامه («اطلاعات کتابشناسی») و موضوعات مورد اشاره در جزء «۲» تا «۵» شق (الف) فوق؛

«۲» به‌صورت روزنامه رسمی به‌شکل الکترونیک، حاوی اطلاعات کتابشناسی، نقشه ظاهر در صفحه روی مذکور (در

صورت وجود) و خلاصه.

۸۶-۲ زبان‌ها؛ دسترسی به روزنامه رسمی

(الف) روزنامه رسمی به شکل کاغذی به دو زبان (انگلیسی و فرانسه) چاپ و منتشر خواهد شد. این روزنامه همچنین به هر زبان دیگری چاپ خواهد شد، مشروط بر اینکه اطمینان حاصل شود که هزینه انتشار را فروش یا کمک‌های مالی تأمین خواهند نمود.

(ب) مجمع می‌تواند انتشار روزنامه رسمی را به زبان‌هایی غیر از زبان‌های مذکور در شق (الف) فوق دستور دهد.

(ج) روزنامه رسمی به شکل الکترونیک مذکور در جزء «۲» شق (ب) بند ۱ ماده ۸۶ آئین‌نامه به‌طور هم‌زمان به زبان انگلیسی و فرانسه به هر طریق و وسیله الکترونیک، مشخص شده در دستورالعمل‌های اداری، قابل دسترسی خواهد بود. ترجمه‌ها به زبان انگلیسی و فرانسه بوسیله دفتر بین‌المللی تضمین خواهد شد. دفتر بین‌المللی تضمین خواهد نمود که قابل دسترسی بودن روزنامه رسمی به‌شکل الکترونیک در تاریخ انتشار جزوه حاوی اظهارنامه بین‌المللی یا در اسرع وقت ممکن پس از آن، محقق گردد.

۸۶-۳ فاصله انتشار

فاصله انتشار روزنامه رسمی بوسیله مدیرکل تعیین خواهد شد.

۸۶-۴ فروش

آبونمان و سایر قیمت‌های فروش روزنامه رسمی بوسیله مدیرکل تعیین خواهد شد.

۵- ۸۶ عنوان

عنوان روزنامه رسمی بوسیله مدیرکل تعیین خواهد شد.

۶- ۸۶ جزئیات بیشتر

جزئیات بیشتر راجع به روزنامه رسمی می‌تواند در دستورالعمل‌های اداری مقرر شود.

ماده ۸۷ – نسخ انتشارات

مراجع جستجو و بررسی مقدماتی بین‌المللی

۸۷-۱ هر مرجع جستجو یا بررسی مقدماتی بین‌المللی دارای این حق خواهد بود که بصورت رایگان دو نسخه از هر اظهارنامه بین‌المللی منتشره، روزنامه رسمی و هر انتشارات دیگر مورد علاقه، منتشره بوسیله دفتر بین‌المللی در ارتباط با معاهده

یا این آئین‌نامه را دریافت نمایند.

۸۷-۲ ادارات ملی

(الف) هر اداره ملی دارای این حق خواهد بود که بصورت رایگان یک نسخه از هر اظهارنامه بین‌المللی منتشره، روزنامه رسمی و هر انتشارات دیگر مورد علاقه، منتشره به وسیله دفتر بین‌المللی در ارتباط با معاهده یا این آئین‌نامه را دریافت نماید.

(ب) انتشارات مذکور در شق (الف) بنا به تقاضای خاص ارسال خواهد شد. اگر هر یک از انتشارات به بیش از یک زبان در دسترس باشد، در تقاضا زبان یا زبان‌های مطلوب که انتشار به آن صورت گرفته مشخص خواهد شد.

ماده ۸۸ – اصلاح آئین‌نامه

۱- ۸۸ الزام اتفاق آراء

اصلاح مواد زیر از آئین‌نامه مستلزم این خواهد بود که هیچ کشور دارای حق در مجمع، به اصلاحیه پیشنهادی رأی منفی ندهد.

«۱» بند ۱ ماده ۱۴ (هزینه ارسال)،

«۲» [حذف شده است]

«۳» بند ۳ ماده ۲۲ (مهلت بر طبق بند (۳) ماده ۱۲ معاهده)،

«۴» ماده ۳۳ (سابقه اختراع ادعائی مربوطه برای جستجوی بین‌المللی)

«۵» ماده ۶۴ (سابقه اختراع ادعائی برای بررسی مقدماتی بین‌المللی)

«۶» ماده ۸۱ (تغییر مهلت تعیین شده در معاهده)

«۷» بند حاضر (یعنی بند ۱ ماده ۸۸ آئین‌نامه)

۸۸-۲ [حذف شده است]

۸۸-۳ الزام مربوط به عدم مخالفت بوسیله کشورهای خاص

اصلاح مواد زیر از آئین‌نامه مستلزم این است که هیچ کشور مذکور در جزء «۲» شق (الف) بند (۳) ماده ۵۸ معاهده و دارای حق رأی در مجمع به اصلاحیه پیشنهادی رأی منفی ندهد:

«۱» ماده ۳۴ (حداقل اسناد)،

«۲» ماده ۳۹ (موضوع بر طبق جزء «۱» شق (الف) بند (۲) ماده ۱۷ معاهده)،

«۳» ماده ۶۷ (موضوع بر طبق جزء «۱» شق (الف) بند (۴) ماده ۳۴ معاهده)،

«۴» بند حاضر (یعنی بند ۳ ماده ۸۸ آئین نامه).

۴- ۸۸ آئین کار

هر پیشنهاد برای اصلاح یک مقررۀ مذکور در بند ۱ ماده ۸۸ یا بند ۳ ماده ۸۸ آئین نامه، اگر پیشنهاد باید در مجمع مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد، حداقل دو ماه قبل از افتتاح اجلاس مجمع که برای اخذ تصمیم درباره آن پیشنهاد فراخوانده می‌شود، برای کلیه کشورهای متعاقد ارسال خواهد شد.

ماده ۸۹ - دستورالعمل‌های اداری

۱- ۸۹ دامنه مشمول

(الف) دستورالعمل‌های اداری حاوی مقررات در موارد زیر خواهد بود:

«۱» راجع به موضوعاتی که در ارتباط با آن این آئین‌نامه صراحتاً اشاره به چنین دستورالعمل‌هایی دارد،

«۲» راجع به هرگونه جزئیات در ارتباط با اجرای مقررات این آئین‌نامه.

(ب) دستورالعمل‌های اداری معارض با مقررات معاهده، آئین‌نامه، یا هر موافقت‌نامه منعقدۀ بوسیله دفتر بین‌المللی یا یک

مرجع جستجوی بین‌المللی یا یک مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی نخواهد بود.

۲- ۸۹ منبع

(الف) دستورالعمل‌های اداری بوسیله مدیرکل، پس از مشورت با ادارات دریافت‌کننده و مراجع جستجو و بررسی مقدماتی

بین‌المللی، تنظیم و اعلام خواهد شد.

(ب) آنها می‌توانند بوسیله مدیرکل، پس از مشورت با ادارات یا مراجعی که دارای نفع مستقیم در تغییر پیشنهادی هستند،

تغییر یابند.

(ج) مجمع می‌تواند از مدیرکل دعوت نماید که دستورالعمل‌های اداری را تغییر دهد و مدیرکل به همین ترتیب اقدام

خواهد نمود.

۳- ۸۸ انتشار و لازم‌الاجراء شدن

(الف) دستورالعمل‌های اداری و هر تغییر مربوط به آن در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت.

(ب) در هر انتشار تاریخی که در آن تاریخ مقررات منتشره جنبه اجرائی پیدا می‌کنند مشخص خواهد شد. تاریخ‌ها

می‌توانند در مورد مقررات مختلف با یکدیگر اختلاف داشته باشند، مشروط بر اینکه هیچ مقرره‌ای قبل از انتشار آن در روزنامه رسمی قابل اجراء اعلام نشده باشد.

قسمت و - مواد مربوط به فصول متعدد معاهده

ماده ۸۹ مکرر - تسلیم، رسیدگی و ارسال اظهارنامه‌های بین‌المللی و سایر اسناد به شکل الکترونیک یا با وسایل

الکترونیک

۱- ۸۹ مکرر - اظهارنامه‌های بین‌المللی

(الف) با رعایت شقوق (ب) تا (ه)، اظهارنامه‌های بین‌المللی می‌توانند بر طبق دستورالعمل‌های اداری، به شکل الکترونیک

یا به وسایل الکترونیک تسلیم و رسیدگی شوند، مشروط بر اینکه هر اداره دریافت‌کننده، تسلیم اظهارنامه‌های بین‌المللی را روی کاغذ مجاز بداند.

(ب) با رعایت هر مقررات خاص دستورالعمل‌های اداری، این آئین‌نامه با تغییرات مقتضی نسبت به اظهارنامه‌های

بین‌المللی تسلیمی به شکل الکترونیک یا به وسایل الکترونیک اجراء خواهد شد.

(ج) دستورالعمل‌های اداری، مقررات و الزامات در ارتباط با تسلیم و رسیدگی اظهارنامه‌های بین‌المللی که کلاً یا جزئاً به

شکل الکترونیک یا به وسایل الکترونیکی تسلیم شده‌اند را تعیین خواهد نمود. از جمله این مقررات و الزامات و نه بصورت

احصائی می‌توان به مقررات و الزامات در ارتباط با اعلام وصول، آئین کارهای مربوط به اعطای یک تاریخ تسلیم بین‌المللی،

الزامات شکلی و ضمائیم و نتایج عدم رعایت آن الزامات، امضای اسناد، وسایل تعیین اصالت اسناد و هویت طرف‌های

مکاتبه‌کننده با ادارات و مراجع و عملکرد ماده ۱۲ معاهده در ارتباط با نسخه اصلی، نسخه بایگانی و نسخه جستجو اشاره نمود.

این دستورالعمل‌ها همچنین می‌توانند حاوی مقررات و الزامات مختلف در ارتباط با اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیم شده به

زبان‌های مختلف باشد.

(د) هیچ اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی، ملزم به دریافت یا رسیدگی اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیمی به شکل

الکترونیک یا به وسایل الکترونیک نخواهد بود. مگر اینکه به دفتر بین‌المللی اطلاع داده باشد که در رعایت مقررات قابل اعمال

در دستورالعمل‌های اداری، آمادگی دریافت یا رسیدگی به نحو مذکور را دارد، دفتر بین‌المللی اطلاعاتی را که به این نحو از آن

مطلع شده در روزنامه رسمی انتشار خواهد داد.

(ه) هیچ اداره دریافت‌کننده‌ای که اطلاعیه‌ای را به موجب شق (د) فوق به دفتر بین‌المللی داده است، نمی‌تواند رسیدگی

به یک اظهارنامه بین‌المللی تسلیمی به شکل الکترونیک یا به وسایل الکترونیک که در آن الزامات قابل اعمال بر طبق

دستورالعمل‌های اداری، رعایت شده باشد را رد نماید.

۲- ۸۹ مکرر - سایر اسناد

بند ۱ ماده ۸۹ مکرر با تغییرات مقتضی در مورد سایر اسناد و مکاتبات مربوط به اظهارنامه‌های بین‌المللی اجرا خواهد شد.

۳- ۸۹ مکرر - ارسال بین ادارات

هرگاه معاهده، این آئین‌نامه یا دستورالعمل‌های اداری مقرر سازد که اسناد، اطلاعیه‌ها، مکاتبات، یا انتقال‌ها بوسیله یک اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی برای دیگری ارسال شود، چنین ارسالی می‌تواند در صورت توافق بین ارسال‌کننده و دریافت‌کننده به شکل الکترونیک یا به وسایل الکترونیک محقق شود.

ماده ۸۹ ثالث - نسخه‌های اسناد به شکل الکترونیک که بر روی کاغذ تسلیم شده‌اند

۱ ثالث - ۸۹ نسخه‌های اسناد به شکل الکترونیک که بر روی کاغذ تسلیم شده‌اند.

هر اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی می‌تواند مقرر نماید که هرگاه یک اظهارنامه بین‌المللی یا سند دیگر مربوط به اظهارنامه بین‌المللی روی کاغذ تسلیم شده باشد، نسخه‌ای از آن می‌تواند بر طبق دستورالعمل‌های اداری، بوسیله متقاضی به شکل الکترونیک ارائه شود.

ماده ۹۰ - کارگزاران و نمایندگان مشترک

۱- ۹۰ انتصاب به عنوان کارگزار

(الف) شخصی که دارای حق اقدام نزد اداره ملی، که به آن اداره، اظهارنامه بین‌المللی تسلیم شده است باشد، یا هرگاه اظهارنامه بین‌المللی به دفتر بین‌المللی تسلیم شده باشد، آن شخص دارای حق اقدام در خصوص اظهارنامه بین‌المللی نزد دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده باشد، او می‌تواند بوسیله متقاضی به سمت کارگزار او برای عهده‌داری نمایندگی وی نزد اداره دریافت‌کننده، دفتر بین‌المللی، مرجع جستجوی بین‌المللی و مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی منصوب گردد.

(ب) شخصی که دارای حق اقدام نزد اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی است که به عنوان مرجع جستجوی بین‌المللی عمل می‌نماید، می‌تواند به وسیله متقاضی به عنوان کارگزار او برای عهده‌داری نمایندگی وی اختصاصاً در نزد آن مرجع منصوب گردد.

(ج) شخصی که دارای حق اقدام نزد اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی است که به عنوان مرجع بررسی مقدماتی بین‌الدولی عمل می‌نماید، می‌تواند بوسیله متقاضی به عنوان کارگزار خود برای عهده‌داری نمایندگی وی اختصاصاً در نزد آن مرجع

منصوب گردد.

(د) اگر به نحو دیگری در سند انتصاب کارگزار مقرر نشده باشد کارگزار منصوب شده بر طبق شق (الف) فوق می‌تواند تعداد یک یا چند نفر از کارگزار فرعی را برای عهده‌داری نمایندگی متقاضی، به عنوان کارگزار متقاضی در موارد زیر منصوب نماید:

«۱» نزد اداره دریافت‌کننده، دفتر بین‌المللی، مرجع جستجوی بین‌المللی و مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، مشروط بر اینکه هر شخصی که به این ترتیب به عنوان کارگزار فرعی منصوب می‌گردد، بر حسب مورد، دارای حق اقدام نزد اداره ملی که اظهارنامه بین‌المللی به آن تسلیم شده یا حق اقدام نزد دفتر بین‌المللی به عنوان اداره دریافت‌کننده در ارتباط با اظهارنامه بین‌المللی باشد؛

«۲» بصورت خاص نزد مرجع جستجوی بین‌المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، مشروط بر اینکه هر شخصی که به این ترتیب به عنوان کارگزار فرعی انتخاب می‌شود، بر حسب مورد، دارای حق اقدام نزد اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی که به عنوان مرجع جستجوی بین‌المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی عمل می‌نماید، باشد.

۹۰-۲ نماینده مشترک

(الف) هرگاه دو یا چند متقاضی وجود داشته باشد و متقاضیان بر طبق شق (الف) بند ۱ ماده ۹۰ آئین‌نامه یک کارگزار که نمایندگی همه آنها را داشته باشد (کارگزار مشترک) منصوب ننموده باشند، یکی از متقاضیان که دارای حق تسلیم اظهارنامه بین‌المللی بر طبق ماده ۹۰ معاهده است، می‌تواند، به وسیله متقاضیان دیگر، به عنوان نماینده مشترک آنها منصوب گردد.

(ب) هرگاه دو یا چند متقاضی وجود داشته باشد و همه متقاضیان یک کارگزار مشترک بر طبق شق (الف) بند ۱ ماده ۹۰ آئین‌نامه، یا یک نماینده مشترک بر طبق شق (الف) این بند را منصوب ننموده باشند، متقاضی که نام او در تقاضا به عنوان اولین نام واجد شرایط بر طبق بند ۱ ماده ۱۹ آئین‌نامه برای تسلیم اظهارنامه بین‌المللی به اداره دریافت‌کننده آمده، به عنوان نماینده مشترک همه متقاضیان تلقی خواهد شد.

۹۰-۳ آثار اقدامات کارگزاران و نمایندگان مشترک یا اقدامات در ارتباط با آنها

(الف) هر اقدام کارگزار یا در ارتباط با او، دارای اثر یک اقدام متقاضی یا در ارتباط با متقاضیان مربوطه است.

(ب) اگر دو یا چند کارگزار نمایندگی همان متقاضی یا متقاضیان را عهده‌دار باشند، هر اقدام مربوط به هر کدام از این

کارگزاران یا در ارتباط با آنها دارای اثر یک اقدام متقاضی یا متقاضیان مذکور یا در ارتباط با آنها خواهد بود.

(ج) با رعایت جمله دوم شق (الف) بند ۵ ماده ۹۰ مکرر آئین‌نامه، هر اقدام یک نماینده مشترک یا در ارتباط با او یا

کارگزار او، دارای اثر یک اقدام همه متقاضیان یا در ارتباط با آنها خواهد بود.

۴-۹۰ نحوه انتصاب کارگزار یا نماینده مشترک

(الف) انتصاب یک کارگزار با امضای تقاضا، درخواست یا یک وکالتنامه جداگانه توسط متقاضی محقق خواهد شد. هرگاه دو یا چند متقاضی وجود داشته باشند، انتصاب یک کارگزار مشترک، یا نماینده مشترک با امضای تقاضا، درخواست یا یک وکالتنامه جداگانه توسط هر متقاضی بنا به انتخاب وی محقق خواهد شد.

(ب) با رعایت بند ۵ ماده ۹۰ آئیننامه، وکالتنامه جداگانه به یکی از دو اداره دریافت‌کننده یا دفتر بین‌المللی تسلیم خواهد شد، مشروط بر اینکه هرگاه وکالتنامه، کارگزاری را بر طبق شق (ب)، (ج) یا جز «۲» شق (د) بند ۱ ماده ۹۰ آئیننامه منصوب نماید، بر حسب مورد، به مرجع جستجوی بین‌المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تسلیم گردد.

(ج) اگر وکالتنامه جداگانه امضاء نشده باشد یا وکالتنامه جداگانه درخواستی مفقود شده باشد، یا اگر ذکر نام یا نشانی شخص منصوب شده، با بند ۴ ماده ۴ آئیننامه مطابقت نداشته باشد، چنین تلقی خواهد شد که وکالتنامه وجود ندارد، مگر اینکه رفع نقص گردد.

۵-۹۰ وکالتنامه کلی

(الف) انتصاب یک کارگزار در ارتباط با یک اظهارنامه بین‌المللی خاص می‌تواند با اشاره در تقاضا درخواست یا یادداشت جداگانه به یک وکالتنامه جداگانه موجود که آن کارگزار را برای عهده‌دار شدن نمایندگی متقاضی در ارتباط با هر اظهارنامه بین‌المللی که ممکن است به وسیله آن متقاضی تسلیم شود، منصوب نموده، (یعنی وکالتنامه کلی) محقق شود، مشروط بر اینکه:

«۱» وکالتنامه کلی به موجب شق (ب) این بند تودیع شده باشد، و

«۲» نسخه‌ای از آن بر حسب مورد به تقاضا، درخواست، یا یادداشت جداگانه به وکالتنامه ملصق شده باشد. نسخه مزبور

لازم نیست امضاء شود.

(ب) وکالتنامه کلی نزد اداره دریافت‌کننده تودیع خواهد شد، مشروط بر اینکه هرگاه وکالتنامه مزبور کارگزاری را بر طبق شق (ب)، (ج) یا جزء «۲» شق (د) بند ۱ ماده ۹۰ آئیننامه منصوب نماید، بر حسب مورد، نزد مرجع جستجوی بین‌المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تودیع گردد.

۶-۹۰ لغو و انصراف

(الف) هر انتصاب یک کارگزار یا نماینده مشترک می‌تواند بوسیله اشخاصی که انتصاب را به عمل آورده‌اند یا به وسیله

قائم مقام آنان لغو گردد، که در آن صورت هر انتصاب کارگزار فرعی بر طبق شق (د) بند ۱ ماده ۹۰ آئین نامه به وسیله کارگزار لغو شده تلقی خواهد شد. هر انتصاب کارگزار فرعی بر طبق شق (د) بند ۱ ماده ۹۰ آئین نامه نیز می تواند به وسیله متقاضی مربوطه لغو شود.

(ب) انتصاب یک کارگزار بر طبق شق (الف) بند ۱ ماده ۹۰ آئین نامه دارای اثر لغو هر انتصاب قبلی کارگزاری است که بر طبق آن ماده منصوب شده است، مگر آنکه خلاف آن ذکر شده باشد.

(ج) انتصاب یک نماینده مشترک دارای اثر لغو هر انتصاب قبلی یک نماینده مشترک است مگر اینکه خلاف آن ذکر شده باشد.

(د) یک کارگزار یا نماینده مشترک می تواند بوسیله یک اطلاعیه امضاء شده به وسیله او از انتصاب خود انصراف حاصل نماید.

(ه) شقوق (ب) و (ج) بند ۴ ماده ۹۰ آئین نامه با تغییرات مقتضی در مورد سندی که حاوی یک لغو یا انصراف بر طبق این ماده باشد، اجرا خواهد شد.

ماده ۹۰ مکرر - استرداد

۱-۹۰ مکرر - استرداد اظهارنامه بین المللی

(الف) متقاضی می تواند در هر زمان تا قبل از انقضاء ۳۰ ماه از تاریخ حق تقدم، اظهارنامه بین المللی را مسترد نماید.

(ب) استرداد با وصول اعلامیه متقاضی خطاب به دفتر بین المللی، اداره دریافت کننده، به انتخاب متقاضی، یا هرگاه بند

(۱) ماده ۳۹ معاهده مصداق داشته باشد، به مرجع بررسی مقدماتی بین المللی محقق خواهد شد.

(ج) اگر اعلامیه استرداد ارسالی به وسیله متقاضی یا ارسالی به وسیله اداره دریافت کننده، یا مرجع بررسی مقدماتی

بین المللی، قبل از تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین المللی به دفتر بین المللی واصل شود، هیچ انتشار بین المللی اظهارنامه بین المللی محقق نخواهد شد.

۲-۹۰ مکرر - استرداد تعیین ها

(الف) متقاضی می تواند تعیین هر کشور تعیین شده را در هر زمانی قبل از انقضاء ۳۰ ماه از تاریخ حق تقدم، مسترد نماید.

استرداد تعیین یک کشور که انتخاب شده است، متضمن استرداد انتخاب متناظر بر طبق بند ۴ ماده ۹۰ مکرر آئین نامه خواهد بود.

(ب) هرگاه کشوری به منظور تحصیل یک ورقه اختراع ملی و یک ورقه اختراع منطقه ای تعیین شده باشد، استرداد تعیین

کشور فقط به معنای استرداد تعیین برای هدف تحصیل ورقه اختراع ملی تلقی خواهد شد، به استثنای موردی که خلاف آن ذکر شده باشد.

(ج) استرداد تعیین‌های تمام کشورهای تعیین شده به معنای استرداد اظهارنامه بین‌المللی بر طبق بند ۱ ماده ۹۰ مکرر تلقی خواهد شد.

(د) استرداد با وصول یک اطلاعیه ارسالی متقاضی، به انتخاب خود، خطاب به دفتر بین‌المللی، اداره دریافت‌کننده یا هرگاه بند ۱ ماده ۳۹ معاهده مصداق داشته باشد، خطاب به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، محقق خواهد شد.

(ه) اگر اطلاعیه استرداد ارسالی به وسیله متقاضی یا ارسال شده به وسیله اداره دریافت‌کننده، یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، قبل از تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین‌المللی به دفتر بین‌المللی واصل شود، هیچ انتشار بین‌المللی در مورد تعیین، محقق نخواهد شد.

۳-۹۰ مکرر - استرداد ادعاهای حق تقدم

(الف) متقاضی می‌تواند یک ادعای حق تقدم را که براساس بند (۱) ماده ۸ معاهده در اظهارنامه بین‌المللی به عمل آورده، در هر زمانی قبل از انقضاء ۳۰ ماه از تاریخ حق تقدم مسترد نماید.

(ب) هرگاه اظهارنامه بین‌المللی حاوی بیش از یک ادعای حق تقدم باشد، متقاضی می‌تواند، حقوق مقرر در شق (الف) فوق را در ارتباط با یک یا چند یا تمام ادعاهای حق تقدم اعمال نماید.

(ج) استرداد، با وصول یک اطلاعیه ارسالی متقاضی، به انتخاب خود، خطاب به دفتر بین‌المللی، اداره دریافت‌کننده یا هرگاه بند ۱ ماده ۳۹ معاهده مصداق داشته باشد، خطاب به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، محقق خواهد شد.

(د) هرگاه استرداد ادعای حق تقدم، در تاریخ حق تقدم تغییر ایجاد نماید، هر مهلتی که از تاریخ اصلی حق تقدم محاسبه شده و هنوز منقضی نشده باشد، با رعایت شق (ه) از تاریخ حق تقدم که در نتیجه آن تغییر بوجود آمده است، محاسبه خواهد شد.

(ه) در مورد مهلت مذکور در شق (الف) بند (۲) ماده ۲۱ معاهده، اگر اطلاعیه استرداد ارسالی به وسیله متقاضی یا ارسال شده، به وسیله اداره دریافت‌کننده یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی پس از تکمیل مقدمات فنی انتشار بین‌المللی به دفتر بین‌المللی واصل شود، مع هذا دفتر بین‌المللی می‌تواند براساس مهلت مذکور به نحو محاسبه شده از تاریخ حق تقدم اصلی، نسبت به انتشار بین‌المللی اقدام نماید.

۴-۹۰ مکرر - استرداد درخواست یا انتخاب‌ها

(الف) متقاضی می‌تواند درخواست یا هر انتخاب یا کلیه انتخاب‌ها را در هر زمان تا قبل از انقضاء ۳۰ ماه از تاریخ حق تقدم مسترد نماید.

(ب) استرداد، با وصول اطلاعیه متقاضی خطاب به دفتر بین‌المللی محقق خواهد شد.

(ج) اگر اطلاعیه استرداد به وسیله متقاضی به مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی تسلیم شده باشد، آن مرجع تاریخ وصول را بر روی اطلاعیه درج و آن را فوراً به دفتر بین‌المللی ارسال خواهد نمود. چنین تلقی خواهد شد که اطلاعیه در تاریخ درج شده بر روی آن به دفتر بین‌المللی ارسال شده است.

۵-۹۰ مکرر - امضاء

(الف) هر اطلاعیه استرداد مذکور در بند ۱ تا بند ۴ ماده ۹۰ آئین‌نامه، با رعایت شق (ب) این بند، به وسیله متقاضی امضاء خواهد شد. هرگاه یکی از متقاضیان بر طبق شق (ب) بند ۲ ماده ۹۰ آئین‌نامه، نماینده مشترک تلقی شده باشد، اطلاعیه مذکور با رعایت شق (ب) این بند مستلزم امضاء توسط کلیه متقاضیان خواهد بود.

(ب) هرگاه دو یا چند متقاضی یک اظهارنامه بین‌المللی را تسلیم نمایند که در آن کشوری تعیین شده باشد که قانون ملی آن مقرر نموده باشد که اظهارنامه‌های ملی باید به وسیله مخترع تسلیم شوند و هرگاه یک متقاضی برای آن کشور تعیین شده که یک مخترع است. را نتوان یافت یا به او پس از تلاش‌های لازم دست یافت، مقتضی نخواهد بود که اطلاعیه استرداد مذکور در بند ۱ تا ۴ ماده ۹۰ مکرر آئین‌نامه، به وسیله آن متقاضی (متقاضی مربوطه) امضاء شود، مشروط بر اینکه حداقل به وسیله یک متقاضی امضاء شود، و

«۱» اظهاریه قانع‌کننده‌ای بر حسب مورد برای اداره دریافت‌کننده، دفتر بین‌المللی، یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی درباره توضیح علت فقدان امضاء متقاضی مربوطه ارائه می‌گردد، یا

«۲» در مورد اطلاعیه استرداد مذکور در شق (ب) بند ۱ و شق (د) بند ۲ و شق (ج) بند ۳ ماده ۹۰ مکرر آئین‌نامه، متقاضی مربوطه تقاضا را امضاء نکرده باشد، ولی الزامات شق (ب) بند ۱۵ ماده ۴ آئین‌نامه رعایت شده باشد، یا

«۳» در مورد اطلاعیه استرداد مذکور در شق (ب) بند ۴ ماده ۹۰ مکرر آئین‌نامه، متقاضی مربوطه درخواست را امضاء نکرده باشد ولی الزامات مذکور در شق (ب) بند ۸ ماده ۵۳ آئین‌نامه رعایت شده باشد، یا انتخاب متعاقب مربوطه را امضاء نکرده باشد ولی الزامات شق (ج) بند ۱ ماده ۵۶ آئین‌نامه رعایت شده باشد.

۶-۹۰ مکرر - اثر استرداد

(الف) هرگاه بررسی یا رسیدگی اظهارنامه بین‌المللی بر طبق بند (۲) ماده ۲۳ یا بند (۲) ماده ۴۰ معاهده قبلاً شروع شده

باشد، استرداد اظهارنامه بین‌المللی، هرگونه تعیین، هرگونه ادعای حق تقدم به موجب ماده ۹۰ مکرر آئین‌نامه، دارای هیچ اثری بر درخواست یا هرگونه انتخاب در هیچ اداره تعیین شده یا منتخب نخواهد بود.

(ب) هرگاه اظهارنامه بین‌المللی بر طبق بند ۱ ماده ۹۰ مکرر مسترد شود، رسیدگی بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی متوقف خواهد شد.

(ج) هرگاه درخواست یا کلیه انتخاب‌ها بر طبق بند ۴ ماده ۹۰ مکرر آئین‌نامه، مسترد شوند، رسیدگی به اظهارنامه بین‌المللی به وسیله مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی متوقف خواهد شد.

۷-۹۰ مکرر - اختیارات بر طبق شق (ب) بند (۴) ماده ۳۷ معاهده

(الف) هر کشور متعاهدی که قانون ملی آن، آنچه که در قسمت دوم شق (ب) بند (۴) ماده ۳۷ معاهده توصیف شده را مقرر نماید، مراتب را کتباً به دفتر بین‌المللی اطلاع خواهد داد.

(ب) اطلاعیه مذکور در شق (الف) این بند، فوراً به وسیله دفتر بین‌المللی در روزنامه رسمی انتشار خواهد یافت و در مورد اظهارنامه‌های بین‌المللی که دیرتر از یک ماه از تاریخ انتشار آن تسلیم شده باشند، مؤثر خواهد بود.

ماده ۹۱- اشتباهات فاحش در اسناد

۹۱-۱ رفع اشتباه

(الف) با رعایت شقوق (ب) تا (ز) رابع) این بند، اشتباهات فاحش در اظهارنامه بین‌المللی یا اوراق دیگر تسلیمی به وسیله متقاضی می‌تواند رفع شود.

(ب) اشتباهاتی که علت آن این واقعیت باشد که چیزی غیر از آنچه که بطور آشکار مورد نظر بوده در اظهارنامه بین‌المللی یا ورقه دیگر نوشته شده، اشتباهات فاحش تلقی خواهند شد. خود رفع اشتباه نیز باید آشکار باشد به این معنا که هر کس بتواند فوراً درک نماید که هیچ چیز دیگری غیر از آنچه به عنوان رفع اشتباه پیشنهاد شده، منظور نظر نبوده است.

(ج) حذف کل عناصر یا اوراق اظهارنامه بین‌المللی، حتی اگر به وضوح ناشی از بی‌توجهی برای مثال، در مرحله نسخه‌برداری یا مرتب نمودن اوراق باشد، قابل رفع نخواهد بود.

(د) رفع اشتباه می‌تواند براساس تقاضای متقاضی به عمل آید. مرجعی که آن چیزی را که بنظر می‌رسد اشتباه فاحش است کشف نموده باشد، می‌تواند از متقاضی دعوت نماید که تقاضایی را که برای رفع اشتباه به نحو مقرر در شقوق (ه) تا (ز) رابع) این بند ارائه نماید. بند ۴ ماده ۲۶ آئین‌نامه با تغییرات مقتضی، در مورد نحوه تقاضا برای رفع اشتباه اعمال خواهد شد.

(هـ) هیچ گونه رفع اشتباهی مگر با اجازه صریح مراجع زیر صورت نخواهد گرفت:

«۱» اداره دریافت کننده چنانچه اشتباه در تقاضا باشد،

«۲» مرجع جستجوی بین المللی چنانچه اشتباه در هر قسمت اظهارنامه بین المللی غیر از تقاضا یا هر ورقه تسلیمی به آن

مرجع باشد،

«۳» مرجع بررسی مقدماتی بین المللی چنانچه اشتباه در هر قسمت اظهارنامه بین المللی غیر از تقاضا یا هر ورقه تسلیمی

به آن مرجع باشد،

«۴» دفتر بین المللی چنانچه اشتباه در هر ورقه تسلیمی به دفتر بین المللی، غیر از اظهارنامه بین المللی یا تصحیحات یا

اصلاحیه ها به آن اظهارنامه باشد.

(و) هر مرجعی که هر رفع اشتباه را اجازه داده یا رد نماید، فوراً متقاضی را از اجازه یا رد و در صورت رد از دلایل رد مطلع

خواهد نمود. مرجعی که یک رفع اشتباه را اجازه دهد، مراتب را فوراً به اطلاع دفتر بین المللی خواهد رسانید. هرگاه اجازه رفع

اشتباه رد شود، دفتر بین المللی، بر اساس تقاضای متقاضی، تا قبل از زمان مربوط بر طبق شقوق (ز مکرر)، (ز ثالث) یا (ز رابع)

این بند و با رعایت پرداخت یک هزینه خاص که مبلغ آن در دستورالعمل های اداری تعیین خواهد شد، تقاضای رفع اشتباه را

همراه با اظهارنامه بین المللی انتشار خواهد داد. نسخه ای از تقاضای رفع اشتباه جزء مکاتبه موضوع ماده ۲۰ معاهده، در موردی

که، نسخه ای از جزوه برای آن مکاتبه استفاده نشود یا هرگاه اظهارنامه بین المللی بر طبق بند (۳) ماده ۶۴ معاهده انتشار نیابد،

خواهد آمد.

(ز) اجازه برای رفع اشتباه مذکور در شق (هـ) این بند با رعایت شقوق (ز مکرر)، (ز ثالث) و (ز رابع) این بند مؤثر خواهد

بود:

«۱» هرگاه اجازه مزبور به وسیله اداره دریافت کننده یا به وسیله مرجع جستجوی بین المللی داده شده باشد، چنانچه

اطلاعیه آن به دفتر بین المللی قبل از انقضاء ۱۷ ماه از تاریخ حق تقدم به آن دفتر واصل شده باشد؛

«۲» هرگاه اجازه مزبور به وسیله مرجع بررسی مقدماتی بین المللی داده شده باشد، چنانچه آن اجازه قبل از تهیه گزارش

بررسی مقدماتی بین المللی داده شده باشد؛

«۳» هرگاه اجازه مزبور به وسیله دفتر بین المللی داده شده باشد، چنانچه آن اجازه قبل از انقضاء ۱۷ ماه از تاریخ حق

تقدم داده شده باشد.

(ز مکرر) اگر اطلاعیه موضوع جزء «۱» شق (ز) این بند پس از انقضای ۱۷ ماه از تاریخ حق تقدم ولی قبل از تکمیل

مقدمات فنی انتشار بین‌المللی، به دفتر بین‌المللی واصل شود، یا اگر رفع اشتباه انجام شده بر طبق جزء «۳» شق (ز) این بند را دفتر بین‌المللی پس از انقضاء ۱۷ ماه از تاریخ حق تقدم ولی قبل از تکمیل مقدمات فنی انتشار بین‌المللی اجازه دهد، اجازه مؤثر بوده و رفع اشتباه در انتشار مزبور خواهد آمد.

(ز ثالث) هرگاه متقاضی از دفتر بین‌المللی خواسته باشد که اظهارنامه بین‌المللی او را قبل از انقضاء ۱۸ ماه از تاریخ حق تقدم انتشار دهد، برای تحقق این خواسته باید هر اطلاعیه صادره بر طبق جزء «۱» شق (ز) این بند تا قبل از تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین‌المللی، به دفتر بین‌المللی واصل و دفتر بین‌المللی هر رفع اشتباه انجام شده بر طبق جزء «۳» شق (ز) این بند را تا قبل از تکمیل مقدمات فنی برای انتشار بین‌المللی اجازه داده باشد.

(ز رابع) هرگاه اظهارنامه بین‌المللی در اجرای بند (۳) ماده ۶۴ معاهده، منتشر نشده باشد، برای محقق شدن اجازه برای رفع اشتباه، هرگونه اطلاعیه صادره بر طبق جزء «۱» شق (ز) این بند به دفتر بین‌المللی، و هرگونه رفع اشتباه به عمل آمده بر طبق جزء «۳» بند (ز) این ماده توسط آن دفتر، نایستی دیرتر از زمان مکاتبه مربوط به اظهارنامه بین‌المللی موضوع ماده ۲۰ معاهده باشد.

ماده ۹۲- مکاتبه

۹۲-۱ نیاز به نامه و امضاء

(الف) هر ورقه‌ای که بوسیله متقاضی در جریان آئین کار بین‌المللی مقرر در معاهده و این آئین‌نامه به غیر از خود اظهارنامه بین‌المللی تسلیم شود، اگر آن ورقه بصورت یک نامه نباشد، باید همراه با نامه‌ای باشد که اظهارنامه بین‌المللی که به آن مربوط است را مشخص نماید. نامه به وسیله متقاضی امضاء خواهد شد.

(ب) اگر الزامات مقرر در جزء (الف) این بند رعایت نشود، متقاضی از عدم رعایت مطلع و از او دعوت خواهد شد که ظرف یک مهلت تعیین شده در دعوتنامه نسبت به جبران نقیصه اقدام نماید. مهلتی که به این ترتیب تعیین می‌شود بر حسب شرایط و اوضاع و احوال، معقول خواهد بود؛ حتی اگر مهلتی که به این ترتیب تعیین می‌شود دیرتر از مهلت ارائه ورقه منقضی شود (یا حتی اگر زمان اخیرالذکر قبلاً منقضی شده باشد)، مهلت مزبور نایستی کمتر از ۱۰ روز و بیشتر از یک ماه از تاریخ پست دعوتنامه باشد. اگر نقیصه ظرف مهلت تعیین شده در دعوتنامه جبران شود، نقیصه مزبور، کان‌لم‌یکن تلقی، خواهد شد. در غیر اینصورت به متقاضی اطلاع داده خواهد شد که ورقه نادیده گرفته شده است.

(ج) هرگاه عدم رعایت الزامات مقرر در شق (الف) این بند از نظر دور بماند و ورقه در آئین کار بین‌المللی در نظر گرفته

شود، در آن صورت عدم رعایت نادیده گرفته خواهد شد.

۹۲-۲ زبان‌ها

(الف) با رعایت بند ۱ ماده ۵۵ و بند ۹ ماده ۶۶ آئین‌نامه و شق (ب) این بند، هر نامه یا سند تسلیمی متقاضی به مرجع جستجوی بین‌المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، به همان زبان اظهارنامه بین‌المللی مربوطه خواهد بود، مع هذا هرگاه ترجمه‌ای از اظهارنامه بین‌المللی بر طبق شق (ب) بند ۱ ماده ۲۳ آئین‌نامه ارسال یا بر طبق بند ۲ ماده ۵۵ آئین‌نامه ارائه شده باشد، از زبانی که در متن ترجمه بکار رفته استفاده خواهد شد.

(ب) هر نامه از سوی متقاضی به مرجع جستجوی بین‌المللی یا مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی می‌تواند به زبانی غیر از زبان اظهارنامه بین‌المللی باشد، مشروط بر اینکه مرجع مذکور اجازه استفاده از چنین زبانی را داده باشد.

(ج) [حذف شده است]

(د) هر نامه‌ای از سوی متقاضی به دفتر بین‌المللی، به زبان انگلیسی یا فرانسه خواهد بود.

(ه) هر نامه یا اطلاعیه از دفتر بین‌المللی به متقاضی یا به هر اداره ملی به زبان انگلیسی یا فرانسه خواهد بود.

۹۲-۳ ارسال پستی توسط ادارات ملی و سازمان‌های بین‌الدولی

هر نامه یا سند ناشی از، یا ارسالی بوسیله، یک اداره ملی یا یک اداره ملی یا یک سازمان بین‌الدولی که حاکی از یک رخ داد باشد که از تاریخ آن رخ داد هر مهلتی به موجب معاهده یا این آئین‌نامه آغاز شده و ادامه یابد، آن سند یا نامه بوسیله پست هوایی ارسال خواهد شد، با این قید که در مواردی که پست زمینی معمولاً ظرف دو روز از تاریخ پست به مقصد واصل می‌شود، یا هر گاه خدمات پستی هوایی در دسترس نباشد، می‌توان از پست زمینی بجای پست هوایی استفاده نمود.

۹۲-۴ استفاده از تلگراف، چاپ از راه دور، دستگاه نمابر و غیره

(الف) سندی که اظهارنامه بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و یا هر سند یا مکاتبه پس از آن که به آن مربوط باشد، علیرغم مفاد بند ۱۴ ماده ۱۱ و شق (الف) بند ۱ ماده ۹۲ آئین‌نامه، ولی با رعایت شق (ح) این بند، تا آنجا که عملی باشد، می‌تواند بوسیله تلگراف، چاپ از راه دور، دستگاه نمابر، یا وسایل مشابه ارسال دیگر، که منجر به تسلیم یک سند مکتوب یا چاپی می‌شود، ارسال گردد.

(ب) امضاء ظاهر بر روی یک سند ارسالی بوسیله دستگاه نمابر، از لحاظ این معاهده و این آئین‌نامه به عنوان امضاء صحیح شناخته خواهد شد.

(ج) هرگاه متقاضی تلاش نموده باشد که سندی را به هر یک از وسایل مذکور در شق (الف) این بند ارسال نماید ولی

قسمتی یا کل سند دریافتی ناخوانا باشد یا قسمتی از سند دریافت نشده باشد، تا آن حد که سند ناخوانا باشد، یا کوشش ارسال محقق نشده باشد، سند دریافت نشده تلقی خواهد شد. اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی فوراً مراتب را به متقاضی اطلاع خواهد داد.

(د) هر اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی می‌تواند بخواهد که اصل هر سند ارسالی بوسیله هر یک از وسایل مذکور در شق (الف) این بند و یک نامه همراه آن که مشخص‌کننده ارسال قبلی باشد ظرف مهلت ۱۴ روز از تاریخ ارسال، ارائه شود، مشروط بر اینکه این الزام به دفتر بین‌المللی اطلاع داده شده و دفتر بین‌المللی اطلاعات مربوط به آن را در روزنامه رسمی انتشار داده باشد. اطلاعیه مشخص خواهد نمود که آیا این الزام به تمام یا فقط به انواع خاص اسناد مربوط می‌شود.

(ه) هرگاه متقاضی اصل سند به نحو مقرر در شق (د) این بند را ارائه نکند، اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی مربوطه می‌تواند، بسته به نوع سند ارسالی و با توجه به ماده ۱۱ و بند ۳ ماده ۲۶ این آئین‌نامه:

«۱» الزام موضوع شق (د) این بند را اسقاط نماید، یا

«۲» از متقاضی دعوت نماید که ظرف مهلتی که برحسب شرایط و اوضاع معقول بوده و در دعوتنامه تعیین می‌شود، اصل ارسالی را ارائه نماید، مشروط بر اینکه هرگاه سند ارسالی حاوی نقایصی بوده یا نشان دهد که سند اصلی حاوی نقایصی است که در ارتباط با آن اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی ممکن است دعوتنامه‌ای برای تصحیح صادر نماید، آن اداره یا سازمان می‌تواند چنین دعوتنامه‌ای را اضافه بر، یا بجای اقدام بر طبق جزء «۱» یا «۲»، صادر نماید.

(و) هرگاه ارائه اصل یک سند بر طبق شق (د) این بند ضروری نباشد ولی اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی دریافت اصل سند مذکور را ضروری تشخیص دهد، آن اداره می‌تواند دعوتنامه‌ای به نحو مقرر در جزء «۲» شق (ه) این بند را صادر نماید. (ز) اگر متقاضی دعوت موضوع جزء «۲» شق (ه) یا (و) این بند را اجابت ننماید:

«۱» هرگاه سند مربوطه، اظهارنامه بین‌المللی باشد، آن اظهارنامه مسترد شده تلقی و اداره ملی مراتب را اعلام خواهد نمود؛

«۲» هرگاه سند مربوطه سندی متعاقب بر اظهارنامه بین‌المللی باشد، چنین تلقی خواهد شد که سند تسلیم نشده است.

(ح) هیچ اداره ملی یا سازمان بین‌الدولی ملزم نخواهد بود که هر سند تسلیمی از طریق یکی از وسایل مذکور در شق

(الف) این بند را وصول نماید، مگر اینکه دفتر بین‌المللی را مطلع نموده باشد که آماده است تا چنین سندی را با آن طریق دریافت نماید و دفتر بین‌المللی اطلاعات مربوط به آن را در روزنامه رسمی منتشر ساخته باشد.

ماده ۹۲ مکرر - ثبت تغییرات برخی مطالب در تقاضا یا درخواست

۹۲-۱ مکرر - ثبت تغییرات بوسیله دفتر بین‌المللی

(الف) دفتر بین‌المللی، بنا به تقاضای متقاضی یا اداره دریافت‌کننده، تغییرات در مطالب زیر در تقاضا یا درخواست را ثبت خواهد نمود:

«۱» شخص، نام، اقامت، تابعیت یا نشانی متقاضی،

«۲» شخص، نام یا نشانی کارگزار، نماینده مشترک یا مخترع.

(ب) دفتر بین‌المللی تغییر مورد تقاضا را اگر تقاضا برای ثبت پس از انقضاء مهلت‌های زیر به آن واصل شود ثبت نخواهد نمود:

«۱» مهلت مذکور در بند (۱) ماده ۲۲ معاهده، هرگاه بند (۱) ماده ۳۹ معاهده در ارتباط با هر دولت متعاهد قابل اعمال نباشد؛

«۲» مهلت مذکور در شق (الف) بند (۱) ماده ۳۹ معاهده، هرگاه بند (۱) ماده ۳۹ معاهده حداقل در مورد یک کشور متعاهد قابل اعمال باشد.

ماده ۹۳- نگاهداری سوابق و پرونده‌ها

۹۳-۱ اداره دریافت‌کننده

هر اداره دریافت‌کننده سوابق مربوط به هر اظهارنامه بین‌المللی یا اظهارنامه به عنوان اظهارنامه بین‌المللی، از جمله نسخه اصلی را برای حداقل ۱۰ سال از تاریخ تسلیم بین‌المللی، یا هرگاه هیچ تاریخ تسلیم بین‌المللی داده نشده باشد، از تاریخ وصول نگاهداری خواهد نمود.

۹۳-۲ دفتر بین‌المللی

(الف) دفتر بین‌المللی پرونده، از جمله نسخه بایگانی، اظهارنامه بین‌المللی را برای حداقل ۳۰ سال از تاریخ دریافت نسخه بایگانی نگاهداری خواهد نمود.

(ب) سوابق اصلی دفتر بین‌المللی، برای مدت نامحدود نگاهداری می‌شود.

۹۳-۳ مراجع جستجو و بررسی مقدماتی بین‌المللی

هر مرجع جستجوی بین‌المللی و هر مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، پرونده هر اظهارنامه بین‌المللی را که دریافت می‌دارد، حداقل برای ۱۰ سال از تاریخ تسلیم بین‌المللی نگاهداری می‌نماید.

از لحاظ این ماده، سوابق، نسخه‌ها و پرونده‌ها را می‌توان به صورت فیلم (فتوگرافیک)، الکترونیک، یا سایر روشهای تکثیر نگاهداری نمود، مشروط بر اینکه تکثیرها بنحوی باشد که تعهدات مربوط به حفظ سوابق، نسخه‌ها و پرونده‌ها بر طبق بند ۱ ماده ۹۳ تا بند ۳ ماده ۹۳ آئین‌نامه رعایت شوند.

ماده ۹۴- دسترسی به پرونده‌ها

۹۴-۱ دسترسی به پرونده نگاهداری شده توسط دفتر بین‌المللی

(الف) بنا به تقاضای متقاضی یا هر شخص مجاز از طرف متقاضی، دفتر بین‌المللی مشروط به پرداخت هزینه خدمات، نسخه‌هایی از هر سند موجود در پرونده خود را ارائه خواهد داد.

(ب) دفتر بین‌المللی بنا به تقاضای هر شخص و نه قبل از انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی و با رعایت ماده ۳۸ معاهده و مشروط به پرداخت هزینه خدمات، نسخه‌هایی از هر سند موجود در پرونده خود را ارائه خواهد داد.

۹۴-۲ دسترسی به پرونده نگاهداری شده توسط مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی بنا به تقاضای متقاضی یا هر شخص مجاز از طرف متقاضی، یا، زمانی که گزارش بررسی مقدماتی بین‌المللی تهیه شده باشد، بنا به تقاضای هر اداره منتخب، مرجع بررسی مقدماتی بین‌المللی، مشروط به پرداخت هزینه خدمات، نسخه‌هایی از هر سند موجود در پرونده خود را ارائه خواهد داد.

۹۴-۳ دسترسی به پرونده نگاهداری شده بوسیله اداره منتخب

اگر قانون ملی قابل اعمال توسط هر اداره منتخب، دسترسی اشخاص ثالث به پرونده اظهارنامه ملی را مجاز بداند، آن اداره می‌تواند دسترسی به هر سند مربوط به اظهارنامه بین‌المللی، از جمله هر سند مربوط به بررسی مقدماتی بین‌المللی موجود در پرونده خود را تا همان حدی که در قانون ملی برای دسترسی به پرونده اظهارنامه ملی مقرر است ولی، نه قبل از انتشار بین‌المللی اظهارنامه بین‌المللی، اجازه دهد.

ارائه نسخه‌هایی از اسناد می‌تواند مشروط به پرداخت هزینه خدمات شود.

ماده ۹۵- در دسترسی بودن ترجمه‌ها

۹۵-۱ ارائه نسخه‌های ترجمه

(الف) بنا به تقاضای دفتر بین‌المللی، هر اداره تعیین شده یا منتخب نسخه‌ای از ترجمه اظهارنامه بین‌المللی ارائه شده به

وسیله متقاضی به آن اداره را در اختیار آن دفتر قرار خواهد داد.

(ب) دفتر بین‌المللی می‌تواند، بنا به تقاضا و مشروط به پرداخت هزینه، نسخه‌هایی از ترجمه‌های دریافتی به موجب شق

(الف) بند ۱ فوق را در اختیار هر شخص قرار دهد.

ماده ۹۶- جدول هزینه‌ها

۱-۹۶ جدول هزینه‌های منضم به آئین‌نامه

مبلغ هزینه‌های مذکور در مواد ۱۵ و ۵۷ آئین‌نامه به صورت پول سوئیس خواهد بود.

آنها در جدول هزینه‌ها که منضم به این آئین‌نامه است و جزء لاینفک آن بشمار می‌رود مشخص خواهد شد.

(جدول هزینه‌ها)

تخفیف‌ها

۴- اگر اظهارنامه بین‌المللی بر طبق و در حد مقرر در دستورالعمل‌های اداری، روی کاغذ، همراه با یک نسخه به صورت

الکترونیک تسلیم شده باشد، کل مبلغ هزینه‌های قابل پرداخت موضوع موارد ۱ و ۲ (الف) به مقدار ۲۰۰ فرانک سوئیس کاهش می‌یابد.

۵ - برای اظهارنامه‌های بین‌المللی تسلیمی توسط یک متقاضی که شخص حقیقی بوده و تبعه و مقیم

کشوری باشد که درآمد ملی سرانه آن (بر طبق میانگین ارقام درآمد ملی سرانه مورد استفاده سازمان ملل متحد برای تعیین

سهمیه آن کشور در بودجه سال‌های ۱۹۹۵، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ آن سازمان) کمتر از ۳۰۰۰ دلار آمریکا باشد، کلیه هزینه‌های قابل

پرداخت (هرجا که مورد ۴ فوق قابل اعمال باشد به صورت هزینه‌های کاهش یافته بر طبق این مورد) به میزان ۷۵ درصد

تخفیف می‌یابد؛ اگر متقاضیان متعدد باشند هر کدام از آنها باید ضابطه‌های فوق را رعایت نمایند.

بخش دوم

**آراء وحدت رویه و اصراری هیأت
عمومی دیوان عالی کشور**

از مهر ماه سال ۱۳۸۶ لغایت آذر ماه سال ۱۳۸۶

بسمه تعالی

الف: مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده ردیف ۴۶/۸۴ وحدت رویه، رأی ساعت ۹ بامداد روز سه‌شنبه مورخه ۱۳۸۶/۵/۲ به ریاست حضرت آیت‌الله مفید رئیس دیوان عالی کشور و با حضور حضرت آیت‌ا... دری نجف‌آبادی دادستان کل کشور و شرکت اعضای شعب مختلف دیوان عالی کشور در سالن اجتماعات دادگستری تشکیل و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۰۲ - ۱۳۸۶/۵/۲ منتهی گردید.

ب: گزارش پرونده

احتراماً؛ به استحضار می‌رساند: بر اساس گزارش ۱۸/۲ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۵ ریاست محترم شعبه هجده دیوان عالی کشور از شعبه چهارده سابق و هجده فعلی و شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور در استنباط از ماده ۳۸ آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب سال ۱۳۴۳ کمیسیون خاص مشترک مجلسین، طی پرونده‌های کلاسه ۱۳۶۲/۶۹ و ۱۶۷۲/۲۴ آراء مختلف صادر گردیده است که جریان پرونده‌های مرقوم به شرح ذیل گزارش می‌گردد.

۱ - حسب محتویات پرونده کلاسه ۱۳۶۲/۶۹ شعبه چهاردهم سابق دیوان عالی کشور، آقای جهانگیر... دادخواستی به خواسته ابطال سند نسق زراعی شماره ۲۷۱۱۱ - ۱۳۴۹/۵/۴ و ۲۹۶۰۰ - ۱۳۵۱/۴/۱۸ تنظیمی در دفترخانه اسناد رسمی آستارا و ۲۷۳۲ - ۱۳۴۵/۵/۲۰ دفتر اسناد رسمی شماره ۴۲ رشت و خلعید خوانده از زمین‌های مزبور به طرفیت آقای ماشاء... به دادگاه عمومی آستارا تقدیم، که برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه آن شهرستان ارجاع گردیده است که شعبه مرقوم با استناد به مفاد ماده ۳۸ آیین نامه اصلاحات ارضی مصوبات ۱۳۴۳ و تبصره آن به شایستگی شورای اصلاحات ارضی سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان قرار عدم صلاحیت صادر نموده و پرونده را در اجرای ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی به دیوان عالی کشور ارسال که به شعبه چهاردهم ارجاع و طی دادنامه شماره ۳۷۶ - ۱۳۸۲ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم نموده‌اند: «نظر به مرجعیت عام محاکم دادگستری و اینکه ماده ۳۸ آیین نامه اصلاحات ارضی استنادی در قرار صادره، مغایرتی با حق اقامه دعوی از ناحیه خواهان در محاکم دادگستری ندارد، لذا قرار مزبور غیر موجه تشخیص و با نقض آن، پرونده در اجرای بند «الف» ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی در امور مدنی به همان شعبه اعاده می‌شود.»

۲ - به دلالت محتویات پرونده کلاسه ۱۶۷۲/۲۴ شعبه بیست و یکم دیوان عالی کشور آقایان علی، گل علی و ذکرعلی شهرت همگی نظری، دادخواستی به طرفیت آقایان عوض آذری و قوچعلی نظری و نیز به طرفیت ادارات ثبت اسناد و املاک و امور اراضی اردبیل به خواسته صدور حکم به الزام خواندگان به اصلاح نسق‌های زراعی شماره ۴۱۸۱۱۵ - ۴۹ و ۵۷۷۴۴ و صدور سند زراعی مشاعی جدید نسبت به سهم خواهانها به دادگاه عمومی بخش سرعین تقدیم نموده اند. دادگاه رسیدگی کننده با استدلال اینکه ماده ۳۸ آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۳ و ماده ۶ قانون الحاق موادی به آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۶ حاکی است که اصلاح اسناد اصلاحات ارضی در صلاحیت شورای اصلاحات ارضی می‌باشد، لذا طی دادنامه ۱۵۶۰ قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت شورای اصلاحات ارضی صادر و پرونده را در اجرای ماده ۲۸ ق.آ.د.د.ع و انقلاب در امور مدنی به دیوان عالی کشور ارسال که به شعبه بیست و یکم ارجاع و طی دادنامه ۸۲۰ - ۸۳ به شرح زیر رأی صادر گردیده است:

«با توجه به اینکه اصلاح سند طبق ماده ۳۸ آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۳ و ماده ۶ قانون مواد الحاقی به آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۶ از وظایف خاص شورای اصلاحات ارضی می‌باشد، لذا قرار صادره تأیید می‌شود».

همان طور که ملاحظه می‌فرمایید، شعبه چهاردهم سابق دیوان عالی کشور طی دادنامه فوق‌الاشعار، صرف نظر از عنوان «خلع‌ید» مرقوم در قسمتی از خواسته خواهان، ماده ۳۸ آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۳ را مانع مراجعه مستقیم به دادگاههای عمومی و طرح دعوی به خواسته موارد مذکور در این ماده از آیین نامه نمی‌داند ولی شعبه بیست و یکم دیوان عالی کشور اظهارنظر در خصوص موارد مذکور در ماده ۳۸ آیین نامه مرقوم را فقط در صلاحیت شورای اصلاحات ارضی دانسته که با عنایت به صدور آراء متفاوت از شعب مذکور طرح موضوع را به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری برای صدور رأی وحدت رویه قضایی تقاضا می‌نماید.

معاون قضایی دیوان عالی کشور - حسینعلی نیری

ج: نظریه دادستان کل کشور

با احترام؛ در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی حقوقی ردیف ۴۶/۸۴ هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور موضوع اختلاف نظر بین شعب ۱۴ و ۲۱ دیوان عالی کشور در استنباط از مقررات ماده ۳۸ آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۳ با لحاظ مندرجات گزارش تنظیمی و مقررات قانونی به شرح آتی اظهارنظر می‌گردد.

نظر به اینکه به موجب مقررات ماده ۳۸ آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳ مرداد ۱۳۴۳ مصوب کمیسیون خاص مشترک مجلسین وقت:

(در مواردی که شورای اصلاحات ارضی تشخیص دهد در اسنادی که در اجرای مقررات اصلاحات ارضی تنظیم شده

اشتباهی رخ داده است رأی به اصلاح یا اقاله یا ابطال سند خواهد داد. رأی مزبور برای دفاتر اسناد رسمی و دوایر ثبت اسناد و املاک لازم‌الاجرا خواهد بود، در صورتیکه رأی مزبور خللی به حق دیگری برساند حسب تقاضای ذینفع طبق قسمت اخیر ماده یک قانون مربوط به اشتباهات ثبتی و اسناد معارض مصوب ۱۳۳۳ عمل خواهد شد.

و طبق ماده ۶ قانون مواد الحاقی به آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۳ مرداد ۱۳۴۳ کمیسیون خاص مشترک مجلسین تصویب شده در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۶ مجلس شورای ملی وقت (اگر اختلافی در تشخیص اینکه کسی زارع ملکی است که در تصرف دارد یا آنرا در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۴۰ به عنوان زارع صاحب نسق در تصرف داشته یا رابطه او با ملک بر اساس دیگری می‌باشد حادث شود، رفع اختلاف با توجه به تعاریف مذکور در مقررات اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی ۱۳۴۰ با سازمان اصلاحات ارضی است و رأی سازمان در این خصوص قاطع است، دعاوی مطروحه در محاکم قضایی که هنوز منتهی به صدور حکم قطعی نشده است تابع مقررات این ماده می‌باشد).

نظر به مراتب مذکور

آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳ مرداد ۱۳۴۳ مصوب کمیسیون خاص مشترک مجلسین می‌باشد، به استناد قانون مربوط به اجازه اجرای آیین نامه قانون اصلاحات ارضی دارای ارزش اعتبار و آثار مصوبات قوه مقننه می‌باشد و از طرفی به موجب مقررات قانون مواد الحاقی ... مذکور در فوق آیین نامه مذکور به عنوان قانون مورد تنفیذ مقنن قرار گرفته است.

و به اعتبار مقررات مرقوم رسیدگی به اختلافات راجع به تصرفات مبنای نسق زراعی و اختلافات و اشتباهات حادث در اسناد تنظیمی در اجرای قانون مذکور در صلاحیت شورا یا سازمان اصلاحات ارضی مقرر گردیده است و حتی در مواردی که دعاوی مطروحه در خصوص اختلاف در محاکم قضایی منتهی به حکم قطعی نگریده باشد با عدول از صلاحیت عام محاکم قضایی موضوع به صلاحیت سازمان اصلاحات ارضی احاله گردیده است، النهایه به شرح قسمت اخیر ماده ۳۸ فوق‌العاده در صورتیکه رأی شورا یا سازمان اصلاحات ارضی محل حقوق اشخاص باشد حسب درخواست ذینفع طبق مقررات قسمت اخیر ماده یک قانون مربوط به اشتباهات ثبتی و اسناد معارض عمل خواهد شد و مقررات قسمت اخیر ماده یک قانون مربوط به اشتباهات ثبتی و ... نیز تصریح دارد به اینکه (ذینفع (متضرر از رأی) می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید و در هر حال تعیین تکلیف نهایی در دادگاه خواهد بود).

بنابراین: اولاً مقررات مربوط به رسیدگی به اختلافات مربوط به نسق زراعی و اسناد مربوط به آن به موجب مقررات خاص در صلاحیت سازمان اصلاحات ارضی مقرر گردیده و مقررات عمومی ناظر به صلاحیت عام مراجع قضایی در مقام تعارض ناسخ و یا مخصص مقررات خاص نخواهد بود. ثانیاً تخصیص صلاحیت برای سازمان اصلاحات ارضی به معنی عدول از صلاحیت عام محاکم قضایی نبوده بلکه متضرر از تصمیم سازمان اصلاحات ارضی می‌تواند از تصمیم مذکور در محاکم ذیصلاح قضایی درخواست احقاق حق نماید.

بنا بر جهات مرقوم رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که با لحاظ این مراتب صادر گردیده است منتطبق با موازین و مقررات تشخیص و مورد تأیید می‌باشد.

د: رأی شماره ۷۰۲ - ۱۳۸۶/۵/۲ وحدت رویه هیأت عمومی

«واگذاری اراضی کشاورزی به زارعین صاحب نسق و تشخیص استحقاق و تعیین مقدار زمینی که به هر یک از آنها واگذار می‌شود بر اساس ضوابط ومقررات خاص قانون اصلاحات ارضی است، و در صورتیکه در نحوه این واگذاری و یا تنظیم سند اشتباهی رخ دهد به موجب ماده ۳۸ آیین نامه قانونی مصوب کمیسیون مشترک مجلسین (مرجع صالح در زمان تصویب) شورای اصلاحات ارضی آن را اصلاح می‌نماید. شورای انقلاب اسلامی در ۱۳۵۹/۹/۷ با الحاق یک تبصره به آیین نامه مذکور و نیز در ۱۳۵۹/۲/۱۳ اصلاح تبصره ۳ ماده ۲ لایحه قانونی راجع به تکمیل پاره‌ای از مواد قانون اصلاحات ارضی تلویحاً آن را تأیید نموده است، لذا با عنایت به قسمت اخیر اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شماره ۸۲۰/۸۳ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیحاً صادر شده و تأیید می‌گردد.»

«این رأی به موجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع می‌باشد.»

الف: مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده ردیف ۴/۸۶ وحدت رویه، رأی ساعت ۹ بامداد روز سه‌شنبه مورخه ۱۳۸۶/۸/۱ به ریاست حضرت آیت‌الله مفید رئیس دیوان عالی کشور و با حضور حضرت آیت‌الله دری نجف‌آبادی دادستان کل کشور و شرکت اعضای شعب مختلف دیوان عالی کشور در سالن اجتماعات دادگستری تشکیل و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۰۵ - ۱۳۸۶/۸/۱ منتهی گردید.

ب: گزارش پرونده

احتراماً به استحضار می‌رساند شعب ۲۲ و ۲۴ دیوان عالی کشور با دو نوع برداشت از ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دو رأی متهاافت صادر نموده‌اند بدین خلاصه:

الف - در پرونده کلاسه ۲۶۴/۱/۸۳/ح بندرعباس خانم کبری عالی آبادی دادخواستی به خواسته مطالبه مهریه به تعداد ۱۴ سکه بهار آزادی را به طرفیت شوهرش به دادگاه‌های عمومی بندرعباس تقدیم کرده است. شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی طی دادنامه شماره ۲۴ - ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ با استدلال به اینکه محل اقامت خوانده شهرستان یزد می باشد مستنداً به مواد ۱۱ و ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به صلاحیت دادگاه‌های عمومی یزد اظهارنظر کرده، متعاقباً شعبه پنجم دادگاه عمومی یزد با استدلال به اینکه محل وقوع عقد ازدواج در بندرعباس بوده با استناد به ماده ۱۳ قانون مزبور به صلاحیت دادگاه عمومی بندرعباس رأی داده است. با حدوث اختلاف پرونده در شعبه محترم ۲۴ دیوان عالی کشور مطرح و این شعبه طی دادنامه شماره ۲۴/۵۹ - ۱۳۸۴/۱/۳۱ چنین رأی داده است: «در خصوص اختلاف نظر فیما بین شعبه اول دادگاه عمومی بندرعباس و شعبه پنجم دادگاه عمومی شهرستان یزد در مورد صلاحیت رسیدگی به دعوی خانم کبری عالی آبادی به ظرفیت آقای محسن دائی‌زاده دائر بر مطالبه مهریه به تعداد ۱۴ سکه بهار آزادی، نظر به اینکه حسب مفاد مادتين ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی در دعاوی بازرگانی و در دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد خواهان بدواً مخیر است در محل اقامت خوانده و یا در محل وقوع عقد و یا قرارداد اقامه دعوی نماید ودر مانحن فیه خواهان حوزه قضایی بندرعباس را که محل وقوع نکاح است جهت اقامه دعوی مهریه که از اموال منقول است انتخاب کرده است، لذا قرار صادره از شعبه اول دادگاه عمومی بندرعباس مغایر با مفاد ماده ۱۳ قانون مذکور است، بنا به مراتب فوق با نقض رأی شماره ۲۴ - ۱۳۸۳/۱۱/۱۷ شعبه پنجم دادگاه عمومی شهرستان یزد و اعلام صلاحیت شعبه اول دادگاه عمومی بندرعباس ما بین دو

ب - به حکایت پرونده ۱۰۳/۱۷/۸۴ دادگاه عمومی اصفهان خانم راضیه راستگو دادخواستی به خواسته مطالبه مهرالمسمی مقوم به ده میلیون و یکصد هزار ریال به طرفیت شوهرش آقای محمد حیاتی‌پور تقدیم کرده است. شعبه هفدهم طی دادنامه شماره ۳۰۵ - ۱۳۸۴/۳/۱۱ با استدلال به اینکه محل اقامت خوانده شهرستان بندرعباس است به استناد ماده ۱۱ قانون صدرالذکر از خود نفی صلاحیت کرده و به صلاحیت مرجع مزبور رأی داده است. شعبه چهارم دادگاه عمومی بندرعباس نیز حسب‌الارجاع استدلال کرده که محل وقوع عقد ازدواج در اصفهان است به استناد ماده ۱۳ قانون مذکور با نفی صلاحیت از خود به استناد ماده قانونی ذکر شده و ماده ۲۷ همین قانون و مواد ۳۲ و ۳۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به اعتبار شایستگی دادگاه عمومی اصفهان رأی داده است. با حدوث اختلاف شعبه محترم ۲۲ دیوان عالی کشور حسب‌الارجاع رسیدگی و چنین رأی داده است:

با توجه به اینکه لزوم اداء مهریه به صرف جاری شدن عقد ازدواج دائم و به حکم شرع مقدس به عنوان نحله بر ذمه زوج تعلق می‌گیرد که در صورت تعیین مقدار آن در عقد ازدواج همان مقدار و از همان جنس تعیین شده به عنوان مهر المسمی ثابت می‌گردد والا تعیین مقدار آن طبق ضوابط مقرر تعیین خواهد شد، فلذا مهریه مندرج در عقدنامه موضوع بحث به هیچ وجه شباهتی با دعوای راجع به اموال منقول که طرفین قرارداد به عنوان داد و ستد مبلغی را در قبال مال منقول معهود تعیین می‌کنند ندارد و به همین جهت مقررات ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی در امور مدنی به کلی منصرف از عنوان مهریه قید شده در عقد نکاح است، بنابراین ملاک عمل در تشخیص صلاحیت عبارت از مقررات ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی در امور مدنی است که صلاحیت را در مانحن فیه از برای دادگاه‌های عمومی بندرعباس محل اقامت خوانده مقرر می‌دارد و به این ترتیب با نقض قرار صادره از این دادگاه در پرونده امر حل اختلاف می‌گردد و مقرر می‌دارد دفتر پرونده جهت ادامه رسیدگی و اقدام قانونی به دادگاه فوق‌الذکر ارسال گردد..

علیهذا با توجه به مراتب فوق گزارش جهت کسب نظر هیأت محترم عمومی دیوان عالی به خدمت تقدیم می‌گردد.

معاون اول دادستان کل کشور - سید احمد مرتضوی مقدم

ج: نظریه دادستان کل کشور

با احترام؛ در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۴/۸۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، موضوع اختلاف نظر بین شعب ۲۲ و ۲۴ دیوان عالی کشور در خصوص ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، از آن جائیکه الفاظ عقود و قراردادهای در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به نحو اطلاق استعمال شده و شامل عموم مصادیق عقد و قراردادهای می‌باشد و انصراف آن از عقد نکاح و روابط مالی ناشی از آن از جمله

مهریه، نفقه، جهیزیه و امثال آن مستلزم دلایل، قراین و امارات خارجی است و مواد ۱ و ۷ قانون حمایت از خانواده مبنی بر رسیدگی به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی خانوادگی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و... که ضمن تشریح صلاحیت محاکم ذیصلاح که امر اختلافات خانوادگی دعاوی مدنی ناشی از آن به دادگاه مذکور رجوع می‌گردد مقرر می‌دارد که در صورت تقارن زمانی در امر صلاحیت آنها دادگاه حوزه محل اقامت زن (زوجه) صالح بر رسیدگی خواهد بود، ولی مقررات ماده ۱۳ فوق‌الذکر در مقام نفی مقررات ماده ۱۱ همان قانون نبوده و ضمن تأیید صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، بر خواهان اختیار مراجعه به دادگاه محل وقوع عقد را نیز واگذار می‌نماید، به نظر می‌رسد:

۱ - سیر تدوین قوانین و مقررات در زمینه اموال منقول و غیر منقول و صلاحیت مراجع قضایی نشان دهنده تسهیلات بیشتر در امر رسیدگی به اختلافات و دعاوی مربوط به اموال منقول و دیون و تعهدات در کلیه قراردادهای و عقود مربوطه است.

به نظر می‌رسد این حکمت با گذشت زمان و وسعت دایره مبادلات و خرید و فروش و تعهدات و قراردادهای مربوط به اموال منقول نه تنها از بین نرفته بلکه شمول و نیاز به آن و نوع فعالیت‌های مربوط به صورت مستمر توسعه یافته شاهد آن نقل و انتقال خودرو و موتورسیکلت، وسعت دامنه چک و اعتبارات بانکی و طلا و ارز و سکه و مانند آن است.

۲ - قوانین مربوط به خانواده از سالهای ۱۳۴۶ تا امروز که در این رابطه دهها قانون به تأیید مراجع ذیربط رسیده نشان دهنده حمایتی بودن و ایجاد تسهیلات بیشتر در انواع رسیدگی‌ها و تأمین حقوق خانواده و همسران و فرزندان است.

۳ - عنوان قرارداد بدون تردید شامل مقررات مربوط به مهریه و عقد نکاح نیز می‌شود و به فرض با القاء خصوصیت می‌توان به ماده ۱۳ قانون مربوط استناد نمود.

۴ - آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، سیره عملی قضات، شیوه رسیدگی به دعاوی خانواده در دادگاه خانواده نیز مؤید این معناست، به علاوه ماده ۲۰ قانون مدنی نیز مراتب بالا را از عنوان مهریه نموده‌اند و ماده ۱۳ را بر داد و ستد در اموال منقول حمل نموده، چندان با عنوان قرارداد که عقد نکاح نیز قطعاً یکی از مصادیق آن است سازگار و منطبق نبوده.

۵ - ضمناً بحث اینکه مهریه ناشی از تعهد نسبت به عقد است یا تعهد از حکم شارع و الزام شارع است و یا به عبارت دیگر ماهیت عقد نکاح عقد معوض است یا مهریه، ماهیتاً مؤثر در رابطه زوجیت و به نوعی جزء مقومات عقد نکاح است.

البته به نظر می‌رسد ریشه طرح این موضوع بیشتر به فرهنگ غرب برمی‌گردد و طرح عقد و توافق و اشتراک و مشارکت در زندگی و احکام و آثار و تبعات این نوع همکاری و مشارکت والا با عنایت به فرهنگ عمیق اسلامی و جایگاه ازدواج و خانواده در اسلام و فرهنگ قرآنی و بلکه در نظام آفرینش و اینکه از آیات الهی است و از بدو خلقت حضرت آدم (ع) و حضرت حوا (ع) مطرح بوده و قوانین اسلامی نیز در این باره امضایی و تنفیذی است نه تأسیسی و ابتدایی و آثار و لوازم آن نیز تابع آن است.

و بالجمله دو دیدگاه و دو نوع نظر در رابطه با امر ازدواج و تشکیل خانواده در جهان دیده می‌شود، یکی بر مبنای توافق و قراردادهای اجتماعی و اومانیزم که بیشتر ریشه در فرهنگ غرب و قراردادهای اجتماعی دارد.

بر این اساس عقد ازدواج مانند هر نوع توافق و قرارداد دو جانبه دیگری است و لوازم خاص خود را دارد. لیکن از دیدگاه اسلامی و شرایع الهی که ریشه در فطرت از نوعی توافق ساده فراتر بوده و به عنوان عقد و قرارداد مقدس بلکه مستحب و به بهترین بنیانهای معنوی و انسانی و شرعی شناخته می‌شود و در این نکاح، نحله و مهریه جزء عقد نکاح و از لوازم لاینفک آن است.

در هر صورت مهریه جز مقومات و یا لوازم قطعی عقد نکاح بوده و در صورت عدم ذکر به مهرالمثل تبدیل می‌گردد. نهایتاً این قبیل دغدغه‌ها در استنباط و تفسیر قانون تأثیری نداشته و در رأی شعب محترم دیوان عالی کشور نیز مبنای بحث و رد و ایراد قرار نگرفته، صرفاً قضات محترم شعبه ۲۲ ادعای انصراف ماده ۱۳ را از مهریه نموده‌اند که این استظهار نیز اولاً ادعاست و ثانیاً برای دیگران حجت نیست. ثالثاً ظهور بلکه صراحت ماده ۱۳ در قراردادهاست که عقد نکاح نیز بدون تردید از عقود و قراردادهاست. بنابر آنچه بیان شد رأی شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور که با عنایت به جهات یاد شده اصدار یافته منطبق با قانون بوده و تأیید می‌گردد.

د: رأی شماره ۷۰۵ - ۱۳۸۶/۸/۱ وحدت رویه هیأت عمومی

«چون مطابق ماده سیزده قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ «در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقد و قرارداد ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.» و مهر نیز از عقد نکاح ناشی شده و طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به مجرد عقد، بر ذمه زوج مستقر می‌گردد و به دلالت ماده ۲۰ همان قانون کلیه دیون از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول می‌باشد، لذا به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور دعوی مطالبه مهریه از حیث صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده مشمول مقررات ماده ۱۳ قانون مرقوم بوده و رأی شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.»

«این رأی بر اساس ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ برای کلیه شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.»

الف: مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده ردیف ۴۹/۸۵ وحدت رویه، رأس ساعت ۹ بامداد روز سه‌شنبه مورخه ۱۳۸۶/۷/۲۴ به ریاست حضرت آیت‌الله مفید رئیس دیوان عالی کشور و با حضور حضرت آیت‌الله در نجف‌آبادی دادستان کل کشور و شرکت اعضای شعب مختلف دیوان عالی کشور در سالن اجتماعات دادگستری تشکیل و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۰۴ - ۱۳۸۶/۷/۲۴ منتهی گردید.

ب: گزارش پرونده

احتراماً به استحضار می‌رساند: شعبه محترم سی و سوم دیوان عالی کشور با شعبه محترم ۲۷ دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب در رسیدگی به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور دو نظر متفاوت ابراز فرموده‌اند، که مراتب جهت کسب نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور منعکس می‌گردد.

الف - در پرونده کلاسه ۸۲۴/۸۳ شعبه ۱۰۹ دادگاه عمومی اصفهان آقای حسن سلیمان ایزدی فرزند علی به اتهام ۱ - کلاهبرداری ۲ - اخلال در نظم اقتصادی موضوع بند هـ ماده یک قانون مجازات اخلال در نظام اقتصادی ۳ - خیانت در امانت نسبت به اعضاء هیأت مدیره صندوق قرض‌الحسنه قائمیه ۴ - پرداخت ربا به مشتریان ۵ - صدور چهار فقره چک بلامحل تحت تعقیب بوده، دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان کلیه اعمال (اتهامات) را اخلال در نظام اقتصادی تلقی و با صدور قرار مجرمیت، پرونده را به دادگاه انقلاب اسلامی ارسال نموده است و طبق بند هـ ماده فوق‌الذکر و نیز ماده ۲ و تبصره ۵ این ماده از قانون مذکور با رعایت ماده ۴۷ و تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تقاضای مجازات کرده است. شعبه ششم دادگاه انقلاب اسلامی طی دادنامه شماره ۸۴۷ - ۱۳۸۴/۷/۷ با استدلال به اینکه تبصره ۶ ذیل ماده دو قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و اصلاحیه آن نسخ گردیده، قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت دادگاه‌های عمومی اصفهان صادر کرده است که به شعبه ۱۰۹ ارجاع شده است و این شعبه طی دادنامه شماره ۹۱۶ - ۱۳۸۵/۷/۲۳ استدلال کرده که ماده پنج قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تکمیل صلاحیت‌های سابق دادگاه انقلاب بوده و دلالت بر نسخ صلاحیت‌های سابق محاکم انقلاب ندارد، به استناد ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی با نفی صلاحیت از خود، پرونده را جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال داشته است و شعبه محترم سی و سوم دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۳۳/۶۴۴ - ۱۳۸۴/۸/۱۱ چنین رأی داده است: با

توجه به محتویات پرونده و لحاظ محدوده صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی مصرح در ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ و اصلاحیه مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ آن و تأخیر تاریخ تصویب هر دو قانون مذکور از تاریخ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ نظریه شعبه ششم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان صائب است، لذا با تأیید آن به صلاحیت رسیدگی شعبه ۱۰۹ دادگاه عمومی اصفهان حل اختلاف می‌گردد.

ب - در موضوع مشابه که شخصی به نام آقای اکبر غلامی و چند نفر دیگر به اتهام اخلاک در نظام اقتصادی کشور در شعبه پنجم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان تحت تعقیب بوده‌اند، شعبه مذکور با استدلال به اینکه تبصره ۶ ذیل ماده دو قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و اصلاحیه آن نسخ شده، قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت دادگاه عمومی اصفهان صادر کرده است. شعبه ۱۱۴ دادگاه عمومی حسب‌الارجاع طی دادنامه شماره ۵۱۱/۸۵ استدلال کرده که قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور خاص بوده و با تصویب قانون عام مؤخر نسخ نمی‌شود، لذا از خود نفی صلاحیت کرده و پرونده با حدوث اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال و شعبه محترم ۲۷ حسب‌الارجاع رسیدگی و طی دادنامه شماره ۷۹۰ - ۱۳۸۵/۵/۲۲ چنین رأی داده است:

رأی شعبه: ضمن تأیید استدلال شعبه ۱۱۴ محاکم عمومی جزایی اصفهان با اعلام صلاحیت رسیدگی دادگاه انقلاب اسلامی آن شهرستان و ترجیحاً شعبه پنجم آن حل اختلاف می‌گردد.

علیهذا مراتب در اجرای ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری اعلام می‌گردد تا در هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور مطرح و کسب نظر شود.

معاون اول دادستان کل کشور - سید احمد مرتضوی مقدم

ج: نظریه دادستان کل کشور

با احترام؛ در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۴۹/۸۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، موضوع اختلاف در استنباط شعب ۲۷ و ۳۳ دیوان عالی کشور از مقررات قانونی مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ و ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در خصوص صلاحیت دادگاه عمومی و دادگاه انقلاب اسلامی در رسیدگی به اتهام اقتصادی کشور با لحاظ گزارش تنظیمی به شرح آتی اظهار نظر می‌گردد.

هر چند طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی اصل، مرجعیت عام مراجع دادگستری در رسیدگی به تظلمات عمومی است، لیکن تشکیل دادگاه انقلاب در سازمان قضایی دادگستری کشور به معنی ایجاد دادگاه اختصاصی در قبال دادگاه عمومی نمی‌باشد، بلکه دادگاه انقلاب مرجع تخصصی در دادگستری کشور است مقررات ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در مقام احصاء صلاحیت انحصاری برای دادگاه انقلاب نمی‌باشد، بلکه به موجب مقررات قانونی، دادگاه

انقلاب علاوه بر موارد مصرح در ماده ۵ مرقوم صلاحیت رسیدگی به جرایم دیگری از جمله جرایم پزشکی را نیز دارا می‌باشد و در مانحن‌فیه مقررات قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور به عنوان قانون خاص و حاکم نسبت به مقررات ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به عنوان قانون عام می‌باشد و طبق قواعد اصولی، مقررات عام مؤخر ناسخ مقررات خاص مقدم نمی‌باشد، به خصوص در این مورد مقررات تبصره ۶ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور به لحاظ صراحت بیان نسبت به مفهوم و ظاهر مقررات دیگر حاکم است و از این جهت تهافت و مغایرت احکام آنها با قانون اصلاح قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۳ تحقق و فعلیت نخواهد یافت. خصوصاً اینکه مقنن در سال ۱۳۸۴ در مقام الحاق یک بند و یک تبصره به ماده یک قانون مرقوم نظر به مقررات تبصره ۶ قانون داشته که با عطف نظر به صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به جرایم موضوع قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور متعرض اعتبار تبصره مذکور نگردیده است. در هر صورت صراحت قانون اخلاالگران در نظام اقتصادی مصوب سال ۱۳۶۹ با ادعای نسخ ضمنی و مانند آن از اعتبار ساقط نمی‌شود و ادعای شمول بند الف ماده ۵ نیز نسبت به مسائل امنیت اقتصادی نیاز به تفسیر قانونی و یا مؤنه اضافه دارد.

ادعای اینکه ماده ۵ در مقام تحدید است صرفاً برداشت مفهومی است و با منطوق و صراحت قانون سازگار نمی‌باشد. در هر صورت به نظر اینجانب رأی شعبه ۲۷ ارجح است و قضات محترم نیز در مقام رسیدگی اگر به قانون اخلاالگران استناد نمایند اقدام ایشان طبق مقررات صورت پذیرفته است.

بدین جهت رأی شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور با لحاظ مراتب مذکور منطبق با موازین قانونی به نظر می‌رسد مورد تأیید می‌باشد.

د: رأی شماره ۷۰۴ - ۱۳۸۶/۷/۲۴ وحدت رویه هیأت عمومی

«طبق بند اول ماده پنجم قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، به کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و محاربه و یا افساد فی الارض در دادگاه‌های انقلاب اسلامی رسیدگی می‌گردد و رسیدگی به جرائم مذکور در بندهای مختلف ماده یک قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور نیز در صورتی که طبق ماده ۲ این قانون به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد، به لحاظ اینکه متضمن اقدام علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور است، با این دادگاه‌ها خواهد بود و در سایر موارد به علت نسخ ضمنی تبصره ۶ ماده ۲ قانون اخیرالذکر در این قسمت، دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. بنابراین به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.»

«این رأی بر اساس ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است».

بخش سوم
آراء وحدت رویه هیأت عمومی
دیوان عدالت اداری

از مهر ماه سال ۱۳۸۶ لغایت آذر ماه سال ۱۳۸۶

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است. طبق نظریه شماره ۷۳۲۳ مورخ ۱۳۶۵/۹/۲۶ دبیر محترم شورای نگهبان، حق التحریر مزد عرفی عمل سردفتر است و نمی‌توان او را از تصرف در مزد عرفی عمل خود منع نمود. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به موجب دستورالعمل مورد شکایت، سردفتر اسناد رسمی را مکلف نموده که حق التحریر خود را فقط از طریق سپرده قرض الحسنه بانک ملی ایران دریافت نماید، که بنا به دلایل زیر بخشنامه مذکور فاقد وجاهت قانون است. ۱ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در توجیه این اقدام اعلام نموده که چون ارباب رجوع جهت پرداخت حق الثبت ملزم به مراجعه به بانک ملی ایران می‌باشد لذا همزمان حق التحریر را نیز پرداخت می‌نماید، حال آنکه به موجب دستورالعمل شماره ۱/۳۴/۲۳۶۳ مورخ ۱۳۸۰/۲/۹ کلیه هزینه‌های دفترخانه بابت اسنادی مانند وکالت، اقرارنامه، فسخ نامه، اقاله تقسیم نامه و یا مواردی مانند تعویض قبوض سپرده امانت، صدور اجرائیه و امثال آن که با توجه به ماده ۱۲۴ قانون ثبت غیرمالی محسوب می‌شوند، به حساب سردفتر باید واریز شود. لذا ارباب رجوع الزامی در مراجعه به بانک ملی جهت واریز حقوق دولتی و حق الثبت نداشته و وفق ماده ۵۲ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ عمل می‌شود. ۲ - با توجه به دولتی بودن اکثر بانکها سلب اختیار سردفتر در افتتاح حساب شخصی خود در بانک مورد نظر موجب سلب آزادی سردفتر و برخلاف قانون اساسی است. ۳ - با توجه به مواد ۵۰ و ۵۲ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ وصول و واریز وجوه عمومی از وظایف و تکالیف دفاتر اسناد رسمی است همانگونه که سردفتر حق دریافت وجوه عمومی و واریز آن به حسابهای مربوطه، ۵ روز بعد از امضاء سند را دارد پس چگونه اختیار دریافت حق التحریر و مزد عرفی عمل خود و یا تعیین بانک مورد نظر را ندارد. ۴ - پرداخت قبوض آب، برق، گاز و تلفن و غیره در کلیه بانکهای دولتی امکان پذیر است. لذا محدود نمودن مردم در پرداخت حق التحریر در بانک ملی ایران فاقد وجاهت قانونی می‌باشد. ۵ - ممکن است سردفتر تمایل داشته باشد حق التحریر خود را به حساب سپرده کوتاه مدت که دارای سود روزشمار است واریز نماید. لذا ابطال دستورالعمل شماره ۱/۳۴/۲۴۵۶۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را دارد. مدیرکل دفتر حقوقی و امور بین الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۴/۹۳۹۵ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۱ اداره کل امور اسناد و سردفتران نموده است. در این نامه آمده است، با توجه به مادتين يك و ۲ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ معلوم می‌شود که دفترخانه واحد مستقل و آزاد و جزء بخش خصوصی نیست بلکه در انجام وظایف محوله مکلف به رعایت نظامات و دستورالعملهای ابلاغی می‌باشد. همچنین در جهت حفظ شأن و منزلت

دفاتر و رعایت حال و رفاه مراجعین دستورالعمل مورد شکایت تهیه شده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه حق التحریر برابر مقررات مربوط متعلق به حق سردتر اسناد رسمی است و با عنایت به اعتبار اصل تسلیط، شخص مزبور متمکن از نحوه نگهداری و برخورداری و مصرف مشروع و قانونی آن می‌باشد، بنابراین وضع قاعده آمره مبنی بر الزام سردفتر اسناد رسمی به افتتاح حساب قرض الحسنه در شعبه بانک ملی به منظور واریز حق التحریر اسناد رسمی در حساب مزبور خارج از حدود اختیارات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است و بدین جهت بخشنامه مورد اعتراض مستنداً به بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۳/۶۲۹ - ۱۰/۸/۱۳۸۶

کلاس پرونده: ۸۳/۶۲۹ - ۲/۵/۱۳۸۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای پرویز نوری.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۶۳ مصوبه مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۶ شورای اسلامی شهر ارومیه.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، مفاد نامه شهرداری ارومیه مشخص می‌دارد که شهرداری طرف شکایت که مواجه با ابطال بند ۷ - ۴ ضوابط و مقررات اجرائی طرح تفصیلی ارومیه، طی حکم شماره ۳۸۶ - ۳۸۷ مورخه ۱۳۷۸/۱۱/۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده بود، این بار تبصره ۴ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷ را مستمسک قرار داده و به شرح نامه فوق‌الاشعار به شورای اسلامی شهر ارومیه پیشنهاد نموده است به منظور تأمین همان اهداف غیر شرعی و غیر قانونی خود و به عنوان جایگزینی، برای بند ۷ - ۴ ضوابط و مقررات اجرائی طرح تفصیلی ارومیه، درصدهایی از املاک اشخاص (در مرحله موافقت با تفکیک یا افراز اراضی در داخل محدوده شهر) به عنوان سهم شهرداری و به منظور تهیه معوض اراضی و به صورت رایگان، به تملک شهرداری درآید و شهرداری ارومیه هم اکنون مستنداً به مصوبه شورای شهر، در مرحله تفکیک یا افراز اراضی اشخاص، درصدی از املاک آنان را یا به صورت رایگان تملک می‌نماید یا بهادی درصد مذکور را نقداً از متقاضی دریافت می‌نماید و در همین راستا، ملک متعلقه به موکل واقع در محدوده قانونی شهر ارومیه، که از طریق هیأت موضوع مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون اصلاحی قانون ثبت، به دو قطعه افراز شده است از شمول مصوبه معترض عنه مصون نمانده و من غیر حق، بهای درصد مقرر در مصوبه از موکل وصول شده است. بند ۶۳ مصوبه مورخه ۱۳۷۹/۱۰/۶ شورای اسلامی شهر ارومیه به شرح دلایل ذیل غیر قانونی و غیر شرعی می‌باشد: ۱ - قسمت اخیر ماده ۱۰۱ قانون شهرداری (اصلاحی ۱۳۴۵) مقرر می‌دارد که معابر و شوارع عمومی که در اثر تفکیک اراضی احداث می‌شوند متعلق به شهرداری است و مقنن با ذکر این عبارت که شهرداری در قبال آن هیچ وجهی به صاحب آن پرداخت نخواهد کرد، حقوق قانونی شهرداریها را در خصوص موافقت با تفکیک اراضی صرفاً و منحصرأ تملک رایگان معابر و شوارع حاصل از تفکیک، تعیین و احصاء نموده و ملاحظه می‌گردد که قانونگذار در این ماده قانونی و سایر قوانین اجازه اخذ تعدادی از قطعات تفکیکی را به صورت رایگان جهت موافقت با تفکیک نداده است، خصوصاً که به موجب آراء متعدد صادره از هیأت محترم عمومی دیوان عدالت اداری، الزام مالک یا مالکین به واگذاری قسمتی از ملک خود به شهرداری یا سازمانهای دیگر در قبال تفکیک، خلاف اصل تسلیط و در تعارض با حق مالکیت مشروع اشخاص تشخیص داده شده است. ۲ - بدون هیچگونه تردیدی داخل محدوده هر شهر، داخل در محدوده توسعه و عمران شهر قرار دارد و از مزایای قانونی مربوطه اعم از تفکیک و افراز ملک به قطعات کوچکتر و احداث ساختمان در قطعات مفروزه برخوردار است و مقنن در تبصره ۴ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷ در مقام آن نبوده که این اختیار را به شهرداریها اعطاء نماید که در

موقع تقاضای تفکیک و افراز اراضی واقع در داخل محدوده شهر از مالکین آنها درصدی را به صورت رایگان به عنوان مابه ازای برخورداری مالکین از تفکیک یا احداث ساختمان اخذ نماید. بلکه مستنبط از تبصره ۴ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷ (خصوصاً عبارت ... احتیاج به توسعه محدوده مزبور طبق طرحهای مصوب توسعه شهری، مورد تأیید مراجع قانونی قرار بگیرد، مراجع مذکور می‌توانند در مقابل موافقت با تقاضای صاحبان اراضی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه و عمران شهر...)، تجویز دریافت درصدی از این املاک به صورت رایگان، منوط به حدوث حالتی گردیده که اراضی اشخاص در خارج از محدوده شهری شهرها واقع شده و با تصویب مراجع قانونی ذیربط به محدوده توسعه و عمران شهر وارد می‌شوند و به دیگر بیان و با ملحوظ نظر قرار دادن مفهوم مخالف تبصره یاد شده، اراضی و املاک اشخاص که سابقاً و یا در حال حاضر در داخل محدوده شهرها واقع می‌باشند از شمول قانون مارالذکر خروج موضوعی دارند. با عنایت به مراتب استدعای رسیدگی و ابطال بند ۶۳ مصوبه مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۶ شورای اسلامی شهر ارومیه را دارم. ریاست محترم شورای اسلامی شهر ارومیه در پاسخ به این شکایت طی نامه شماره ۲۲۳۹ مورخ ۱۳۸۴/۸/۲ اعلام داشته‌اند، وضع عوارض محلی با توجه به بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۵ از اختیارات شورای اسلامی شهر بوده و مواد ۷۹ و ۸۰ قانون فوق نحوه و مرجع ذیصلاح رسیدگی به اعتراضات مربوط به مصوبات شوراهای اسلامی شهرها را مشخص نموده است بنا به مراتب فوق صدور حکم به رد شکایت مطروحه مورد استدعاست. شهرداری ارومیه در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۵/۵۸۱۵ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۶ اعلام داشته‌اند، ۱ - وضع عوارض محلی با توجه به بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف شورای اسلامی از جمله اختیارات شورای اسلامی شهر بوده و شهرداری نیز پس از قطعی شدن مصوبه و عدم اعتراض فرماندار یا سایر مسئولان اجرائی مکلف به اجرای آن می‌باشند. ۲ - مصوبه مورد درخواست ابطال تنها در شهر ارومیه اعمال نمی‌شود بلکه در کلیه شهرها چنین درصدهایی از مالکین به منظور تأمین معوض املاکی که در مسیر طرحهای عمرانی قرار می‌گیرند، اخذ می‌گردد و اختصاص به ارومیه ندارد. ۳ - مصوبه مذکور ناظر به اراضی بایر است در حالیکه نوعیت اصلی پلاک مادر با توجه به رأی کمیسیون ماده ۱۲ و سابقه محل به صورت «باغ» و مورد ایتیاعی وی مشمول مقررات و احکام «باغ» خواهد بود و صدور سند مالکیت از سوی اداره ثبت به نام شاکی در اجرای ماده ۱۴۷ اصلاحی تحت عنوان (زمین محصور) محل اشکال بوده و مشارالیه قبل از تغییر نوعیت ملک از طریق مراجع قانونی حق درخواست ابطال مصوبه اراضی بایر را ندارد. بنا به مراتب فوق صدور حکم به رد شکایت مطروحه مورد استدعاست. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن مصوبه مورد شکایت طی نامه شماره ۸۵/۳۰/۱۶۵۴۶ مورخ ۱۳۸۵/۵/۴ اعلام داشته‌اند: «عطف به نامه شماره هـ/۶۲۹/۸۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ موضوع بند ۶۳ مصوبه مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۶ شورای اسلامی شهر ارومیه، در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۵/۴ فقهای شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد: اطلاق بند ۶۳ مصوبه ۱۳۷۹/۱۰/۶ شورای اسلامی شهر ارومیه نسبت به زمینهای خارج از محدوده خلاف موازین شرع شناخته شد». هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به موجب نظریه شماره ۸۵/۳۰/۱۶۵۴۶ مورخ ۱۳۸۵/۵/۴ فقهای محترم شورای نگهبان اطلاق بند ۶۳ مصوبه مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۶ شورای اسلامی شهر ارومیه نسبت به زمینهای خارج از محدوده خلاف موازین شرع شناخته شده است و همچنین با عنایت به قانون تعیین وضعیت اراضی و املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷ و الزام واحدهای مزبور به پرداخت بهای عادلانه اراضی مذکور به مالکین آنها و اعتبار اصل تسلیط و حرمت مالکیت مشروع بند ۶۳ مصوبه مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۶ شورای شهر ارومیه که مفهم اختصاص قسمتی از اراضی بایر به شهرداری به طور رایگان در زمان تفکیک اراضی مزبور و به منظور تأمین معوض اراضی واقع در طرحهای شهرداری می باشد به شرح فوق الذکر خلاف احکام شرع و قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر ارومیه در وضع مقررات است و بدین جهت بند ۶۳ مصوبه فوق الاشعار مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۷۶۱ و ۵۹۲ - ۱۳۸۶/۸/۷

کلاس پرونده: ۷۶۱/۸۴ و ۵۹۲ - ۱۳۸۶/۵/۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: سازمان بازرسی کل کشور و آقای رامبد امین‌زاده.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱/۳۴/۴۱۹۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۶ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

مقدمه: معاون امور سیاسی و قضائی سازمان بازرسی کل کشور طی شکایت‌نامه شماره ۸/۷/۲۵۸۸۵ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۶ و

آقای رامبد امین‌زاده به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند، به منظور اجرای توافق‌نامه فی مابین ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و معاونت راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جهت اجرای طرح ملی تعویض پلاک خودروهای کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مبادرت به صدور بخشنامه شماره ۱/۳۴/۴۱۹۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۶ بدین شرح می‌نماید «در اجرای تبصره ذیل ماده ۱۴ آیین نامه دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۷ و حسب توافقات حاصله فی مابین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و معاونت راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر استقرار دفاتر اسناد رسمی در محلهای تعیین شده از سوی معاونت مذکور جهت تنظیم و ثبت اسناد نقل و انتقال خودرو بدین وسیله صدور ابلاغ استقرار دفاتر تنظیم کننده اسناد مذکور در استان مربوطه تفویض اختیار می‌گردد.» ملاحظه می‌شود اولاً، اساساً تبصره یک ذیل ماده ۱۴ آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۷ به جهت ضرورت زمانی و مکانی تصویب شده و موضوع آن ثبت معاملات دولتی و بنگاههای عمومی می‌باشد و نقل و انتقال خودرو معامله‌ای است که بین اشخاص حقیقی انجام می‌گیرد. لذا از شمول تبصره مذکور خارج است. ثانیاً، با توجه به اینکه محل دفترخانه الزاماً باید با معرفی سردفتر و موافقت ثبت محل تعیین شود (ماده ۴ قانون دفاتر اسناد رسمی) از طرفی مطابق ماده ۱۸ همین قانون تمامی اسناد باید در دفترخانه اسناد رسمی تنظیم و به امضاء اصحاب معامله و سردفتر و دفتریار برسد، بنابراین صدور ابلاغ استقرار دفترخانه برای محلهای مذکور خلاف نظر قانونگذار بوده و وجاهت قانونی ندارد. ثالثاً، ملزم نمودن مردم به مراجعه به دفتر خاص جهت تنظیم اسناد رسمی می‌باشد. بنا به مراتب ابطال بخشنامه شماره ۱/۳۴/۴۱۹۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۶ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مورد تقاضا است. سرپرست دفتر حقوقی و امور بین‌الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۱/۶۰۵ مورخ ۱۳۸۵/۲/۲ اعلام داشته‌اند، با تصویب ماده ۲۰ آیین نامه راهنمایی و رانندگی بخشنامه مورد شکایت عملاً کاربرد خود را از دست داده و تنظیم اسناد نقل و انتقال اتومبیل پس از انجام تشریفات قانونی و مقرر کماکان در محل اصلی دفترخانه اسناد رسمی انجام می‌پذیرد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به صراحت ماده ۴ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفترباران مصوب ۱۳۵۴، محل دفترخانه در هر شهر یا بخش به معرفی سردفتر و موافقت اداره ثبت محل تعیین می‌شود و در ماده ۱۴ آیین نامه دفاتر اسناد رسمی نیز تصریح شده است که سردفتران حق ندارند جز در موارد مستثنی شده، دفاتر را از محل کار خود خارج سازند. بنابراین مفاد بخشنامه شماره ۱/۳۴/۴۱۹۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۶ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که در مورد محل استقرار دفاتر اسناد رسمی و ثبت معاملات در آن ترتیب دیگری را غیر از حکم صریح مقنن تعیین و اعلام کرده است، خلاف هدف و حکم قانونگذار و خارج از حدود اختیارات سازمان مزبور تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل یکصد و هفتاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۲۹۳ - ۱۳۸۶/۷/۲۸

کلاس پرونده: ۲۹۳/۸۵ - ۱۳۸۶/۴/۳۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: محمدتقی قلمی اصفهانی و غیره.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ردیف ۶ بند (ب) دستورالعمل شماره ۲۰۲۰/۱۵۹۲۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ سازمان تأمین اجتماعی.

مقدمه: شکات طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند، اینجانبان کارکنان اداره کل تأمین اجتماعی استان مازندران که از تاریخ ۱۳۸۴/۷/۳۰ لغایت فروردین ۱۳۸۵ با داشتن ۳۰ سال سابقه خدمت مفید در سازمان به افتخار بازنشستگی نایل گردیده‌ایم به استحضار می‌رساند، سازمان تأمین اجتماعی پاداش پایان خدمت اینجانبان را بر اساس دستورالعمل اداری شماره ۲۰۲۰/۱۵۹۲۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ معاونت محترم مدیر عامل در امور اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی ایران منضم به دستورالعمل پرداخت پایان خدمت کارکنان از «ردیف یک بند ب» از آخرین حقوق و فوق‌العاده شغل و فوق‌العاده جذب مشمول کسور بازنشستگی قبل از بازنشستگی اینجانبان محاسبه و از سایر مزایای مشمول کسور بازنشستگی با توجه به «ردیف ۶ بند ب» معادل میانگین ساده شش ماهه قبل از تاریخ بازنشستگی محاسبه و مجموع ردیفهای «یک و ۶ بند ب» را به عنوان پاداش پایان خدمت به اینجانبان پرداخت نموده‌اند. همانگونه که مستحضرید در ماده «۷ و ۱۰ و تبصره ماده ۱۰» قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات به حقوق بازنشستگی و... مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی نحوه پرداخت پاداش پایان خدمت کارکنان را فقط به ازای هر سال خدمت معادل یک ماه آخرین حقوق و فوق‌العاده‌های دریافتی که ملاک کسور بازنشستگی است به عنوان پاداش خدمت پرداخت می‌شود، حکایت دارد و قانونگذار در مادتين ۷ و ۱۰ و تبصره ماده ۱۰ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات به حقوق بازنشستگی و... هیچگونه اشاره‌ای به سقف یا معادل میانگین شش ماهه در پرداخت پاداش پایان خدمت ننموده است. علیهذا خواهشمند است با عنایت به مراتب فوق دستور فرمائید تا نسبت به ابطال آن قسمت از «ردیف ۶ بند ب» مندرج در دستورالعمل پرداخت پاداش پایان خدمت کارکنان سازمان «میانگین ساده شش ماهه قبل از تاریخ برقراری مستمری خواهد بود» که ضمیمه دستور اداری شماره ۲۰۲۰/۱۵۹۲۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ معاونت اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی ایران که مغایر «مادتين ۷ و ۱۰ و تبصره ماده ۱۰» قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مجلس محترم شورای اسلامی می‌باشد، اقدام لازم را به عمل آورند. مدیر کل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی طی نامه شماره ۷۱۰۰/۴۶۶۳۱ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۳ اعلام داشته‌اند، دستورالعمل مورد شکایت در قسمت مورد اعتراض «ردیف ۶ بند ب» اصلاح گردیده و محاسبه پاداش پایان خدمت بر اساس جمع آخرین حقوق، فوق‌العاده شغل و فوق‌العاده جذب برابر مفاد ردیف ۵ آن دستورالعمل صورت خواهد گرفت و در صورتی که جمع مذکور کمتر از سقف کسر حق بیمه باشد، آخرین مزایای مبنای کسر حق بیمه مستخدم نیز تا سقف کسر حق

بیمه به جمع فوق اضافه خواهد شد. بنابراین خواسته شاکی اجابت گردیده و رد شکایت مزبور مورد استدعا است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

حکم مقرر در ماده ۷ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوطه به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹ مصرح در لزوم پرداخت پاداش پایان خدمت به کارکنان مذکور در آن ماده به ازاء هر سال خدمت (حداکثر به مدت ۳۰ سال) معادل یک ماه آخرین حقوق و فوق‌العاده‌های دریافتی ملاک کسور بازنشستگی است. بنابراین ردیف ۶ بند (ب) دستورالعمل شماره ۲۰۲۰/۱۵۹۳۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ سازمان تأمین اجتماعی که در این زمینه ترتیب دیگر جز حکم صریح مقنن تعیین نموده و به لحاظ عدم انطباق آن با قانون از طرف سازمان تأمین اجتماعی به شرح دستورالعمل شماره ۲۰۲۰/۶۸۷۱۵ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۶ اصلاح شده است، مغایر قانون تشخیص داده می‌شود و به تجویز اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و مادتین ۴۲ و ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم به ابطال ردیف ۶ بند (ب) دستورالعمل شماره ۲۰۲۰/۱۵۹۳۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ از تاریخ صدور آن مصوبه (۱۳۸۴/۲/۲۷) صادر می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۲۲۴ - ۱۳۸۶/۷/۱۸

کلاس پرونده: ۲۲۴/۸۵ - ۱۳۸۶/۴/۲۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محمد نورانی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲/۲۲/۳۴۰۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۱ سازمان امور اداری و استخدامی کشور.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، برای ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳، دستورالعمل اجرایی تدوین و در مورخه ۱۳۷۰/۱۰/۲۲ به تصویب هیأت وزیران رسیده و سپس ابلاغ و اجراء گردیده است. در قانون مذکور و آیین نامه اجرایی مصوب هیأت وزیران، برای تدوین و تغییر آیین نامه اجرایی ماده ۸ قانون نظام هماهنگ، اختیاراتی و مسئولیتی به سازمان امور اداری و استخدامی کشور واگذار نگردیده است، لذا اقدام سازمان امور اداری و استخدامی کشور در صدور بخشنامه شماره ۲/۲۲/۳۴۰۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۱ خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات آن سازمان بوده و ابطال آن مورد استدعا می باشد. مدیر کل دفتر حقوقی و دبیرخانه هیأت عالی نظارت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور طی نامه شماره ۱۶۰۴/۷۶۴۴۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۹ اعلام نموده اند، بر اساس ماده ۲۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی، آیین نامه های اجرائی قانون فوق الذکر بر عهده سازمان امور اداری و استخدامی کشور (سابق) گذاشته شده و بخشنامه شماره ۲/۲۲/۳۴۰۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۱ صادره در راستای اجرای وظایف قانونی سازمان مزبور، مطابق با اصل ۱۳۸ قانون اساسی کشور صادر شده است، بنا به مراتب فوق این سازمان در صدور بخشنامه مذکور مرتکب تخلفی نگردیده و صحیحاً آن را صادر نموده و شاکی بلاوجه تقاضای ابطال آن را نموده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

همانطور که در دادنامه شماره ۴۶۴ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۲ هیأت عمومی دیوان نیز تصریح شده است، قانونگذار به شرح ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، برخورداری از حقوق و فوق العاده شغل مقرر در ماده مزبور را منوط و مشروط به داشتن مدرک تحصیلی فوق لیسانس و دکتری و مدارک همتر از لحاظ استخدامی و اشتغال به کار در مراکز و یا واحدهای آموزشی، مطالعاتی و تحقیقاتی دستگاههای مشمول قانون مذکور اعلام داشته است. بنابراین مفاد بخشنامه شماره ۲/۲۲/۳۴۰۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۱ معاون برنامه ریزی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور که به شرح آن با وضع قاعده آمره و تعیین شرایطی جز آنچه مقرر داشته دایره شمول قانون را مضیق ساخته است، خلاف هدف و حکم قانونگذار و خارج از حدود

اختیارات سازمان مزبور تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۵۳۵۰ - ۱۳۸۶/۸/۱۰

کلاس پرونده: ۵۳۵۰/۸۴ - ۱۳۸۶/۵/۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای فضل الله دهدشتی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند یک نظریه مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۳ کمیسیون مدیران ستادی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، سازمان طرف شکایت در سال ۱۳۷۷ با تشکیل کمیسیونی مرکب از مدیران ستادی خود در مرکز، موضوع املاک مسلوب المنفعه که در نتیجه اجرای قانون اصلاحات ارضی به خصوص ماده ۴۰ آیین نامه قانونی اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۳/۵/۳ و قانون تمدید مهلت‌های مقرر در ماده مزبور مصوب آذر ماه ۱۳۴۹ مشخص و متعلق به دولت به تولیت وزارت کشاورزی گردیده را به موجب بند یک صورت جلسه مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۳ لغو و ملغی‌الاثرا اعلام و مستند صدور نظریه خود را، ماده واحده مربوط به قانون حل مشکل اراضی بایر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام دانسته است. نظریه مورد شکایت در حقیقت یک نوع قانونگذاری بوده که به موجب آن قوانین و مقررات مربوط به املاک مسلوب‌المنفعه که از قوانین حاکم و مصوبه مجلسین وقت بوده را نفی و ملغی‌الاثرا اعلام نموده است که عملاً خارج از حدود صلاحیت اختیارات قانونی سازمان طرف شکایت می‌باشد. در مورد مصوبه مورخ ۱۳۶۷/۵/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در هیچ جای این ماده واحده و آیین نامه اجرائی آن آثاری که مبین نفی یا سلب یا ملغی‌الاثرا نمودن قوانین و مقررات مربوط به املاک مذکور باشد، لحاظ نشده است. بنا به مراتب ابطال بند یک نظریه مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۳ کمیسیون مدیران ستادی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مورد تقاضا است. سرپرست دفتر حقوقی و امور بین‌الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۱/۳۸۶۲ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۷ اعلام داشته‌اند، صورت جلسه مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۳ کمیسیون مشورتی مدیران ستادی سازمان ثبت در خصوص موضوع بر اساس نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه ملغی گردیده، ضمن اینکه هرگونه اقدامی که توسط اداره ثبت کرمان صورت گرفته و منتهی به صدور سند مالکیت گردیده، طبق مقررات و موازین قانونی و با استناد به قانون اصلاح مواد یک، ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت (مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی) و در جهت اجرای آرای صادره از هیأت حل اختلاف مستقر در واحد ثبتی مربوط که برای ادارات تابعه سازمان ثبت اسناد و املاک متبع و لازم‌الاجراء می‌باشد، انجام شده است، لذا ایرادی بر آن وارد نیست. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

طبق اصل یکصد و هفتاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌ها و سایر نظامات دولتی از جهات مقرر در قانون قابل اعتراض و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان است. با عنایت به اینکه اظهارنظر مشورتی منحصرأ به منظور ارائه طریق ابراز می‌شود و تبعیت از آن الزامی نیست و حتی تمسک به اظهارنظر مشورتی و اتخاذ تصمیم یا انجام اقداماتی بر اساس آن موجد اوصاف قاعده الزام‌آور برای نظر مشورتی نمی‌باشد، بنابراین اظهارنظر مشورتی از مصادیق مقررات و نظامات دولتی لازم‌الاتباع محسوب نمی‌شود و اعتراض نسبت به آن قابل رسیدگی و امعان نظر در هیأت عمومی دیوان نیست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۸۰ - ۱۳۸۶/۷/۱۸

کلاس پرونده: ۸۰/۸۴ - ۱۳۸۶/۵/۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محمدرضا رجبی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعمل جذب و پذیرش نیروی انسانی در صنعت نفت به شماره ۳۵۶ - ۲۸/۱

مورخ ۱۳۸۱/۲/۹.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، وزارت نفت یکی از شرایط شرکت در آزمونهای استخدامی شرکتهای تابعه خود را در مقطع کارشناسی داشتن شرط معدل ۱۳ برای دانشگاههای دولتی و معدل ۱۴ برای دانشگاههای غیر دولتی از جمله دانشگاه آزاد اسلامی قرار داده است. از آنجا که سر فصل دروس و تمام قوانین آموزشی بین دانشگاههای دولتی و آزاد یکسان است و مدرک تحصیلی هر دو دانشگاه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، لذا تفاوت قائل شدن بین فارغالتحصیلان دانشگاههای دولتی و غیر دولتی تبعیض آشکار می باشد. بدین سبب ابطال دستورالعمل مورد شکایت را تقاضا دارد. امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ح ۴۰۳/۴۰۱۷-۴۲ مورخ ۱۳۸۳/۶/۲۵ اعلام داشته اند، بر اساس ماده ۷ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶، شرکت مجاز است که در مورد امور استخدامی و بازنشستگی و پس انداز و سایر امور کارگزینی کارمندان و آموزش و پرورش کارکنان خود آیین نامه های لازم را تدوین و پس از تصویب مجمع عمومی به موقع اجراء بگذارد. به همین منظور تعیین حداقل شرط معدل برای شرکت در آزمونهای استخدامی فارغالتحصیلان دانشگاههای دولتی و آزاد اسلامی بر اساس سیاستهای کلی جذب نیروی انسانی در صنعت نفت می باشد که مراتب طی دستورالعمل جذب و پذیرش نیروی انسانی به شماره ۳۵۶ - ۲۸/۱ مورخ ۱۳۸۱/۲/۹ توسط وزیر نفت به وزارت نفت و شرکتهای اصلی آن ابلاغ گردیده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

همانطور که دادنامه شماره ۲۱۰ مورخ ۱۳۸۵/۴/۱۱ هیأت عمومی دیوان نیز تصریح شده است، به شرح ماده واحده قانون تأیید رشته های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی مصوب ۱۳۶۷ بررسی مدارک فارغالتحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی و تأیید مدارک تحصیلی معتبر آنان با رعایت مقررات مربوط به وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین تعیین درجه ارزش و اعتبار مدرک تحصیلی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در مطلق دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به عهده مراجع ذیصلاح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محول شده و رعایت آن برای کلیه مسئولین واحدهای دولتی الزامی است. بنابراین اعمال تبعیض در امر استخدام داوطلبان ورود به خدمت در صنعت نفت از طریق تفاوت در

تعیین شرط معدل در مورد دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی بین فارغ‌التحصیلان دانشگاههای دولتی روزانه و دانشگاههای پیام نور و بقیه دانشگاهها، خلاف هدف و حکم مقنن است. بنابراین قسمتی از بند ۴ دستورالعمل و ضوابط پذیرش و استخدام نیروی انسانی در صنعت نفت به شماره ۳۵۶ - ۲۸/۱ مورخ ۱۳۸۱/۲/۹ که یکی از شرایط استخدام داوطلبان ورود به خدمت در صنعت نفت را در مورد فارغ‌التحصیلان دانشگاههای دولتی روزانه داشتن معدل ۱۳ و در مورد فارغ‌التحصیلان دانشگاه پیام نور و سایر دانشگاهها داشتن معدل ۱۴ ذکر کرده از مقوله تبعیض ناروا موضوع بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و نتیجتاً مغایر قانون تشخیص داده می‌شود و بدین جهت این قسمت از دستورالعمل فوق‌الذکر به استناد اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره: هـ- ۴۶۱/۸۲ - ۱۳۸۶/۶/۶

کلاس پرونده: ۴۶۱/۸۲ - ۱۳۸۶/۳/۲۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای حسن علی باقرلو.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۴۸ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا مهر ۱۳۶۵ و دستورالعمل شماره ۱/۳۴/۱۵۲۷۳

مورخ ۱۳۸۰/۵/۲ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، به موجب بند ۴۸ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی دفاتر اسناد رسمی مکلف شده‌اند که جهت تنظیم سند اجاره جهت محلهای کسب مشمول مقررات قانون نظام صنفی، موافقت اتحادیه مربوطه را از نظر نوع کسب اخذ و شماره آن را در سند قید نمایند و طی دستورالعمل شماره ۱۰۱/۱۶۲۰۰ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۰ اداره ثبت استان تهران، هنگام تنظیم سند انتقال قطعی نسبت به محلهای کسب، دفاتر اسناد رسمی مکلف به اخذ گواهی از اتحادیه مربوطه شده‌اند. حال آنکه در قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ و یا هیچ یک از قوانین دیگر مربوط به محلهای کسب تکلیفی برای دفاتر اسناد تعیین نشده و تکلیف مذکور که عدم رعایت آن موجب انفصال سردفتر می‌گردد، خارج از اختیارات قانونی اداره کل ثبت استان تهران می‌باشد و از طرف دیگر طبق قانون روابط موجر و مستأجر شغل مستأجر با توافق مالک و مستأجر تعیین می‌گردد، لذا الزام موجر و مستأجر در اخذ گواهی از اتحادیه، خارج از چارچوب و مقررات تکلیفی برای دفاتر اسناد رسمی می‌باشد. استدعای رسیدگی و لغو بخشنامه‌های مورد شکایت را دارد. سرپرست دفتر حقوقی و امور بین‌الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۱/۴۶۲ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۵ و ضمن ارسال تصویر نامه شماره ۳۴/۵۷۵۵ مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۱ مدیر کل امور اسناد و سردفتران سازمان ثبت اعلام داشته‌اند، نظر به اینکه بخشنامه بر اساس مقررات قانون نظام صنفی اصدار یافته است، با توجه به اینکه قانون نظام صنفی جدید در این خصوص ساکت است و تعیین تکلیف برای دفاتر و ایجاد تضییق برای اصحاب معامله نیاز به نص قانونی دارد، بنابراین موجبی برای استمرار بند ۴۸ مجموعه بخشنامه‌ها ثبتی نمی‌باشد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه تعیین شرایط اجاره محل کسب و انتقال حق کسب و پیشه و تجارت و یا انتقال عین واحد مزبور علی‌الاطلاق از جمله در مورد واحدهای کسبی مشمول قانون نظام صنفی از هر حیث از قبیل نوع کسب و پیشه و تجارت مبتنی بر اداره و تراضی طرفین اجاره‌نامه با رعایت قوانین و مقررات مربوط است و قانونگذار حکمی در باب ضرورت جلب موافقت اتحادیه مربوط در تنظیم سند رسمی اجاره انشاء نکرده است، بنابراین وضع قاعده آمره توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به شرح بند ۴۸ مجموع بخشنامه‌های ثبتی تا اول مهر ماه ۱۳۶۵ و اصلاحیه شماره ۱/۳۴/۱۵۲۷۳ مورخ

۱۳۸۰/۵/۲ آن مبنی بر الزام دفاتر اسناد رسمی به جلب موافقت اتحادیه و ثبت شماره و تاریخ موافقتنامه مزبور در اجاره‌نامه رسمی خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان مزبور تشخیص داده می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۲۳۱ و ۸۶ - ۱۳۸۶/۷/۱۸

کلاس پرونده: ۸۶ و ۲۳۱/۸۵ - ۱۳۸۶/۴/۳۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقایان ۱ - رحیم قهرمانزاده اقدم ۲ - موسی مولاوردیخانی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ماده ۱۰ آیین نامه نحوه و ترتیب پذیره و اهدائی موضوع تصویب نامه شماره

۱۳۰۷۸ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ هیأت وزیران.

مقدمه: شکات به شرح دادخواستها و لوایح تکمیلی تقدیمی اعلام داشته‌اند، در ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، مصرف وجوه مأخوذه بابت پذیره و اهدائی همان موارد مقرر در وقفنامه اعلام گردیده ولی تبصره ذیل ماده ۱۰ آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدائی برخلاف قانون مزبور و مقرر و جعل واقف در وقفنامه، مصرف پذیره را «کلیه بطون» اعلام کرده است. در رأی شماره ۳۵۶۱ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور آمده است «هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقیمانندگان نسل در انتفاع از مورد وقف و یا در امر تولیت و وصایت نمی‌تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم باقی است، نوبت نسل بعد نخواهد رسید.» ماده ۱۳ قانون تبعیت از مقررات وقفنامه را خواه تشریک و خواه ترتیب باشد دستور داده ولی تبصره ذیل ماده ۱۰ آیین نامه منحصرأً امر بر تشریک نموده است ولو اینکه واقف ترتیب را مقرر کرده باشد. تبصره ذیل ماده ۱۰ آیین نامه مذکور ۱ - با رأی وحدت رویه فوق‌الذکر مخالفت و مغایرت دارد. ۲ - اصل ۲۲ قانون اساسی را نیز نقض کرده است. زیرا حسب اجماع مسلمین در موقوفات خاصه عواید، ملک طلق موقوف علیهم است. تبصره ذیل ماده ۱۰ مالکیت انحصاری نسل مقدم بر پذیره را مورد تعرض قرار داده است. ۳ - با ماده ۹۵۶ قانون مدنی نیز مغایرت دارد. زیرا ماده ۹۵۶ مزبور شروع اهلیت برای دارا شدن حقوق را به تولد هر انسانی به صورت زنده، مشروط و اهلیت برای دارا شدن را با مرگ هر انسانی تمام شده و منتفی می‌داند. ولی قید موکد «کلیه بطون» در تبصره مورد بحث شامل بطنهای در گذشته نیز می‌شود یعنی اگر امروز بابت اجاره موقوفه پذیره‌ای اخذ شود، بطون سابقه نیز که هفتاد سال پیش از این مرده‌اند نسبت به سهم در آن مالک خواهند شد. ۴ - با ماده ۳۰ قانون مدنی نیز مغایرت دارد. زیرا ماده ۳۰ قانون مدنی بر اساس قاعده تسلیط تصویب شده و می‌گوید «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد» ولی تبصره ماده ۱۰ آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدائی حق تصرف مالکین را محدود به سرمایه‌گذاری کرده است. با توجه به اینکه تبصره ماده ۱۰ آیین نامه مورد تقاضا است. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن تبصره ماده ۱۰ آیین نامه مورد شکایت طی نامه شماره ۸۶/۳۰/۲۰۹۷۷ مورخ ۱۳۸۶/۱/۳۰ اعلام داشته‌اند، موضوع ماده ۱۰ آیین نامه نحوه و ترتیب پذیره و اهدائی موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۰۷۸ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۹ فقهای شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد، - اطلاق تبصره ماده ۱۰ در مواردی که واقف نظرش عدم اخذ پذیره بوده، خلاف موازین شرع تشخیص داده شد -

اطلاق تبصره نسبت به لزوم سرمایه‌گذاری خلاف موازین شرع تشخیص داده شد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به شرح نظریه شماره ۸۶/۳۰/۲۰۹۷۷ مورخ ۱۳۸۶/۱/۳۰ فقهای محترم شورای نگهبان، اطلاق تبصره ماده ۱۰ آیین نامه نحوه و ترتیب پذیره و اهدائی در مواردی که واقف نظری نسبت به اخذ پذیره نداشته و یا نظر به عدم اخذ پذیره داشته و همچنین اطلاق تبصره ماده مزبور نسبت به لزوم سرمایه‌گذاری خلاف موازین شرع شناخته شده است. بنابراین مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و سایر مقررات قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ در باب مقررات دولتی که توسط شورای نگهبان خلاف احکام شرع شناخته می‌شود، حکم به ابطال تبصره ماده ۱۰ آیین نامه نحوه و ترتیب پذیره و اهدائی موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۰۷۸ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۲ هیأت وزیران صادر می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۳۱۱ و ۳۱۰ - ۱۳۸۶/۸/۷

کلاس پرونده: ۳۱۱/۸۵ و ۳۱۰ - ۱۳۸۶/۴/۳۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقایان ۱ - مجید زارع ۲ - حجت اله نجفی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعملهای شماره ۱۵۶۶/ب ط هـ م مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ و ۱۰۲۸/ب ط هـ م

مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۶ شرکت ملی پالایش و پخش فرآوردههای نفتی ایران.

مقدمه: شکات به شرح دادخواستهای تقدیمی اعلام داشته‌اند، شرکت ملی پالایش و پخش فرآوردههای نفتی به موجب دستورالعمل شماره ۱۵۶۶/ب ط هـ م مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ مدارک تحصیلی دوره‌های فراگیر دانشگاه پیام نور را مشمول تعدیل حقوق و پایه شخصی ندانسته و طی دستورالعملهای شماره ۱۰۲۸/ب ط هـ م مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۶ چنانچه اقدامی قبل از صدور دستورالعمل ۱۵۶۶ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ در خصوص تعدیل مدرک تحصیلی فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها و یا افزایش حقوق آنان به میزان ۲/۵ درصد صورت پذیرفته باشد را خلاف مقررات اعلام و تعدیل آنها را دستور داده‌اند. حال آنکه بنا بر اعلام رسمی سازمان سنجش دستورالعمل جذب دانشجو دوره‌های نیمه حضوری از طریق آزمون سراسری و یا فراگیر در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۷ شورای گسترش آموزش عالی تصویب و وزیر علوم، تحقیقات و فناوری طی بخشنامه شماره ۳۲/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۵ آن را جهت اجراء به دانشگاههای آموزش عالی ابلاغ نموده است و طبق بند ۱۰ آن به دانش‌آموختگان مدرک تحصیلی رسمی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعطاء می‌شود. دستورالعملهای مورد شکایت با توجه به عطف بما سبق شدن برخلاف حقوق مکتسبه و بند ۳ اصل سوم قانون اساسی می‌باشد، لذا ابطال آنها مورد تقاضا است. رئیس امور حقوقی شرکت ملی پالایش و پخش فرآوردههای نفتی در پاسخ به شکایات مذکور طی نامه شماره ح پ پ/۳۹۳۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۵ اعلام داشته‌اند، ۱ - طبق ماده ۷ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، شرکت مجاز است که در امور استخدامی، بازنشستگی و غیره آیین‌نامه‌های لازم را تدوین و به اجراء بگذارد، همچنین به موجب ماده ۵۷ قانون یاد شده، شرکت ملی نفت ایران «جز در مواردی که صریحاً مقرر شده باشد از شمول مقررات و قوانین عمومی مربوط به وزارتخانه‌ها و شرکتهای دولتی و مؤسسات دولتی وابسته به دولت مستثنی خواهد بود.» ۲ - صنعت نفت ایران برای کارکنان مستعد و علاقه‌مند به ادامه تحصیل در رشته‌های مرتبط با صنایع نفت و با هدف تأمین و پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز از هیچگونه مساعدت مالی و معنوی و همچنین اعطای امتیازات تشویقی در زمان ادامه تحصیل به آن گروه از کارکنان که در چهارچوب سیاستهای کلی صنعت نفت اقدام به تحصیل نموده یا می‌نمایند، دریغ نمی‌ورزد. کما اینکه در حال حاضر کلیه کارکنانی که در این چهارچوب اقدام نموده‌اند پس از فارغ‌التحصیلی با انتصاب در سمتهای مرتبط با مدرک تحصیلی مأخوذه از مزایای تعدیل حقوق برخوردار می‌گردند. لیکن کارمندانی که رأساً اقدام به ادامه تحصیل در رشته‌هایی که هیچ گونه سنخیت و ارتباطی با ماهیت مشاغل و شرایط احراز سمتهای موجود در صنعت نفت نداشته و یا با حضور در مراکز آموزشی که خارج از آزمون سراسری

دانشجو می‌پذیرند، مانند رشته‌های فراگیر دانشگاه پیام نور اقدام به تحصیل می‌نمایند، طبعاً تعدیل مدرک تحصیلی آنها به دلیل عدم رعایت آیین نامه آموزشهای بلند مدت صنعت نفت، محمل مقرراتی ندارد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه فارغ‌التحصیلان دانشگاه پیام نور در رشته‌های مختلف تحصیلی به تجویز ماده ۱۶ اساسنامه دانشگاه پیام نور موفق به اخذ گواهینامه مربوط در مقطع تحصیلی می‌شوند و تعیین ارزش و اعتبار درجات تحصیلی و گواهینامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از جمله وظایف و مسوولیت‌های خاص وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد، بنابراین مدلول بخشنامه‌های شماره ۱۵۶۶/ب ط ه م مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ و ۱۰۲۸/ب ط ه م مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۶ شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران در باب عدم شمول تعدیل حقوق و پایه شخصی به دارندگان مدارک تحصیلی دوره‌های فراگیر دانشگاه پیام نور و استرداد وجوه مربوط به تعدیل حقوق این قبیل اشخاص به میزان ۲/۵ درصد که در واقع و نفس‌الامر مفهوم نفی مطلق ارزش و اعتبار مدارک تحصیلی فوق‌الذکر است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در وضع مقررات دولتی محسوب می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شوند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۱۱۳ - ۱۳۸۶/۷/۱۸

کلاس پرونده: ۱۱۳/۸۴ - ۱۳۸۶/۴/۳۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن آبادان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعمل شماره ۲۸/۲۳۶۰۲/۲۴۱۰۲ مورخ ۱۳۸۳/۹/۹ گمرک ایران.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، ۱ - همانطوری که استحضار دارید بر طبق مواد ۱۰ و ۱۱ قانون امور گمرکی ضوابط و ملاک خاصی برای تعیین ارزش کالای ورودی به منظور اخذ حقوق و هزینه‌های گمرکی پیش‌بینی و مقرر شده است من جمله آن که ماده ۱۰ همین قانون مقرر می‌دارد «ارزش کالای ورودی در گمرک در همه موارد عبارت است از بهای سیف و بهای خرید کالا در مبدا به اضافه هزینه بیمه و حمل و نقل و باربندی و کلیه هزینه‌های مربوط به افتتاح اعتبار با واریز بروات و همچنین حق استفاده از امتیاز نقشه، مدل و علامت بازرگانی و سایر حقوق مشابه مربوط به کالا و سایر هزینه‌های آن که به آن کالا تا ورود به اولین دفتر گمرکی تعلق می‌گیرد که از روی سیاهه خرید یا سایر اسناد تسلیمی صاحب کالا تعیین و بر اساس نرخ روز و برابر بهای اعلام شده از طرف بانک مرکزی ایران در روز تسلیم اظهارنامه خواهد بود.» و همچنین ماده ۱۱ همین قانون در تکمیل مفاد ماده ۲ مقرر می‌دارد «در مورد کالایی که بدون ابراز سیاهه خرید به گمرک اظهار شود یا ارزش مندرج در سیاهه خرید به نظر گمرک نامتناسب باشد گمرک باید ارزش کالا را بر اساس ارزش کالای صادراتی مثل یا مشابه در کشور مبدا همزمان با تاریخ خرید یا بر اساس فهرست قیمت فروش همان کالا در کشور مبدا منهای تخفیف یا جواز صادراتی عادلانه تعیین کند...» متأسفانه اداره کل دفتر تعیین ارزش گمرک ایران بدون توجه به مقررات فوق‌الذکر و ملاکهای آن و با عدول از چهارچوب صلاحیت خود اقدام به قانونگذاری نموده و با تهیه لیست بیش از نود و شش هزار قلم کالا در قالب لوحی فشرده و به بهانه کم اظهاری تجار از پیش برای کالاهای مزبور ارزش مقطوع تعیین نموده و طی دستورالعمل مورد شکایت به کلیه مبادی گمرکات ایران مکلف نموده که برای اخذ حقوق گمرکی از وارد کنندگان کالا قیمت مقطوع مزبور را ملاک عمل قرار دهند. با توجه به اینکه دستورالعمل صادره در مخالفت آشکار با قوانین موضوعه می‌باشد و عملاً به دلیل تعیین قیمت غیرواقعی باعث کاهش واردات قانونی کالا از مبادی کشور و افزایش ورود کالا به صورت پنهانی و قاچاق می‌گردد و این امر با فلسفه قانونگذار در تعارض می‌باشد ابطال آن مورد تقاضا است. معاون حقوقی گمرک ایران در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۵۴/۱۰۹/۵۲۵/۳۲۴/۱۴۰۶۳۵ مورخ ۱۳۸۴/۵/۳۱ اعلام داشته‌اند، ۱ - در صدور دستورالعمل مورد بحث با در نظر گرفتن مقررات مربوطه از جمله مواد ۱۰ و ۱۱ قانون امور گمرکی و با استفاده از صلاحیت و اختیارات قانونی خود اقدام نموده است. ۲ - گمرکات چنانچه اظهار صاحب کالا در زمینه ارزش متناسب با واقعیت بوده باشد، آن را قبول می‌نمایند. لیکن این امر به معنای سلب اختیارات قانونی خود در زمینه بررسی ارزش کالاهای وارده نبوده و بدیهی است که هدف از تعیین ارزش واقعی کالاها، دریافت حقوق ورودی قانونی و حفظ ثبات اقتصادی بازار داخلی نیز می‌باشد. هیأت

عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به مفاد مادتین ۱۰ و ۱۱ قانون امور گمرکی در باب تعیین بهای کالای وارداتی با درنظر گرفتن کلیه عوامل مؤثر به منظور احتساب و وصول حقوق گمرکی و اینکه بهای تعیین شده از طرف گمرک قطعی نبوده و به تجویز ماده ۱۲ ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ آن قابل اعتراض در کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی مذکور در ماده ۵۱ قانون فوق‌الذکر است، بنابراین دستورالعمل شماره ۲۸/۲۳۶۰۲/۲۴۱۰۲/۲۹۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۹ گمرک ایران از جهت مورد اعتراض مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات گمرک ایران نمی‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۲۰۷ - ۱۳۸۶/۸/۷

کلاس پرونده: ۲۰۷/۸۴ - ۱۳۸۶/۵/۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محمدرضا قاسمی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه ۴۰۲۰/۹۹۰۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ سازمان تأمین اجتماعی.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، جهت اخذ هزینه درمان همسر به تأمین اجتماعی مراجعه کردم، تأمین اجتماعی استان تهران به استناد بخشنامه شماره ۴۰۲۰/۹۹۰۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ از پرداخت هزینه مذکور خودداری ورزیده، با توجه به اینکه بخشنامه فوق‌الاشعاره به استناد موارد ذیل برخلاف قانون و مقررات می‌باشد، تقاضای ابطال آن را دارم. ۱ - طبق رأی شماره ۴۲۹ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تأمین اجتماعی ملزم به تأمین و انجام تعهدات قانونی مربوط به درمان مشمولین قانون تأمین اجتماعی از طریق مطلق بخشهای دولتی و در صورت نیاز از طریق بخش خصوصی با رعایت تعرفه‌های رسمی مربوطه است. فلذا حصر مراجعه مشمولین به مراکز درمانی طرف قرارداد با تأمین اجتماعی مغایر قانون تشخیص و ابطال شده که بخشنامه فوق نیز در راستای همان بند ۶ صورت جلسه ششصد و هفتاد و چهارمین جلسه هیأت مدیره سازمان تأمین اجتماعی است که با رأی فوق ابطال گردیده است. ۲ - حکم مقرر در ماده واحده قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بندهای (الف - ب) ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۶۸ سازمان مذکور را موظف نموده که تمام مشمولین را تحت پوشش درمانی قرار دهد که اطلاق آن مفید الزام سازمان به انجام تعهدات قانونی و تأمین درمان مشمولین از طریق کلیه بخشهای دولتی و در صورت نیاز از طریق بخش خصوصی است، که حصر مذکور بخشنامه مغایر با این قانون نیز می‌باشد. بنابراین تقاضای ابطال بخشنامه شماره ۴۰۲۰/۹۹۰۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ را خواستارم. مدیر کل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه‌های ۷۱۰۰/۱۳۶۴۷ مورخ ۱۳۸۵/۴/۷ و ۷۱۰۰/۱۲۱۴۹ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۷ اعلام داشته‌اند، ۱ - طبق مقررات قانون «الزام سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بندهای (الف) و (ب) ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۶۸/۸/۲۱) و نیز به موجب ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون مزبور مصوب ۱۳۶۹» پرداخت هزینه‌های درمانی در مراکز خصوصی، تنها در صورتی به عهده این سازمان خواهد بود که سازمان، با آن مراکز قرارداد منعقد کرده باشد. این نکته طی بند (هـ) تبصره یک «قانون الزام» نیز صریحاً مورد اشاره قرار گرفته است.

به موجب این بند سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند در صورت لزوم با عقد قرارداد از خدمات پزشکی بخش خصوصی جهت درمان بیمه شدگان تأمین اجتماعی استفاده نموده و هزینه‌های مربوطه را طبق تعرفه‌های مصوب ... پرداخت نماید» تنها استثنای وارد بر این قاعده، مراجعه اورژانسی مشمولین تأمین اجتماعی به مراکز درمانی بخش خصوصی است که پس از تأیید اورژانسی بودن طبق ضوابط شورای عالی تأمین اجتماعی هزینه درمان بر عهده سازمان تأمین اجتماعی خواهد بود. ۲ - در

بخشنامه ۴۰۲۰/۹۹۰۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ قیدی که مخصص و یا ناسخ تمام یا برخی از مقررات ناظر بر تعهد سازمان به ارائه خدمات درمانی از طریق مراکز درمانی دولتی باشد، ملاحظه نمی‌گردد و اساساً موضوع این بخشنامه تبیین چگونگی پرداخت هزینه درمان بیماران بیمه شده در واحد خسارت متفرقه است و در هیچ یک از موارد خسارات متفرقه نیز تضییقی از حیث مراجعه افراد به واحدهای درمانی دولتی دیده نمی‌شود. لذا با عنایت به اینکه بخشنامه مورد اعتراض متضمن هیچگونه اقدام تقنینی نبوده و هدف از صدور آن ارائه راهکارهای اجرایی جهت پرداخت هزینه‌های درمانی به بیمه شدگان با رعایت قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی ... و آیین نامه اجرایی مربوطه است؛ استناد به دادنامه شماره ۴۲۹ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری جهت اثبات ادعای خلاف قانون بودن بخشنامه سازمان خالی از وجه و مردود می‌باشد. ۳ - شاکی مدعی شده است که به موجب قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی ... مصوب ۱۳۶۸، سازمان تأمین اجتماعی مکلف گردیده که کلیه مشمولین را (فارغ از هرگونه قید و شرط) تحت پوشش قرار دهد و بخشنامه مغایر با قانون است. در این خصوص ضمن تأکید بر مراتب معروضه در بند مارالذکر به استحضار می‌رساند، حسب قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی ... مصوب ۱۳۶۸ و ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۶۹ پرداخت هزینه‌های درمانی مراجعه کنندگان به مراکز درمانی خصوصی صرفاً در مواردی به عهده سازمان تأمین اجتماعی خواهد بود که سازمان با آن مراکز قرارداد منعقد نموده باشد و یا مورد از موارد اورژانس بوده و این امر به تأیید سازمان رسیده باشد. علی‌ایحال با توجه به اینکه شروط مذکور به موجب قانون و آیین نامه وضع گردیده‌اند لذا هرگونه تغییر در آنها نیز می‌بایست به موجب وضع قانونی موخر صورت پذیرد و با عنایت به اینکه تاکنون هیچ مقرره قانونی مبنی بر الزام بدون قید و شرط سازمان تأمین اجتماعی به پرداخت هزینه‌های درمانی بیمه شدگانی که از طریق درمان غیر مستقیم (به واسطه خرید خدمت پزشکان و گروههای پزشکی بیمارستانهای بخش خصوصی) تحت درمان قرار می‌گیرند، وضع نشده است، لذا ادعای مغایرت بخشنامه ۴۰۲۰/۹۹۰۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ با قانون، با این استدلال که بخشنامه مذکور اطلاع موجود در ماده واحده قانون الزام سازمانهای بیمه‌گر به پرداخت خسارتهای متفرقه مصوب ۱۳۸۵/۷/۱۶ صرفاً در خصوص پرداخت هزینه‌های درمان بستری بیماران بیمه شده» سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یکی از سازمانهای بیمه‌گر، مکلف گردیده که از تاریخ تصویب قانون مذکور، نسبت به پرداخت هزینه‌های مذکور به میزان تعرفه‌های دولتی در بخشهای مختلف دولتی خصوصی و خیریه (به صورت مطلق) اقدام نماید. لذا پذیرش صحت ادعای شاکی مبنی بر حصری نبودن تعهد سازمان در قبال هزینه‌های درمانی - مستنداً به قانون الزام سازمان ... مصوب ۱۳۶۸ - نتیجه‌ای نخواهد داشت جز قبول واهی و بی‌اثر بودن قانون «الزام سازمانهای بیمه‌گر...» مصوب ۱۳۸۵. بنابراین شکایت شاکی از نقطه نظر تصویب قانون اخیرالذکر نیز با ایراد مواجه است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

حکم مقرر در ماده ۱۷ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصرح در تکلیف مطلق بیمارستانها، مراکز بهداشتی و درمانی و مراکز تشخیص و پزشکان کشور (اعم از آزاد یا طرف قرارداد با سازمان تأمین اجتماعی) به پذیرش و مداوای بیمه شدگان و نتیجتاً مفید الزام سازمان تأمین اجتماعی به انجام وظایف و مسئولیتها و اهداف مقرر در ماده ۵ قانون مذکور از جمله پرداخت هزینه‌های درمانی بیمه شدگان به مراکز درمانی و پزشکان غیر طرف قرارداد با آن سازمان در حدود تعرفه‌های قانونی مربوط است که در دادنامه‌های شماره ۴۸۱ الی ۴۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲ و ۶۸۴ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۶ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین بخشنامه شماره ۴۰۲۰/۹۹۰۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ سازمان تأمین اجتماعی در قسمت مورد اعتراض و در حد نفی مسئولیت آن سازمان در زمینه پرداخت تعرفه هزینه‌های درمانی به پزشکان و مراکز غیر طرف قرارداد با سازمان مغایر هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات سازمان تأمین اجتماعی در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۲۵۳ - ۱۳۸۶/۷/۱۸

کلاس پرونده: ۲۵۳/۸۵ - ۱۳۸۶/۴/۲۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای احمد محبوبی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۸۹۰۳۹/۷۶۰ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۲ سازمان آموزش و پرورش

آذربایجان شرقی.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، اینجانب احمد محبوبی در جریان انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی به عنوان ناظر شورای نگهبان در امر انتخابات همکاری نموده‌ام که به موجب نامه ضمیمه هیأت نظارت شهرستان به شماره ۸۴/۰۱/۹/۲۵۵ مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۸ خطاب به مدیریت محترم آموزش و پرورش سراب در خصوص پرداخت ۱۰۰ ساعت اضافه کاری تصریح گردیده لذا با عنایت به این امر و با توجه به اینکه اضافه کار ساعتی اینجانب برابر آخرین حکم در تاریخ فوق معادل ۱۷,۰۰۰ ریال می‌باشد که اگر عدد ۱۰۰ به رقم مذکور ضرب شود رقمی بالغ بر ۱,۷۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان حق الزحمه برآورد می‌شود. ولی متأسفانه طی دستورالعمل سازمان آموزش و پرورش آذربایجان شرقی به شماره ۸۹۰۳۹/۷۶۰ - ۱۳۸۴/۱۲/۲۲ مبلغ ششصد هزار ریال ثابت به عنوان حق الزحمه ناظر تعیین و ابلاغ گردیده متأسفانه با هیچ منطق عدالتی - قضائی - اداری سازگاری ندارد و با کسر ۱۰٪ مالیات مبلغ پانصد و چهل هزار ریال طی فیش مورخه ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ به شماره حساب اینجانب واریز گردیده است. اینک با عنایت به موارد مذکور و به استناد مدارک ارسالی خواهشمند است دستور رسیدگی صادر و موجبات ابطال دستورالعمل مذکور را فراهم نمایید. ریاست محترم اداره امور اداری و ارزشیابی کارکنان سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی طی لایحه‌ای به شماره ۱۸۰۰/۶۶۱۲۴/۷۱۰ مورخ ۱۳۸۵/۹/۸ اعلام داشته‌اند، برابر ماده ۲۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران کارمندی که در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران با شورای نگهبان و یا با وزارت کشور همکاری نمایند، برای مدت همکاری حق مأموریت پرداخت می‌شود. با عنایت به اینکه نامبرده در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی به مدت یک روز فعالیت نموده برای مدت یاد شده ۳ روز برای وی حق مأموریت پرداخت شده است. با عنایت به اینکه نامه شماره ۸۴/۰۱/۹/۲۲۵ مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۲ صادره از طرف هیأت نظارت مغایر با ماده ۲۱ قانون انتخابات می‌باشد. بنابراین درخواست وی غیر قانونی بوده درخواست رد شکایت می‌شود. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

طبق ماده ۲۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۱ «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها و ادارات دولتی و مؤسسات وابسته به دولت و نهادهای انقلابی موظفند که حسب درخواست وزارت کشور، استانداران، فرمانداران، بخشداران، کارکنان و سایر امکانات خود را تا خاتمه انتخابات در اختیار آنان قرار دهند، بدیهی است مدت همکاری کارکنان مذکور جزء ایام مأموریت نامبردگان محسوب خواهد شد.» نظر به اینکه مأموریت مذکور از جهت مدت و فوق‌العاده مربوط به آن تابع مقررات قانونی خاص می‌باشد، وضع قواعد آمره عام و کلی در مورد مأموریت کارکنان آموزش و پرورش و میزان فوق‌العاده مأموریت آنان به شرح بخشنامه شماره ۸۹۰۳۹/۷۶۰ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۲ سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی با تمسک به اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اختصاص به هیأت وزیران و هر یک از وزراء دولت با رعایت اصل مزبور دارد، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات رئیس سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی است، بنابراین بخشنامه مزبور مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۶۲ - ۱۳۸۶/۷/۱۸

کلاس پرونده: ۶۲/۸۴ - ۱۳۸۶/۴/۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: شرکت سهامی خاص صادرات تمیز.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۷ بدوی و چهارم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۵۱۹/۷۵ موضوع شکایت آقای حسن رزم یار به طرفیت شهرداری رباط کریم به خواسته صدور پروانه برای زمین پلاک ۲۸۸۵ فرعی از ۱۴۲ اصلی واقع در رباط کریم به شرح دادنامه شماره ۱۱۳۴ مورخ ۱۳۷۷/۸/۲۴ چنین رأی صادر نموده است، به لحاظ اینکه وزارت مسکن و شهرسازی در اجرای تبصره ۸۴ قانون برنامه پنج ساله دوم مصوب ۱۳۷۳ اقدام به تملک زمین مورد بحث ننموده و دانشگاه پیام نور نیز به عنوان شهرداری خوانده مرقوم داشته، امکان خرید زمین مذکور و احداث بنای دانشگاه پیام نور در آن نیست، بناءً علیهذا شهرداری طرف شکایت طبق تبصره‌های ماده واحد قانون تعیین تکلیف وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری مصوب ۱۳۶۷ موظف به صدور پروانه ساختمانی برای زمین شاکی می‌باشد، موجه است و حکم به ورود شکایت مطروحه و لزوم صدور مجوز ساخت و احداث بنا در ملک مزبور توسط خوانده اعلام می‌گردد. ب - ۱ - شعبه هجدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۷۳۷/۸۰ موضوع شکایت شرکت صادراتی تمیز به طرفیت، شهرداری شهر گلستان (رباط کریم) به خواسته، الزام به صدور پروانه ساختمان مسکونی و تجاری در پلاک ۱۴۲ اصلی درگلستان به شرح دادنامه شماره ۶۰۶ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۳ چنین رأی صادر نموده است،... با عنایت به مفاد نامه مورخ ۱۳۷۶/۸/۵ معاون اداری و مالی دانشگاه پیام نور خطاب به شهرداری گلستان (رباط کریم) که اعلام می‌دارد، به علت مشکلات مالی موجود در حال حاضر خرید ملک مذکور برای دانشگاه میسر نمی‌باشد، بناءً علیهذا به استناد رأی شماره ۴۷ مورخ ۱۳۷۸/۲/۲۵ هیأت عمومی دیوان و با توجه به تبصره‌های ماده واحد قانون تعیین تکلیف وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحی ۱۳۸۰ حکم بر الزام سازمان خوانده به صدور پروانه ساختمانی صادر می‌گردد. ب - ۲ - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاس ۴۴۵/۸۲ موضوع تقاضای تجدیدنظر شهرداری گلستان (رباط کریم ساوه) نسبت به دادنامه شماره ۶۰۶ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۳ شعبه ۱۸ بدوی به شرح دادنامه شماره ۶۷۹ مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۳ چنین رأی صادر نموده است، اولاً کاربری آموزشی زمین مورد شکایت مطابق با طرح هادی تعیین شده است و طرح مذکور از طرحهای زمان‌بندی شده مندرج در مقررات قانونی تعیین وضعیت ... مصوب ۱۳۶۷ نیست و اجرای آن هم به عهده شهرداریها مقرر نشده است. ثانیاً تا زمانی که اعتبار طرح باقی است الزام شهرداری به صدور پروانه غیر از پروانه آموزشی فاقد پایگاه قانونی است. ثالثاً معاون اداری و مالی دانشگاه پیام نور طی نامه شماره ۴/۱۹۱۱۵ مورخ ۱۳۷۶/۸/۵ انصراف از نیاز به زمین مذکور را اعلام ننموده است، بلکه تصریحاً اعلام نموده است در حال حاضر خرید ملک مذکور برای دانشگاه میسر نمی‌باشد. علیهذا با توجه به مراتب فوق ضمن فسخ دادنامه شعبه بدوی قرار رد شکایت صادر می‌گردد. هیأت عمومی دیوان

عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

قانونگذار با عنایت به اعتبار اصل تسلیط و حرمت مالکیت مشروع و اینکه محرومیت اشخاص از اعمال حقوق مالکانه به مدت نامعلوم و نامحدود به بهانه وجود طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب مراجع و مقامات مختلف و در اشکال گوناگون، علی‌اطلاق مغایر اصول فوق‌الذکر و ناقض حق اعمال مالکیت و آثار مترتب بر آن است و همچنین اجبار مالک به استفاده از زمین خود یا احداث بنای متناسب با طرحهای مصوب دولتی و شهرداری نافی اراده آزاد اشخاص در کیفیت اعمال انحاء حقوق مالکانه متناسب با نیازمندیهای آنان با رعایت ضوابط مربوط می‌باشد، با وضع قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری مصوب ۱۳۶۷ واحدهای دولتی و شهرداریهای ذیربط را مکلف کرده است که نسبت به انجام معامله قطعی و انتقال سند رسمی و پرداخت بهاء یا عوض ملک واقع در طرح و اجرای طرح مصوب در مهلت مقرر در قانون اقدام نمایند و با انقضای مدت مزبور به شرح تبصره یک ماده واحده قانون مذکور در صورت عدم اجرای طرحهای مصوب فوق‌الذکر در مهلت قانونی، حق اعمال انحاء حقوق مالکانه را برای مالکین به رسمیت شناخته است. بنابراین دادنامه شماره ۱۱۳۴ مورخ ۱۳۷۷/۸/۲۴ شعبه هفدهم که عدم اجرای طرح دولتی مبتنی بر طرح هادی را در مهلت قانونی در ملک شاکی موجد حق اعمال حقوق مالکانه دانسته و شهرداری را ملزم به صدور پروانه احداث بنا در ملک مزبور نموده است صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۳/۶۰۸ - ۱۳۸۶/۸/۱۰

کلاسسه پرونده: ۶۰۸/۸۳ - ۱۳۸۶/۵/۲۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: شهرداری شاهین شهر اصفهان.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه چهارم دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسسه ۱۸۰۳/۸۰ موضوع شکایت شرکت الکترونیکی طنین بسط به طرفیت، شهرداری شاهین شهر اصفهان به خواسته، عدم تعلق نیم درصد فروش به شهرداری به شرح دادنامه شماره ۲۶۷۵ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۵ با توجه به عدم پاسخگویی طرف شکایت و با استناد به رأی وحدت رویه ۳۷۸ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی و نقض رأی مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۸ کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری در شهرداری شاهین شهر صادر می‌نماید. ب - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسسه ۲۹۳/۸۲ موضوع شکایت شرکت صنایع الکترونیکی طنین بسط به طرفیت شهرداری شاهین شهر اصفهان به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها به شرح دادنامه شماره ۳۰۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۹ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه مطالبه نیم درصد عوارض از شرکتهای واقع در شهرکهای صنعتی برابر رأی وحدت رویه ۲۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۹ مغایر قانون شناخته نشده است و شاکی اعتراض مؤثری ندارد که رأی را مخدوش سازد و تخلفی از مقررات هم ثابت نمی‌باشد. بنابراین موجبی جهت نقض رأی وجود ندارد لذا حکم به رد شکایت شاکی صادر می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به موجب بند (الف) ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹ تعیین میزان عوارض در قلمرو بند مذکور به عهده ریاست جمهوری محول شده و مطابق مصوبه شماره ۲۹۹۸ مورخ ۱۳۷۲/۲/۲۹ نامبرده یک درصد عوارض وصولی از تولیدات کارخانجات شهرکهای صنعتی مستقر در محدوده قانونی شهرها به طور مساوی بالمنافسه به شهرداری محل و مقامات ذیصلاح شهرکهای صنعتی به منظور تمشیت امور شهرکها تعلق گرفت. بنابراین مفاد دادنامه قطعی شماره ۳۰۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۹ شعبه چهارم که مفید این معنی است، صحیح و موافق قانون می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره دادنامه: ۳۴۹

شماره: هـ/۸۴/۸۲۳ - ۱۳۸۶/۸/۱۰

کلاس پرونده: ۸۲۳/۸۴ - ۱۳۸۶/۵/۲۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: سازمان آموزش و پرورش استان کرمان.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۳ و ۱۴ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۵۳/۸۱ موضوع شکایت آقای علیرضا خدایار به طرفیت، سازمان آموزش و پرورش کرمان به خواسته اعتراض به انتقال محل خدمت از رفسنجان به کرمان به شرح دادنامه شماره ۷۴۷ مورخ ۱۳۸۳/۵/۳ با توجه به اینکه شاکی به وسیله هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات تغییر محل جغرافیائی خدمت محکوم نشده است، حکم به ورود شکایت شاکی صادر نموده است. ب - شعبه سیزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۳۹/۸۳ موضوع شکایت خانم شیرین کریمی فرد به طرفیت سازمان آموزش و پرورش استان کرمان به خواسته ابطال حکم انتقال اجباری به شرح دادنامه شماره ۱۴۰۵ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ با توجه به اینکه انتقال درکار نبوده، بلکه انتزاع منطقه از رفسنجان و تعیین محل خدمت بر اساس امتیازات مکتسبه ملاک بوده است، شکایت را غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر نموده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به شرح لایحه جوابیه وزارت آموزش و پرورش، منطقه فوق که جزء منطقه آموزشی شهرستان رفسنجان بوده که به لحاظ کثرت دانش آموز و وسعت منطقه از ابتدای سال تحصیلی از آموزش و پرورش رفسنجان منتزع شده و کارکنان آن منطقه بر اساس امتیازات شغلی در مناطق آموزش و پرورش رفسنجان و نوق به خدمت آموزشی خود ادامه می‌دهند بنا به جهات فوق‌الذکر و اینکه تعیین محل خدمت افراد مذکور با توجه به نتیجه امتیازات هر یک از آنان از اختیارات مدیریت بوده و مغایرتی با قانون نداشته است، دادنامه شماره ۱۴۰۵ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ شعبه سیزدهم مبنی بر رد اعتراض شاکی در این زمینه صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط ر موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره: هـ/۵۳۲/۸۴ - ۱۳۸۶/۷/۱۸

کلاس پرونده: ۵۳۲/۸۴ - ۱۳۸۶/۴/۲۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: اداره کل کار و امور اجتماعی استان قم.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه ۹ و ۱۱ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۴۳۸/۸۰ و ۴۳۹/۸۰ موضوع شکایت آستانه مقدسه قم به طرفیت هیأت حل اختلاف اداره کار قم به خواسته ابطال رأی هیأت حل اختلاف ۲۶۶۳ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۵ و ۲۶۶۴ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۵ به شرح دادنامه شماره ۱۴۴۱ مورخ ۱۳۸۱/۸/۸ و ۱۴۳۳ مورخ ۱۳۸۱/۸/۸ چنین رأی صادر نموده است، کارکنان آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) یعنی کارکنان اداری و خدمه آن بر اساس فرمان مقام معظم رهبری از شمول مقررات قانون کار خارج و مشمول قانون خاص خویش می‌باشند. از طرفی کارکنان فرهنگسرای ۱۹ دی وابسته به شهرداری قم نیز تابع قانون کار بوده‌اند و با انتزاع از شهرداری قم و وابستگی به آستان مقدسه یعنی پس از واگذاری، هیچگونه اقدامی از طرف آستانه مقدسه جهت تبدیل وضعیت استخدامی آنان به عمل نیامده و شاکی نیز مستندی دال بر استخدام کارکنان فرهنگسرا بر اساس مقررات و ضوابط استخدامی آستانه مقدسه ارائه ننموده تا به اعتبار ماده ۱۸۸ قانون کار از شمول قانون کار خارج گردند و با عنایت به اینکه وفق ماده ۱۲ قانون کار، کارفرمای جدید قائم مقام تعهدات کارفرمای قبلی تلقی می‌گردد، فلذا با درنظر گرفتن جمیع جهات تخلفی از مقررات مشهود نبوده و از طرف شاکی نیز ایراد و اعتراض مؤثر و موجهی که موجبات نقض و فسخ رأی معترض عنه را ایجاد نماید، اقامه و ابراز نگردیده در نتیجه شکایت موجه تشخیص نشده حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. الف - ۲ - شعبه یازدهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده‌های کلاس ت ۳۹۰/۸۳/۱۱ و ت ۲۱۵/۸۳/۱۱ موضوع تقاضای تجدیدنظر تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) قم نسبت به دادنامه شماره ۱۴۳۳ مورخ ۱۳۸۱/۸/۸ و ۱۴۴۱ مورخ ۱۳۸۱/۷/۸ صادره از شعبه چهاردهم دیوان به شرح دادنامه‌های شماره ۶۱۵ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۲ و ۶۶ مورخ ۱۳۸۴/۱/۱۶ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به اینکه اماکن مقدسه و متبرکه مطابق تبصره ۲ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف تحت پوشش مقررات قانون کار نبوده و مشمول مقررات ماده ۱۸۸ قانون مذکور می‌باشد. علیهذا استناد به ماده ۱۲ قانون یاد شده فاقد وجهت قانونی بوده و با توجه به نظر مبارک مقام معظم رهبری به شماره ۱/۱۲۳۱۲ مورخ ۱۳۷۱/۸/۲۷، آستانه مقدسه از شمول قانون کار خارج و تابع مقررات خاص می‌باشد. مضافاً بر این به موجب حکم تخلیه صادره از شعبه ۱۱ تجدیدنظر تهران، فرهنگسرا تحویل آستانه مقدسه گردیده که با این وصف مسئله تغییر کارفرما موضوعاً منتفی است ضمن نقض رأی صادره از شعبه چهاردهم دیوان حکم بر ابطال رأی شماره ۴۶۶۳ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۵، ۲۶۶۴ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۵ هیأت حل اختلاف را صادر و اعلام می‌دارد. ب - ۱ - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۵۱۲/۸۰ موضوع شکایت آستانه مقدسه قم به طرفیت، هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی استان قم به خواسته، ابطال اجرائیه رأی هیأت حل اختلاف

۲۵۸۷ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۵ اداره کار قم به شرح دادنامه شماره ۱۵۸۳ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۹ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به اینکه فرهنگسرای ۱۹ دی قم قبل از انتقال به آستانه مقدسه وابسته به شهرداری و تابع قانون کار بوده و بعد از انتقال به آستانه مقدسه قم اقدامی در جهت تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان آن به وسیله آستانه مقدسه قم صورت نگرفته و فرمان مقام معظم رهبری فقط در مورد کارکنانی است که به استخدام آستانه در آمده‌اند و لاغیر و توجهاً به اینکه آستانه مقدسه قم قائم مقام شهرداری در موضوع فرهنگسرای ۱۹ دی بوده و آستان هیچگونه مدرکی دال بر اینکه متعاقب انتقال فرهنگسرا مبادرت به تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان فرهنگسرا باشد، ارائه نکرده و مدعی این موضوع نیز نشده است و توجهاً به اینکه در رسیدگی و اصدار رأی هیأت حل اختلاف هیچگونه ایراد و اشکال قانونی مشاهده نمی‌شود، علیهذا شکایت مطروحه وارد نبوده و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. ب - ۲ - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۳۷/۸۰ موضوع شکایت آستانه مقدسه قم به طرفیت هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی استان قم به خواسته ابطال رأی هیأت حل اختلاف به شماره ۲۵۸۷ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۵ به شرح دادنامه شماره ۱۶۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۲ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه قبلاً طی دادنامه شماره ۱۵۸۳ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۲ این شعبه حکم به رد شکایت آستان مقدسه قم صادر گردیده و رأی هیأت حل اختلاف صحیح تشخیص داده شده و موضوع خواسته هر دو پرونده یکی بوده علیهذا قرار رد شکایت صادر می‌گردد. ب - ۳ - شعبه نهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۱۱۵/۸۳ موضوع تقاضای تجدیدنظر آستانه مقدسه قم نسبت به دادنامه شماره ۱۶۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۲ شعبه ۱۴ دیوان به شرح دادنامه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۸۴/۱/۱۵ دادنامه بدوی را عیناً تأیید نموده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۱۸۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ اشخاصی که از لحاظ استخدامی مشمول قوانین و مقررات خاص می‌باشند از شمول قانون کار مستثنی هستند. نظر به اینکه شاکیان از جمله کارگران مشمول قانون کار فرهنگسرای ۱۹ دی قم وابسته به شهرداری قم بوده‌اند و طبق مقررات هیچگونه تغییر و تبدیلی در وضع استخدامی آنان به وجود نیامده و کماکان مشمول قانون کار بوده‌اند، بنابراین دادنامه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۸۴/۱/۱۵ شعبه نهم تجدیدنظر مشعر بر تأیید دادنامه بدوی که متضمن این معنی است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره: هـ/۷۷/۸۴ - ۱۳۸۶/۷/۱۸

کلاس پرونده: ۷۷/۸۴ - ۱۳۸۶/۴/۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم جمیله پورصادقی دوگاهه.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۶ و ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - ۱ - شعبه نوزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۶۸/۸۱ موضوع شکایت آقای فرخ کریمی بالاجورشری به طرفیت، اداره ثبت اسناد و املاک استان گیلان به خواسته، استرداد وجوه اضافه دریافتی بابت حق الثبت خرید مدرسه غیر انتفاعی به شرح دادنامه شماره ۱۶۳۷ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، با التفات به اینکه انتقال سند مورد ادعای شاکی مبنی بر استرداد مازاد حق الثبت پرداختی در دفترخانه شماره ۵۳ ثبت قبل از بخشنامه شماره ۱/۳۴/۳۲۲۹ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۰ سازمان ثبت تنظیم گردیده لذا اقدام مشتکی عنه مطابق با ضوابط وقت و مغایر با قانون و بخشنامه های زمان نقل و انتقال سند نبوده است و حکم بر رد شکایت و بطلان آن صادر و اعلام می گردد. الف - ۲ - شعبه هشتم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۱۹/۸۱ موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای فرخ کریمی بالاجورشری به طرفیت، اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان نسبت به دادنامه شماره ۱۶۳۷ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۷ شعبه نوزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۴۳۷ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۶ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به اینکه بخشنامه رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در تبیین و رهنمود در مورد اعمال تبصره یک بند (الف) ماده یک قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین بوده است و به عبارت دیگر اینکه خود بخشنامه فی حدنفسه موضوعیت ندارد، بنابراین استدلال سازمان مشتکی عنه مبنی بر اینکه اعمال مقررات و شمول حق الثبت به مأخذ پنج در هزار از تاریخ صدور بخشنامه مزبور می باشد، فاقد وجهت قانونی بوده و بنا به مراتب اعتراض تجدیدنظر خواه وارد تشخیص و حکم به نقض دادنامه معترض عنه و حکم به ورود شکایت شاکی و اعمال مقررات تبصره یک بند (الف) ماده یک قانون وصول برخی از درآمدهای دولت در خصوص محاسبه حق الثبت به مأخذ پنج در هزار در ملک خریداری شده صادر و اعلام می گردد. ب - ۱ - شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۴۶/۸۱ موضوع شکایت خانم جمیله پورصادقی به طرفیت، ثبت اسناد و املاک گیلان - رشت به خواسته، استرداد وجوه اضافه دریافتی بابت حق الثبت خرید مدرسه غیر انتفاعی به شرح دادنامه شماره ۱۱۷ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ چنین رأی صادر نموده است، اگرچه بخشنامه استنادی در سال ۱۳۷۹ اصدار یافته و سند شکایه در سال ۱۳۷۸ تنظیم گردیده است ولیکن با توجه به تبصره یک بند (الف) ماده یک قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ که مقرر داشته تعرفه ثبت اسناد رسمی برای قراردادهای مربوط به اعطاء تسهیلات بانکی و تأمین اجتماعی به تعاونی های ایثارگران و... و مؤسسات آموزشی غیر انتفاعی و... ۵ در هزار تعیین می شود. صراحت در شمول مانحن فیه و استفاده از مفاد تبصره فوق دارد. بنابراین خواسته شکایه محمول بر صحت تشخیص گردید و به استناد تبصره فوق و ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود

شکایت و الزام سازمان ثبت به استرداد مبلغ مأخوذ مزاد بر ۵ در هزار صادر و اعلام می‌گردد. ب - ۲ - شعبه ششم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۴/۸۲ موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان ثبت اسناد و املاک نسبت به دادنامه شماره ۱۱۷ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ شعبه ۱۷ بدوی چنین رأی صادر نموده است، تجدیدنظر خواهی وارد است زیرا علاوه بر اینکه سند رسمی مورد استناد و ادعای شاکیه که نسبت به دریافت حق‌الثبت آن معترض و درخواست استرداد وجوه اضافه دریافتی از آن بابت را دارند مقدم بر تاریخ صدور بخشنامه شماره ۱/۲۳۳۹۷/۳۰۷ مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۷ ریاست وقت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تنظیم گردیده است حتی در فرض اینکه چنین امری مانعی برای استرداد وجه اضافه دریافتی نگردد، چون با ملاحظه مفاد سند رسمی مورخ ۱۳۷۸/۳/۱۰ دفترخانه ۴ اسناد رسمی رشت احراز می‌گردد، فروشنده ملک بانوئی به نام سونیا صابر و خریدار آن بانک تجارت بوده و خانم جمیله پورصادقی در سند مذکور هیچگونه سمتی نداشته‌اند. بنابراین حق‌الثبتی که بابت تنظیم این سند پرداخت گردیده است ولو اینکه بعداً ملک موضوع این سند با تنظیم قرارداد بین بانک تجارت و خانم پورصادقی و به صورت اجاره به شرط تملیک در تصرف خانم شاکیه هم قرار گرفته باشد، مشمول تعرفه ثبت مقرر در تبصره یک بند (الف) ماده یک قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ نخواهد بود. نتیجتاً ادعای شاکیه و خواسته وی به صورتی که مطرح گردیده است قابل پذیرش و استماع نخواهد بود. بنابراین با اعلام ورود تجدیدنظر خواهی و ضمن نقض دادنامه معترض‌عنه قرار رد شکایت شاکیه را صادر و اعلام می‌نماید. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

دریافت حق‌الثبت به مأخذ ۵ در هزار در مورد ثبت اسناد رسمی مربوط به قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی در خصوص مؤسسات آموزشی غیر انتفاعی متکی و مستند به حکم قانونگذار به شرح مقرر در تبصره یک بند (الف) ماده یک قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ است و قهراً از تاریخ اجرای قانون مزبور معتبر و لازم‌الاجراء است بنابراین دادنامه شماره ۴۳۷ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۶ شعبه هشتم تجدیدنظر دیوان که مبین این امر است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانمها ۱ - مژگان نوید ۲ - مروارید صیدی ۳ - مرضیه علیخانی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴ و ۱۷ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه هفدهم در رسیدگی به پروندههای کلاسه ۹۳۲/۸۲، ۳۴۵۶/۸۳، ۹۳۰/۸۲ موضوع شکایت خانم مژگان نوید، خانم مروارید صیدی و خانم مرضیه علیخانی به طرفیت سازمان آزمایشی به پیمانی به شرح دادنامههای شماره ۲۱۸۷ - ۱۳۸۲/۱۱/۲۷ و ۳۴۴۹ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ و ۲۱۸۶ - ۱۳۸۲/۱۱/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به مفاد ماده ۲۰ قانون استخدام کشوری که وزارتخانه یا مؤسسه استخدام کننده را در دوران آزمایشی مجاز دانسته که بدون هیچگونه تعهدی حکم برکناری مستخدم را صادر نماید، بناء علیهذا تبدیل نوع استخدام شاکی از رسمی به پیمانی در دوره آزمایشی برخلاف ضوابط و مقررات نبوده و شکایت مطروحه غیر وارد تشخیص گردید و محکوم به رد است. ب - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۴۰/۸۲ موضوع شکایت خانم زهرا ملکپوردهکردی به طرفیت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به خواسته، اعتراض به تبدیل وضعیت استخدامی رسمی آزمایشی به پیمانی به شرح دادنامه شماره ۲۸۱۵ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۵ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به اینکه نامبرده با مجوز رسمی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور برای استخدام رسمی پذیرش و مشغول به کار گردیده است و مصوبه شماره ۲۷۰۲۶/ت/۲۹۹۸۱ هـ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۴ هیأت وزیران هم عطف بماسبق نمی شود و در قانون تعدیل نیروی انسانی مصوب ۱۳۶۶ فقط تبدیل وضعیت مستخدم پیمانی پیش بینی شده است، بنابراین اعتراض موجه می باشد لذا حکم به ورود شکایت شاکی صادر و تبدیل وضعیت به استخدام پیمانی ابطال می گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

اولاً با توجه به محتویات پروندههای فوق الذکر وجود تناقض بین دادنامههای صادره محرز است. ثانیاً، نظر به اینکه شاکیان بر اساس مجوز رسمی به منظور تصدی پست ثابت سازمانی به صورت آزمایشی استخدام شده اند و قانونگذار به شرح مادتين ۱۹ و ۲۰ لایحه قانونی استخدام کشوری نسبت به تعیین تکلیف وضعیت استخدامی آنان اعم از ادامه خدمت در عداد مستخدمین رسمی پس از انقضاء مدت خدمت آزمایشی و یا برکناری از خدمت در صورت احراز عدم صلاحیت آنان برای ابقاء در خدمت مورد نظر اقدام نموده است، بنابراین اتخاذ ترتیب دیگری جز آنچه مقنن مقرر داشته و تبدیل مستخدم آزمایشی به مستخدم پیمانی در حال تصدی پست سازمانی جواز قانونی ندارد و دادنامه شماره ۲۸۱۵ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۵ شعبه چهارم که

متضمن این معنی است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۶۲۸ - ۱۳۸۶/۸/۱۰

کلاسه پرونده: ۶۲۸/۸۴ - ۱۳۸۶/۵/۲۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم ژایلا حسین زاده.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه دوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۱۴/۸۲ موضوع شکایت خانم ژایلا حسین زاده به طرفیت، هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی شمال شرق تهران به خواسته، اعتراض نسبت به رأی شماره ۶۶۸۸۶ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۶ به شرح دادنامه شماره ۱۷۸۲ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱ با در نظر گرفتن مجموع محتویات پرونده ایراد و اشکالی بر رأی معترض علیه تشخیص نداده و شکایت را غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر نموده است. این رأی به شرح دادنامه شماره ۴۸۸ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۵ شعبه هشتم تجدیدنظر تأیید شده است. ب - شعبه دوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۱۱/۸۲ موضوع شکایت خانم اعظم السادات میرعلی مرتضایی به طرفیت هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی شمال شرق تهران به خواسته اعتراض به رأی شماره ۶۶۸۸۷ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۲ به شرح دادنامه شماره ۱۶۵۴ مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۱ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه منطوق ماده ۱۲ قانون کار در اصدار رأی از سوی هیأت حل اختلاف مورد توجه و عنایت قرار نگرفته که مقرر نموده، هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه از قبیل ... کارفرمای جدید قائم مقام تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود. بنا به مراتب معروضه به نظر می رسد اتخاذ تصمیم هیأت مزبور وفق مقررات موضوع معمول نشده باشد. فلذا حکم به ورود شکایت شاکی صادر و رأی معترض عنه نقض و لزوم رسیدگی مجدد به موضوع معنون در هیأت هم عرض با رعایت مفاد این دادنامه اعلام می گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

به موجب ماده ۱۲ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ «هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه از قبیل فروش یا انتقال به هر شکل، تغییر نوع تولید، ادغام در مؤسسه دیگر، ملی شدن کارگاه، فوت مالک و امثال اینها، در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادشان قطعیت یافته است مؤثر نمی باشد و کارفرمای جدید، قائم مقام تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود.» نظر به مراتب مندرج در ماده فوق الذکر و اینکه شرکت توسعه فضاهای فرهنگی وابسته به شهرداری تهران، خدمات مربوط به امور مالی و اداری خود را به پیمانکاری واگذار و منتقل کرده و در قلمرو این ماده پیمانکاری فوق الذکر قائم مقام قانونی آن شرکت در خصوص ادامه خدمت کارکنان شاغل در خدمات مالی و اداری به شمار می رود، بنابراین دادنامه شماره ۱۶۵۴ مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۱ شعبه دوم در حدی که متضمن این امر است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می شود این رأی به استناد بند

۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۱۷۰ - ۱۳۸۶/۶/۲۷

کلاس پرونده: هـ/۸۵/۱۷۰ - ۱۳۸۶/۴/۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: مدیر کل امور اداری وزارت آموزش و پرورش.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲۰ بدوی و هشتم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - ۱ - شعبه سیزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۶۳/۸۲ موضوع شکایت آقای اسحق خواره به طرفیت، امور اداری وزارت آموزش و پرورش به خواسته، عدم اجرای مفاد ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان در احکام کارگزینی به شرح دادنامه شماره ۱۶۱۰ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۷ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به تأکید دارا بودن مدارک تحصیلی مذکور در ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، بنابراین جانبازان و آزادگان که فاقد مدارک یاد شده می‌باشند، مشمول همترازی حقوق و فوق‌العاده شغل با حقوق و فوق‌العاده شغل اعضاء هیأت علمی دانشگاهها نمی‌گردد، ولی کماکان از امتیازات یک مدرک تحصیلی بالاتر از حیث حقوق بر اساس مقررات قانون نظام هماهنگ پرداخت معادل دارندگان مدارک مذکور که در مشاغل اجرائی شاغل می‌باشند، بهره‌مند می‌گردند. با توجه به مراتب شکایت شاکی فاقد محمل قانونی و غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. الف - ۲ - شعبه هشتم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۱۱/۸۲ موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای اسحق خواره نسبت به دادنامه شماره ۱۶۱۰ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۷ شعبه سیزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۰۹۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲ چنین رأی صادر نموده است. اعتراض وارد به نظر نمی‌رسد زیرا در ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان، احتساب حقوق و استفاده از یک مقطع تحصیلی بالاتر از نظر امتیازات شغلی و سایر امتیازات مقرر در قوانین و مقررات مربوطه جهت اخذ حقوق و مزایا تجویز گردیده است و تجدیدنظر خواه درخواست اعمال امتیاز استفاده از امتیاز مقرر در ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و همترازی حقوق و مزایای مدرک تحصیلی بالاتر یعنی بالاتر یعنی مدرک تحصیلی دکتری را دارد و چون مشارالیه دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس است و در بخش آموزشی مشغول خدمت می‌باشد و جانباز بودن وی محو یا نفی نگردیده است و نیز بهره‌مندی از ۸۰٪ حقوق اعضاء هیأت علمی دانشگاهها برای دارندگان مدرک تحصیلی فوق لیسانس و دکتری در ماده ۸ قانون نظام هماهنگ مجاز شمرده شده و این امتیازی است که دارندگان این مدارک می‌توانند استفاده کنند و استفاده از امتیازات مقرر در قوانین نیز برای کلیه جانبازان در ماده ۱۸ قانون استخدامی جانبازان تکلیف گردیده لذا و با توجه به نامه‌های شماره ۱۶۰۳/۵۶۲۸۳ مورخ ۱۳۸۲/۶۳/۱۶ معاونت امور مجلس و استانیهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شماره ۳۰۱۳۸ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۵ معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری که استفاده از همترازی را از تاریخ اخذ مدرک با لحاظ جانبازی قابل احتساب داشته‌اند و مدیر کل امور اداری وزارت آموزش و پرورش همین معنی را در نامه ۷۱۰/۴۱۴۰۶/۲۲ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۵ دنبال کرده است. لذا بنا به مراتب و با ورود اعتراض تجدیدنظر خواه ضمن فسخ و گسیختن دادنامه تجدیدنظر خواسته حکم به ورود شکایت اولیه

شاکی جهت اجرای ماده ۱۸ قانون جانبازان در احکام کارگزینی صادر و اعلام می‌نماید. ب - شعبه بیستم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۳۱۰/۸۳ موضوع شکایت آقای یوسف حسین‌پور به طرفیت ۱ - اداره آموزش و پرورش شهرستان اسفراین ۲ - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به خواسته الزام به اعمال کلیه امتیازات مندرج در بخشنامه ۲۷۲۷ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ به شرح دادنامه شماره ۲۸۱۹ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۴ چنین رأی صادر نموده است، خواهان با داشتن مدرک تحصیلی فوق لیسانس و به اعتبار جانباز بودن خواستار اعمال ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولتی با یک درجه تحصیلی بالاتر یعنی دکتری در برخورداری از ۸۰٪ حقوق و فوق‌العاده شغل اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مراکز و مؤسسات آموزش عالی می‌باشد که با توجه به دو فقره لایحه پاسخ واصله و نظر به اینکه برخورداری از هشتاد درصد حقوق و فوق‌العاده شغل اعضای هیأت علمی منوط به داشتن مدرک تحصیلی فوق لیسانس و دکتری شده و مراد از این مدارک تحصیلی مدارک واقعی است نه امتیازات اعطایی و فرضی و در نتیجه احتساب فوق لیسانس به عنوان دکتری به علت جانباز بودن قابل اعمال در ماده ۸ یاد شده نبوده و جانبازان از مدرک تحصیلی بالاتر در موارد دیگر بهره‌مند می‌گردند و لایحه پاسخ واصله از سازمان متبوع مستخدم هم‌گویای این امر است. بنابراین دادخواست مطروح مبنی بر برخورداری از امتیاز مدرک تحصیلی دکتری در تعیین ۸۰٪ حقوق و فوق‌العاده شغل اعضای هیأت علمی فاقد توجیه حقوقی و قانونی بوده و حکم به رد دادخواست در این قسمت صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

حکم مقرر در ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان مصوب ۱۳۷۳ منحصراً مفید ضرورت احتساب یک مقطع تحصیلی بالاتر از نظر امتیازات شغلی و سایر امتیازات مقرر در قوانین و مقررات مربوط و تعیین حقوق و مزایای جانبازان بر مبنای آن است و دلالتی بر خورداری آنان از مدرک و درجه علمی بالاتر ندارد و چون حکم مذکور در ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب شهریور ۱۳۷۰ ناظر به دارندگان مدارک تحصیلی فوق لیسانس و دکتری از مراجع علمی ذیصلاح است و تسری آن به فاقدین مدارک علمی مزبور موافق هدف و حکم مقنن نیست. بنابراین دادنامه شماره ۲۸۱۹ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۴ شعبه بیستم دیوان عدالت اداری مشعر بر رد شکایت شاکی به خواسته برخورداری از حقوق و فوق‌العاده شغل مقرر در ماده ۸ قانون فوق‌الاشعار با احتساب یک مقطع تحصیلی بالاتر به شرح مقرر در ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۱۷۱ - ۱۳۸۶/۸/۳۰

کلاس پرونده: ۱۳۸۶/۵/۲۱ - ۱۷۱/۸۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای رفیع رفیعیان.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲ دستورالعمل نحوه اجرای قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب نیروی هوایی

ارتش جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، نظر باینکه بموجب بند ۳ ذیل ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی که تاریخ اجرای آن از ۱۳۶۸/۱/۳۰ می باشد، بازنشستگی، از کارافتادگی و تعیین حقوق وظیفه بگیران محدود و مشخص گردیده و افزایش مدت خدمت مورد قبول تا یکسال به ازای هر یکسال کار با اشعه مشخص گردیده و کاهش کار هفتگی تا میزان ۲۵٪ ساعت کار مقرر بر اساس بند ۱ ماده اخیرالذکر اعلام شده است، متأسفانه اینجانب تا زمان نیل به بازنشستگی از ارفاق های قانونی یاد شده منتفع نشده ام. بر این اساس استدعای رسیدگی و ابطال این دستورالعمل را دارم. سرپرست مدیریت حقوقی و قضائی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به شکوائیه فوق الذکر طی نامه شماره ۸ - ۸۷۳۲/۱/ر/۸۵/م ق مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۲ اعلام داشته اند، این نیرو بلحاظ خلاء استخدامی که در دهه اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی داشته است، بشدت با کمبود نیروی انسانی بویژه در تخصص های پرتوکاری مواجه می باشد و در صورت اعطای سنوات ارفاقی به کارکنان واجد شرایط و در نتیجه بازنشستگی زود هنگام آنان بعضی از تخصصها بطور کلی خالی از نیروی متخصص شده و سایر تخصصها نیز با مشکل اساسی مواجه می گردند و از آنجائیکه بازنشستگی پیش از موعد پرتوکاران انجام ماموریت های محوله را در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مختل خواهد نمود، لذا به موجب تبصره ۱ ماده ۲ دستورالعمل نحوه اجرای قانون حفاظت در برابر اشعه موضوع دستورالعمل شماره ۲ پرتوهای غیر یونساز، اعطای سنوات ارفاقی به هیچ یک از کارکنان پرتوکار غیر یونساز در نهاجا مقدور نمی باشد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

به صراحت ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ و بند ۳ آن، مدت خدمت مورد قبول مستخدمینی که به طور مستمر به کار با اشعه اشتغال داشته باشند، به ازاء هر سال یک سال و حداکثر به میزان ۱۰ سال از لحاظ بازخرید، بازنشستگی، از کارافتادگی و تعیین حقوق وظیفه اضافه و محاسبه می شود. بنابراین تبصره یک ذیل بند ۲ دستورالعمل نحوه اجرای قانون حفاظت در برابر اشعه که به بهانه بازنشسته شدن گروه کثیری از افراد متخصص در نتیجه اعطاء سنوات ارفاقی

موضوع بند ۳ ماده ۲۰ قانون فوق‌الذکر و ایجاد بحران به واسطه کمبود نیروی انسانی متخصص، منفعک شدن از خدمت سازمان را با استفاده از سنوات خدمت ارفاقی نفی کرده است، خلاف هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۳۰۵ - ۱۳۸۶/۸/۲۶

کلاس پرونده: ۳۰۵/۸۴ - ۱۳۸۶/۷/۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: شهرداری اهواز.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از اساسنامه شرکتهای وابسته به شهرداری.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، ماده ۴۸ قانون شهرداری مقرر داشته است، «مؤسسات وابسته به شهرداری از قبیل لوله کشی آب، برق، اتوبوسرانی که دارای شخصیت حقوقی بشوند، می توانند با اصول بازرگانی اداره شوند. اساسنامه این قبیل مؤسسات باید به تصویب انجمن شهر و موافقت وزارت کشور برسد» شهرداری اهواز در غیاب انجمن شهر و قبل از تشکیل شورای شهر اهواز به تجویز ماده مذکور در صدد تدوین اساسنامه برای سازمان اتوبوسرانی، سازمان عمران کارون، سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی، سازمان پایانه های مسافری به عنوان مؤسسات وابسته به خود بوده است. لذا به تجویز ماده ۴۲ قانون شهرداری و مقررات شق ۱۵ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور، مصوب مورخ ۱۳۷۵/۳/۱ درخواست تصویب اساسنامه برای مؤسسات مزبور از وزارت کشور نموده است. اساسنامه های مربوط را به وسیله کارشناسان خود بطور یکجانبه تهیه و به قائم مقامی شورای شهر اهواز تصویب، سپس از طریق استانداری خوزستان جهت اجراء به شهرداری اهواز ابلاغ نموده است. در بند ۱۷ و ماده ۱۲ اساسنامه سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی و بند ۱۶ ماده ۱۱ اساسنامه سازمان پایانه های مسافری قید شده است، «اصلاح و تجدیدنظر در مواد اساسنامه را وزارت کشور بنماید». با عنایت به نص صریح بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون تشکیلات و انتخابات شورای اسلامی کشور... مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ تصویب اساسنامه مؤسسات و شرکتهای وابسته به شهرداری پس از تشکیل شورای اسلامی شهر از وظایف و اختیارات شورای مذکور می باشد، قائم مقام مذکور در تصویب اساسنامه و... قانوناً محدود و مقید به تشکیل شورای اسلامی شهر اهواز بوده است و از زمان تشکیل شورای مذکور به بعد فاقد چنین اختیاری بوده است، لذا اطلاق شقوق مزبور در اساسنامه های یادشده که اصلاح و تجدیدنظر در موارد اساسنامه را بدون قید (تا زمان تشکیل شورای شهر اهواز) در اختیار انحصاری وزارت کشور قرار داده است مغایر با نص صریح قانون یعنی بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون مارالذکر می باشد که تصویب اساسنامه مؤسسات و شرکتهای وابسته به شهرداری را با تایید و موافقت وزارت کشور از وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر احصاء نموده است. شهرداری اهواز بنا به مقتضیات زمان و به منظور رفع اشکالات موجود در جهت حُسن تمشیت امور مربوط به سازمانهای وابسته به خود تغییراتی را در رابطه با اصلاح ارکان و ساختار اعضای شورای سازمان و هیأت مدیره ضروری می داند لذا لویحی را در این زمینه به شورای اسلامی شهر اهواز تقدیم نموده، شورای شهر نیز آنها را تصویب کرده است. لیکن فرمانداری شهرستان اهواز به استناد اینکه هرگونه اصلاح و تجدیدنظر در موارد اساسنامه انحصاراً با وزارت کشور می باشد که با پیشنهاد شورای سازمان امکان پذیر است و تصویب آن از حیطه اختیارات و وظایف قانونی شورای شهر خارج می باشد، مخالفت خود را اعلام

داشته است، در حالیکه با توجه به ماده ۸۴ قانون شهرداری و بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون شوراهای اسلامی، وزارت کشور مرجع تصویب‌کننده اساسنامه‌های سازمانهای شهرداری نمی‌باشد تا نسبت به تغییر اساسنامه اعتراض نماید، وزارت کشور صرفاً جنبه تاییدی دارد نه تصویبی. با توجه به مطالب مذکور تقاضای ابطال موارد فوق‌الذکر را دارد. مدیرکل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت فوق طی نامه شماره ۷۲۶۰۲/۶۱ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۳ اعلام داشته‌اند، ۱- مستند به ماده ۸۴ قانون شهرداری اساسنامه مؤسسات وابسته به شهرداری باید به تصویب شورای اسلامی شهر و موافقت وزارت کشور برسد. ۲- مطابق بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵، اساسنامه مؤسسات و شرکتهای وابسته به شهرداریها علاوه بر تصویب شورای اسلامی شهر بایستی به تایید و موافقت وزارت کشور برسد، لذا اعتبار قانونی و قابلیت اجرا یافتن مفاد اساسنامه مؤسسات و شرکتهای یاد شده منوط به تایید و موافقت وزارت کشور با محتوای آنها است. وزارت کشور بنا به ماموریتهای قانونی محوله ضمن بررسی قانونی و همه‌جانبه اساسنامه‌های مذکور، در صورت مغایر نبودن مفاد آنها با قوانین و مقررات مربوط به شهرداریها و شوراهای و اهداف و وظایف قانونی و ضمن تایید، با اجرای آنها موافقت می‌نماید. بدیهی است در صورتیکه شهرداری قصد اصلاح و تجدیدنظر در مورد اساسنامه مصوبی را داشته باشد، بایستی مقررات مندرج در ماده ۸۴ قانون شهرداری و بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون شوراهای را رعایت نماید و دلیل ذکر عبارت «اصلاح و تجدیدنظر در مواد اساسنامه انحصاراً با وزارت کشور است» رعایت قوانین مذکور و پیشگیری از اصلاح و تغییر مواد اساسنامه مؤسسات و شرکتهای مذکور و اعمال سلیقه شهرداران و... بر خلاف اهداف و وظایف ماموریتهای قانونی پیش‌بینی‌شده برای شهرداریها و نیز سایر قوانین و مقررات موضوعه می‌باشد. در اجرای ماده ۸۴ قانون شهرداری و بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون شوراهای هم اکنون نیز شوراهای اسلامی و مراجع ذیربط در سازمانهای تابعه شهرداری می‌توانند پیشنهادات خود را در خصوص اصلاح و تجدیدنظر در اساسنامه‌های مربوط را جهت تایید به وزارت کشور ارائه نمایند. با توجه به مطالب مذکور رد دعوای شاکی مورد تقاضا است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق باحضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به موجب ماده ۸۴ قانون شهرداری «مؤسسات وابسته به شهرداری از قبیل لوله‌کشی آب، برق، اتوبوسرانی که دارای شخصیت حقوقی بشوند، می‌توانند با اصول بازرگانی اداره شوند. اساسنامه این قبیل مؤسسات باید به تصویب انجمن شهر و موافقت وزارت کشور برسد.» و همچنین به صراحت بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ تصویب اساسنامه مؤسسات و شرکتهای وابسته به شهرداری از جمله وظایف شوراهای اسلامی شهر به شمار رفته و منوط به تایید و موافقت وزارت کشور گردیده است. بنابراین بندهای ۱۶ و ۱۷ از اساسنامه‌های مورد اعتراض که مقرر داشته «اصلاح و تجدیدنظر در مواد اساسنامه انحصاراً با وزارت کشور است. بدیهی است شورای سازمان نیز می‌تواند پیشنهاد اصلاح و تجدیدنظر در مواد اساسنامه را به وزارت کشور پیشنهاد نماید.» مغایر حکم صریح مقنن در باب

تفویض مسئولیت تصویب اساسنامه سازمانهای مذکور به شورای اسلامی شهر است و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ بندهای مزبور ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره دادنامه: ۵۰۴ - ۵۰۵

شماره: هـ/۸۳/۳۴۰ - ۳۳۳ - ۱۳۸۶/۸/۲۶

کلاس پرونده: هـ/۸۳/۳۴۰ - ۳۳۳ - ۱۳۸۶/۷/۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محسن فدایی عراقی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه پنجاه و هشتمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی مورخ

۱۳۸۲/۷/۱۸.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست‌های تقدیمی اعلام داشته‌اند، به استناد ماده ۱۴ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوبه ۱۳۷۵/۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی، وزارت بهداشت موظف است به منظور تربیت پزشک متخصص مورد نیاز مناطق محروم کشور به هنگام پذیرش دستیار تخصصی سهمیه‌های جداگانه‌ای برای مناطق محروم و نیازمند کشور اختصاص دهد. دستیاران استفاده‌کننده از سهمیه مذکور موظفند برابر طول دوره تخصص به عنوان خدمات قانونی موضوع این قانون در نقاط مربوط خدمت انجام دهند، از سال ۱۳۷۵ تاکنون هر سال معادل ۱۰٪ از سهمیه هر رشته به طور جداگانه برای این منظور در نظر گرفته شده است. اما براساس مصوبه مورد شکایت سهمیه مذکور از ۱۰٪ به ۲۵٪ افزایش داده شده و تعهدات قانونی فوق را به ۳ برابر مدت تحصیل افزایش داده است. این اقدامات مغایر با قانون مذکور بوده و ابطال مصوبه پنجاه و هشتمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۸ در خصوص مناطق محروم مورد تقاضا است. سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه‌های شماره ۵۸۶۶۲/ح/ن مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۱ و ۵۴۶۵۴/ح/ن مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۸ اعلام داشته‌اند، ۱- براساس نیازسنجی در سطح کشور و جهت تامین احتياجات درمانی و بهداشتی مناطق نیازمند، میزان سهمیه نیروهای متقاضی آموزش تخصصی تعیین می‌گردد و در راستای آن هدف، تحقق عدالت و تامین سلامت آحاد افراد جامعه در نقاط دور افتاده کشور مد نظر قرار می‌گیرد. ۲- ایجاد سهمیه خاص و امکانات تحصیل رایگان در مقاطع تخصص پزشکی و همچنین الزام به اخذ تعهد دستیاری از متقاضیان سهمیه‌های مذکور به موجب مواد ۷ و ۸ قانون پیش گفت صورت می‌گیرد. شورای آموزش پزشکی و تخصص کشور با اختیارات حاصله از ماده یک قانون تشکیل شورای مزبور مصوب ۱۳۵۲ با بررسی و تعیین احتياجات آموزش پزشکی و نیروی انسانی لازم در رشته‌های پزشکی و علوم وابسته و تخصص‌های پزشکی ضوابط جاری را با ایجاد سهمیه‌های خاص موردنظر به منظور افزایش بازدهی و تربیت بهینه نیروهای مورد نیاز بخش بهداشتی درمانی کشور مصوب نموده است. ۳- در ماده ۶ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی «برنامه‌ریزی به منظور توزیع مناسب و عادلانه نیروی انسانی و سایر امکانات کشور با تاکید بر اولویت برنامه‌های بهداشتی و رفع نیاز مناطق محروم و نیازمند» جزء وظایف این وزارتخانه قلمداد شده است و طبق وظایف ذاتی و محوله مندرج در قوانین موضوعه به جهت توسعه و تعمیم آموزش پزشکی و اعمال وظایف سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر ارزشیابی سطح کمی و کیفی آموزش پزشکی و به منظور انصاف در اعمال توزیع امکانات پزشکی در ارائه خدمات به

اقتشار مختلف جامعه، تصمیمات عديده‌ای از طرف این وزارتخانه اخذ گردیده است که مراتب مورد اشاره نیز در چهارچوب آن گنجانده می‌شود. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق باحضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - مطابق قسمت اول ماده ۱۴ قانون مربوط به خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۱۳۷۵ « به منظور تربیت پزشک متخصص موردنیاز مناطق محروم و نیازمند کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است به هنگام پذیرش دستیار تخصصی، سهمیه‌های جداگانه‌ای را برای مناطق محروم و نیازمند کشور اختصاص دهد.» نظر به اینکه مدلول حکم فوق‌الذکر مفید اختیار تعیین میزان سهمیه مناطق محروم و نیازمند کشور به استفاده از وجود پزشکان متخصص و افزایش آن به تناسب احتیاجات مناطق مزبور است، بنابراین مصوبه پنجاه و هشتمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۸ در قسمت مربوط به افزایش سهمیه پزشکان مناطق فوق‌الذکر مغایرت با قانون ندارد. ب - به صراحت قسمت دوم ماده فوق‌الذکر «... دستیاران تخصصی استفاده کننده از سهمیه مذکور موظفند پس از انجام دوره تخصص، برابر طول دوره تخصص به عنوان خدمات قانونی موضوع این قانون در نقاط مربوط انجام دهند و پس از انجام خدمات مذکور پروانه دائم دریافت خواهند نمود.» بنابراین مصوبه مورد اعتراض در قسمتی که طول خدمت پزشکان متخصص را پس از اخذ تخصص در نقاط محروم و نیازمند، بیش از مدت مقرر در قانون تعیین کرده است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای آموزش پزشکی و تخصصی در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و این قسمت از مصوبه مزبور مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۶۶۲ - ۱۳۸۶/۸/۲۰

کلاس پرونده: ۶۶۲/۸۵ - ۱۳۸۶/۵/۱۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای امیرحسن مخلص - خانم فرزانه مصطفی نژاد.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه مربوط به اخذ عوارض ایمنی و کنترل ساخت استخرهای خصوصی مصوب

۱۳۸۲/۱۱/۷ شورای اسلامی شهر تهران.

مقدمه: شکات به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند، پس از احداث ساختمان در سه طبقه و احداث استخر در زیرزمین، هنگام اخذ عدم خلافی جهت پایانکار متأسفانه شهرداری منطقه ۲۲ به استناد ماده واحده حفاظت و نگهداری و نحوه وصول عوارض استخرها مصوب شورای اسلامی شهر تهران به تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۸ ادعای پرداخت عوارض استخر از طرف مالکان گردید. اولاً، در متن ماده واحده اشاره شده به استناد تبصره یک ذیل ماده پنج قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی ایران، حال با توجه به عنوان قانون مذکور که از متن عنوان آن پیداست، آیا اخذ عوارض از استخرهای خانگی که برای استفاده شخصی و خانوادگی احداث شده‌اند، ربطی به تولیدکننده کالا یا ارائه‌دهندگان خدمات یا کالای وارداتی دارد؟ ثانیاً، مصوبه مورد شکایت قابلیت عطف به‌ماسبق شدن را ندارد. با توجه به جمیع جهات مذکور ابطال مصوبه مربوط به اخذ عوارض ایمنی و کنترل ساخت استخرهای خصوصی مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۷ شورای اسلامی شهر تهران مورد تقاضا است. رئیس شورای اسلامی شهر تهران در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۶۰/۱۹۰۲۰ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ اعلام داشته‌اند، تبصره یک ذیل ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم (موسوم به تجمیع عوارض) به عوارض محلی اشاره نموده است. عنوان «عوارض محلی» نیز در بند (ب) ماده یک آیین‌نامه اجرائی این قانون مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۲۸ به شرح آتی تعریف شده است «عوارضی است که به استناد تبصره یک ماده ۵ قانون و با رعایت مقررات مندرج در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و آیین‌نامه اجرائی آن توسط شوراهای اسلامی کشور وضع می‌گردد.» حسب مندرجات بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحی ۱۳۸۲/۷/۶ «تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن» در صلاحیت شورای اسلامی شهر است. در مورد عطف به‌ماسبق شدن مصوبه مورد شکایت با توجه به تاریخ مراجعه شکات جهت پرداخت عوارض متعلقه و اخذ پایانکار (۱۳۸۵/۴/۵) به روشنی مشهود است که ملک موضوع بحث مشمول مقررات مندرج در مصوبه مورد شکایت می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به صراحت بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱ وضع عوارض توسط شورای اسلامی شهر منوط به عدم تکافوی درآمد شهرداری برای تامین هزینه‌های شهرداری با رعایت تناسب امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده است که به شرح تبصره یک ماده ۵ قانون موسوم به تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ و بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ در حدود وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش نرخ عوارض محلی با رعایت مقررات آن تبصره و همچنین با توجه به سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود، تجویز شده است. بنابراین ماده واحده مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۷ که به تصویب شورای اسلامی شهر تهران رسیده و به موجب آن به منظور ایجاد تعادل و گسترش فضای ورزشی در کلیه نقاط شهر تهران اقدام به وضع عوارض از استخرهای اختصاصی در منازل و مجتمع‌های مسکونی و مصرف درآمد حاصل از آن در نقاط محروم از فضاهای مذکور کرده است، بلحاظ اینکه متضمن اهداف مقنن و تحقق و اجتماع شرایط قانونی لازم نیست، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل یکصد و هفتاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره دادنامه: ۲۰۱

شماره: هـ/۸۳/۷۰۱ - ۱۳۸۶/۸/۳۰

کلاس پرونده: ۷۰۱/۸۳ - ۱۳۸۶/۴/۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای سیدمحمد حسین مکی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۱۰۰/۲۳۲۷۸/پ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۱ معاون بیمه و درمان سازمان بیمه خدمات درمانی کشور.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، با توجه به ماده ۴ قانون بیمه همگانی و خدمات درمانی مصوب ۱۳۷۳ که دولت را موظف به بیمه خدمات درمانی تمامی اقشار، خصوصاً مردم محروم نموده و با در نظر گرفتن ماده ۴ از آیین‌نامه اجرائی ماده ۱۰ قانون بیمه همگانی و خدمات درمانی مصوب ۱۳۷۴ هیأت وزیران که پرداخت هزینه‌های بیمارستانی بیماران اورژانسی را (با احتساب فرانشیز) جزو تعهدات بیمه خدمات درمانی دانسته و نیز با عنایت به تبصره ماده ۹۳ قانون برنامه سوم توسعه که دولت موظف گردیده بدون قید و شرط بیماران حادثه دیده را بدون دریافت هزینه در مراکز حوادث و سوانح تحت پوشش درمانی قرار دهد و به همین طریق در تبصره ۱۰ قانون بودجه ۱۳۸۳ کل کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است و بر اساس اهمیت موضوع در ماده ۹۲ قانون برنامه چهارم توسعه نیز هزینه‌های مصدومین حوادث رانندگی به عهده وزارت بهداشت و سازمانهای بیمه‌گر پایه‌گذار شده است. به رغم تأکیدات قانونی فوق‌الذکر، معاونت بیمه و درمان سازمان بیمه خدمات درمانی کشور در شهریور ماه سال جاری با ابلاغ بخشنامه شماره ۱۱۰۰/۲۳۲۷۸/پ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۱ مصدومانی را که در حادثه رانندگی دچار سانحه شده و مقصر می‌باشند استفاده از بیمه خدمات درمانی را برای آنان مشروط و مقید به داشتن گواهینامه رانندگی دانسته و در غیر این صورت از تعهد سازمان خارج دانسته است. با عنایت به مراتب ابطال بخشنامه فوق‌الذکر مورد تقاضا است. مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل و سرپرست اداره کل حقوقی سازمان بیمه خدمات درمانی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۵۱۲۲۸/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۳ اعلام داشته‌اند، پرداخت هزینه‌های درمانی به مصدومین ناشی از حوادث رانندگی عقلاً و منطقاً می‌بایست با مدارک مثبت ناشی از تصادف رانندگی همراه باشد. اسناد مثبت تصادف همانا کروکی محل حادثه است تا برای بیمه‌گر، حادثه تصادف و جراحت بیمار مسلم گردد. مطابق نامه شماره ۱۱۱۰/۳۷۴۹۴ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۱ اداره کل نظارت و ارزشیابی سازمان، پرونده مصدومین ناشی از حوادث رانندگی در صورت ارائه استشهادیه و تایید شورای فنی اداره کل سازمان و در صورت ارائه کروکی راهنمایی و رانندگی با ذکر علل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان

تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

حکم مقرر در ماده ۹۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در باب الزام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومین حوادث و سوانح رانندگی در مراکز خدمات بهداشتی و درمانی مصرح در تأمین منابع مالی لازم برای ارائه خدمات مذکور از طریق واریز ۱۰٪ حق بیمه شخص ثالث، سرنشین و مازاد توسط شرکتهای بیمه تجاری به حساب درآمدهای اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشد و به صراحت قسمت اخیر ماده مزبور هزینه های درمان کلیه مصدومان ترافیکی، جاده ای و رانندگی بدون هیچگونه قید و شرطی از محل وجوه واریز شده باید پرداخت شود. بنابه مراتب فوق الذکر و عنایت به وظایف و مسئولیتهای قانونی سازمان خدمات درمانی در خصوص ارائه خدمات درمانی لازم و تأمین هزینه های آن با رعایت ضوابط و مقررات مربوط، قسمت اخیر بند یک بخشنامه شماره ۱۱۰۰/۲۳۲۷۸/پ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۱ معاون بیمه و درمان سازمان بیمه خدمات درمانی که با وضع قاعده آمره نبودن کרוکی اداره راهنمایی و رانندگی از صحنه تصادف و همچنین نداشتن گواهینامه رانندگی را موجب خروج تعهدات سازمان از پرداخت هزینه های درمانی اشخاص مصدوم مذکور اعلام داشته است، مغایر قانون و خارج از حدود سازمان بیمه خدمات درمانی در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره دادنامه: ۴۳۷ - ۴۳۸

شماره: هـ/۸۵/۲۲۵ - ۳۶۶ - ۱۳۸۶/۸/۲۶

کلاس پرونده: ۲۲۵/۸۵ - ۳۶۶ - ۱۳۸۶/۶/۲۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شکات: ۱- آقای یوسف خدادادی ۲- آقای ایرج نوعی آقای ۳- خانم اکرم آقای.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه بیست و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۹ شورای اسلامی شهر تهران.

مقدمه: شکات به شرح دادخواستهای تقدیمی اعلام داشته‌اند، شورای شهر تهران به موجب مصوبه ۶۰۸ به تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۷ و به شماره ۱۶۰/۶۰۸/۲۰۹۴۹ اعلام داشته است، املاکی که قبل از سال ۴۹ کاربری مسکونی نداشته و در طرح جامع بوده استحقاق تراکم ۶۰٪ و با احتساب یک A عوارض تغییر کاربری را دارد و همچنین املاکی که قبل از سال ۴۹ کاربری مسکونی داشته و در طرح جامع بوده، استحقاق دریافت تراکم ۱۲۰٪ با احتساب یک A عوارض تغییر کاربری را دارد. در مورد استحقاق تراکم چون ملاک عمل نوع کاربری (مسکونی و غیرمسکونی بودن) می‌باشد، بنابراین تعیین و تصویب میزان درصد واگذاری تراکم متناسب می‌تواند متغیر باشد. اخذ عوارض تغییر کاربری یک A در هر دو مورد نادرست است چرا که وقتی عوارض مذکور در قالب میزان تراکم مشخص گردیده بنابراین اخذ عوارض دیگری به عنوان عوارض تغییر کاربری با ضرب یک A فاقد توجیه قانونی می‌باشد و به نظر می‌رسد شورای شهر قصد دارد از یک ملک به دو حالت عوارض اخذ نماید. مخصوصاً بند ۲ مصوبه که در مورد ملکی است که مسکونی باشد و در طرح قرار گرفته باشد. لذا تقاضای ابطال مصوبه ۶۰۸ شورای اسلامی شهر تهران را دارد. ریاست شورای اسلامی شهر تهران در پاسخ به شکایات مذکور طی نامه‌های شماره ۱۶۰/۱۲۸۵۱ مورخ ۱۳۸۵/۶/۱۴ و ۱۶۰/۲۰۲۱۸ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۹ اعلام داشته‌اند، ۱- حسب مقررات مندرج در بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحی ۱۳۸۲/۷/۶ « تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تعیین نوع و میزان آن » در صلاحیت شوراهای اسلامی شهرها است. ۲- موضوع بند یک مصوبه مورد شکایت شاکی، املاکی است که براساس طرح جامع مصوب ۱۳۴۹ شهر تهران دارای کاربری غیر مسکونی بوده‌اند، در حالیکه موضوع بند ۲ مصوبه املاکی است که بر اساس طرح جامع مذکور دارای کاربری مسکونی بوده، لیکن بر اساس طرح ساماندهی سال ۱۳۷۱ و یا مصوبات شورای طرح و بررسی و یا کمیسیون ماده ۵ کاربری آنها به غیرمسکونی (آموزش، درمان، تجهیزات شهری، ورزشی و ...) تغییر یافته است، با توجه به مطالب فوق‌الذکر ادعای عدم وجود تفاوت مابین املاک موضوع بندهای ۱ و ۲ مصوبه مورد اعتراض بلاوجه است. ۳- موضوع مصوبه، تعیین عوارض تغییر کاربری املاک واقع در طرحها است، در سطر چهارم ماده واحده موضوع مصوبه مذکور به مسأله « وصول عوارض تغییر کاربری » اشاره شده است. با توجه به مندرجات مصوبه به هیچ وجه در متن مصوبه مورد اعتراض مقرراتی در خصوص چگونگی وصول وجوه مربوط به تراکم اراضی وضع نگردیده است و تبعاً ادعای شکات مبنی بر اخذ عوارض دیگری به عنوان عوارض تغییر کاربری با

ضریب یک A فاقد توجیه قانونی می‌باشد، بلاوجه است. چراکه شورای اسلامی شهر برای تغییر کاربری املاک موضوع مصوبه مورد شکایت، دو بار وضع عوارض ننموده است با توجه به مطالب فوق‌الذکر تقاضای صدور حکم به رد خواسته شکات را دارد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق باحضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

قانونگذار به منظور رفع بالاتکلیفی مالکین اراضی و املاک واقع در طرحهای عمومی و عمرانی و تاکید بر اعتبار مالکیت مشروع و قانونی اشخاص و اصل تسلیط به شرح قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها، واحدهای دولتی و شهرداریها را مکلف به خرید و تملک و اجرای طرحهای عمومی یا عمرانی مصوب در مهلت‌های مقرر در قانون نموده و به صراحت تبصره یک ماده واحده آن قانون در صورت عدم اجرای طرحهای عمومی و عمرانی ظرف پنج سال توسط واحدهای ذیربط، مالکین اراضی و املاک واقع در طرحهای مزبور را ذی حق به اعمال انحاء حقوق مالکانه اعلام داشته است. نظر به اینکه حکم مقنن در واقع و نفس الامر مفید بی اعتباری طرح مصوب و نتیجتاً انتفاء کاربری آن در مقام اعمال حقوق مالکانه است و مالکین اراضی مذکور شخصاً الزامی به انجام تکالیف واحدهای دولتی و شهرداریها در استفاده از اراضی و املاک خود به صورت طرحهای عمومی یا عمرانی مصوب ندارند و مقتضای اعمال انحاء حقوق مالکانه با توجه به اصل تسلیط مبین حق و اختیار و اراده مالک در نحوه استفاده از زمین و ملک خود همانند املاک مشابه و مجاور فاقد طرح با رعایت ضوابط قانونی مربوط است، بنابراین مطالبه عوارض بابت تغییر کاربری ملک از آموزشی، بهداشتی، فضای سبز و نظایر آن به مسکونی با توجه به انتفاء طرح مصوب و کاربری آن جهت صدور پروانه احداث بنای مسکونی در اراضی موصوف به شرح مصوبه بیست و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۹ شورای اسلامی شهر تهران با عنوان «تعیین عوارض جهت تغییر کاربری املاک واقع در طرحهای دولتی» به شماره ۱۶۰/۶۰۸/۲۰۹۴۹ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۶ مغایر هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات شورای مزبور تشخیص داده می‌شود و مصوبه مزبور مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۱۷۶/۸۵ - ۱۳۸۶/۸/۳۰

کلاس پرونده: ۱۷۶/۸۵ - ۱۳۸۶/۷/۲۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای کریم صفایی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از تصویب‌نامه شماره ۱۳۹۵/ت/۱۶ هـ مورخ ۱۳۷۳/۲/۶ هیأت وزیران.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی و لایحه تکمیلی اعلام داشته است، با توجه به اینکه سلاحهای بادی صرفاً جنبه ورزشی و اسباب بازی دارند و شرکت سه گام کوثر در جهت خدمات تیراندازی و برای تأمین تجهیزات و ادوات ورزشی مبادرت به خرید و واردات ۵۰۰۰ قبضه سلاحهای بادی جهت توسعه این رشته مذهبی - ملی نموده است که متأسفانه این سلاحها در انبار گمرک مانده و تاکنون ترخیص نشده، به استناد ماده ۴۰ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ واردات اسلحه جنگی و شکاری را منوط به داشتن مجوز از وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح قید نموده و هیچگونه نامی از سلاحهای بادی ذکر نگردیده و دستورالعمل گمرک مبنی بر ترخیص نشدن سلاحهای بادی فوق‌الذکر با هیچ یک از مواد قانونی و مقررات موضوعه منطبق نبوده و فاقد وجهت قانونی می‌باشد. لذا مستنداً به ماده ۴۰ قانون امور گمرکی و نیز مستنداً به کلیه قوانین و مقررات مربوط تقاضای ابطال تعرفه شماره ۹۳۰۴ مبنی بر مجوز وزارت دفاع برای ورود این کالا را دارد. دفتر حقوقی دولت در پاسخ به شکایت فوق‌الذکر طی نامه شماره ۸۵۸۲۴۲/م مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۵ مبادرت به ارسال تصویرنامه شماره ۳/۲۵/۴۳۹۹۴ مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۸ معاون هماهنگی و امور مجلس وزارت بازرگانی نموده است. در این نامه آمده است، با توجه به اینکه سلاحهای بادی جنبه ورزشی و آموزشی دارند و اینکه در بند ۲ فصل ۹۳ آیین‌نامه اجرائی قانون صادرات و واردات مقرر گردیده است «براساس بند ۳ ماده ۴۰ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ واردات اسلحه جنگی و شکاری از هر قبیل باروت چاشنی، فشنگ، گلوله و سایر مهمات جنگی، دینامیت، مواد محترقه و منفجره ممنوع است مگر با موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» با توجه به اینکه این ماده اشاره به سلاحهای جنگی و شکاری دارد و به سلاحهای بادی که موضوع دادخواست می‌باشد اشاره‌ای نگردیده، می‌توان نتیجه گرفت که ورود و صدور اینگونه کالاها با موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بند ۳ و بررسی این امر از وظایف تخصصی آن وزارت می‌باشد و مستقیماً از لحاظ ماهیتی ارتباطی با وزارت متبوع ندارد، مگر صرفاً از جهت رعایت تعرفه‌های گمرکی و مقررات صادرات و واردات که بر عهده وزارت بازرگانی و یا گمرک جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و

پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به صراحت بند ۳ ماده ۴۰ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ اسلحه جنگی و شکاری از هر قبیل در زمره کالاهای ممنوع‌الورود اعلام شده و ورود آنها به کشور منوط و موکول به موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گردیده است. نظر به اینکه تفنگهای بادی در زمره سلاحهای جنگی و شکاری قرار ندارد، بنابراین تعرفه شماره ۹۳۰۴ از مصوبه شماره ۱۳۹۵/ت/۱۶ مورخ ۱۳۷۳/۲/۶ هیأت وزیران که ورود تفنگهای بادی را نیز منوط به اجازه و موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اعلام داشته و با این کیفیت موجبات توسیع دایره شمول قانون را فراهم کرده است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۳/۷۴۱ - ۱۳۸۶/۸/۲۶

کلاس پرونده: ۷۴۱/۸۳ - ۱۳۸۶/۵/۲۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: علی اصغر شفیعی خورشیدی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعمل شماره ۱/۲۵۰/۴۰۲/ح/ق مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۶ نیروی انتظامی.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، ۱- به استناد بند ۸ از ماده ۴ قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب سال ۱۳۷۰ نیروی انتظامی به عنوان ضابط دستگاه قضائی تلقی و تحت نظارت مقام قضایی انجام وظیفه می‌نماید. ۲- نیروی انتظامی باستناد ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی به عنوان ضابط عام تلقی و تحت نظارت مستقیم قضائی (رئیس حوزه قضایی) در شهرهایی که دادگاههای عمومی است و دادستان عمومی و انقلاب در شهرهایی که دادرسی عمومی و انقلاب احیاء شده است، انجام وظیفه می‌نماید. ۳- بند الف از ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و اصلاحی سال ۱۳۸۱ دادستان را مسئول حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی شمارش نموده و هیچ مقامی حق ندارد حدود و ثغور دادرسی عمومی و دادستان را محدود نمایند و در بند ب ماده مذکور ریاست و نظارت بر ضابطين از حیث وظایفی که بعنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان می‌باشد. با توجه به اینکه قانونگذار دادستان را مدافع حقوق عمومی ذکر کرده و نیروی انتظامی از جمله اداراتی است که خدمات عمومی ارائه می‌دهد و باید بر سازمانهای خدمات دهنده نظارت کرد، اینجانب اعتقاد دارم دادستان علاوه بر مسائل ضابطين قضائی بر امور انتظامی هم می‌تواند مداخله کند. چطور شده فرماندهی اجازه داده تا چنین دستورالعملی صادر کند و در دستورالعمل مذکور بیان شده، اگر دادستان و یا دادیاران و یا بازپرسان و قضات دادگاهها و قضات اجرای احکام بخواهند بازرسی نمایند باید با اطلاع فرماندهی منطقه و یا استان باشد. گرچه تعلیم و تربیت بسیار عالی است و در مانحن فیه هدف تعلیمات قضایی و ریاست و نظارت بوده قانونگذار فهیم و عاقل بوده که قوانین متعدد و متفرق را تصویب و نیروی انتظامی را ضابط شمارش نموده، ادارت دولتی غیر از دستگاه قضایی اصلح بوده با یکدیگر تعامل داشته باشند اما دستگاه قضایی نباید تعامل برقرار کند بلکه وظیفه ذاتی حفظ حقوق عمومی، کشف جرم، تعقیب مجرم و اجرای حکم و نظارت بر ضابطين عام و خاص و احقاق حقوق عمومی می‌باشد. فلذا تقاضای ابطال دستورالعمل شماره ۱/۲۵۰/۴۰۲/ح/ق مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۶ نیروی انتظامی را می‌نمایم. دفتر حقوقی و امور مجلس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱/۲۵۰/۴۰۲/ح/ق مورخ ۱۳۸۴/۱/۱۷ اعلام داشته‌اند، بر خلاف نظر شاکی، تا چندی پیش موضوع نظارت قضایی تقریباً به فراموشی سپرده شده بود، اما در سایه فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا، ریاست محترم قوه قضائیه و تدابیر فرماندهی نیروی انتظامی، با شعار تعامل و همکاری و همدلی، بسیاری از این مشکلات و از جمله مشکلات نظارت قضایی مرتفع گردید، بنحوی که در حال حاضر با آموزش فراگیری که متأثر از دستورالعمل مورد شکایت در سطح ناجا انجام پذیرفته است، موضوع نظارت قضایی با استقبال گرم

و بطور صریح و روشن و در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی انجام پذیرفته و همه ماهه نتایج آن در ناجا جمع بندی و نسبت به رفع مشکلات و موانع احتمالی در انجام امور ضابطین اقدام می‌گردد. بنابراین صدور دستورالعمل موصوف یک کار آموزشی درون سازمانی است که برای نهادینه کردن امر نظارت قضایی و توجیه کارکنان به منظور همکاری با مقامات قضایی در اعمال نظارت قضایی صادر گردیده است و به هیچ وجه در مقام تعیین تکلیف برای مقامات قضائی نبوده و نیست. استحضار دارند که به موجب بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا، وظایفی که نیروی انتظامی بعنوان ضابط قوه قضائیه انجام می‌دهد، احصاء گردیده است و این تنها یکی از وظایف بیست و شش گانه مندرج در ماده مذکور است. این وظایف تنها توسط آن دسته از مامورین انجام می‌پذیرد که در اجرای مواد ۲۷ و ۲۸ قانون استخدامی نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۳ متناسب با رشته‌های تحصیلی دوره‌های آموزشی و مهارت‌های آنان دسته‌بندی شده‌اند. بنابراین کلیه کارکنان ناجا ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند تا بطور تمام و کمال تحت ریاست و نظارت دادستان باشند، بلکه تنها آن عده از کارکنان که وظایف بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا را انجام می‌دهند، ضابط دادگستری بوده و در مقام اجرای وظایف ضابطین تحت ریاست و نظارت دادستان قرار دارند. مستنبط از مواد قانونی مذکور در بند الف فصل سوم تحت عنوان موضوعات مورد نظارت قضایی، واحدهای مورد نظارت احصاء و بیان شده است که جملگی واحدهایی هستند که امور ضابطین مندرج در بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا را انجام می‌رسانند، بنابراین هیچگونه محدودیتی برای مقامات قضایی در این دستورالعمل لحاظ نگردیده است. همچنین مفاد تبصره ۵ الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، تفویض اختیار دادستان به معاونین خود که مورد نظر شاکی است در بند ۳ فصل چهارم دستورالعمل بدون هیچ قید و شرطی بیان شده است که به موجب آن ضابطین ناجا موظف شده‌اند با دادستان یا معاونین وی و یا هیئت نظارت‌کننده تعیین شده از سوی قوه قضائیه و همچنین قاضی کشیک همکاری نمایند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

همانطور که در دادنامه شماره ۲۰۶ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تصریح شده است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شرح فصل یازدهم پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق بخشیدن به عدالت و رسیدگی به تظلمات و تعدیات و کشف جرائم و تعقیب و مجازات مجرمین و همچنین نظارت بر حسن اجرای قوانین در دستگاههای اداری را در زمره وظایف و مسئولیتهای قوه مستقل قضائیه قرار داده و وظایف و تکالیف هر یک از مراجع و مقامات قضائی را مشخص نموده است. چنانکه به صراحت بند الف ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبیه وفق ضوابط قانونی به عهده دادرسان به ریاست دادستان محول شده است و طبق مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹،

ضابطین دادگستری از جمله نیروی انتظامی مکلف به انجام وظایف قانونی محوله تحت ریاست، نظارت و تعلیمات دادستان و سایر مراجع قضائی ذیصلاح می‌باشند. نظر به معانی و مفاهیم عناوین ریاست و نظارت و ضرورت اطاعت از دستورات و تعلیمات قانونی مقام مافوق، دستورالعمل نیروی انتظامی در خصوص نحوه تعامل و همکاری با مقامات قضائی در اعمال نظارت قضایی به شماره ۱/۲۵۰/۱۴۰۲/ح/ق مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۶ که در خصوص تعیین تکلیف مقامات قضائی و شرایط و کیفیت انجام وظایف و مسئولیتهای قانونی آنان تنظیم شده است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی نیروی انتظامی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۶۳ - ۱۳۸۶/۸/۳۰

کلاس پرونده: ۶۳/۸۴ - ۱۳۸۶/۴/۱۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای نجف علی اکبری.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعمل مورخ ۱۳۸۳/۴/۸ وزارت کار و امور اجتماعی - وزارت صنایع و معادن.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی وضع قانون بر عهده مجلس شورای اسلامی محول گردیده و در هر مورد، اقدام دولت یا هر مقام مسئولی بایستی باستناد تصویب مجلس شورای اسلامی انجام شود و فقط در محدوده مصوبه قانونیت دارد و خارج از آن محدوده جزئاً و کلاً به تصویب مجدد مجلس شورای اسلامی نیاز دارد. لہذا به دلایل مشروح ذیل دستورالعملی که در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۸ بین نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی و نیز وزارت صنایع مقرر گردیده است به لحاظ مخالفت و مغایرت با قانون و نیز آیین‌نامه اجرائی، مخدوش و فاقد وجاهت اجرائی و قانونی می‌باشد. لذا بدین وسیله ابطال دستورالعمل مورد شکایت را به شرح ذیل از هیئت محترم عمومی عدالت اداری مورد استدعاست. ۱- به استحضار می‌رساند به موجب ماده ۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه به منظور ارتقاء سطح کیفی شرکتهای صنعتی و نیز بهره‌وری نیروی انسانی (جهت رعایت ماده ۲۷ قانون کار و تبصره‌های مربوط و نیز اصل ۱۰۴ قانون اساسی) به صراحت مقرر گردیده که با مذاکره و مشارکت تشکل کارگری کارگاهها (موضوع تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار) و مدیریت آن شرکت (کارفرما) نیروهای مازاد تعیین و در صورت توافق ارگانهای فوق بر عدم نیاز نیروها، به کار آنها خاتمه داده شود و در صورت عدم توافق تشکل کارگری و کارفرمایی، نظرات طرفین (شورا و کارفرما) به کمیته‌ای ۶ نفره متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌ها و مؤسسات ذیربط دولتی احاله می‌گردد تا با توجه به صورتجلسه و نظرات طرفین (شورا و کارفرما) در خصوص کارکنان مازاد شرکتها با مستندات قانونی فوق اظهارنظر شود. ۲- وفق ماده ۲ آیین‌نامه اجرائی قانون مذکور توافق یا عدم توافق در نهایت اظهار نظر تشکل کارگری (موضوع تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار) رکن اساسی و شرط لازم جهت تصمیم‌گیری در کمیته بوده و در ماده ۴ همین آیین‌نامه نیز صراحت دارد که نظرات طرفین (شورا و کارفرما) به کمیته فوق‌الذکر ارسال گردد تا با توجه به این نظرات به موضوع رسیدگی نهایی شود. از طرفی با توجه به روح و متن قانون فوق و نیز مذاکرات مجلس شورای اسلامی حین تصویب قانون، وجود دخالت مستقیم و اظهار نظر تشکل کارگری به دو دلیل لازم و ضروری تشخیص داده شده است، ۱- رعایت مصلحت شرکت و تشخیص واقعی عدم نیاز به فرد معرفی شده با توجه به نوع کار، سابقه و احوال شغلی فرد در مجموعه ۲- حمایت از کارکنان و دقت در جهت جلوگیری از تزلزل بی مورد امنیت شغلی آنها و جلوگیری از سوء استفاده ابزاری مدیران شرکتها از قانون فوق در مقابل کارگران و جلوگیری از برخورد حذفی با کارکنان. با عنایت به جمیع مستندات و توضیحات فوق و نیز حساسیت موضوع امنیت شغلی و ضرورت عمل دقیق به قانون، متأسفانه در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۸ طی مذاکره و دستورالعمل منعقد بین دو نفر از نمایندگان دولت

(آقای احمد دوست‌حسینی نماینده وزارت صنایع و آقای محسن خواجه‌نوری نماینده وزارت کار) با اقدامی عجیب و قابل تأمل نامه دست‌نویس و مخدوشی تنظیم گردیده که ضرورت قانونی اظهارنظر تشکل کارگری و نماینده کارگران در شرکت را نادیده گرفته است. النهایه با توجه به اظهارات فوق و دلایل، ۱- اقدام فوق اساساً به نظر، ورود در حیطه اختیارات قوه مقننه بوده و از حیطه اجرایی خارج می‌باشد. زیرا اراده و خواست مسلم قانونگذار را لحاظ ننموده و بر خلاف آن اتخاذ تصمیم نموده است. ۲- نامه موصوف به صورت دست‌نویس، خط خورده، مخدوش و بدون رعایت مراتب سازمانی و فقط بین دو نفر از نمایندگان (نه وزراء) تنظیم گردیده است. ۳- اینکه اعضاء کمیته موصوف ۶ نفر مشتمل بر نمایندگان مؤسسات و وزارتخانه‌های شش گانه (مشروح در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی موصوف) می‌باشند و تنظیم و دستورالعمل (به فرض صحت) بین دو عضو از اعضای ششگانه نمی‌تواند واجد وجاهت قانونی باشد. ۴- مخالفت و مغایرت نامه موصوف با نص صریح و دستور آمره قانون موضوعه و نیز آیین‌نامه اجرایی مربوطه. ۵- نامه دست‌نویس فوق، بدون لحاظ غبطه و صلاح کارگران و نیز مصلحت و ضرورت شرکتهای صنعتی و به صورت کاملاً غیرعادلانه، جانبدارانه و با مطلوبیت کارفرمایانی خاص تنظیم شده است. با توجه به جمیع دلایل فوق و اینکه تخلف، صریح و محرز می‌باشد، درخواست رسیدگی عاجل و اقدام قانونی در جهت ابطال دستورالعمل غیرقانونی دست‌نویس فوق و ابلاغ به مراجع ذیربط را از محضر هیئت محترم دیوان عدالت اداری جهت جلوگیری سریع از تضییع حقوق مسلم افراد درخواست‌کننده و سایر افرادی که مورد اجحاف قرار گرفته‌اند را داریم. مشاور حقوقی وزیر صنایع و معادن و مدیرکل دفتر حقوقی طی نامه شماره ۶۰/۶۱۷۶۴ مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷ اعلام نموده‌اند، ۱- با توجه به اینکه ماده ۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور در مواردی که تشکل کارگری وجود ندارد، ساکت می‌باشد، لذا براساس اصول حقوقی عدم وجود تشکل مزبور در حکم عدم حصول توافق تلقی گردیده و به منظور آنکه حق از احدی تفویت نگردد، مقرر شده کار گروه موضوع ماده ۹ که پس از عدم حصول توافق بین تشکل کارگری واحد و کارفرما وفق اختیارات قانونی تفویض شده مأموریت پیدا می‌نماید، شایان ذکر است، دستورالعمل مورخه ۱۳۸۳/۴/۸ واجد جنبه تکلیفی نبوده و صرفاً جهت تسهیل امر و تعیین وضعیت واحدهایی که فاقد تشکل کارگری هستند تنظیم شده است و ابطال آن مشکلات اجرائی در پی خواهد داشت. ۲- همانگونه که عنایت دارند، نکته حائز اهمیت آن است که به تصریح اخیر ماده ۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور، ضوابط این ماده تا پایان برنامه سوم توسعه قابل اجرا بوده است و با توجه به انقضاء مهلت اجرائی قانون برنامه سوم درخواست ابطال ماده ۹ سالبه به انتفاء موضوع می‌باشد. مدیرکل دفتر امور حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۵۷۸۰ مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۳ مبادرت به ارسال تصویر جوابیه شماره ۲۲۹۸۷ مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۸ معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی نموده است. در این نامه آمده است، آنچه شاکی در دادخواست خود تقاضای ابطال آن را به ادعای مغایرت با قانون و مقررات کرده است، توافق نامه‌ای است که به جهت رفع ابهام و حل مشکل بوجود آمده در اجرای قانون و در مقام چاره‌اندیشی و تدابیر و پاسخ به استعلامهای بعمل آمده به امضاء رسیده است و تکلیفی در توافقی‌نامه برای هیچ مرجع و دستگاهی تعیین نشده است. توضیح اینکه قانونگذار در ماده ۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به منظور تحقق اهداف پیش‌بینی شده در ماده مرقوم مقرر داشته است « در صورت توافق تشکل کارگری و مدیریت، نیروی مازاد با دریافت حداقل دو ماه آخرین مزد و مزایا بابت هر سال سابقه کار در واحد یا به وجه دیگری که توافق شود تحت پوشش بیمه بیکاری قرار می‌گیرند» در ادامه ماده آمده است، در صورت عدم حصول توافق بین تشکل کارگری واحد و کارفرما، موضوع به کار گروهی با ترکیب تعیین‌شده احاله و حسب نظر این کمیته (کار گروه) کارگران مازاد با پرداخت حق سنوات مقرر در قانون کار (سالی یک ماه) تحت پوشش قانون بیمه بیکاری قرار خواهند گرفت. عنایت دارند که قسمت اخیر ماده در مقام چاره‌جویی برای مواردی که بین طرفین در تشخیص نیروی مازاد اختلاف بروز می‌کند تنظیم یافته است. حال سؤال این است که آن دسته از واحدهای کارگری مشمول ماده ۹ قانون مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور که بنا به دلایلی فاقد تشکلهای کارگری مذکور در تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار هستند، ترتیب اجرای مدلول ماده ۹ در این کارگاهها چگونه خواهد بود. در اینجا با مراجعه به قسمت اخیر ماده ۹ قانون که فوقاً به آن اشاره شد بدون ورود در مقام تفسیر که به طور مسلم در صلاحیت مرجع قانونگذاری است و صرفاً با استفاده از روح قانون و نیت فرضی مقنن به پرسش فوق در چهارچوب تفاهم نامه‌ای که با وزارت صنایع تنظیم یافته، پاسخ داده شده است و در مجموع به نظر این حوزه معاونت، اجرای ماده ۹ قانون مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور و تحقق اهداف قانونگذار مقتضی این است که ادعای شاکی در زمینه ابطال تفاهم نامه مشترک با توجه به نکات معنونه مطرح رسیدگی و صدور رأی شایسته قرار گیرد. لذا خواهشمند است دستور فرمائید مراتب به هیئت عمومی دیوان عدالت اداری منعکس گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

طبق ماده ۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور، تعیین و تشخیص نیروی انسانی مورد نیاز و مازاد شرکتهای صنعتی مشترکاً به عهده تشکل کارگری و مدیریت هر شرکت محول شده است که در صورت تراضی و توافق طرفین در زمینه نیروی انسانی مورد نیاز و مازاد، نیروی مازاد با دریافت حداقل دو ماه آخرین مزد و مزایا بابت هر سال سابقه کار در واحد یا به وجه دیگری که توافق شود، مطابق ضوابط بند (الف) ماده ۷ قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹ تحت پوشش بیمه بیکاری قرار می‌گیرند. نظر به اینکه کیفیت تشخیص کارگران مازاد و تعیین تکلیف آنان، علی‌الاطلاق منوط به حکم مقنن است، مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۴/۸ که تحت عنوان تفاهم نامه وزارتین کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن تنظیم شده و متضمن وضع قاعده آمره در فرض فقدان تشکل کارگری است، خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۱۴۵ - ۱۳۸۶/۸/۳۰

کلاس پرونده: ۱۴۵/۸۵ - ۱۳۸۶/۵/۲۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: دیوان محاسبات کشور.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۴ آیین نامه مالی ستاد مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۸.

مقدمه: شاکي به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، مفاد حکم ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مقرر می‌دارد، ستاد مبارزه با مواد مخدر اجازه دارد بر اساس ضرورت نسبت به تهیه و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مورد نیاز اقدام نماید، منحصرأً متضمن تفویض اختیار وضع و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مورد نیاز به ستاد مذکور با رعایت قوانین و مقررات و به تناسب وظایف و مسئولیتهای آن ستاد می‌باشد و حتی ظاهر مقررات موصوف نیز مفید جواز وضع قواعد آمره نمی‌باشد. بنا به مراتب پیش گفته تدوین و تصویب ماده ۱۴ آیین نامه مالی ستاد مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۶۸ که مبین مستثنی نمودن هزینه اعتبارات آن ستاد از قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت می‌باشد خارج از حدود و صلاحیت ستاد و به نوعی ورود در صلاحیت تقنینی می‌باشد و مضافاً اقدام بر اساس ماده مذکور با عنایت به مقدم بودن آن نسبت به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ با عنایت به نسخ قانون منشاء آن توسط قانون اخیرالذکر محل تامل است. بناءً علیهذا استدعا دارد نسبت به ابطال ماده ۱۴ آیین نامه مالی ستاد مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۸ حکم شایسته را صادر فرمایند. مدیر کل حقوقی و امور قوانین و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر در پاسخ به شکایت فوق‌الذکر طی نامه شماره ۲۵۰/۴۳/۱۰۲۰۶ مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۲ اعلام داشته‌اند، الف - اوصاف اختصاصی پدیده مواد مخدر و الزامات اجرایی موجود در این عرصه، متضمن تصویب و اجرای ضوابط و آیین‌نامه‌های متناسب با این پدیده است. اجرای ضوابط و مقررات عمومی آن چنان که فی‌المثل در قانون محاسبات عمومی مندرج است در عمل سبب رکود عملکرد ملی در این حوزه می‌گردد. علی‌القاعده نمی‌توان با قواعد بورکراتیک به کنترل و مهار عوارض منفی این مسئله چندان امیدوار بود. ب - مجمع تشخیص مصلحت نظام با علم به این موضوع و با اشراف به ضرورتهای خاص پدیده مواد مخدر با تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۷۶ به استناد بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی به ویژه در زمینه نحوه هزینه کرد اعتبارات علیرغم وجود ضوابط مشخص عمومی در این زمینه به وضع حکم خاص با التفات به مندرجات بند الف این لایحه پرداخته است. ۱- حسب ماده ۲۹ قانون اخیرالذکر، هزینه کرد اعتبارات صرفاً در صورت تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر موضوع ماده ۳۳ قانون مذکور و تأیید رئیس جمهور امکان‌پذیر است و این در حالی است که حسب ضوابط عمومی هزینه کرد اعتبارات بنا بر پیشنهاد دولت، تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان ممکن دانسته است. ۲- ماده ۳۴ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ نیز به ستاد مبارزه با مواد مخدر اختیار قانونی وضع آیین‌نامه مالی داده است. این ماده در معیت و توأم با ماده ۲۹ اخیرالذکر مفید معنی جواز تصویب ضوابط در چهارچوب مصالح عمومی بدون ضرورت تطبیق مندرجات

آن با مقررات عمومی است. ۳- حسب تفاسیر شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳ و ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان (اصل ۹۸ و ۹۶ قانون اساسی) مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله قانون مبارزه با مواد مخدر در مقام تعارض از اولویت اجرایی برخوردار است و همچنین تفسیر مواد قانونی مصوب مجمع در محدوده تبیین مراد با مجمع است. ماده ۲۹ و ماده ۳۴ قانون مبارزه با مواد مخدر عیناً با ضوابط عمومی کشور مغایر و بر این اساس از اولویت و ترجیح برخوردار است. نظریات شماره ۴۳۷۸۴ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۲ از اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی و ۱۴۱۱۱ مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۱ معاونت حقوقی ریاست جمهوری که در چارچوب اصل ۱۳۴ قانون اساسی و به منظور حل و فصل اختلافات فیما بین صادر گردیده است و ۸۲۱۷۱۴ - ۹۷۰۰/ح مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۵ دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام قرینه دیگری بر مخدوش سوگیری حقوقی شکوائیه دیوان محاسبات کشور است. ۴- در قوانین بودجه سنواتی بعد از اصلاح ماده ۲۹ قانون مبارزه با مواد مخدر از جمله قانون بودجه سال ۱۳۸۵ بند (د) تبصره ۱۸ نیز بر صلاحیت مطلق ستاد در تعیین نوع و شیوه هزینه کرد اعتبارات تصریح گردیده است و این مهم مبین غلبه تفسیر حقوقی مغایر استدلال مندرج در شکوائیه دیوان محاسبات کشور است. ۵- ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحیه سال ۱۳۷۶ نیز بر تمرکز کلیه امور اجرائی، قضائی و ... در ستاد مبارزه با مواد مخدر تعیین شده است. امور اجرائی با عنایت به ادبیاتی که در قانون اساسی مندرج است شامل امور مالی نیز می‌گردد و بر این اساس اجرای بودجه نیز در صلاحیت قوه مجریه قرار دارد. این است که به نظر می‌رسد تمرکز کلیه امور اجرائی حسب ماده ۳۳ اخیرالذکر در ستاد مبارزه با مواد مخدر ضمناً به معنی تمرکز امور مالی در این ستاد نیز هست. در این صورت با یک نگاه مجموعی به مواد ۲۹، ۳۳ و ۳۴ قانون مبارزه با مواد مخدر می‌توان به ناصحیح بودن استنباط و استدلال حقوقی دیوان محاسبات کشور اعتقاد داشت. ستاد مبارزه با مواد مخدر با عنایت به ماده ۲۹ و با التفات به اختیار حاصله از ماده ۳۳ و ۳۴ قانون مبارزه با مواد مخدر که متضمن اجازه تصویب آیین‌نامه‌های مورد نیاز از جمله آیین‌نامه مالی بوده است، نسبت به تصویب آیین‌نامه مالی که ماده ۱۴ آن موضوع شکوائیه است اقدام نموده است. ج - آنچه در شکوائیه با این مضمون که ماده ۱۴ آیین‌نامه مالی مغایر ضوابط عمومی است آمده است، صحیح است مع‌الوصف از این مقدمه این استخراج و استنباط که ماده مزبور مغایر قوانین یا خارج از چارچوب صلاحیت وضع گردیده است، ناصحیح می‌نماید چه از نظر منطق حقوقی آیین‌نامه باید با قانون مبنا یعنی قانون مبارزه با مواد مخدر مغایر نباشد و در فرضی که قوانین عمومی به دلیل مغایرت با قانون خاص قبلاً از اعتبار قانونی در خصوص مورد ساقط گردیده است، غیرموجه است. علیهذا نظر به مراتب مزبور و با عنایت به اینکه ماده ۱۴ آیین‌نامه مالی ستاد مبارزه با مواد مخدر در چهارچوب منطوقی و مفهومی ماده ۲۹ و ۳۳ و ۳۴ قانون مبارزه با مواد مخدر وضع و مواد اخیرالذکر نیز حسب تفاسیر شورای نگهبان بر قوانین عمومی اولویت اجرایی دارد، مستدعی است نسبت به رد شکوائیه مذکور اقدام لازم صورت پذیرد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور، صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

در ماده ۲۹ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح شده است که «دستگاههای ذیربط مکلفند جریمه‌ها و دیگر وجوه حاصل از اجرای این قانون را به حساب درآمد عمومی واریز نمایند...» نظر به وظایف و مسئولیتهای دیوان محاسبات کشور در خصوص رسیدگی و حسابرسی نسبت به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند بشرح مقرر در اصل ۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون دیوان محاسبات کشور، ماده ۱۴ آیین‌نامه مالی شماره ۱۱۰/۱/۶۵۰ مورخ ۱۳۶۸/۱/۸ ستاد مبارزه با مواد مخدر که مقرر داشته است، «نحوه هزینه کردن اعتبارات ستاد همانند سازمانهایی است که برابر قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند.» خلاف هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات ستاد مبارزه با مواد مخدر تشخیص داده می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۴۲ قانون عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۶/۴۴۱ - ۱۳۸۶/۹/۷

کلاس پرونده: ۴۴۱/۸۶ - ۱۳۸۶/۸/۱۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: عده‌ای از قضات دیوان عدالت اداری.

موضوع شکایت و خواسته: اصلاح دادنامه ۲۰۶ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در اجرای ماده ۵۳

آیین دادرسی دیوان عدالت اداری.

مقدمه: عده‌ای از قضات دیوان در نامه تقدیمی اعلام داشته‌اند، به دلایل زیر رأی شماره ۲۰۶ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد ماده ۵۳ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۴/۸/۴ قابل امان نظر مجدد در هیأت عمومی دیوان می‌باشد. اولاً، شکوائیه سازمان بازرسی در اجرای تبصره بند (د) ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، به ریاست دیوان عدالت اداری مبنی بر طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به منظور ابطال تصمیمات مورخ ۱۳۸۰/۶/۳۱ مجمع عمومی فوق‌العاده بانک رفاه کارگران در چهار بند مطرح شده است که در بند اول آن به شرح چگونگی و نحوه تأسیس، تشکیل و ثبت بانک رفاه کارگران در سال ۱۳۳۹ و سیر تغییرات آن لغایت تاریخ ارائه گزارش (سال ۱۳۸۱) پرداخته است و در بند ۴ این پیشنهاد طی چهار بند دلایل سازمان بازرسی را مبنی بر غیر قانونی بودن تغییر ماهیت دولتی بانک رفاه کارگران به غیر دولتی را مطرح و در خاتمه عنوان نموده است، « با عنایت به اصل ۴۴ قانون اساسی که اقتصاد نظام جمهوری اسلامی را به دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم و مؤسسات واجد وصف مالکیت عمومی را در اختیار دولت قرار داده است چنین به نظر می‌رسد که بانک رفاه کارگران را به دلیل تعلق کلیه سهام آن به دولت و بخش عمومی، نمی‌توان بانک غیر دولتی تلقی نمود.» در حقیقت سازمان بازرسی با این استدلال ضمن تایید مالکیت سازمان تأمین اجتماعی بر سهام آورده خود، عمده ایراد را به تصمیمات مورخ ۱۳۸۰/۶/۳۱ مجمع عمومی بانک رفاه کارگران در خصوص تغییر ماهیت بانک مذکور از دولتی به غیر دولتی وارد نموده است. ثانیاً، سرمایه اولیه بانک رفاه کارگران به مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان تماماً توسط سازمان تأمین اجتماعی (سازمان بیمه‌های اجتماعی سابق) تأمین شده است (بدین توضیح که حسب تبصره ۳۹ قانون بودجه سال ۱۳۳۸ کشور تأسیس بانکی برای کارگران از محل وجوه سازمان بیمه‌های اجتماعی تجویز شده است و با تصویب اساسنامه آن توسط وزارت کار به عنوان بانکی دولتی تشکیل و به ثبت رسیده است) که با عنایت به قانون فوق‌الذکر و رأی شماره ۲۲۸ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۹ هیأت عمومی دیوان مبنی بر دولتی بودن سازمان تأمین اجتماعی، تأسیس، تشکیل و ثبت بانک مذکور به عنوان بانکی دولتی و به تبع دولتی بودن سازمان تأمین اجتماعی کاملاً صحیح و مطابق موازین قانونی صورت گرفته است. بر این مبنا بانک مذکور تحت شمول قانون ملی شدن بانکها مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ و تعلق سرمایه آن به دولت قرار نگرفته است زیرا اساساً و از ابتدا بانکی دولتی، که سرمایه آن متعلق به سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد (به عنوان یکی از سازمانهای دولتی وقت) محسوب شده است و تصویب لایحه قانونی اصلاح قانون تشکیل سازمان تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۸

(پس از قانون ملی شدن بانکها) که در ماده ۷ آن کماکان نظارت سازمان را بر بانک رفاه قانونی دانسته و تاکنون نسخ نشده است، همچنین مصوبه شماره ۳۷۸۵ مورخ ۱۳۷۲/۵/۵ شورای عالی اداری که صراحتاً مقرر داشته است، «بانک رفاه کارگران با حفظ حقوق و استقلال مالی و اداری به سازمان تأمین اجتماعی وابسته است» مؤید این امر است که بانک رفاه کارگران علیرغم حفظ حقوق و استقلال مالی اداری خود تحت نظارت سازمان تأمین اجتماعی به عنوان متصدی و متولی قسمتی خاص از اموال عمومی و مالک سهام بانک، می‌باشد. همچنین عنایت دارند با تصویب ماده واحده قانونی فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ که در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۲۹ به تایید شورای نگهبان رسیده است. این سازمان در ردیف مؤسسات عمومی غیر دولتی قرار گرفته است، اما با عنایت به اینکه اصل ۴۴ قانون اساسی بخش دولتی اقتصاد جمهوری اسلامی را به صورت مالکیت عمومی (نه دولتی صرف) در اختیار دولت تصویب کرده است، سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یک موسسه عمومی، حسب ماده ۱۳ قانون محاسبات عمومی تمامی منابع، وجوه و اموالش در مالکیت عمومی است و کماکان مالک سهم خویش در بانک رفاه کارگران می‌باشد. حال با عنایت به اینکه هیأت عمومی دیوان با صدور رأی شماره ۲۰۶ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۵ که در پی شکایت و خواسته سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال صورتجلسه مورخ ۱۳۸۰/۶/۳۱ مجمع عمومی فوق‌العاده بانک رفاه کارگران، با استناد به ماده ۵ ضوابط تأسیس بانک غیر دولتی و اصل ۴۴ قانون اساسی، غیر دولتی عنوان نمودن بانک رفاه را در صورتجلسه مذکور و بند یک اساسنامه پیشنهادی به دلیل تعلق کلیه سهام آن به دولت و بخش عمومی خلاف قانون تشخیص داده و صورتجلسه را ابطال نموده، این شائبه ایجاد شده است که کلیه مالکیت و سهام بانک مذکور متعلق به دولت است بر این اساس حق مالکیت سازمان تأمین اجتماعی که بنابر دلایل مذکور مالک شرعی قانونی و به حق کلیه سهام بانک رفاه است نادیده گرفته شده و موجبات تضییع حقوق این سازمان را به عنوان متولی و متصدی بخشی از اموال عمومی کشور که متعلق به بیمه شدگان آن سازمان می‌باشد (که عمدتاً از قشر کارگر و ضعیف جامعه می‌باشند) فراهم نموده است. علیهذا با توجه به مراتب فوق اصلاح رأی شماره ۲۰۶ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به نحوی که مبین و مصرح مالکیت سازمان تأمین اجتماعی بر سهام آورده خود در بانک رفاه باشد استدعا است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق باحضور رؤسا و مستشاران وادارسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به شرح صورتجلسه مورخ ۱۳۸۲/۳/۳ مجمع عمومی فوق‌العاده بانک رفاه مادتین یک و ۲ اساسنامه بانک مزبور اصلاح شده و با تثبیت عنوان بانک رفاه کارگران عبارت «غیر دولتی» نیز از متن ماده ۲ اساسنامه آن بانک حذف گردیده است که اولاً با توجه به اینکه دادنامه شماره ۲۰۶ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۵ دیوان ناظر به مصوبه قبلی مجمع عمومی بانک رفاه قبل از اصلاحات مورخه ۱۳۸۲/۳/۳ بوده است در نتیجه مفاد رأی مزبور ناظر به ابطال مصوبات قبلی است که از جمله جهات ابطال وجود عبارت «غیر دولتی» در ماده یک و ۲ اساسنامه بوده است که طی صورتجلسه مورخ ۱۳۸۲/۳/۳ با حذف عبارت مزبور از

ماده یک و ۲ و مصوبه اصلاح شده است مصوبه اخیر مجمع عمومی فوق العاده مشمول رأی شماره ۲۰۶ مورخه ۱۳۸۳/۵/۲۵ نمی باشد و از آنجا که شکایت جدیدی نیز نسبت به مصوبه اصلاحی نرسیده است مصوبه معتبر و قابل اجراء تلقی می شود. ثانیاً، منظور از دادنامه شماره ۲۰۶ - ۱۳۸۳/۵/۲۵ تعیین وضعیت بانک از نظر ضرورت اعمال حاکمیت نظارتی دولت بر آن است و دادنامه نافی اختیارات سازمان تأمین اجتماعی بر اساس قانون تجارت نسبت به سهم الشرکه آن سازمان در بانک مزبور با توجه به افزایش سرمایه اخیر نمی باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۶۳۲ - ۱۳۸۶/۹/۳

کلاس پرونده: هـ/۸۴/۶۳۲ - ۱۳۸۶/۶/۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای علیرضا عرفانی آراء.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۳۹ آیین نامه تقاضا و اشتراک تلفن ثابت.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی و لایحه تکمیلی آن اعلام داشته است، در ماده ۳۹ آیین نامه تقاضا و اشتراک تلفن ثابت مقرر شده است « شرکت مخابرات ایران مختار است در جهت جلوگیری از تضییع حقوق قانونی خود و در صورت لزوم سایر ارتباطات مخابراتی مشترک را تا وصول بدهی و تسویه حساب با اخطار کتبی قبلی قطع نماید. همچنین اقدام مذکور در این ماده در موارد وارد کنندگان خسارت به تأسیسات مخابراتی تسری می یابد.» در این وضعیت شرکت مخابرات به خود حق داده که سایر تلفنهایی که به نام صاحب امتیاز است قطع نماید و هیچ حقوقی برای صاحت منافع در نظر گرفته نشده است. این امر از نظر قانونی و شرعی محکوم به رد است. ۱- شرکت مخابرات حق دارد تلفن بدهکار را صرفاً قطع نماید نه شماره تلفنی که هیچگونه بدهکاری نداشته و صرفاً به نام صاحب امتیاز تلفن بدهکار است. ۲- هر شخصی اگر مدعی طلب یا مالی باشد باید صحت ادعا خود را در محکمه به اثبات برساند. ۳- در بسیار از موارد صاحب امتیاز تلفن بدهکار، دارای چندین شماره دیگر بوده که به مرور زمان آنها را به صورت وکالتی و یا براساس فروش ملک خود به دیگران واگذار نموده لیکن در شرکت مخابرات تغییر نامه صورت نگرفته است و بر اساس ماده ۳۹ مورد شکایت شرکت مخابرات تلفنهای متعلق به این افراد که صاحب منافع هستند را قطع می نماید. بنا بمراتب ماده ۳۹ آیین نامه تقاضا و اشتراک تلفن ثابت خلاف قانون و موازین شرعی است و ابطال آن مورد تقاضا می باشد. مدیرکل دفتر حقوقی شرکت مخابرات در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۰۵/۱۱/۶۸۰۳ مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۵ اعلام داشته اند، ۱- قبول هزینه مکالمات دلیل کافی بر صحت ادعای طلب دولت است و خلاف آن نیاز به اثبات دارد. ۲- سازمانهای دولتی در جهت نیل به هدف تامین منافع عمومی نمی توانند با اشخاص عادی در یک رابطه حقوقی مساوی فرض شوند و به همین جهت آیین نامه تقاضا و اشتراک تلفن ثابت که ماده ۳۹ آن مورد اعتراض شاکی است ضمن ارائه خدمات به مشترکین بر حفظ حقوق عمومی و بیت المال در دریافت هزینه خدمات نیز نظر دارد و از باب حاکمیت دولتی شروطی را بر مشترکین مقرر کرده است و برای رفع هرگونه اعتراض بعدی، مشترکی تلفن ثابت در زمان برقراری اشتراک با امضای کارت اشتراک اجرای مقررات و آیین نامه های مخابرات را قبول و تعهد کرده اند. ۴- قرارداد امتیاز تلفن از طرف مشترک در اختیار مستاجرین و یا هرگونه سوء استفاده آنها در اثر سهل انگاری مشترکین بر فرض اثبات نمی تواند خدشه ای بر حقوق عمومی و بیت المال وارد کند. با عنایت به مراتب فوق شکوائیه شاکی فاقد وجاهت قانونی است لذا صدور حکم بر رد آن مورد استدعا است. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن مورد شکایت طی نامه شماره ۸۵/۳۰/۱۵۲۲۲ مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۰ اعلام داشته اند، موضوع ماده ۳۹ آیین نامه تقاضا و اشتراک تلفن ثابت در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۰ فقهای محترم

شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که خلاف موازین شرع شناخته نشد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - به موجب نظریه شماره ۸۵/۳۰/۱۵۲۲۲ مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۰ فقهای محترم شورای نگهبان ماده ۳۹ آیین‌نامه تقاضا و اشتراک تلفن ثابت خلاف احکام شرع شناخته نشده است. بنابراین موردی برای ابطال ماده مزبور از این جهت وجود ندارد. ب - مطابق ماده ۴ قانون تاسیس شرکت مخابرات ایران، تعرفه خدمات مخابراتی و سپرده و ودیعه و حق الاشتراک و اضافه مکالمات و هزینه تغییر مکان وسایل مخابراتی مشترکین از طرف شرکت تهیه و پس از تصویب مجمع عمومی به موقع اجراء گذارده خواهد شد. علاوه بر اینکه مفاد ماده مزبور ارتباطی با قطع ارتباطات مخابراتی مشترکین ندارد و متضمن حکمی از این باب نیست، اساساً اطلاق مفاد ماده ۳۹ آیین‌نامه تقاضا و اشتراک تلفن ثابت که مفهوم اختیار شرکت مخابرات در قطع ارتباطات مخابراتی فاقد بدهی مشترکین به بهانه جلوگیری از تضییع حق خود در یک مورد خاص می‌باشد، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مربوط تشخیص داده می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره: ۱۳۸۶/۹/۷ - ۱۷/۸۶/هـ

کلاس پرونده: ۱۳۸۶/۶/۴ - ۱۷/۸۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم لیلا عباسی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۵۸۱۸۰/۶۰۳۶۲/۲۵۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ اداره آموزش و پرورش شهرستان سقز.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، صدور بخشنامه شماره ۵۸۱۸۰/۶۰۳۶۲/۲۵۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ مدیریت اداره آموزش و پرورش شهرستان سقز مغایر با تبصره یک ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران شیرده بوده و باعث محرومیت واجدین شرایط شاغل در واحدهای آموزش و پرورش شهرستان سقز از یک ساعت پاس شیر روزانه (موضوع تبصره مذکور) گردیده، لذا با توجه به اینکه هیچ گروهی از کارمندان دولت از جمله معلمان در خصوص استفاده از مزایای پیش‌بینی شده در تبصره یک ماده ۳ قانون فوق‌الذکر مستثنی نگردیده‌اند، لذا استدعای صدور رأی شایسته در مورد ابطال بخشنامه مزبور را دارد. مدیر آموزش و پرورش شهرستان سقز در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۳۷۴/۱۰۶۷۱/۲۵ مورخ ۱۳۸۶/۳/۵ اعلام داشته‌اند، در تبصره یک ذیل ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر مصوب ۱۳۷۴ کاربرد لفظ (بدون کسر از مرخصی استحقاقی) برای آن دسته از کارکنانی است که در رسته شغلی آنان مرخصی استحقاقی پیش‌بینی گردیده است. در حالی که بر اساس آیین‌نامه مرخصی‌ها موضوع مواد ۴۷، ۴۸ و ۴۹ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۶ هیأت‌وزیران و اصلاحیه‌های بعدی در رسته شغلی معلمان، مرخصی استحقاقی پیش‌بینی نگردیده و عدم حضور آنان به واسطه استفاده از مرخصی ساعتی، موجب لطمه به امور آموزشی دانش‌آموزان خواهد شد. با تاکید بر اجرای ماده ۴ قانون مزبور، معلمان صرفاً با تحویل فرزندشان در مهدهای کودک ایجاد شده می‌توانند از تمهیدات پیش‌بینی شده در قانون از مرخصی مورد نظر بهره‌مند شوند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به صراحت تبصره یک ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوب ۱۳۷۴ «مادران شیرده پس از شروع به کار مجدد در صورت ادامه شیردهی، می‌توانند حداکثر تا ۲۰ ماهگی کودک روزانه یک ساعت از مرخصی (بدون کسر از مرخصی استحقاقی) استفاده کنند.» بنابراین بخشنامه شماره ۵۸۱۸۰/۶۰۳۶۲/۲۵۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ اداره آموزش و پرورش شهرستان سقز که استفاده از این حق مکتسب قانونی را در مورد کارکنان آموزشی به فاصله بین ساعات

تدریس (زنگ تفریح) مقید و محدود کرده است، خلاف هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات اداره مزبور تشخیص داده می‌شود و مستنداً به اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۵/۷۷۰ - ۱۳۸۶/۷/۲۸

کلاس پرونده: هـ/۸۵/۷۷۰ - ۱۳۸۶/۵/۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه سوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - ۱- شعبه ۲۲ در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۰۸۰/۸۲ موضوع شکایت آقای عبدالله چوپانی و خانم سکینه جانی به طرفیت، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران - اداره بیمه و بازنشستگی ارتش به خواسته، صدور حکم الزام به پرداخت مستمری معوقه از تاریخ فوت ۱۳۷۶/۸/۲۵ تا ۱۳۸۱/۴/۱۶ به شرح دادنامه شماره ۱۳۳۶ مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۲ چنین رأی صادر نموده است، نظر باینکه مشکلی عنه تحت الکفاله بودن شاکیان را احراز نموده و به همین منظور برای آنها مستمری تعیین نموده است، استحقاق برخورداری از مستمری از زمان فوت می‌باشد، چرا که با احراز رابطه کفالت طرفین، امرار معاش دیگری با مکفولین متصور نمی‌باشد، شکایت موجه تشخیص حکم به ورود شکایت و اجابت خواسته شاکیان و برقراری حقوق مستمری از زمان فوت صادر و اعلام می‌گردد. الف - ۲- شعبه سوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۹۹۰/۸۳ موضوع تقاضای تجدیدنظر وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نسبت به دادنامه شماره ۱۳۳۶ مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۲ شعبه ۲۲ دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۰۷۰ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۵ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه با احراز محق بودن نامبردگان نسبت به دریافت مستمری شرایط لازم برای دریافت حقوق مستمری را دارا گردیده ولی مستند قانونی و دلیل موجهی وجود ندارد که ناظر به امکان برقراری حقوق مزبور از زمان فوت فرزندشان باشد، بنابراین مستنداً به ماده ۹ آیین‌نامه اجرائی قانون اصلاح تبصره ۲ ماده واحده قانون اجازه پرداخت وظیفه مستمری وراثت کارمندان مصوب ۲۸ آذر ۱۳۳۸ پرداخت حقوق از تاریخ تقاضا ملاک عمل می‌باشد. لذا ضمن نقض دادنامه معترض عنه حکم به رد شکایت شکات صادر و اعلام می‌گردد. ب - ۱- شعبه پنجم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۱۷۲/۸۱ موضوع شکایت آقای حسینعلی محمدیان و خانم معصومه زاهدی به طرفیت، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - سازمان بیمه و بازنشستگی ارتش به خواسته، الزام وزارت طرف شکایت به پرداخت مستمری معوقه مرحوم ابراهیم محمدیان به شرح دادنامه شماره ۱۸۱۳ مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۰ چنین رأی صادر نموده است، نظر به جوابیه مضبوط در پرونده از طرف سازمان بیمه و بازنشستگی ارتش اعلام داشته، مرحوم ابراهیم محمدیان در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۷ فوت نموده چون پدر و مادر خود را به عنوان عائله تحت تکفل معرفی ننموده. لذا کمیسیون مربوطه پس از انجام تحقیقات و بررسیهای لازم در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۰ مبادرت به تشکیل جلسه مبنی بر تحت‌الکفاله بودن والدین نموده این سازمان از تاریخ مذکور جهت والدین وی حقوق مستمری برقرار نموده است. با توجه به مراتب فوق تخلفی از موازین قانونی مشهود نیست، شکایت نامبردگان رد می‌گردد. ب - ۲- شعبه سوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۵۴۵/۸۲ موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای نوروردی جلایری به وکالت از آقای حسینعلی محمدیان و خانم معصومه زاهدی نسبت به دادنامه شماره ۱۸۱۳

مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۰ شعبه پنجم دیوان به شرح دادنامه شماره ۲۰۵ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۴ چنین رأی صادر نموده است، وکیل تجدیدنظرخواهان اشعار داشته که موکلینش از ناحیه کمیسیون مربوطه از تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱ تحت تکفل فرزندشان مرحوم ابراهیم محمدیان شناخته شده و نسبت به برقراری مستمری از تاریخ مذکور گردیده در صورتی که فرزندشان در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۷ فوت نموده براین اساس از تاریخ فوت مشمول بهره‌مندی از مزایای دریافت مستمری می‌باشند. نظرباینکه از طرف تجدیدنظرخوانده از تاریخ تشکیل کمیسیون، والدین آن مرحوم را واجد شرایط بهره‌مندی از دریافت مستمری تشخیص داده‌اند، لذا چون احراز این موضوع مبنی بر تحت تکفل بودن به زمان حیات مرحوم فرزندشان تسری می‌یابد، اقدامات انجام یافته از طرف آن مرجع توجیه قانونی نداشته بنا به مراتب اعتراض وکیل تجدیدنظرخواهان نسبت به دادنامه تجدیدنظر خواسته موجه و مؤثر تشخیص ضمن فسخ دادنامه بدوی بنا بجهات و دلایل مقیده حکم به ورود شکایت مطروحه مبنی بر برخورداری والدین مرحوم ابراهیم محمدیان از مزایای مستمری و برقراری این حقوق از تاریخ ۱۳۷۵/۶/۷ اعلام می‌دارد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه پرداخت مستمری به پدر و مادر افراد و پرسنل متوفای نیروهای مسلح با رعایت مقررات مربوطه منوط بر آن است که بازماندگان مذکور در زمان فوت مورث خود تحت الکفاله او بوده باشند و با این وصف مستمری مزبور از تاریخ فوت مورث افراد تحت الکفاله قابل پرداخت است، بنابراین دادنامه شماره ۲۰۵ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۴ شعبه سوم تجدیدنظر که دادنامه بدوی را فسخ و حکم به استحقاق شاکی به دریافت مستمری از تاریخ فوت فرزند صادر کرده است صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۴۲۱ - ۱۳۸۶/۸/۲۰

کلاس: پرونده: ۴۲۱/۸۴ - ۱۳۸۶/۵/۲۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقایان ۱- محمدعلی پوردولتی ۲- مختار طرازکوهی ۳- سیروس فرجود ۴- کیارش شعبانی ۵ - عبدالحسین

سرخی ۶ - نادر رشیدی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۷، ۱۲، ۱۵ و ۲۴ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۳۵۴/۸۱ موضوع شکایت آقای بابا بابائی به طرفیت، جهاد کشاورزی استان گیلان به خواسته بازگشت به کار و پرداخت حق بیمه سهم کارفرما در طول مدت خدمت به شرح دادنامه شماره ۱۷۱۳ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۶ چنین رأی صادر نموده است، شاکی در دادخواست تقدیمی اظهار داشته است، در طی سال ۱۳۷۸ براساس بند (ب) تبصره ۳۸ با شرایط اینکه سوابق خدمتی اینجانب جهت احراز بازنشستگی در موعد مقرر به تامین اجتماعی منتقل می گردد با دریافت تسهیلات بازخرید شدم در حالی که جهاد کشاورزی از پرداخت سهم حق کارفرما مربوط به خود به تامین اجتماعی خودداری می نماید و با این عمل سابقه ۱۵ سال خدمت را هیچ پنداشته است. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان در پاسخ اعلام داشته است، این سازمان تا سال ۱۳۶۸ فاقد صندوق معذوریت از کار بوده لذا بدین لحاظ برای هیچ کس از کارکنان سازمان در طول مدت فوق هیچگونه حق بیمه ای به هیچ صندوقی واریز نگردیده است لیکن با توافقی که بین سازمان متبوع و سازمان تامین اجتماعی حاصل گردید برای کسانی که تا سال ۱۳۷۷ بازخرید گردیده اند، تمهیداتی جهت انتقال سنوات خدمت مرتبط با سالهای مزبور به تامین اجتماعی پیش بینی شده اما برای بازخریدیهای سالهای ۱۳۷۸ به بعد چنین توافقی حاصل نگردید، لذا در این خصوص تعهد قانونی متوجه سازمان مذکور نیست. نظر باینکه عدم توافق سازمان طرف شکایت و واریز نمودن سهمیه حق بیمه مسقط حق شاکی در سهمیه بیمه خود نمی باشد، لهذا حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می گردد. الف - ۲- شعبه دوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۰۸۴/۸۲ موضوع تقاضای تجدیدنظر سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان نسبت به دادنامه شماره ۱۷۱۳ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۶ شعبه پانزدهم به شرح دادنامه شماره ۱۸۵۱ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۸ دادنامه بدوی را تایید نموده است. ب - شعبه ۲۴ در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۹۰/۸۳ موضوع شکایت آقای حمید بخشی نژاد به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان به خواسته عدم پرداخت حق بیمه به مدت ۲۰ سال، پرداخت خسارت و یا اعاده به کار به شرح دادنامه شماره ۱۴۷ مورخ ۱۳۸۳/۴/۸ چنین رأی صادر نموده است، سازمان جهاد کشاورزی تا سال ۱۳۶۸ فاقد مقررات حمایتی از کارمندان خود بوده است فلذا بعد از ایجاد صندوق معذوریت از کار مقدمات حمایت از کارمندان شاغل فراهم و نسبت به گذشته آنان از حیث احتساب سنوات خدمت در خصوص کسور بازنشستگی و یا کسر حق بیمه سهم کارفرما و نیز نحوه پرداخت سهم کارفرما به دو محل مزبور اقداماتی معمول گردید. فلذا بنحوی که در پرونده امر مشهود است، حسب مصوبه مورخ ۱۳۷۷/۸/۳ هیأت وزیران در اجرای تبصره ۳۸ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ و نیز قرارداد منعقد فی مابین وزارت یاد شده و سازمان تامین اجتماعی به شماره ۵۰۰۰/۲۵۰۸ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲ نسبت به کارمندی که تا سال

۱۳۷۷ بازخیرید شده‌اند، اقدامات حمایتی در حد کمک جهاد از حیث تامین و پرداخت مابه‌التفاوت به هر سهم کارمند معمول گردید و مقرر گردید بعد از انقضای مدت یاد شده و نسبت به کسانی که بعد از سال ۱۳۷۷ بازخیرید خدمت می‌شوند، با انگیزه همکاری خود کارمند در حد مقررات موضوعه از عهده مسئولیت جهاد خارج گردد. علی‌ایحال با وصف فوق ضمن حکم به ورود، سازمان خوانده در حد مقررات موضوعه موظف به همکاری با تامین اجتماعی در جهت تامین منابع مالی و پرداخت معوقه‌ها و مابه‌التفاوت بوده و نسبت به وضع جدید تاریخ بازخیریدی شاکی مسئولیتی متوجه مرجع یاد شده نخواهد بود... ج - شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۲۲/۸۱ موضوع شکایت آقای عبدالحسین سرخی نوحانی به طرفیت وزارت جهاد کشاورزی - جهاد کشاورزی گیلان به خواسته، اعاده بکار، مطالبه حق بیمه سهم کارفرما، جبران ضرر و زیان از بازخیریدی تاکنون به شرح دادنامه شماره ۱۵۵۸ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۹ تخلفی از ناحیه اداره مشتکی‌عنه تشخیص نداده و حکم به رد شکایت صادر نموده است. د- شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۰۷/۸۱ موضوع شکایت آقای مختار طرازکوهی به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی گیلان به خواسته، تقاضای پرداخت حق بیمه سهم کارفرما در طول دوران خدمت از سوی جهاد گیلان و تقاضای پرداخت حقوق دو سال بیکاری و بلا تکلیفی و جبران فاصله خدمتی به شرح دادنامه شماره ۷۸۴ مورخ ۱۳۸۳/۴/۳ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به مفاد و محتویات پرونده و ملاحظه لایحه تقدیمی از سوی مشتکی‌عنه به شماره ۴۵۹۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۵ که طی آن عنوان گردیده «... این سازمان از زمان تشکیل تا سال ۱۳۶۸ فاقد صندوق معذورت از کار بوده ... لیکن با توافقی که بین سازمان متبوع و سازمان تامین اجتماعی حاصل گردید برای کسانی که تا سال ۱۳۷۷ بازخیرید گردیده‌اند، تمهیداتی جهت انتقال سنوات خدمت مرتبط با سالهای مزبور (از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸) به تامین اجتماعی پیش‌بینی شده است اما برای بازخیریدی‌های سال ۱۳۷۸ به بعد چنین توافقی حاصل نگردید...» لهذا شعبه هر دو شق از خواسته شاکی را با توجه به مراتب قانونی فوق موجه و وارد ندانسته و حکم به رد خواسته شاکی صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

کیفیت و شرایط بازخیرید خدمت مستخدمان دولت و حقوق و امتیازات متعلق به آنان در این زمینه به حکم قوانین و مقررات مربوط تعیین شده است و وزارت جهاد کشاورزی قانوناً الزامی به پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه مورد نظر شاکی به سازمان تامین اجتماعی ندارد. مضافاً اینکه در این خصوص در حق شاکیان نیز تعهدی به عمل نیامده است. بنابراین دادنامه‌های شماره ۱۵۵۸ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۹ شعبه هفتم و ۷۸۴ مورخ ۱۳۸۳/۴/۳ شعبه دوازدهم دیوان مبنی بر رد شکایت شاکی که مبین این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۸۴/۹۳۹ - ۱۳۸۶/۸/۳۰

کلاس پرونده: ۹۳۹/۸۴ - ۱۳۸۶/۵/۲۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: اداره کل کار و امور اجتماعی اصفهان.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و سوم دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۲۸۱/۷۸ موضوع شکایت آقای غلامرضا اسکندری به طرفیت، هیأت حل اختلاف اداره کار استان اصفهان به خواسته، عدم تطبیق وضعیت استخدامی با طرح طبقه‌بندی مشاغل به شرح دادنامه شماره ۳۴۴ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۱ ایراد و اشکالی در نحوه رسیدگی و اساس و مبنای رأی مورخ ۱۳۷۸/۶/۱ هیأت حل اختلاف تشخیص نداده و رأی به رد شکایت صادر نموده است. ب - شعبه اول در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۶۸۸/۷۸ موضوع شکایت آقای حمید شرافت به طرفیت، هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی اصفهان به خواسته، نقض رأی شماره ۵۴۹ مورخ ۱۳۷۸/۶/۱ هیأت حل اختلاف اداره کار اصفهان به شرح دادنامه شماره ۱۹۴۹ مورخ ۱۳۷۹/۹/۷ چنین رأی صادر نموده است، اولاً شرکت تعاونی مصرف همانند سایر تعاونیهای مصرف استقلال ندارد بلکه وابسته به شرکت متبوع می‌باشد. کمااینکه در احکام صادره پرسنلی و سایر اوراق در سربرگها قید گردیده شرکت تعاونی مصرف کارکنان شرکت تولیدی مواد اولیه الیاف مصنوعی، لهذا شرکت تعاونی به اقتضای کار متعلق به شرکت اصلی بوده و خود اصالتاً دارای شخصیت حقوقی خاص بدون لحاظ شرکت متبوع ابداع و ایجاد نگردیده است... ثالثاً، طبق صراحت ماده ۴ فصل اول قانون کار ضمن تعریف کارگاه آمده است، کلیه تأسیساتی که به اقتضای کار متعلق به کارگاه‌اند از قبیل نمازخانه، نهارخوری، تعاونیها جزء کارگاه می‌باشند و نیز ماده ۳ از فصل اول قانون کار در تعریف کارفرما آورده، کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق‌السعی کار می‌کند. مدیران و مسئولان و بطور عموم کلیه کسانی که عهده‌دار اداره کارگاه هستند، نماینده کارفرما محسوب می‌شوند و کارفرما مسئول کلیه تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده می‌گیرند. در صورتی که نماینده کارفرما خارج از اختیارات خود تعهدی بنماید و کارفرما آن را نپذیرد در مقابل کارفرما ضامن است. عبارات فوق صراحت دارد که تعاونیها حسب اقتضاء از توابع کارگاه محسوب می‌شود و نیز کلیه افرادی که عهده‌دار قبول امری می‌شوند و مسئولیت واحدها را می‌پذیرند، نمایندگان کارفرما محسوب می‌شوند و خودشان کارفرما نمی‌باشند. لهذا شرکت تعاونی مصرف شرکت دی.ام.تی نماینده کارفرما محسوب می‌شود نه آنکه خودش به عنوان کارفرما باشد... با توجه به مراتب، استناد هیأت حل اختلاف در رأی معترض‌عنه به ماده ۳ و ۴ قانون کار مبنی بر اشتباه بوده و پرونده سابقه و مدارک ابرازی شاکی، کلاً حکایت دارد که شرکت تعاونی مصرف از حیث مسائل اداری، مالی، پرسنلی و غیره مربوط و مرتبط و وابسته به شرکت دی.ام.تی می‌باشد و ادعای استقلال صرفاً به خاطر تزییع حقوق کارگران شاغل در قسمت تعاونی مصرف است لاغیر، زیرا با تمسک به این موضوع می‌خواهند هزینه‌های مربوط به حقوق و مزایای کارگران را پایمال نمایند و لذا حکم به ورود

شکایت و نقض رأی معترض عنه و ضرورت پیگیری در هیأت همعرض صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اسناد و مدارک پیوست پرونده‌های فوق‌الذکر که مثبت شخصیت حقوقی مستقل شرکت تعاونی مصرف نیست و با این وصف از اجزاء و توابع شرکت مواد اولیه الیاف بشمار می‌رود، بنابراین کارکنان شرکت تعاونی مصرف در واقع و نفس الامر در زمره کارگران شرکت مواد اولیه الیاف محسوب می‌شوند و دادنامه شماره ۱۹۴۹ مورخ ۱۳۷۹/۹/۷ شعبه اول دیوان که مبین این معنی است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع قانونی مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

شماره: هـ/۷۹/۸۴ - ۱۳۸۶/۹/۳

کلاس پرونده: ۷۹/۸۴ - ۱۳۸۶/۷/۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم آذر زیرک آتش.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه سیزدهم.

مقدمه: الف - شعبه سیزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۶/۸۳ موضوع شکایت خانم آذر زیرک آتش به طرفیت اداره کل آموزش و پرورش مدارس خارج از کشور به خواسته پرداخت فوق العاده شغل ارزی مأموریت خارج از کشور به شرح دادنامه شماره ۱۳۱۳ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۷ چنین رأی صادر نموده است، اداره خوانده در پاسخ به شکایت خواهان اعلام کرده است، اساساً نامبردگان نیروی اعزامی نمی باشند و بنابه درخواست خود و با اخذ مرخصی بدون حقوق از سوی وزارت امور خارجه برای فعالیت در مدرسه غیرانتفاعی باکو به کشور آذربایجان عزیمت نموده اند که این دفتر جهت ارتباط آن با محیط آموزشی و پیشگیری از فاصله خدمت به صورت نیروی مجلی با آنان همکاری نموده و با لغو مرخصی بدون حقوق در ازای پرداخت ۲۰٪ فوق العاده اشتغال اقدام شده است. با توجه به توافقی که بین اداره کل وقت وزارت امور خارجه حاصل گردیده، پرداخت فوق العاده اشتغال نیروهائی که با درخواست وزارت امور خارجه به خارج از کشور عزیمت نموده اند بعهده نهاد اعزام کننده بوده است. لذا با توجه به غیرانتفاعی بودن مدرسه و اعزام آن از سوی وزارت امور خارجه مسئولیت ادعای نامبردگان متوجه آموزش و پرورش نمی باشد و می بایست از طرف وزارت امور خارجه پیگیری نماید. با توجه به دفاعیات اداره خوانده و اسناد و مدارک ابرازی حقی از خواهان تضييع نگردیده و مأموریت وی خارج از ضوابط اداره ذیربط صورت گرفته است. علیهذا شکایت نامبرده فاقد وجهت قانونی و غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می گردد. ب - شعبه سیزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۸/۸۳ موضوع شکایت آقای حسن یحیایی به طرفیت وزارت آموزش و پرورش، به خواسته پرداخت فوق العاده اشتغال خارج از کشور به شرح دادنامه شماره ۲۳۳۸ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۹ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به دادخواست تقدیمی شاکی و مدارک و مستندات ابرازی نظر به اینکه اداره طرف شکایت با وصف ابلاغ و مکاتبات عدیده مبنی بر ارسال پاسخ اقدامی را معمول و مرعی نداشته و آنچه که از پاسخ وزارت آموزش و پرورش در موضوع مشابه در پرونده های دیگر مستفاد می گردد، پرداخت مابه التفاوت فوق العاده شغل خارج از کشور را منوط به تامین اعتبار در بودجه وزارتخانه می داند، نظر به اینکه صرف عدم تامین اعتبار مسقط حق مسلم شاکی نبوده و آراء هیأت عمومی دیوان به شماره های ۱۱۶ مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۰ و ۱۷ مورخ ۱۳۷۳/۴/۱۰ مؤید مراتب معنونه بوده، لهذا نظر به دادخواست مطروحه، خوانده از اعمال مصوبه مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۹ هیأت وزیران استنکاف نموده بر این اساس حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می شود. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق باحضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه شاکیان با اخذ مرخصی بدون حقوق به کشور آذربایجان عزیمت نموده و حسب درخواست وزارت امور خارجه و مساعدت وزارت آموزش و پرورش در باکو به تدریس در مدارس غیر انتفاعی ایرانی اشتغال ورزیده‌اند و موضوع از مصادیق ماموریت مقرر در ماده ۱۱ قانون استخدام کشوری و آیین‌نامه ماموریت خارج از کشور نبوده است تا افراد مزبور ذیحق به دریافت فوق‌العاده اشتغال خارج از کشور به میزان مورد ادعا باشند، بنابراین دادنامه شماره ۱۳۱۳ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۷ شعبه سیزدهم دیوان مبنی بر رد شکایت شاکی صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مقدسی فرد

بخش چهارم
آیین نامه و دستورالعمل‌های
مربوط به قوه قضائیه

از مهر ماه سال ۱۳۸۶ لغایت آذر ماه ۱۳۸۶

به پیوست یک نسخه دستورالعمل مواد ۸، ۱۵ و تبصره ماده ۲ آیین نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۵ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضاییه نیز رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر ویژه رئیس قوه قضاییه - مهدی دربین

دستورالعمل مواد ۸، ۱۵ و تبصره ماده ۲ آیین نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول: کلیات

ماده ۱ - این دستورالعمل براساس مواد ۸، ۱۵ و تبصره ماده ۲ آیین نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تعیین نحوه نگهداری سوابق اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی و تبدیل آنها به سند الکترونیکی و سپس انتقال آنها به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است.

ماده ۲ - دادگستری‌های سراسر کشور موظف‌اند براساس این دستورالعمل پرونده‌های موجود در بایگانی‌های راکد خود را شناسایی و پس از طی مدت زمانی قانونی ذکر شده، اوراق ضروری مورد نظر را به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس طبق ضوابط مطرح در آیین نامه و این دستورالعمل نسبت به انتقال آنها به سازمان اسناد و کتابخانه ملی در تهران و یا شعب آن در شهرستانها اقدام نمایند.

ماده ۳ - مسؤولان سازمانها و نهادهای مطرح شده در ماده یک آیین نامه فوق‌الذکر نیز موظف‌اند براساس ضوابط مربوط به ارگان خود، طبق ماده ۲ این دستورالعمل اقدام نمایند.

ماده ۴ - در صورتی که عناوین برخی پرونده‌های موجود در بایگانی‌های راکد در عناوین مطروحه در این دستورالعمل منظور نشده باشد و یا طبق شرایط آینده پاره‌ای پرونده‌های جدید پدید آیند که قابل تطبیق با عناوین مذکور نباشد، این موارد در جلسات هیأت تشخیص مرکزی مطرح و در مورد آنها تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف خواهد شد.

فصل دوم: اسناد و اوراق و پرونده‌های ضروری

ماده ۵ - اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آنها ضروری می‌باشد:

الف - حسب عناوین جزایی و میزان مجازات عبارتند از:

- ۱ - جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو یا حبس ابد است.
- ۲ - کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض.
- ۳ - توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.
- ۴ - توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب به منظور مقابله با نظام و جاسوسی.
- ۵ - جرایمی که مجازات قانونی آنها بیش از ۱۰ سال و بالاتر حبس می‌باشد.
- ۶ - مصادره اموال و پرونده‌های اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۷ - اخلال در نظام اقتصادی کشور براساس ماده یک قانون مذکور.
- ۸ - جرایم مطبوعاتی و سیاسی.
- ۹ - جرایم مربوط به اختلاس، کلاهبرداری و ارتشاء که مجازات قانونی آن حداکثر ۵ سال به بالا باشد.
- ۱۰ - دعاوی غیرمالی مهم از قبیل نکاح، طلاق و نسب.
- ۱۱ - دعاوی مالی که خواسته آن بیش از یک میلیارد ریال باشد.
- ۱۲ - امور حسبی.

ب - حسب شخصیت و مقام افراد پرونده‌های مربوط به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس خبرگان و شورای اسلامی، وزرا و معاونین آنها، رؤسای سه قوه، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفراء، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه‌های قضایی، استانداران، فرمانداران، افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، مدیران کل اطلاعات استانها، مشاهیر علمی و فکری، هنری، ورزشی و ...

تبصره ۱ - اسناد اوراق پرونده‌های قضایی فوق الذکر پس از انقضای مدت ۳۰ سال به سند الکترونیکی تبدیل و سپس به سازمان اسناد و کتابخانه ملی منتقل خواهند شد.

فصل سوم: پرونده‌های غیرضروری

ماده ۶ - پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آنها غیرضروری و مشمول ماده ۵ نمی‌باشند نگهداری سوابق آنها به

شرح زیر است:

الف - پرونده‌هایی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از ۲ سال و کمتر از ۱۰ سال حبس و یا یک میلیارد ریال جزای نقدی باشد، و دعاوی مالی که خواسته آن تا یک میلیارد ریال باشد پس از پانزده سال از اجرای حکم و مختومه شدن پرونده دادنامه‌های مربوطه به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس امحاء خواهند شد.

ب - پرونده‌هایی که حداکثر مجازات قانونی آنها کمتر از ۲ سال حبس و کمتر از یک میلیارد ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق باشد، پنج سال پس از اجرای حکم و مختومه شدن با تبدیل دادنامه‌های مربوطه به اسناد الکترونیکی، امحاء خواهند شد.

ماده ۷ - چگونگی نگهداری و امحاء اسناد و اوراق پرونده‌های ضروری و غیرضروری قضایی که با صدور قرار نهایی منع پیگرد، موقوفی تعقیب و سایر قرارهایی که منتهی به مختومه شدن پرونده می‌گردد، خاتمه یافته‌اند، حسب مورد تابع مقررات مندرج در مواد ۵ و ۶ می‌باشد.

ماده ۸ - در پرونده‌هایی که احکام حقوقی و کیفری توأم صادر شده است، ملاک ضروری و غیرضروری بودن و نیز مدت نگهداری هر دو حکم حداکثر زمانی است که برای نگهداری هر یک از پرونده‌های جزایی یا مدنی منظور شده است.

ماده ۹ - چنانچه در پرونده‌ای اصل سندی که مورد استناد طرفین قرار گرفته موجود باشد، آن سند به سند الکترونیکی تبدیل و اصل آن مسترد و در صورتی که استرداد ممکن نباشد تا زمان ایجاد شرایط استرداد در آرشیو موقت گنجینه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی نگهداری می‌شود.

ماده ۱۰ - براساس تبصره ماده ۱۸ آیین نامه و مصوبه جلسه مورخه ۱۳۸۶/۵/۲۷ شورای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در صورت آمادگی تمامی اسناد غیرضروری قوه قضاییه نیز پس از تبدیل اوراق مورد نظر به سند الکترونیکی به آن سازمان منتقل و در غیر این صورت امحاء خواهند شد.

فصل چهارم: نحوه تشخیص اسناد و پرونده‌های مهم و ملی قوه قضاییه

ماده ۱۱ - اسناد و پرونده‌های مهم و ملی و دارای ارزش آرشیوی به آن دسته از اسناد و پرونده‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها به هر نحو به بحث استیفای حقوق ملت و یا آشکار شدن پاره‌ای از وقایع مهم و ملی کشور کمک شود.

ماده ۱۲ - پرونده‌ها و اوراق راجع به مقامات مهم مملکتی، جریان‌های سیاسی - اجتماعی، اشخاص مشهور و معروف علمی، هنری، ورزشی و ... جزء اسناد مهم و ملی تلقی می‌شوند.

تبصره - اسنادی که در رابطه با هر یک از اشخاص و یا جریان‌های مذکور باشد، تمام اوراق و اسناد آن باید به سند الکترونیکی تبدیل شود و هرگاه در سایر پرونده‌ها به مناسبتی سند و یا اسنادی در رابطه با اشخاص و جریان‌های مطروحه وجود داشته باشد نیز به نحو فوق عمل خواهد شد.

ماده ۱۳ - پرونده‌های مرتبط با حقوق ملت و نهادها و همچنین پرونده‌هایی همانند پرونده‌های انحصار وراثت، سرپرستی، وقف، وصیت و اثبات نسب نیز جزء اسناد مهم تلقی شده و در صورت انتقال اسناد مذکور به سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سازمان مذکور موظف است نهایت تلاش را جهت حفظ و نگهداری آنها به عمل آورد.

ماده ۱۴ - قوه قضاییه تا هنگام ایجاد شرایط لازم در خود دستگاه، جهت حفظ و صیانت از پرونده‌های مهم و ملی پس

از تبدیل این گونه اسناد به سند الکترونیکی اصل آنها را به سازمان اسناد و کتابخانه ملی (معاونت اسناد) منتقل می‌کند. معاونت مذکور موظف است این گونه پرونده‌ها را در سالن متعلق به قوه قضائیه نگهداری کند، و در صورتی که محاکم قضایی تشخیص دادند جهت رسیدگی به امور قضایی در اختیار داشتن اصل پرونده ضروری است، آن را در اختیار دستگاه قضایی قرار دهند.

این دستورالعمل در چهار فصل، ۱۴ ماده و ۲ تبصره و یک ضمیمه تنظیم و در تاریخ .. به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

فرم‌های پیش‌بینی شده در آیین نامه

در این بخش دو فرم با عناوین «فرم مشخصات پرونده» و «فرم مخصوص بایگانی راکد» که بر اساس تبصره ۲، ماده ۴ و ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی بند «الف» ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، وظیفه تهیه آنها بر عهده اداره اسناد و بایگانی راکد قوه قضائیه نهاده شده است آورده شده‌اند، محاکم قضایی سراسر کشور موظف‌اند اطلاعات مربوط به پرونده‌های مختومه خود را طبق ضوابط آیین نامه در فرم مشخصات پرونده وارد و به بایگانی‌های راکد ارسال نمایند. مسئولان بایگانی‌های راکد هم موظف‌اند پس از تکمیل فرم مخصوص بایگانی راکد زمینه را برای سیر مراحل قانونی الکترونیکی نمودن اوراق ضروری مهیا نمایند.

«فرم مشخصات پرونده»

دادگستری کل استان:		شهرستان:		بخش:		شعبه:		تاریخ تحویل به بایگانی راکد: ۱۳ / /	
مشخصات پرونده		۱ - شماره کلاس:		۲ - تاریخ تشکیل پرونده:		۳ - تعداد اوراق پرونده:			
		۴ - شماره دادنامه:		۵ - تاریخ مختومه شدن پرونده:		۶ - شماره رایانه مرکزی			
		۷ - تعداد منگنه:		۸ - ضامم پرونده:					
نوع پرونده		۱ - کیفری: ☐		۲ - جزایی: ☐		۳ - بازپرسی: ☐		۴ - دادپاری: ☐	
		۲ - حقوقی: ☐		۲ - حبسی: ☐		۳ - سرپرستی: ☐		۴ - اجرای احکام مدنی: ☐	
مرجع رسیدگی		دادسرا: ☐		دادگاه بدوی: ☐		دادگاه تجدیدنظر: ☐		دیوان عالی کشور: ☐	
		دیوان عدالت اداری: ☐		دادگاه انتظامی قضات: ☐		محکمه عالی انتظامی قضات: ☐		دادگاه ویژه روحانیت: ☐	
مشخصات طرفین پرونده		خواهان: نام و نام خانوادگی:		نام پدر:		شاکی: نام، نام خانوادگی:		نام پدر:	
		خوانده: نام و نام خانوادگی:		نام پدر:		مشتکی عنه: نام و نام خانوادگی:		نام پدر:	
احکام صادره در پرونده		شعبه دادگاه بدوی:		شعبه دادگاه تجدیدنظر:		شعبه دیوان عالی کشور:			
نتیجه رسیدگی		الف: شماره حکم:		تاریخ حکم:		موضوع حکم:			
		ب: شماره قرار:		تاریخ قرار:		موضوع قرار:			
علت اختتام پرونده		الف: اجرای کامل حکم ☐		ب: قطعیت حکم برائت ☐		ج: مرور زمان ☐		د: غیره ☐	
				ب: قطعیت حکم قرار ☐					
درجه اهمیت پرونده		الف: مهم (ملی) ☐		ج: غیر مهم ☐					
		۱ - نام و نام خانوادگی تنظیم کننده:				۱ - نام و نام خانوادگی تأیید کننده:			
		تاریخ ۱۳ / / سمت: امضاء				تاریخ ۱۳ / / سمت: امضاء			

- نسخ پرونده: (۲ نسخه)

«فرم مخصوص بایگانی راکد»

دادگستری کل استان:		شهرستان:		بخش:		شعبه:	
ردیف	شماره برگ اسناد ضروری	عنوان سند	شماره ردیف بایگانی	مدت نگهداری	درجه اهمیت پرونده		ملاحظات
					مهم (ملی)	غیر مهم	
۱ - نام و نام خانوادگی تنظیم کننده:			۲ - نام و نام خانوادگی مسئول بایگانی راکد:			۳ - نام و نام خانوادگی مسئول مرجع قضایی:	
..... تاریخ امضاء			 تاریخ امضاء			 تاریخ امضاء	

- نسخ هیأت تشخیص: (۳ نسخه)

نظر به اینکه دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۰۹ - ۱۳۸۶/۶/۱۴ فاقد پیوست ذیل بوده است لذا پیوست مزبور که طی نامه شماره ۱/۸۶/۶۵۱۷ - ۱۳۸۶/۶/۱۳ ریاست محترم دفتر ویژه رئیس قوه قضائیه ارسال گردیده درج و منتشر می‌گردد.

شماره ۸۱۴۴ - ۱۳۸۶/۳/۱۶

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضائیه

موضوع: اعلام آمادگی بیمه مرکزی ایران برای تدوین راهکارهای تسریع در پرداخت خسارات جانی بیمه شخص

ثالث

با احترام، پیرو مذاکرات حضوری و به منظور فراهم نمودن موجبات پرداخت سریع خسارت‌های بدنی زیاندیدگان حوادث رانندگی توسط شرکت‌های بیمه صادر کننده بیمه‌نامه مسئولیت مدنی شخص ثالث در موارد ممکن (از جمله حوادث رانندگی منجر به فوت که مقصر حادثه مشخص بوده و بین مقصر و اولیای دم توافق حاصل است) پیشنهاد می‌شود کار گروهی از نمایندگان قوه محترم قضائیه و مدیران ذیربط شرکت‌های بیمه تشکیل و با بررسی دقیق موضوع، راهکار اجرایی و دستورالعمل مورد نیاز را تهیه و ارائه نمایند.

در وضعیت فعلی به دلیل وجود فاصله زمانی نسبتاً طولانی (بیش از یکسال) بین زمان وقوع حادثه و زمان صدور رأی دادگاه در مورد مقصرین حوادث و با توجه به اینکه مقصرین حوادث، باید دیه تعیین شده از سوی دادگاه را به نرخ روز (یوم‌الادا) پرداخت نمایند، در حالیکه غالباً دارای بیمه‌نامه‌هایی هستند که حداکثر تعهد آنها معادل ارزش ریالی دیه در زمان وقوع حادثه است و شرکت‌های بیمه تا آن مبلغ تعهد داشته و مقصرین باید معادل مبلغ افزایش دیه در ابتدای سال را خود تقبل و پرداخت نمایند که در موارد زیادی تمکن مالی پرداخت رقم مابه‌التفاوت را ندارند. در نتیجه موجبات زندانی شدن آنان و بروز مشکلات متعدد برای خانواده آنان و بازماندگان زیان‌دیده فراهم می‌شود.

خواهشمند است در صورت موافقت دستور فرمایند نمایندگان محترم قوه قضائیه جهت حضور در کار گروه مورد اشاره معرفی گردند تا انشاء... با همکاری آن قوه محترم و بیمه مرکزی ایران امکان تسریع در پرداخت خسارت زیاندیدگان حوادث رانندگی فراهم آید.

رئیس کل بیمه مرکزی ایران - نوروز کهزادی

دستورالعمل تسريع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث

پیرو دستورالعمل شماره ۳ طرح جامع رفع اطاله دادرسی به ویژه مواد ۲۲، ۲۳، و ۲۶ آن که تأکید دارد «شرکت‌های بیمه‌گر مکلفند بلافاصله پس از وقوع تصادفات و تعیین خسارت نسبت به پرداخت آن اقدام نمایند و از طرفی ضرورت دارد در مواردی که اختلافی بین زیان‌دیده و شرکت‌های بیمه‌گر در کمیت و کیفیت پرداخت خسارت حاصل شود با دقت و سرعت حل و فصل شود»؛

با توجه به سیاست‌های کلان قوه قضائیه در جلوگیری از افزایش شمار زندانیان؛ به منظور کمک به مصدومان حوادث رانندگی، تحت پوشش بیمه شخص ثالث، برای تأمین هزینه درمان و عمل جراحی و همچنین تسريع در کمک به بازماندگان متوفی در تأمین معاش؛

نظر به اعلام آمادگی بیمه مرکزی ایران مبنی بر اراده صنعت بیمه در اجرای تدابیر دولت محترم مبنی بر تعمیق و تحکیم خدمات بیمه‌ای به بیمه‌گذاران به ویژه قشر آسیب‌پذیر؛

با نظر به مواد ۶ و ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث؛
نظر به مواد ۳، ۷، ۱۶ و ۱۷ آیین نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث؛

لازم است محتوای بندهای این دستورالعمل در تشکیل و رسیدگی به پرونده‌های تصادفات رانندگی منجر به (خسارت) جرح و یا فوت به نحو دقیق مورد توجه ویژه قضات قرار گیرد.

۱ - پاسگاه انتظامی موظف است ضمن اطلاع بیمه‌گر یا نماینده وی، پرونده‌های موضوع تصادفات رانندگی منجر به جرح و فوت منضم به نظریه افسر کارشناس راهنمایی و رانندگی در اسرع وقت به دادسرا ارسال نماید.

تبصره - طریق و نحوه اطلاع و دستیابی به نماینده بیمه‌گران به موجب دستورالعملی که متعاقباً توسط بیمه مرکزی ایران تهیه و در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت، صورت خواهد پذیرفت.

۲ - در صورت تأیید اصالت بیمه‌نامه توسط بیمه‌گر، مقام قضایی موظف است بیمه‌نامه تأیید شده از سوی بیمه‌گر ذیربط را به عنوان قبولی قرار وثیقه قبول نماید. ضمناً بیمه‌گر موظف است حداکثر ظرف ۲ روز کاری پس از دریافت استعلام مرجع قضایی، پاسخ مرجع قضایی را ارسال نماید.

۳ - در تصادفات منجر به فوت، بیمه‌گر موظف است پس از دریافت مدارک زیر و قبول تقصیر توسط مقصر حادثه و یا عدم اعتراض مقصر به نظر کارشناس فنی تصادفات، حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز پس از دریافت آخرین مدرک لازم نسبت به پرداخت خسارت در وجه اشخاص ذینفع قانونی اقدام نماید. مدارک مورد نیاز عبارتند از گواهینامه رانندگی، گواهی حصر وراثت،

اوراق بازجویی طرفین پرونده، برگ معاینه جسد، گواهی علت فوت پزشکی قانونی.

تبصره - در صورت وجود محجور (صغیر، سفیه و مجنون) در بین اشخاص ذینفع، برابر قانون امور حسبی اقدام می‌شود.

۴ - در صورتی که ذینفع ظرف ۱۵ روز پس از دریافت نامه بیمه‌گر مبنی بر آماده پرداخت بودن خسارت متعلقه برای دریافت خسارت به بیمه‌گر مراجعه ننماید، بیمه‌گر می‌تواند خسارت را به صندوق دادگستری واریز و قبض واریز را به مرجع قضائی مربوط تحویل نماید. این اقدام به منزله ایفای تعهد بیمه‌گر در قبال بیمه‌گذار و افراد ذینفع (وراث قانونی) خواهد بود. چنانچه بیمه‌گر مبلغ خسارت را به صندوق دادگستری واریز ننماید، مکلف است به هنگام مراجعه ذینفع (مصدوم یا اولیای دم) دیه و ارش متعلقه را تا سقف تعهدات مندرج در بیمه‌نامه به صورت یوم‌الادا بپردازد.

۵ - در تصادفات منجر به صدمه و یا جرح که مرجع قضایی نظر قطعی پزشکی قانونی را در خصوص صدمه و جرح مصدوم به بیمه‌گر اعلام می‌نماید، بیمه‌گر مکلف است ظرف حداکثر ۱۵ روز، نسبت به محاسبه دقیق مبلغ دیه و پرداخت وجه به مصدوم اقدام نموده و یک نسخه از رسید پرداخت را به انضمام یک نسخه از رضایت‌نامه محضری مصدوم نسبت به مقصر حادثه و بیمه‌گر به مرجع قضایی تسلیم نماید مدارک لازم برای پرداخت اینگونه خسارات عبارتند از: اصل شناسنامه مصدوم، گواهینامه رانندگی مقصر حادثه و یاندریده در صورت لزوم، اوراق بازجویی طرفین پرونده.

تبصره - پس از وصول اعلام نظر قطعی پزشکی قانونی، مرجع قضایی مکلف است حداکثر ظرف یک هفته، نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم نماید.

۶ - در حوادث رانندگی منجر به صدمات بدنی که دیه و یا ارش آن در زمان وقوع حادثه به طور قطعی قابل تعیین نباشد بیمه‌گر موظف است پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و پزشکی قانونی پنجاه درصد از میزان تقریبی دیه و یا ارش مربوط را (بنا به نظریه اولیه پزشکی قانونی) به زیاندریده پرداخت نموده و باقیمانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه و یا ارش صدمات از سوی مرجع قضائی بپردازند. بیمه‌گر و بیمه‌گذار مقصر حادثه به میزان درصد دیه‌ای که به زیاندریده پرداخت شده بری‌الذمه خواهد بود. بدیهی است آن بخش از دیده که باقی مانده است مشمول دیه یوم‌الادا خواهد بود.

۷ - در صورتیکه پرونده تصادف منجر به جرح یا فوت به هر علت بدون طی روال فوق در محاکم قضایی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، محاکم قضایی مذکور مکلفند در جلسات رسیدگی به این قبیل دعاوی، شرکت بیمه ذیربط و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را به عنوان مطلع جهت حضور در جلسات و ارائه نظرات و مستندات خود دعوت نمایند و پس از ختم دادرسی یک نسخه از رأی صادره را به آنها ابلاغ کنند.

۸ - رؤسای کل دادگستری استانها موظفند برای رسیدگی به پرونده‌های حوادث رانندگی منجر به خسارات جانی به تعداد لازم شعب ویژه اختصاص دهند.

۹ - در مواردی که اعتراض و تجدیدنظر خواهی، صرفاً راجع به جنبه عمومی جرم بوده و تأثیری در کمیت و کیفیت دیه و ارش تعیینی نداشته باشد، دادگاه بدوی دادنامه را ظرف یک هفته برای پرداخت دیه و یا ارش به طرفین و شرکت بمیه مربوطه اعلام خواهد نمود.

۱۰ - این دستورالعمل شامل پرونده‌هایی که در جریان رسیدگی می‌باشند نیز خواهد بود.

در اجرای ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرائی قانون اصلاح حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۹۸۷۹/ت/۳۷۱۱۰ هـ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ هیأت محترم وزیران به پیوست «دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز» موضوع ماده ۱۰ الحاقی به قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها، برای اجراء ابلاغ می‌گردد.

وزیر جهاد کشاورزی - محمدرضا اسکندری

دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز موضوع ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی

زراعی و باغها مصوب ۱۳۸۵/۸/۱

مجلس شورای اسلامی

(موضوع ماده ۱۱ تصویب‌نامه شماره ۵۹۸۷۹/ت/۳۷۱۱۰ هـ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ هیأت وزیران)

۱ - اقدامات ذیل در صورتی که در اراضی زراعی و باغهای موضوع قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و بدون رعایت ضوابط و مقررات مربوطه و اخذ مجوز از کمیسیون تبصره یک ماده یک و یا موافقت سازمان جهاد کشاورزی در قالب طرح‌های تبصره ۴ الحاقی قانون مذکور حسب مورد صورت گیرد و مانع از تداوم تولید و بهره‌برداری و استمرار کشاورزی شود به عنوان مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز تلقی می‌گردد:

برداشت یا افزایش شن و ماسه.

ایجاد بنا و تأسیسات.

خاکبرداری و خاکریزی.

گودبرداری.

احداث کوره‌های آجر و گچ پزی.

پی‌کنی.

دیوارکشی اراضی.

دپوی زباله، نخاله و مصالح ساختمانی، شن و ماسه و ضایعات فلزی.

ایجاد سکونتگاههای موقت.

استقرار کانکس و آلاچیق.

احداث جاده و راه.

دفن زباله‌های واحدهای صنعتی.

رها کردن پساب‌های واحدهای صنعتی، فاضلاب‌های شهری، ضایعات کارخانجات.

لوله‌گذاری.

عبور شبکه‌های برق.

انتقال و تغییر حقابه اراضی زراعی و باغات به سایر اراضی و فعالیت‌های غیر کشاورزی.

سوزاندن، قطع و ریشه‌کنی و خشک کردن باغات به هر طریق.

مخلوط‌ریزی و شن‌ریزی.

احداث راه‌آهن و فرودگاه.

احداث پارک و فضای سبز.

پیست‌های ورزشی.

استخرهای ذخیره آب غیر کشاورزی.

محوطه‌سازی (شامل سنگفرش و آسفالت‌کاری، جدول‌گذاری، سنگ‌ریزی و موارد مشابه).

صنایع تبدیلی و تکمیلی و غذایی و طرح‌های موضوع تبصره ۴ فوق‌الذکر.

صنایع دستی.

طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی (ملی - استانی).

تبصره - تشخیص سایر مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز به عهده سازمان امور اراضی کشور بوده و سازمان جهاد

کشاورزی استان موظف است در صورت ابهام نظریه سازمان مذکور را استعلام و بر اساس آن عمل نماید.

۲ - تغییر هر یک از فعالیت‌ها و طرح‌های موضوع تبصره ۴ الحاقی به ماده یک قانون به خارج از مصادیق و ضوابط تبصره

مذکور بدون اخذ مجوز از کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ قانون تغییر کاربری غیر مجاز تلقی می‌گردد.

تبصره - تغییر فعالیت‌ها و طرح‌های موضوع تبصره ۴ الحاقی به ماده یک قانون به سایر طرح‌های مندرج در تبصره مذکور

مستلزم اخذ گواهی لازم از اداره کل محیط زیست استان و موافقت رئیس سازمان جهاد کشاورزی می‌باشد.

وزارت بازرگانی - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - وزارت امور اقتصادی و دارایی

وزارت دادگستری - معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۱ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های بازرگانی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی و دادگستری و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور و به استناد ماده (۳۲) قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲ - آیین نامه اجرایی ماده یاد شده را به شرح زیر تصویب نمود:

آیین نامه اجرایی ماده (۳۲) قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲

ماده ۱ - در این آیین نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف - قانون: قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲.

ب - شورا: شورای سیاست‌گذاری گواهی الکترونیکی، موضوع ماده (۲) این آیین نامه.

پ - مرکز ریشه: مرکز صدور گواهی الکترونیکی ریشه، موضوع بند (الف) ماده (۴) این آیین نامه.

ت - مرکز میانی: مرکز صدور گواهی الکترونیکی میانی، موضوع بند (ب) ماده (۴) این آیین نامه است.

ث - دفاتر ثبت نام: دفتر ثبت نام گواهی الکترونیکی، موضوع بند (پ) ماده (۴) این آیین نامه.

ج - گواهی الکترونیکی: داده الکترونیکی حاوی اطلاعاتی در مورد مرکز صادرکننده گواهی، مالک گواهی، تاریخ صدور و انقضا، کلید عمومی مالک و یک شماره سریال که توسط مرکز میانی تولید شده به گونه‌ای که هر شخصی می‌تواند به صحت ارتباط بین کلید عمومی و مالک آن اعتماد کند.

چ - داده ایجاد امضای الکترونیکی: داده‌ای انحصاری نظیر رمز یا کلید خصوصی که امضا کننده برای ایجاد امضای الکترونیکی از آن استفاده می‌کند.

ح - داده واری امضای الکترونیکی: داده‌ای نظیر رمز یا کلید عمومی که برای بررسی و صحت امضای الکترونیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

خ - زوج کلید یا داده‌های ایجاد و واری امضای الکترونیکی: کلید خصوصی و کلید عمومی مرتبط با آن در یک رمزنگاری نامتقارن.

د - طرف اعتماد کننده: شخصی است که به اعتبار اطلاعات گواهی الکترونیکی اعتماد می‌کند.

ذ - مهر زمانی: اعلامیه‌ای شامل یک امضای الکترونیکی که به وسیله مرکز میانی صادر شده و تأیید می‌کند که داده پیام معین در موقع خاصی به او ارایه شده است.

ر - مخزن: یک پایگاه داده ذخیره و انتشار گواهیهای الکترونیکی و اطلاعات مربوط به آنها جهت بهره‌برداری طرفهای اعتماد کننده است.

ز - تجهیزات ایجاد و واریسی امضای الکترونیکی: نرم‌افزار و یا سخت‌افزاری که به منظور اجرای داده‌های مربوط به ایجاد و واریسی امضای الکترونیکی استفاده می‌شود.

ژ - سیاستهای گواهی: مجموعه سیاستهای گواهی الکترونیکی مشتمل بر سیاستها، قوانین، مقررات و روشهای فنی، حقوقی و ساختاری که مطابق با استانداردهای بین‌المللی تدوین شده و حداقل خواسته‌ها و الزامات پیاده‌سازی مراکز صدور گواهی، دفاتر ثبت‌نام، صاحبان امضا و طرفهای اعتماد کننده را مشخص می‌کند. تدوین این سیاستهای گواهی برای مرکز ریشه الزامی است و می‌تواند برای مرکز میانی به طور جداگانه تنظیم گردد.

س - دستورالعمل گواهی: مجموعه دستورالعملهایی که منطبق با سیاستهای گواهی جهت تشریح جزئیات عملکرد مدیریت گواهیهای الکترونیکی در مرکز ریشه و مراکز میانی تدوین می‌گردد.

ش - زیرساخت کلید عمومی: مجموعه‌ای از نرم‌افزارها، سخت‌افزارها، سیاستها، فرآیندها و روالهای مورد نیاز برای مدیریت گواهیها و زوج کلیدها.

ماده ۲ - به منظور حفظ یکپارچگی و سیاست‌گذاری در حوزه زیرساخت کلید عمومی کشور شورای سیاست‌گذاری گواهی الکترونیکی مرکب از اعضای زیر تشکیل می‌شود:

الف - وزیر بازرگانی یا معاون ذی‌ربط وی (رییس).

ب - معاون ذی‌ربط وزیر دادگستری.

پ - معاون ذی‌ربط وزیر اطلاعات.

ت - معاون ذی‌ربط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات.

ث - معاون ذی‌ربط وزیر امور اقتصادی و دارایی.

ج - معاون ذی‌ربط وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

چ - معاون ذی‌ربط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور.

ح - معاون ذی‌ربط رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

خ - رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران.

د - رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

ذ - رییس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای.

ر - دبیر شورای عالی انفورماتیک.

ز - دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات.

ژ - رییس مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت بازرگانی به عنوان دبیر شورا (بدون حق رأی).

س - یک تا سه نفر مشاور خبره با پیشنهاد رییس و تأیید اکثریت سایر اعضای شورا.

ماده ۳ - وظایف شورا به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف - بررسی سیاست‌های کلان و برنامه‌های مربوط به حوزه زیرساخت کلید عمومی کشور و ارایه آن‌به‌شورای عالی فناوری اطلاعات کشور جهت تصویب.

ب - صدور مجوز ایجاد مرکز ریشه.

پ - تصویب و به روزرسانی سیاست‌ها و دستورالعمل گواهی مراکز ریشه و میانی.

ت - تصویب استانداردها، رویه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی گواهی الکترونیکی.

ث - ایفای نقش به عنوان مرجع هماهنگ کننده در مورد فعالیت حوزه‌های گوناگون اجرایی برای ارایه خدمات رایانه‌ای صدور گواهی مبتنی بر زیرساخت کلید عمومی و نحوه تعامل مراکز صدور گواهی داخلی با مرکز صدور گواهی خارجی و هرگونه تفسیر یا کاربردپذیری مفاد سیاست‌های گواهی ریشه و میانی.

ج - نظارت عالیه و بررسی گزارش عملکرد و تخلفات احتمالی مراکز ریشه و میانی و در صورت لزوم لغو مجوز آن‌ها.

ماده ۴ - سطوح دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی موضوع ماده (۳۱) قانون به عنوان ارایه دهندگان خدمات گواهی

الکترونیکی به شرح زیر تعیین می‌شوند:

الف - مرکز دولتی صدور گواهی الکترونیکی ریشه که با کسب مجوز از شورا فعالیت می‌نماید.

تبصره ۱ - این مرکز وابسته به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، موضوع ماده (۸۰) قانون می‌باشد.

تبصره ۲ - سیستم بانکی می‌تواند با اخذ مجوز شورا در حوزه نظام بانکی مرکز ریشه مستقل ایجاد نماید که در این

صورت مرکز یاد شده وابسته به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی موضوع این ماده نخواهد بود.

ب - مرکز صدور گواهی الکترونیکی میانی که با کسب مجوز از یک مرکز ریشه، مبادرت به صدور گواهی الکترونیکی

نموده و سایر خدمات مربوط به امضای الکترونیکی را انجام می‌دهد.

پ - دفتر ثبت نام گواهی الکترونیکی که با کسب مجوز از حداقل یک مرکز میانی نسبت به ثبت و انتقال درخواست

متقاضیان در خصوص صدور و لغو گواهیها و سایر امور مربوط به آن‌ها مطابق با ضوابط و دستورالعمل صادره از سوی مراکز

میانی که تعهد همکاری با آن‌ها را امضا نموده است، اقدام می‌نماید.

ماده ۵ - وظایف و مسؤولیت‌های مرکز ریشه به شرح زیر تعیین می‌شوند:

الف - پیشنهاد سیاست‌ها و دستورالعمل گواهی مرکز ریشه و ارایه به شورا جهت تصویب.

ب - اجرای سیاست‌ها و دستورالعمل‌های شورا.

پ - بررسی و تصویب سیاست‌ها و دستورالعمل مراکز میانی.

ت - بررسی و احراز شرایط لازم و صلاحیت متقاضیان ایجاد مراکز میانی و صدور مجوز برای آنها.

ث - حصول اطمینان از ثبت اطلاعات معتبر و مناسب در گواهیها و نگهداری مدارک و شواهد دال بر صحت این اطلاعات.

ج - حصول اطمینان از عملکرد صحیح مراکز میانی.

چ - ابطال گواهی مراکز میانی که برخلاف تعهداتشان عمل کرده‌اند.

ح - اطلاع‌رسانی به صاحبان امضا و طرفهای اعتماد کننده در مورد هرگونه تغییر در کارکرد مرکز میانی.

خ - ایجاد و به روز رسانی یک مخزن بر خط و اطلاع‌رسانی خدمات آن.

ماده ۶ - مرکز ریشه به محض قطع عملیات مرکز میانی و زمانی که فعالیت این مرکز به موجب حکم مراجع قضایی و یا دلیل دیگری متوقف شود و همچنین در صورت لغو مجوز مرکز میانی باید به روش مندرج در بند (خ) ماده (۵) این آیین نامه و درج در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران فهرست گواهیهای باطل شده را منتشر نماید.

تبصره - مسئولیت و نحوه پرداخت خسارت بابت ضرر و زیان ناشی از ابطال مرکز میانی به صاحبان امضای الکترونیکی صادر شده از این مرکز و یا به دفاتر ثبت نام باید در دستورالعمل گواهی الکترونیکی مرکز و یا در قرارداد منعقد شده بین طرفین قید شده باشد.

ماده ۷ - مراکز میانی حسب مورد توسط دستگاههای دولتی یا بخش غیر دولتی ایجاد می‌شوند و شرایط و ضوابط تأسیس مراکز میانی به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف - ارایه اساسنامه یا مجوز ثبت از مراجع ذی‌ربط.

ب - ارایه تقاضا از طرف متقاضی.

پ - معرفی پنج نفر دارای مدرک تحصیلی مرتبط مورد تأیید وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با شرایط زیر:

۱ - سه نفر کارشناس دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی و ترجیحاً دارای تجربه فعالیت مرتبط.

۲ - دو نفر با مدرک کاردانی در رشته‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات یا حداقل سه سال تجربه در حوزه‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه با مجوز طی دوره آموزشی از مراکز فنی و حرفه‌ای.

ت - تأمین مکان فیزیکی مناسب همراه با تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم اعلام شده از سوی مرکز ریشه به نحوی که امنیت فنی و رمزنگاری را تضمین نماید و مورد تأیید بازرسان مرکز ریشه قرار گرفته باشد.

ث - ارایه تضمین معتبر متناسب با مبلغ تعیین شده توسط مرکز ریشه.

ج - تدوین سیاستها و دستورالعمل گواهی مرکز.

تبصره ۱ - مراکز ریشه مکلفند ظرف دو ماه نسبت به بررسی تقاضا اقدام و نتیجه را به متقاضیان اعلام نمایند.

تبصره ۲ - مراکز میانی ایجاد شده توسط سازمانهای دولتی به صورت غیر انتفاعی فعالیت خواهند نمود.

تبصره ۳ - مراکز میانی دولتی از ابتدای سال ۱۳۸۸ مجاز به ارایه خدمات گواهی الکترونیکی به بخشهای غیر دولتی خارج از حوزه فعالیت خود نمی‌باشند.

تبصره ۴ - اشخاصی که مجوز راهاندازی مرکز میانی را با ملاحظه شرایط این ماده اخذ می‌نمایند. در غیر این صورت مجوز ایشان لغو شده تلقی می‌گردد.

ماده ۸ - مراکز میانی در حین فعالیت با رعایت مفاد دستورالعمل گواهی، وظایف زیر را به عهده خواهند داشت:

الف - بررسی صلاحیت و صدور مجوز برای دفاتر ثبت نام ذی‌ربط.

ب - تضمین ارایه خدمات صدور و لغو گواهیها به صورت مطمئن.

پ - تضمین ارایه خدمات تأیید صحت گواهیها به صورت سریع و مطمئن.

ت - تضمین محرمانه بودن داده‌های مربوط به امضا در فرآیند ایجاد این داده‌ها برای جلوگیری از شبهه‌سازی گواهیها.

ث - حصول اطمینان نسبت به موارد زیر:

۱ - در لحظه صدور گواهی الکترونیکی، اطلاعات مندرج در گواهیها صحیح باشند.

۲ - در هنگام صدور گواهی الکترونیکی، امضا کننده مشخص شده در گواهی، داده‌های ایجاد و واری امضای الکترونیکی را دریافت نموده و داده ایجاد امضای الکترونیکی تحت کنترل انحصاری وی باشد.

۳ - کلیه اطلاعات مرتبط با گواهی الکترونیکی را تا مدت زمان تعیین شده در دستورالعمل گواهی به صورت الکترونیکی حفظ نماید.

۴ - تاریخ و ساعت صدور و لغو یک گواهی به دقت تعیین شده و قابل تشخیص باشد.

۵ - عدم کپی یا ذخیره داده ایجاد امضای الکترونیکی متقاضیان را تضمین نماید.

۶ - گواهی قابل دسترسی برای عمومی نباشد، جز در مواردی که صاحبان گواهیها رضایت خود را اعلام کرده‌اند یا نوع گواهی انتشار عمومی را ایجاب نماید.

۷ - در صورت امکان مرکز میانی و با دریافت درخواست دفتر ثبت نام، یک مهر زمانی به داده‌های الکترونیکی ضمیمه شود.

تبصره ۱ - هر مرکز میانی موظف است فهرستی از گواهیهای را که توسط آن مرکز صادر می‌شود با ذکر تاریخ صدور،

نام صاحب گواهی و نوع گواهی تهیه و منتشر نماید. اطلاعات مزبور باید در جایگاه اینترنتی مربوط درج گردد.

تبصره ۲ - مرکز میانی بر عملکرد دفاتر ثبت نام طرف قرارداد خود نظارت داشته و در صورت احراز تخلف طبق ضوابط با آن برخورد کرده و در صورت لزوم با رعایت تمهیدات پیش‌بینی شده در دستورالعمل گواهی نسبت به لغو مجوز دفتر ثبت نام متخلف اقدام خواهد نمود.

ماده ۹ - مجوز مراکز میانی به طور ادواری، مطابق با سیاست‌های گواهی و با ملاحظه شرایط و تحولات فناوریهایی جدید و پس از احراز مجدد صلاحیت متقاضیان، توسط مرکز ریشه قابل تمدید می‌باشد.

ماده ۱۰ - مجوز مراکز میانی صرفاً با تأیید مرکز ریشه با ملاحظه شرایط مقرر در این آیین نامه و دستورالعمل گواهی قابل واگذاری به غیر خواهد بود.

ماده ۱۱ - کلیه مؤسسات اعم از دولتی یا غیر دولتی می‌توانند در حوزه فعالیت داخلی خود بدون اخذ مجوز از مرکز ریشه مبادرت به ثبت و صدور گواهی نمایند. گواهی‌هایی که به این صورت صادر می‌شود خارج از شمول مقررات این آیین نامه بوده و امضاهایی که به وسیله این گواهی‌ها تأیید می‌شوند خارج از موضوع ماده (۱۰) قانون و صرفاً قابل استفاده در همان مؤسسات خواهد بود.

ماده ۱۲ - دفاتر ثبت نام می‌توانند بنا به مورد توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی یا غیر دولتی ایجاد شوند. اشخاص حقیقی و نیز صاحبان امضای اشخاص حقوقی متقاضی دریافت مجوز راه‌اندازی دفاتر ثبت نام در کشور باید دارای شرایط زیر باشند:

الف - تابعیت جمهوری اسلامی ایران.

ب - تدوین و عاملیت به احکام اسلام یا پیروی از ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی.

پ - نداشتن پیشینه کیفری.

ت - عدم تجاهر به فسق و داشتن صلاحیت اخلاقی و حسن سابقه.

ث - عدم اعتیاد به مواد مخدر.

ج - انجام خدمت وظیفه عمومی یا معافیت داریم.

چ - دارا بودن حداقل مدرک کاردانی مورد تأیید وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

ح - ارایه ضمانت معتبر.

خ - داشتن سابقه کار حداقل سه سال متوالی یا پنج سال متناوب مورد تأیید مرکز میانی در بخش‌های مرتبط با فناوری اطلاعات.

تبصره ۱ - نوع و میزان ضمانت معتبر بر اساس دستورالعمل دفاتر صدور گواهی الکترونیکی میانی پیش‌بینی می‌شود.

تبصره ۲ - شعب بانکها به عنوان دفاتر ثبت نام مراکز میانی تحت نظارت مرکز ریشه نظام بانکی از شمول این ماده و ماده (۱۴) مستثنی هستند.

تبصره ۳ - اشخاصی که مبادرت به اخذ مجوز راهاندازی دفتر ثبت نام با ملاحظه شرایط این ماده می‌نمایند مکلفند ظرف چهار ماه از تاریخ صدور مجوز نسبت به تأسیس دفتر اقدام نمایند. در غیر این صورت مجوز مذکور لغو شده تلقی می‌گردد.

تبصره ۴ - متقاضی تأسیس دفتر ثبت نام موظف به تأمین مکان فیزیکی مناسب مطابق دستورالعمل گواهی میانی طرف قرارداد و تهیه و نصب تابلو با درج شماره مجوز دریافتی از مرکز یا مراکز میانی طرف قرارداد می‌باشد.

ماده ۱۳ - وظایف دفاتر ثبت نام به شرح زیر می‌باشد:

الف - انجام عملیات مطابق با دستورالعمل گواهی مرکز میانی مربوط.

ب - احراز هویت و تصدیق مدارک ارایه شده متقاضی دریافت خدمات گواهی.

پ - ارسال درخواست متقاضی همراه با مدارک مربوطه به مرکز میانی مربوط.

ت - دریافت گواهی صادر شده از مرکز میانی مربوطه و تحویل به متقاضی.

ماده ۱۴ - مجوز دفاتر ثبت نام حداکثر برای سه سال صادر می‌شود. این مجوز مطابق با دستورالعمل گواهی میانی و با لحاظ شرایط و تحولات فناوریهای نوین پس از احراز صلاحیت متقاضیان توسط مراکز میانی قابل تمدید خواهد بود.

ماده ۱۵ - دفاتر ثبت نام موظفند هنگام ثبت نام متقاضی گواهی الکترونیکی، امضای شخص را برای صحت اطلاعات ارایه شده (املائی و محتوایی) اخذ نموده و وی را از نحوه و شرایط دقیق استفاده از گواهیها، از جمله محدودیتهای حاکم بر استفاده، خدمات و شیوههای طرح و پیگیری دعوی مطابق سیاستها و دستورالعمل گواهی میانی آگاه سازند.

ماده ۱۶ - حق‌الثبت دفاتر ثبت نام، بر اساس نوع گواهی و خدمات ارایه شده به متقاضیان با رعایت مقررات بر اساس تعرفه‌ای که بنا به پیشنهاد شورا به تصویب هیأت وزیران می‌رسد تعیین می‌شود.

ماده ۱۷ - به منظور حفظ محرمانه بودن و غیر قابل دستیابی بودن داده‌های ایجاد امضای الکترونیکی از طریق استنتاج، مراکز میانی مکلفند از تجهیزات و روشهایی استفاده کنند که داده‌های ایجاد امضای الکترونیکی مورد استفاده برای امضای الکترونیک بیش از یک بار استفاده نشده و در مقابل هرگونه شبیه‌سازی از طریق ابزارهای فنی محافظت و در برابر استفاده آن توسط اشخاص ثالث به نحو اطمینان بخشی محافظت شوند.

تبصره - این تجهیزات و روشها نباید داده‌های لازم برای امضا را تغییر دهد و باید تضمین نماید که این داده‌ها قبل از طی فرآیند امضا در اختیار امضا کننده قرار نگیرد.

ماده ۱۸ - اعتبار و پذیرش گواهی الکترونیکی صادره از مراجع صدور گواهی خارجی، مشروط به توافق دو جانبه بین

مرکز ریشه کشور و مرجع صدور گواهی کشور خارجی یا رعایت اصل شرط عمل متقابل و تصویب شورا خواهد بود.

ماده ۱۹ - در موارد زیر با حفظ سوابق موجود، گواهی الکترونیکی توسط مرکز میانی صادر کننده آن، ابطال می‌شود:

الف - درخواست ابطال توسط صاحب گواهی الکترونیکی و یا وکیل قانونی وی.

ب - تخطی صاحب گواهی الکترونیکی از تعهداتش.

پ - احراز صدور گواهی مبتنی بر اظهارات دروغ و اشتباه متقاضی.

ت - مشاهده تخلف صاحب گواهی و یا دفاتر ثبت نام و مرکز میانی از مندرجات این آیین نامه. در این صورت مرکز ریشه

دستور ابطال گواهی را صادر نماید.

ث - احراز صدور گواهی الکترونیکی که شامل اطلاعات شخص ثالث بوده و گواهی بدون رضایت وی صادر شده باشد.

ج - افشای کلید خصوصی نزد سایر افراد غیر مجاز.

ماده ۲۰ - تمامی دستگاههای اجرایی مکلفند مطابق برنامه زمانبندی شده ظرف دو سال از زمان ابلاغ این آیین نامه

فناوری امضای الکترونیکی مطمئن را در فعالیتهای و فرایندهای الکترونیکی حوزه عملکرد خود و سازمانهای تابعه مورد استفاده

قرار دهند و گزارش عملکرد خود را هر شش (۶) ماه یک بار به کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک ارائه نمایند.

معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

به پیوست یک نسخه اصلاحیه «تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۴/۵/۲۳ رئیس محترم قوه قضاییه» که به تاریخ ۱۳۸۶/۸/۸ مورد موافقت ریاست معظم قوه قضاییه قرار گرفته، جهت درج در روزنامه رسمی کشور ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر ویژه رئیس قوه قضاییه - مهدی دربین

اصلاحیه تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۴/۵/۲۳

الف - اصلاح ماده ۵ تعرفه مصوب ۱۳۸۴: در مواردی که موضوع کارشناسی توسط هیأت کارشناسان رسمی در هر رشته منتخب انجام می‌شود هزینه کارشناسی برای هر یک از کارشناسان گروه به تناسب افزایش تعداد به ازای هر نفر ۱۰٪ کاهش می‌یابد به شرط اینکه از حداقل دستمزد کارشناسی کمتر نشود.

ب - حذف ماده ۱۰ مکرر و اصلاح ماده ۱۰ تعرفه مصوب ۱۳۸۴: به منظور عدالت در امر کارشناسی کمیسیونی مرکب از سه عضو ۱ - نماینده‌ای از کمیسیون ماده ۱۳ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری ۲ - نماینده مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه ۳ - نماینده ریاست قوه قضاییه تشکیل می‌شود تا نسبت به توزیع امور ارجاعی اقدام نمایند همچنین در صورتی که برای بعضی از امور کارشناسی در این تعرفه دستمزد تعیین نشده باشد دستمزد آن بر حسب مورد توسط دادگاه یا کمیسیون ماده ۱۰ تعرفه تعیین می‌شود و حداقل دستمزد ۲۵۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

ج - اصلاح ماده ۱۵ تعرفه مصوب ۱۳۸۴: به جای عبارت «کمیسیون مقرر در ماده ۱۳ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱» عبارت «کمیسیون ماده ۱۰ تعرفه» جایگزین شود و همچنین به جای عبارت «بیش از ده میلیون ریال» عبارت «بیش از بیست و پنج میلیون ریال» جایگزین شود.

د - اصلاح ماده ۳۱ تعرفه مصوب ۱۳۸۴ به جای عبارت «تا حداکثر ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال» عبارت «تا حداکثر ۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال» جایگزین شود.

ه - اصلاح ماده ۳۶ تعرفه مصوب ۱۳۸۴ دستمزد ارزیابی اراضی غیره مزروعی و ابنیه و مصالح ساختمانی و تعیین حقوق کسب و پیشه و تجارت و سرقتی.

۱ - تا یکصد میلیون ریال ۵ در هزار.

۲ - از یکصد میلیون تا پانصد میلیون ریال، نسبت به مازاد ۲ در هزار.

۳ - از پانصد میلیون تا پنج میلیارد ریال، نسبت به مازاد ۱/۵ در هزار.

۴ - از پنج میلیارد ریال به بالا، نسبت به مازاد ۱ در هزار و حداکثر تا مبلغ ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال این اصلاحیه به تاریخ ۱۳۸۶/۸/۸ مورد موافقت رئیس قوه قضائیه قرار گرفته است.

سیدمحمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

وزارت دادگستری

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۳ بنا به پیشنهاد شماره ۱۱۱/۰۲/۱۴۵۱۴ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۵ وزارت دادگستری و به استناد ماده (۱۸۹) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده (۱۳۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ آیین نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری را به شرح زیر تصویب نمود:

آیین نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری

ماده ۱ - به منظور ارتقای جایگاه صلح و سازش و تسهیل و تسریع در حل و فصل پرونده‌های در صلاحیت دیوان عدالت اداری، «شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری» که در این آیین نامه به اختصار «شوراهای حل اختلاف تخصصی» نامیده می‌شوند، تشکیل می‌گردد.

ماده ۲ - حدود صلاحیت شوراهای حل اختلاف تخصصی، رسیدگی به پرونده‌های مربوط به اقدامات دستگاه‌های موضوع ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۸۵ - می‌باشد که قابلیت طرح در شعب دیوان عدالت اداری را دارند و دارای ماهیت قضایی نبوده یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است.

ماده ۳ - شوراهای حل اختلاف تخصصی با رعایت مفاد ماده (۶) این آیین نامه، در مراکز زیر تأسیس شده و به ترتیب زیر رسیدگی می‌نمایند:

الف - در محل دیوان عدالت اداری؛ برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین نامه در مواردی که به تشخیص معاون ارجاع یا رییس شعب دیوان با مصالح قابل حل می‌باشد؛

ب - در دستگاه‌های مستقر در تهران؛ با هماهنگی وزیر یا بالاترین مقام مسئول، برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین نامه در حوزه آن دستگاه؛

ج - در دستگاه‌های مستقر در مراکز استان‌ها؛ با هماهنگی استاندار و رییس کل دادگستری استان، برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین نامه در حوزه آن استان.

ماده ۴ - شوراهای حل اختلاف تخصصی دارای سه عضو اصلی به شرح زیر می‌باشند:

الف - یک نفر قاضی از میان رؤسای شعب یا مستشاران یا دادرسان دیوان عدالت اداری برای عضویت در شوراهای حل اختلاف تخصصی موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۳) این آیین نامه و یک نفر از قضات شاغل در مراکز استان‌ها که دارای حداقل ده سال سابقه قضایی باشد، برای عضویت در شوراهای حل اختلاف تخصصی موضوع بند (ج) ماده (۳) یاد شده؛

قاضی عضو شوراهای حل اختلاف تخصصی موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۳)، از سوی رییس دیوان عدالت اداری پیشنهاد و با ابلاغ رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود. قاضی عضو شوراهای حل اختلاف تخصصی مستقر در مراکز استانها با پیشنهاد رییس دیوان عدالت اداری و رییس کل دادگستری استان مربوط، انتخاب و از سوی رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود.

ب - یک نفر از مدیران دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این آیین نامه، دارای وثاقت و حداقل ده (۱۰) سال سابقه کاری؛ مدیران مذکور، بر حسب مورد در هر یک از شوراهای حل اختلاف تخصصی موضوع ماده (۳) آیین نامه به ترتیب با معرفی معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور یا وزیر و یا بالاترین مقام مسئول مربوط یا استاندار و با ابلاغ رییس دیوان عدالت اداری تعیین خواهند شد.

ج - یک نفر عضو معتمد از میان وکلاء، کارشناسان، قضات بازنشسته و سایر افراد صاحب‌نظر در موضوعات تخصصی، با ابلاغ رییس دیوان عدالت اداری.

تبصره ۱ - هر شورای حل اختلاف تخصصی می‌تواند دو عضو علی‌البدل با شرایط مندرج در بندهای (ب) و (ج) داشته باشد.

تبصره ۲ - مسئول دبیرخانه شورای حل اختلاف تخصصی، توسط دیوان عدالت اداری معرفی شده و برابر ضوابط جاری شوراهای مذکور فعالیت خواهد نمود.

ماده ۵ - مطرح شدن پرونده در شوراهای حل اختلاف تخصصی به یکی از سه طریق زیر می‌باشد:

الف - مراجعه مستقیم شاکی و طرح شکایت در شورا؛

ب - ارجاع پرونده از سوی واحد ارجاع دیوان عدالت اداری قبل از ثبت در دیوان؛

ج - ارجاع پرونده‌های مطروحه در شعب دیوان با پیشنهاد رییس شعبه رسیدگی کننده و موافقت مقام ارجاع کننده.

ماده ۶ - یکی از معاونین دیوان عدالت اداری با هماهنگی اداره کل پیگیری امور استان‌های قوه قضاییه و معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور یا وزیر و بالاترین مقام مسئول مربوط یا استاندار (بر حسب مورد)، نسبت به تشکیل شوراهای حل اختلاف تخصصی و تأمین و گزینش نیروی انسانی و اداره آن اقدام می‌نماید. سازمان و تشکیلات این شوراها از سوی معاونت مزبور تدوین و با پیشنهاد رییس دیوان عدالت اداری و تصویب رییس قوه قضاییه به مرحله اجراء درمی‌آید.

ماده ۷ - پرونده‌های مطرح شده در شوراهای حل اختلاف تخصصی به طریق زیر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

الف - موضوع بدو از طریق راهنمایی شاکی و مأمور یا اداره طرف شکایت و ضمن تلاش در حل آن از طریق تصالح، مورد پیگیری قرار گرفته و در صورت حصول توافق طرفین، اتخاذ تصمیم شده و ضمن تنظیم گزارش اصلاحی، پرونده مختومه می‌گردد.

ب - در صورتی که مطابق نظر اکثریت اعضای شورای حل اختلاف تخصصی، پرونده غیر قابل رسیدگی در آن شورا باشد، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده به دیوان عدالت اداری ارسال تا مطابق قانون دیوان عدالت اداری جهت رسیدگی به یکی از شعب آن ارجاع می‌گردد.

ج - چنانچه موضوع از طریق مصالحه حل و فصل نشود، پرونده طبق قوانین و مقررات مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و بر اساس رأی اکثریتی که قاضی عضو شورا در آن قرار دارد، حکم مقتضی صادر می‌شود. این رأی به طرفین ابلاغ گردیده و در فرصت قانونی قابل تجدیدنظر در شعب دیوان خواهد بود. در صورتی که رأی اکثریت مشتمل بر رأی قاضی عضو شورا نباشد، طبق بند (ب) این ماده عمل خواهد شد.

ماده ۸ - رسیدگی در شوراهای حل اختلاف تخصصی تابع تشریفات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.

ماده ۹ - محل استقرار و تجهیزات مورد نیاز شوراهای حل اختلاف تخصصی، به نحو زیر تأمین خواهد شد:

الف - شوراهای موضوع بند (الف) ماده ۳، از سوی قوه قضاییه و دیوان عدالت اداری؛

ب - شوراهای موضوع بند (ب) ماده (۳)، از سوی دستگاه محل استقرار شعب شوراهای تخصصی.

ج - شوراهای موضوع بند (ج) ماده (۳)، از سوی استانداری یا دادگستری استان مربوط بر حسب توافق دیوان عدالت اداری و دو مرجع مزبور.

ماده ۱۰ - حق الزحمه اعضای شوراهای حل اختلاف تخصصی بر اساس دستورالعملی که از سوی رییس دیوان عدالت

اداری و اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته قوه قضاییه تدوین و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد، از محل اعتبارات دیوان عدالت اداری تأمین می‌گردد.

ماده ۱۱ - اعتبارات لازم برای اجرای این آیین نامه، همه ساله در بودجه سنواتی دستگاه‌های مربوط پیش‌بینی خواهد شد.

ماده ۱۲ - رییس دیوان عدالت اداری موظف است تمهیدات لازم جهت نظارت بر انجام کار شوراهای حل اختلاف

تخصصی را فراهم نماید.

این آیین نامه به عنوان الحاقیه به آیین نامه موضوع ماده (۱۸۹) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده (۱۳۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۷۹۴۹/ت/۳۳۴۱۶ هـ مورخ ۱۳۸۴/۵/۸ اضافه می‌شود.

معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

با احترام به پیوست آیین نامه نظام جامع اطلاع رسانی قوه قضائیه که به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است جهت اطلاع ارسال می گردد.

مدیر کل دبیرخانه قوه قضائیه - محسن محدث

آیین نامه نظام جامع اطلاع رسانی قوه قضائیه

الف - کلیات

ماده ۱ - به منظور هماهنگی و تمرکز در سیاست‌ها، ایجاد هماهنگی در برنامه‌های کلان و تلفیقی اطلاع رسانی قوه قضائیه و در راستای برنامه دوم توسعه قضایی، «آیین نامه نظام جامع اطلاع رسانی قوه قضائیه» به شرح مواد آتی تصویب می‌شود.

ماده ۲ - تعاریف:

۲ - ۱ - قوه قضائیه: شامل بخش‌های ستادی و استانی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه.

۲ - ۲ - نظام اطلاع رسانی قوه قضائیه: مجموعه‌ای از فرآیندهای برنامه‌ریزی، فراهم آوری، پردازش و نشر اطلاعات، پشتیبانی، نظارت، ارزیابی و کنترل آن و ارتباطات فی مابین.

۲ - ۳ - روش‌های اطلاع رسانی: اطلاع رسانی به یکی از روش‌های شفاهی، مکتوب، مجازی (الکترونیکی)، سایر روش‌ها و یا ترکیبی از آنها انجام خواهد شد.

الف - اطلاع رسانی شفاهی (گفتاری): از طریق اعلام نظر، موضع و خبررسانی از طریق انجام مصاحبه با رسانه‌ها و یا به صورت مستقیم برای جمعی از افراد انجام می‌شود.

ب - اطلاع رسانی مکتوب: شامل اعلام نظر، موضع و خبررسانی به صورت نوشتاری و از طریق انتشار نشریات ادواری و غیر ادواری، بولتن‌های خبری و گزارش‌های عملکرد می‌باشد.

ج - اطلاع رسانی مجازی: اعلام نظر، موضع و خبررسانی از طریق فضای سایبر و یا استفاده از برخی نوآوری‌های تکنولوژیک نظیر SMS را در بر گیرد.

د - سایر روش‌های اطلاع رسانی: شامل همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی و امثالهم است.

۲ - ۴ - اطلاع رسانی ویژه (اطلاعات و اخبار ویژه): ارائه و نشر اطلاعات و اخبار ویژه شامل هرگونه طرح موضوع قبل از

اقدام پیشگیرانه یا تعقیب قضایی اشخاص، از جمله پرونده‌های موضوع تبصره ذیل ماده ۴ (الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸) و ماده ۵ قانون

تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و مواد ۴۹۸ تا ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، پرونده‌های ملی، حساس و مهم و پرونده‌هایی که ممکن است بازتاب داخلی یا بین‌المللی داشته باشد و نیز در ارتباط با اتباع خارجی. البته با رعایت قوانین و مقررات مربوط به محرمانه بودن مطالب.

۲ - ۵ - موضوعات اطلاع‌رسانی: سیاست‌ها و برنامه‌های قوه قضائیه، عملکرد قوه قضائیه، اخبار قضایی، پاسخ‌ها و مواضع رسمی قوه قضائیه در قبال موضوعات داخلی و بین‌المللی، اطلاعات پایه و عمومی حقوقی و قضایی.

۲ - ۶ - دوره اطلاع‌رسانی:

الف - فوری (بدون فوت وقت): در موارد اطلاع‌رسانی ویژه و یا بر حسب نیاز مسئولین ذیربط.

ب - دوره‌ای (روزانه، هفتگی، ماهانه، ...): اهم رخدادها، اخبار، گزارش عملکرد در چارچوب وظایف تشکیلاتی، قضایی و تخصصی هر بخش.

ج - موردی: هرگونه گزارش بر حسب نیاز مخاطبین در چارچوب آیین نامه اطلاع‌رسانی قوه قضائیه.

۲ - ۷ - مخاطبین نظام اطلاع‌رسانی قوه قضائیه:

الف - مخاطبین درون قوه قضائیه (۱ - رئیس قوه قضائیه، ۲ - مسؤولان و مدیران عالی قوه قضائیه، ۳ - قضات ۴ - نخبگان حقوقی و خبرگان قضایی قوه قضائیه ۵ - کارکنان قوه قضائیه، ۶ - عوامل خبری قوه قضائیه).

ب - مخاطبین محیطی - کشوری (بیرون قوه قضائیه) (۱ - رهبر معظم انقلاب اسلامی ۲ - سران قوای مجریه و مقننه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ۳ - مدیران عالی کشور (وزرا، نمایندگان مجلس، سفرا، ...) ۴ - آیات عظام و فقها، نخبگان حقوقی و فقهی ۵ - مسؤولین و کارشناسان موضوعی، اشخاص مرتبط مانند وکلا، کارشناسان، خبرگان محلی ۶ - صنوف، احزاب، نهادهای مدنی ۷ - شهروندان ۸ - عوامل خبری و سایر).

ج - مخاطبین محیطی - بین‌المللی (۱ - سران و مقامات سایر کشورها، ۲ - مسؤولان و مقامات سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای ۳ - کارشناسان و متخصصان بین‌المللی ۴ - سازمانها و نهادهای مدنی مرتبط، ۵ - عوامل خبری و سایر).

۲ - ۸ - حوزه جغرافیایی نظام اطلاع‌رسانی قوه قضائیه: محدوده اطلاع‌رسانی شامل موارد زیر است:

الف - استان تهران (به عنوان مرکز اصلی فعالیت مدیران و مسؤولان عالی کشور و محل رسیدگی به پرونده‌های مهم قضایی).

ب - سایر استان‌های کشور.

ج - کشورهای اسلامی، کشورهای آسیایی، سایر کشورهای جهان.

۲ - ۹ - اطلاعات طبقه‌بندی شده: اسناد و مطالبی است که به موجب قانون و «آیین نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱» به چهار دسته محرمانه، خیلی

محرمانه، سری و به کلی سری تقسیم شده است.»

۲ - ۱۰ - عوامل خبری: افرادی هستند که به صورت مجازاز موضوعات خبری گزارش، فیلم، عکس و نوار تهیه و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند.

۲ - ۱۱ - مسؤول اطلاع‌رسانی ویژه: فردی است که از سوی رئیس قوه قضائیه برای اخذ اطلاعات ویژه و انعکاس فوری آن به ایشان، تعیین می‌گردد.

۲ - ۱۲ - مسؤول اطلاع‌رسانی داخلی: فردی است که از سوی بالاترین مقام تمامی بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه در سطوح سازمانی قوه قضائیه، به عنوان مسؤول اطلاع‌رسانی حوزه ذیربط به دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، معرفی می‌شود.

ب - ارکان نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه

ماده ۳ - ارکان نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱ - شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه.

۲ - دبیرخانه شورا.

۳ - کمیته مرکزی هماهنگی شورا.

۴ - کمیته‌های تخصصی شورا شامل:

۴ - ۱ - کمیته ارتقای مدیریت و نظارت (مأموریت اصلی: توسعه مدیریت و منابع نظام اطلاع‌رسانی و توسعه علمی، پژوهشی و فناوری‌های نو و روزآمد.

۴ - ۲ - کمیته ارتقای اطلاع‌رسانی (مأموریت اصلی: ارزیابی فرایند اطلاع‌رسانی و ارتقای کمی و کیفی اطلاع‌رسانی).

۴ - ۳ - کمیته فرهنگ‌سازی و توسعه مشارکت‌ها (مأموریت اصلی: ارتقای سطح دانش حقوقی و قضایی جامعه، و توسعه تعامل و مشارکت مردم، مسؤولان، خبرگان، رسانه‌ها و نهادهای ذیربط).

۵ - کمیته‌های اطلاع‌رسانی استانی.

۶ - واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی تابعه.

تبصره - تمامی فرآیندها و اقدامات اجرایی توسط واحدهای سازمانی ذیربط در قوه قضائیه انجام می‌شود و واحدهای مذکور موظف به اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب شورای اطلاع‌رسانی می‌باشند.

ماده ۴ - اعضای «شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه» به شرح زیر است:

۱ - رئیس شورا.

۲ - سخنگوی قوه قضائیه (دبیر شورا).

۳ - رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه.

۴ - رئیس سازمان بازرسی کل کشور.

۵ - معاون حقوقی و توسعه قضایی.

۶ - معاون آموزش.

۷ - رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی.

۸ - دبیر ستاد حقوق بشر.

۹ - رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه.

۱۰ - رئیس کل دادگستری استان تهران.

۱۱ - دادستان عمومی و انقلاب تهران.

تبصره ۱ - رئیس شورای اطلاع‌رسانی توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۲ - جلسات شورای اطلاع‌رسانی حداقل هر ۳ ماه یکبار تشکیل می‌شود.

تبصره ۳ - دبیر شورا می‌تواند بر حسب مورد از مسئولان قضایی و نمایندگان سایر نهادهای کشور دعوت به عمل آورد.

ماده ۵ - وظایف و اختیارات شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱ - تدوین و بازنگری برنامه راهبردی اطلاع‌رسانی قوه قضائیه.

۲ - بررسی و تصویب مفاهیم، تعاریف، مقررات، آیین نامه‌های اطلاع‌رسانی مورد نیاز.

۳ - نظارت بر فرآیندها و شیوه‌های اطلاع‌رسانی از قبیل پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، نشریات و اخبار منتشره.

۴ - تصمیم‌گیری در خصوص اطلاع‌رسانی‌های ویژه.

۵ - ایجاد هماهنگی مابین کمیته‌های تخصصی و بخش‌های مختلف نظام اطلاع‌رسانی قوه قضائیه.

۶ - ایجاد هماهنگی مابین روابط عمومی‌ها و نهادهای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه.

۷ - نظارت، ارزیابی و کنترل فعالیت‌های کمیته‌های تخصصی.

۸ - تهیه مواد لازم برای بررسی و تصویب شورای اطلاع‌رسانی.

ماده ۹ - وظایف و اختیارات کمیته‌های تخصصی بدین شرح است:

۱ - کارشناسی موضوعات تخصصی مرتبط مبتنی بر راهبردها و مأموریت نظام اطلاع‌رسانی.

۲ - هماهنگی بین بخش‌های اجرایی مرتبط در ساختار قوه قضائیه (اعم از ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های

تابعه).

۳ - نظارت، ارزیابی و کنترل بر صحت فعالیت بخش‌های اجرایی مرتبط در ساختار قوه قضائیه (اعم از ستادی، تشکیلات

قضایی و سازمان‌های تابعه) در چارچوب نظام اطلاع‌رسانی.

۴ - ارائه مصوبات کمیته‌ها به کمیته مرکزی هماهنگی شورا برای بررسی و تصویب.

تبصره ۱ - ریاست کمیته‌های تخصصی به پیشنهاد دبیر شورا و با حکم رئیس شورا و بر عهده یکی از مدیران کل قوه قضائیه یا نمایندگان نهادهای عضو خواهد بود، که فعالیت حوزه متبوعش مرتبط با موضوع تخصصی آن کمیته باشد.

تبصره ۲ - جلسات کمیته‌ها بر حسب موضوع و نیاز به صورت هفتگی و یا حداکثر ماهانه تشکیل خواهد شد.

ماده ۱۰ - در هر استان کمیته اطلاع‌رسانی با هدف ایجاد هماهنگی و انسجام و تسریع و تسهیل در اطلاع‌رسانی، به خصوص اطلاع‌رسانی‌های ویژه، به ریاست یکی از معاونین دادگستری استان یا دادستان مرکز استان به انتخاب رئیس کل دادگستری استان، و دبیری مسؤول روابط عمومی و اطلاع‌رسانی دادگستری و عضویت دادستان مرکز استان و نمایندگان اطلاع‌رسانی واحدهای استانی سازمان‌های تابعه قوه قضائیه، تشکیل می‌شود.

تبصره - دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی وظیفه برقراری ارتباط مستمر، ایجاد هماهنگی مابین کمیته‌ها اطلاع‌رسانی استان‌ها را بر عهده خواهد داشت.

ج - شرایط اطلاع‌رسانی

ماده ۱۱ - مسؤولین اطلاع‌رسانی در بخش‌های ستادی و استانی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه موظفند:

الف - اهم اطلاعات و اخبار حوزه تحت پوشش خود را به صورت روزانه و به طریق مناسب به دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی اعلام و ارسال نمایند.

ب - اطلاعات و اخبار ویژه را پس از اطلاع، بدون فوت وقت در تمامی اوقات شبانه‌روز به دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی و «مسؤول اطلاع‌رسانی ویژه»، از طریق مقتضی منعکس نمایند.

تبصره - دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی موظف است به صورت مستمر، دوره‌ای و سطح‌مند نسبت به اطلاع‌رسانی به مخاطبین مختلف به ویژه مقامات عالی کشور اقدام نماید. جزئیات این اطلاع‌رسانی بر اساس دستورالعملی خواهد بود که توسط کمیته مرکزی هماهنگی شورا تهیه می‌شود.

ماده ۱۲ - مقامات مجاز به اطلاع‌رسانی و محدوده اطلاع‌رسانی هر یک:

۱ - رئیس شورای اطلاع‌رسانی، سخنگوی قوه قضائیه، معاون اول قوه قضائیه، دادستان کل کشور، رئیس حوزه ریاست: اطلاع‌رسانی در ارتباط با سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و مربوط به کلیت قوه قضائیه اعم از تشکیلات اداری، قضایی و سازمان‌های تابعه، اطلاع‌رسانی ویژه، مواضع رسمی و پاسخگویی‌های قوه قضائیه و به طور اخص در ارتباط با پرونده‌های ملی و حساس و مهم و پرونده‌هایی که ممکن است بازتاب داخلی یا بین‌المللی داشته باشد، اخبار مربوط به احضار یا بازداشت اتباع

خارجی.

۲ - رئیس دیوان عالی کشور، رئیس دیوان عدالت اداری، سایر معاونین قوه قضائیه، رؤسای سازمان‌های تابعه، رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه، رئیس دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری: اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اخبار حوزه مرتبط.

۳ - رؤسای کل دادگستری استان، دادستان مرکز استان، مدیران کل سازمان‌های تابعه استانی، (معاونان رؤسای کل دادگستری استان، دادستان‌های استان و معاونان آنان، رؤسای دادگستری‌های شهرستان‌ها، رؤسای مجتمع‌های قضایی همگی با هماهنگی رئیس کل دادگستری استان): اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اخبار حوزه مرتبط و یا بر حسب تفویض شورا.

۴ - مدیران روابط عمومی و اطلاع‌رسانی یا مسؤولین اطلاع‌رسانی در هر بخش ستادی و استانی یا قضایی: اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اطلاع‌رسانی ویژه حوزه مرتبط با هماهنگی بالاترین مقام مرتبط و در چارچوب آیین نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه.

تبصره - کمیته مرکزی هماهنگی شورا می‌تواند بر حسب لزوم، اطلاع‌رسانی در برخی موارد را با تعیین حدود و ثغور و شکل آن، به یک یا چند نفر از افراد مندرج در ماده ۱۲ این آیین نامه تفویض نماید.

ماده ۱۳ - هرگونه اطلاع‌رسانی اعم از مصاحبه، افشاء، انتشار اخبار و صدور اطلاعیه در موارد زیر ممنوع می‌باشد:

- اسناد و اطلاعات دارای طبقه‌بندی حفاظتی (اسناد سری و محرمانه دولتی).

- مذاکرات غیر علنی محاکم و تحقیقات مراجع قضائی و انتظامی در مرحله مقدماتی و انتشار جریان دادگاه علنی قبل از قطعی شدن حکم.

- دعاوی خصوصی اشخاصی که حداقل یکی از طرفین دعوی تقاضای غیر علنی بودن آن را نموده باشد و همچنین انتشار اسامی، عناوین اتهام که مغایر با حیثیت و آبروی اشخاص باشد.

- جریان رسیدگی به جرائم خانوادگی، اطفال و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت طفل متهم.

- اخباری که افشاء و انتشار آن موجب اختلال و مانع انجام صحیح و سالم در روند دادرسی عادلانه قضایی گردد.

- اخباری که موجب تفرقه و دوگانگی و تشدید درگیری میان اقشار جامعه، گروه‌ها احزاب و مسؤولین شود.

- اخباری که موجب آشفتگی، اذهان عمومی و یا هراس بین آنان و یا موجب بی‌اعتمادی عمومی به نظام و دستگاه قضائی شود.

- مصاحبه، صدور اطلاعیه یا خبری که مغایر شأن قضات و یا موجب خدشه‌دار شدن اقتدار و استقلال قضایی شود.

- هرگونه اظهار عقیده مقامات قضایی در خصوص براءت و مجرمیت متهم قبل از اتمام رسیدگی و اعلام رأی.

- گزارش‌های بازرسان بازرسی کل کشور به تشخیص رئیس قوه قضائیه.

تبصره - در صورت ضرورت انتشار اطلاعیه، خبر و یا مصاحبه به منظور اطلاع‌رسانی همگانی، هشدار یا استمداد از کلیه اقشار جامعه در خصوص پرونده‌های قضایی که انتشار و افشاء اطلاعات آن مطابق مفاد این آیین نامه ممنوع می‌باشد، بنا به تشخیص شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و با کسب اجازه از رئیس قوه قضائیه، اطلاعات لازم و کافی از قاضی رسیدگی کننده پرونده اخذ و متن خبر و نحوه و میزان انتشار آن در حد ضرورت که متضمن افشاء اسرار و اطلاعات طبقه‌بندی شده نباشد، توسط شورا تهیه و در اختیار سخنگوی قوه قضائیه و یا روابط عمومی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه رأساً یا با هدایت عوامل خبری، فیلم و گزارش به میزان تعیین شده، تهیه و اطلاع‌رسانی می‌نماید.

د- الزامات و شرایط همکاری واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی با عوامل خبری

ماده ۱۴ - رعایت موارد زیر برای حضور عوامل خبری در هر یک از اماکن قضایی و اداری قوه قضائیه الزامی است:

۱ - هماهنگی با روابط عمومی مربوط.

۲ - رعایت اخلاق و شئون حرفه‌ای.

۳ - ارائه معرفی‌نامه از رسانه متبوع.

۴ - تردد و فعالیت صرفاً در محل‌های تعیین شده توسط روابط عمومی.

۵ - انجام فعالیت خبری در چارچوب موازین قانونی.

ماده ۱۵ - تهیه هرگونه خبر، فیلم و عکس در محیط دادسراها، دادگاه‌های علنی و نیز سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه باید با هماهنگی و تحت نظر واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی انجام پذیرد. نظارت بر موضوعات فیلمبرداری و عکس و خبر و کنترل ممنوعیت‌های قانونی بر عهده روابط عمومی و اطلاع‌رسانی می‌باشد.

ماده ۱۶ - روابط عمومی‌ها موظفند در ارتباط با عوامل خبری، اقدامات زیر را انجام دهند:

۱ - اخذ و تکمیل اسم، مشخصات و امضاء عوامل خبری مطابق فرم‌های مصوب.

۲ - هدایت و معرفی عوامل خبری به مراجع مربوط در چهارچوب محور تعیین شده از سوی رسانه اعزام کننده.

۳ - نظارت و کنترل عوامل خبری برای تهیه فیلم، عکس، صدا و گزارش در چارچوب موازین قانونی.

۴ - نگهداری کلیه معرفی‌نامه‌ها و نیز فرم‌های تکمیل و امضاء شده توسط خبرنگاران و سایر گروه‌های خبری و تهیه

کنندگان فیلم و سریال و دادستان در روابط عمومی و اطلاع‌رسانی.

ه- سایر مواد

ماده ۱۷ - کلیه بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه در تمامی سطوح سازمان، در صورتی که دارای

واحد روابط عمومی و اطلاع‌رسانی نیستند موظفند حداقل یک نفر را به عنوان مسؤول و رابط اطلاع‌رسانی به دبیرخانه شورای

اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، معرفی نمایند.

ماده ۱۸ - کلیه بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه مکلفند ضمن همکاری با شورای اطلاع‌رسانی، دبیرخانه شورا و کمیته‌های آن، برنامه‌های خود در حوزه اطلاع‌رسانی را منطبق با سیاست‌ها، برنامه‌ها و استانداردهای مصوب شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و کمیته‌های آن، تنظیم و اجرا نمایند.

تبصره - برنامه و بودجه حوزه روابط عمومی و اطلاع‌رسانی باید به صورت سالانه پس از بررسی در کمیته‌های تخصصی، به تصویب شورای اطلاع‌رسانی و ریاست قوه قضائیه برسد.

ماده ۱۹ - کلیه مصوبات و بخشنامه‌های شورای اطلاع‌رسانی برای ابلاغ به بخش‌های مختلف قوه قضائیه، پس از تأیید ریاست قوه قضائیه از طریق رئیس شورا ابلاغ می‌شود.

ماده ۲۰ - مسؤولیت اجرای مفاد این آیین نامه به عهده بالاترین مقام مسؤول بخش‌های مختلف قوه قضائیه می‌باشد.

ماده ۲۱ - نظارت بر حسن اجرای مفاد این آیین نامه بر عهده شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه می‌باشد. در صورت مشاهده تخلف موارد توسط رئیس شورا به مراجع ذیصلاح جهت اقدام، گزارش خواهد شد.

ماده ۲۲ - این آیین نامه در ۲۲ ماده و ۱۵ تبصره تنظیم و در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۹ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. از این تاریخ «آیین نامه اجرایی شورای عالی اطلاع‌رسانی و پاسخگویی قوه قضائیه»، منسوخ و آیین نامه حاضر جایگزین آن و لازم‌الاجرا است.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

آئین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران انجمن زرتشتیان تهران

شماره ۱۹۷-۲۳ مورخ ۱۳۸۶/۹/۱۰

جناب آقای امیرحسین پورسینا

ریاست محترم هیات مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور

با درود فراوان

نظر به اینکه احوال شخصیه ویژه جامعه زرتشتیان ایران برابر اصل سیزدهم قانون اساسی بازنگری شده و مورد تایید انجمن موبدان تهران (مرجع دینی زرتشتیان) و انجمن ها و نهادهای زرتشتی سراسر کشور در همایش تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۷ قرار گرفته است و از آن تاریخ لازم الاجرا است، ضمن ارسال متن این آیین نامه که تغییرات پیشنهادی اداره حقوقی قوه قضائیه نیز برابر نامه شماره ۷/۵۷۳۴ به تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۸ در آن صورت گرفته، شایسته است گزارش آن را در روزنامه رسمی کشور برای اطلاع عموم درج فرمایید.

نماینده زرتشتیان ایران - کورش نیکنام

شماره ۷/۵۷۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۸

ریاست محترم هیأت مدیره و مدیریت عامل روزنامه رسمی کشور

بازگشت به استعلام شماره ۹/۲۳۹۲ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۱ منضم به یک نسخه از آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران که پس از بررسی اولیه، نسخه دیگری از آن با اصلاحات مختصری در مواد ۹ و ۱۵ و ۴۳ و ۵۴ و ۵۸ و ۶۷ طی نامه شماره ۴۰/۲۱۰۶ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۶ به این اداره کل واصل و در کمیسیون مشورتی قوانین مدنی مورد بررسی و مطالعه و اظهارنظر قرار گرفت، نظریه مشورتی کمیسیون نامبرده به شرح ذیل اعلام می شود:

آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران مصوب بیست و هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش در چهارمین همایش سراسری نهادها و انجمن های زرتشتی سراسری ایران با اصلاحات جزئی موضوع نامه شماره ۴۰/۲۱۰۶ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۶ ریاست محترم انجمن زرتشتیان تهران مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و خلاف انتظامات عمومی بنظر نرسید.

معاون اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه - صدرالدین کیوانی

آئین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران

انجمن زرتشتیان تهران

۱- خواستگاری

ماده ۱- از هر دختر یا زن زرتشتی، که شرط لازم برای زناشویی را داشته باشد، می توان خواستگاری کرد.

ماده ۲- رضایت طرفین در زمینه خواستگاری و نامزدی شرط کافی برای پیمان زناشویی نیست.

ماده ۳- وکالت دادن برای اجرای مراسم نامزدی و زناشویی در صورتی لازم است که حضور شخص موکل امکان نداشته باشد.

۲- نامزدی

ماده ۴- نامزدی را در زمانی می‌توان اجرا کرد که دختر چهارده سال تمام و پسر شانزده سال تمام داشته‌باشد.

ماده ۵- پس از خواستگاری دختر یا زن و دریافت رضایت از او و والدینش می‌توان او را به نامزدی اختیار کرد.

ماده ۶- مراسم نامزدی عبارت است از دو حلقه که پسر و دختر به‌دست یکدیگر می‌کنند و هدایایی که خانواده آنها به هم می‌دهند.

ماده ۷- جایگاه نامزدی به مانند زناشویی نیست که پسر و دختر آزادی کامل در امر زناشویی داشته‌باشند.

ماده ۸- پس از فسخ نامزدی هر یک از نامزدها، می‌توانند هدایایی را که خود یا والدین آنها به طرف دیگر داده، درخواست کنند و چنانچه هدایا موجود نباشد، قیمت زمان درخواست آنها دریافت خواهدشد.

ماده ۹- در صورت فسخ نامزدی خساراتی که از جهت اعتماد در انجام زناشویی وارد آمده‌است، با تایید کارشناس، قابل دریافت است.

ماده ۱۰- در موردی که قبل از اجرای مراسم زناشویی یکی از نامزدها از جهان درگذرد و از سوی نامزد دیگر و خانواده‌اش هدایایی که به عنوان نامزدی داده‌شده‌است می‌تواند درخواست شود، در صورتی که هدایا موجود نباشد قیمت زمان خرید هدایا دریافت خواهدشد مگر اینکه آن هدایا در سنت و آیین‌ها استفاده‌شده‌باشند.

ماده ۱۱- مدت گذشت زمان دعاوی ناشی از فسخ نامزدی از تاریخ وقوع فسخ دو سال است.

۳- حقوق و تکالیف زناشویی و شرح دارایی‌ها

ماده ۱۲- پیش از آنکه دختر به سن شانزده سالگی و پسر به سن هیجده سالگی برسد اجرای مراسم زناشویی جایز نیست.

ماده ۱۳- پیش از پیوند زناشویی، گواهی پزشک برای سلامت عروس و داماد از بیماری‌های تنی و روانی، واگیردار و آمیزشی، عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشاوره ژنتیکی الزامی است.

ماده ۱۴- اجرای مراسم زناشویی به روش دین مزیدیسی (زرتشتی) و با اجرای مراسم گواه‌گیری (عقد) توسط موید و با حضور دست کم هفت نفر از اعضای خانواده و افراد زرتشتی که کمتر از بیست و پنج سال نداشته‌باشند انجام می‌یابد و با شنیدن پاسخ آری، و از روی خشنودی که عروس و داماد خواهندگفت، با ثبت در دفتر ازدواج زرتشتیان، پیوند زناشویی تکمیل خواهدشد.

ماده ۱۵- اجرای مراسم زناشویی مادامی که دختر و پسر در سن کمتر از بیست و یک سالگی باشند علاوه بر خواست طرفین رضایت والدین پسر و دختر را نیز لازم دارد، در صورتی که یکی از والدین درگذشته‌باشد رضایت پدر و یا مادر زنده شرط خواهدبود و چنانچه از والدین هیچ یک زنده نباشند رضایت و اجازه جد و با نبودن آنها اجازه جده لازم است.

ماده ۱۶- برای هر مرد زرتشتی بیش از یک زن و برای هر زن زرتشتی بیش از یک شوهر جایز نیست مگر در صورتی که همسر او در گذشته باشد یا جدایی برابر این آیین نامه روی داده باشد.

ماده ۱۷- پس از آیین گواه گیری و پیوند زناشویی، روابط پس از ازدواج و حقوق و تکالیف زن و شوهر در برابر یکدیگر برقرار می گردد.

ماده ۱۸- برای احترام به زندگی مشترک و اینکه عروس و داماد پس از مراسم زناشویی، در همه بخش های زندگی با یکدیگر شریک و همراه باشند، از این رو پس از تاریخ ثبت ازدواج ملزم به رعایت تبصره های زیر می باشند.

تبصره یک: دارایی که پسر یا دختر پیش از ازدواج خود داشته اند، متعلق به خودشان می باشد.

تبصره دو: دارایی که شوهر یا زن به صورت هدیه، جایزه، بخشش، ارث، وصیت و صلح به دست آورده اند جزو دارایی شخصی آنها به شمار می رود.

تبصره سه: هرگونه بدهی که پیش از ازدواج هر یک از شوهر و زن داشته باشند، مربوط به خود آنها است و در صورت توافق کتبی طرفین از دارایی مشترک پرداخت خواهد شد.

تبصره چهار: دارایی که شوهر و زن پس از ازدواج به تنهایی یا هر دو با کار و سرمایه گذاری به دست می آورند جزو اموال مشترک آنان خواهد بود.

ماده ۱۹- سرپرستی خانواده در طول زندگی با شوهر بوده ولی پس از درگذشت و یا محجور و ممنوع یا غایب مفقودالاثر شدنش با زن وی است.

۴- موارد و موانع زناشویی

ماده ۲۰- زناشویی در میان خویشاوندان به شرح زیر ممنوع است:

الف: با پدر و اجداد و با مادر و جدات خود و همسر هر قدر بالا رود.

ب: با اولاد خود و همسر هر قدر پایین رود.

پ: با برادر و خواهر و اولاد آنان هر قدر پایین رود.

ت: با عموها و عمه ها، خالوها و خاله ها.

ث: فرزند خوانده با پدر و مادر خوانده و برادر و خواهر خوانده و اولاد خوانده خود و همسر هر قدر پایین رود.

۵- مهریه

ماده ۲۱- در آیین زرتشتی طلاق اختیاری نیست بنابراین در اجرای مراسم زناشویی مهریه تعیین و قید نمی شود.

۶- موارد امکان فسخ زناشویی یا طلاق

ماده ۲۲- هرگاه به هنگام اجرای مراسم زناشویی زن و یا شوهر دیوانه بوده یا اختلال حواس داشته در صورتی که همسر و خانواده‌اش از جنون و اختلال حواس او آگاه نبوده‌است بر طبق تقاضای طرف دیگر ازدواج قابل فسخ است ولی چنانچه پس از زناشویی و آمیزش، زن جنون و یا بیماری درمان‌ناپذیری پیدا کند که توانایی انجام وظایف زناشویی را نداشته، مدت دو سال به طول انجامد و پزشکان قادر به درمان او نباشند شوهر به استناد گواهینامه پزشک قانونی و به شرط نگهداری و پرداخت هزینه زندگی زن خود مجاز به اختیار یک همسر دیگر خواهد بود و در صورت درگذشت شوهر، هر یک از دو همسر به شرح این آیین‌نامه در بخش ارث، به طور مساوی، از تمام دارایی شوهر، بهره‌مند خواهند شد.

تبصره - جنون (هر یک از زوجین) اگر بعد از مراسم ازدواج، حادث گردد و مدت دو سال، به طول انجامد و پزشکان قادر به درمانش نباشند، به استناد گواهی پزشک قانونی، از دلایل درخواست طلاق از جانب طرف دیگر خواهد بود.

ماده ۲۳- هرگاه پس از ازدواج مشخص شود که شوهر یا زن یا هر دو توانایی بچه‌دار شدن نداشته و با چاره جویی مدت حداقل سه سال درمان نشود و پزشک قانونی گواهی دهد که هر کدام درمان‌پذیر نیستند، زن یا شوهری که درمان‌پذیر است، می‌تواند درخواست طلاق کند و چنانچه زن توانایی بچه‌دار شدن نداشته باشد، شوهر با اخذ رضایت زن خود می‌تواند همسر دیگری اختیار کند.

ماده ۲۴- ابتلاء زن و یا شوهر، به هرگونه مواد مخدر با گواهی پزشک قانونی، که به اساس زندگی خانوادگی آسیب وارد کند و ادامه زندگی برای طرف دیگر دشوار باشد، از دلایل طلاق برای همسر او می‌باشد.

ماده ۲۵- در صورتی که شوهری به شرط تمکین زن در مدت دو سال مخارج زندگی را به زن خود نپردازد، در پی درخواست زن، طلاق مجاز است.

ماده ۲۶- چنانچه اثبات شود که زن مرتکب زناشده شوهر می‌تواند او را طلاق دهد و همچنین اگر ثابت شود با زن دیگر زناکرده زن او می‌تواند درخواست طلاق نماید.

ماده ۲۷- هرگاه ثابت شود که شوهر نسبت به زن خود به گونه‌ی ستم و بی‌رحمی روا داشته که خطر جانی، مالی و شرافتی داشته و ادامه زندگی آنان پس از اندرزه‌های بزرگ‌ترها و رسیدگی شورای حل اختلاف انجمن زرتشتیان محل سکونت میسر نباشد زن می‌تواند تقاضای طلاق کند و از شوهر خود جدا شود.

تبصره یک: در موردی که زن به کیفیت مذکور در ماده یادشده حداکثر دو سال جدایی اختیار کرده و در منزل دیگری اقامت کند شوهر وظیفه‌دار نسبت به درآمد خود و در خور شخصیت و احتیاج واقعی زن، مخارج او را در منزل جداگانه پرداخت کند.

تبصره دو: هنگامی که زن به کیفیت مذکور در ماده یادشده بخواند تقاضای طلاق کند تا تکلیف او با رأی دادگاه تعیین نشده‌است با نظر دادگاه می‌تواند در زمانی که پرونده او در دادگاه مطرح است منزل جداگانه اختیار کند و مخارج زندگی خود را به شرح ماده ۲۷ تقاضا و اخذ کند.

تبصره سه: در مورد جدایی موقت زن به شرح ماده ۲۷ و تبصره یک و دو باید مسکن او به رضایت طرفین اختیار شود و در

صورت عدم توافق، تعیین آن با شورای حل اختلاف زرتشتیان محل سکونت و یا دادگاه خواهد بود.

ماده ۲۸- اگر زنی نافرمان باشد و رفتار او، بیم خطر جانی، مالی و شرافتی برای شوهر داشته باشد که نتوان با اندرز یا رسیدگی شورای حل اختلاف زرتشتیان محل سکونت این پدیده را برطرف کرد بر حسب درخواست شوهر طلاق پذیرفته می شود.

ماده ۲۹- در صورت نبودن توافق اخلاقی بین زن و شوهر، که زندگی آنها، غیرممکن و غیرقابل تحمل باشد و بر حسب درخواست طرفین، با نظر شورای حل اختلاف زرتشتیان محل سکونت آنان با تقاضای طلاق موافقت می شود.

ماده ۳۰- اگر مردی زرتشتی، زن غیرزرتشتی داشته یا پس از ازدواج با زن زرتشتی، زن غیرزرتشتی انتخاب کند و حقیقت را پنهان کرده باشد، همسر زرتشتی او بعد از اطلاع می تواند تقاضای طلاق کند، شوهر مکلف است یک دوم از کل دارایی خود را به همسر زرتشتی پرداخت و انتقال دهد. در صورت عدم آگاهی و عدم طلاق در طول زندگی زناشویی، پس از درگذشت شوهر نیز یک دوم از کل دارایی شوهر متوفی به همسر زرتشتی انتقال داده خواهد شد.

ماده ۳۱- هنگامی که زن یا شوهر از دین زرتشتی به آیین دیگری روی آورد موجبات طلاق بین آنها واقع شده و در این مورد طرفی که ترک دین کرده وظیفه دارد در صورت طلاق یک دوم از کل دارایی خود را به طرف دیگر که در دین زرتشتی باقیمانده است پرداخت و انتقال دهد و در این صورت سرپرستی و تربیت فرزندان نیز به هزینه مرد به عهده طرفی است که در کیش زرتشتی باقی مانده است.

ماده ۳۲- هرگاه شوهر پنج سال پی در پی غیبت کند و خبری از زنده بودن او نرسد، به منزله غایب مفقودالاثَر تلقی می شود و زن او می تواند درخواست طلاق کند.

ماده ۳۳- هرگاه یکی از طرفین به موجب رأی قطعی دادگاه به پنج سال حبس محکوم و حکم مجازات در حال اجرا باشد، طرف دیگر می تواند، تقاضای طلاق کند.

ماده ۳۴- هرگاه زن و شوهری به مدت ۵ سال پی در پی از یکدیگر جدا زندگی کنند، به درخواست هر یک از طرفین می توانند تقاضای طلاق کنند.

ماده ۳۵- در موقع طلاق هرگونه کالا و هدایایی که از طرفین تا آن زمان به طرف دیگر داده شده است متعلق به طرفی است که به او هدیه شده است.

ماده ۳۶- طرفی که مقصر در مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۳ شناخته شود از نصف دارایی به موجب تبصره ۴ ماده ۱۸ محروم خواهد شد و فقط اثاثیه، اموال و بقیه دارایی شخصی خود را دریافت می کنند.

ماده ۳۷- پس از صدور حکم طلاق از دادگاه، و پرداخت حقوق طرفین برابر آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان، رویداد طلاق، (برابر مقررات ثبت احوال کل کشور)، در دفتر خانه ویژه زرتشتیان ثبت خواهد شد.

۷- در مورد فرزندان و نگهداری آنها

ماده ۳۸- نگهداری فرزند، از حیث معاش و تربیت بر عهده والدین است و در صورت درگذشت یکی از والدین بر عهده آن دیگری که زنده است، خواهد بود.

ماده ۳۹- در طول محاکمه بین زن و شوهر، در مورد طلاق، نسبت به نگهداری فرزند کمتر از ۱۸ سال و یا در رحم، دادگاه ترتیبی عادلانه مقرر خواهد کرد و نیز در زمان صدور حکم طلاق، نسبت به نگهداری فرزند یا فرزندان کمتر از ۱۸ سال تمام، دادگاه، با توجه به نظر شورای حل اختلاف زرتشتیان محل سکونت در مورد صلاحیت هر یک از والدین تصمیم منطقی اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۴۰- به هنگام فوت پدر، در صورتی که فرزندی زیر ۱۸ سال داشته باشد، مادامی که مادر زنده است و شوهر دیگری اختیار نکرده، نگهداری و پرورش فرزند به عهده اوست در غیراین صورت جد پدری و چنانچه نباشد جد مادری و اگر از اجداد هیچ کدام نباشد با نظر شورای حل اختلاف زرتشتیان محل و رعایت مصلحت فرزند صغیر، دادگاه قیم را تعیین خواهد کرد.

ماده ۴۱- در مورد درگذشت فرزند خانواده در صورتی که از خود به اندازه کافی دارایی کافی نگذاشته باشد چنانچه پدر زنده باشد نگهداری نوه بر عهده نامبرده خواهد بود و همچنین نسبت به همسر وی مادام که همسر اختیار نکرده است هرگاه پدر درگذشته باشد و سهم الارث فرزند درگذشته به اندازه ای نباشد که معاش و پرورش فرزند درگذشته و نگهداری همسر او کند با رعایت شرح فوق بر عهده مادر و چنانچه مادر او بی سرمایه یا درگذشته باشد بر عهده جد پدری است و در صورت درگذشت یا ناداری (عدم توانایی مالی) جد پدری بر عهده اولاد جد پدری است و نسبت به نگهداری همسر شخص درگذشته نیز اینچنین خواهد بود.

۸- ولایت قهری و قیمومت

ماده ۴۲- فرزندان کمتر از ۱۸ سال، تحت ولایت قهری پدر و در صورت فوت و یا محجور و ممنوع یا غایب مفقودالثر شدن او تحت ولایت قهری مادر است (در صورتی که پس از درگذشت پدر، همسرش ازدواج نکرده باشد و یا محجور و ممنوع نشده باشد) و در صورت درگذشت هر دو یا درگذشت پدر و ازدواج بعدی مادر تحت ولایت قهری جد پدری خود می باشد در صورت نبودن ولی، قیم زرتشتی با نظر انجمن زرتشتیان محل سکونت صغار تعیین می شود و همچنین است نسبت به فرزند غیر رشید یا سفیه یا دیوانه.

ماده ۴۳- هر یک از پدر، مادر و اجداد به هنگام ولایت خود برای فرزند کمتر از ۱۸ سال که تحت ولایت اوست می توانند نماینده ای رسمی تعیین کند تا پس از درگذشت او چنانچه ولی قهری موجود نباشد وصی شود.

۹- فرزند خواندگی و پل گذاری

ماده ۴۴- تعیین فرزند خوانده که جایگزین فرزند حقیقی خواهد شد با رعایت مقررات زیر است:

الف - در موردی که زن و شوهری بی فرزند باشند می توانند با موافقت یکدیگر، از جامعه زرتشتی کسی را به عنوان فرزند خود برگزینند.

ب - هر مرد و زن زرتشتی که بالای ۴۰ سال داشته باشد، می‌تواند از جامعه زرتشتی کسی را با موافقت انجمن زرتشتیان محل سکونت به عنوان فرزند خود برگزیند.

پ - هر کس فرزند خوانده اختیار کند آن فرزند خوانده وارث شخصی اوست و چنانچه ازدواج دیگری داشته باشد و فرزندى از او بوجود آید، فرزند خوانده نیز در ردیف یکی از فرزندان او خواهد بود و در حقوق و مقررات مانند یک فرزند حقیقی محسوب خواهد شد.

ت - پس از تعیین فرزند خوانده باید مراتب در دفتر انجمن زرتشتیان محل ثبت و به امضاء پدر خوانده و یا مادر خوانده و چهار تن گواه برسد و دفتر انجمن محل نیز باید گواهی‌نامه مبنی بر هویت و شناسایی فرزند خوانده صادر و به فرزند خوانده داده شود و مراتب باید در شناسنامه کسی که فرزند خوانده برگزیده است ثبت شود.

ماده ۴۵- در قسمت بند ب از ماده ۴۴ به هنگامی که زن بیوه یا شوهر بیوه، کسی را به فرزندى خود اختیار کند آن فرزند خوانده فقط وارث همان زن یا شوهر خواهد بود که او را به فرزندى خوانده است مگر در موردی که وارث زن یا شوهر که او را به فرزندى نخوانده نیز موافقت کند که همان شخص معین فرزند خوانده زن و شوهر هر دو به شمار می‌آید.

ماده ۴۶- در موردی که فردی، بی‌فرزند از جهان درگذرد و فرزند خوانده هم نداشته باشد و وصیتی هم نکرده باشد، نزدیک‌ترین ورثه (ورثه قانونی) می‌تواند در صبح روز چهارم پس از مرگ، با حضور موید و حضار، شخصی حقیقی را به سمت پُل گذاری شخص درگذشته معین کند و در این صورت، پُل گذاری، سِمَتِ فرزند حقیقی را خواهد داشت.

تبصره - صبح چهارم هنگام تعیین پُل گذار باید گواهی نامه در سه نسخه تنظیم و به امضای ورثه، موید و چهارتن گواه و سپس به گواهی انجمن زرتشتیان محل سکونت رسانیده و با ثبت در دفتر انجمن یک نسخه از آن به پُل گذار تسلیم گردد.

ماده ۴۷- در تعیین پُل گذار، بستگان نزدیک در گذشته، حق تقدم دارند و چنانچه درگذشته بستگانی نداشته باشد، از میان سایر زرتشتیان، شخصی را انتخاب می‌کنند.

۱۰- تقسیم ارث

ماده ۴۸- از دارایی بازمانده از درگذشته موارد زیر از وصیت ارث جدا می‌گردد.

۱- مخارج خاکسپاری

۲- مبلغی که برای اجرای مراسم دینی برای شخص درگذشته لازم است و یا برای درگذشتگانی که بر عهده درگذشته فعلی است.

۳- قروض مسلم درگذشته.

۴- مبلغی که برای صرف امور خیریه اختصاص داده باشد.

بقیه به عنوان دارایی خالص او محسوب و در اختیار ورثه قرار می‌گیرد.

ماده ۴۹- در هنگامی که شخصی زرتشتی (اعم از زن و مرد) بدون وصیت‌نامه بمیرد، و از او پدر و مادر و همسر و فرزندان بازمانده باشد، دارایی او به این نحو تقسیم خواهد شد:

نخست از کل دارایی خالص او با رعایت ماده ۴۸، به هر یک از پدر و مادر، در صورتی که هر دو زنده باشند، یک‌دهم در غیر این صورت یک هشتم، سهم آنکه زنده است، داده می‌شود و نسبت به بقیه دارایی، سهم هر یک از ورثه، اعم از همسر و هر یک از فرزندان پسر و دختر مساوی خواهد بود.

تبصره ۱- اگر در میان فرزندان متوفی فردی درمان‌ناپذیر شامل محجور، سفیه، مجنون یا معلول ناتوان وجود داشته باشد به اندازه دو برابر سهم الارث به او تعلق می‌گیرد.

تبصره ۲- برای نگهداری و تأمین مخارج پدر و مادر یا اجداد، هر یک از ورثه به طور مساوی موظف به پرداخت مخارج آنها می‌باشند.

ماده ۵۰ - هنگامی که بر اثر حوادث، زن و شوهری با هم بمیرند، هیچکدام از یکدیگر ارث نمی‌برند، وراثت هر یک از زن و شوهر به طور جداگانه از دارایی آنان ارث می‌برند.

ماده ۵۱ - هرگاه شخصی بدون تنظیم وصیت‌نامه، بدون همسر و فرزند، از جهان درگذرد، دارایی خالص او با رعایت ماده ۴۹ بین پدر و مادر به طور مساوی تقسیم خواهد شد و در صورت زنده بودن یکی از آنها کلیه دارایی خالص به او می‌رسد و در صورت عدم تعیین پُل گذار و نبودن وراثت طبقات اول به طبقات بعدی می‌رسد.

ماده ۵۲ - اگر فرزندی قبل از پدر و مادر فوت شده باشد پس از درگذشت پدر و مادر در موقع تقسیم ارث در صورتی که از آن فرزند درگذشته همسر و فرزندی باقی مانده باشد سهم فرزندی او به همسر و فرزندان وی تعلق خواهد گرفت و در صورت نداشتن فرزند، مطابق ماده ۵۳ ارث می‌برد.

ماده ۵۳ - در موقع مرگ زن یا شوهر که همسری از او باقی باشد بدون آن که فرزندی از خود او مانده باشد، نصف دارایی او بدون وصیت نصیب همسری است که زنده باشد و نصف دیگر به پدر و مادر شخص درگذشته خواهد رسید و اگر هیچ یک زنده نباشند کلیه دارایی خالص به همسر او تعلق خواهد گرفت.

ماده ۵۴ - اگر در موقع فوت شوهری زن او آبستن باشد تقسیم ارث موقوف به بعد از وضع حمل خواهد بود و چنانچه بخواهند دارایی را تقسیم کنند باید برای حمل، بهره مساوی به اندازه سهم دو فرزند کنار گذارند.

ماده ۵۵ - هرگاه زن یا شوهر یا هر دو ازدواج دیگری نیز فرزندی داشته باشند فرزند هریک از آنها از نامادری و ناپدری خود ارث نمی‌برند.

ماده ۵۶ - کسی که به مناسبت فرزند خواندگی حق ارث بردن از پدر و مادری که او را به فرزندی خوانده‌اند پیدا کرده است این حق مانع از ارث بردن او از والدین و خویشاوندان حقیقی خود نخواهد بود.

ماده ۵۷ - وقتی که وراثت درگذشته، منحصر به چند برادر و خواهر باشد، نسبت ارث هر یک از برادران و خواهران، به طور مساوی خواهد بود.

ماده ۵۸ - چنانچه فرزندخوانده قبل از فوت پدر خوانده یا مادر خوانده و یا پدر و مادر حقیقی او بمیرد که از او زن و فرزندی باقی نباشد نصف از دارایی او متعلق به پدر و مادر حقیقی و نصف دیگر به پدر و مادر خوانده و یا هر یک از آنها که سِمَت فرزند

خواندگی او را داشته‌است تعلق خواهد گرفت و اگر همسر و فرزندی از او باقی‌باشد، هر یک از پدر و مادر خوانده، و حقیقی یک دهم، اگر هر دو زنده باشند در غیر این صورت یک هشتم سهم هر یک که زنده‌باشد، خواهد بود و بقیه بین همسر و فرزندان، به طور مساوی تقسیم خواهد شد.

ماده ۵۹ - در صورتی که فرزند خوانده‌ای پس از فوت پدر و مادر خوانده از جهان درگذرد و از او زن و فرزندی باقی نباشد دارایی او بین پدر و مادر حقیقی یا وراث آنها تقسیم خواهد شد.

ماده ۶۰ - قتل از موانع ارث است، بنابراین کسی که مورث خود را از روی عمد بکشد، از ارث او محروم می‌شود.

ماده ۶۱ - اگر در میان وراث، غایب مفقودالاثری باشد سهم او به مدت ۵ سال کنار گذارده می‌شود تا حال او معلوم گردد.

ماده ۶۲ - چنانچه یکی از ورثه مذکور در این آیین‌نامه تا هنگام فوت مورث زرتشتی خویش و یا پس از آن از دین زرتشتی خارج شود، ارث به او تعلق نمی‌گیرد.

۱۱- وصیت

ماده ۶۳ - هر زرتشتی می‌تواند به موجب وصیت، اموال خود را میان ورثه و یا اشخاص دیگر تقسیم کند و یا برای امور خیریه دیگری که بخواهد پس از مرگ خود وصیت کند. تخلف از وصیت جایز نیست.

ماده ۶۴ - در صورتی که موصی بعد از وصیت فرزندان دیگری پیدا کند یا پس از درگذشت او حامی ظاهر شود و مسلم نباشد که موصی قصد محروم کردن فرزندان بعدی یا حمل را از ارث داشته به هر یک از آنها به قدر سهمی که با فرض نبودن وصیت، از تمام دارایی بهره‌ور می‌شده سهم می‌گردند.

ماده ۶۵ - شخص زرتشتی نمی‌تواند وصی غیرزرتشتی برای بازماندگان خویش تعیین کند.

ماده ۶۶ - در صورت نبودن وصیت و ورثه‌ای از طبقات اول و دوم، کلیه دارایی‌های خالص در گذشته با رعایت ماده ۴۹، بطور مساوی متعلق به طبقه سوم یعنی پدر بزرگ و مادر بزرگ اعم از پدری یا مادری (هر یک زنده هستند) خواهد بود. و در صورت زنده نبودن هیچ یک از آنها، تمام دارایی مابین طبقه چهارم، به طور مساوی تقسیم خواهد شد.

ماده ۶۷ - در صورتی که شخصی زرتشتی بدون تنظیم وصیت‌نامه بمیرد و وارثی نیز نداشته‌باشد و در صبح چهارم، نیز پُل‌گذاری تعیین نگردد، تمام دارایی در گذشته به انجمن زرتشتیان محل سکونت واگذار می‌شود، تا صرف امور مراسم دینی به نام درگذشته و امور خیریه زرتشتیان گردد.

ماده ۶۸ - در صورتی که انجمن زرتشتیانی در محل سکونت نباشد، در تمام مواردی که در این آیین‌نامه آمده‌است انجمن زرتشتیان تهران صالح خواهد بود.

۱۲- ترتیب طبقات ارث

ماده ۶۹ - در طبقات وراث طبقه اول مقدم بر طبقه دوم و دوم مقدم بر سوم است و به همین نحو طبقات بعدی بشرح زیر:

طبقه اول - زن یا شوهر، فرزندان، پدر و مادر و فرزندان درموردی که برابر این آیین‌نامه قائم مقام فرزندان درگذشته واقع می‌شوند.

طبقه دوم - برادر و خواهر در گذشته و فرزندان آنها هر قدر پایین برود.

طبقه سوم - جد و جده.

طبقه چهارم - عموها و عمه‌ها و خالوها و خاله‌ها و فرزندان آنها.

تبصره - با بودن هر یک از وراث درج‌ات اول در طبقه دوم و چهارم، درجات بعدی از ارث محروم می‌گردند.

بخش پنجم

بخشنامه‌های قوه قضائیه

از مهر ماه سال ۱۳۸۶ لغایت آذر ماه ۱۳۸۶

به واحدهای قضایی و دادسراهای سراسر کشور

با توجه به آثار مثبت اعطای مرخصی به زندانیان در باز سازگاری اجتماعی آنان و به منظور کاهش ناهنجاریها و آسیب های ناشی از زندان و همچنین برقراری روابط عاطفی بین زندانیان و خانواده آنان، مقتضی است به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان بجز افرادی که به شرارت مشهورند و نیز زندانیانی که جرم آنان سرقت مسلحانه، جاسوسی، اقدام علیه امنیت کشور، دائر کردن مراکز فساد و فحشاء، تجاوز به عنف، آدم ربایی، اخلال در نظام اقتصادی، جرایم باندی و جرائم عمده مواد مخدر و محکومینی که به قصاص، اعدام یا اجرای حد محکوم شده‌اند به سایر زندانیان با رعایت شرایط ذیل و اخذ تأمینی مناسب به شرح تبصره ۲ ماده ۱۲۴ آیین نامه اجرایی سازمان ها حداکثر، سقف یک ماه مرخصی اعطاء گردد بنحوی که کلیه زندانیان مشمول اعطای مرخصی در ماه مبارک رمضان حداقل از یک نوبت مرخصی بهره مند شوند.

شرایط:

فصل اول - زندانیان محکوم به حبس:

الف) محکومین به حبس از ده تا ۱۵ سال به شرط تحمل حداقل دو سال حبس.

ب) محکومین به حبس پنج سال تا ده سال به شرط تحمل یک سال حبس

ج) محکومین به حبس کمتر از پنج سال به شرط تحمل سه ماه حبس

فصل دوم - زندانیانی که صرفاً به دلیل عدم پرداخت جزای نقدی تحمل کیفر می کنند:

الف) محکومین به جزای نقدی که مقدار باقی مانده آن بیش از سی میلیون ریال و کمتر از دویست میلیون ریال می باشد

بشرط تحمل حداقل سه ماه حبس

ب) محکومین به جزای نقدی که مقدار باقی مانده آن کمتر از سی میلیون ریال می باشد بشرط تحمل حداقل یک ماه

حبس

فصل سوم - زندانیان دارای جرائم غیر عمدی، محکومیت های مالی و یا بیماران صعب العلاج کلیه زندانیانی که به

لحاظ عجز از پرداخت دیه ناشی از جرائم غیر عمدی و یا مدیونیت های مالی در زندانها بسر می برند و یا به تشخیص پزشک قانونی یا معتمد دارای بیماری صعب العلاج می باشند، صرفنظر از مدت اقامت آنان در زندان از مرخصی موضوع این بخشنامه برخوردار خواهند شد.

دادستانهای سراسر کشور ملزم به اجرای این بخشنامه بوده و علاوه بر آنها شورای طبقه بندی زندانها نیز می توانند در

اجرای تبصره ۲ ماده ۱۲۴ آیین نامه اجرائی سازمان زندانها به زندانیان مرخصی اعطا نمایند.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۶۹۳۱

تاریخ: ۱۳۸۶/۶/۲۹

پیوست:

طبقه‌بندی:

بخشنامه به رؤسای محترم کل دادگستری‌های سراسر کشور

موضوع: ابلاغ نمونه مکاتبات شماره ۱ و ۲ پیوست دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث.
پیرو نامه شماره ۱/۸۶/۶۲۵۶ - ۱۳۸۶/۶/۵ به منظور یکسان‌سازی و اجتناب از مکاتبات متفاوت بین دادگستری‌ها و شرکت‌های بیمه، دو نمونه مکاتبات تهیه شده شامل نمونه شماره ۱؛ مختص استعلام و ارسال مدارک مستندات لازم از سوی دادگستری به شرکت بیمه و نمونه شماره ۲؛ مختص پاسخ شرکت‌های بیمه به دادگستری‌ها برای تأیید اصالت بیمه‌نامه و میزان تعهد شرکت بیمه در پرداخت خسارت به حادثه دیدگان ابلاغ می‌گردد.

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

پیوست نمونه شماره ۲ دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث (پاسخ شرکت‌های بیمه به استعلام مرجع قضائی).

بسمه تعالی

(آرم شرکت مربوطه)

دادیار محترم شعبه دادسرای عمومی و انقلاب

موضوع: پرونده کلاسه:

با احترام، بازگشت به نامه شماره مورخ به استحضار می‌رساند بیمه‌نامه شخص ثالث به شماره

خریداری شده از این شرکت دارای اعتبار از تاریخ تا تاریخ با حداکثر تعهد خسارت بدنی به مبلغ

عدد	ریال	و هزینه درمان هر سرنشین خودرو	عدد	ریال
حروف	ریال		حروف	ریال

عدد	ریال	می‌باشد. غرامت خسارت وارده با عاید به سرابط	عدد	ریال
حروف	ریال		حروف	ریال

و ضوابط حاکم بر بیمه‌نامه صادره، به جز استثنائات قانونی مندرج در بندهای ذیل، قابل رسیدگی و پرداخت خواهد بود.

استثنائات

۱ - بیمه‌گذار، مالک یا راننده وسیله نقلیه مسئول حادثه، (بند الف، ماده ۲ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷).

۲ - همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه‌گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه‌ای باشند

که راننده یا بیمه‌گذار مسئول حادثه باشد. (بند ج، ماده ۲ قانون بیمه اجباری شخص ثالث)، مگر اینکه به صورت اختیاری خریداری شده باشد که تعهد شرکت بیمه برابر با شرایط مندرج در بیمه‌نامه خواهد بود.

همچنین رعایت کاربری وسیله نقلیه (موضوع ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶)، رعایت ظرفیت مجاز بر اساس بیمه‌نامه یا کارت خودرو (موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷).

اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه (موضوع ماده ۵ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ و ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷) در نوع تعهد بیمه، مبلغ قابل پرداخت و حق استرداد خسارت‌های پرداخت شده از راننده مقصر حادثه تعیین کننده خواهد بود.

بدیهی است برابر استثنائات قانونی اشاره شده، پرداخت قسمتی یا کل خسارت منوط به اخذ تعهد وثیقه بازپرداخت از مقصر حادثه خواهد بود.

شرکت سهامی بیمه

پیوست نمونه شماره ۱ دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث (استعلام مرجع قضائی از شرکت- های بیمه).

شرکت بیمه؛ شعبه / نماینده مستقر در استان / شهر حسب گزارش پاسگاه / حوزه انتظامی در تاریخ ساعت حادثه رانندگی منجر به جرح □ فوت □ در محل اتفاق افتاده است.

مقصر حادثه آقای / خانم به شماره شناسنامه محل تولد محل صدور متولد کد ملی دارای گواهینامه پایه به شماره محل صدور تاریخ صدور، راننده خودرو، به شماره شهربانی بیمه نامه شماره آن شرکت را که تا تاریخ اعتبار دارد ارائه نموده است. مقتضی است ضمن بررسی مدارک پیوست، نسبت به تأیید اصالت بیمه نامه و سقف تعهدات آن حداکثر ظرف مدت ۲ روز کاری پس از دریافت این استعلام اعلام نظر گردد.

۱ - اسامی حادثه دیدگان خودروی طرف مقصر:

(نام، نام خانوادگی، مجروح یا متوفی، نسبت با راننده مقصر).

۲ - اسامی حادثه دیدگان طرف مقابل:

(نام، نام خانوادگی، مجروح یا متوفی).

فهرست مدارک پیوست:

- ۱ - اصل کارت، سند خودرو و گواهینامه مقصر حادثه و زیان‌دیده (در صورتیکه زیان‌دیده، راننده وسیله نقلیه آسیب دیده باشد).
- ۲ - اصل شناسنامه مصدوم حادثه.
- ۳ - کروکی افسر کاردان فنی و نظریه نهایی کارشناس رسمی دادگستری مبنی بر مقصر بودن راننده اتومبیل مورد بیمه.
- ۴ - گزارش اولیه و نهایی حوزه انتظامی محل وقوع حادثه.
- ۵ - اوراق بازجویی طرفین پرونده.
- ۶ - گواهی پزشک قانونی راجع به علت فوت (در مورد متوفی).
- ۷ - برگ معاینه جسد و جواز دفن و خلاصه رونوشت وفات (در مورد متوفی).
- ۸ - اعلام نظر پزشکی قانونی در خصوص صدمه و جرح مصدوم حادثه (در صورت تعدد گواهی، تمام گواهی‌ها).
- ۹ - گواهی انحصار وراثت (در مورد متوفی).

دادیار شعبه

بخشنامه به دادستان‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده عدم رعایت بعضی از مقررات قانونی و نکات لازم‌الرعايه در رسیدگی‌ها موجبات نقض تعداد قابل توجه آرای صادره توسط دادستانی کل و دیوان عالی کشور و اطاله رسیدگی‌ها و تضییع حقوق متهمین را فراهم آورده است لذا برای اجتناب از ادامه روند مزبور ضروری است:

۱ - در اجرای ماده هشت آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۷ کلیه مواد مخدر مکشوفه مورد آزمایش قرار گرفته و نوع آن تعیین شود.

۲ - با توجه به اینکه تعیین درصد خلوص مواد مخدر مکشوفه و صدور حکم بر اساس آن، مستنبط از ماده هشت آیین نامه اجرایی مزبور، تبصره ماده یک قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ ناظر بر مواد ۲ تا ۶ تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب سال ۱۳۳۸ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی آن، تبصره ماده سه قانون مربوط به مواد روان‌گردان (پسیکوتروپ) فاقد وجاهت قانونی می‌باشد و لازم است با توجه به صدق عرفی مواد، صرفاً بر اساس میزان دقیق آن (بدون لفاف و پوشش) تعیین مجازات شود مگر آن که متهم مدعی مخلوط بودن آن با مواد خارجی شده یا دلایل و قرائن کافی بر اختلاط مواد با مواد خارجی وجود داشته باشد که در این صورت به لحاظ ضرورت حفظ دماء، میزان مواد خارجی مخلوط تعیین و با کسر آن از وزن مواد مخدر مکشوفه نسبت به باقیمانده رسیدگی و تعیین مجازات شود.

۳ - بر اساس تکلیف مقرر در بند «ج» ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ جلسات دادرسی با حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده، پس از استماع و انعکاس نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او، صورتجلسات دادگاه با ذکر نام به امضای نماینده حاضر در جلسه برسد.

در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رأی وحدت رویه شماره ۶۳/۶/۲۸ - ۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و ماده واحده مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸ و تبصره آن و نیز ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۷ در کلیه مواردی که مجازات قانونی مقرر حبس ابد یا اعدام می‌باشد.

الف - بدواً به متهم ابلاغ تا نسبت به تعیین وکیل برای دفاع از خود اقدام نماید.

ب - در صورت عجز متهم از تعیین وکیل نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام گردد.

ج - در سایر موارد، در صورت درخواست متهم، وکیل تسخیری تعیین و قبل از محاکمه، فرصت لازم جهت مطالعه پرونده و تهیه لایحه دفاعیه در اختیار وکیل مدافع قرار گیرد.

د - تعیین یک وکیل تسخیری، برای دو یا چند متهم در یک پرونده به لحاظ تعارض دفاع از موکلین ممنوع است.

۵ - در راستای اجرای دقیق مواد ۲۸ و ۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ و مواد ۱۳ و ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون مزبور، از طریق کمیته شناسایی اموال، نسبت به شناسایی کلیه اموال متهمین و تعیین مشخصات دقیق اموال مصادره شده و نیز مستثنیات آن در حکم یا حکم اصلاحی اقدام شود.

دادستانی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات مسئول نظارت بر اجرای صحیح این بخشنامه می باشند.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۷۱۳۷

تاریخ: ۱۳۸۶/۷/۳

پیوست:

طبقه‌بندی:

بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور

با آن که به موجب ماده ۴۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی «وکلاء نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.» اطلاع حاصل شد که احد از وکلای دادگستری با اعلام اشتباه نسبت به رأیی که به مناسبت شغل قضایی سابق خود در یکی از پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی صادر کرده بود، زمینه طرح مجدد آن را در مراجع قضایی فراهم کرده است! از آنجا که توسل به چنین اقدامات، تخلف از قانون و سبب بی‌اعتباری احکام سابق‌الصدور می‌گردد، لزوماً خاطرنشان می‌گردد که در نظایر مورد چنانچه وکیلی به مناسبت مشاغل قضایی سابق خود در پرونده‌ای اظهارنظر یا حکمی صادر کرده باشد برای همیشه از قبول وکالت در آن موضوع ممنوع است. بنابراین در صورت مشاهده هر نوع تخلفی از وکلای دادگستری یا وکلای و مشاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مراتب اعلام گردد تا اقدام مقتضی به عمل آید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۷۱۳۶

تاریخ: ۱۳۸۶/۷/۳

پیوست:

طبقه‌بندی:

«بخشنامه»

به واحدهای قضایی سراسر کشور

بررسی‌های به عمل آمده در بخش‌های مختلف واحدهای قضایی و شوراهای حل اختلاف، حاکی است که در مواردی حساسیت نسبت به پوشش کامل اسلامی، مورد غفلت قرار گرفته است به منظور جلوگیری از لطمات و لغزش‌های اخلاقی و اعتقادی و لزوم پاسداری از حرمت و مراعات ارزش‌های دینی و اجتماعی ضرورت دارد رؤسای واحدهای قضایی، چگونگی مراعات حجاب اسلامی را در قالب طرحی ارشادی، مدنظر قرار داده و با توجه به فلسفه احکام نورانی دین مبین اسلام بر رعایت حریم عفاف و حجاب در محیط کار، نظارت بیشتری معمول دارند تا زمینه‌های سوء استفاده و بدبینی نسبت به کارکنان دستگاه قضایی کاملاً برطرف و رعایت پوشش مناسب به عنوان یک ضرورت دینی و اعتقادی همواره مورد توجه کارکنان آن واحدها و شوراهای مزبور قرار داشته و از آنچه این حریم را مخدوش و موجب معاشرت‌های غیر متعارف و ایجاد زمینه‌های گناه در محیط کار می‌گردد، جداً جلوگیری به عمل آید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۷۱۳۸

تاریخ: ۱۳۸۶/۷/۳

پیوست:

طبقه‌بندی:

«بخشنامه»

به رؤسای کل محترم دادگستری‌های استان

به طوری که گزارش شده در بعضی از پرونده‌های ارجاعی که به منظور اعمال ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۸ (اصلاحی) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به حوزه نظارت قضایی ویژه ارسال می‌گردد، گزارشات ناقص و بسیار مجمل می‌باشد و در پاره‌ای از موارد اظهارنظرها منجز نبوده و با عبارت به نظر می‌رسد اکتفاء می‌گردد. به نحوی که به هیچ وجه قاطعیت در اعلام اشتباه از آن استنباط نمی‌شود. با توجه به اهمیت موضوع و اینکه اعلام اشتباه از طرف آن دادگستری ملاک رسیدگی در حوزه نظارت قضایی ویژه می‌باشد، لذا مقتضی است در اجرای مفاد ماده ۶ آیین نامه و دستورالعمل اجرائی ماده ۱۸ (اصلاحی) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب دقت لازم مبذول و مقررات قانونی کاملاً رعایت گردد.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۷۴۲۴

تاریخ: ۱۳۸۶/۷/۱۵

پیوست:

طبقه‌بندی:

«بخشنامه»

دادستان کل کشور – رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور

نظر به ضرورت توسعه حمایت‌های حقوقی و قضایی ایرانیان خارج از کشور و تحقیق در امور مربوط به وکالتنامه‌های تنظیمی در نمایندگی‌ها و جلوگیری از بروز مشکلات در زمینه احراز صحت و سقم اسناد، مقرر است ظرف سه ماه از تاریخ صدور این بخشنامه دادستان کل کشور با استعلام از مراجع ذیربط، مشخصات دقیق افراد ممنوع‌المعامله را به صورت رسمی اعلام و در خصوص رفع اثر از بخشنامه‌های ۱۵۰/۱۱۵۸۲، ۱۴۰/۶۸/۱۱۷۹۴/۹۱ - ۶۸/۱۱/۲۸ - ۱۴۰/۷۳/۱۷۲۷۶/۹۲ - ۷۳/۹/۱۳ صادره از سوی دادستان وقت کل انقلاب اسلامی اقدام نماید.

بدیهی است کلیه واحدهای ذیربط به ویژه وزارت اطلاعات همکاری لازم را خواهند داشت.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۸۷۹۶

تاریخ: ۱۳۸۶/۸/۲۲

پیوست:

طبقه‌بندی:

«بخشنامه»

به دادگستری‌ها، مراجع قضایی و شوراهای حل اختلاف سراسر کشور

با عنایت به اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد را موکول به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی نموده است، تصریح می‌نماید بخشنامه شماره ۱/۸۶/۶۲۱۹ مورخ ۱۳۸۶/۶/۴ ناظر به اصل ۱۳۹ قانون اساسی می‌باشد و منصرف از ماده ۷ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه کشور تنفیذ شده به موجب ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه کشور بوده و رافع صلاحیت‌های قانونی شوراهای حل اختلاف نخواهد بود.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۸۸۶۱

تاریخ: ۱۳۸۶/۸/۲۳

پیوست:

طبقه‌بندی:

«بخشنامه»

به واحدهای قضائی سراسر کشور

پیرو بخشنامه شماره ۱/۷۹/۲۲۰۹۶ مورخ ۷۹/۱۲/۲۵ و تأکید بر نظارت مؤثر و مستمر بر اجرای مدلول آن در دادگاه‌ها و دادرها و نظر به اهمیت حفاظت از پرونده‌های مدنی و کیفری و مراقبت دائمی از محتویات آنها، لازم است اصول حفاظتی و نگهداری از آنها پیوسته مدنظر متصدیان مربوط قرار داشته و از دسترسی افراد غیر مجاز به پرونده‌های قضایی جلوگیری گردد و در صورت احراز خارج شدن مدارک و صورتجلسات و ادله استنادی طرفین از داخل آنها و گم شدن یا ربوده شدن پرونده و اسناد ضمیمه آن، ضمن اقدام فوری به منظور شناسایی و تعقیب مرتکب و دستیابی به پرونده یا برگ‌های مفقود یا مسروق، رؤسای واحدهای قضایی و دادستان‌ها موظف‌اند مراتب را به حفاظت و اطلاعات اعلام کنند تا اقدام مناسب به عمل آورند.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۹۰۵۷

تاریخ: ۱۳۸۶/۸/۲۹

پیوست:

طبقه‌بندی:

«بخشنامه»

به کلیه مراجع قضایی

به منظور ساماندهی نحوه اخذ محکومیت‌های مالی تقسیط شده، مقتضی است، در مواردی که مطابق حکم صادره تأدیه دین اعم از بدهی، مهریه، دیه و ... به نحو اقساط صورت می‌پذیرد، در موارد تمایل ذینفع و معرفی شماره حساب توسط وی ضمن هماهنگی با واحد اجرای احکام، اقساط بدهی در تاریخ مقرر به حساب مزبور واریز و رسید آن جهت نظارت به واحد اجرا ارائه گردد.

واحدهای اجرای احکام موظفند یکی از کارکنان خود را جهت تنظیم امور اداری و پرداخت به موقع اقساط موضوع این بخشنامه معین نمایند.

مسئولیت حسن اجرای این بخشنامه به عهده رؤسای واحدهای قضایی می‌باشد.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۹۴۲۸

تاریخ: ۱۳۸۶/۹/۱۰

پیوست:

طبقه‌بندی:

«بخشنامه»

به رؤسای کل دادگستری استان‌ها

بنا بر پیشنهاد سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، به رؤسای کل دادگستری استانها تفویض اختیار می‌گردد تا در موارد لازم بتوانند به محکومان زندانی که کمتر از ۶ ماه به پایان محکومیت آن باقی مانده است و یا کمتر از دو میلیون تومان جریمه دارند هر دو هفته یک بار به اعطای مرخصی به زندانیان مذکور اقدام نمایند.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۹۴۲۷

تاریخ: ۱۳۸۶/۹/۱۰

پیوست:

طبقه‌بندی:

«بخشنامه»

به کلیه مراجع قضایی و ثبتی کشور

نظر به اینکه بر اساس نظریه شماره ۴۸۴۹ - ۱۳۶۴/۹/۱۹ فقه‌های محترم شورای نگهبان قانون اساسی، ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۸ از لحاظ واگذاری کل عین مرهونه به مرتهن در صورتی که قیمت آن بیش از دین باشد مغایر با موازین شرعی تشخیص داده شده است، لذا آن قسمت از ماده مذکور که واگذاری مال مرهون به بستانکار را بدون در نظر گرفتن قیمت آن و میزان بدهی مجاز شناخته است، قابلیت اجرا ندارد و ادارات ثبت اسناد و املاک مکلف‌اند در صورت نبودن خریدار با توجه به عمومات، بالاخص ماده ۷۸۱ قانون مدنی از طریق برگزاری مزایده نسبت به وصول مطالبات مرتهن به میزان طلب قانونی وی اقدام و مازاد را به راهن مسترد نمایند.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

شماره: ۱/۸۶/۹۹۲۴

تاریخ: ۱۳۸۶/۹/۲۶

پیوست:

طبقه‌بندی:

رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های سراسر کشور

به منظور تسهیل و تسریع در جریان امور و جلوگیری از هرگونه وقفه در انجام مأموریت‌های محوله، به رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های کشور تفویض اختیار می‌شود که در اجرای مقررات بند یک ماده ۲۳ و بند الف ماده ۲۴ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ نسبت به انتخاب عضو حقوقدان مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی کارشناسان و صدور ابلاغ مأموریت برای قضات واجد شرایط استان مربوطه اقدام نمایند.

لازم است رونوشت احکام مزبور جهت اطلاع و ضبط در سابقه به دبیرخانه کمیسیون نقل و انتقالات قضات ارسال گردد.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

بخش ششم

نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

از مهر ماه سال ۱۳۸۶ لغایت آذر ماه سال ۱۳۸۶

«اولاً: رأی وحدت رویه ۶۷۲ - ۱۳۳۸/۱۰/۱ در کلیه دعاوی خلعید کاربرد دارد. ثانیاً: دعوی خلعید به استناد قولنامه قابل پذیرش نیست. ثالثاً: رأی وحدت رویه هم در دادگاه بدوی و هم در تجدیدنظر رعایت می‌شود. رابعاً: در دعوی اثبات مالکیت کاربرد ندارد.»

سؤال - ۱ - آیا رأی وحدت رویه شماره ۶۷۲ - ۱۳۳۸/۱۰/۱ در کلیه دعاوی خلعید قابل استناد است؟

۲ - آیا به استناد قولنامه می‌توان دادخواست خلعید مطرح کرد؟

۳ - آیا رأی وحدت رویه مذکور در دادگاه تجدیدنظر نیز قابل استناد است؟

۴ - آیا برای اثبات مالکیت نیز رأی وحدت رویه مورد بحث کاربرد دارد؟

نظریه شماره: ۷/۷۳۰ - ۱۳۸۴/۲/۱۱

نظریه اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه

اولاً: با توجه به اینکه رأی وحدت رویه شماره ۶۷۲ - ۱۳۸۳/۱۰/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور راجع به دعاوی خلعید صادر شده است، این رأی در کلیه دعاوی خلعید، اعم از این که در مورد اراضی یا اعیان باشد، لازم‌الرعایه است. ثانیاً: صدور حکم بر خلعید و قلع و قمع بنا به استناد سند عادی بیع‌نامه بدون این که رأی قطعی بر صحت آن صادر شده باشد، توجیه قانونی ندارد. لذا در صورتیکه مدعی خلعید باید مالکیت قانونی خود را ثابت و مسجل نماید. اما رأی وحدت رویه مذکور مانع از آن نیست که در غیر دعاوی خلعید دادگاه ادعای خواهان را مورد رسیدگی و صدور حکم قرار دهد. ثالثاً: رأی وحدت رویه شماره ۶۷۲ - ۱۳۸۳/۱۰/۱ همانطور که در بند ۱ بیان شد، در کلیه دعاوی خلعید لازم‌الرعایه است. صرف نظر از این که پرونده در دادگاه عمومی یا دادگاه تجدیدنظر مطرح باشد. رابعاً: با توجه به اینکه دعوی اثبات مالکیت با دعوی خلعید تفاوت دارد، رأی وحدت رویه مذکور در دعوی اثبات مالکیت قابلیت استناد ندارد. لذا در فرض استعلام، دعوی باید طبق قانون مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار گیرد. بدیهی است در مورد قلع و قمع بنا نیز مدعی در وهله اول باید مالکیت قانونی خود را ثابت نماید. بنابراین در صورتی که مالکیت مدعی مستند به ادله و مستندات قانونی نباشد، این دعوی قابل پذیرش نخواهد بود.